و کدار سو ده بفاه دنیم به کاردبار دنیارا میدویم به داین رسافیم بنام کار کرنی جل و علی را سوم بنت اگر دیران را سعم به م و م وبك فني بكركو ورياف وبك وي رين نقرر المبكر كار ربت ي که ده به تندرب الو در د بمقصور فرامه رسيا ندسوده سنتا دم بهمدکس کمه فنی اندو در بهان فن از من ۱ و لی دمن در سمدان اللِّي ام از بهما على سَه وه مِنها و ويم مجده مبرد بانندونا زجاعت اداعجه طان الا) جربا فت كه اول زيمه ى شنافت فقط ترباني بالجزاريج مقديم اه وي المسلم

الن المرابعة المرابع فارغ البال و فدوي زا د وآسو ده حال که در و اکر سب آ فاب انجلاي مصالمات ارسى نبدكان ديش قال فراست فدويار كفار ختل مدونقا ضارط فاني كه بكامتاد رسان مروس ، ي عبال الما والميان ازائه والدان المراد المدان ال زرم و از مری برای این او تان دستها فرانداکه ایجا بِمنبدی کواز دفات در افرای رنا نریج منت سررد نیس Contraction of The state of the s The sale of the Color of المان المان

المبرع أبرياني الزابعب وظاهر ادنى وحب مولى اربيد ادلى The state of the s م برس بسراع ال بي خواسم بروفبول لكن الما يتي المراع ال بي خواسم بروفبول لكن المعان مي المعان المراع ال المراع الم مرع را ما عابنی باید وابن را نها بنی نیت سعدی اعتمان می این از ما عابی باید وابن را نها بنی نیت سعدی اعتمان می این می از می ا ر سند افت میم و کراید بلے وف ہاند کر سیج نحوابند آئیں۔
اتن کے کدار و کر مقصر و کراید بلے وف ہاند کر سیج نحوابند آئیں۔
اندای ہرکا راز ابند ای شور باید سف ید کوفتا پر مقصر و ظہور ایم از ابند این شور باید سف ید کوفتا پر مقدم و ظہور ایم از ابند این شور باید سف ید کوفتا پر مجار ایم این از مراز ابند این انداز ا النيخاي بركار ارزابنداي شور بايدست بدس، اين كاركار وودنه و با في بها نه سووه بقال و بنج سبي كوربت مبرود الريز المراز الإراز المراز المراز الغرار المراز المراز المراز المراز المراز المراز الغرار المراز المر بخطابه ف برسد مركاه كورنج كه از آلاب كذبال بالم المرسوب مراه المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المر طابه ف برسد براه ه مربی از منظم برای مربی در منظم برای منظم برای در م الما الله المعالمة ال

مترنب بال بهرحال ووال بذير و و كال و ونت انتقال سب يخا ند تقبر ا المام و الجلال كرايئية كدوات او ورجب وكبرائي او ت ديم و بشر عا جزا وتمتره عجز نبرد و منافی الذ مرجا که عجز آمه کرنا زلبس کمایه د اران انرز انرز النحود خورا برایه داران ازخود قیاس کرده کسی را جز نشارد المراد الرخود الم كراية ما وفت البلاست لا ي مدات كرو ومسوسيفيا (ولا المراب الم براه ه که زانه بی منیزی کمبرآبد چون و ها می سر رور بری از دل ندانه كالعد تطعيميونو واوري راتانيج بنسرور حميز وركارا ونيانا في دارد و نال مدرام ر نیف . در من البرات نو زنی جاه و کمن کروزا و زنا آمار که در باز نمح اقال آلایی ارباب شرصورت رئیسین يريح النفوط منيده وانتفام مهامها لم زقي كزميده است واورا سيجيل عِيمًا غِيمًا حَبِرِي در فن ان كري و فوفيه وهم درما مد فهمي مها رتيه وارم خاط بنس ازین حذبن دبهات کمی از ار رایان این د بازمسبرومن حزم و ند

Marie William Hours of the Marie William of the William of the Marie William of the William of t مر الار المركان كريال المركان كريال المركان كريال كري افرند ما م بلد از و بر و سن رس ران شرها و عفلاً و عزما غیر مکن افران و بر ان شرها و عفلاً و عزمان افران و بر المن و بران می در الرفوع آن اولا شوت مکتب از الما و بران و بران می در المروز المر المان المران على المراك المرا

ربعفر كهميها زمبداز بركسرمزي وافسروكي ونستيكه ديكرجا بند تسو وفعصة ونتنم جون الازك عبيه الاحس درزمان بندي طبع زاد رسيج سوري بي منيم كه سنب يُركشف الانعباراز بسرائة نربا دات يام مايت بدر قلیل مشتعار در زا نه کسفسر ا و رادو اكرب ندخاط خاطر آيد إيد نظر ت و صدافت کراهابرالازاهاب 🛊 🗧

ال رورد ارسار في المراتبا عن المراتب عن المراتب المرات الماراليمار فالم حرد دار فه و و نزيك توف كاند زيا وه الم م عبت وتنا داني شفات من من المام الم موست وتنا داني المناس و مناس الم الم موست وتنا داني المناس و مناس و م وانه در دفه المقل دا در و سب عد رر ر النبه ط ده و دو تعت و و و المراد الموراد و المراد و المرد و البه ط دة و د تني المرسمي المرافي المرسمي المر

عرية ولرسه دين نديكة در كذه. سررآر وسين كمبن اغض ينودند مي منو وو المناوين كالمنابر المنابرة رو د نغافیل مشکلی نبت کآسان نغو د + مردباید المرابل المرا وو+ وكمسلام تسوده بها ه مشتم مبداند إ مي رسالي كرمصير رمة مصيمان مسال فية تهنبا مُنبيضها سِيُعرِفان علاز بردِ إسْناخ طوطياً كن ول بنیا در بت وب نارکش صدرق سط خطاکش ملکه جن مان جز و از لم نایان و لم آن بیررینه چون کرد. په ریسه در و ا من خوشرلد صدف درو کو مربر قاش الب ان در رفام می بود *یے گفیے* سے لختی ر دار دل کدر دمر کو رمیسیم+من مات ماره ورنسه بهرفطاء ألبنه اذجرتمة اسيعوال كوي

ایرگررم بنا و بر به که ازالمفال صغر و کرین برای ها. قرار نسیا منا این از از این in the state of th مراه من الما من المراد و المرا ر دراه ون قالترميكا اص برجان بود زيرات مي المراب المراب المرجان بود زيرات المرب المراب المرب ا برطرح مکون مذا حقد شد و به فرره ۱۷ مدری در بیشر آمد بس آن برخ ردا نوجم بدا از این مورد کون از مورد کا مدری در بیشر آمد بس آن برخ ردا نوجم بدا از این مورد کون از مورد کا مدری در بیشر آمد بس آن برخ اکن کرخ رضا این باز این مارد کون از مورد آبان مور والمدنية الرجد وزكرت عربيها لكرموري المستاب واست ومناه وجاء المالية ال شوى + نالد نها لصيد ون و ما في در عبين كامرا بي مستجرس . ما و عي مرخ رريس اروما رص مي برو بنيت تهذا ، آسنية خمنه حاليت مركاه برزار الله المراد المراد المراد المراد الم ما و في مرخ روس ار وما رص مي برو بني شيخ است است مي من ها مي المان الما بالدكه ميان رئية كمان رئية اونيد كمان دوربوارس مي المان الما

ومنوله بريم ففيد كيك بضرح دار با قبت قالمية سرند ني كركبرنددارا ، آبازنه کاملونوکونا اله اجيه و عامد ندار م طلقت فابر بين بسه سرحند كه عالم دربن لمده خوا نداو د كين مدلم انبقدرز ياضي وال سما فم و از كو ايد بو داكثر بهزيسة ال غلام ك^{ارتقار} علم ومستعدا ومذاوند ورنه حق ضدات زئت مرز كانه ازمبلنج وه و وحدروبيا موار ليمينسان مادان ومتفاخ امدو مجذات متعير جربذه منوزكر فأركلال ونخارة م جرخر *سایند طلکم مد*ودیاا بحرمة البنج آله الا مجال سور هٔ نبی ه و دوم غور *برس*ایج ال وفضلا وخركمري النب كاربيت عطي خالي از اجري نبيت ونخو ايدو وبسااعات رات استان نا طی آبر کاه که این کمیرین نیز سردن این کرده است ارتیجیت م میرا المرامتك فالبغلم وبالتحص تزبا بنضيت كمتضع واربا فيضط

رنا و و ملا روز و در الم المركاد الم و المركاد برطور کفاف میکردالحال میفند تعالی عب الداری و بردایجد کم می فی المی این می در بردایجد کم می فی المی این می در بردایجد کم می فی الداری و بردایجد برداید و برد من دورز من معدد من عبد الدارث و من مراز براز نفا المن و المرد و و ت مون كنم و ت مين و ا لله منه منه اول اول وسروسه منه المنه ال عانه بفروخت برسید جون آنهم ناند لا علاج من دروا ده به بب بب برا رز برا رز کرد در آنه ماند لا علاج من دروا ده ب بب بر آید برا رز کرد در آنید ه معلوم بنت که رفته رفته ما کهار سمید وفت برای از در از در آنید ه معلوم بنت که رفته رفته ما کهار سمید وفت برای در از در در از در

ادلی *مه واکو*جنین نیز نباست مفعایقه نبریت به د کر بار برای جاب ز د نورتین ^ر حوف خوابم آمدا نیقدر *تنگیف نیز ر مخلص حبندان* و شوار نیمنت *لیکن* الول بك لائ ادان مستوره عفات خروربت قد مرمخبه فراسي وبالزكار خود وست بردار مذنباه ه و السلام حسر البّمام رقيع الو داد مقدًا ي الم خان الم مَسود ومنجام منال دارم كوكسني كردس كردد ونه مزال ال تن كردسي كردم فارغ لازم ورجا وراحنيم بففا ممنة كينه في منت كنزوفا وا بتحاكار مرحبذكم محسد وكوال نيم سمحه منداين وآل نيم كاسرم فالرعب كية بنار و؛ طنم كوفتارها كومصا حربير لوسساً طير بير يومارم كيابر بب جزمعانسي ديور حوالام وم صارًا ابن ما جنال وصِينم والجرمي غيد مي منيم خو درا عز زيت ارونه و يوق فم توكيز سو د منجاو كربوغ عالمريخ صاروزتها كو الرم الاكرمين والكركرم او في إلى التي د فراد ۱ بندگا خود را بطاریا آبیفت ار فرنود . د فرمود ه توسکواله میس نقسله : ۰ Marie State Control of the Control o

المرد المادالم المادال عرف المرد الم المرافح المرافع المراف الله برروزمت ماربار ا مات می بدو بر از افاحت از اما مروام می از می رواد می از می از می در از فرست چاره نیت بخرانکه خرران کم وسرگاه بسرون کم در نبولا برا ور عزرالقار از اهمه نزاران اهمه نزاران از اهمه نزاران المراه از از المراه نزاران المراه از المراه از المراه ا در دور ونمو ده اند سرحند کر این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنو دلیکن تدانجیت این از این امرالاین مفتان خان بنود این از این امرالاین مفتان خان از این امرالاین مفتان این از این امرالاین مفتان این از این امرالاین این از این امرالاین این از این امرالاین این از این از

اری بر از برای در این او تندر این ماری برای در این از این ارداع برور از خوش دونت اخش دي سه منود البد كاررا وتشاود Light Litable ^{بال}ا + ارتشرماریها و دجرمشیره دم دارخیالها که را^ن برافراستنم دحبش حائكه معلوم ووكسنان بكمر متكمالت حصوصا وزنج يوأنجان منده ام منيداننده ام تسسم مجدا ازدرم ونيو مَا الْجَارِيْنِ رت کی فرو د و حالیاً برایوئی نقیصار واخیا

ار معنی غر منرفب و موسنی غرمز صدقا در آیره را کر دید اکراز فرد از از فرد اکراز فرد اک البنسة لزوم بار مر فراز فرا بندعيذ ورز از صربها جر ميش آمد بايد و برك الحالية ويران المنتان ال ع د الحام على مرده ما ي مسيم لك في من المنها و ه رري المنازي كم خور الما يا من المنها و ه رري المنازي كم خور الما يا من المنها من المنها المنازي كم خور الما يا منها المنازي من از در کاهٔ رب المشرفین درب المغربین منحوا سبایی در در از این از در کاهٔ رب المشربی در در از این از در کاهٔ رب المشرفین در در این از در کاهٔ رب المشرفین در در این از در کاه در در این از در کاه در در این از در کاه در در این از در در این از در در این از در این از در در این از در در این از در در این از در مازم کو خود را ما درگاهٔ ریب المشرقین ورب مشوق طاق بزیا وه کر در و و کرمن انقدر رحت رد نانجا از در کرده با در و نوش آنا در و کرده با در این نام از کرمن انقدر رحت رد نانجا این نیز کرمن انقدر رحت رد نانجا این نیز کرمن انقدر رحت رد نانجا این نیز کرمن انتقدر رحت رد نانجا این نیز کرمن انتقال برای کرد در این نام این نیز کرمن انتقال برای کرد در این نام این نام کرد در این مورد این نام کرد در این کرد در کرد در این کرد در کرد در

Anthorn Best ت نه میچارخی ندادم لیکن میار ام مینواز کرچبری مخرر م و حایث روه ت مزاج او اعدّال منح فشكر د و و داندک م وكركون مينو درت ،امد تعالى فرميت كوازينج برنخ نفاحت ياسروا للافت برت إبمائكاه حافر شده تلافي ايام كذمشته خوام زنور لاس الت كواز الحومل كامل وانذ و ما قص العق خواند فا عكس أن الزكر ا في را ننا حبّان المه جزاين منبي كر ابن سنسكل مركة اكل مرا ورده المداني ابن فضل فر دي برآور ده اندو افاكم ال راجز و كال داند در تحصل آن م خورد ه آن رخوردار را باید کوپ لک بین ملایافند: مو د هٔ منظمی و تنم مطان فدوی ^{د و و و} فدوی میلم مقد و دواز اخبارات ى تشده كو آمدات } رايجان رفية ودر ما مدن } و يا بركشتن إزا تأ

and the contract of the contra من لمرى كم هاف برو طنوليت وارا مهمى هم درماد المان المرى كم هاف بروها المرى كم هاف بروها المرى كم هاف بروها المرى بر و و ماف کر معدی رح آن مینی ات کر بهرسفته ی او اندوا بر و و ماف کر معدی رح آن مینی ات کر بهرسفته ی او اندوا بهروا مفتد او عبارت از اول آیا فر دیک دنگ ماف نفراخ و نه مینی مینی از موند از معید در الفاظ رعابت مفدمد از معید به این این از این از موند از معید به در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ روا در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ و در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ و در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ و در الفاظ رعابت مفدمد از معید به در الفاظ و در الف and the state of t بالد وجودسوي أن كرايد وبسب لحاظ الفا فرعبارت نا منطوع المنار المراد المنازل والمندسودة من يجم إرك يدن ولكم في البرمات ان دو الكيس كفلياللقدار ارد ارانفال الم تقرب اكمت حياى نبده داوه تقريا فيت المراد فاراب في المراد المراد في ال

في الله المرو د حاليه الجدكر دربابيت الراوسيوس بي بهر سيس بي المركز المفاطرة أن الما المسبعد بهبت بسرسائ الرلفط التي بيبت مجمعني فوييد المؤكز المفاطرة والزالفاط نسهم دورا ندوري مرمقدمه تقديم لمتيدان وبرائج لمتيد تجديد لعظ ومعنيآتم لیکن در پئی نغت نرو دومحت و رهٔ اہل نابن از دسبت نه به و چسفان لنذكره دراندک تغیر و بندیا كهن الو وا نایه داین و قتی بند كرم ف كه و بستقد بین محفوظ ومبيش ورد ممتاخ بن بلوط استدوجهان كار د كربدف كرايد خصرصًا عالفر حكام كروفت لاحظ لِهنان خو د را صاحبيك تبدا و دامند كه دربن بو فع رآ ين كاومهة والرقبة كزيد درسا دات كزنيد ليكن إول ستعداد محاطبنيه وكالآداب

ازیمد بردار و و در را افدا کمدر فرورت نخص کر ورت و کا در کارازار الم افران در افران از الم افران در افران در افران در افران برا به میرود و افران در افران برا به برد و افران در افر العلى به ختان اكرچه از عبر من كرك فدر و ممازيين فيول آب ورك الما المعلى مرحمة المراب المراب المراب المراب المراب المراب المراب ورك و الما المراب ورك و الما المراب و حدال، و الما المراب و حدال معنی بوسی میوه دارا از غرسوه و دارع زست وجوات - بر معنی میوه دارا و نیم میران می میرود این بر میران می میرود این میران می میرود این میران معبول زا زهبوان به تمبر الم و فيض فا بمبت جادر المعبول زا زهبوان به تمبر المراد ت برسو که روی سخیر کند کرمفی کردو نه بیشر که اربسرس به الکام قبل کو در المحلام قبل و در در بیشر که اربسرس به و مضوط بیشر که اربسرس می و مضوط بیشر که در الکام قبل و در در بیل سخن مخفر و مضوط بیشر که در الکام می این می در در المحلام بیشر که در المحلوم بیشر که د

ار سے برکت نیاکن بندر کر جازا یا جوٹ زیرعادت مفرت ن^و ر د و ق نخر به وا تعب انفدر کا قبرت زیاد ه داغ یاستی دمه سو د پهټونهم سې پذان خې محفداران لېسد عن بېه زنت و اجواي کا رقا رة ركزيدي أن المكون المابع فرنبر كالحرامي سيساخ كالمفارز بحوا روسح والشيحا قبت ألرعابت شو دكما ل رزار مبت بابنده از نبد فرخ رما بايمد وكتا ابن محت ر عين وعين وخ والسنديمة اردما عرود ورما وترقي در وكت بيها بشفول موطف ابتدسوده سيلم رتوتي فتاجي ناص اليذلانه الأله به کامیا کرده کا بودند دوادا بحال زرو دند یک نور امیدوارد در به من در کاراند. به کامیا تخطی را جرام د کسر میگویند و به مهر عذر از ا حراسی کارکن روسی

المعوط وارزات العرف الركي الركب وفمونداز جودار حاص فوابث المستخطي وزين مورائي من زوران الله المفرار و و في فين رفيق إو و له الم والاكرام سؤوها المن المورات المن المراد و و في فين رفيق إو و له الم والاكرام سؤوها المن المراد و ومرغ سه ربدة وازانس عي رب و ورست المراد و ومرغ سه ربدة وازانس عي رب المراد و ومرغ سه المراد و ومرغ سه المراب المراد و ومرض المراد و المراد و ومرض المراد و وم سنبی کراین معادب، خودرا ورباب اکروایی مدرسون ونیا خواب و خیال درباب خودرا ورباب اکروایی مدرسون خبنی که ما بنرم ورایش سنور و و استن سنو د و تا کافیر آب بنورید مکرد از المالان از المالان الما (1) 10190 1185 111 521, 15 . Ash 10.32 . 11 12. 20 .

ا الله المراق ا ب المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المرد ال ورنانات المامي الزقا المدشالي لقامم ووت بنايا ورنبانات افتار مصايب وناكون نميت ارم فذوبات بررمبين ن المعتربيج برفود كوا دانييازيك إوران كال جے البر اور میں صفور در خدمت در درنبان دعن رارشا ارنبان ازم واس ستاول عرابیتا وجه البر المار در من مناز در درنبان دعن رارشا ارنبان ازم واس ستادل عرابیتا معلی المراب به معنی سف بدما بیشن ناید واین اکو در حضر سر نشو د سفر کند سفیترید يتخضي المهمودت سعرمت ليكن وسيلز ظفر الخامضة وكارنية انبرو مرا داز حدث رسول ا بی اطلبوالعلم و تو کال باله بین بین علم موف ربت جب یا لا علا علی مر سال الله المراد المر The Tain one of the said

ر في فذر و ننرت ناينه و خدمات ^إ سرف ز في فذر و ننرت ناينه و خدمات ^إ ن انم که ان را در تنها از کلفت یک نت کرونس ارضی. صوماً در نیون که باک نیم دارهٔ این می می در در در در این الما این می س رواره درم ران منازه ایم نده کیا فني منوع را نبائ بنس + مسودة رينت مع بوري لففر فري ففيرا اين الله مسودة برينت مع بوري لففر فري ففيرا فرزندي نيوست كواللك لللك الذي موعنى كل شني قدير در كاروب سكداز تقصر تفدير قفر نباف داشد كدار صنب مطان المنظم الم وراورد نبي نوع آوم باستي د كها د شاه دين ناه بي ستنباه صليقه العدا وكرانيهم نيت سم عن منت ننبر طبكه عالم است اس اس ورصداق العارو ب يا في بمة فضافضول ومعقول همه المعقول و رننده اكر خوطل^ط سب يا في بمة فضافضول ومعقول همه المعقول و رننده اكر خوطل^ط ون المت كرطب كمماج اليه على التعدالية البيارة مرم و درآوت خور) به لکن سراد المعقول فله م المنقول طاوست مرم و درآوت خور) أنه عاكم الكاست، يل محكوم عناص بمقدع دريات علي خودرا ممه اوج

موده المتدويخ رضمر منراريا فتان رابه چرزاء و چها غام و دا در رورش آن از و کرام عی میاشد بمچنه را م المسته وسراسينكره والكشيزا بدل منوا مدويج آ دا زمراز عي كربات عز تشل فرزيه و بعض ملا زعد أرزبورخوش بهسدوب تتحيلي واندالحه للبهوالمنه من بيع مبرر كدار نبي نوع النزم هر و وعرف نوز کرفت بل و دکر رزایل موده ره روري سر كار ذهري الاقتدار ست كمايياء ما و المجماوترفا

ي واي بر طور لم بروبر ني وايد ازالس سان وايد از سرده برواي ال رسي يو برافرا خد سمسره دبن بردان ومنس بغير على الدعليوس المحت ويوم ال داست رفحاتم الني دربار كاه حن جل عالى معى رزكان من وربات ورعا النيال و- ميسين على النيال و- ميسين على النيال و بول خصوها دره و في نارو ال من المان من المان من و كم خلا عن راكان من كورات و و عايمان الموسيد المعنى الموسيد المعنى الموسيد الموسيد الموسيد الموسيد الموسيد المولد سر لا بيرا صلى ناك را فريد سريم رس در در ال فرائد المان خود كه خلاط مر زیز كان فر نتیجه كامرانی اند وجرانا که تفجه اسيد الولد سر لا بيه اصل نبک را فرع سم نبک نند جاب مولوي هم علیه العمد كه محمو دالی قبت از دار فا كاران به كر تفي اليالة سرلابيه اصل ببار حين و الماقت المرامة المرحم والعاقب المرامة المرحم والعاقب المرامة المرحم والعاقب المرامة المرا الرحمة كم عمو دان قبت أزدار فأ مخلوى أنه بقات ما متماند چنين صف مدر مي المار المارا ال وفات ما وي توم كون كر من المعرف بها من من من من الله عفود الرم من و الده و المعرف على المعرف وأحوكارنا جاركت بطررر سوليرق وموده ماحت أخران بادائد وخرمين تصرر مايز العدائيكم درازي عمر كمرقي درجات ر د ذي كلا محت يون واصلا مسه رسطه د و م جَامُنْهُ مِنْ مِن مِن الكِشِيمَ وَخِيفِي سِنهِ الواليدِ بَدِكان عِيامِت بَمِنْ مِنْ ب راهراد سلاطر کم خلافه ان مجازی اند کمیفیت متعلقان خود نایان بااید وتعاننا نبعظا ونمود يهت و درقران مجد فرمو د و آوغًا عاستَخيك م يتُ عَبِي كِمَ عليه الصلوة والرّسلم كده الدعار هج العيا) ة لهذا مرتع عُصُ بافتگان ب طراط ن طرخ آر دانجکه در اه منارکز مفان ارتصوف مطن نقرب ولادت كودرغاء عاصى يدمعا هى بطهر وريساني يَ وَصِاءِ كَانَ عِمِنَ أَنْ عِرِي اللَّهِ مِنْ وَرَكِامِ مِدُودِ وَالْرَفِيدُ وَمُوارِي، إِي جِرِيْدُ افْنَا دِعَالِهِ كَتَّبِيْمُ وَيَارِ خِيْرِيْمُنِيهُ مُحْفِيحًا مِوزِلِكُهُ الْأَوْاتُ مَ وَرِي

المرجكون و نيز من كفت منفها بروم وظرفها بردي كار آور و م وعاسية كن آآ فت ب بابد وباران ما بار بيرم د ازا با ا بناهٔ و بهقب ان رفت و ارتعال او جر کرفت گفت محنت بارنیا اومخما كاستدام از واسب بهمال باران تطبعه بعرور ورزيته مناه وانسان ما زرواز سال و مال برنسي را خرب ميداني كي ماران مبطلب و ومل المن ماري المان المرادان المراد الحاصية واولات عطارا المراد الحاصية واولات عطارا المرد الحاصية واولات المرد الحاصية واولات المرد الحاصية المرد الحاصية واولات المرد ال المريال الموراني حسب كروميش مسيود كالبست و كم صادق الإهارة المراق المرا عدار صدفها ي حصول على مرت آيات صوري وتراران غرار آرزدي رف المالم بن المرار آرزدي رف المنالم بن المرار آرزدي وتراران مرار آرزدي رف المنالم بن المرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مرار آرزدي وتراران مراران المراران ا ع و ال و در ب رور و المان و ميا سرعوامع بيسع بيسع المواد The state of the s

مراتب تخلواما خلاق العدار بهمة فايت مي تنسنداين عاصي دويسر دار اتبًا وعوْحيية تقصرت محفرة كمهته نفايات ربّولانه الربسيار مك كرده المانسك المان المراع له معتفات بميسونية عند خاط في ادان الت درياب ألى الوجود كسي كوزور و + ظلكم مدو دبا بحرمة الني و الرالامجا تسور فوز ديم ((المال) المردنيا بهمانيز كمريه تأني و المريم الشفت و و و و آرامسكي ورين خرو زان زربا د تي اخراجات پرېن ن و د م که وز بيچې قبه مه ظه سلېغ د و کتي انغام فرمو دعجب آبکه زما د ه رّ جرال کشیم کراکبی این عو ضراال کاه دارمِراً ارا) و قت داکر مرف کنم کجا امحال در درستی امورات متنو ام مرجه که این کارمیر سرورت ليكن ارباب معنى دانجعيقت ربرسيدن خرور كرراي في

المود و مند از و فور نتاط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و المناط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و المناط و منعول ابن ط ابن مزدنه مازه و مرائد المناط و منعول ابن ط المناط ابن مزدنه مازه و مرائد المناط مدرسم ار و ورت ط و مشمول ابنیاط این مزدنه کازه و میروسی می میری این از در زبایز راسها در این میروسی می میری این از در زبایز راسها در این منابع و جوزگریم این از در زبایز راسها در این منابع و بخون می در بن منابع و بخون و و برسیم اللت از این ارصندی سربرز ده ازبن جربیتر و نوسته کراها بطارا ایم اللت از این ارصندی سنه برز ده ازبن جربیتر و نوسته کراها بطارا از آنید و بده و حسن مدت و بندنت را دید ریا در و ه د کا ورسایه والدین کی رسال و با دور کر دورا و با وج عرطیبی دوروهٔ الماری کی رسال استان و با تند و

ىاب^{دا} فطارع د المصادرا كريم مب ما ئم تسلى ‹ و خاط فاط خ ت بنا دان تليفه و تلحف المحرور در ار وقت نتو و المقصود طونير جا صلاً مدور لوزسود او او إيدر سلام والاكوام مي فقط برخشفيه سهراكتفا نو دخرسه مرآنج نيس قي رمخت عبر المير مخلع أيزخاكر معلومت وراكترعلوم خصوطاً

مندر مال ومان . - - بر مار و الحب من ما در من منده من مرده مرد من من المرد ال ك قيل و بحر و منه مواعل الموع كا و و منه بنيا المائية المائية

وجم مان وساعي كارمداح جان قسو مؤاف دامان مسوده و واردست ست پدتا بنداز کارکین پدوکیزمقصود میست کبید در وز مخلص نجانهٔ حیدالهادی صا رفية بودم طا قامت نند ها يمار و جير محدار حاب ورفار ومني قاب دروبواي بالشند جز وارند و خود منفر نفبض قدم مخر فرا بندا مي المرمي و بن مين سين كحربت انسانت ونارا يصال الىالطوب افرب ويراها موا النِرْ الرماسية. و انذ مراه وارند زباه ه چه تقدیع و پرسو د برمیز دم معرض کا النازعالى فالذائكم ورسه لافق حدارباب كرم نذه المريكم م جالد ولنه فطرئيرآباد واحدا دمن بمراراب سم كنسنته اندسوك نرل عطاجه زابيرمان بهاوقيات الصالحات رصفحه كالخات مثل للارومراو عيزه - با بر کات نیز حیث و مبشهه برخانجد بسیارک زانیا ریش وی وعزه راز خزاز عاره رحت دنو د ه مه فراز ومتا زحتهٔ الدفه دي نيرکهٔ ن و رکیاه آیان دسم که خواستگاری دا عرصهٔ مورکه منت دار تصوی عظم ار کومنس کذار کن بنده بو دآ یو فت جنابه ں کمراز طرف ٹانی نقا ضا شید رہت بکارباج پرشنے کی ریدہ وجوکارارم Tos. Curried En install Sugar Sugar

ابن دستر العلى من من ترام دو الرستورية كي الفيري الرياب المناس ال ما حسب مرحمه روزر علی این مسل البیما عست با بنه والده است مرحمه روزر علی این ما حب موم روزر على نام مهم ما صب زاد كال ارنبها في فوردن كم جاكفته اكر د لط ما شدخط ي ما شد به كف الجد رفيف المراد الما المراد المرد المراد المرد المرد ال

Tripling. منوا دم اومعلوم بمن ن کرد و و آینه _ه رسجه اجرای کار و ار د<mark>سومیا</mark> جودت بيفرآ بدآري سه امر وسنح كففة الشدة عيب ومنرش كنفة الشديمسؤكون عام خاکمزین و حتی به و مروحنی مدون روست و عبالت راه در و آرا م نی برد وورسيكا كامتنيذ والذمحت وركخ لبعارويه وكوشده الدورانجاخان خودكه درسوا شكار وستبره إمرها وزو دمايركه وبرمنها نداور وقعي ازاوق عرع زيخ ولا بفيرم بن أبيع بكالمتحدادا بایند کم اُدکم ساعت و مثب درباز دیدّان آستنمال د بسوی آن روسیے مند تا صدي كدمره افتاه واست ازوست رودو ول صبار أنياكياي طلب وتباتنس نية و وزما و ه "قب لِ علام و مرام كا مهاد تتسو د فيهم ن زمان الی آلان افزاکیش قدر قدمان منتور نظر فیفیل فز کردایست مم يْ جُونَا فِيْ وَوَقِينَ بِروروه عذرنه الإنوعية ذليل قدم عداد مذ نت کریم اگر عرضی دو د حاوارد واکر بنرا سوّ د رجا دار دوخی کرارسه کا د فين آنا د موزنب كفاف فيكند و تنكي جان ميكندازا ضافه سيرفرازي بايد مَنْ إِنْ كُو بِاللَّهِ كِلِمَامَةُ مِنْ وَرَازُ نَا وَكُمَّا وَوَرَمْتُرَى: مَا زُوْرِهُورِ } ر برخوري: مسوده ومرم درخرات اوعان ما كرآ فرر كارجا بال

الله كار كروفن ور رسيده كه نامان كا. لی سعی وزد و مطرب خوربوی طالب دو و تعامر جناب فصل می می رسید و از تعامر این می و از دیوان می می و از دیوان می می و از دیوان می می در الله می د علامتی را در این از در این از در میدیم و فار غیطے نیز کرفته ور از از می الله می فایم و می فایم و می این استان می فایم و می می می شاری فارسی و و و در بن المی فارسی و می می می می شاری فارسی فار اطلاع کروه مکان فالی کا بده عدیم و فار عفظ بز کرفنه در از این می فالی کا بده عدیم و فار عفظ بز کرفنه در از این می فایم و کالیم و کالیم کالیم و کالیم کال ور نصورت آن بر ور داردا با یک در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای از در از کاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و ف راب گفته به تند ای در دارگاه کاه و فی در دارگاه کاه و در دارگاه کاه و کاه و فی در دارگاه کاه و کاه و در دارگاه کاه و کام و کاه و کاه و کام و کام

يجك كرد و قرار كر درين تقيّر محله لا كم از مده فيطرت بجرّ دمني كسيندا فيا و هرو كرامام جوانح ر الما درمند كدرانيدها بيانو د دورا ارشير خيان رښون شد كه بنت مزل ارښار فنه كړ الرا الروادي المراق ال انفرال بمقين خود را درساك لزه وله كتبدو كامراني وعب القاق راحت كر الله الما صورت ب وبند آزا دي نبكت كر در على خراك سود ، خم كلام ضرالانام كم ا خِرالکلام آجنین علام میرمدالنی بصب و رکان تحت الجباین از زنبی نابت که در ابدوه ل دا غنیره ارکه فته و خاطر را چن بوی کل از خور فقه کرواین مفوت عجب تشفى افروخت كه خومن مّا ثِ وّال كمير سوخت ادامي كوالعاوت طبية إ ین *بت که ورحیٰدین مخالعت آب و م*وابموا ففت *مبدل شود ور دکونشک* این محل خطر نمیت حکم بعیاج که ده ه اند وخواص الاشیاروی کارادرده والتَّهُ السِيْحُرِ الْحَقَّ مْبِيرِّتْ راتْ بِخَبْشُ مِل وَجَرِ ورز مُستورِّتْهُ مُنْ مِرون

بعداین ولمت انی اسمی مکون دانی و عینی دو نود افعا می برنان می باشد برجند افر مها جوت بلی ندلیکن در الجرکر سورو به مرد المرد المرد المرد المرد و عا منو البد ال را المد لقال مرد و المرد و المرد و عا منو البد ال را المد لقال المرد و عا منو البد ال را المد لقال المرد و عا منو البد ال را المد لقال المرد و الأور كرا من المرد و الأور كرا من المرد و المر ب سال بعد و عامنوابند ان رالد نقاله ان مرود از در کن رخوابند دید و در کن رخوابند در کن رخوابند دید و در کن رخوابند دید و در کن رخوابند دید و در کن رخوابند در کن رخ مع و درستان جوه را عن خون نووی مهجوران مضطرساد ازی و عامرا کی این نیما عزل یا که میفرستی مرجند الات معدال این بیما عزل یا که میفرستی مرجند الات مید و در کام نهت که میزی که در این در میمان میزی که در کام نهت که میزی که در در میمان الدعاى و وسمان عبوه روب معلى المرائع ابن نبخا عزل لا كرسفرلهم مرجنه لايت المرائع ابن نبخا عزل لا كرسفرلهم مرجنه لايت المرائع المرائع وسمان ورحكم نهت كرستره ميكانه بهم تهتنا يشر المرائع ورحكم نهت كرستره ميكانه بهم تهتنا يشر المرائع ورستان من ورحكم نهت كرستره ميكانه بهم تهتنا يشر المرائع والمرائع والم برین دوستان سوده زبان فامه مح مراز دل وصفی نامه قابل و حل یس والاگرام متوه و جهارم کی از سهارا و تعالی ن مقب القرنب از فافون از مراز در منصد می از مرکد رم امر را بر منصد می در از می از مراز بر منصد می در از می ا برگاه کر او سے خواج کرکد رم اول قلب ن رازیم الاز ارازیم الازیم ا المبنبور كارجى لبيان ا دنیمی کومبندم سب ریش میند در سرنقصا بی که تشییند در بهر سود تشییند در بن قرفتان ارزوت آن دباروات كه خانةً ان كرم هوش آج بو آسورت ما آنش كرفت وم تمات ابيت رايكر بسوخت وببا درفت اين كم طرفورين حدمركرنه بصفر طيف أن خلافه عملا المفن بمركن لاين ا مربسیدا زا دربشس ل حاموضهٔ وانش ریخ دیوا فرد خشر رویدنگیش و جاگز تن آب شو د يامنيت كر مرزبانه اکش مت بنجه ني توانه رد پس رنيموريا ەكتىيىمنوكىيەم توك بىملىر : جەزان كفت ادلى سىلىدىكى سالىدارك دادات وجرولقصانات فرايد مسو دةميوم سها زنون ول نوستم زوك دوك Contraction of the second الى رابت وبرًا في بيرك القيامة بنه مراه زند كا في زند كا في إ دوستان كر وكنت و حظة بروي جاوداني صحبت باران بدست اور دن صاب خوش سكؤيده بهارعر عافات دوسندار است: چرخفرخط ردار عرجاودان تها: ارائحاً معنى سنة بيرين سنت بيرين سائعة بيرين جاوداني جاوداني صحبت ياران بدست اور دن صابب خوش سكؤيد الن صحبت را برهم زو كه أن بكانه زا نرا نرا بصراط غربت ره بوز دواین باشد. ور نظر وکر کون وازوار فکي ا کم خون و د کرانکه مدینوای فی اکر کنرکتر The Contract of the Contract o The City of Street The contraction of the second Chiالملك خور مشبدالد و به تينع خيك محمد محى الدنيخا ن بها در ما ذالت شرفة ب افبالهم وافار اجلالهم حورت رغامها ومامد كربركت ان

ريبيوة بمسه الأثر يمن وهميرة والمؤلير س کور و تذبیر بریاس و بیرت کا وفر او تف دیک وزاکرات بريوه وينسيه بالأرو تبقت دور أيزان مت أوي دووية الناضي تضام ومنتفة مايوه تمرد وتغني تحواظه عنيكم وكمناثة وتأتفعا يه انتميتن ويريرنية ويرميست أزغاه اعبرا أليب المنعومن كترت فدراره غان تمين متحدد يجرم بيترتين ر المرابع المرابع من و حقول المرابع المرابع المارية المرابع ا E/25/21 فاستدام وتطاكر عوق بالانوخة ومجابي وبالمها فرخة والأ ر سر سوجود به داخود المواقد ا The state of the s The state of the s The Control of the Co The state of the s

Co Jale Myy Clay Shotball البريزية والمرابين St. C. M. Lew Jing to P. J. المناز الفراف المناز ال A Solving المواقع المرابع المحاربي المحارفين Edilike Williams الموطانية الأفالية المراتية 180 1810 W

The state of the s مرین بازی مرین بازی آباز Tr. Odo Orion July July المبين بمن المدافعونعالى واولاده وادام صفاتاور قوم افغال زمن وكر موسى زيس محوركا ي محد عدالرحيم الأدم سركارنا مداراتها مسيته وانف مرار حني وعلي اسر حميعام فارسسيي وعوبي ميرسسبي دعلي عفى المدعنه سي اورحه المحرة برابين The Classical Contractions الري أرزين والم Craffe C. Che Gir .C'EN C.

عصر نتنت آمو وس عاد إمان المتعنى عن الاتعا صفي وسا وسر نظام الملك مير محبوطنيان بهادراه وت ن تربار کان انجمها ه فلک باری در ونی ملکت باعث الکه ر تضفت طراز بواب قرار لامراا قند ارالملك اقدار الدوليم جك كرزشيدالدين فابها در واست اجلالهم يواكي كناب مفيد عام علم إنها مناه الما مناه المانية ال أريح بين سبى منيدالدين فل ابتدار ا وال يس رابوكان بندودكن عي أانتر طال تمة النعات وتصنفات سي تاليف وتصنف نناع وحيدا خوش فكر وضاحت بيان بلاغت نت ن مى وره "وال ار دوريا كاشف المار الموامد و و ی المام الموار در الم فارسي واقف جبيع علوم عربي جامع معفول ومنفول فارغ التحصير قروع المول رسابل شهر دمخق مرباع جودكن ينده و قابق فليفي لانده هايق بابدة مفامين والفي وركوره و مقاصد عقا يدستما ورجر-بابدة دان و اعط كلام خرالانهم سوطن حدر الله وكهن مولوي محفل المام طالباله المراب ا النابان المالية المالي المرازيل المرازين الم Jak J. Julie J. Jak M. Sandillist

المرابع المرا The strings in the state of th تنبير لمبران S. S. S. ا^{خب}نونونونونونور. أبيني فبلبض وواليستندل أبيرا وبزل وليوسي حربيا وركورز كلئة نام امي نواتيصف حاه نفالم المستمولان مالانتيام فعل اسمين من ا<u>ئے عاربي بين</u> · لمنة ووب ففواته نفام اللك نفام على ان مها ويسترم تنظير حالك وروكاته ايضا ر؛ عام مدار على العارض المرتبة مركز المام على الديم المركبة مركز المرافع المركبة مركز المركبة مركز المركبة ال TOOLY CAN WALL Choosing Constitution TOUNGE TO SEALL The Control of the Co The Color of the C "CILYCISIONE ··· Up

The Judy Sex. To CK E COM ليام الحري هنول خط لار د گوریز ص 4.07 المراب ال Willy John Bridge Bridge 3117.014-763 14. 16/02 A. C. O. 16/06/16/20 16/1. 15/2.

John Street Par Jang J:01.81.37 الجنبي لم ين لا ين الم من و فنان الجيمان. 198 لفل من مشكلف حما بها درمهم لارد كور زخول حما بها در-P. Oppieter المه نادر Collace The state of the s Se Carrier Services "Oly Spice to Car Vicini

T. C. W. W. Y. Sell Mills in the state of th lie de la company de la compan Tien الماج المسان والمحافظ المان والمال الموادك The State of the state of the باس الحادم لاز ولسراؤاني اللا تصفياه ما درا ورسر كا ر من مناس مهائي والدار و كلا و لفل يعفى خطوط والانها مراول عبدين صلاب جالهادك 76 p ما مر حروانا کردوم ن این ال باده هدایم این فلا فترجمولانا المركة いたがらいるができたい المان الربن اوب بابان م سواكات الم م الحراري والمراكس ما الرك ما معرف مفراول وكر سوانجات المراطي كري ختمت حاكتم مرسل ورسفر و المن منج نوازاني الخوادين الله المالية المجالة الم المرابع المرابع 41) 1. 2. M.

· V.S. Town Light as the - 18 K. 40 m المُن وَالْمُن الْمُنْ المنازي المرابع المستسيد هر فرنس مارز المراد المورد د کرنشخولا مورسسر کارعظت دار کینی بها در بین ا در ربا دی خامدان مهارم رنجستاسی ا مشتها زاملار وكورز جزل ها بها در منكام فرج كنبي اقرال اكزري لازة لامور طبوعه ا شرايط عهدنا مصوح ونياس سركارنا واراكز ري اوروالي لا موديك فرزيات مين درميان لاد د کورز جل مرفزی اد د کمف منا بها در اور مهادیاً دلیسیل کم میولا مزط ع۵۱ Veg Classification of the Control of رنا مدمهار اجر كالسينكم وسركارنا دار اكرري مرح سر معرفه و المرابي المحافظة و و فرولي المحافظة المحا in the state of th ما موطن الخلية ووزر من منا الموردين أورت عي الارد أورت عي الارد IN INCOMENTAL OF THE PROPERTY The Classical States The Strain Strain The Carlon of the Carlon

المجدارة المائي أبراء The Contract of the Contract o مَ مِدِ مِرِفِهِ ١٢ جَوْرِي ٢٠ إِنَّهُ البَّارِةِ سِي البَّارِةِ الْمِنْ الْمِيلِينِ الْمِنْ الْمِيلِينِ الْمُنْ الْمِيلِينِ الْمُنْ ا المرابع المان بن عرافيد والمرابي ب برارالدوله بها در کی فلعه کونگیده کو غیرے وقعہ ا تها إلى في المالي المالي المالي المالي المالية المرونة المرو ن کے اور اربی نیبخرل کماشن ها جو مرکبین اللہ سے محداکبرہ کے الزرقتر نيابنسيء وقر عادت فرحب فرسط المرجل المن في المراد الم بن سر مرد المرد مرجورالآنا ابنے قیدیون کو اور جینور دنیاد دیفت محرط کو میں مواد حدور زااس کے کورور جبورالآنا ابنے قیدیون کو اور جینور دنیاد دیفت محرط کو ا مران!ب مروز مراز المروائي المروائي المروائي المروائي المرازية المروائي المروائي المروائي المروائي المرازية المروائية المروائية المرازية ا ومرعبها مفهاين الكرري ومدارا مني مكورة اه اريل مع ١٩ ١٠

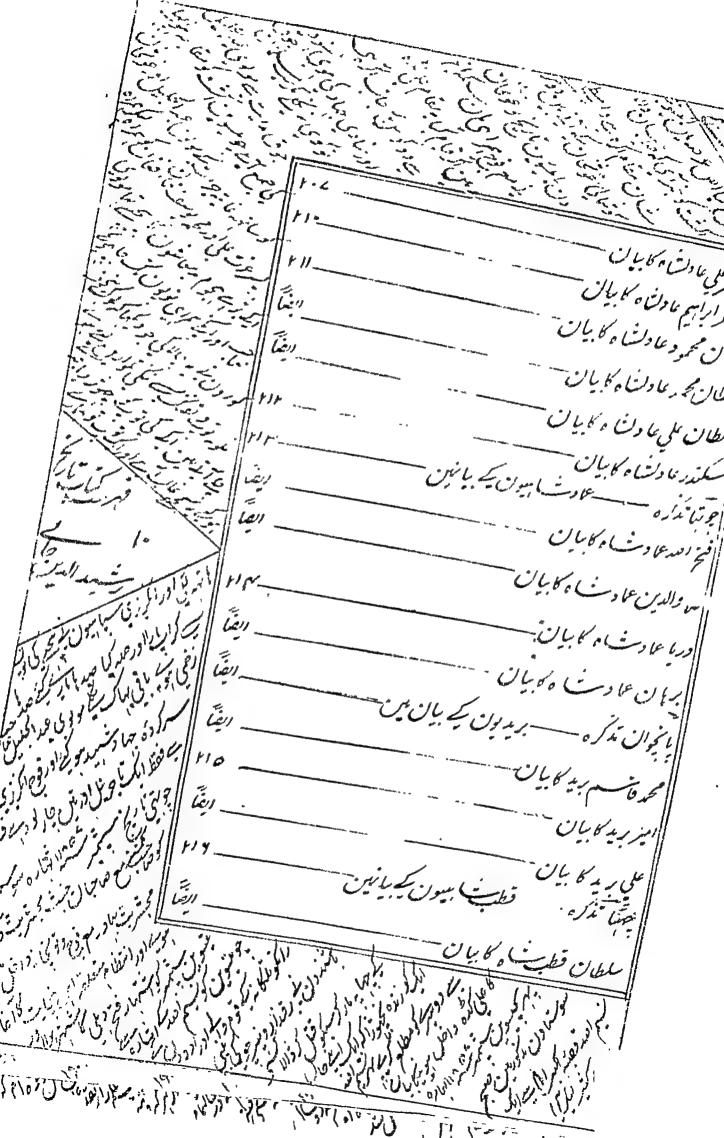
July J. <u>pr</u>ovlok المرسور البران يوريك رار وانذرام حاكم كورت فران كرزي ع ول عِكَمِي لاد كورز ع العدر مهم ورسية بها در سيماب عبد كوفيار كرية مرنج فورهوز لار مراج فورهوز لار مرى نصر فاران مو كرسكم بان بن-انوجي مسنيدسيكا باين ile state in the state of the s جنجوي كابيان ریان مین جامي كانيان عمون بعضه فوات كورو كوزيول دركورز ول مي الدوروب الميكي كواليا CIL SIE عمون أسبار لار كورز الن را حراما در Classic Town of the CL الايل المالي CU CUE

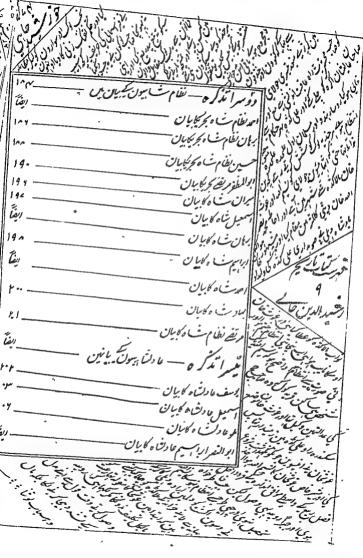
THE WAY WAY TO SEE THE PARTY OF L'OLOKO TOOK lot Cut City that عالى المرادار زمان اعا فلاعدون ظال وكورز فالم ورس المعلى المارة المراب المواجعة المحالة المراب المحاجة المحالة المراب المحاجة المحاج المراع تربي الما المرواس مودور ميو قايم كان عرستار فري ما المان عاني اور مواكم ما ومك عالى معام المواد الم اردات ا عراه اورسا کوشی افران افرزان می ای اور مایور من اه علا عرف عدا مذا جراد ادر افران الرزى Name of the second seco

1.30° (. ن عالم كرباد ف م مم يحوب دار سخالم بيم بار رز. انخبره دان کوزار بان ر نر هما برده و کلای *بنجر لیسا* اکرزی م ين المجان المحالية ا ما*ت (نل کلیفدیک* والدوله بأطركيور مدول فهربت مالكرمقبو ضهر كارباد فاركمني بها دراخل وجدر عينحانء ونها درجيب اور انك فرزء مطوز ين اور واخل م بالكريقيو خد في مركور كا سركار أمدار كمني بها در مين ذكرحدرهليجال أيكسه مطايق حارتحاء وكر فيكم يليد افران اكرزي حيد عليفان أيك عوف بعادر حيسي مطاق جابحا In Classic Constitution وأحكها بيدافرال وكزري ويوسطك بسرحيدز عينى نايك وجب جارجا م عا مرهفرن اورا مرموس عطان در کارفر شنل ترابط ارب مورفر سام عسو- ۲۹۰ in Gine فلا عنه خط لار د كور ز و از ني ويجب بها در مهسمي عبوس Che rui

سے اب مدرخات عیسائی ن کی ریار مدو و کس میں سے وار حدیثانی ن رسان اور متبوساهان سرخان وصوا ورمردار امریشهٔ اوربای خیرا و کرانی مال ور وزیرها در ص برار قوم سیکرافی سیاب سرما را افرریها در بین اور تفصیل ای و سرکارین طبین دوان د ولترار نورب نظام اللکه بها ورو الی حیدرا با د وکن اورسر کا رعظت و تا رکسی بها دراور موان اول مافلت قوم برعميرون يم بالنابن عن يح اللم مدك المواج المربي الربي المربي عنوان دوم قرم الخرز ون سيربان ين المح إم بفرالين واع المريابي ور ورو دنجاران ولندر مع قوم فرانس ووناً در ورو دنجاران ولندر مع قوم فرانس درود افران انزري مر عندا مدني صفي ما كرات تخطيجها أيرا و نها و خرص المجنوري مسمر الم 4 ما عدام مر عندا مدني من ما كرات تخطيجها أيرا و نها و و حرال من الم ابجهان إدعاه آمي به الناليل كالمان مر عَلَيْهِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَهُ وَلَوْمِ اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَّهِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلَوْمِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلِي اللَّهِ وَلَوْمِ وَلَوْمِ وَلِي إِلَّهِ فِي إِلَّهِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي إِلَّهِ وَلِي إِلَّهِ فِي إِلّ In a () V. W. July 18. بغراه المرابي الميال المال المال المال المال المالية 26/020 CP. 1/25 3/11/2 3/20 186, 1/3/1/2

مرا و فتر حکام فتله کیا با بین نام زکید اس می سیجون با عبوی الدربایشونیز باقديمي جدرببرزه سبهتنول جون بإغرزي ستقلال سبير ومقاليهن مبارا برکشس می کا حوال-لمذر ذو القرنين كا احال البرتموركا احوال نكام سندها ورتبطه كااحال ن ن کے حکام کا احوال كابل كا احوال الو*ب بكه حكام كااح*ال "LE يخاله يكريح وكاوال Chicana and Chican

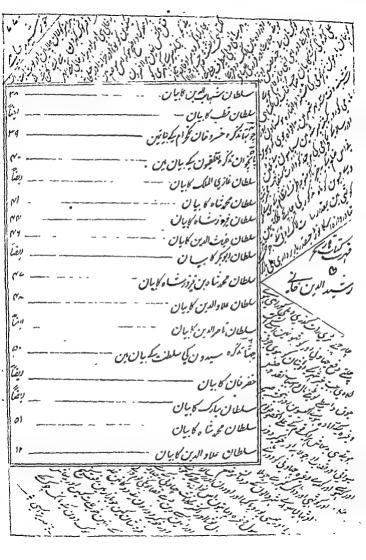




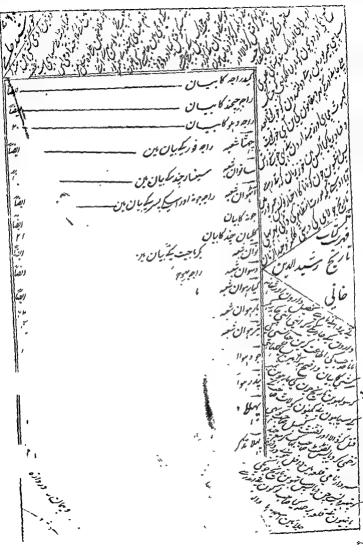
بدي ن زورت وسني بان المان احتاديمي كافان المطان عدد والديث بي كامات فَارِ الْمِيْنِ فِي الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ الْمِيْرِينِ المعان معيون عاميني الم ورف والمريمني لايان طان محملاً ومهني كامان بلطان محودت ونسي إيان بطان احت مي المان سر العان علاد بسر بي الإسان ملطان علاد بسر بي ت دول سمني كا بان 1600 1000 118 118 118 118 118 118 118 118

يروفر بإرت إن دكن روروبان يجم لولذر

عيرالدين محديها يوزيا دنياه كابيا نوان مذكره بثما نون كي حكوست محيمه بإنهن سنسرخان كابيان فرور سناه كابيان [K.O. 72101.00.18] (Kr. 1111.18.18)



دولرا تذكره سلطان شبها الديكن مالن Lail rg ملطال موالدين بهرام على بيان علاوالدين عابيا عات ملطان الدين كإميان ملطان مولار كبقيا وكابان نین کرده نمبسرا ندکره سلطان جلالدين كابيان. -علاوالدين كامازن The Contraction of the Contracti W.



ن الله إمال كابال ورسته كأيان اح و لد سوسر کاریا ن براع الداميك منافيان مكربيان بن بال

Joseph John Strains 3/1 کیے ورنا کے بیان بن الفيا اجتني كابان اور اسيك بي روان كإيان الفياً

رو برار برنها ل برون ا ينالم إلى الماري المراك المراكزين الله المراجع ا

ك عمل قررآبداز براديكو وارا ستدبو مذوئن المافح الور بالردالذي كادت مروؤا تزخروا وتسهوو تغزنها كردمود ووصاحاكم وائحا) وافزايش طايه معدق شمدادي نامیج انتظام اور از به انجداد. کدمصد ق دود دهدینیما در مورد این ر رون و خرجی در خرجی از ایران در دود قت بازم اند ار مدانیم در مواده از مجار البربوش خوالمن خرتها كهتر إيصال فاق والتسامر الكامون الملكاد البيماعم العرا بير كلدارعول في موش كلفه لرين بمحد وشبدالدنبي بها ورعر فلد العالم ستعالي اليف رمنتی خوش فکر فشاحت بیان بلاعیه نتان مما_دار

ية بنده وصلى أنها عدا والف ب کر سیخاید ه وانتفاعی بان نمیرسدوندارنی کما ر فقی وارد کا بنفاع معارج علم ف منوکر تنجور از دما دروا واکنا درد سے عظیم اس ا بنفاع معارج علم ف منوکر شخصر را زدما دروا واکنا درد م يك ازعوام وغواص الصالناس الشامئية ربور منابغه ه لين المين الي ومرفع ال ىي نرىم كوان فردازى طرف لىلى خوفرى فى يايدىية تيارى رويد مطرفواد وال يست هنيفذ انتفاه اربال استعبال المراسي المراسيس الأني والحااد حلى الأران الوائير الأكوائيس والمحااد المتعذر بودن منبح النان بإ قبال النبغة عبدري رتب بياكلي ذيكم في وحفظ لوازم واعديت ويكنا ولي ابن استر المتراضين ورعاب خوابط نصف قربت وسوالهم المرار المكنى اكرراما روخاص کال صن وخوشای کردیدار این که اید رست عطرین و نام آورجی فوارد انتفاعاه

्रिंग्ये स्ट्रीश्रहणे بال بي المراق المراق المراق المراق المراق المراق المراق عن وقد وقد والمبدائية المراق المبدوا وجود والمعارة والمراق المراق المرا برقدر کرانسدی بدولاق و حرف کرده و مذرور کم مذرجه این امنوروا به کار در مقر دارند در مقر دارند در مورد قراری بنبت فارته أن ميران و تبرين كاوجهان واحتائه مدل طهوراً وه و فيعز بقير مضروا والمراكزار توالمكان دربة عدم افعال مؤوره مواوركم أو دلاس فبذو صلى مورة ورام مراوركم بيا آنام دار د نظر رئيسة وباستريرها و آنين مورك تفنير . دارين صفية وَبِن بم رسورا سبحاكم زنها وربنر براور و لقوارها برق بروي ترنبت و كوحتمت و كالور او تنقف اورا كواز اوا واعد، لبدن فدرد انی وحس میرونه را کارکینی افر زیما در دمحبت ولی با دوبت وزیت بر کار موصوفه ور نوده اوطوف مراه رموعوف قبول تُرَبِّمَن شِينًا مِي وموقع بو د و رفيار وروبه ادرمر موفوداً رمه فی الحقیقت کا دمرد در کارون ختل آ برجب فوایش عنبارگان منبر آن موجود النظوف بن مركاد مقورة وصل ديموعن بن مندر منا مب و كلب A STORY OF THE PARTY OF THE PAR

مناين را تل بوسا ان روشاه ن بنیان این نیا رعط به اتبار و اعد قرار کرد که رست وانع حدثار ارد دا د مه تا بنیان این نیا رعط به اتبار و اعد قرار کرد که رست وانع حدثار ارد دا دا فرا خاط في الروه مواره الواجع ط فيرط بقر البقرائي و و كرنج إرعانيين عي و فيول خاط في الربودة مواره الواجعة فير والماديا علاوا والتكالي بهاد ورود مى دانىيى و جلالىيىسى مى داند مىيىت بوند فى الدول مومل. مى دانىيى دان داندى حنة بخريبا دراز مقولي ومعاني المرعوزه بعيزه جهرقراري البائغ ر میکا کو اُن غیره و ملا خطونمو دن نقاعیا میا میموم بهاور پوهوفی میکا کو اُن غیره و ملا خطونمو دن نقاعی میا میموم بهاور پوهوفی ظرف و درگامه درم

كلوازنذه اركمير وخت عطت وزرنذ الورايت جنمة ناكانا كأوري الصالك عماكته جناعة مشيدة اعدكاري رباج مناج اجرزي كارجوماج مرندي كالاكركتورا ودري سمار اقلم محةًا فروز الرير اور كرون من مرز المشرو فرزك هي يمسوم إدسًا ، كرث رثر مفره ولابت فراراً فر صولًا في وأالطاله ولامه أربع ورخة كانقة ما سيكرد وكدت من وص وفواع الواركم غوب الناظران كامل حيارت اذرو في الطت رعايك ولايت وُرْسِّ و جزار الرَّرِ الإمل ابن وبار و مسران عصول آكمي رضّة وانين وشانت أدار أنين سلاطين السرزين على تحصوص انصباطا وفنع مصاوقتك وخاق وتبات دقيا ووسه والفنة واتفاق كرور نفاد فبقيمتها سال مرأب مالات بني وزيك ن رود فضايل بريترين خسائل والتحصيرة وكارم رمضة وكأز الماحان ننرار كاوكا وأورك ورتهذيب فرابط ايات وسرواري وتركيب دو ابط حيايا في وسي سنة على بت تضفة اذاخال وافرون ركبهه وافوه جهبوز فمررو دراطاف واكتاف ابن فارتاح دواق ممبتا بتبا دودجان ازسا يهما زان مورف يتهوم تسبيه خاط وودمطا براما يحك مراهای المار برادیام وَالْدِهُ وَالْدِهِ وَالْدِيْدِ وَالْدِيْدِ وَالْدِيْرِ وَالْدِيْدِ وَالْمِنْدِي وَالْمِنْ وَالْمِيْرِقِيْنِ وَالْمِنْ وَالْمِيْرِقِيْنِ وَالْمِنْ وَالْمِيْرِقِيْرِقِيْنِ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِيْرِقِيْنِ وَالْمِنْ وَالْمِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْلِ وَالْمِنْ وَالْمِيْعِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْلِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْرِقِيْلِقِيْرِيْلِمِي وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْمِ a findankatil Se Carining A King Stranger

معلقه ولابت حراب البروسية الحراثية اه دو د کم کار و مار فرما والرنجوسرين جرسراي واين وخطرنان ولأمي واستام ورالفرام كارتا برول بحضوح الحاميد جرائسة ونبة وربن ومار مدتها منعط كردكات اطلاء تهم رسده الدخياني وننز كماحق مطلداند ں ہوحی الب الري ويري سأوالي روزا نهن به المرازة

لدخلوح كنبتة وصفاعة مرور النام كان بروث عامض فيرة ومواخوا بي ما دارس ود وا و و آغلی ان مواسمة از فا د وارتضاع پزر د د کوراند د انجی خه رنسیان پن این موقه او اکن مهر نافرادتاً، ووزبرد الارسمالي ولايت ومفتقام وورمني كارداني اراكتر صوابط دروابط اير للواء وتضيادكان أدليك والصحارا م وانسطاع اموردیت او تطبوكر وفلم بنده بدكرا باخبذيان عالينتان ورتب الحادد ويهيني ربية راجان خاط زنان ورناه داد كا التؤكر وولا في الورفيا يُنْ وَهِنْ عِلَى مِبَالِ الْحَادِ طرفين ومنررفاست عبا دو امنت بلايست فوافيريا وشاببي ومهنقاسة أنبرس

رة رشر كى كهرية خدمت قا درورعا قال ملسو يس طرسري لطافرانا لسراني ليصر ويركم اوررف مبدر نبال مما آيداورهد طابروبا برموا ميدنعاك ناكواس انحااكي كم موجد المت من فلق ا عقرانا نظام الملكثير تظام علتما ل إ The state of the s 197 to Silvery.

كالوّررتها جو كأو . فبال من آمسرور وَ رَبُّ أَمْ إِنَّا مِنْ مُنْ رَبُّهُ لِمُ آلِا لِهَا رَصْمَا ۚ بِي خَطَهُ اللَّهِ وَلَا مِنْ خَطَهُ اللَّهِ ورنسده وعربوان اطلاع النوراك بمدو الوفوز الرود المجالية توا دافرا) سركاري كرع قر غررموي بوها كؤا بورالارية عرفر كارنحا مروساد كالشرين بحو مقرقرة والمركزة ز انتشب کریکم سرکا رنبت که داور کو وزنی بین بیچیم جیت که جومان بهای فرانسزگر وتحايز نهايشي وينياسك بي برجارا أر بموضام وحون ببالمينااور مبنيه كوفيدر بونا خ د فرائے دیم انجر^{انا} غارش ي بموكره رالأ بقاماوته فأموارهمو ياورم

المنتهاراي الهوال ورمار جائزه بتياريخ خوال كيار ورسننه الزين كر مناور التي يان بعد غرو عاب طرفير من عوص كر لار ورا ينه مجيماً و فرا باسماب مبري رواعي دريوس الريام و مان کې کون ار اکارک روز بال اسمار در المري در بابال اسمام و مان کې کون اير اکارک علیه خالی موی سی اوراس می برین مقرر با یا مون حور بیرو قرا که تهاری ای کت مور برین مقرر با یا مون حور بیرو قرا که تهاری ای کت مور مِنْبِن جِارِشِي بِيُصَعِرِ عِنْ بِولِي سَجْنِ وَلِي مَنْ عِلْمِي مِنْ الْمِلِيِّةِ عِلَى مِنْ الْمِلِيِّةِ فِ مِنْ الْمِنْ الْمِلِيِّةِ عِلَى مِنْ بِولِي سَجْنِ وَلِي الْمِلْمِي مِنْ الْمِلِيِّةِ عِلَى مِنْ مِنْ عِلَى مُ بار دکور زجرال حلا در الا بهوالی و بسراها ما دیان سرگار کمی بن بهراور سرجایا مراکز در این به به از در بسراها ما دیان سرگار کمی بن بهراور سرجایا بجب بین در علی ن بونی از مقد استین مقد استین برای مقد استین مقد ا Silvariation

دمغرا بالمنتنب بركونترا جانون ونكي كمهما وسال حفرك أبدكي كوجهة أنبر مضمون ووافكا داعة بجائر كلي الوجه سيجاء عنامه والبرائع والمعابت وكابدر كالزنبانون بيذكها كمسفاللا والمعقف جهان رو المناكبة المراجبة الما مغفور ه جرماري من كو آيم آيم ميني مدول طلاع ايساني ايم عذر كما خود بزورا نًا) صاجرًا و دغ با بوار د و در قراره د بني ميند دا مجيد وليا شاور بر قرار د د افتر كروم بري بن أيل انته بي تحريفهم كرفيا اداده ويواينه آيته مورتفي برطوف

اناده تراسمكام درف دارس فلده طرف برفه فرزارة الدمراعية جمي كارند بال كرم دالوا المراسبة المراسبة المراسبة على كارند بال كرم دالوا ورسبة المراسبة ال عوالمريدة ونبر مورسال الوالا فدرخ الدكرديد وخط و مرادر مرور مورسة بست من ريم وورب المراديدة والمراديد والمراديد وغط و مراور المراديد المالين مولي حوادوا المراديد و مراور و مراور المرايد المالين مولي حوادوا المراديد و مراور و مراو ع الدارة عاي اوارة كورسك مندرة الدارة الوالا وتراز فوج بسري سينه وقت حرور كارسكارا لعالما الماليات الدارة الوالا وتراز فوج بسري سينه معلوا مدوميع والمراز الدارة الوالا وتراز فوج بسري سينه معلوا مدوميع والمربط وقد وي محاكم روالط ففت من المربط الموالط ففت من المربط المربط وقد وي محاكم روالط ففت من المربط المربط وقد وي محاكم روالط ففت من المربط المربط المربط وقد وي محاكم روالط ففت من المربط المربط المربط وقد وي محاكم روالط ففت من المربط المر راع د ها فراند ما ن خوامد رفت و قر قري حالم ادوابط و فوق وارتباط كرازما م فديم فيما بين المستان خوامد و مي الم و و همواره برا ما الما الما في درآمذ . ها ، كاروابط و موق وارتباط كرازما م فديم فيما بين م من موارد من الماري و فروي من كرروابط وفقة وارتباط كوازما مقد مفها من المريدة اع و ها و سبب المراب المراب و رأید ، جاری حوامد و در سبب در در ایا جمعیت او الم این از این برا و الماع از مراب المراب ال ركنوال ورو كارتسامه رسفور مركي بهجا و يع تفريق في منفود مرور و فور بيورا المراد المرا بركروال براه نميفرنداك واسط عديد بهريد بوريد و في وي برب سري الماد كورز خل من الماد كورز برا بسنقوا عنه كود المود المو 14.0 1610,0 Air Maria 111, 120, 136, Auton 100

Walter Strain ِ مِرُورِي البِينَةِ تَقِيمِ مِن مِي وَ البِينَامِ اللّهِ عِينَ اللّهِ عَلَيْهِ مِنْ اللّهِ عَلَيْهِ اللّهِ ال فرايحكما ولتابن الملاح موليني تنزطه بجيرح الكينيا ديدان خروآ قبال سكا كركير حضت سوكورو ر مات والميريس وتبايا وروي الورام زيرت دمرة را نباني ارص كي الميم سنو المجاهد ولم فوقي المردادي عصرات والبيام كازد الدرور ترح المتطاد كيا إرتشد بها دراز الموع فركي الم مون ساتو افي البروسوين اينج دخان الماركي لله ووزيكي ناط مومة اوتيزع ميرض كلتقر تتيرج وملفات غونه يرمفر دريته كينة تيرا ورمنني ركشيس مدخ أز ار سوير برد ا طراع خود من به او در سي رسته بها در مع مراسي ا دسینی دادا مری سواد کرنے ان وقع خوالداد بناس تناية مهري لاردكور زحزل ما ميكركندن القا جو لطه لاروج

سراج الأكسكر بلوف يتام ووكرورُ في آنجه بين سايا داي تبياكراني درا داي ويت عانا ورراج زغربها درك كملائت كم تمن مهي ورمود الي ورده ميكسترها كالفيان في كارتوا ياراكامة إنناسوه وكهان وتستريخ واضع وكرجرين افرارا مدكدرا ولب بي كران المرجدين اور كران رامريخ تقدمين الهواكرممكوا بياور مدداخل موقيم زويؤستوب كمنا راطهاء سيتية بها وكيا دموج منصنبهٔ ایکورتا بالرکی الارشاد را طال سیامی منصنبهٔ ایکورتا بالرکی حالارشاد را طال ارتباری مرظ رها برولت كي كريك كرفز جان ومينا جا كالمريد مقدمه اللي بران وتي مزيا عبد ن المراج ن لوص بي موافقة كرد كهي بي ويدار بي والماري high distrib يوموسته وبهيأ تأكيركم المعالج الجابو بِينْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عَلَى عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللّ مِنْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عِلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ ع مِنْ مِنْ رَوْدُ بِيمَا أَنْ عِلْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّ الفي مقرارك عين المراق التاب خود مود في ونعي را MOLODONE ME M. M.

والروارز وبأركه ول رام کی دنون سیم بیاری^{م.} الأسراج للك اعتراكا منبن بمسكم بساخدة تبتأسك لار ي ليُرجد أي ديوا در سداور فا قام قدال الم كاورود الركارصة والدوي مرام الماكيان الدكوالا ترالدكا ن طرفت مي راج ريدر بهار رامن رام

بي اسكا ان ديهات بكم محاصل سال الباكن و - فروار الفاف بلاي خي الحامر كارد والمدر أصفيري. عانفياً ني الرئيسيطرح كا عذر نه لا و اور ارمار مين مور بعاور. واحبي سماورخلف مفوصه تعم عدو د برجو تعلقاً كم علاقه نطأ بم ير برايد الروفة مموله بن تحقیف بود مبعدور د و مرار سوار اور بایج ارب ل سینه کوی ار س اور صنح مبوکه جب عرض کی نِف برمضمون سردرما رئیره کرسنایاا و رعبارت کی تام کی مدر رالها می کا رَبِ الْمَصْنَ مِي كُرُوااورجهان مدار تقفيل تروي جائين مّاريخ أي وانكي مرجمة الله الماريخ المي الماريخ المي الم الفرمندنيين كرور الميقام رعيار تين بتمامري سركانبسط لفظ دركاري جائد لفظ دري البيخاه بركني أبيتم فلم اصلاح باي بنوز كورا مهمد تباديا اور كور المر رست مسط بهي انيا كا غذ مهري كندرنا وه د إص مركار دو لمدار توامن بعد حصورطرف را. مور درآیکه از منهاری دیوانی برت نخاه فوج اگر ری کی را رسوی بونی او برایک می کیون تی تنهاری دامای آردر برا می کیون تی تنهاری دامای آردر برا الاوراءكا William William Com

فا در سروه وفرزندل تخمسه الا مرازما درام کمبرلود رسواح الما کساور عض يكى اورايات ملى وعطت جار اكوري حاخ بقير دو رايط ثبا مدجد بدتار مولا مه به خود منه خاص مهرانبی نبت فرای وککر عفر دار ک وسد ع بن مرادی من قرد را مقر وزی غواكر داغا حصور فيقر كم تورك مديم ي نشامه إنا مي وال ويؤال رأي أي بالهام بزندكان عالم لي نس روش مالتي متريستور ميخ وادكونتي فمرجندكم مترا والركيكم مكوسكا ومرست موسا وركي بي الما لواورز موقلا صمضمون تتها مصدرا دار مور شعان ^{9 مو} الار و سالیتم ایجری ارة موزين عيسومالا محروري ركارنطارك جالبيلاك ماست احراج ارد من المارة ا

و بي اسكا ان ديبات يكم محاص بيدسا إيال ياكرين ور و فرید کا اتفاق بڑے خصا کی سرکار دوائمدر آصفیہ مزورت على جانفتاني بن سيطرح كالمغدر نه لاو كادربرلو بين موجعا وا ولف مفوضه عدو ورجو تعلق كه علاقه نطأ أمير الرأينر بموكم بمقدورد ومرار سوارا وراميمراريد ِضِی نِے بہصمون سرورہا رکڑہ کرسنیایا اورعیار سے کئی تام لمقام رعبا دئتين بتمامري سركانس لفظ دركاركي في لفظ دركار يُ أَنِينَهُ قَلْمِ اصلاح عِلَى مِنْور كوراً مهد نبا دیا اور کوکر دا کر رسند ېور فرانيکواکر تمهارې د يواني مين تنځوا ه فوجا کوري کي ړار په وځي مو ني و پيلايک ر کفتر نا ما بر فعامین سائے اور ایکے ایکررسی کیون تی تنهاری وامای اس مرحم المفرنجان ما يهركوليك اكريه مهارااد الحرين كرديته مويدوي ع مل المي لي سيخة كرنعيان توصاً. بوليه كم آبط ديوان اورا باكار ونلي رد ديده آديكوبن يي م السلط بيمينه طوعًا اوركر بالخويل طاكي فركي ورنه كما حية -جوطال كاركادا ررق كم بالفرض كررو ليسويخ بوتية تؤيم كيا كرية كرتا جا بنوها بليم المجي وضين الت عالم المالية Vinv. velid

المرابع المرا موی کر نال او حار آبیاد در ادبا . مدر د ورزا عمر الا مراماد رامرمبراورم عوفو على اورايكم نبی را رعطت ار اگر دی عام بقر رور دیم وأرتظ والملكان وأ 1. 1. 2. 10. 10 دانی نبت فرای درگر عطه شار که چا مه خصف بن مراد دی سن ار دار در میر اور کی الله يوارد الله المورد على مورية المورية المورد د فت مرکز کلفد اگر زی کورنجا مام مدلان تالی می دوش این بیزیم دکام می بالما الما الما المن المرجعة الما من المرجعة فاوالي كولمولا وروابوقلا مرمقمول تبايره المسلم مورهارمون في المسلم المراد المسلم ال المارة وزير المراه والمرادية CA. E Constitution of the Cons بر برنج پرنج Cian.

وتحاديا ررسولا لاعات داس واخير مركم أتتو كرني راجعت المراشي كوكئي اور حراما در وواور حلك اسكاجوات للأ ر و ورس و محصر کا بونا برآجی المرابع المراب يى حيدر الم و ها ميكونا يربين حب ا جائيك يرسوالحواب ميكاكير اورسي معاط وين ما ريح به حواب ما كولتي كوم يم اور رينط علي Bru An War III. M.

مُعَدِّمَةً مِنْ مِن مِن مِن اللهِ المُراكِم مِن اللهِ اللهِ مویی دوسر و زمیام نظام اما دامر کرس و زن این گرور بوکرمور میر نمان داد ن . كودن ننځ ورمة زايمة د د عركيات بهزندين مير آينه کوبهت جنيدا موسکونالام : البولم برفعه عرصني كم اكو حفرت الخاصور وخرك برطاح كابهي وزا كزينط وكلب مركاء الخاتير البك كوبهي قبآن نين فرايداب إن امنيه كما جرامنيات خود فرائم كم تم نهيرك يكون ينب واباكه وي عادد وزيك عرصين كوباريان من عرا بينام حيد الم مِن مُ عا واورانبين مجاكم غوا كافير وكادمداناكر أوخرور سألاماما دراموكميركا درميان أاورفيصدا سنقدمه كاحوساته مسال الجلام ای کظ مواا درویم یک م که اناکوار انتهام زمکونو دید میکید ریا اور است مریک لملك وندامطي خودكي فانية فيكارة الجكيدا ونهادنا فازأ دماوضه ويطيمهن

ركرتيم مفايم الخارسية ص بیرنم ع مانی م حفرت کارت و درست میکن حبیب بلکسیم سپر د برکا و کارکن ریار ا رسط در السيكاور كا م كورار في جانبي دريط خور بنو قرات انين بيم ا كابهي كآدُ غِرِمتيري اربِحان كي وتغريف ليكئ رسيط بهادراني طنم وتؤقرس مراح اورب ت المياق الماق كابيان كيفيعد ال حوظ مندكا حالم كا تباليلاغ كيئه اوربيت أيئر سي اس مقد منافق المعالمة

يحاورهم كوسافي رقم كامنط رمنين أو بي برنگن م امرو^ت بي صلاح او رست كريك كنيك رنوي ارساطي أعركبا جالمبيرا ورخرابي وزاكروت وكراغرفه بالمحاشري كالسرب طرحكا سألجرا مِد خودانبي جائية ون والمي مِنقدمر مِناً. سخت او بِعلاج يونتر الأمرام) ورام م م فرزوا حارد دربار ورش فیشد شرک اسل سر در بهت کلمار يون فرفت بها دُرُم بيارتناه كريد ديهاد دخامخت لمبريمي مفايّ ك وخركرة رهداد رنخه لي ماج فرقع را

كالدرشيون فت رمهاراً تيكني الرحط عرفيكي بالم موقوفر ويتيهن بهار ئدم کونگیان وص فم كا تفاضًا كُرِيْهِ الني قيضه من كركتي موقد الكويه بار

المونان والمالية التين عيد الدراد ونو وكاتفاضان بي حظيفه بوادين وآبي تفكون في وكار نفراء تربون المدرز بر رستاجي يشوي مهول قدار الملاكا وز أيسي كولاج كمه مردار العها مرجعه إنساك الريابي كاركي تنوأه مين المسوقومضا يقرنهن كرتنوا وستجنث كيا سے مری ورنسزان خربے اوک ایک سے مری ورنسزان خربے اوک ل مطابقط حفر کی دارسیم ر کا *میکه تبدا*سوفت تهاری موار 100 نه بها فی ر^م مين دكهاه ويومياً راجي كعان او ما

رنخ اوالدكى روشيت علافردان وله ولسن ها مع وسي اورام ال كارد والرب عد اللها د اوافة فيتديها وريذيع الطلب الركيري ومن ومو و من مروع لخيرًا ورب البعد البعد روي المالح تقالم كارعلت واريم بين كي البح الرائيده كو تفاط موقوف المرامي وريد وي فاريخ كاونده المنافح المرابع المراب 14.016/020 ALIVE

بصاوركوي جارتيس الأموالكا ليرز مبابانات كأمدي لوباد واکارتبنامه د کملایته او مفتون ایج مطار بادر تدبیت در ه و آرسامن اروز شبنس الدبن كرنان وطاح ربار اجتبور وفورستي تغيير أدرياك ودبا دبن عدة الملكا ما ذرمهي رياست اورسوال للكربيا دربرجا فرار نرونه تنا مدروز وصور برؤرك براي اور متبر لاكر و وكى در منبر كئة اور تو من عد ادلمي مردخل أبان فرابعه اورجا دخض كم عرصه بن سم كينته كافيصاركم وبقي من اوراكية لى جائلى المناوكة كونلى الرص وسراس ننوا وكنفت كم يطوح جله جلتمين كأسرع ضرمندا ومرت مددمين بالجرمن وبواني ن بواكرين خود رو في الرم فك فقاعوا ، يم مقدم بن لبا جاستي مو ريضة بمن أرويت اورمر درسة جار للأكراد بإلفة بهجواديم بين

لم بخوفر وعلى ومء الم بخوفر وعلى ومء ارمین خانجران بها هامه رحاص عربی میم سید الایم برما جری^{ریام} آنها بیات بی بر الوصوت اوالي مريك الرولتدار المورانين وركي جهان كم مركار دوار بركا و با جار الكرار سند رست رست المسار والتدار سنوانين المرابي بهان كم سركار دوار بهو كا و بال مايي بر ورجي وربيان سياه في كام رفت المركرا وربط كرند سايسكم تحصف الكر مود المراه ار بالخرار مين اور مارين الميني والميني الميني المين الميني الميني والميني الميني المي الميني المين ير بوجوزب برسر مراكم ركي المرسم موار واند مطايع المرسم موال وراند وطايخ الله المراجعة المراجع Land Jacobs Military

يالمجيعين ماكولكين والكاتناوق لأتواوم نفد دييع جايتر هرياه رسين وسين إكريش هرواي والسنينية والمحتاج والم لِلْهُ صَبِّن مِنْ جِيْدِولِهِ إِلَّهِ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ إِلَيْهِ إِلَيْهِ إِلَيْهِ مِنْ الْمُرْمِدِهِ ا ويلط بيءوت بوقع كيوم يرتبد زاؤنك ملايا وكي روش كاذكرز أربير balant. ير ميركم نيدوت ال مورة كاسوكسوركي في خراه و واركيم يولا و دالفعل جه واراله , وان الر مِن بِرِحْوْرُ أُرِفَ كِيرُ كُوارِي تُوارِكِ أِن مِنْ وَإِنْ إِلَيْهِ بِمِنْ الْإِنْ لِمِنْ الْقِيدِي بِي حَلِي مِن بِرِحُورُ أُرِفَ كِيرُ كُوارِي تُوارِكِ أِن مِنْ وَإِلَّا إِلَيْهِ الْمِيرِينَ الْمِنْ لِي مِنْ حِلْمِيرُو سراج الملكين وركوجوا بمرجش موجع تبير طلب فرايك اليه الأفثادكم ا من كه على جائي البناء وتسمصوط كل لدواد ربقايا بني إيخ مت الم بعيثي مبريس خاكار كملاينے اور كي كور و تو زيري بنهين ترسررج الماك بها درنية حفورس عرنبي كي

ن كرن رنت حديد و له واسبط دريافت ايكي بي لكها مراج اللكرين دريا كرك تقافها سر رايع المراع وي اوروالسبط مح المعامال دا تبورول سجما لكه تدبيرين خود زراي ورخوله بندكي ب خيام بساكر نيريك خ سرار والماكيل درني بون کی حبورت صالم بن غربی کوری متن ه مهم برراضی سویک در تا مسلام برا درصالح بن غربی کورواز کوشی کئی سرکارعا بی سے دو بمولی واسیطے سال م موعياله بكر ربي أورط فريس فتي جنده طوالري وكول مقررا ما تماس فلام واد المهام وعوت كابها وكرك التحوام يا آيا بمرد د رض بويد د يو انحافه عاص من ما منصداروالم شهدار كها ورط علىغهاليش كرنيه ليكر مرحيد كنروه راضي والوبج وسيكمتعن سفهدار الموركي وبالخراج سالورد إرس كردكها كهاكم تمهاري واسيط لكريات ابني دا دكو بهونيو مكم او لها دیکھ اس رو محمد طواکرے دروز قبور خان مار تا رہا کا کرستا رہدہ سے سویے لیکن کے بہوا صعراتون المرفلكي بديضك وه دوي ودكو دم ومرية تيرير التر بومعطار مورو في ترامها وكالرم موالورها موها وما والمرام J. J. V. J. J. V. التفتيكي افردوا كوكوي ويسرا وربابي دعاغ بوندك وسلي بهادنه مقدم تنواه مکنومز کی ادل خود نه فرایسه که تمهاری رابعا با کی سبیل چار مینه مین سوی اوراده

ار پربرد. د نظاه دره بولوه علو بهونج ها ترکز کرد ها به از مساسل مرکز کار با این مرکز در نظاه در شرکز این با برای می از این می از با می این با این با این می این این می این این می می این می این می يا دفوي اوانبين ارفاد كيار دفر دواني كالياد دوريا إكر مام ار دود دورا بواره ۱۹ بروی به میم ایندو او اتی جوری آباتین کورای می کارد ا المواد المراب المواد ا ع و مد مها در عنایت بواده برغالت کریم کی تبی کو بیط کیم اور جندر در زمیدر مرا ایک . ؟ بن بهادر بسيمان و نون لانفاضا كيه جوروي فت يجند اروازي بكر يخير اس من الآر المرار المرارية نصدار که جندر درفوا کی وخراعی ارتی جندا باد و زره بن کیا کی کورتری ال مقلى فين ملوم كرونيك ليل مرسامره ايا منه تقار و كان براي كرا ديل اركونات الربيعي بخطا كارات وقت دروازه كلرور و لاكراكم دي كارت المدورها

هي رسوا وريخ وتعبيب انبي ربان كوكر النابي السيكا صياطس وبهر معدفه عان حارث كما تم أكر عاوم بهي فا ونهارك أيد من السرا الكرنيا ورك و إلى عروق مين بهراندوي و رويد كرناي ن يعني درا وركه بي دارا كمشفي حدود اسم مين بهراندوي و رويد كرناي ن يوحل درا وركه بي دارا كمشفي حدود اسم رمين بذكاماً كما طلاع كي كني خوديد مسبكي مع سراح الوكران ورقراً بهملا ورما موكه ورئا بداعرا واطرفعر رضم عافساتكم ردى تو برحضوريه تورندارا أمرأ سعاني أب ومبواكم مالكت كي استقسار كي نسس حكم خلاكا موام مربع للكربها دراورهان عالية مدوان الزري برآئي تنهاى بركنليان لوصاله بها درمة خواط لارد متصور رنورند كالعامنا لي نه ليكرو احل وشكياء علاقه اميرالدوله وسيم بمرصور في الم تم نه کیون والبسطی کرای رکوش بها در ندعرض کی که وه بناری و مد والدكي بين مم كو زرنقد جا سينفا ضامياه كاشديد بحاب

چېاپه کې کې کام ايلوايي کړي چوحصور ريورمين مذکان عالي*ر*

و الماروه على كوكر تدييم المهري وال كى تقريب رسن موي و لوكسفاف ازوالى دعوت من وي كي الروالي سكدرابادي مينة و تدريب وبراعرب كمريس والتي يهراكي وي وود كا ساله لين ركد ملي كرمار عبت سي الناررا وكوي ها يل في ذيا وي الريم المينيا. يهونيكوان عرب سراع لها رجيد وانوات بنها سوات دفعيا كيرما وركيدروا حراسكي كمي جو كيب النهي علقال مهاجن وكوركي جوامان المهورتين تنارجلات بهي دوراته ينسقلقان يزوركو كإكرت برس كمآت وادراني قيويين ركها حام يحو دسونه جراسي عون كرفت كرب كمر درني سراد فروض حل بها در كوواسط طداب ميوب ما مدوما م يسي كهلايا اور فعا ور الله المورية المالماد مودر الله ما كوريد من سراح الماكم او كو رقو لكها كراسي كي بات اپسي يوي بهتريد كرهادارك ميد ورزاسكاف وكترامو كالوركمة حسين كالامع حبيب شهرين اكتهاميو الحوليما ليكالو الكاليادة عوم كو الواكر بهت سجما ما يرك أن يفاق خسرام الماكان الرام ورسية ورسية المراكان الم عائو مركور را الميكار را الميكار المين المين المين المين المين المين المين المين المرسل المين المي المارة ا والمرابعة المرابعة ال 14.0 1810.00 S. 11. 12. 13. 13. 10. 50 1:12

المرابع المراب رعبت آزاري سباه نافران بدار کې رو زا ما بحوالط ركا كنَّه يكيلها بجبرت المبيَّرةِ ولمبن حاكم نبواا وراب جويية الكوادا دبن بكوابد بركارعط ية اركينها دركيكئي ركوشكداركية موزكيمها عن بان كِيا جا المحرك برّاخِب غور كاجور د لجرم كاء فاضاره میکنمین موته کجهسودی مین ایک نبین بین = عرض زیک په المناسي كيدنفع ودنين فظركه يتاس ار ريكائ وحب وبال تيه بندورت كريج ملكر فكا محتد اليفزياني ببي فرض كاتفاضا وفراى كوالفعل اريرة بوكاوركاا زلنه يحام موديسية ويناكركون ېم سو د کرېږي الم

تقريب وبينر سوي وموكر فيعنقان الروازي وعرت ميكوك طرميني و کان په طرميني و کان په يدين كوارعيت يع الحيان راه وي عامل و يهويجه ال عرطي سراع لا كاجنجانوك مثابوات وفعا كرما وركيرواجرا على حو كريسا المعين في التي مهاجن مركور كرجوا ما ن البهور تبي تيار جلاته وراء كإلى تشهران كمرآبيا ورانع قيوان ركها حام حور موري حراشي عوال سراد فورس من بها در کوواسط طلب سول ما مرسام میت کها ما اور ها و رقولكما كه اين كي ات ايسي وي كالوركم ترسيل كالعجبيت مهرين السياميون ليجاليكا الله المراع عوم كومواكر بهت عجبا ما يرك ما يذا وسرام الماكار الرفاظ وصلى ورباكي المالية المراء المرا واسط مقبال روانه و كرسوالح امام الظي كري كرتل عان كو ص ٧.3 33 J. 1. 3.7 11. 185. 16 . 18. 15 150 TO 1010

J. Andrika. المراد المرد المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المر باسواور خوزوري ن ه از رعبت آزاري سباه مافزان ردار کې رد زافزون سياد د کوي ارکوش کوار مه کيا کې که ؞؞ۄٳڔڮؠڹٵۅڔڲڮٷؠٳڔٷڝؙؙۮٳڔڮؿٷڔڮؿؠڮٳؠڹۯڡڹڟٳۅٳٷۣۼ نى بىمان كا جانابىك بآخِب خوركا جررولى كاعف داركىنى دركى التاجيلات المات نى بىمان كا جانابىك بآخِب خوركا جررولى كاعتف داركىنى دركى التاجيل ا از خاصل میکندن سر بر کیسه دی مین ایسکندن مین وخود دیگ به کی سراد دولته دارین در از در خاصل میکندمن سر بر کیسه دی مین ایسکندن مین وخود دیگ به کی سراد دولته در دارین النام ! يركي نفر بريت ورنبن نظریدان اور کیکوارش و بان نیسی سی عبدرا مرفعی بين وأزبر وفل كاسياره كرطف تحضيا فرركم ستوجه مؤانتني مدملاحظ كرويون تقا ب*اتبخ دفرای ک*الفعل *جاری ک*یتیم ي برايد دين كرين دس م م سودی بی اتبداه آما کارکت کو نیکا در دخته ب إيطادة حدثيرة عام و آياكيجه كاميان مفصولة بمحلفك مي ماران اعرى كان فروخ البعاك فخ جِنْدا زُوازِي بَاس جِ رِجِيْدِوالابا زِور كُوفِي كالماكر وركبوا بـ نت تقاضاكيك بحاوب كوساموكات كمرا الورانيا فرفع موكاري والمامجة امر مع المدكور جا فا آور فو راحاكم ب سيكي يون احوداب رم كوكر رو بوايف جفد كرم بهرورور ويكاجد مكول فيوس ياور إيار فع الخالين جرار بالريز اورك The state of the s

. .

the distribution of the المكن فيا صافحة برسي ورموي وكراها مووري الدكاورة روات كم ارما جامل كاورتم لارد كورزجل عمل بهادر كم خطا كورانا عوروس الله الله الله عنائل بلية الأي The state of the s Jis you 12. かのというのかがないいいから

Like place in يكذار توكيا وم كروط وحال كالإحدارا كالحرر زحز الماوركوق را كوفت ماي كيدارزوي واحي ماده زكر بيدةً ما يوسي كا والصور لورد المراجعة المرادي واحي ماده زكر بيدةً ما يوسي كا والصور لورد المراق ا بالدروه وكور كورتار عل آور يانوم ويست بيديد روا بخ برموني بيسلس برشادل بغادرهان مع برون و ناوران المعان مع برون و فودان وركي زول على وفول أسن كي وف كور زول تفايد كور الم الدوم المراق المراق المراق المراق ورق من ما درم الرسين من من المراق الم عامرين اورا لذات كورزجزل عمل بها رسيع فأمطل فعي جرهم ويو بناس جاعكم المهار والأصفه ريورين ما بومون عركا كورزم بحدي يسجما وابن كالنيك ته تبغض بسراج الملكاة ورنيسوها كرباتها سيندمري فوف كمتفت بم ورصوركي لافات من كسرجات المروازي من سروالوزراه وكالوفلاد في . جائي واسطاب لينكوات عالم في كوكز اور وووس ما رسيده وال صر بها در باد در او در کی باقن کی اورهٔ دان اور عطودان دیکر نوالهم کورخصه سرانگ د إلى نارور د كُوَرُ كُمُ الربطين وقت بي اعلى به فوكرمت كاكد كي دليس لو الكر وَكُورُ مُنْتُكُ

يم كيد مكنها حب مراح الماكم ايك يع مراية بياا وراحكام كرديا راحکام کردیا نتیمرا برکه دوسی باره رفعو کرا. ب نبرهیر ^{در ا}طلاع موی ته امر مضاف طرف حضور کم^و لاسك البراكينية بيرجب كوي سريح الملك كانام بة كارتام بارت ولوو The Sales of the S

وصيح اسرجهة كرتم حدمت مفاقة سيعرو فأ بهائي وان قباكي درمير شائي فوقط بها دركم ر إيكاآيامراح الملكمين وركوم بيور ن نقط و اضيع و كدجه ب*مراح الملك بط* درية مؤكم بادى فروره بي دن سير توكيد تنيه مني بي كلهدر سنها

تىلىنىس ملازىك ملا كى در فرسكالى سرفارد دلى دار كالى بي فرزن م بارمورسيم بين اخرين معرن استن در كامهم و كي مراح الماكر بها دريذ اس قيد كو منه المعرف الماكر بها دريذ اس قيد كو ده کریکے حصور میں کدرا مام سے حصور لیے ما ہ رہیج الاول کی وین ماری ان الرا الروكر كوه ورب كاجر كما ذكر دفر دو اين بوجها الي نفوين كي اليم ان مها حرب الم المرازاد المرات المناح المرابي المراق ار تصامیه کارنویل تا یک برسم الما بی کی اگرماه اما در بوید جو مکرده و در در نیم اتمالاه دولا وبلطان بيد بي بيان المراس وفع اول اللك البيما بيوس المراج الم مذكور كي اورد في دفول رفيال اور كيم نفذه الله من والاراد الرائم منه باركوك كوتني كو بهو مريه الملك المرائد الركوك كوتني كوبهو مريد المائد المرائد ال مَا يُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحِلِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحِلِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحِلِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحَالِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحْلِمُ الْمُحِلِمُ الْمُحِلِمُ ا فدا بيام الماراه مغيان مين فلون كريس بر ومضور طرح ومكيما وربعة جندروز المالة الميم المورن مين المورية المارية الإرشادامي الرين وو سراكوا ين جاري ومدالجرا مُعِينِهِ الْ حَوْدِ لِوَالْ مَنْ مِنْ الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمُعِينِ الْمُعِلِي الْمُعِينِ الْمُعِلِي الْمُعِينِ الْمُعِلِي الْمُ نِيَّا الْمِيْنِ لِهَا ورفحار السَّيْنِ فَالْمُورُ الْمُنْ الْمِي عَرِيرِهِ اللَّهِ اللَّهُ الْمُعْلِمُ اللَّهُ اللْلِي الْمُعَالِمُ الللْمُلِي الْمُعَالِمُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّ

المرابعة ال المرابعة ال بعاية فا موصوف فجاز التساكر دي و واسي تولي المنافع المرابع المعروب والمنافع والمنافع والمنافع والمنافع المنافع ال ٳۥٛؠؙڵۜڔؙ؞ڔ؈ ٳ؞ٛؠڵڔۻڮؙ؈ڒڽٵ ٳ والتع دوات بوعيد ومؤلع مأمواه دواس دابسة مغير فرفوك فوا (گرِنون کابغوان فی سن البغوان فی ایس عالم ا اللائن برميلي سأركم فلدكو لكنده بيدمكر اكرحمت والمراك س وبرشع ن بيدمه جنون كومنجا حيكة المراد كبينين مرسويه البين وين أربح سراج المايئ درحافر دربار سوكرد وخررن

جريني كذارتنكي اسطرجيرتو مجهير بنين موسك تنجن وبالتكريبرك كأبها ومحت البياني كرمالفعاط كالنومي دبناورا فرارا ملكهوالبنا ببدائي رولي نجون كركي بجاوبنا وراكا رلنيا خود قرا سراج المالف مي رنيبين لاجميع ع كي تبروب كا دمد كرنيبوج جيكمور يدار فاركي حوديد مسايرون ارائ فلام نفي فال كوغول رز الملاكي ورو كالتيالي ر مواکه لاباکه سیمراج الملک کو د یوان کرند میں ہے کیدیات ہے ۔ ُ عا صل كا م انها مئيوين كوبها درمو البيم كويا و فراكرايك ربيني الماس كي عنايت كي و رنيابت ^ديواني سيم ب مرح به به برجوع بوسه اور مذرین تهنبت کی گذرامین خانج فیطهٔ ماریخ سرفراری است بردی به برخوج به به برخوج بوسی افرانده و ایران برخواج با فرانده و برخوج با مرفواد با درا فار کرمت به با در بر موراه ای نست به برخواج و برخوج و برخوج به برخوج و برخوج برخوج و برخوج برخو كريمتار فوالالتك طرف البيم رجع بوي ورندين تهنبت كي كدرانين خانج فطه ارتج سرفراري ن ارسس مدسه برین و افراه اوره ای خدافت کی درا نبرای و رجوایت حودید مربی از افراه ای اور رجوایت حودید مربی از افراه ای اور رجوای از افراه این از افراه این از افراه اف حصور وفض كني رورجوا كورنرخ الأروا الريس المراز فرياء الم طداداکرد نیکاه در تربون و بهی بهدیدت در به بات عد سون بوی وی بوی از این از اهم این به این از اهم مصدراینی حرکات فرد کار بازار به بازار به بازار به بازار با

بالانطابا وراسن تهرتبديل فوز برار كار خركونا دوم أكيد قبام دوا كيتر كل سرم تهدر إخواج فرم عركي الأمحرة سّان اللي كروعالمة واركوية مخدما صراركاية وكفر الم يحى لك أوان فدر كانتدى

الورسرال الماديكوام رنيح رسبح المتأثمركه بارة سأتنجوي ار کان دو عله عافم رما راور تام آ دمی لده م کم ورت برقا در بی الما وركسيزت بها ورسيم الات أصلى المرابيني لها وركسيزت بها ورسيم الات أي ودرباريني وه کوانی لى نوابىش بىرىرىنىڭ مەيكى در. ئىلى نوابىش بىرى ئىلىرىنى مارى بهول جو نكرف م يكروفت كَ رُسِّنَد صَلِّع بِهِ إِلَى الصَّورِيِّلِو كَهُمُ وَإِلَيْ ل منته مط آبارتی هی ورسیر مندرج رتع بهاوره ماره ويذب بن الجد جل رسته بهادر ال فرايع بن کنانبرسد اور ال کار ساری رود بی व्युक्त के ति । जिल्ला المُنْ الْمُنْ 1 THO IS OF SURVEY WILLS L. OU.

روز كدر كلناه رئون بري ريدلان ليران واليكام ديون فرفر كا سنت بها دين برل كلول موفر كي المريع على وكور فران الم المنت اليوكا وال واجهابهتر يوابان للبيروسياي جاريقي ببن وهوايك كرماري طرفية مبرؤكس بها درماً كدار بنركي مجيد لرباب كورنت بنا مل بحاليرب بخيتے بن کو ڈلر بة فايم كونيه ديوان اوراد التخرخ ضر كارعض هار كمينيها وراورا خراج مو غدمته بوکرفها حنبن کی کذار نتو کین اوپ مو دف*ه کی که دامیطایس و متراسکا* وللكث نيرميفة يحرك ولابن محداللك ومغورا وبرشيا وللفك فيومونو The state of the s

م رمنی رمین بست بسرترا بینمانه را داه مخت میآورسداس^ی صدیع رحوعله القدار اللك بها درمكر د اخل كونتي تهوكا و راتها رموين ارنح ا ه مذكي صور فيفوكم 14.2 [6/02] Caloling " [1] " 150.10" " 1 1 1 - , x 1

ومقدة ب البه بين إنخ رحيث فالورجه ركشان



KARU . يه ابن! كارمة אוכניסוגא "וו-.

بحاكئي روزين جنارا بمركه مربها ونعربهي فيتست بذاسيكم عناجا بيرحضور كر مورغه معروضوا كا ا الخن كر رميكا رمويم بسرة الميسالة را المجنس ساكا رسيم استح صاب ح ادلت كار إلى ترجين كارمان فاستار كارى عا جووقا عرصها جفدرا ف كريم كرزهما . آيت حوكمه اوسوف الارامي عاب كي اور و بان بي وريك كفيكوم عدي رياسي او زداة

ۥ ڒڗ_{ڹڔ؞} 11-11-11-1

. صاحبکوطارک حوار صاف راک روز لليمورك جدرانا سي رواز موصل ضعيف مين الرسيطرف فيعالي وا كتهدائكا فليم عربين حوروات والياي موي تتي وه State Contracts ب عجيه الكرصاله برج بدائح الارتبار سوري الى أبنيرس وكرسوا كالمعام اللم كرى ترل فرزرت بهادرسفير فأركوبور شورطي الروائلا والكارد والمارد عبسوي مين مطابو يركنه الم المريج النهيج كي معادت وحيد الأنمخ ركد اوراب مبدع افرينوه ۱۱ نهاره سي التجالم عبيوي المرمطابي شير" باره سي كيين يجري ماه نومبرو يموجيًا مومیماور شاه باره سجیمین تری بن کو ان رورون کورز کاکمیة لار دستر ل الربر و سیمیا و رسیم رجیجند ولعل میگاری موقوف اور راجیر را بخت عهده برانج منوب میگورسرام الما تصور ا وكرا المراب صفور رسنت حيا سقرر اي ورا المار وسيات 长的人们的 الملك نبود و فوا مويداً ورربجه روم خشت معطاع بده وار المهاجي مور متواليم بعقي الأكر قرض بت تنوا ومسيا وكتنحت كيم محرو ولتدار والطي الماكيها وربيب اوراما المجبل ولا بمن المراج إلى الرام الم أجربين اسبدت برل قررز صاب كوفهي في والبيط تبديل آب ويد الم ينان وتعرف المرتب المان

ما بط كي نبير في حواد أر هدوار ما اكو محال مسير با ووسامفر وصورتيم يحوي عاونه ربا نهركا كريتين افسوس لس أواركا سركاه المري اين شروت تاب كي بورن فراليون خال وكالت كي وي وكرنوع بدوركاس امرو عانه بناكردام

نظام عموما إن دوستسركارع فمستدار كمنها وركوبهت فوش واسوي مین اتین موا ما که استرانا می رت مرکور کی جرمبی پر دارز ان می خام کی خام بها در حویمن سالی و لیعهدانگوفتول بنی مون در ر و تام دیمتے بین که رست از بین مطافر اپنے از دیک ان فریکی جس فرام آدر سركر وكولخارات اورسامية حوامر اللغي خماري S. C. 140 161010 CANON

المبهن ما يحكوم علت طرفداري منتي وروكم وكور الصدور من لف وكالمالك التديم محكام مخلص لفرنع كارعده ومايك الادحاب بهادر فعورت يبن دما الكه ويتعبوط بقدت فقراما والر سأركه تناود ويود مَعَ عَلَيْهِ أَن اور مي مقوله مل كا يراغ مت وفيالان اومُن حَكُونِهُ مِنْ واضم الان عادرآو

چود سوین کار بیماه صدفه کی روز جهار نبد داخر کونتی بلد وحید را او بیمویا و نبول عبد استن ورم اورا الموليف من الدين الدين الدين الدين الدين المويم و كالت يامولاور الم المراج جدو المراج اندرت رب سركار دولتدا رنظامه كيون لكها مح رمار من من من ورسيا ونديدي التيمي ورسيا ونديدي التيمي ورسيا ونديدي التيمي ورسيا ونديدي التيمي ورسيا والميمي والمراف والمرافق والم واسط نعبه معدول وراطف بايره مهامه مالك فيروشه حضوركما موج بمك نه اليم كي رويكي ي ر در بعداه کا د فارک به سه در اردار از كام لين معهدا حوكر كد دخار من من سواس كم يكامه بين طارويدانها في كير مرجعال كارو كم نازر المحصية المستحيدة المعالم ويدانها في كير مرجعال كارو كم نازر المحصية المستحيدة المواسكر الوالم المرز المحصية المراجعة ال ورسواله يكالفي ما ما فوال من على وراور رفعات بها ركيه عوجو كوابهي الني فيداه اللهي دونون ما يمنتر جواربان آوا بيخ انيابني طف اور حارب نوانه كذمت وحال ب سيدر وررسية المراقي المرا مين كه عرط فليل من في على اور صاحبان كوته جوابيم المراحب سيد مرسي بيد المنظمة في صبار المراج المراج المراج الم لها درية منهي كي طرفد دري كي صاحبان كونهي نيه صدر مين لكها و ما مند المنطقة في عبد النفا في صبار المراج الم

الغزارة الباريس المراجي وي محال وراح الركيس خانية ما مده الاين

والمسر معنوى علية مسم الأره وأولة ورب المنوسة راويدت روبال ويتم محواور كا مرول والمتالة موقد برساكار دولمدر آصفكو عكو مانعلهات التي ونعد الريط للورك تنيا وسيكي وقرين الارتبر صرار آرته کیا ہے۔ گا دیکٹے اور زالدا در رنجیندی عالکہ و قلعہ آسیوی کا قامی استراک و قلعہ آسیوی کے انتخابی ر الرا في المراج علوت و المحضور و من كيّ الضافوات بوك تعالم والمراعض الدكن لهاد كو حواسك والفيوكر الزوق عن جودوسه لمعرنه فدرك وضع موك الفتأ كام حقوق ور فكرف المراك عبر العالب

Kining it or the state of th خودر وليستنف سيان كركولها وزهار مكر بالاسا وراما حريك بالأسمة الرو الله و اور تهوري مي مهراني كما ورسوا منارية اعتباري مطبقا محم طورين آيا اوقبل التي المنتباب بنياب الميتابية والما ين جوات المسكن وي وي التي المركم الما يوج والتي الما وزاول تقرسود وسر و الما ما بدواليكال وكورزخ البشكرما بهاز يا يك كرخانهما دا آبادور كواعدًا عنو فريمونج دليم المرض سرفت بحوا ما ب عواسية ولم المرحمة مكالم للدهما يوسوموم واسريه دروا يراً دي جركل زادي سي

المرسير فأفل ورنجام فارفانه كرعة مواسين ببالأس أو ندرسته كالمرا بول رانتهی نیکو. فیول کرلیا احرایی کارمین کیمی المسرلاک رویسیایی رجا زركها ورناركي يمكانا أخرع أرني زياد ولنتم القالدرواية بوقوف ويؤاه بريان لطانيال وكارونمواسط اور فعلى السياحيك وأعلى لا بحت زار ، ولهي مول كريت عقاونيا مِندُ كانسر بركتم مِن من الله فيا رَبِيَّ ما بَيارَ في المِن الرَّا وَمِن الْمِن الْمِن الْمِن منزكس الدكون وقالحال تخفضكن رنسية وفرين شهرك وليغرد فاعتصا صعورين بالمرمد كيالشرك باوراما وبمهالان الأكيتم الزيج يت بن ترفي ورزو ما يندي عرفائيد بريمزار عظم ، ورفعة بنسل كمتريث عهدة براي مرانجا منها كي خيد وشوا رافوك منز د لي نيا زمند كي يا لكذأء فأكثرون فاحتيالا كمكان واموش كخريسي وراكن والأميا رند شامفارسی بینع کی بی کار داسیطے ترقی اس کاسے موف وسی إسرت كان المرصف توجاد را مراح المحاري عالم من تست كرا بلي سراك بها رؤ ياز مغالف اس ما معا مرتبط واسط خوزري موريم مرب ما زمند ما مراف السيارات عبانية يهم رور كارين كرقبار يواوي الي عداكا جامجاج جاا وروس در وفسه في

الميموة وَفُكُ الارد الكابه تريك بهرو تواريو لا كوفوكن بران بيرب اورها درغه دري بي باليرسندر قوم الصدر بين ما عن الله بيادا نير بنج بي طر ايند مالک مودسة بن مركاردوا رع بنائج بنها کتر بین کرارفٹ مصوارد عن کا سوال درفرون انتخاب میں کا سوفٹ مصوارد عن کا سوال درفرون بازمندد وليب سرخااه ومبثرتو زمن تاوي وماما وغايط ادرة فالكث ما بي بينت بخير موت كو ميلاويد الماليط الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع الموطاع

المريم المرواز الرزي مورسون في الم في حكومت أور وحيث منه المرساد من ووال بيل . ن المال المت كالربي نتى والفي والمعرفية لما تماسوسي ومر الروكور زها بها دم الماست رام جرواع كي اورا سرى عرب ورا بهت لكوار الخدو كمرا فركاد كين أبيد و الم

الزو معقود والفي وكم صر موسل الما يسانية ما المرس خرفوا معقود والفي وكم صر موسل الما يسانية ما المرس خرفوا المربين تقعال مرة وعطبة وألمح البي أجابج الوست فعذ بأرمر سحالي ه (الملك المربع معمال مرفار معمد المربع و بي بيت بير و سيسة من المربع براد ابنی را وعفسته دار محمقه و از از این مختصف کردنه میاند آنی زور و بها المراجع المراج جورور مركار نظام بقر بمجاب اور الهاكراسير اكر نقطاك كارنظا والكرانا در كابرة واطلام ر منظم و مرام و در المالة برع ما موضي دواند اا وراد در ها منظور منظم المراد و منظم المراد ها منظم الموضي و دواند اا وراد در ها منظم منظور لف بعلى فر حمّه خاص يقي و تروا له قربيط و ترويك بها در دري ا جا يركم ويزرت ا معوش بالي او آخرهد بريد الي ما بزرت كورسفارت استراك وين دكرواي المام اللي يُوكِّلُ مُنْ مِنْ بِهَا دِسِفِرِيغُ أُورِ بِعِيضِي حَسَابِلِ أَبِيْضُ مِنْ الدِّورِ مُنْ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ كُنِيْلَ وَلَا مُومِنَا مُومِنَا مُومِنَا مُومِنَا مِنْ اللهِ المُورِورِينَ لَ

سرگرم دی مردت عرات در برمکن مومد اگری سخصر سوال خالي ربات أصفير البيع تئير درميان لاوادر عي محفيف خرج واحراجاً ادراجي ا ئاصاوا داي ننخاه مبياه وغيره مكرر موكر بغرط طاينت راج السيط تهايك شرطه فا داري در كمك اورسركرمي كي بحوالا فلاير رست حرين دريد الماليا و المحبت الرايام بن مام تعلقدارون و بلوا رعد م تعدي و طارعا ما بير. تاكريت عاة والا فرما و حكم وباكه دارالقفاين رحو كرين اورايك الترويا ميطابت ك ل على بها ورك يا

. مولعل محار*ریت و*ار^ا NJ. لاِ افراك كوركم بي في مرجح بالجورة بي إدارة بي البيامة الله عن يرميّها إحتى الطباع المراية الم فلالد کار کا بی خط عاربات کارنظ باست فنی کاربردار وار کی مبتدر کور بی فاطرین را سرکرات: فديطالود منسده زسكام واسط كمدور ويركي كارتين الايماك بدور يسي كروه عليم تومذون زيورم دفارعال رساح لأورة فزار فلمارى تتنبي كالرار المحارا كارغان وكيت مركار دولهماز كالصيغ كاروا تطروعي ملي مرت مي ويومن مرار معقول بناركني اور موان طلب خرارته لم بائد غرط مراني م ديارات مادرر إوطالق محسن کش نخ برات بن ما ما مرم کی اور اس خرب

خرجو y. d) 10 10 les -The section of the se الخارك المحادر الي اوزاونا سكاوال كررون المنافق المحادث المراد مرمانو ירליף, Who will have بن المراز المغال المرازين 13.7% 1.7.15. 1.79.b. J.

واليفادد كورز في وركولك كوفت ارفوها ركبت رأيتا برقب رقف ارعل <u>ظة من إسبيك</u> وكالران بوجانا برويدله بأن فوارين كل كم حاصل وفي باس صرب ذکر منی براور اس^{سے} کیا و *اکر مکا ونب عارتی کی ہو کینی بھی جو و*زیدہ بالكهاكوفروار مركز وابوش بكرأا وأ لا م مي لدرو أنصا كے خورا بمتير بركراو حروسبا وتعشدي مساولوال لمندراه كي سركار ووله در آصفه فالعنا عكم يسع البغ

له ایکر تعبیت ایکی علمده عرر کی اور ۲ ورارمان وسانته عاكروارو المنتل طالا اعلنجال ونجبري سأبمرار النعوسورر واسطيني ن نين عوركمان كولداندرون كيا المانية البرى عارم دارته ريوس من ورباي الحاصل ما مغر قاون مساه الزري رتارمو در ما طرایل و راست مزار قوی میصود اسیط اعات و کمک کیا مامور سوست جنامی کی کی ن مين يم دويلاش اورايك له رب سودرون كالمح مياه م St. M. Selling.

,₹ يوان أن تخاورنا والخاليع 6 فنست سره رع وارا بن المان ور

بهادر کی بیج دفتر دوه اس کتار میکی کدرا مرحبه کمه آخر چاکرزی کا اب بی کیکن بهاری مهبت رام محبب فحراى عوام مجاس مراري جمعيت كاردارا ورجم منحان حميعد اورع هما بهاد رفافه المجهورة كم سائور مين نابراعانت كمك في جاكر زي شركيط الار دو الي حالة ربواته مصنوصًا تلعيظ وبال وربقول ليم برصة موضع أركانون رجي صلانجال بلورنيه خرسراري طانفناني كي اوربست بركة آدمي نفي كام آييز اوروالدنامرين سكه بي بمراه ركات ما وكور تېس البس تها نورې نېر اربيع که تيرونني که لا روس موضو ځان سراله بي ونوسي که الكان دولت رئي برارك محرصلات ان بها در بي مربوب ب اليشاء فاين كا قالم جن البدار رساي كي مركار كميني درب ما در مزكي مري وارتباو أيمن الارز المعادم والمردون المارد من المارد من المارد من المارد المراد المرادد المراد انفان روس المنظم في من المرساي في من المرسية المنظم والمرب ورسون ورسون ورسون المنظم ا مَنْ اللَّهُ وَمُوالِمُ اللَّهُ اللَّهُ وَمُؤْمِدُ اللَّهُ اللَّهُ وَمُؤْمِدُ اللَّهُ اللَّهُ وَمُؤْمِدُ اللَّ Pio 2171 Single Parishing

يحدر كيدمار أخاج في رويها ورودلام مازي والمواليا وعراه الفيط آي اوردافو كونتي موافق مرمزع زا در کوشنی کری رفام

يحيفه رسنه الركامة يمتار مناه المركان المرسراع روايي ها أجام الرابي المري من أراب المري من أراب المري من أراب المري من أراب المري المرا ني يي دولت پي يي دولت پي يي دولت رعا كرفار د كورزة ت جرراً المرامورك و الفيح مح كم سفر مدا بن حب تبی میرانیخ ساله کرکی جی افعهٔ تبی در خل فرام میدهٔ فرکور مور کارفانی ا رسوفت ابروا با گار د کورنر ها بها در اور د الني فأفريس تؤركما أوركن ره اوام WITH WITH

و ردواتدار*ت نهایت بوا*فیق بت وندزمان ساك دي نناكروه فو م خِين كردوية فأري في بدرك النر غوريا، حامّ ماكن إليه ت دو نم كي صميت بن وثيره و غرود كو اپنے فرارش كريك سقد لفاق يا يس طائمة اول لا ما تنزولي محلا بالطيع بوكر كلام

بهونيائي خلاصم صنول ومستاء يزلار وكور يحرل ثعابها دا المراح والمراج والرائد المركم والمائن عوب تدويض الماميط على بها و کم سوکی این و رغوار میر بشته این شیارسطویا شریخی بی بازیرا در امرو بوانی واقعی موصوطي اوركوي منتحب سوانقاك بميزها مواليم ميرراع اللناف كوز ديك د كور رول ها المريموج المحالات والدولة المركاء وربيد بها كن رطبي آيل مردا المركم با ورالدوله بي في الدولة المراكم الموريموج المرداع وربار كور حيان مرفعي الدولة المرداع وربار كور خيان موقعي المراكم والمدين المربيموج المراكد والمربيموج المراكد والمربيموج المراكد والمربيموج المراكد والمربيموج المراكد والمربيموج المراكد والمربيموج المربيموج المراكد والمربيموج المربيموج المراكد والمربيموج المربيموج ا ر آسندها الرموال بسيط مع طبيعة أورالدوله كي رخواسته بوي لور بحثار وروامو ما خواستان المواليان ا حيدرالكي و بيرورضي وكم بيدي ورالده سركا عالى ي في في مركار دوليز السي بيرم عرز والوقيا سركارد ولنداني مرحندكه حاسنة نتها مورفوا الورثا مئيوين اريام شاا فهار يسجان كومطاب اره مدنس بی این ما ما نفته ماک درمیان نوریک ندرجا ه بها دراور از از ان کردا برایک ای شا مفهون المحرف لل منترب المهم بيتما كررافي اورعالكما بواديكما كم والكرسدس الوساد المنابع المين اول في الماير غين سمجين جوماريم والبورسبب ورويان دي اور الدرورية المارية والموارية والمرادية ورية المارية والمرادية ورويان وي اور الدرورية المارية والمارية والمرادية والمواجه والمواجع وال من من مون و مارت و البوركم خراري بني حمعت مركار و ريط م اللكه ا دري بني

البيان ن ررا وزیرند ایز انتفار انفاق و در کار دیدارایگر د ماري جوام کي وي مديار مي رقى كى بلونا موسام و آرا شداله كالوركر فإرنية ינקנונו לות מעלום על ול על יפו والموالحات وموس ارتدار م مي الأالمار وم

وتهري اوربوص سيل كرداسط بودولا سي سرمون يم مواضع لركها لورتعافه كمنحد لا ورويها وا قور في المعالي ورياتم وبهات من الولت اورك كبري ألم قصور بركه كراني و و كالميت من وضوين اليا الهما سواتهار دروكي قصا شانفا ادنهو في اور جدوبها جرمت خبري حج بمدراا ور استا مينيهان ونون ريانبارو رمبدرا ملين يرينان سركار كمنه يها وركسيرة ادرواسط رن و کال کے ساحار و دموی سونا عارا کی ری ورواسط سي البير رس كي مدتين حالنيان رست كار رنه كاركان المعان المعان اور حسر فن صندی ور رایش و غیره بین آج سیاس مدیمانانی اور کی نهبر سی كه و وراقه المال من كون كه وراق المال كالم ربرا سي ناينه جوج دمري مازونكاتما ايكل بحك جيميته لاكرونيل

450 كى بى از دىزارى الدينة المراجعة مرين المرين المري لفاع على مادر كمك ظركم في ارب نار مرار و فيام اقدا ر رواح مینفیدی ^{کار} بينه انذت رد بان وركهوي بيون بالانفاق الكيفونون بين بير فوامد افلاط ا الور من المركز المجانية وروم والمراز والمراز والمراز والمراز المراز المرا اروم زماده مینی کی میآ آنه فراریاد وایگرارسواری بهرها وضیر سومی . يت برادك كافرارا ي نبين موم كميهان مراد وعبت يت برادك كافرارا ي نبين موم ات کی مونی مواد که تهربیه نوسو فرار کی می کی وراث

و من علی است المراب ال مين ع*اری انگارمدان بن او یکی اقرادط نیسے کمنی بنا ورمک* صفد که فرح س^{وسک}ندا

كان روب ور مران عمر مراك م مرادایک موسولات عرکه میرفعاً. مردين بهزر طله طوت صور مرار مرا توقر بسدها ، طوت الله بنی کوکرنین میشره انهین دی تنی بایت رئیشند میادر بایش الیکی باری ا بنی کوکرنین میشره انهین دی تنی بایت رئیشند میادر بایش ا الور احتناد لوكوكم ويسابق المراص ليم اورفيات مرص مو مرد در المالي المعنى من المعنى در مرافع والمالي در واسط مدات دولاتن وال المرابعية سوارال موراك يوروزي ما روزي ما صور الميان معتقد الما المحتقد الميان معتور الميان معتقد الم ارود ارس نواورشا سروانو عليو مين في حاصلها سريات مووعيره كادرا بيان دفي حياب السوارية خلاصهمون الما المام المون المان المتنارة الما ي رموه دوربيان دوي هميسي معني المعربي معاوي الواصل بالموسي المواليين. الترسيد والمثنار وسيحيسوي مطابق العموسي مربعة سران سوار مواسط الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية الم مرى مطرح واقال تريين و ويلاش باو كان ورايك عبت سواري ين رويد بري اري والفاري والماري 16/010 0 18/18 ... Ill. 19/11 13 1: 1. Oh.

المان ويوالما مسیورزون *میزنف*ام علی Bire by Ega Vizabit ا ورفنص بهارمع علاقه آ الى دري وركور باني جو الي اري وركور باني جو Jet 319 7518 190 with the town to wift this thou روائني کري يا جوسوني موافقه مِوزِت مِن مال كِي

بيمال ارجاري رنيكي انتهي كيسه حصورتمون دياني فن مسهاه تعاندي في زكيا كريان فبول ورا المبنت جبسة حال وربياتن ان كاح ح طرف كان ب ندامان علميك سترروت سوسر رويل سے دولاک انسرزار جارسو کھیں رو دیان زما و مواا ور رط فی فرس کا در جدرائی مایا المين أو فسة اخراج اليطرز البوه موااورتا م كازدي وإسيط بتواه بمكرد كأبيئ عصب ومركور كم أب عظموران الحانجا كرره وكريس وكالفيل كرام التن الما من وكالمعالية فَ سِرَه بِحِي لِي لَكُرُولِا مِنْ يَا لِحَيْ مُولِينَ وَالْجِرِ الْمُعْلِمُ مِنْ منت برنا برمهم يتور سان كي درميش في اي مواسط كه فراج سرب في اين المراق مير والخاوط الوزي رامور والمامند السابع في سباه الرَّرِي موجمعية الالبيط كالمُ حدرًا السير وونه موج بعد حدال و قبال مركب في يرود الرادو الرابي والم ن امنی داریسی خکر کرک^ره ماراکی لیستر پیرس مرشک سر حرار دا د يالت مومي اليه حصد اخل مركار آصفيه كامواا وربه تنبأ مد لقولي ما تنبوين و ن اور جولاي شوار المراسويا ومطابق محاليا الروسي جوج وبيري بيج القيتم الكراكي إِلَى وَهُمْ مِنْ فِي لَا دِهِ بِحَرِيثِهِ فِي إِلَيْهِ الْمُؤْدِ فِي الْمُؤْدِ الْمُؤْدِ الْمُؤْدِ الْمُؤْدِ ا الزري خول رئيس اورانبريل على اوركونل رمرواز في عن اوركر في وليم كرك ا المتبير أن ومرد الإياروس mula evint The state of the s

صورا غير شرخاك إركادا فيروكدون سفر ما الدرا الروية والسي رطرتي چەدە برار ئىلاد روغونرلىغى عمد ئاڭۇزى كالزنىت كا ھرى<u>لىل دېرىنىل</u>ىلى ك يتم من لول خردنية ما فرايامنو كورنشوغرة م تبرش السراء اللها لوسطائل مبرين ه سین بوی این مدرم در روازم کا هناه مضمون یک خلاصه صفوار ممطلت قبة قرح كمني وركي واخاره أبركي كبال خشة خامخت حييا سطور ڭاقى مطاران يىرام بان رايىرار كەن رايىيا دور پوچالىن ن برونى سويىلىران وكاربيةت يردان بالنعلق لأنظيط فتصحصور بالزروكم بابدر كهر أخطوط علميه بنه آيكا أورفر درط فين أويك الملاع مركي مطارياً. ما رب ارتسعتمه خراط وسي كورز مولي ها الاربكه درمار حضورين الجي قرار إي مطار لودا کا د کی که ریسے دسیان مرکار بیگے قام ہری جمیت اپیر صال بررکئی مطالب

ا مقاب صلاح اندلتر كازح قبل صر كاط ف كتر لديك الموريوم برح ف صلي كا درسا أما حصورته كردر رو في نقته دينه اور جوتبسر لا كالا ماسير. سال الم حواتم او برونی اور گرفول و ترمه لینه کار پردار و ناخ و اسیرا و ترم المالیک في^{طا} تَنْ الْرَزِي والمِيطِ مِحا فطنة المُكمَّ مَارُم رُكَامِعِ مِنْ سَرَجِمِدِ رِكُم وفيةً مرتون سراكي يطامواسيط كه لار د كورزها . الو ما يوتري ال دوي كي رميطور أ الخصوركتراب واجمت كركم داخل حبدابا وموصل والمتاولج كالاوم كى دخوا كارس نيرالاتن مۇررطوفرگا درزا د تى فرچ كرزىرىي كارنان كارور كارنبوزىلاتر المع المركة في المركة ا بذكان على رخ و كايمر في الكرزي كي معروض مبرعا إلها درطام ي التسب واز فرخ مو بهراند معلوم کرکد برگئے اور ها جراده عالیجاه ای گرف رمز آنا سوركمون بري سياه و البين كا مراده مع و اسط لا يوعما خراده سختے ابیمری لار د ارتفاق اور الی تھے۔ بها در کورٹر اقلیم بند ہو کہ ولایہ لیم صرفه و در ارخ بها ن می روانه موار ترسیار مهاراتیم.

جيك طورين ۽ ٻن او بيني مدين ندجي اين السطة رزن كايدكيري وتورو وم بوك روط ف بعينه جزسي وافحة بيوكيري إياك عاديكم م اللي كري كرما ولهم كرك ترك هما سيطاول فروله *إ* بالمط مبنته الجي كري كواخت ركركي طفية استومىم ينعسوي علين سنااج ور دِكُن بِمُ أوراً فوا ورمع أياني مركته من مفا . كُتِّها نه يرين زسته زرب كيا حاً واحيم كواول تبدين نلقها سوه فيسيع بدخ كم ميبور دوباتن اكرزي صوريا روب م وتر بغربی خصوص بری نذید فوج اکوزی رنا ز دیک ب رواس من بدورند فرل ني اسوا سط كرحاناتها ركة رشه كى اكر روش ان مترحوز بالأزي الكيابي هويما سرم سيحيا نوعيسوي بين

فَيْ اللَّهُ اللَّ وقار تواريط م الملكيما دري جوز. Seikentick of the service of the ser الاستان برطن المرانين I will in the state of the stat

ز دبراد را والغزم حب جمعیت اور صل المزروكاكيادوكم مريكي لياجان رجبة ابذوكر اواع داف مركم مفيد أبا ورسطيح ستبصال مولايك آباد بيميح رشوع أسره سركع عبيوي مطاق هنا يالإ ترقعة والمطرارة حنط وراكلمة كوالها أمنارا فدف ويتومد الميالو إمااتناه وسيجود كربكه بي مبرزي فكم كوني ويلى ورم قوالج دين بناسب بأكرك المراقبة يملوم فلانج حتمة خامون منا براكم ملار ارگا دا سیحصور *این گرحفیف*ت ال الی اطراع دی برخد کرسلط^{ان}

يتمصموا بتهامه سين الزروالاسي موا خال رضائليوسرك صونهوى اوتمال سوسلط كاحك الرغاقة لتن أت ما فرور الطاع والماكا ورسك كرحوف الدكار توك كارسورورنه كرمنين ناما تهوكا ماحرفت كمه خوجمعة تحريخت كرورب سنة ورایک ایلی سرایک و وسی که در بار بسر مندها در دیگایا مصوب این دستان و مواد سرواران الزراورم منورك مكر منبوساطان ريورتن كي خصك وي مت سے ور طرف ع لوراتفاق سے آور ملتہ کے ایک موکرم اسلومنی استعمالیت کا مولاور ملک مكام محافدي مقفه رقر مدرسواا ورحوار والومل المراد المراد المراجع والمراس بمول كالمح حضورة تعرف طابق شنالا ماره سوت بجري ing Record to the second Seike Williams وفارنوالط م المالك دركي حوت والم الور تاليان ويعدن المرافل ارمان من سره سبال عسو بمن طابي 19.

عارا ورقائم التون إلى ما بر المالية في المالية دلبراد را والعزم حل جمعیت و وصطلح كزوكاكيا وركم مريكي لياخان رجبتا بذوكر انواع درق ومجد مفيد وسطيح البيصال مولايك يو روم الراس مرد عيوي مطاق رحمة وراط كورز حيك وراكانة أوالما! التكافئ ومؤلف فكركم في وي ورمز قوائح ويرمنيك المراكب المرا اللوه الملكح حتمت خامع ن جنا براتكم ملكر

يرب عصاعي ريدا وراقرارط فت مركاركمتي ما وسميمه الرسوال سقدرفا كزي درمان دو نورت نورمبرط وعني بهاور ورندت رومان محرزاع كتري موخود و طربی سند ر فصد کرے اس صورتیں نے اب معموم افرار فرائے ہیں کہ سمایہ سے محا راورد ی فرنیکا در دروت را مولا فرار سرافار اکرری دو فصار کم می الما ال قبول کرنیکا آمام تهنیایی له جو درب مارد ولتمذارتك م المكريمان راوعطمة زمار كمنيها وراور كار مشوانيد ميروا بوليه مير كال ورور رور اوراكر ام ورمار بونه نقل تتنا مة تعادى ركار كمني بها در نور بشرنظاء غلبي بها وخوشهام اعارت سكرما م سوار صوحط كارتواس وكل

المورين الرقبل أوا بلوني معين موناكرمد

اع واعداداة كزي يا درمان دونورية نورميرنط عنى بها درا در رندت پرونان ميم زاع كتري موحود طربق منيد رفيد كري اس صورتين في اب فيدوم اقرار فراغ بيركم سمة سيمي كي توسيرا در دروت رباسي توروس الراكري وفعدكر عي الما و قبول اسكاد المكرميان راورعطهت وبالمعنيها و بوه مین کال ور ورور می اور اکر ایا وربار بور نقل متنا مه تعدی سرکار ارنواكسوعها ولايت تار

ile. جي برسيعي رفيك ذرون زمت بموكك ارنگرایش مطابق سر ۱۴ دار دستان جرنگ با مورش این میشی محمد بی سرکه دار دستان جرنگ با مورش بارخعت المني جانب كلكة شمثة من المرادة ن بى مانىم مقام مېرېمۇم باكر ماكستور كاينے تبدير كرا مو في ب

يعلى زابل ويكل ريار لا الرجر سے مساوره مولكها مي ورجو استقاره مطالباً العلى دانس مزل دانس می در نوت می می در بی برسوری به از در بی برسوری به از در این در است در این از این می در است از این می در بیست می در در بیست می در در بیست اطلایات می در در بیست اطلایات می داد و بیست اطلایات می در در بیست می على كاردران كار مراب و المراب استومها و برائم و من المحل و المحل و المحل و المحلف المن منور عي رشو الباستي عليو رسط الوال من من من من المحل المي مرا بول صاحب و مرك كور زيست و كما المحلف و الما للفية لذي منكواكر فعمر برزوز و المحلف المراج و الما الما م مر المراس المرا النيك في را مري الموالي والمني طف المني عليه من الرسطان الولا كبار وسيحيا المري الموالية المن المري المنافعة ا المراد ا

في مفدا والدولا القرباني سِتر مكر ي ساريحده مو اور اللي من الميسمة من المي و و فودناد لم منها جاتسان كي زيج لنذ على المكاركي برتهاسية زنسون في فرور سوطانالورد رطرفه وتبوه يكيموا كل كرمها وكمناآ كوس بنين درج سي خورخه فرايكر الرميس وولخاترا مرده وتتولفا حدر فيها كالخرام وجاميكا كيتي بن تبديم وأركاع الله والمار المراكب المراوب ليانيوات راج ندري غرفه وفروا ويجيك مطرف الم ورته بوئي الانصب والمدام والإرتياد مؤرث أسارة ك به وام أو رود موادا في موكم يقر رويز كوار أورث الكليم موكا لى يورق وسرة الذكار ويد إطلاء ورف م اللك ب تو که خطا کور زید کا بها در کی کنوز کا ماکسون این قبصر من اور کوا مواسط كدؤانظ ماللك صفحاه بها وروكو ونبدوها يأوزي وكراكها يميان رنسه وآيده كرجزاركم والدورار كردة وعدا شراسوني سياسوي طابق الكياره وترما وجوكا الماصيان موف بردوهان مروكم تها عنائج خلاصه الماحسيان موف بردوهان مروكم تها عنائج خلاصه النفي ماكد للى كماروكم

موی ما کرنی اور دلی در فرح بوار در نارسوالی ارکی ایسان اگری مورس ندگان کرانا و دا طهار بری که در در نارسوالی کرد. در در نارسوالی کرد. وبططهار مماكما حوفيا مخط مخل كروا إاور رادرياس ليفي الممنديم كونبار رفعاس كم وترارا الما الحرب و در سال الماسية حصور مذوب الرام كانها مرحبه كرا يوم مري ودارا المرباليا المنظ لك الخوالا وترعم أستراسي علوي مطلوق أو لا كما و صيحت بوي بخاري ا جوگذا نیر بهی خونسید علی این کا تهامها فعد سرداران گزرون کی تعدیب ایکی و ای ما کران ا در می مرد از این کا تعدا میراند را در استدر در تقدیم می کا ماج ای کردوکه میمید، در این استدر در تقدیم می کا ماج ای کردوکه میمید، در این النحواره وكرا نبين فصت كر دبن مع المرابي تفع نهاري تيت ركيك نتيط كما و ام اي سام مسركا رعظمت مدركمني بها درقعفدان بلدة ملكور برط كافرال الكرزر في تعديم أفران سور الرائد اور المام في در متون الرائدة بي مات د كاك ارتد رساد رقط المام والمام في در المام في المام في المرائد المام في المام في المرائد

ماندافران الززوع تويك كى ركه الدور حرم فرمواريم ا خرجا بخر مبترا و بي مطب سفر كورز حسط در سمراه آ ايند لاار راح الدووالاعا واوركور زحاط فرميك كدرا أقية تراتباء تركيب ماكارة ف والاجا اری فروری کی آن استار اراز شدهایش کوری کریکسی ترکی بنت سرایس پردوا فكالصيصمول سماعترسوم وزرط بطيط الاكها شكاكح مركزي اضلا شران الزن يكرانا ورت لاكدر ولوك أن صور مايرتا ورمبون كوسي جوزيه فيزان أفريز وليوتر متعي ركانب نظام الدار مناادر خيج أفخ سفركا ذمر كار دوكا ن العاملوني بالمولت ولينه ريسولاني وليسركن م حبية اوزونجا أواز ا فين فجره انبين بزَّابلي عِسكوادين به اخارطنه اسراسي جهسَّ والار وس الله يسي بوي عجملي بذركم سر دارند كور رف مدراح كولكما اورك فلكة كواطلاع دي مجو واسيطيه عكم عبا ورمواكر بركيف ولهبول الواحيا ندوي ظام العامل ورمير بالمن كدافي واوركى فعالي كرين إسيد فرايسون كونع ل ويش يُنْ جَلُكِ قيضةُ لَ لَيْكُمْ مِا كَنْمُورْ جَاكِيرًا تَيْ سِيرِهِ بِهَاسِيُكِرُهُ وَمِ مِسْكُلُّ

المرابع و الاستاد المدلان عالمي الصفارية المراجع مهم للكركا الجام و ما مرابلكركا الجام و ما مرابلكركا المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع المراجع المرابلة المراجع الم بن برسه الرب و من من المراد و كانه الحرار و كانه و سبون به ه ومرای این به در این استی به می استی و با در این من من من المراع الم والمراع في للتوريك مكاراً عن من المراع المراع المراع والمراك موضي لتورة ك المراع المرا ما مد و و مرسی بی در این کرد اور این کرد به بین دولاک موسع سود این کرد بین کر ی موری ما در افران کرامین دولاکا موفر کنور دولاک با مورد ولاک با موفر کنور دولاک با موفر کنورد ولاک با موفر کنورد کا موفر کا ع فرج الكرادة كريدور وفوت كاموار وخركه وزار منطورتها لكن باس ويور بي المراجعة المرا

ا بن مرجم علم ا بن مرجم علم محارى اورغد واواحكاسي آصفاة إيرنفام عنمان الورد الرالاك صلايت كم وقول دا قرارا كورا دريخ اسفور ري هايي ويداكر و مدنيا بي وي او لول غيره كي جنفرف أيان صفيك تها عاصل ما مرکاک کی طرف دواند کا اورکو ڈیٹاؤنر

مرحمك لطان واوا فأن رت مركوار مین آو کری دفیصله میطیم کاختها ردیران رونان و مان مراحب سیمی اور ما همجین ز ري و يجري انتفانيونغامو آنج رواز بوئين اور کي آغاز شاا بار پيتر يجري نروع ثنا اتباره يون عبري اسالين زرت الهيكي كل ملود الياخ الجديد المحوز عبارة صديدي سوا کر کرائے سی میں ہری ہوتا مذاہ و فر بذاہمی کمیں جم کرنا ہم بندہ جو جراعما أويحاجه فاحصر وأنكر كحفه اربه فكرو غر كاكركا تيمنا البالير إلى وسركا رميع والح توالط م الملك صفيا بها درا درمري عطن فيا كمني بها دركيم مع خلا صُرُحال تهمأ مخاش تعدار وكلاروالازار ونفل زحمة بعص خطوط واضي بوكريح عد ففريا اصفي وبها درك امكر زحياك جب كم نظمت أنكل فليريد بيربالا ندكور موي اروكندن بهي يتزرآ بر بارتجارته عادرووار دبيحا ورخدتين زب معروط عوايفرف و اخلام كذرايد المراب في المراب المارية ميرس والمصعب واري اركات كي الورالديني المح عايت في بست اكر زعلا المرابع المراب

ما ولم فوراً صلى ما وزين يتحدان كريكس وأر خونحو ونجدت والحوي فيعزامها ورمدار إك اوجسقد رفيح يبها يكووث ثثري كي واحيرتكا بِرِي بَهِ بِهِ بِهِ يَكِي طِلْمِي بِهِي عِلِي السِيِّعِيُّ لِيكِرِهِ لااجازت وكم المِطَّام بِسِوْر كُوف انفنا يسك زان جركه اكزفه يطوفوه التي تتي سركفاره ي ديز عزية وأروس يرنيستها دوباكه زيبركام بأبيس كمجيم وريضة وفءا والمينه بالمراطع تتجام علاهوم ووزن الدارلوان كي خلفة محمومًا سودار وغروا درار ورنج في وخطراً مدر ذت مال وسي تحارت ويدو ووت كربن على أو القياس منكه مراكمه تنا وموحوم عهدام يريط بق بيجيينه شادواكي وونادي توي علاقد شالي دجع وبمكرومت مينولي تما اركاك ابان سركار مقربي اور بطيرُ النيم اي نهي اللهم مساه اليه اليرنعال بردخ ي و باي استفام توكمني مواسر فك باركهي جايكي دي وارك فتر فعا داد كيش و جار إرزوياد الركيمين منان لاز

عملم اسطع کامنهار دیکولار دیما در و نان مراحبت میمیا يابيعالينع مقامول كوروارموئين اوراكم أغاز علايار بمتريج اور سروع اً اسلام نزرت ترکیایی که برگود الجانج در در مخور منام مربد الكر عفه ارب فكرو ظر كاكريًا بيهميّا باربيا ميراني كا در كاربوم كا وكلّ to sind of the constitutions Barrio II Sign

البخت الم ووالر بالوياني 104.464

سى يالىرى دېر على م طنور كايا اسى لعراريك ادولت المينية وجون لايم الآباره وجياليوعيوي لازوجا رساور بين وزع مین بسعال کزری سی طرف کورف می تا باز استان مین در در مرم مهای اوداد: ا للاحرب را كليم دوم لا روسا مني نبحر في برسيوم لا زمين المربي بي نفس كار وا الموالنمال مورمين مومهومتقواللم العظم الاحيار مطبوع بمينا نبريك ورّبيّان عطر شيرفاص حنور فيوم و دخمت الكه معطمه رفيه الدرج المال شرفالا مراارت نبريا صاندروار (بهوسي كورز مزالبها درما خراعظ ماللمحروس كالمركميني كززيها درمنول كمتورندس وااتي ول عج جدال وكر الع لكنواط كالمارات ما مدام ما بلج و بلي القارات الفرنسة والبخار من مراس من بهزار و بيسي بيرس و بيسي بيرس و بيسي المال المتحقال المردان الفرنسي المال المتحقال المردان المال المتحقال المردان المال المتحقال المردان المال المتحقال المردان المرد نون فقط واسیط مفات مجارت مرکارکمینی در سکوا مور پین سوالان

أيدانية وانهوما مونواخره فادرابكم حرمسجاع اللكي بوي آبير ويسي ويصني والكلج ربائ توزين مفا برمار المشرار فلمر فرونكو ووتني تأثي يرخيع اللكح جرزال البشيجاع الملك موتوايا ادربخ ويزمة الركما فيصيط لينامل مرابا بكر روروشها الخالي الكائي المالية المالية ورادار وابيط ويمت كيا دوكوم يوفس عطافها رجينه اكمفيضة واميطآ نبده كيكه والمادر يدخين بزيره ونور كادو فيت مصراك وفرش بالبيران تزار دميّر تين او فيريب كيا الج بندى ان كم سكادرا كم كالتأوي الحرك زرك ومنوسي مساكله جوزك وت يكي يوز فهري برك كيف مل واليط مي واردكوا مقدرود في سے لئے تنا وائی کر خواسے ماد بر فقط قصل مہدا د کل الحل و وزر اعظ وال د کور ا جا مائی کر رز بدرم خطاب سے جو فی زمانی زنده وجوم دیس برجانا جامی د رزوانو والبه حكوب بديا والخالاين وكنورية والصبتع المركة ردد کوبر در کا فر مان ردای و عطانی کا وجو 1.36 (1/1-1-1-1

نار بار ورحب لطان قام خوات و جارته بطف علیجال شران الطف علی برای با می در این می از در می با این از در می باد و می می باد سكربادرسي بالملات فا محرخان و چارف برطف على التي مهر و به بالدي و با جالدي سرارسان المراد و بالمراد بالمرد بال روز كارست بل سي مقابان دوج روس من من المرائ المرائ المرائي ال

ي وركعبوين برياكة بي اسم الم وبالزا براويمولوم ووان كياره يت الرئح أكنت كي فششاع المبارة يوكل وا ا الشوال المراسي بن بي يكاموض وربث بورجو المرسي عاليكورين واقع بنجو المراسي عاليكورين واقع بنجو ومين لا شرك كي يسولا ي كي كييفت جو برالما سر حراللیا لا د کورز بول می^{ادیم} به به در در ایم او مو

از مي مري بني تعود ارزي شوع مويا و رزي الأرا و رافت ارس و زيا بارازي الما المرازي الم . وند کرنس را اور روندس فابرتفا موروج كالجورناك طاه إيريش ثاانهاره وأزال و المعالم المع والانا الخرزي مصرطانه جارس كندكورانما المحرروانه وكور عيوا بحاكم ورزان المركوم فاستلامليوس فليال وافهرموكه أفاردا والكشخف فسرته اكتوركو جهجا دكركموزي بربيح اويا ادراب ن ي ال تكر توزاج بدا بيسورن تارنح فله ستعيد كاه ركه والم

ازی موی تهی کلواد امدازی شروع موی اور میزالتی راا ورلفت امدرس دونو میآرین وفتارا خرالا مورین مولی جمعیت اکرزی مر عارسوسی آن رو در نجاور و بال مرد درخی از داران این این این این این این این این بهان لامورمد السركند فتور كابند ما كر كركاراه منشى مهاراني صمر كا دركباك ننگر تونجا والاور كلا المكسوارا طلاع بي درني مركوري قتل فيران عبوي المدرك م أركة بسرميا الي الدراج المرادي المدرك المرادي المرادي الم بلخفیرنیکون بعد ایال بر رازمد کورف ایولی اور شی کرتی با دندن سونکارام اور این اور این اور این اور این این این ا علم بیانسی کا موالعلائب کربه می و نیم کم وقت تا م نیفیت سار بنی بیان کربرگذار کی روا ورد از خداکو ا نهجور رست نکالگرمارسر کورواند کردین میسوس حنوری کسند، ۱۱ آمار ه سرایجا لدعوی بارسان خارجا منجورت كالكربارس والدكر ديريا و من وري من النهار وسائج الدعوي بالمنال خرابات المناز والمنافي المناز والمنافي المناز والمنافي المنافي برونگی فرول کردول نه و در آما مواا در و با ک لا مورکو سی ایا که اورا نه فرم ایا که اورا نه فرم ایا که اورا نه و در آما مواا در و با ک لا مورکو سی ایا که اورا نه فرم ایا که اورا نه و در آما که در زری کمیوین در اص موکر دور نه وزیرام مواا در و با سے لا موروسجواباکیا اوران فرم

فيضة المراك مهتاني كادباك اواس الحاكي عوض كالشيكرا والبطورانج ت وریکی دکوکر ترکه اور بس این زکر دیک و ژاا وربار ن بي بن درستها ديشه ال ترب الرين أنه الأيجاه وسنتن فليكو شاكر ا دارا اگرزدن تهر مصلال درص برح درو خرکه در توسط افرا اگروند به ن د نور می نهاد الی جرکنه ه دامیط قصر که نید سیکه امر کیا کالکهای میت با سرد دواید د نور میکانها د الی جرگنه ه دامیط قصر که نید سیکه امر کیا کالکهای کارست با سرد دواید والمسراي كي وس مندمنا وكيه يتركاد و فوج مهاده مادم ي فران الأروك ويسابي عيد واسط عاند الم أوكر رواز كي أولي الم كنر الع مالد شريع واحد كريكي د اخار دارلا مورموااس. الع مالد شريع واحد كريكي د اخار دارلا مورموااس. بس كالمان بواكي قارباديغ فير برار وفيه كياكي ا يرواد تشييكه اور ويوات دنيا أتبه إورخليفه نوراله

مل و زعمان رعا با که مرسور قرح امارزی و امارزی و ما او کاد خد مر کار ارزی او امرزی او امرزی او امرزی او امرزی ا کا در رن ملکی ساکه مهمان عبور فوم کا مومور به مارفود مد لیا رسیکا باز دسم مهمارا موضور کی ا وقع في دريد كالوش مقدا و النسب عدا و من المراس المر والمراع ورعد والكاسل وارس معلى من المراك و يعدمه والمراك كراك المراك المرك المراك المرك المراك المرا الرزي و فرحت مها مراكم و في المي على على المراكم المراكم و المراك مورمین کو بی کین الرسی بدین سی بنید بر بر مداخات موفیه علاقهٔ سر کاربن سب به بیست و در با کاربی الميور وركي جاكس على را جروب سعار اور المرب عدد ورجير سه المراد المرت سياسة المراد ال

الخارة المراجع ادرة كادر بدين عام في مر بد دي يكي ودا بي معي ومكانته م كركم يسور عهد مهارج دميستنار كا درباتوا ه دعره جاي حاویکا آور نواهمها معزول وام دا مرکها _{دی}ایی تقدیمیه طاش بندکه را که بیش را در داد. مادیکا آور نواهمها معزول وام دا مرکها دیایی تقدیمیه طاش بندکه را که بیش را در در بذور والأدارة سيسكين بإ درني منوسواره مرارسوا كمي كال ساييكهان موكي اوسيس او دكرا جاز برجي حب مَا كونت مر كار اكرزي اور وقر كفرورت زباد ، كرني مبيا ، كي بوي سركا را كرزين اطلاع ديجانكي بدمن رمي إسكم برني سياه والدي موي اوجه ماغل فالكابرسيا وبقد فيزا 河道 ركها كأيتنه تمهار ونموض بقي تاما فرالإن كمهان جمعنا مرروه كأته يرمركا راكزي كرويطا ووه فامراستدن من مركز بيوس الري اوركم . خِلْسِيلُونِينَ اللّهُ أَبِينَةِ بِنِي بِسَمِ رَبِي إِنْ سَلِيمِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّ ما مشمول والأسريميفي مهمّر كوية اور ورماك نرس مقام تنس كوية العدد و موحيثان ورام ال مرمراه داکر می میم کانستهها کون بوکه و ارسی از بازار کان ا مور کرا مرمراه داکر کرم میم کانستهها کون بوکه و ارسی فرا یابار سها آ ا مور کر ا در مجدل بل فا مي كما ذن مي د صول مركاد الكرزيم كا بعداديا خرج مندو لاموركودا جاديكا ورج درميمساميكامين علاقدلا موراورما ولي وركم وافد يخسط س كومروكارنسين وم كاركار اكوز كي باير صافحت علاقرانيا نې يا ولا كاك كمه بريخ مو تورنه طوا طلاع د بي ياموند كيكم يونه وارمو كي نو كاد د وارا الله و براک من او دکتری و در او کرد مطاوم رانی کردیک رویس کامر ادار دفی دو اراد کردیکی و براک ما اداری و در او کردیم داری کردیک دویس کامر ادار دفی دو اراد کردیکی 14.01.81.56.05.RP

ماسرارستار درمان لا ما قعند من الرائزي ريم اوردران وافالسور . ماسرارستار درمان لا ما قعند من الرائزي دافالسور . بر مرد در فا جاند كرس اورسور باريخ او مندي ساه الكردي دافالسور . مام ما در ما در مع مید شرایط و کرر و روستان کردر سرای روستان محاب وی اور مهد نا در مع مید شرایط و کرر و روستان کردر سرای روستا يردارا مهان كالموك وتساوي أورا المحاج كالتدين طابق سورياري لاول المراه مي ا ملوفها من كالمار الرئيل ووالي ووالي والم Last Care ال ال و اور و الرك المرك رط اول رابط وموافق فهاس مطر ومكر رئي ورصارة والمساح والي للمراور ور ما شور المعلى وور مربوطر سے وی معمار کا موری ساور المعاور الموالی لاتصاق الطرين مام مكر اسط وسناكم واقع بمن الكر صوردياد كي زوبات بالسدون زكتي سوم مام علاقه كوستاني وغره جوابين و سيك درائم والمراع في فلون اور كام حقوق في مارة موطوب الما مر كارا كرري علاده مك الا وتر و درو الماس معادها معترد كتابة اللكا والدي

ول معوِّين لطاه ري - ارتفاء يريم باني بن دوب كرك و فعبكم موجو بالهارمين كونهاي مفاندي تخابن جملات كمواسط يرير حضورات الاركور زخرل ق مية ويجريروا في مواقع من في من ي موري كمر ع فرور بن الله ما في ومود كالمالا بركومة فري الابندس المنح فروري كالاجتناء الن الدوكور زجرك في منا بكرمقام تصويري عدورا في عمل كي دوريده

تعافر الكاكرم الوبسة لقصا مرار برای کم وی ل موکر را مطاب کمروطالگ میل بدای کم وی ل موکر را مطاب کمروطالب من يئوبن الهذكوران من من الركسيا وسيد منها واخل لا مورموا اور ما م صحب بر رورنه كر ديدا ورسط ف ما مينوس فارنج اه مركور كى رئخور سائدا ورسر وارسكم والتي كوي اسكار يندومل الرازي فق الح جارمان مكرى واسطال عالراني مو مِود الْحَ عَلَيْهِ وَمِنْ مِنْ كِلِيادِهِ الْمَا مِنْوِينَ كِيمِرواسِطِ عَلَكِيرِهُ مِنْ مِنْ مِنْ وَالْمُولِي مقامع عكر من مواا ورطوفيس كو مرجلنے لكا در تاك ي موتى رسى خركا رسى كماسرا فرار حد بها درانای ورربت در به ستایین فروک در ضربه کوشیای نیافت کی لا به در اراکا ما سركارا كرزى مى سيندا موكر صوركرنى جاسى وت راد كوايض كله كوسطة لاموركانية البن ال عراج رحد مواخوا ان بت رنجنت من اسط مرجم حب الكرون وحواط^{يل} رقم كلا کهون رحور کتام نیدانی مد د نگر نیاس عرصهین کتیبه برناه تشکیرخو

i Kielen i و الما كالمون عندون بلاس المراسية وي كواري المراسطية المراسية الله الريك المون أراع الم يم المكرس والساري عاد بدا أفي كزي في سطون الله الريك المون أراع الم يم المكرس والساري عاد بدا أفي كزي في سطون مرس مع مع معرف المرس المرس مي معربي المرس طایفه ارسی محمد کارف نریم برر کارون رياف كو الدور من مرد مورك و بارها بالما يورا وريد موت المراد والما يورا و الما وبن كم دروات كم زرا وادف اولى كروسكروا في وتعقق مُورِدو بِي اول مَرَا إِلَى صَفِي لَو تَى اللَّهِ كَامِ مُورِدُهِ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ كَامِ مُورِدُهِ اللَّ عدين الجزنية في قلودم كالح لايدار مول الناء سار حوا كالدوالية رباه الرياسي مندكر واكون الأربي المراس في صدر كورا والحادث المربي المربي المربي المربي المربي المربي المربي الم المراب المرا المراب ال لٍّ ذِيرٍ بِهِ فِي

بهادر كوناجاري واسط محايد ماكن خفاظت عابا أوسرادسي عمل كنون ورملاز وازو التي عود من ندمرات كام مرك في زين علم عالى نفاذ آنا بي كم علا ورن لا موجواسيل المرافقة المرا بررس داراند داراند و الكرزي الكرزي المراد و المن الميان ا ارس ساع بالمراورة إلى المره ونحادين اورجوم ما موسية المرسية ا Sal Contraction of the State of اعال وبدومي اور باسد كا اسطور ورباسي عالي المراس و المراس اعال كوبد محيك وربانيد كالسطور المستاح عاتب بهران وزبط البراغامو معول شربان موكا م زخلال داد المت عن مراوي وي رر س مركار الخرز بين النين جواوردونو الصبيع علاقي تركيت مون الرخيروا بي بنائزا مركار الخرز بين النين جواوردونو المصبيع علاقي تركيت موكا اورّجو وعاميا مركا الدين المراج المركزا

المانين بارتار وعاء كراماد فرح في وروفاري بار أبس ورومادي عرزاج بيرية قد بني كور دار وكان عام د عالموا الطني والجامة في إلى المضاء في المركادوية بروی ناکی بی مردوا کمی فی خرکوری منسطوری و ما دلا مورد لياعث نوك فيحكه تف دكا ودكيومة والادره كمركم والج دراران توركو والنيط كالمرزي مذاك تبالاروا لأفراده مؤلكا جارادر ليروما وأت فوج غير عدد كاكر ودائي ويدال

ن درزو دفع العلن آدیاس بوصرین بیمال کسول افواه عام موى كدارا د ه اسرار الرروكا واسطالت لاسرك فوعلت كابراويرما في طرود ءِ قريدًا منظم مع المعمول أبي راس حراور دور العلم الدارد الني سار مروعرة ينانفاز كالماش كركم تاري ان خاك شروع اوراها ما دن جوثه بنرد مع جاري سروة تعاسكها ينس برارسوار أوربتن كيتولي نه كالفرقراريا يا ادر وتب بيرتراريدل ورفيق موارون کی سے نو کی خطرف و رپور کے روا نہ ہوا نیزیب تورا وراور مشار بھی وج^{ال} نیجا نیجادی ع مروس من فرح لمري الم والدور السنام ورياسيا ررول ما بها در جوسا احد م کشیه را دارسی وال میوارموم مدیم غيف الي المحمل المكور زحر لا بها وسكام وطلب لارىدة لا مور طوع بربوس و ومروس دااتهار منار إيفايكم المراه وعسوس بر الزري درمهاد الرنح يسلمها در كهاكما ورتبه طهر انحا دور رقاللن فاست احترا وصو المحوظ جلافا آبا كر تورسته بوقع عهارا فيرسكها در كيراسفدر برع إلى ريدانتظامي وسا وسوريار سيط موي كم نواكون رخرا كا دركوا علاسكون البين واسطع حفا ظت صرو دفك الرزي مح تدابيرت كري ربن اور وجرب وي ن المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة ا

تعدم البحاكم تنباد دارانع صروب نفقا مومول ووقع والوخوا لكين ادرة ملان جرام سكركو في والرفيط كي وفي غر رقبي كمركور وتيت انتركبال الدوو اوررانفة كر فالمن من والمروع والمان والمان والمان والمان والمان ر سائد ده عهد من من مناكب عائد وتشاغانه كاركبا بناادرو قال ا امنى زېږې زېږې نوړېږې الله المنط الرحدام وليسكيك ارش لي تي ريت روان تنا وانعط في ترا المل مدي بنابع يترن دورية الروزيسلطنط ورمودر في مسكركوسالا راعاج معيد كا م فوميس الله الغارة . ين حبنه بن مي اسطيط قبل عالم خلال كالوخ ي قوم يربي ادار م كي كروجو واف ر به ينية و فاراه كرين! وراوت يومين آخران فركز ن بي ينية و فاراه كرين! وراوت يومين آخران فركز د بيا دروغردي كور زخرل ما در الماداسط خرد ومنيا طاكيا. محاسر و منا دركوغردي كور زخرل ما در المواسط خرد ومنيا طاكيا. محاسر و على ديا چو كورر نيو لا ديار لامورين كمال الشيار خال مي موري كاريار على ديا چو كورر نيو لا ديار لامورين كمال الشيار خال مي موري كاريار

عكور وارته المركم المركم الكالكودروارة المعوركم لدتجاوا بر کا کویر مین کور میر منجد رانی اور دیم دلیمین که حوالاً مذیع و رازی نیمیزا اي ببرجود سرسكم نيه مقالة مفه ضاك سي كم يوسبوا ورسنبها را ورروم كروغ و شيط بابين روارات صليموكني كلاك كرواني الرطارة رينه نيه واسط وزارت الم عظ جارے لا مورای ریکر مبرحبولوجلا کی اورجو ایرسنگروزر متفل والسنم ریالی ا فید بربر وكم الاوراني صابح ما فات جو كم انتي تعظم كرم حرب ا قلوالك عارب وفدانال وأسنه فيرف كرمع سيرسكم نغرا - فوج فالع كوجوا فيلا السركي مو سرا كم طعند كر ما يا صلى سوعات جو امر سكينه مرحد كرما با صلى موجا و ا

ال وي دور عاكروة بوجيسًا كى دايس وتوسوم ا وتاع رج واكرنية النبطوت مسرط بن سرحندرك لِكُوُّوهِ دِينِي اور يري بهورة كركل سنكر كورة ر المعرفة فرح فالصر كي نظر كرنه المدام وكن بمر درمیان اکر لا مورسے حمو کوکی اور فعا میں ور راہم ولسنكرني كميرك! ورجوالاستهاج كمورا

سلام موي اورج كموفوو لكما يحداس حالت تقرما الخيرارا وي ركي اورعدا كا The Children of the Control of the C ي جو و همو كده ي واسط سيك مقررا ي ورا تورر سواكه به امر نعاب الهرات كميكريني الله من كوسوا جوا بروسه وفي أسولا ندى رقط الركم الله اورفط موه ورالاس صعور سرسانه ور طرف على البنت ما مهار الا مورموات ما ما ال دا عبد كر سنست المومارات والرائم المحالية في المحالية المعالية من المعطور من المعالية الموامد رفية وى تى دىمان ئىكى كوط فى مولى مى مى المعنى دىمان دى در كون موت مردما رجمني مندوز مين كوكا ركع عاه در مين المحولان فيدكرو الور و مرادفوا عصه بن مدهسر مل سندراني خناكنور حوفلويس موركم رباكرتي تهي سر الإبن الربي المربية البعائب كالب كروسطور نبوا تبضرات مسام كالمت واس المساكار ها نی مور چار نویان عومه نه فار کورار آی کی بندر اکنوطر زر کی دی در دون بدوانون و م بوك اوروسان كداس المراه السني يطفر

المرينية كبارته المريني المريني افرارك بناكر اكرين مرون أيكم مطيع ومنفا وستآبيدارا ويه ية منسهور مي منوري راجر كاريك الروراني خير كوريم سياه للمال الم وينهوي مرفيد دمانسساني فرشركم كولكها مهاكره ين صاحيط بيسيركم كي يستقا مرمكركم ين كرونها كمر كِفا فسنه يك ميترم كم منه رعداً ورجوا اوركا المسينة منه وأربي فلوك أنا من ا بالخ ون ككنية وقون بدكان هذا كابوة رياسين خوارديان سلوكا ي شيركم

مرف المن عاف كي ولان من على الور لا في شرك كالمواحد المرا مرا المرادة و الكياري المرادة ومي المرادة ومي المرادة المرادة ومي Con Color Color من المراج المرا في على المن المعاد المع والمراب المنظ خالج فراس من المنظم والمنظم والم والمنظم والمنظم والمنظم والمنظم والمنظم والمنظم والمنظم والمنظم ی ان دران میکروطرف مولی مطولت پیداموی در مونود و میسرسکم کوانسی و انگراسی در اندان د الموس المراد الم ردمارهم ني سندوز بين كوكن ركوك شاه در مين يا يجولان فيد كو الور وه المرارخوا عصرين برصيك مرا سعداني فالكنورمو فلعابي مورد الارتياني تركيا المراي المالابن مرتبي المرتبي ا بدنكن كال كروسطور بولسان المراسي مي المحاص الحار عانی مور جار رفیان جو من خور کندر روی کی این را کوطر مرکی دی دورون می داندا الماس اراكونس فروال من على الما فالم وموالين فروات لميغاد المولاد وربان كماس الم نابستي فيضر كما و فلا بولاد

علیان المال می از المالی المالی المورور می ا درمت رابر کا رئیسٹراوررانی خبر کور ين كرونها كمر بخلاف بهي ميزم كم منهر برعواً وربواا در كا ميسيداً منه المرفع لوكا من والارد. والروية المرافع المرفع الم بالخ ون أكنت وقون بداي خدا كابوة ريا بسير خراً دريا ريساري آي تبسر كمرية

فهام رام دوروسال سار عيان آلورم ورسيان موسى ورغزر كركتا المايية بهي ياري مرا معلی دارسیان کندواسیط خودداری ایمی سودا مرا معلی دارسیان کندواسیط خودداری ایمی سودا روك ما زن عاما وفت مواويد و وريد در مالي و وويد من المن المسائد المالية المالي ك اوروه و بال تطبيع الم راوسي مراه كلاب كم اكر داخل موالم المرود ك اوروه و بال تطبيع الم مركورا ورجانونها ل ساكي شور ساكم و مساكم و ومقد قالدالا ور فوالكا و الكار مراع المراح ميات وافع موكم ريت طافونهال مكركه وبيا شكيرة بعيد وزوارت مركار كاميات وافع موكم ريت طافونهال مكركه وبيا شكيرة بعيد وزوارت مادیم کا شهر دیارور طبیع ای در ان مومی الیم متعین و میسفده استوی ورد مادیم کا شهر دیارور طبیع ای در دان مومی الیم متعین و میسفده استوی ورد دوا ورسط ميكي تحريري سرخد كروه على فراح تميد لاعلاج كما يادوراسي زيين ونويرستان عاليس عدوين فأغربوا جب كوم كمت رواسط طلك ليحالونها السكمين ا امریک و ت در از ه گانستوه اور مین می زونهال امریک و ت در اور در از ه گانستوه اور مین می زونهال ين موزار وزاد بني عني عند الدارين المنين بورراج كلاب كم جرر ديف كانها وه توسيق مواا ورزنها ل المارية المارية المارية المارية المارية المارية رئوت مان اقى ئى كىريائلى مىن ئى توكىكى ئىجىيا ناورد مان ولى الصربانهون و كاس مركو بونيده دركه اور ا وركوا كخف 1070

المحمولان الرابية والمحادث النبين دمجيت منكوله ببانه سيطاكر لابور وتي رام ادر بري مسكرادر واجر جزرالدين كوس كاليد درزخرا في بها درافس كادر برزار با ول او اکثر رسنده کوران اد کور زمزل من بها در فردیکا الموالين المراز به افدار آنا که مودن ما سیکا ایس کم اور فیرسکه ما مزادید افرد: 7 ندباید تیمادد - زنج مهاری کورسکو کو مانشولی با اور دمیان سیکر کودر رسکا کردانا تها اور فیان (لْمُ كُلِسَكُمْ بْدُوابِطِ } كُونْ فاقدَ وزُرِي مسهوات بِسم مِ:

State of the Contract of the C Chiparital de de la constitución Company of the state of the sta The way of the state of the sta Complete Supplied to the suppl مراحب کے میراملی در الحال کی اور الحال کی در الحال کی من المرابع ال بن اور دو العق را الم الم ورادرم إده ع در ان مر را در المراد المرد المراد من المان الم The state of the s in the state of th Miles Contraction of the Contrac

والع المنا ورؤتي ور وروان محاجدها ومين وره عاركما كرجوا يكفام كانام وحج كااواه أب جوبنياي وبالضكرور وغدو بزي بخسيصكم كالأكيف وج در کون رخب کرما نا کو سیکر کشور کا ان مرک م فالع مع وكال ريادر تي ناما وانعتر بوانهر سيداعد ماك تنفي درسركا رواردمااه ادودهای عالمی - کوار کار زبارت و رکی دونورد داری کی تعرف ا

الفارة مي عبوبين والماري المعاري المع مرابع المرابع و المساحدة الماري المار مرد المراد المرد سر برداده در اکرری آی براور شدین بازی با بر این بازی برای بازی برای بازی برای بازی برای برای برای برای برای با سر برداده در اکرری آی برای بازی برای بازی برای بازی برای برای برای برای برداده برای برداده برای برداده برای برداده برای ورای برداده برای برداده برای ورای برداده برای برداده برای ورای برداده برای ورای برداده برای ورای برداده برای برداده برداده برداده برداده برای برداده من المركام الورسال المركام والمركام والمركام والمركام والمركام المركام المركا المان ال المان ال ردوی رفصه و استاری روی از این از از این ا روی رفت و این از ای

. وربه منظمات وادما ومیر اورجه بلاد که اص بایوریکه و کورکیه بن موی الداست لا دعو^ی

سروارتمورية ادالمخدج سيسكونا وايك فيراثنا ذكر ووزدر بابنوسوار كامروادموك تتعرف نهاا ورموى للمنز زنخبت ويوكم مقا بدمين وحوكذه كارجرتها برجواها مسرمى Constant of the second of the مجسة ربو يرقو كني أني موء و محسر يركسون أن بن ننوق بهرا لاك على جيوزگما سي دو برتيم مهاستواد استيم اورا گدخراج مورجم ما مدمه ورا كاوس ننهر قارمهام بدر مولا در رسول كرجوار وام كرمن مصرف كرا من المورا المرين المعاملة المرادان المرين المسارة المرا يسوبين جنذاه بي كررم كي زكي كانتي تركيم عن شراسي الكوايم فركا بدامولاً المار الخبيت سنكر ركعاده وصو سني عارض حبيك البيت مارمواهي ورالرك وكا تها والامرهان لكوالك كلهمالي رسي وكمه مهاسكم سي استرداميها منفي تع وبخست وبرحاكم حركند كامرا وروج ورجواج حائين مرر مواوه عاشرتها والشح مام ماراق موكية مهامكم من جور مورة ومكمي يك ترفانع وتسور موكمان تهسكان مرور كوراح وسي ولوقادر ميكور مراوه مرائاته مسلى في وخروش مي كافرنا و المورا والمورا والمورا والمورا والم مبركان ديكي صاسكم النيار وسوي فاعسوى مناهين س كي عربين بارجوكر موا ومسكر كامال وترزمن سأره فت فت وت ما كريم المارس تها اور ينب سا فحا فخاراه زمانه كي عوي بدائخ سال كم دينجيت متامزه ربركي موا وخواكار بوااسهم بيموري ولدا ورشاه البرالي موالورزان كخت الحق معطفت برهوس كم يتي منبراسي الع

المالية ں اور عورت اطفال غرہ جو المراين والماري ج رورنه کی خاک لوا مورك مقالي حاا بروز ليفع والفنك مواكفركواردي ميزجه خالط بناء طولور لوكرفاركر لها ووحفرر م بعن أبيا فونسينر كوا فرائع مقرب مع بواييكي يور مي فقال ا يمن مِدِمَكُ إِس قُومِ كُولُ مِعْوِلِي بِيتَوْمِا رَضِحَ كُم مِدَادِرِنَا وكما مَدِنَا والدالي الى قىدارت باردىلى بن أيا دورشه جربوهم افتدار بويم تهده م باني به وشكوك اورسجان بن خواجرعا به اورزين خال كوما كإم وراورسند كاكياره بالمنوبي فوجه الأركم الان بتي بعرسكه وكمين ي دينونك اور ركتي احمياً ر الن يخلمنا سراسي نبرمسر علت، مردريد انقال يربر

رزي ويرادي معدر الرفدة فعورو بريموي اوروان يعانين كريد مول الرورا من المعتر من المعتر منوسال والبطاعي الم المراح وال مجل المراح ال مرد و طرف المرسمة من المراسمة على المراكمة المر من الروا و رخی از در این کاراز جیف می اور رکاندی اور و این بای می این می از این از این از این از این از این ای مرز ما حمل در اور خیکی از دینی کندرا جیف می از در این اور و ای مسل کمیالا زو کور زمین ایس می می می می می می می مرز ما کلی می از در در اس می از در ای اور در این ا بين بيده ما يا المراق الحمد الركم في بنا ما فا في بنا من الم ریت لا بور اور مشارت مسلم دور در این مشارود در لا بهری با ن ب به می المان از این از این مسلم دور می به در المان از این می به در از این می به در المان از این می به در این از این می به در این از این این از ا West of the state in the second se

فاريه فعاس كو رخبي وباجر ل حصابها بال يت سكروالي لا موركا وكالبيت كاتين كرى حلال مواكرسندا ورجب بمطرودا ورسسوبوا كااوريث دري استمرتبهي من بطني اور فوتنسره الوَّره ألكَ ورسيًا إختبن مِنْ شمر آلو ريان بی داوَل نِیْزِی کا وَرِبِ انبی ادجه زون کی مرازی مکرا دو سبی هرو^{سا} ي راي فواص بره دسول لز رازر بعد دريا يد بناسكا ارتيا ببن لارُو كورنه خبل من بهادر كلكة يفرمع عيال والحفال ليمرود ست محرحا ردبالور افر إن سيا . الخرزي نيرتفا م مؤرك م زُكُ طِفْ فِروز بِيرِ مِنْ عَلْفُ عَالَ كِي بِعَدَ عِنْدٍ فِ To Wild Cold

الماكة أبحت بدستوا وبسطنت ووكي بوسيتمانكي ظفه طالحاوري المتطربين منعما كوداسط تنبال لوك وكراسان الفاح على حصائي دورزى دور الما المهي عراه جا وارسوفت منتي كما ينفه جو وللاسط المرضم كما سركيب المين مركاة أبانورغد ووش سرميح قاموين بن علم موقة كم يوني كالمونية غريف مولاته ومدس الم منت يواو دمراء المرسال على فروش المراء على المرسال على فروش المراء المرسال على فروش المرسال الم المن زوردي مول محران فروالم المرابي ال التي يعادرس المراد والمسان على المسركان المراد والمراد المن العرب المربية الرات من الك فعان إيا ورك كها كمر الرميكون معول وو توليك سرركيما كرنزا ويا من الميكي بهت اجها ويشع لكرروانه موا واقعى عب كركما تها ديك الميكي ويت ليكر علاكم سرا المنظمة المناعم المراد المالم المراكر دما راسته ورد كا قروى تباحود مجور نبد موكية الخالسكيم لحلا مركم الخالس كويم الماركة المنتبر لا فوطي و أراب المارا المرريا آدمي ارد العلمون روسون كال و تعاسكرون عور بن والورايع يَرُّلُ مِن خِرَلَ صِلْ الْنِ سِكُود و شِي كُمْرا كُواكِرا مِن رَكِما حِرَكُمْ مِسْرًا بِنَ رَكُما عِ رم لا ما كلا ما الى لا ما جو زوا برزى زى زين وين وصلى من Tieston.

ره محارمیده و کیمی بهت ولنطق بقع براه منتي وكورتيم أكر ميزل إلك جرا مَا الله المراكب الموقع المراكب المراد والمان تبرين فالم يريد ولخا عال ارسوارة نواشهن ديمامول الموخوج «واي دراباليك حبب بمراه/ ويجيا . « در در این سام رفت برادر در این فران نواز می عمد من کنیا در ان سیاری ا و علس برادا كو روامة بوسط مرف س تيب كي مي ادربي بي ان قد ونهن بيرفي اي بلن المرجمة بها وفرقيد بكرود ومطريمة يعجد برمحد المرخان وادموكياما

(وا دو كا اورايك على الريخ كام دار قوم واد كولي الرواز كا ا المين اكرتمني ابني مرحدت فيدبو كخوجا والوقها داران مجه فسل وكانؤوها رسم اوربيال وا نبرین و وکا باسم کرموی در ان ارک این مرار عزی مرجها رط فیفی بر کردان اربط افران تنكر نيه درون ربياز واسكم كمن ن متها يُون ما داكوي بغل يست كخل وسيه اوجه جلتي موي اليك كو برلم إلى الاوالمب ذان بين نمت كموعف بهركوري الوي بيمها كري المواد و من كرا كمطوف كو جرم عز جزال المستحاف جراك براي المربي ال مقابل كي المستبرك برجرا دي الي ج ق بوله المير بيراب بنه كي مركز كري اور من را در المراب ال جرب التي المراب الم المراب ال العلمون معامل كراكم اوروه مرسورا ميداوركون ن مركز مرسوس دارنداواز دا جرت رسالم و مورق فب كية اور البنه ي الطاعول بركم بس و بواري كتبيج وارا الما المحاليمة الموات قب بكة اور المهري الجاعول بن من الاورس بير المراق المراس بير المراق المراس بير المراق المراس المرا المارين الماري

النظري إلى المجال والمجار المراد ويدارون ربور باين اسلى ميرها) بواويان بي الشيريور مراز (وبعارت مكريجا - کرنته رسیرا فغانون بنه به نا کرار وادموادي موارم إعلاه رمي وية بوقه دافل ترس فرومو المالج محدقان كالتزار الومتر مسرتف فالمتمريك زماني تم بر کرنبرون کوکره مزوکش کا د دم نیجا اابکے ی دون بین قرم کابل می آیے ہ إلى الدرمواروطيا موار دار كاورسواكيا توامها وسراكوكمني امارة

The transfer of the state of th المروان المراج ر به وجه به باس ورجه از بالم تواجه الم تواجه من برده المراد و براد المراد و المراد برت بنی دو بن شاه کاراینی و از گیام بین داش جیلیاه الروی بیاد بر نداند و جد حرری عارید. بر به و کی کی جینه بال دورس نظرانیم را مکم یکی ما تن کبیر مورکتین و و مکم قدیدی کون و فرنستند از این از این می بر به و کی کی جینه بال دورس نظرانیم را مکم یکی ما تن کبیر مورکتین و و مکم قدیدی کون و فرنستند از این از این مورکت ادِيم الراد من المرادي المحادث المحادث المراد المحادث المحا ر المارة و المراد المرد المر

(المريخ الم لى فارت مى كىردىسى مدك إِنِي فَا بِلَ مِهِ جان جانبان خانبان جانبان جانبان خانبان جانبان خانبان خانب ردرج The Continue of the Continue o ا به رود ا

المار الاردر الم وزرند الروا بران المجاملات و والمعامل المراد المرد المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المرد المرد المرد الم الور فلا مراج المبيكم وارسده و المبيكم وارسو و المبيكم و ال مری ایر نام و بهات بن اطاقه کند استفدر غله زوایم کر کها اور و پیچیب بید و براه با از در و پیچیب بید و در و از در از می جو طار در اور می برای در می برای می برای در می برای می برای در می برای می برای می برای در می برای در می برای می برا

النافزية. (3) (1) لالالا رداع قراء 11:1 ئع في توالم 1:0/2

المن تهاملا والجلم عالمير بم روا وكرفسات وسحابي ببدار بزرع ريغر مرروع فورويو الواكو 28.635 منه فتح فان وزري معيى روم عدر

igy Milling in the

المار الما المبيري بلا وسي اورجها بيها وبس المياده كربر سنة والمراراة المربي الموديين الموديين المراراة معض ما رخالا معما و آلم اورو بالعباني بلياج ردو برعد حري بلي ما يستع اورق و المامة و كارَ حرارة وسمولي المعارم و الورارا و ولي كم رسيا و في كور حمور المولال وركد المركب الم ر الربيد و المربي المربي المربي المربي المربي المربيد و الوست ميلاً بن اورماال و بغرة جما وي بهور و يطري س يم يحر تيم مياه كو ايم ميا و با جو بين اونت و مجيكا نظر يرسم ما ير ميان و المراد المراد المراد المراد المراد ا A Signification of the series The Land of the Contract of th

المرازة وأواني المرام الكوف أن موانها الجدار آدمي بد وبداكر سطا بر مالكرد دوزير خالي كردا الميم في الاطلاق بوما مركز أ وربيغره آيار الأامل كالوالى زجامال غارا الملاع منواد ويخب ماري أنها بينو من يخيط ا لين صادفي دلم الرج تربيق مطوكك على دركوني للوكام ع نداری در از کار عوادر ابنه كامير شعوار موادريهي اضيوكه اسط فدنا راويؤكول وجار كادالوت ري مورن موارك في ماري كينه والمنظمة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة مرادي رجزه آيمده عامر نظاور معايد كالمردة بنموته و تسريل ميا الردولار لاورسان سباه أفرى بكني ازكه ذا جدا اور زارا المرمز الوك تين موي اوركا الفقام مهم كاروان فام مي ريداور ادرائلو-بر حار تی بتی کر غزیر و مهار بکارین جدو دیان بنین دو ما اندالت رساله تی بتی کر غزیر و مهار بکارین جدو دیان بنین دو ما اندالت بهازین برایس ج مركين اورنسولا إن الاحصار كا قريك

ا ي كس محدا كرفان قبل موار بويد كما من حديد ارون مده بل جوبیک باری تا رفع جا کو دارمیط دغا نگر جمیا د ما در خود مین است. الميدانين مظراكم طانبولمن من حب كواكر جرفتني وبن لاغ كالمرسان وبالماتما ایان اور دعان اعما د از اعما در انبین مروساتها کم میند سیک ایک ندید البي ميدوارد عاباري كريخ دوسوار تربير مع مدرت مطي كيرب الميكر المعتبيل بهم كرمها وني بر ا دربل جربی اصطرار کرریے سکورہ اس تربی ایک درجی اور اس می ایک ایک شریعے میرار درباره به بن المعلم الركبرية بموده ن بن ، من المعلم المعل رفال المائم ما المائم وربي من المائم وربي المائم وربي المائم والمائم و المرابع المراب "The sail." (19th.8; 1833

بر خواده و المرابع ال ريد و في أن العقالة مي الرفال ي مدم و في والم والفرائي فيضي فاراكم كي عظر بدفان ويمورنه والمراز المروم والمريرا ر من من المروبي ها أيدن المريت عاط كارسود الوادية له ين من الروبي ها أيدوا كريت عاط كارسود الوادية مراد من سے الحلام ي بدال وكي اور زي على الم ناد دولرم بدين الم البلام الدينة ميرسيس الم مموالدين الرياسة وكرك المصطاعات بيسوكاكم والرامروفال والبري كيمروفاته وروز كرومير كان من المها كراب المراد وي المراد المراد المراد المراد وي المراد ا من المنظمة الم مرادریای ندا مودور این با میدود می ارومیت رکو کافی این دو کالزان ماراً وكم فرقة سينوا وويك مراد النبة تهاري بي الوارنها سياب ال ے مادیک ایم اردی می اور استان کا اور المال کا ایک استان کا دیا گیا اور المال کا ایک کا دیا گیا اور المال کا دیا گیا کا در المال ک م مؤت بورا معرض مندا مردی فرری برد المیان عاصد و Missis district (व्यक्तार अतिमा 1. Ac 20 13 1/2 16

العال اركزي جو فذي مردارا ورمردار دار و نهام كالمركز اور و فعا كالمريز اور و فعلى مر مخط البرائجواني ضرلتي لا زم بردن برخواري بقرين عدرا حال ورعام بن المعابية الموبالاتفاق كن تأسيس ميموليا اوركبلايا كم مع الركزي ورونها خرط غربين ما مع علم يو أين لم يطا ورجب م أبط طل تربيد بهراس بوسكا كم نجلها كن من من مواوركم المارا مل كريك رحصت كي نبس النهوك مرداري المبيره كي قبول كي ورجبت عار نانحا ب المراجع ت مبنه کالرنال در د رنبیله رومال و عضر ایک عان د دانین بقدر مرتبه ^دبیگا در د المنابع المنابع المراز والمراز المع المعالى المعالى

Time by John John Princip, 40 jus بالزاز المرايد Lymin die الريان المان المالية عبرعاركسي ريال والماران المارك لأعادية الزار بالمرتب الزار ر المرابعة المرابعة الموافق المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة ا المرابعة ال ينر اور المن الفراد. مناسبة المناسبة الم معده مي المعطيفان كيد معدولهان دوسون الميدون الميدون الميدون الميدون الميدون الميدون الميدون الميدون الميدون ا وازوال من سرم بندس کندورون من از به طحان ارزرا معاقبان اوران من از بارزال استان معاقبان اوران من الم بركوم ويستكاس ميارية المركوم والموصر على أن أزار ما ما المراس ما المراس مرد کاه و ناد العالمان المان المستان المستان می شده برد و در الموادر الوات مدادی به المرد الموادر الوات مدادی الماد کان الغوا المان المان المان المستان المست مرد مون در الدرس المردة و المراد المرادة المرادة المرادة المردة مراز محام محاهد مندره جرتب دن درم رجار به جونم به من الفرون به دراند الم الله المان راد راده ورت محد مان به الدادي المرون الله المان المان المان المان المان المان المان المان المان الم ادر کوزایا دیما کی دولیا کی د الموثيد المان بر علامة أن أخرارك بها ي أمراد تمان كو دركي اورو أي الم Mily distribution of the Mily of the State o

الفان اركزي عبر فذيم مردارا ورمردار راد ونها اليكر كركيا وروفعلى برمخل این ایکوائی خرامنی لازم به درنس برخرار می بند مین حررا ها ل ورخان زن اینما كوبالاتفاق كناش فالبس محوليا اوركبلا اكم مع مارزي وروز باسر على عرار المع علم بين كيم على ورجب م كبط طر سوي بيراس مويكا كيم نيايا كن من حف سواوراً المارا ف كركيم رحصت كي نبس النهوا بغر داري المبعره كي خول ا ورجهت حاز ما نحال في ايم كرسي متِهمنِه لِطَالَرْمَالُ وَرِ و وَسَايِلَا روالْح بِعِنْهِ بِرالِيكُ خان و وَلِنْيِنَ بَقْدِرِمْ تَهِ وَبِيَا ورد ين الرارية بي المحرول المرار وزراد في منطري موسد الميالية عاليس زرار وي المعالمة المرار وي المعالمة المرار وي المعالمة بلكر عبين مرارر ديني مجرج ل ورتبي وستول كي منات كي افعانان كومستال العف

44 المن أو ازوارام. יייים מייני مذان كرندر معدور بعال دوم إيكرور له وتنمان معرك إيلوم مكان كود ام كاور أطواق جماد في كمحند في ا والماكم واح ق ا دی ادر میاک کردی که در جانزی موجه ادر آ ا الازاده بو مرانام كم زيد داكو برآية تي اجرم ال وعرقيد ولكود ومرجا كميم وكمرمهن البريج نتها افرون فيدوا ر بسط مردوز دور موا تهاجها ولی و که بار تکار مفاور که بنی که اندار للوشيان راه رزاده وركت عمد خال بهت بعادر آ دعي نامرونت آ برزا بن دكما ي ديا تهاده اور اسك دوبها ي اورخال شينوال مردار بهائي تمراله تجان كهار اكوادرو أبي رخج في معالمة بن أوكارابك

و الربوان فيرسان المراس يا دوي مروي مروارو المروان المادي المراي المرواد مورات والرافي المراق المالية

.(1) ·09111 مامور كيفرني داي و بعد الوجوم الروج مامرية مامور كيفرني داي الموجوم الوجوم الوجوم المرابع لافران ما مراد المام المراد المام المراد ال محموصفورخان بهادر خورجار إ مِينَ إِن مِن مِن اللهِ يرب علارًا مدد مي الم فين وال واسط حاط علي مي الم فين وال واسط حاط علي الموافر كو المرا مي المي في المي المي الموافع المرابع الموافع المربع الموافع المربع الموافع المربع الموافع المربع الموافع المو של בשנים באת נוכנים ر اعلى الرابع المرادي المراد بي مني ديد آصل شراده بي واسط عان بي نيك بها كا دوار الله William CET mil 1. Shill for interior تعدورًا وغدورال لوت لايمشي من من كررات ورعالين وروك Silve sperder coll Contraction of the second

البن بن للو مارو الن جرب و في رضي من الكي توبي فيار كريم كوبهما كريم علي جانيكا ىپىتىز ئىرىغىي تروېرجەلاپتى خراكىم باغىسىيە خىرى اورايكە بلېتى نىدى ئوگەسىيە مەلىرى دارىكى ئالىرى می از بندومنان روانه کی اوریک حکوما کرمیدا زوا ور مشار نیزن کی نیز کر یوسی جاگ جرفت به خالرام آم کوس به وی دوس و آن کو خود کابا کو تو بوک نوز ا ^{عار} زینهان ^{ویا} نی بیار واس بر از سر سران می از در این ار ما شن نوویین رسیا در کورون کی پلتن بلت کرمیریت کے میں ^{الا}تریا تر على كاناكه وه أوين ورهكم فرا وين و أبله كوجلين كما بن حد رأكم الكار املی اور بلاش کو ایس کهلا با که نم انگر ده کر تیزین والورز ا المرين ال عار خور نے بے تیزین کی کا میں آبی اور عار پول ا

The state of the s The children of the same البنوكرين المنظمة المنطقة الم مع برد مرزی اور دو باش اور دور ندو ا المبروق بكادار المعليم والموالي مجانه ورجيم وادكي معيت وونجاندوان مادم ربير اسفد فوج كفات كي هوا في زاد جمعية المرزي مذرسة المرحلي ويعالمات بدرخاو بالخانة والاحوال منابع بري يفي بناء كالمول تها بقريخ اورا تباره داسط سيام دولاک استان فرانس ع بقريخ اورا تباره داسط سيام دولاک ا بطادتاه كالأ ر بعظ ما لاک مرسوم کماوس مردرد- ماف مطاب جونوج بندوشان کوجلهٔ بهل کوجید کند جانبی براسط فازونیان در قریب بندوشان کوجلهٔ بهل کوجید کند جانبی برای کار ع يدويد بن منداع اصارميا وكامن الم ر من المراد من المراد عالى بمت بن الدارمطولي بے دلوا دو نکا ویے اعتبار^ا · Carel

رمع كال كرزيد مع عيال الجفال درا و مناك اليكالس رسمان البرع تركين *كية بمور*سول دقعورة لدېيانه ښو و ټارچنه کې لښان مښياع کي بو د وېک رتبې د رام ره کې ر المعالم والمرو البروع البروع والمروع والمرابع والبرام والمرابا ووكابنور والداما والرابا ووكابنور والداما والرابي عبودا الله المرادات المرادات الله المرادات المردات ال عقصه ولها کی سرنامو کلکه کومپونیا لار دخیا در طاور جالبیسرار در دفت کر دبیرا ورکینی The state of the s والمرابع المرابع المرا ى جميت كى آيى مويى اينه بهي ايما مقا بدي الحركار ماراكي آب البوراد والمرابع المرابع المرا البخرار المنظوري ilyi,

ا آبند برای می این از از ا از این از ای Take Property of the state of t المراع المراد المراجع المعامل المنظم ا المرين ال شركيجي دم يل وارت جوانيا كريسا دركوفي جلا دينا ويحان فرزر والاروا ورزاد كول للكارما مناكه بال مجد بالرثيد ورايدم

ر مونکا اراده بدنیا میرا ایک لمها نهدریکه رور در ورجه كان كزيد مع عبال اطفال دوال مناك بتمان البرق تزلن كرية بورسول وقصورة لدېيانه ښو و ټاښتنې کورکان مشجاع کې بو د و پاکس تر و رام رسک مر على ما بين والمرام البرم والربوع ت و قريط طالبيا مرد بلي والبراما . دو كابنور والهاما . والم مروراً كي براه والحار ومي بين الريع أولي والمارواة درية المارواة درية المارواة الما عقب وله کی سرتامو طلبه کولیرونیا لار حصا در طاور جالبه مزارر و د فت کر د نیرا ورکنی آ The state of the s وميعاد المالية یی جمعیت کئی آیی مویی آیے ایمی ایمی اخری اخری را آرکی آب زود را را ایمی اخری را ایمان ایمان از ایمان البخل بالمنظول بالرار جانبارا اورا مكان مر بطران ركما ي مهروو

المرابع المرا A. J. J. J. المراس ا المعالم المراب المواجعة المراب المواجعة المراب المواجعة المراب المواجعة المراب ا ۱۹ ازی بندن از در از الله والكي كومن كالح ويلى والبياب عرفياً كور المركوب علا ديدا وثيروا ادروكن فن عصام كلدي دوب كهاكم أجلت م في باند وارتب اكوري ادانه كربر كري ايردور

کن کیے دفیات کیاؤسلوم مواکم و ه قید میر مرازان اکر روک میں جیارہ اکر جربط ا بمن دوت مطرفان بلط کوایا نها لیکرونیده مردارا کررول ملاموا نهااس م جوان متبااسکان المين واسط مخصر علوم انكرزي رت تهااور نير سور وفي الدركار فا مدار اكوري سي عيماتي لتي بين رواته مودورت محرط^{ان} طونجاراً في يا كو خال مرد رميك فأركروا ديا لكر عبال ا الهين وريك ركها در مرار و از ريم يع جركم ال خيج اورا خواجات ريما درجارها . المين الم با اور ویا نجارا میر نبید فرار درست می این می رینه مراکبرای بی بیری براید بیرین میری میرین می نهبارار بین بهروایا او رساد یکی که جو کوی سنی کا بدار بدی کرمیس سراا د ایی هایم بیانیانسبرانی میفر کاکهوریج بنار پوکن و بخره آیا ده کریم کئی مرارطال بیارا لم حورت عربی الدیمنه کی ایم آبه اور قیمت کی ایندامی و اسیطیری در شاوی آبران از این ایم آبران از ایم آبران ایم آبران از ایم آبران ایم آبران از ایم آبران ایم آبران از ایم آبرا المنابلة المنابعة المنابعة ت محد خان کوروانهٔ کابل فرایا و اخریم کرمبر درونت محد طافر: ور دوکسر وزند بهتی اوای قدیم روز و بخره الز ایمر کی ایمرم کورمة المن والمراجع المورد المراجع ا م بین از دها د و چارمو آ د می ا در بهی نزار بنویر به خرمو کایل در به Lings of the state California de la companya de la comp The city of the city is in the state of

Mark British العدامة المريدان والمراق المرا الإندنية بالأباد أيابة بالأباء الدن بمن المجوادين في كوك فعار كواور باونا وإس اليفيله أيفا دفنا وبذا مدون كرجد اجدا ندانير مي كُولُ اور قا فلر مي آلما فله باشي او بسه ايكر كما و ه من مبلها كورواز المان ال المان ال أبيدا ورقا فلرمين فاش كرينه بكرقا فذبهني مذكره لي ويدانين وكلانيم The Man was E. المنابع والمالية Fall Salin

c x lo حب *در دان سے دلی^ق کیا*ؤمعلوم مہوا کہ و ہ قید می*ر مشاران اکر پردائے ہی*ن میں اور مِين روت عي خال بلغ كورًا بها لكروشيد ومردارا الكررواسي الاموا بهااسط كم حوال مِّ من واسط محصل عنوم الكرزي رت تهااور موسور وفي الدركار فا مدار اكرزي بی برد. بی بین در در نه مورورت موران طافسیار آ قبا مرکم خال مرکور میکرفتار أبير بخرسي ركهاا وربزار ولوبي بيع جركمزال خوج اورا خواجات ربيعا ورجارعا بااورو لا نجارا بربعد واروت محد عاملات می را محراکبرها کم با دی که جو کوی ملی کا مدله مدی کرمیر النارار المرابعة المرابعة المرابعة المرابع المراب 公式が変 المراجع 35 V " YO , 1777 Y. XA

To see the little of the least of the least of the little of the least الخبي والمتعادية العبالملوننبدل بزرى زبرا الدن بيان بي وي. ربياوراونا وإس اليفيلا آية إدفنا وبذالكونون كوجداجدا فيا يًا عَلَمْ مِنْ سِيمَارْشُ كِي اوردارْمِي كُونْ الْمِحْ ورقافله بين فاش كرند بكرة لا بشي منه كه ورست مي خال ا با ويدانين وكروين تهمدهان نهام نومة إم ربالب كرميخص برا وعود كمهاج كمروه مخف أما ور Con Mer,

ر المراق المنابع المناب المن المالية ا in the second se The state of the s かい الم المالية ال できないが、からない भिन्ह भेरत है जे में मार्थिक हैं। .7

المرابع المرا المرفق المراق المرفق المرسيس به الربها كابادت و من الربها كابادت و من الربها كابادت و من الربها كابادت و من الم المرفق المربية المرفق المربية المربية المربية و من المربية و ا اله المراق ا برداسط منافئك رواز كادرابي كداندون كولزند آوريد بنين زار والكرا الماليونية بالرأ ألونية وراية اذكون مالانس كالدوب كالمعد تكووت فردا ويطلع يطلع عدا لدن مجمل ۱۱ () المجادي المرواسط ماقب روار ما الرويد المرويد المرويد كرويد كرويد كرويد المرويد المروي ن المرافق المراد المراد المرافق المياد المرافق المرافق المراد المرافق المراد المرافق إني بدورة مي فال أيكا فار أني بدار تركي درداري فنفائي الم روسه باین ا مدرسی فظادر فاظر با ما فقر باشی و بسر بی در در می این با در در از می این با در در از می این بازد می این بازد می مدرسی از می اردوارش از در از می بازد می ستكام مخلصه من بديد بورد وري المرود عن بديد بوري المريد المرود المريد المرود المريد المرود المريد المرود المريد المرود المريد المرود رسته مان اس فامله بن المراق ا المراب ال A strip of the Market

مردوت و مان الماري و مراز من على الماري المراي المري المراي المر The Contract of the Contract o المحيط ولا نكاتها حيد مزال كم ين كورًا اوربهت تعظم سالكي فت كي ورنفدوا رض عبره بساكسي دو الما نكاتها حيد مزال كم ين كورًا اوربهت تعظم سالكي فتيا ر ان نزور و الله راس عبورائي طوني را موج ببدواري والماري الماري المراكي والمان بنجابا و مع المرعات مراجي ورياعي عبورائي طوني را موج يبدواري المراكي والماري المراكي والمان المراكي والمان المراكي والم امع ما مرضقون كوخلوت ديا اورا حوال حيوز ديند كا بلكا بوجها دولت محرها عرض سركروك الرزول عابت ركيك شاشجاع كوكايل كي تخت رشبلا يكويد آما بهي المن بناه برا المراج در والمان بأرا المتعات كي التيميز بادن في كه البية تخت سيكي الداياي ما يسعاوروه أ التي المراز المر ميدلكن طايت مردادا الزرون كي أنا تها به راكي جو كمرم ال المرابع العراب المرابع کے بی مہر حرور پھیا ہے توفف المارس الموادول المو وكالدووجو كمركارفان طافرتا اسوتن

The same المرام ومعنون المرابي من المعنى الله المعنى البرت من مطر بدر به المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعن المعنى ال وزير والفرزر كهادد كفيكولوه كوم والمرجاب مهارة يمس موي بني يوسون مقراءي بني كم كماش مع سيا الكوري تارشي للكار ارېر پاره و ترطن نوخو جي بن مره وروفري دا در الله المول واسطى تروتنا وي دالده خرافاعا آفره را الموقعة المراد الموقعة المروسف في مروارا لموقعة المراد الموقعة المراد الموقعة المروسف في مروارا لموقعة المر الموضية في مان ادر مهمنا و وقال المروسف في مروارا لموقعة المروسف رادرباد*ت کیکریند میس^و آدیر ایش موافی ش*نزاده بود ه خبر را میلان شخطاع رادرباد*ت کیکریند میس^و آدیر ایش این شنزاده بود* ه خبر را میلاند. ى رائع الكروز داخل كابل سية موكندان خالى نادوست محدة الوراعي كرخان رون اول پی کارنیزیمیا دشاه ندسمن رهبوس فرا یا کمانن ها اورکندربس هاری اول پی کارنیزیمیا دشاه ندسمن رهبوس فرا یا کمانن ها اورکندربس ها نخ در مها دنخ فی جانب می اور میوان می رغور حدافران اکردیکا نزین نخ پی در مها در نخت جانب می اور میوان می رغور حدافران اکردیکا نزین لذرأ مين اوشار ويستران وعلت فاخر مصر محراب مرؤادي اوزمرية موارغلامي فأاورابن احدفال لوكني اورجدالدفال كالتي ورفال فالص فيره سردادان فرلهش ماره فرارها شاسته وبغلام فايسبوك عزين كمفاقة رودوم أرجيك أن ما خدافة م الدول كفت ورزو كادوام عفت كاركي

منبى بى اكر المحق سيا واطل كليترموي اورتسكا يوراين سبع مورايك كااراده كيا بوريم الكمقام بهاكرف ا دبرنا م مجيسوس كاميدان بحكم ب كوزنت بيت وراثية عام المراجي الماليول المرام ا تنام نتب تغيراتي تلاينه والمسكم جين اورصبي عام زمايه طريقه احبيا كرا حتى كوا كمينيم جوق وق المنت ، وسطيكار كرسر كال مي ميران ورا برع الله يميا ا وربهي حوعتمويا ورعله وغره جوجو كمرا نكومنط رو مطاروا فراسم كرمية رويال كرمية وراه بولال والفارق والمي ساله مراك كوي عرسوك إلى مدينه و کا کیے بہتی بور این کذر کرفند ہار کو جلے قرم سے اکمان کا ان ورپر دل جا و غیر میں میں ہے۔ و کا کیے بہتی بور این کذر کرفند ہار کو جلے قرم سے اکمان کا ان ورپر دل جا و غیر میں ہیں ہے۔ و ركوك فلوكر كو على كاوروع بسي كالمارا البي فيرآنا إورع رسي ركها وما ن على أيا أركي فوج مبني مركزد ختیرا دهٔ صفر رتابی که قدنا رسی می تخب جیود که طرف یک داسی می المرابر من الري المرابر وليخ فلوم عامره كي جدر در زاي رسي خركا ريك الحاكر در دا يوك كليس كار الكراس فوج اكرزي كم آ المور المرداري الماء ووال عمل A Secretary of the second seco

Child Din do المارين الماري المارين الماري الوسرواري المرتب المرت واره ارج نی را ا ای را از این و اور از ر يهم ركس أكرانفا فالحافيات

فيرانيما ترسيكان تحدكذرا فالهوال ابندا بنيسي ماسلامي كي نومين علين وال ليخ بهرك موركو آيم كن تن صلح نالاه دان زي جو كندها من اكر زكوها بيت نا وترايع ليزه آحدتناه دِراني كيامنفورتني اورفنامين حرافيب كمهاورام رونسفران ا ي الن ما تهم كراكوز صول من ورك بي كركا المت موروتي رفا م كرا الورف ر المسكم در مر خرار من من موجود المسلم و المسلم اور الدر من بسير محمد منان كالعرومية راه بی بر از در از این مار باز برادی و از از در بی بر برست از در بی بر برست از در بی برست از در برست از در بی برست از در بی برست از در برست از در بی برست از در برست از در برست از در برست از در بی برست از در ب لل إن المولاي الدووية والمرار والمنام العانا وكما المرادي في الرائع بدا واوروا باله الما المولان مي سوي بين ما رجا بيدات من الروع برسيد المرس المراد المرد المراد المرد المراد المراد المرد المر أورسيوال مل فتي الخرائ سنو أين سوار موكر درايات ميدان فردوي افواج ارت ي دراكز رسي دور مرك برييندا و كربهان به فويتا ، قرا

وكناش فام ومركا عفر لاردكور زميب

وندكر كورسي واحركنو زمني كمينيواي توايا اتباراه باينون يرطاق المان المريم كال تحد كدر المانهوا الميانية بالمريم والمامي كي نومين علين وال في بهرك موركو آيم كان من من من ما ما كالمارين أربي جو كدها من الزركوها برسا فهما الم يره آحد تناه دراني كامنطورتني اورقها من حرافيت كماورام رون في كان مي ورعيا أيي الن وص تمر كراكرز ص لوك نا ورزمج بها كركا الخب موره تي رفا مركا اورفي وركان و كون المعالم و المراع اور الروي بي معتمان كالم ا برها دور با تران برسوارون کوج این با در برسوارون کوج این بر در برسوس این برسوس با برسوارون کوج این برسوارون کوچ کرد برسوارون کرد برسوارون کوچ کرد برسوارون کرد ب أورميه السط في الزير كتبيتو في نصوارم وكردريات مستوي ورميط ور مدان فرود کاه اوله ارتای در اگزریج رور نه میکیومنده میکیمان مه فویتا می يع و اخل برعدنوا بها ولخال موسمة اورو بال

S. W. المع في المحالة ريد بي وريد عين مان فقرغ الدين ما مودانه بيّ الدوق ا اه دوسرون کداورانگفردم ال بعو بخدار موت في او زُغُونِي مَا م رضي اور تشاق ويادد كان م و مراعل دركورزن بدريك نيداد ني ادريان

ر المراج من المراي خرو مواسوموداب مع موازيك اور توار لوار عام الم ا فرمر کو بدر بنج ماریا جرمین به خران اگر زمین بنجی میرک تهامیکل نواز نیرزی دا فرمرکو بدر بنج ماریا جرمین به خران اگر زمین بنجی میرک تهامیکل نواز نیروز در کار به به با مواروغره تونخاكي كيار و سارط ف- نبغ ليدا وربس اربين ناه ونها كالمامي ان را تا اورایک به اورایک به این نوارایک میا نواز با نواز با دارها دیود مکو که اور به اور این اورایک با نواز ا اعلام رسونی کریم بر آباد درایک به میرس نوارایک میا نواز با نوا ارائه والم المنظر وروه نها حبور رو وسرته م ما الربيد و وقعه المربي الما المربيد المواقعة المربي المربيد المربي انظار وز اسکا کرز کوک بور داندر آیداور تام الصرابی کرار و دوریا ر و سلے کی تصورِ لکہوا کرند ہے جہ او یک ورغلام رسول مع دیون جیا تیر فیر روز کرنے او سلے کی تصورِ لکہوا کرند ہے جہ جو دی ورغلام رسول مع دیون جیا تیر فیر ارديك مكارقف اباكيك بعذ واستجاب المار واستطاستاني المالي معبوس واخورمرته رایک مورکراور درسورو یی موارهٔ مداره کی تحویا ی وربد به واضع استی ا عان ا ما الرعبدالقا درها قديم مذكا با د تا مي در المحال وكريبر بط في مي ركب مي در مير كا م دساغر جالبين مزارر و في اليم تهيده و بي ضبط موك مرحيد كرميدو

الر isme? وزرتف مالدولط مالاكلاد بط سوا اجرائے آیا اور صدر گائی ما . الرکھا مريد فله ين كادوفام رسول فان بي حيث مصالحت كي بان كي اور كي زنيفه واسواماه والراب المات بهي وم فبافت اورخرالط معانداری ." كالم تميدان كالس إدعام فه والميل ديس كاسيا والأزي سي داسط علافات فان وكوراً برايد ارخان دبوان نير رومال ناامك غدشكار كو دنم بین کوله کا جو بوای سرمة النامو فرف ورد مال صلح کا ج

ير رتهبر اكر ايرتوقف موّا يوانقلاس عطني طهورين السرصمين مير خرل فرر رصافي الم النكيب وارد مغمورة ميراً المرح وي ملحفيت محفود بن شدكا نطا ميكوم أمير منها راست. بنه مبوت راجه حيد ولعا كو والبيط عبار نيدة كرند ميكان دكي المعاراج وربار رما كرما كرما كرما المهرون راجه حيد ولعا كو والبيط عبار نيدة كرند ميكان دكي المعاراج وربار رما كرما كرما كرما استه اورمه حبیت در صافراری عالوالین کا اور لاوز زخامی کا ما ما اور لاوز از خامی کا ما ما کار کار کار کار کار ک الروا سط عمام و على أر الدويها ور رواه مين بها در مؤاليني برجر مر در داره دو سركار در بجاس نبرآ دمجوابيده عافرته كرمه ومغبري كبركوي كزيرا فل بغربا بالرفه حارر والحا فلعري جابيخا بوكراك ومرحسك كي ورائع بساتح كارته بمرك وفت محرها سربي كردوات مركورة اورفع للم المجنب ليع مو اندوم أن كرته بن تحديهي وكم علياته من والم المرود والطرائم زماین برسم ایم برسم مورارع الدین عین از جرت بیمن الاران و الماران و ا لهي ساركو لي من بين وروه لهي ولي مت اوركونسير بتصور كا حكم فقط أما بحر أوراط الما الم بهان ريد او د وي الموران المراه ورواز و ا ا حبه آربیان رسته مین و ان بری رسکے کسیطرم کی ا ذبت نو کی برخو د کرمشکواکراتا برأك بوالياب موكا وفت مواطبط

3,73 The state of the s م المود عي المان المرز. المان المرز الم الماخ ودبارجا مبض الدوارين وموموث ريارني تقدا ويشوالت ر مربع و مرد المراكب والمراكب مانو وركاب مُرِيرُونَ مِنْ الْمِنْ وَإِنْ الْمِنْ الْمِنْ وَإِنْ إِنْ الْمُنْ وَإِنْ إِنْ الْمُنْ الْمِنْ وَإِنْ إِنْ الْ الدارنين عا ويرسمبرع العررصار الدولة البرانين ليهي مبخنجون لينام مدوك فيت فرآية اُفِي لِي جِيرِ فِي أَوْلِي اللهِ الله را نها در استراط و در ما روف عالی ایک استراط را نها در ماسیر استراط و در مارد و مارد و مارد المزاع إلى دوريس المراهدو وكرم تم عير الادوم المورين أز مان عددوس والمراقبة ويرتبع وركبيكسي نبرموارم وكرحوفا خبزا بفيضا بعث فرات تص ي نهادار قرار سيخت داخت فيا مني اي عالي ينك بفول عن خفيد آرونند مرسل مي نهادار قرار سيخت داخت فيا مني اي عالي ينك بفول عن خفيد آرونند مرسل مي نهادار دورود: المول دير فقط سوالجوارنبا في مجريم فيقرس كي دور كرفت وخشه يهي سياسيون بي المول دير فقط سوالجوارنبا في مجريم فيقرس كي دور كرفت وخشه يهيمان مين الم عرفيه والبرنول كالهجامية مِن بِينَ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ ي غريم يف غرض اصراب ي كونه بني كوني تولي الته المحريض على عند منافقة مهادمكون كم سوع اوراؤا وعوام " بحك خروج اور الارك واحتى كم يوخده كي عِلَى مُنْرِينًا في عَلْم الْحَرِينَ وَالْحَرِينَ الْحَرِينَ الْحَرِينَ الْحَرِينَ الْ

ررًا دمج و^{مي} بمفيت عفوين زركا نعا اسع اورمه حمیت درج عیارین عالوالنیج و با اورلاوز از جامی ا كوواسط محامر ه ويلى بازرالدويها وروار كيفيها ورمواله في برموكر ورواره وو مرافي بجاس ننهآ دمجوابده عافرتي ووننبز وكريم ببركوي كوجراف بيونيا بالروحار ورسو فلوك عابنا موكها ويروسكالي وراقع مقاتن كالتوكارسيرك وفت محرعا سبري كرديوار مرکورد اورفع باید خان جنبے کیے سعه اندوم شنے کئے بین برخود ہی ذکھ علم اندان فردا معراکو زا بندی موع آمکه بربی جودار عباد دربن عایمان جست میم از اگرانیم لوگون کوتنا دینم اور نبار این اکواد برتر اور زیبر خدم تور برد کروم کی کران اگرانیم لوگون کوتنا دینم اور نبار این اکتواد برتر اور زیبر خدم تور برد کروم کی کران لبي سار و لي نفت بين ورده لبي ولي نفت اور كم نسير بحضور كا حكم فقطال المر آن المرادة ونا عبية بيان ريترين وان بهي رسك سيطهم كا دب نوي نه خود كرستي ال يابي موكا ونت بواعظ مازاه The second secon

الموارقي المراجع ما الولم و الموارد د وزر ان امرالد در مروی مورش کردند با امر زوانسالد در مروی مورش کردند و مورش از انساله الماداده عامل ا در الرمار طام في رمين عراك زرمار الدولة الرائز من طام في رمين عراك زرمار الدولة يمرسي مهزجون ليفويدن فيت فرآيدتها اُفِيلِ جرِنوْنِيَ الريلِ جرِنوْنِيَّ زَا ر المادرين ما الماليك المنظم المورين الماليك المنظم الماليك المنظم الماليك المنظم الماليك المنظم الماليك المنطقة الماليك الماليك المنظم الم الناع: أو دور تي بنزالدو وكرح في عرف ودومها ودونتريف فرسان جدوم والمارية تبرا وكبي برسورم كرجوفا نبين بفسايت فراندته روندرس كي نهاوا غوارسيت واستفيامني ماني بين بعرائه فرايع خفيد وقد مراسل كي نهاوا والجواب في مو كم كفية سركي لور كرفت وسند يميل عرفيه والبكرنول كالمي الميضاف مِن بِينَ اللَّهِ م برار این است در ان استار پرایس این این است در ان استار فادري وكره فركم عوكم تيما يرميرف غرض المارسي كيانهي ري نزل ت مي مي المعضف مهادمكون كم موع اوراق وعوام " بي خوج ادر مادیکه ناحتی که دستیده کی بیش بندتیانی عذم اکریکا او مادیکه ناحتی که دستیده کی بیش بندتیانی عذم اکریکا

ر دون و مهم کوالور کی هم کوایور کی هم کوایور کی هم کوایور کارو بازی اور کارو بازی اور کارو بازی این کاراه راه بالکه موالور با می با در این می می در این كهي ابت مواكها و وري سنه المار وسي مين عبومير من الدي الاول ما المرة بتويخ مهارج على من رمو اورابنين عنه رداك ميراا فت مرانول يا نارج المدادا كرزيك واضع موكومكام كرنواك قوم فاغنه بين وي الميكي نبية ايكرندكان بادَ تنا و دَما يسي بهي ويسمّه وكم بفرقبر بورط م الماكم ورطائبا ورطائبا مي يمايا مني متوصل كار اوقارم الماكم ومايسي بهي ويسمّه وكم بفرقبر بورط م الماكم ورطائبا ورطائبا الملا يقر مصمنعدا يك لاكر و إسالا فه وش و باليا بنيك حديد على عرف و تير نیلم دیا نی بهرنی مین شخواه میا هستان کریم در کار کوارا کمینی با و رکا کرا کسیرا يام كارنواب غلام رسول خان كوارنا حكومت إن كي على خان موصو حديات اكدلاك نواز با تدمیماری دکار زندگیری کوید کئی جس میم بنولیته اور کی راسوا فرالویس رجو ده کهندی باروت اکتما کی اورت ه دلنجال فام ایک رو پیلی کو که وه اوا نو دجوانور سمای رم ركا رفواب مبازر الدوله بها وررا درهيق مضور نوروالي حبد آما و كانها نوكر ركنكر عاس in the state of th

افريل. بريز الريان المراجع والمعددة عابا في المستسران عاررون نيط ور دومها رها رمنتم رفض ترسال عبدروسا المحر Ko ئ بسرموارم وكرجو فاشير اينيمت دملكم بغوا ببفر خفه TEL Jil للاش مندوتاني فارم اكرزي وافح

مر سوره امری می در ایران می از دول کوم کوالار کی می ولی اور کارو بازی از ایران می اور بازی از ایران می اور بازی ایران می ایر ري مي بدرايك نه كدرام داد بالكرموااور ۱۱ ص مويد مهادر اح اور كارو الراب المحتار المحت سار جدما مورو بها مورو بها مورو بها مورو مهادام بها باز محار المورو بها در ای مهادام بها از از است می مورد به با مورد به برا مورد برا مورد به برا مورد به برا مورد به برا مورد برا بردرون مد الماره مي مين عبوبين مطان مه جادي الاول ما المرادة الموالية المرادة مي الموالية المرادة من من الموادة الموا المدادا مر رب من من ربو اور اس المدادا مر رب من وفي مرد المراد المرد والمراد والمرد و بالدارا كرزيك واصع مورسوس مرافظ م المالل درطانوا ويحالا بني منوصلا سرسته المرادا كر المرافظ م المالل درطانوا ويحالا بني منوصلا سرسته المرافظ و المالل درطانوا ويجالا بني منوصلا سرسته المرافظ و الم وسلطان در ما وروز گورگا بوابر وجه و ال کوران کمیدی با در کا کراب موافواه شرعطیت از در این این با در کا کران در ما کران در کران در ما کران در کران عوده کمند ی بادوت اکن کی اورت ه و لیجان نام ایک رو پیلی کو کم وه اوا نو د واوات این این براه این اورت او که ای ایک رو پیلی کو کم وه اوا نو د واوات این براه براه این براه این

The Control of the Co مر المواجع المراكبية في المراكبية حاخرورما رضا ممطخ والدولة مانو می ایزان مرادي مرعانه بروصل زوزر بن ابرزاد مسلط ي مرعانه بروصل زور بن ابرزار كراداده على المرفية وريق ۇى بىلى دېرىزۇنى زار بروينه كوكيريسي مبرنبي وإلى لينع مربدوك نبت فرايد و المريد والمادولها سدالك والمالي المتسروع عارية وتفاعات يركر حرآج تي تفاور دومها رفوين تيرين زيسان طار رسا الح ما زياكي يّب دوكبيكسي نيرسوادم وكبوغانين البغ شائين وانديّ يرار مين خت دامند فيا منيا بي عالى الله بقرار من خيد آرد وندر الله مي تنوادا دوروانير. پرديفقوسوالورنياني موند مخفق كي در كرفت نوشيك بيسال يور انير. عرفيه ذاكب نول كي آي جنا محت الم ين نوين المياسية كوايد ي يوين كركوي دستاوراتات م فادري وكرج شركم موكم تيما بوفراص اس کی انتی کری نزل کت برکینوملر جادهٔ مقربهاد مكون كم موط اوراؤاه عوامة بي خروج اور له تباست كرو منبده كي يدنز مندسًا ني عارم أكرزي (في Carley ...

يى ئىي سركارا كررى كي بردري ياكوراني ما مبركوالياريد بدين ار نهين معلوم كم كماك بين احر حبوري تره مرااتها. ار الميانيات مواكره و فروري شيره الماره سي ين عبو ميري المارة المارة المارة المارة المارة المارة الم مهاراح صل محنا رمو اورابنین احتیار دیاکر دا كرزيك دافع موكاه كام ولا كاقومانا

يرموير جنبوري المام اعدوي لروراره خ ولويكم المركبي ويابان الإلا مع تعررتدان ير حاكم يحال بيكيدوم فوج تنعق فياد وكيجا وكي اوردورا يروسيط فلاند فأنه اضلاح كامحاص سيكاس آمدني جواس كركيات اصلاح كامحاص سيكاس آمدني رسياه كي تواه دغير كم مود كرانبار ولاكود كي زباره فلاح الرياض مود مهاراح ر دوم به المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد والمعادة المراد والمعادة المراد والمراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المراد المعادة المرد المعادة ا اوراكم موقة مهد بصيرا رفض كاكروين جهاره واسيطيسيو تصريرا ووأشطاء وارواقعي لا المرار المراوين وروز أن المرادي ال موده روم از الا ما ور دفعاند وما الفله كامن صلافه م كردا ما دار المرازد والمورد اوا بولكما وكالم وراء كوال ميغ زر وكورهد وداكر والدور اضلاح كور وقيضا ما ر نود است. مهارام همینی مشخت کومزای را در کسالا بورا در مورو کردین مم در نود است. مهارام همینی مشخت کومزای را در کسالا بورا در مورو کردین م ن رطوی در کی خوارد در در در در در ای از در جدتی بور کوستان می در ت می از از در ای از در ای از در ای از در ای ای می رطوی و در کی خوارد در در در ای ای ارد جدتی بور کوستان می در این می ای در این می در این می داد این می در ای يين لى ولم بدار و كالم المعرب مادين والمع أنما حك مها زب كواني ودورا الم المعام رسيدت بها دركيرا ومين كاربندموه مين ورفطينهم بين أم اليان منيا درج بن دس مهاریی ماییم رست خرکمینی آن مکر دو بیشی سرواز مربع بن دس مهاری ماییم و سنتی کمینی آن مکر دو بیشی لونت سركار اكوزي كرا وردي دهماريج سنديادر وكرما عزو ينه م معاون بوني شرط دواز د سم من عبدنا مدي تضديق كا وكر به صل غير مح Control of the state of the sta Established States Elicity of the state of the sta

بموية مهاراه حكوحي رابو المخاريكا حاصل لخية ما ينورو بهامورو نحا ريجيكم فباين مختاركارا ورراني مطبيكم الزيز ارمي نبي سركا را كرنري سيم وروي باكرراني صصبركوان مرجنا بي وه الشركم ميري مرابي لهمین رئین معلوم کم کهان می^{ن ا} اختصوری نروی از آنها سه می سب عبو به رود این آ المية البت بواكه اه فروري سنه الماره سي بين عبو مين مطابي تبهرها دي الاول ما المرابيرة الموع مهاراح من معارمو اورابنین احب ردبای تعبرالافت کولی با نابی ما بأمدارا كأرزيك واضطع كومطام كرنوائح قوم فاغنه بين وي ويا كائن بنيا المرادان وَمُنَّاهُ ﴿ مِلْيُ سِي مِنْ وَفِيكُم وَكُنْ فُوفِيلِ وَرَبُّكُ مِنْ اللَّهُ وَرَفَانِهِ الْمُعَالَى مُعَالِمًا مُعَالِمًا مُعَلِّمُ وَمَا مِعَالَمُ المُعَالَّمُ وَمَا مِعَالَمُهُ المُعَالَمُ وَمَا مِعَالَمُهُمَّا المُعَالَمُ وَمَا مِعَالَمُهُمَّا المُعْلَمُ وَمَا مِعَالَمُهُمَّا المُعْلَمُ وَمَا مِعَالَمُهُمَّا المُعْلَمُ وَمَا مِعَالَمُ المُعْلَمُ وَمَا مِعَالَمُ المُعْلَمُ وَمَا مُعَالَمُ المُعْلِمُ وَمَا مُعَالَمُ وَمَا مُعَالَمُ وَمَا مُعَالَمُ المُعْلَمُ وَمَا مُعَالَمُ المُعْلَمُ وَمَا مُعَالِمُ المُعْلَمُ وَمُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمَا مُعَالِمُ المُعْلَمُ وَمُعْلِمُ وَمَا مُعْلَمُ وَمُعْلِمُ وَمَا مُعْلِمُ وَمَا مُعْلِمُ وَمَا مُعْلِمُ وَمَا مُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمَا مُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمِنْ مُعِلّمُ وَمِنْ مُعِلّمُ وَمُعْلِمُ وَمُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمُعِلّمُ وَمُعْلِمُ وَمِنْ مُعْلِمُ وَمُعِلّمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ وَمُعِلّمُ مُعْلِمُ والمُعْلِمُ مُعْلِمُ وَمُعْلِمُ مُعِلّمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعِلّمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعِلّمُ مُعْلِمُ مُعِنْ مُعِلْمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْلِمُ مُعْل بند سند منود ایک داکر و در الله مرت و بروایده بسس مطان بر آن برای و را اور از ایر در و حرف و اید مدار مدوی کی آبی بر بر کا رموعود و با کی بر آن برای برای و ایر از ایر ایر از ایر از ایر از از ایر ایر از ایر ایر از ایر ا لا يُنْدِ مَنْ مَنْعِداً بِكُرُ وَ إِسَالًا مَدْ وَمِنْ لِهِ إِنَّا بِمُكُنِّ مِنْ مِنْ الْمُنْ وَمِنْ وَمِنْ و مِنْ اللهِ اللهِ اللهِ وَمِنْ لِللَّهِ وَمِنْ لِي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ال Signal Market The state of the s · Sign

(بريمان) من ويونون وتعليم \$\frac{1}{2}\frac{1}{2 إداكياجاة ورزنلاني فلكم اخلاع كامحاص كالدوس كاك يرك

بري چرد ايان نه که در در داد بالا موادر ان مي اور کارو بازي اي اور کارو بازي اور کارو بازي اور کارو بازي اور د افراد کاها صالحتای با نور و سی امر و می در جو کمن داید می داد ای می می از در ای می می از در ای می می از در ای می می در این می در این می می در این می می در این می د الميابت مواكها ه و دري سنه الناره سي ين عبوس ملائت موادي الاول النارة المنارة البيط ماريخ الماريخ المارية والمنان عني رواكي تعبيرا المستري كول كيميانيان وتا « بلي سي ميه ديمه وسي سرون الما فرن ديوا بكا نبك خرد على عوبه درمه مي المان الم بنوسك برما در مركوركا موابررجوع طوسكر ابد مدار مدوس بني برس بن الما المراد المرد المراد المراد المراد المر النبالة المنابعة المن الوائز الهرسي كسي دكان كريس سي كي له كي بي مكر منواية اوركي راسوا مرالوار بندي باروت اكنّ كي دورت ه ولنجات نام ايك روبيل كوكم وه اوالم وجرا Service Miles of the service of the باررالدوله بها دررا درصيع حضور نوروالي حيدرا ما وكانها نوكرركم الماري ال النابالم الزيالي الموالن الموالن الموالن الموالن المالية اه فيام زي الربي المربي الريادة والمرادة والم

والموالم المراج المراج المراج المراج ا الإس تعروتهان ماكسيال يكدوم في شف باد مكيما وكي اور درام ا ريان وهر منتبة أن أن أن من أن وي المان المان المان المان أن وي المان أن المان وراسط فلاند فك افعلاح كاعماص كاس أمرني عراس الركياني ربيا وكي تواه دين كم مودارانبار والاردي زاره فلاع توري ومادام كا الانة الرسروين أورهال والمرابع اگرده پانچرده ادا برکله به گوگر پردار کوار بارغد رو مانی دیداد کو دا دورا هزان برکل برداری با ماد. پانچرده (دار برکله به کوگری پردار کوار بارغد در مانی دیداد کار دا دورا هزان برکار و فیصلاً ماد. ج رط کھیا ہے۔ کی آور دوم دوم دکیا کہ اورج بعرفی ہو آ کو سال میں دور سنتم افعال کا لى ولم عبار بي وكالم الصوريك ماوين بيك أنما من مها راب كالمنام وورا مدر وردنت بها در کیم در اومین کار بند سوه بر اور نظیمتهم بین فا موانیان میرا اسلام رسیدت بها در کیم در اومین کار بند سوه میرا در ایران کار بند سوه میران کار بند سوه میران کار ایران کار ای ر ماری ماری مانیک در خرج کرد تین مکر دو بعد مودا معاون ہونی شرط وواز د ہمین عبدنا مدی تصدیق کا ذکر ہے ۔ ا Colon Carte Wist Charling

مع مدارات نے رام راو الکی والورانا صا می دیا مهارات کوی و الکا در الم می الورانا صا می دوند مهارات کار می الموندا و الکی می در المان کار می الموندانی الموند می الموند الموند می الموند ي سركا داكم ري يروان ما تبركوران عالم الكراني ما تبركوران المراني ما تبركوراني ما ت المرابين عنوم كم كمال من الموجودي شفيد المرابط المراب عدم المراكم المراكم والمراكم والمركم والمراكم والمراكم والمركم وال مها معادر الاید عمنورای الاروزالاندوش در با ایکا فیکن شور علی و تیا در ما الاید عمنورای الاروزالاندوش در با ایکا فیکن شور علی و تیا در ما ن سرور ای در ای این از این از اندار این از اندار این از اندار این از اندار این از ا المنولك بريد وركورة مولمر رموع طوي المدار مدوع كيابي من بركار مومودة الم عرب المارسوا في معلم الماري ومركار المبي المارسوا في معلم الماري المارسوا في معلم الموادد المبي المركب المارسوا في معلم المارسوا في المارسوا الما والرع الان المرابع مِرْ الْمَالِي الْمُرْسِينُ وَالْمُ الْمُرْسِينُ وَالْمُ الْمِينِينَ وَالْمُرْسِينُ وَالْمُرْسِينَ وَالْمُرْسِينَ وَالْمُرْسِينِ وَالْمِلْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُرْسِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمِلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلِيلِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ وَالْمُلْمِينِ عرب المرابع ا عادی دارد المراس المراس می بنواید اور الدارد المراسوافرانداد. المراس داری می کویدگئی از می بنواید اور کاراسوافرانداد. الله عارون اكن كاورت ولنجان ام ايك روبيكوكه وه اوانو ده اوال بازالدوله الاوردادري حضور بوروالي حدراما وكانها نوكركما Jail Market Miles Control of the Con Salve Sa July 100 Mills

يوان مرام والدر المرام المار المرام الم روکی تعین انظیم عدم کی آرموی اورتیسوس مهارا ها تا گرین در کی تعین انظیم میده کی آرموی اورتیسوس مهارا ها تا گرین وجرونفرى جدة كركفرام مادن إدراكر مشاراتها وعده كرين تومياراج يسحما ئىس ھەمئىن ئىمىيە كەلىپەركەدامىيغ جاكىتباردىكى يادەموت مىچ كىجەندى بنى رې چې موي ادر کورز خول مل به دراښې د په عود کي نکو نه که آرويدا در ير البيارة بيرت ليرصوبين الكيفة بناراس ضون كا مهارا في طيالم. يركن البيارة بيرت ليرصوبين الكيفة بناراس ضون كا مهارا في طيالم. مارلاد دكورزالو- براص بهاورفوج اكرزى عدريس ماراج يطيابدي فرانط عهود ليفادرقام الميني رياست كوانكي واخل جويا باريح كواكم اورخويط لكماكونيا عبذامداتها ويوين كومنفوك

The state of the s ای موری واورد بال فی فوج روب indicate the state of the state دين خبك بررامونوان كري جرويدريا بازر بر لین دیایا Jed China Participe. المنابر المنابع المناب المالية المالي The state of the s Alexis J. J.

حکی دو بندادا ده کدا ع هما . هم بندادا وه کدا النابلية وروا لي ترورية مركوري من الما كرااور دسوين *ديخ اكت كي المسك*ة النها. ولا بين ابحاني فلم بذكرام حران معض فقرات بخرروسي ريواردكورز خرا رور نبولاكو دابار بين مها إحسو كيا مواكار ردار مونوف مواا ور ما و ملاع واداخلافتهر و

را المح والموارد الما الماره ي منه ورايل الموارد المارد ال من مسرسی رسی الغاره می تعربی افراد این افراد اور این الفراد این الفراد اور این الفراد اور این الفراد الفاره می می می می الفراد این ب مره رواله المراه من المارك ورش المراه المارك ورش المراه المارة المارك المراه مرور بسرالعدرا المراج المحالية وسركم الحركية المراج المرا ن الا من رقو المها مرفد كرا دور المون الرف الما الما من المور المور المور الموري المور الموري المور عول المص رقد للهامر جدد كرة رسير را روس و الماري المراعي الردكور رخول عن قرار الماري المرادي و ولا المراء المرا وولت كريم وموليور كريط الما حو كلم سرونج من المص كوخو دنيا كم منا والران والمراز المالي المراد المر دورمورن والبرست برمون المراج بوس من المراج المواجعة الملاح وكم الاداب المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المواجعة المواجعة المراجعة المر المرادي فالمرادي في فالمرادي في من مهارا في في من من والى في المرادي في المر

ويون رئيسي بن جانبااورو يا بي ما و كي تشبير حانب اديده و كيسر كفارير كا و ويون رئيسي بن جانبااور و يا بي ما و كي تشبير حانب وحوال لوخو د عام دونين ج افي رياس ضرف او دُولِم خاك زخ ل حلاد رواند مور و المنظمة ن كواب داري عدا وغير المنع وعي ويو كوفا كي مقدا أبين المعالين عنداً من كواب داري عدا وغير المنع وعي ويو كوفا كي مقدا أبين الموالين والمناس ر دو کو با بنیجه مهار مربی بین و خود اختیاری و کیارا دیکانشی ر مرد چوکر با بنیجه مهار مربی بین و خود اختیارا دیکانشی لأستجر القداكم الكرس والفارة تنس عددي الأكامين ارزيكي علاال چ کاو فاو ناعنو تما درد در در نیانی کا بندگرواد یا اور آو کوفعل کوار دا وه کام عِنَ ٱلوديهِ كَامِنَا وإِسْتَ بِادرِنْدِي الأَوْدِ كَيْمِ الْفَرْرِ كُواْفَى الْيَصَارِي فَا مراكي را من الميذ مجد الروكون وع جوانيف اراض يراجر ي رانيانهم رك موكوك إنداد تنائل سوالي ويت برین اریخ ما دی بوی اور تربون کو انعام بارس كالبخين لارد كورز جرائص بادر فيسيد الناره سي الحرورار كوالال تراكزا كالك

الميك الكافر عدونا مدلكها كالرحبيك وعني المحافظ وكالورج الكيم والمحا الماران في حرف دان الزروك من كرك في كي بدون فلي بن كميا من داجوا النهين المتع بوي ورعا فاكربست ي ورض جوكرد ولعت را مسترمل فران Eng. مونه كمي فيدا ركيفوخ صدركت نباحتي عبد المنين منيا كيا ي درمت موي الأ صاخبان كرزنه يبيشروه تيربهيت عومن وانها اورخفيه الإخلاقي عاندكما تهااوروا المصينة لم بني رني بني اورا جراد عيتو ألم النيل الكرندان بي حاصب كا را د . كيا كما تها كم رى مدوكرونا لكر الحام بالاركوند في على الماركوند بران الميت الرشري رام كالقداركوا فل الأروابكري مُنْدِ" البَّمَارِ وَسَيَلَعُ مِنْ سُوسِي أَزْمَا لَعِينَ رَبِيكُ مَنْ وَفَعَا كِي بَعِدِ وَ سطفي سي مجدورك حوقا مم موالا علاجراني بياماي صبر بلور بيت مرس الموالي المحام الموالية المحام المحام الموالية المحام المحام الموالية المحام ال تطفي الطفي سي تجيمز ركيا جو قائم مفا م بولو لا علاجرا ني بيجاما ي مصر بطور ما يسكيره المرام ال لعِذَا مَيْ اللَّهِ كَرَامُونِ مِنْ مِنْ كُوسِيَّةُ وَكُونِيْ مِنْ أَوْمِ لِمَا فَا مُعْطُورُكُ وَالْمِعْمَا وَكُنَّ

ومن حركما اورسواكه رت تحکام اور پایداری رہت کی کویمبم نسخی فرال كرروال ومحرر والكاتها والك فاراكردوك فاستر وداو شفكر بنالما برجها د din يرمزر

درجرخا لامته غامام واقتدارها صاكرنيكي دما غيين لقيم تيم ب جويلاش كم فري يور استربهر في كي متي ا ډر موسوير وبله نيا يي م بإد و توبين رفيان اكرزكي و البن مو مين جيس كنير آجر كا راجي يرمز ا فعالي مروسان در او در رسد به وسنده به او این ما صوف می اور هم المالا عيدنا مدلها كالرصيط اعت فاح والاركادور في ما الما والحرفات The Cristian سراي وليان الزرار موالفي كالمتوان عين الماكر الوك النين والمع المولاد عا ماكوب يساى وافع بوكردولت والمستر على فرال كوري سرنه كي فدارك تعفره حددكت نهاحتي مبدر فينس في الحالي دييس موي عيان إصاخال كرزناب شردد تيربه عوسق وانها و وجنية بي فا فكل عاشكما تها اور و المصنبة بمرادر مرادعية في النيان كريدن مص كاراد بمالكا بماكم مين تهارى مدوكرونا لكرخ عامر الاركوزيس وكم عدما موت اور مند مندس مران افعیت ارتباعی را مولاند ارکوافر ااگر رواسی سی المنه النهار المار الما الطفي الطفي سي محبورك حوقائم مقام وولا علام الي على مع بطوراب من والما كالم المالية المعالم كالم المالية المعالم كالم المالية المعالم كالم المرابية المعالم كالم المرابية المعالم كالم المرابية المرابية

بالوعسويين مركياه ورساكس وولية ومسكره وكاروان كرصور تهرجي وعني عورت محكام اورا واري كالكي من سنج رجيدك مها دي نديك رُونِكَا بْمَاكُور بِدِيا لِمِ زِيَّا وَتُم مِعِيدُ النَّهُ عِدِهِ وَأَلْى كَلِيمِتِيْنَةِ وَوَالْنَ مِنْدُكِ بندسكس فاكرا تبادوده فران كزرون وفي والمحل تداول كي ترجعة بعديد اد د کردوگی بات شرد داد پر مینار نا از دمها در می میدری کوی برا این از این از این از این از این از این از این مار د دارد داد این از در داد پر مینار نا از این میا در می میدری کوی برا وكامي تعاسط مترس في صوياء وندوم ام بنامها وي كويت عامانداد يناكم مرورة راو مام تنا كونس لينه لكوار فدريات كاتباد وبتروي كاعراب ا مقاع در کاموارانون فرفت کی دو راه کی شد کری دیکان دکرد دهر با یا در فود مقام ع در کاموارانون فرفت کی دو برمى دادك كما كانى تى بىلى يان ارتكير تب باز آئين دي وي روي راوي و مل لها موكرا بدارسلطن بن ى بىن بركاك خاندان كوزى تخليف سنعا كى دكر الحاطل بينى كندها بهُ وَمِنَال قَلِي بِن وه زارْ شروع بواكر بهوكر دي كيابكر

The second secon مندسيند والمراد والسطيطات ومواوناني المجور وناوله مندسيند والأسطيطات ومواوناني المجور وناوله مع فاران والروائع مع العرب المرابع الم ما مارت العرب المنظم وي النام المراد و المراد المر The Contract of the Contract o ر برکنا کردور وصور عید اور براسا که تعبیر کالااورای خردی باید کارور فیوا در برکنا کردور وصور عید اور براسا على دريا مياريم م الوري في الميارة عبديرة ويماروا على دريا مياريم م الوري في الميارة عبديرة ويمارة الميان الميارة الميان الميارة الميان الميارة الميان الميارة ا ر منار در الي در الرسط المسال الري إن كري المريد الم ادى وكركه كرا كوالك مع واركما وركان وكال في معازاتها على صفارا موكر بها ادی وکررکه که کوایک و کار این کهای جوافدارهها دعی بندسیوحاصل وانها، باره و وال این از در در از در از در از در ا با تسروع با در در سیسی مالی بر سیار نصر نموانها می خود ما سیسی در در در از مراد المواور المراب المي المي المي المن الما يوف من الما يوف مناسك فعط مها دي سنستر زيس كا عكم الصليح والاور ودرت والون كي كوال تنكي منى ش ركاه مكروا نها ورصالا ع جنام عنا بقرنوليث نهر بهامحا من نام على على از ارجم و صريح بركه لا دينة اورخوانه بن منوالهي المريادر على جي الرك جوراً المريان والماورات المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد الم منيك زيمي المعارس سنود عيسومين جوده بوركي مجنمع فوج بسمفالمير في ما ي كه اس روزي رجوده وراور اوري بور كازوراورد و ورك

المنافظة بر بو ای خلار از مهار میسد: ي طيراول ر بیزار زیکا م^{قا} (ور وربيكا دوافرجاته بني بنيفغ خ النام النام النام روه بندائح تام رُزو مأرا نبوافرب الدورروط ما ون واصلى ندوستان نها واضح موكم القداريد

اخر و بروي الرسب الروي على واست والمال من المرابي الرب المرابي المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع ينككر الوكلي ويتبونني فن يستورا وحي فها مند مهر المرافظ من المرافظ الم المرد و فراند المرافظ اليالسوري وبرهم نبديه وأشفون من علق أرام الرية بناك والدالي رين الروس والماري الماري الم الرية بناك والدالي موسيد كم وسطيط مافت ورام الماري الماري المارية المارية المارية المارية المارية المارية الما من الما و روز و نام المراز و المران والإياج الانبي بيدين أورد ورالي الميت ورايا

100.10 ن را وموارا الحريم الحورية المستصيصاي القي جاني بي تبي يرويس الموي جوانبار الطاعارون مرواه أي بروك التي يريكوا وكاره ونغرينا وخالج أكرزت باه والأعِين وفيطي فواساري وادد كورتما وبغداني واسط دواركي باكري مي موتير طواه والولويل فيورية م مدور براولتين مقاربو ما دروال فا ووال روزون بن عدام الم ولاده المراضي أنفت الما كالكام الما جاكم الكاف والمحتاج فالوط مفررسيان كي زرعكوسته الدينونواي ببتاً لا داورسیاه آریشدا در ای خانه درسته بقط فیسری قصار خارال سندمسية كيتا ن بغيني كي وم مسكتي مع بغاداد ، كمت مك بركر يسيكاسان ولرد ومي يارئ سيكري كي احتيار كي درعلاقة بالاج لنوكان كي فاخريف كالويدمات م من روار ما راوی تروز والدید ماندی Meriored & Live ت سوما برادر دونه حومان ایشا ذان in

ر جونت راومونکررا درالای کاسی راد کا که ده کسی خودادر آ دمی مضبوط نهاشانیز رسكي عربين كياسوار واست مثلاا ورناكيوربين أرّمسياه كي كميزت كي و } ن ركبوي مرتب المرا Color Color لز گرفید کردیا د ا غیر مرکه بعد جبنه و قبدیسی مخل بها کاا در نا بکوا زنگوا بنیے جمایاس حلاکیا ا درویان را ومفتول كم مم واي ورحمرهان وكوبخيان خواك كي حوال ديره كاما يحرجب وريعطي الا بهرآی حبونت را وما ورنجیته براین کرکه اکید و بارجوا فرا اکرزی مقایم مرک فصور کمی الرس لوكونسطيل كريم الدوريرج دارالمق اينم نباكونها نباليا ادر كاستناور بورين كا دراده او کی میس سواروسی کنگر نهاک کیالوز عموت راوگ مهد و خی در فروزی کر در اواطید مرکزه ر ور رشک تنظیا یا در مقل والیت از جمک کا بنور مرسند میا سے کئے بہر بو کا برآ او بال Principles of the Principle of the Princ روله در اوله در اوله در کامل که دوبان اور برد وسامان ها ریر باب سده می خود در این از در این از در این از در ای این اور برد وسام از بر باب سده می خود در این از در ا Marie Million Million Shape

7.5 المنافزة والبرز في برواي بورآ خرنقيد م الله بن مجيا ورائع كايبرويان دُيرِرنُهُ عند بها درمقر مو ري فصاخاندان مولكر كيم سيانين ريفاً سن خرف دفيع ومندت رماكر يلزيال ىدوكبورونى فركر كإمراد كى اختاركى بسردوسوس مي اور پکينه نزوبا رجاكير سه کي قرار اي و اضح موکرجه پيني تان لاک ده از ناليس پ وادواكم ادم بي خارك في الاارد بين The State of the s · Both will street 3.5 A STATE OF THE STA ٠٠. ٢٠٠٠ بن دريان 3/2/26

مِن بِهِ مِن كُرْمِدِ فِي الْمُرِينِ وَلِ العَامِرُينِ الْمِيخِينَ الْمِيخِينَ الْمَالِيَّةِ الْمُرْمِينَ الْم الدياليَّ الحرال المُرْمِدِ لِي تَصِيرُ الْمِيالِينَ الْمَالِينِ الْمُرْمِينَ الْمُرْمِينَ الْمُرْمِينَ الْمُؤرِدُ الْمُعْلِمِينَ الْمُرْمِدُ الْمُرْمِينَ الْمُرْمِينَ الْمُرْمِينَ الْمُؤرِدُ الْمُؤمِلِينَ الْمُرْمِينَ الْمُؤمِدُ الْمُعْلِمِينَ الْمُؤمِدُ الْمُؤمِدُ الْمُؤمِدُ اللّهِ اللّهِ اللّهُ الللّهُ اللّهُ الل ب دعمع المكرات و المحتال المرافع على المرافع على المرافع المرافع المرافع المرافع المرافع المرفع المر مى كى يورى بى مى الرف لى الموركي رام تى تى الى المركي والمرب الى والمرب الى والمرب المربي والمربي والمربي المربي ر دار اون کزر و النه من وقد اس عارکه رکه وی الان کو قرارو و فر کرک و سا دخیر را ا الميا خائجه الله ويوال والمي قابم نها وراسي عيت خروري كي مجالي ورطوي كالحج المرا عرصة والنهاسي بريت فضائي الماضاركيت بيركن ولاولدار وخرك لارد كورز من ورياد ر مي المرسم مي دوان مي دفع المي دفع مي مدون المرسم مي المراد المرسم المراد المرسم المراد المرسم المراد المرسم ا ماوار کی میدادر مور مورس و در مادی اور این ما میدان مارا اور این ما میدان مارا اور این مارا میدان مارا اور این مارا می میدان مارا اور این مارا می میدان مارا اور این مارا می میدان مارا اور این میدان مارا میدان مارا اور این میدان میدان می میدان می تِ كُرِّرُورًا بِدَاكِ انْجَارِ الْجَارِ لِي إِلْجُولِهِ الْجُولِي الْجِولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجِلِي الْجِلِي الْجِلِي الْجِلْمِ الْجُولِي الْجِلْمِ الْجِيلِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجُولِي الْجِلْمِ الْجُولِي الْمِنْ الْمِنْ الْجِلِي الْجِلِي الْجِلِي الْمِنْ الْمِ ويجنهم بسالط لورمن خروج كبالها اوره وسود ويلا إورتهان لوك ركع بين خرار در مردت من و بعدرالما نده المين على علاقدار دار كولها و المين الماله الماله المين الماله المين المراد المولات على المراد المين فيديد و المعلى المراد المين المراد المين المراد المراد المين المين المراد المين المراد المين المي Control of the contro مَّارِهِمُوْلُهُ مِرَّالًا وَإِنْهَا وَالْفَالِمُ عَلَيْهِمُ وَالْفَالُوعِيلُ الْمُعَالِّينَ الْمُعَالِّينَ ا

مت دفير والما المالية والمالية عبة آبه مي اورويس النسخة المراجي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي الميمالي ميرسان البيري دورد الركية بعث بونا كيم كي دواتها به منديث الكوري، اراً مراس این داسطے بلت کاراک درم بھا می ایکی کے صعب اکردی م في بوصا كريون عيد بين بيران عرض كريسيد ما دركاك إلى يد جورت او كورت طوف المركمان به والركس مندور بها المرج مقام اليم عنوال المعدور المريم والم فران م عيد عرود وال او أندكر فا مرات فطوف كي ورعلى العباع الت مررسة قارتمامقا الن ازى در دومار كنرى بن حابج فروري فارغ مولا البيت يتي در العرب يا رموكني لورموريال ندع تراج والفت بي مدا السائل سے اس مران دون کوسلامتی میں میں ا الرسينة بهادر اس عله جانا ابهي فصلة والله جان مجني تكل موكي را غادا د مجاسموع محراب م اول والحب انع مو الراد م ما مده الما والحرف العربي المراد الم على المرهائي والمواهل أو الماراة المي المراة المي المراة المي المراة المي المراة المي المراة المي المراة المي الم ist Minister.

Tool Birthing to have يفعل لكها درنا راسقام

الصيوبر كالرواني ونبق مرعود ركذرا ركبوع في كالمي حائة برمتيها وروق للكي بت ای اروادی اور با میارم بعض معوره اسل معلقة مركارعالى نوالك وراصفي فأني ما م ابني لدويور واحام كالسركاني ا معاصل وبها مزبوره ميك با عداد أما كم وارول بالما ورورها عاص مع المرا ليم البرمقور وكالخرس والمادر المادر ا النوع بين وزيسوا والمرزول مقا د كركيا كا ورفاد كاوبل تصوافع ع صدين تق مربط (دا فراجها رمنك و فروي مهوجي عاجز موكه فالزور كالقرفين الزوال مكراوركريوا وسركاردولهوا ستركر كي عبينة فليل سي البورين فات فبول اورسوا لديم الميفاوريط كونتي فران المزرول معرك اوربد حذب لمدة مركورين وت موارنالي راوالم

د كون كونام ميروك كرفيار ألم رِيا ، زكمان وركول وكملا في وبنا بروال يج اور بدكا مدا لْحَالُونِ مَنْ مِنْ مِنْ عِلْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ Printing to pure ن قتل موا وادمد علم الصرك في حراد أهم ااوا

أمدارنا ل أيان من وافع خام فول والكاس كم عبا كرت ك وركم فالوم من را درعبواا ورآبا ولي مني نه رحمت ومنز كريك احد كر كويمبيجيد ما اور ليزي سيساكيزي واروث قا د مونا كونسية كراور ا قرار را مسائد كوم يازر متعالي قليسولا وركاكيت او قرداري اواكريا البيصار جانداأ ورفاء والرمش حريط كالمسط كالم من والالكرزونكا براا عال خداً د مبول من معاجز و کرواسط صلح اندراو حبونت کی امدیخ والحاج ار منظ در محربر کرده بی اور این ریز کورند نا مدر فو شرندا مینوای د کمر لفان افران است. ایم ها. در محربر دو کار بی استان ریز کورند نا مدر فو شرندا مینوای د کمر لفان افران استان استان استان استان است والبيط المروااوركمانا كم في نبراسية ول يميا المعدم فااوركوي ما والبيط المدريرك سجور کر فی اورز کر کوسین دیے ویا بر ویسی سرمدو کو ک مطنجان ما المرت بن متر الي حصور بير روازي ا وربو حرب بكن كمان بو وين وي الما الماره مي الماره عبويين مل إلى وجرب المره ملى من اللي من الرما في مي الفيت عن الموراور عنوا على الله عن الرية الله عن المري من الرما في مي الفيت عن المرية . طنور مین ای درصلی تهری در این رو پی ایا نه دانسط مدد مانسر ای در او بیراو بیرا ا في الكهم حبر ما در نفيدنوا كومع متعلقان أسيح بتورين جو إل الم والماورز كم والع فارتباع الرسيم الم المرام الم المرام الم المرام الم

لمة المُصُرِد زَكُورِ كُلُورِ كُلُ اولا پار-لاد الأروز لاد الأروز مِياه جان كي

المكر دوانه موا وال وكر فرالد مها وكر المراس الاور فيوا والله برام الواليان ت المراكزي المراد وه اس جزيت كن نها في الم وي ول م المراطعة المرادي أبيد المرابي والداري وبركي اوركي فرق ويوا يواري المرابي المرابي المرابي المرابي المرابي والمواري والمواري كردالبا دورنبوالع مسرداً طرف كباوركر زم مسلم كوعاكر كم بعضائي بعرف الرادد برايا دور الورس نبولا در كراس حريان حراص رامد دمار كم الكري حال در برسوا مولا كونكت بدايا در الورس نبولا دوركواس حريان حراص رامد دمار كم الكري حال در برسوا كم بولا كونكت والما ورا ورب سولا بور واس سرب رست وس من المناه وربي المناه وربي المناه وربي المناه وربي المناه الما وربي المناه المناه وربي المناه الم يه وفر فضت في بنو فولد كريون مرسى مسافيا يركادرو كي وكل النوسي وازكها المرائع بن وفراور ولوك بركون أرال ترمال مقد والمرتبة المحاور المنظمة الموري الحوري راه ي حميه الزنبي وكان ورناكان رواسط ند كورا مواسط بنورغا يرمض علف عال كالوراب مع نا كلركم وه ما نوراركا مردادتها

وازيم ماكالتي بن اسرف د ان بن سرآدي نفي اورد وزمن جوانا باينها يك كي اورويا 3 ان برقان دار رک ياه كيها كي اوتكوائر رئات قد كا كوكليا. بطے کک سے رواز کن د م مبی اراک اور اسم موک^ک

الزكاسي الجيادانهر طارلاكروف لبانه دنياا ورمين تراريا يكا لكر مصور دنيا سو أأبيكا وركني عبورا ب رسته سا در را و مع قلط وراما د و قد مناج عمد مج ان شب مو منه طا الوعمل مواا وربب تفعلود ربيان ي مرما حرارة المريض وفي الأفاقيول الوردارو ليك جا كالسي لوا يا رست بها ورسيك وجها توكملايا اور داسيط روف وبدول الوسردي ما ه المتورث التهار و سيمن علي مياه ورتي الديسرار وي وكليا فر الزري وصان صان تبي محامره كياسهم يهوكيون كاركي رقي بطور يراب والمرابا حكام مخلف اورك كرنبوا كا خرمي بوااورسيا ه الأزي و مبيي بن مترق و مبيي ل مع من وربر ل مرجمان ع صوت المحد الطريق المرزي و رسم يا ويرس يا ويرس المحد المرزي الم المنازية المنازية المنازية مف آدری و نیز می بروی ایس سی مرا المالها در این ایس سی بروی و ایس الم المالها در این المالها در این المالها در المالها د الله:

بالهردوم مران وتحصمون سيابي قررمي أمكاوما، وبارداً. 5/6/3/5 اکوزئ پیرم 37.70 لازدكورزجه

يفكما جروه الركع نوكريس المجود مخار والطلع بالماكل دركم وكولها من الماريس تهربن وربطت كي سردار خانف العبرل بويم كمرس الران دور كا السو نے اور موالے اکما کو دیکیتے مہاراہ کیا کا فرکو مارتیاں ۔ المادار کر کا زمین جو بہ صدا الہونجی بائیا وہما كم نس كي كما الوجي كو كل جوابرما و و الما بلت بين م كا فردل منه جومرا و تما إسك النبر إرتما ما الم موصى يذكها تم كي كا و ارط موركم و مكيا كافر الريس اودوا بوكي علادة موليم ما دوا Contraction of the Contraction o این اورو این جمعیت بره لیرخوالی می اداره بهضرکی اوردا الفت سر می بدارداده ا شریک اور مالفان ورو و ایا با و در میزد رس مراری حمیت او با بین ماکار دور درجا د نیکار استاری أرمهم والبيط بنيربيد وكل ينظ بير علازير اور فبواً مجلف بعن الإرساران مخاراً كرا المراجم والبيط بنيربيد وكل ينظ بير علازير اور فبواً مجلف بعد عا يرحا ديربت ساور و مخاراً كراماً القوري بودنه كرديا دورتا مسياه كوانبي مهياكيا رسيدنت بها درند بهي صعبت الزريا مراهر وغيره مي طريخ اسدم بنواند با م كا كربين سب طرح بي تمهار العليع ومنعا دسو مَ يَكُولَ مَا لَ جَكَ بِالْمُ هُ وَمِنْ مُؤْدِ مِنْ مُؤْدِ مِنْ الْمِنْ لِلْمُ اللَّهِ اللَّلْمَ اللَّهِ اللّ المحواعة ونهبن جربيب لار كورز خب بن در لكبير والمعربي ويجامعبد الرفعان والم عوض من كم قلور ريم أط من به واول يوكول بو اور صعبت جليل الديم من الكويم الموالي الموالي الموالي الموالي الموالي نيزيمتورا ورئني تفايح كملابهجواتيه لكما بحج از اسكا مرتب نهواله فركارف ديرًا ورزاين الماره سرندره عبوبین دامطها بنداره موسود و اور خباه او ایک الم

وكباف رموادنا بالمبيما والوردا عيوادا مركار فاطالكا قانون برزيم فانك موادميدوس أورا بشخت يذجه وآلا تحب كودان بقيامسن يكن بروادها أبوي وي مددي تباعل برسواد اور ميس ال عربيج وعن وار فاره رائع يين

معادة دروس ريت والم بغاون مستعانيك بدركا مردع و"درون كي الم اس مع م رستوا الراع ادر منوا م من مستر معی ان حال من ماری برای برای برای می این می است. می برستر ما در و داور سم لا در کورز ما در کاریند این این مند میا کوکدا در زمید بردر نیز از می است می می در در الالمة ذكات خدار والمرادي عام المرادي عام المراد والمراد والمر عا و کول کولیت ابع مرز روامیط میز دین زند نی اور کرده پیدار ه دیور کو بر الها و در الله و الله و در الله و در الله و در الله و کار ورزی بردر کار کونار اطلاع لها جو مارای من مراکع بے میں کربیان کا رواز الفاد ال نيرو قراب سيخ المراج في مدور في المراج في مع من المراج المار المراج في المر سب خت د باراج و مد ورغیا بال صب مهار مرد رواسط و الاکریا در میدورد از این باراج و مدورد از این باراج و مدورد المادی میداد در میداداد و میساواد در میداداد و میساواد در میداداد در میداد در المان المان

ي وكاس خال مال ازّاوتها ركاد رج روز اربداني بالكام وارا تأاس عزانع رهديما زدوافل بوكم المتأكم وقت بالأكماك وهير كالدانا والم الما الم من عدم من الم المراكم في المداري المراكم الم الدرك دونون برب غطف وركع جدم مسانان غيرب و دوونون دور الدرك دونون برب غطف وركع جدم مسانان غيرب ر از ایم این توژک طوین این صبت میں مون کی انگیر این توژک طوین این این بنت بارند فرااج باوکولکها که ترک فلیسی نظر در ا وادوكي والبنالادكورزصا ودكاك ب رمیدت بها در کا ماکل

كي سكر كوكل اور مها واور بالوحي جوج بي منول بي مردار اورادا ولت ابئي تهي واسط مزرك طل اور مُدَّنَف وْمُعْ بِهَا وكورْدُ مُكْ اللهِ يهم آميد كر كوفيد كرنبه بريش منا ديدك اكرنم داه را عام فيول مي توبه بين وكرنه جي اورسي المونيك مينوند مسئرا بين زديك ع زمانیها و کی رسته بها در سی کلاما که این زمانی فلوست از محموس از مهاری اور ماکه صایح از رمانیها و کی رسته بها در سی کلاما که این زمانی فلوست از محموس از می به دمر که اگروه و با سی تحل جار توکیس بوکایا و بان میشد کر کوفیته بریا کرمیے توکون جواب کیا گ بات بهر صیامین کتابهون سو اور مرجب مکم دار در در است بها در میم سکوه الم برم کرد و و کرونه مین کلایه کولکم تارن لات کو زخص بها درسه کر المبتر خنا موسی اس فت توبها و انهر کر آباد دربسر كررها كرسر حذكم طرفي منوايك بهت كفكوكي فيمن كوي ات فاط ان كونيا رَايَ الْحِرَالِ فِي الله وجب على الله حب ميكه الرَّجيع مونيه للا اوررميدنت بها درينه مهيَّ م رد او كولكما كمرم موية طرف الكردون مواور معاومي كمها المونم ابني فا ويذكو عماقة الفيكوشر و تفكر من موكي بسريا مروع مرجو وكومو الكريوكرون بوافا درجمامي بهاي كوامع نزد مكر مسدت بها درك بهي الرفعيد اص عدمه كاجا ارسد جب مهی دسی جور ریا که زیر کو بهجوا رویسر کیه گفتگو نمین بهت عبنوانی ونیا مها قبول ا^{ور} عرص طرا کو زر کا در از کا دوان کا می مرکور مند جا و تعمیر کا در

Self de Signatura Live Michigan البورية أي أي أن الم Wind Williams bi (univa) يابيل لحريب لئآئ ير. امااورآم ره یے! نیک در کیا ۔ باک بر بهجانها نعرايا di

يط وزي كريه عالى رور د كي رميد تساه ر روبه و آيا كما كار رسة المياه وروي الميانيم يساكن وبركوفنا كروايا يولجيه نهين رسي معلوم بحمرق منتي شيكا مور إاورعامو المحت العدا واوك كما احرا ومضطر الحال وكريشه وريتما فقط الكي من منه كريد كرورا وا وجدايه بدرال خرر كالكورك أيذب فتواكم خوف الما يدموا رسك بالدرسطورا أدوراني عَن مِن الله في كي اور دلاسا و كرمطير الورندواكودا سط درماريم الميها ورب كلام الم والم والطفع كفادم أيمين فاجراد فدعات فراج كابعات كالمعد برواسيطاس مرد أيد لله ته ما ويداني الأي يك كذرها في حيول الركار كم مرام مواي كروي في المخ البيالية كون موكاء كوكارك كوي في معدد كانور المنه قانوا المي الداد موسور موسود و كرا من الدو كورو ما در كولا على الما ولا و كالوب المرابي ما ولا ولا و المرابي الموكا الع حرف في إرزم ال يتنواه دارون بنواكر و اكم سكو قد من زوا داخرع تنفيسا كما مجعير ورود به المحاكم منظر وريث به در معنيها بير شوري كر واي ريس ن فراكا عالجة سيمار في أزاا وريسات بها ورؤملوم وانسري كملا بيركم ينين مجبون عوال كبرا بعث كون سياه الحياكشي كرريج موماري عبسته مي مشررازي بوي جل تباري وفرنين بتريري زيك كوفيد اركم بجادد اور اداده فاسدي ايعا أوينية الذجواب وفاكر والكسائل والمواج والمتان المتا المتان المتان المتان المتان المتان المتان المتان والمتان والمت والمتان والمتان والمتان والمتان والمتان والمت والمتان والمتان والمت

اوربيد فراء د إل موازم الاورهوت كملاياكه مهارأته تحاركودام بدداده وكما كنا دمرني مرحذك فراه كاحذركما يوكده فت موعرة أبسيا ما كو دوستن وللادبراع يهيده تغاينهم كاووليد قراع برك أجادرا وفاكر ذالا صينعل ورمنوكنظ وبمستسب عن وروزك فالموأ يخا والكابني كم جيرك معلوم كال كالمويك كأزاد مورسي وشمى أي م تبارام اوركا و مي ميغر مي جانبي او دُالا مرك طرح مي ينا لكا ول بايد ويوليس امر ر من ماركر دروكا وكرا ميادر من اور زارد فران كرواسط ما ن ان ياكديكم مروف اور دوم ويلي اور فيسار مين يدكن و كالنظ و بيده و ا بری من زند بدرند واز زخرا کا دری في نواه الورك والكريف كالوجية ي موالي المال الموالي الموالي الموالي ي در د اللان كنا د بركور ورو دو الكرف مي كان بيواكم باحث فتاكم

اس با مد خط لکما کوما مام واله وروات لکه بان برای سی سیزین بینو افسال این فرزی ركى مزده بالارزام طوس درسط اد است ت بنج بوروات ملك كامير المع مجال برا وركا بوا The state of the s وكبار كارداكم زيابهي كوح ك واضح موكه عشق الماسكومهنجاويا لتري زوحه اليكتكادا سیکهای کرارتم دیوا مو معور کرانی را فی بن ستوانکه سازی للين إوراكي ورترا وين كذكا ويثر به فاست برواني است كيند يريسر بينواكا ناموايس سرى بهركيرسوال جور تكما وركما ومركوبهي فيد وسويية سواجب متوانات كي يوجات اِنْ إِنْ كُوْشُ لِرْدِرًا فِي مُواكِنَ فِي رَفِي الْمُؤْمِدُ مِنْ الْمُؤْمِدُ لِيَا اللَّهِ مُواكِنَ فِي مُؤْمِدُ اللَّهِ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهِ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُنْ اللَّهِ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهِ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُلِّلِهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّالِي اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مُؤْمِدُ اللّهُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مُلَّالِمُ مُؤْمِدُ اللَّهُ مِنْ اللللَّوْمِ لِلللَّالِي اللَّهُ مُؤْمِلُولِ اللَّهُ مُلْمُودُ الللَّالِمُ مُؤْمِلِلْمُ اللَّالِمُ طور مدر دور کے کو کا ترک جو کہ کا ویر محق عاور کی تما ہے کہ کا رس الرک مه سربور کی بو جا کو ملکم میں تم بھی حلوقها ری کہی حرا رحا صواتم و کی اور روزي كاردانه كروكه كا دريدك اسكامان اورتيه مواز وسي مساوم بر مشورک در کنکا در سرا این این در این در این در سرا ای

يمائن للبن حاله الميم رو

اِعدر الرق وراب المرابي المرا . فَلَانِيْرِنْهَا وَارْدُوْرِ وَلَى فَعَلِيَّارِدُوْرِ المُعَلِّمُ وَلَيْنِيْ وَلَيْنَا وَلَيْنِيْ وَلَيْنَا وَلَيْنِيْ وَلَيْنِيْ وَلَيْنِيْ وَلَيْنِيْ وَلَيْنِيْ منه من ما ما ما والدورسيا ونه مل وران مور؛ مبنكي لازم بي سم ي دي المار بعداد م الده م الديد الماري الماري الماري المرادي المراد لاین رمیدنت می سر که کها مینواا در که کا کوار د و نواز نیم سرب ا قرار د اتن کها رس المرتبان والمرابع المرابع المرابع المرابع المرابع

الخربا Wyll Fie of يىلن فسرف -

ما دويا رطاه در ميتارز في من بن كورن في من من المراد و بن في من فرد و بسطي منها المراد و بسطي منها المرد و بسطي المرد و بسط ب ب س بن من من المراد و المراد المراد و المراد بعد وروي ادرها بن وانبران در عان الرزول من بار جاز كها ادر وال في عرز الري المعلى المرادي عرز الري المعلى المرادي عرز الري المعلى المرادي المعلى المرادي المعلى المرادي المعلى المرادي المعلى المرادي المعلى الموادي ر رسدیا بات و مل اسط علم الا در کور رخول و از ما بها در اسر بادا نه که ایران می ادامی ایران بی می از می از می ا این اکتیک الات کاکرمند ما او برای بر ارتب موی و دخر ای به در ایم قدیم دیل شری ایران می ایران می ایران بری بری می در این می در ایران م مِن إِن عِلَى اللهِ عَلَى اللهِ وَا يَ رَمَادُ عَلَيْهِ عَنْ فِي مَنْ سِالْ وَرَاثُونَ وَلِي اللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ وَلَيْ عَلَيْهِ عَنْ فِي مَنْ سِالْ وَرَاثُونَ وَلَيْ اللَّهِ وَلَيْ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَنْ فِي مِنْ اللَّهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ وَلَيْ عَلَيْهِ عَلَيْهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ وَلَيْ مِنْ اللَّهِ اللَّهُ وَلَيْ اللَّهُ اللّ اللَّهُ اللّهُ الل الورج بالباه و كومل دري مرسورة و من التحريب و المراد المرد المراد المرد المراد المرد المر وس برار معلی جاید در سبه به ساسه به به این از آن کرد و در آن از آن کرد و به از از از آن کرد و به ا

(زاریه اوزن (زاریه اوزن : 3561100.11 العنبر فنببرا ر رَبْوِنَ واسطِ اتفاق خال الرا الر الخرابي والمناور بدا م ويكفل إس حكتي رورنه كجا عا كز ندبياكوا والخط راد كميره كوككها كوتيني يمين با المفرية وندر والمرافزي ركص دائا اتفاق زآماد داكليم من متروكم إنيانية لك بهرجاد وتواري يا يمن الدر در مرورج بواي كرد في مست قهاريا فيواج عاد والشافين الرام كالوكات عربا بوركو عا حادثكمالاركم موااوركول فالهالي سيحداج رید زرانی در دکورز دارای ما درید. دری زرانی در دکورز دارای ما درید و الي مي جدادراد [إحدام - برادياك

المرابلة ال رون على معدد المرافع For the Control of th لم إلى الدوكور زوز في فيليك كوانته ع كيا الدور في في المراد الم الميت من والمات من الميت من الميت الم لمقاصلتين مولي نبا فود اجراب مع (رأيع اود الم فالموم فرم مراي مع من المريد بالناعبو يمان بيوسط وكو دربال اوقيا وبالدرينة الديم كوفاع كالسر ويوادي بين بيراد كا جميسة الحرزي و كر دائي ورسي الحرب وسي مراي حرفي و در بيسيا الم جومه أيبار في المورك ورميت وكله ويوليا المريه يعدو وروان المراسي مرير تشكمت ولتط خيم كزور وزيك دريم كواروبها م بصر بكريا كروا اورافي يع معاور يمنعور للمع والمرا كينه والمالي مروالي و زو كال وان والنوالية بماكم من جان الأزول له من ال عوم نواد الله حياة الأروك مب وزا ورات روس رار نها في الحال في وسي ركول ويدويد كرن كبون طوفية الجال كون وريدي

Maria Mais. John College Way King to a series of the series ن فرحاراً الريار الرسانداتفار إدر المناسلة الم in it is the state of the state بآداسط الحكادماط وو و ان كرا در مصادر و كم من دار سب شخر كردا ، مولات مال ت روا کی کرنز کاوس می لللك فغرمات بس كالبيري أواوركن Misting of the state of the sta Cr. Chair

ياه بن ازان ارزان معالى لـ زالـدار ما در المعالى ما من دراه منزل من المان الما ن مديورلك دوركي فاكرد دولندار كا وفقد رهوائه ما باران كرنه الي المان كرنه الي المان كرنه الي المان كرنه الي الم المورد المان كرنه المان كرنه المان كرنه المان كرنه المان كرنه المان كرنه المان المرحمة المان كرنه المان المرحمة المان المرحمة المان المرحمة المركة ا William Control of the Control of th البيدرآباد بوسے اور باب سرخوری این سرکارین بن شکر معاب مدیت کا بالات می میت أنا ينزنوب موااور سندما كرس فرخ اول كرزي اورسياه مندي تنمدها كران متواسية is in the sent doing in بيوافا بوين اليكرأ الورهكم محكوم كاهام برجاري موابيرا برموع كامون بن طوم أفرالإلارز Sund Spind book - July is ! جارها مري رابين ما ملاقة افران الكرزي سردارا مرقدي وكرر است المرا واوريا کو کئی فران کرزان محل دیوما اوز مجمور بن واضح مو که مبدو کردونته مامید الأيرول محادكا ريكريات مرشاب مواكركو احدار يدمسنديا كي حشدريا موااور والط اس ركم بارزاع صعب زام كركم بونا يكه طرف رورنه جوامًا مِتَواكُو الْعِ قَبِينَ عِنْ لارْيَ المرابع معتداً عراب بوائد المراب المر

والعولية وبأر المراة يع وكا كالمصور هو بينا داور كالدينات والدولة المرتبر وأني وألي ير ي ولا ربعدى عداد كا علومركور والكرمقي للزام علايما ودكي مازي وذكي ملاحظ يادا بيارا والمارك ي بند من واي دوراواكدل ولك والراتا والراتات ماما إوك بيا مناحبوك كلا وروه نيخ عا برافي كميكم الافات كم ومين رمى الركياب الأكه هدرا كالحكر رمنهي اورو مين جال آكي كفل كي ت برا كيفلاد اقدمواا در تجرز من طركم المراس طاران مرش وال تصرفه أي أي من صوا يا ديواد

معول به مع می الدسموم مواا ور وه خفید مشر الله کی به میتان نها خدا ما مدون این می دون از الله کی به میتان نها خدا می می الدسموم مواا ور وه خفید مشر الله کی به میتان نها خدا می می المورد و می می از این موادان می مود دون می م ب رع مولي فيرسوري فيرسور اي در د و فطري و مول من في مرافي المالي من في المالي الم على رئيس مقاطع مرسل كي نو دكوري منطواللك ملي ان ما درالد و درالد و رئيس رئيس المحالي الله المحالي الله المحالي الله المحالي المحالية المح

يار الما يا ه وين ايق دوبراند ويرا كارونهم وركان فيكاكن 1886 موااور مح دو صور کے ام طبعی م

مری ار دانان مند د علی آمین می کرد. میز ای نهیم بوی جانج نعیما وال ایسان می ایسان می میزان نامی میزان میزان می مارک کام نتواا در بم بهونه دا در نم مورکه دسم سیری مال های نامی ایسان می میزان میزان میزان میزان میزان میزان می رود من عوم ته الميان المحرالي من المعرفية عالم اور المراك على الموري المراك الموري المراك الموري المراك المراك الموري المراك الموري المراك الموري المراك الموري المراك الموري المراك الموري المراك ال من من جوار بالاور الخالية المورد الما من من من المورد المان عربية ولوكايمة المورد المان عربية ولوكايمة المورد الم الدج بابس و در اطراب مرس ادر تحف مرس و تراس و برسال و الما باز برضون ورست المرس الما و الما باز برضون ورست الم المرس و تراس و المرسول و مرسول و المرسول و ا رخي سير و قالم مما شرعيم من و فرس و تبارزا ، و جي ركب تروادي المدور الرابي و و قالم مما شريع من الماليان و المرابي المرابي و مورا الرابي و و قالم مما شريع من المرابي و مرابي المرابي و مورا الرابي و مورا الرابي و المرابي و مرابي و مع و وسر و فالع مركا سرب برس المراه بند في الاستفلاسواي دمود البراي المراه الم المان المان

المناه المراجعة Jest Minister Maria Maria

ن از آلیان مند دعلی این حی که ربت مینوایی نمیدم بولی خانجی نفضه احوال التی این مینوا موالی خاند که امرین این ح احارک کام بنواا و در به بوند دا در بم مو کروس سندرسی ما ان جا به کن برخین از در از ارز از برخین به خواند برخی و در از این مواند به مورد بر از این دارید مورد بر از این دارد این دارد از ا وروب من المحالية المح من دم من امان تراخ من المراف ر مربع ما ما المربع الموالي المربع ا و موسطات اوراد راس مراه المالي المراه د من نعاد به اطرین مرین در سعه موجود سرم میدوای رفرت میچو که خانم برنوستری از این از از از از از از از از از ا رئیسی سکمت سرکی سلط می اسوای چیراد کا میدوای رفوت میچو که خانم برنوستری از این از ا انابطروبين فيتاركا وولت وشد كابربهنونجااورية مركوره بيندغه بالاستعلاسوري ورزي والمراكان الماري وي والموالورين المراكان المراكان والمعالي وي والموالورين المراكان المراكان والميطرك ي رشيلانه يك صفرات المراكان

And Market Marke مارك بمباه فبدر مواجطا در المراج النبيار بر المرابي ال فالماريخ برجدكم الوقع ودارديا كالري مرا المرابعة فلدكوال ركا قومركتم

الى المان سدوي الدين في كريت بنواي نهم الاي خال المان ب ر دوابان مقد دعلین آمین حتی کریت میتو ای نهدم بوکی بنیامی بعضوا والان است. می میتوا در این این می کرد سر سندسی بال عابی بین برسید اور بر بروز برای بروز بروز برای برای بروز برای برای بروز برای برای بروز برای برای بروز برای بروز برای بروز برای برای بروز برای بروز برای بروز ب مروااورم بهوند اور مع مو گروس مندس مال عابی تعماه والان است.

اله کی بنی درسین مقطر بولد را ور منع مو گروس مندس مال عابی بروس کا بی برای المال عابی بروس کا بی المال می الموس مالم اور المراق عالم اور المراق عالم اور المراق عالم اور المراق می بروس می الموس و المراق بروس کا برو وروب سروب المراق المرا معربه علم اور الما المراح الما المراح الما المراح الما المراح ال مندم كارصدق وكذب ورام بي ما الدور عهدا جوامركه كلو بي بي مور النها يا النه اجر دان برمون اورویا که سموعی بوگام جوانسا با ما ذک کے مولا یک جا دیا تا دیا تا در پیرف صدہ نے وہیں ر مع و و الع مركا تدب غيرستفا ومرب انتبار زا ، و جو ورب بردر و ما المراد و المالية المالية المالية المالية الم انبر شرولين فيناركل ولت مرشه كاير بهونجا اورب مركون نبذي الاستفال والي و مورا ابن المالية الما موبه بي مداران راج رهيم من كاناريخ محاريين بترايا اورواسيط بدي بربه بي - . استان فال كندرا قبال كيدرها وكيواندها ي بيرها عزادي موهر اجارت بند كان كي حدرا الم المراد الداري المراد المر Strain Control of the Control of the

The state of the s U. Tring Joseph Styl مار بكنز

رط كويسجاد بان وزام الك مرا الله المرامين من الرس ركهوكون ما المراكب الرامين من الرس ركهوكون ما المالي من الموسى كند والم كركوميرة. المالية المراسات من المرسى المرس ب ي در در مورون الله ما الم ما موارسة مديدة وموار الريئ سام ارتياكن ما ريان الريا مر براز دامد بهتر و برا ورف سنی سر که ترمین و دار کرد تیمن مر بر براز دامد بهتر و برا ورف سنی سر که و بیمن و دار از دار ا ا کور وال که کورندها جی سندیکا میردگرا درصار میکی سندیا سازد وال که کورندها جی سندیکا میردگرا درصار میکی سندیا على المحراب المراد المرام كوواسط وردده ما استان کا مطاع کو بدر صورت کو اور المارية المار

المواجع والمادوم والمواجع يداين رادي جونة فقرم كالبيح كتبي بونمه كوركا निर्देश होती विद्रातित رِّنَهُ اس طَحَالَ بِيْرِ خُوار كومولاد آباد صَلَّى كَلِمُ لَفَظْ مِتْوَاكَ لَمْفِيكُ وَالْمَاوِكُ مَا مِنْ كُ ا مرمنو و نوار الارق م المعدد الم يور وان مي وربين بي اي البركية المرابة ؠٵڬۄڗٷڹۺؙڔؿۼٳؾۺؠؙۏٳڶ۩ڮۯۮڶڮۄۼٵۄۄ؞ٷڰڝ؋ ؠٵڬۄڗٷڹۺؙڔؿۼٳؾۺؠؙۏٳڶ۩ڮۯۮڶڮۄۼٵۄۄ؞ٷڰ راداره المراد ا ب المرود بركونا ومناورك مع ويرد والمرصد وم وكرون بي تويد ما ندو . ن سردادان اکرده بزعدانه استركبي فخط بخ يا جائي رسي ن كوزو كربيراد ناكرون المراد كارى دوراكم وعائن كالمان المرادة مرار المال كاكررت في موالة بزرستي بن فا بن المريدة المريدة المريدة المريدة المريدة المريدة المريدة المريدة الم ريكي عارد ا جاريس زرروي بي بينركه كو دينا فيول اورهز نبي عارد ا جاريس زرروي وِا بِنَ فِيهِ لِي لِكُارِ بْهَاتْ مِيلْوِسِ بِينْتُكُا وَالْ مُودِكِ . Merid SAL

مردي الانتفاركي مواليدكي عولم كرد ما دوراني عبر كا غذ للد ما آورال والاجام أو بن ما لن المرزول على إلى من بالله ويسال طور الأورسول في المراداع مياموي خانجه رافع ز تفقيل كي دفر دوم بن موقع عالم يكومنف آ من المرام و من دروه مراه را المراب المراب المرابع الم لايه معندا بيان بي من رجاسة وساك على بين بين بي تونوره الانا يا نور والم الما يا المرفع ما الما يا المرفع الم S. G. S. Jag ر ۱ بیانا مون می بین کمیم فرق ساق عبار کا بیور هم کیمه و بال حوال بین کرم فرق ساق عبار کا بیور هم بیماری مدرجی ا ادّارِیخ کاسنوات ہو ہے۔ ہوں بیان زیوارہا دلانت وز فراک بی میں ہی خروا الدو چركه عدد و فرستان دونون من تكويميان الرست المرابي عامجا عا نظا بو ا من بطروی در مطابعی کا عادی و کوشکهای فرانگرر اسروار ا و اس بطروی در مطابعی کا عادی کا حادثا و کوشکهای فرانگرر اسروار ا و راعان ركها تهدرا ويوحل مناسم فوت مي كم موى المر و والرا وتبول كني روز سيد د منوند رمع تنير آيد كوركها تهرا وكيابهت عنيم طا ا ورضوات ال ار می دورون کرکے بورد نامی مینام کے کونا دور رنسا کو مصا وطر سرونے کے رفاه المادرها والرزيون والرزيون والرزيون المرزيان الأرزير الزند عرف نيدو مول محامره من و مصاركا كرن لكها بحك منها م نبر دم جند كرد و الدان كريك المروزيق كوماري ليكن دوسريسر دارا سيا ه الكريري عليه افعے کی اور وہاں سے جانب سی جو قریب بنی کے ہی جانب کا مور اُہ مدکور المرابع المراب ZIII13,113"

وداميط وافعت الروفه إلاد فون خاصط نوا فداه جودا وركن تهردا وبردوم سردارال مي شل ترك ادرا والالارار كروم فانوص والرطع في كرائع مد معد منها في تنك الرطوف و بكر في وح دباره كاكوكيس لعرصبال لف كالوابدموال وديك م تراخي ور فروا کی تعدّرویی دیمادری و صوبی مالک مفتر در کی در دوار موکرفع ي بص، د موراد جوام وارك بقرراد جاكو اينه جومي ركس بنا زر *كركم أ*م لينايذت روبان مفرك واخير موكه باجراه اورمور وبغراؤرا

المراعن الاي إدفاع المنهر إذا حال الرائح عيد كالمنا فقط وداطار ر رو اعتار الما المحال و و المحال المواد و المحال المواد و المحال المواد المحال المواد المحال المواد المحال المواد و المحال المحال المواد المواد المواد المواد المواد المحال المواد المحال المواد المحال المواد المحال المواد الم البستاني تر بوي الديمة بعد من و كم عد طار الم ما من الدول و كا المرافي الما المرافي الما المرافي المر

الصور المراكز على ول ادابك فينوكورون سروهم كرجوال لم فخالف يسيكا دالا واحر عنمال ינאנום ל לפנעום ان لا مل کی اور

عرورال بريمن اوراعلا ورامعاره مي استار طوار والتي مطار لطام العالي ما بروراء الم والدر إذا أبي ماكير كريك أحوى رعاد و بعا مل عنه م كام والسيك فين سنة بيني د د لعات عيا ، مرعا يوان مبايورورومارك عياره بوخ كسيتروته كالراماور ولتر بوما كا تهاا ورا كر لطري كوكهاي كرما ع كالأوجي تهاا در ده ها جنجله درية فا مسواجي في موريه عن د ي منظن عاد الله عالم المسلما على ما لويا د غام العطن موركي تها دورسدين نفائها مي اوداراسيم بي موجود تبين مبية طاك ها إورشور ماداكو وادالمقر تبرايا بهرر فيتر رفيتم الويا استلامواكم عاليوضي اجتابي آيك قبضين كيَّة كوكر كالما العب بوت د الا بلي بغير ما در راي نيافه مراه كري درما كي فعمر را ه زين خبر كاكي كبيئة فبيعا دناجي عندمكال مبين فالدكري بوت ولم الميت فندمكال بين عالم ورشاه ند المجرون كوبالانفاق إمرالا مراسم فال صوع وند دكول داميط فا در مح الورز اما بعد لبونت کو حضور بن طعب اور راه جن که کویک یو ما مزرک بدورو در همجنگ الله عمة كونريب عاكر منطي اوراما جاي وراحلا هواكي ما دِت منوعو مقبر كريم بيخمراري منصرا علي الم الماسم الفاعات كالوزجي والرك سبها يوبهي المذبابطي بحاعد الان نرويكن خود بادناه واسط تبهم تسريف والمري كين ميمان اس وم كا. اه موصور اسل و به صلی تنم ی کم مور د در کی نور د در محصول محالا Marie Service of the service of the

برار در در شرکی بری کیار کویا رکیبین مون می کاده ا بني الي موم كا كرجه كار و دكه تها حوال مواصيه رواد دوكن موكر ميزان و كاركا اصاكيجية روزيك جا دور؟ عرفه را در الماركا و المارك الله من ميك الماري كوركر وي ا روكرركها درداني ديوفري كالمحارك اوزاكت مادع دونوي ده دونو منطب جا دريك كما ركرونين لاز ونفاع أي بتاجي وبرطرى وكد د مال رائع حاما خام انبي تتي يت دي بي نفام ما مركم و الرئع عاصر كما اورص نفا م أما والم والي حا بذيك فرط الطاف فرزا كأورك فواح إفاج

ما عر الدارود الكرام ال وارال كوفيح اوراولا ووسروا ي داكد مري الخداك محوار د مذمو ورلفيا بادناكي كود وعق في رمرا بسكراو رماكسكم بدراماك والكيرسكم علاولمن موكه طرفة كراس كم منصل رنداكم بنبيارا الي مهن المست ورجاني موسن كوت مها صور تها بار مراز الراري ي حب ايد ، خالک موروس نتے وروانتی تعند کریک را میت بر الاو ترفیدنیا singolina de la friencia. روارالا اور کی وج مری المرابع المراب بيتي بين ادرسار كايت كوبريسي تومنل كاين كرو كوبون مركزا وكرفيرتني أور ميض مورض ببان براوراه الله المرسارده با دامسطرية رزا كانبين عكم درمان أسيرا دررا مكرمينه واسط بین اور و جر شمیه که و نسله کی به به کم باب نے اسکے ایک و خریر 说

ياه ل كالما يودنه كردا يزالفا مدأت ر مركها كم بفونيا الالات مرمز الكف كا سريزام توفدوي أكوراناط كميناهان تيرطرح ويركيخ لبشنة اءاتهاره فأ و توليه او داوت وي بوار مفر كر دي اورتام ا برزا دون اور وو ك والحونا زالعة فلوطح عاكبرو فتعب وذي خطا كبويه وميت بره نا وسيسعد بر دیشنش^{را} نهار هسانخ عبوی بر*ل* ارة مواد اخ مو كرزي زي ژابال زاج 15,150L لنوربن آب*ن برج*ذ که ایکرز و کست^{یک} G. V. Tiliza ن من مکها کو اور رردري. برردري A 10 / 1/4 | William Constitution of the Constitution of th No. To Take The Control of the Contr 1 18/ doniver - NO.

بورج طرف دامری اوری بر احین تها به خروحت از سرب بر افران اف ا حدرج مع مين كري واسي . مع افران الكرزي ميدايا اور - مع الما المراك الكرزي ميدايا اور - مع المراك ا

تعادت كروات كون بالروق كالأنزوز برّا دا آما کینے ملطا کو د کمهاو در بدوره بي فكرسي تيكي جزل رومي بذمج



وأبوس ورغرت وسأ جدركو بنارميل مفركااسحاء ېينه رو کا جوالها بوال اور دوگينگر حوا یاغیر اگرزی فوج کا دم بالزرون حدكا كماسكولا الاق



عب كالمراد المروارد كومين كويرك مراعم باو كانتهام وبأرين ماكريكا وكم منظور كهوا ورشبر كورال بذرا ووسخفو ن جارد و لک دافعه بر مرکز ما مدادا کوریس داخل درانس بر آندیس کا ریک میتر ن جارد و لک دافعه بر مرکز ما مدادا کوریس داخل درانس بادرية وفي دو دو م المراق المي المراق بالما كالم موفية أما الموالي الموالي المراق الميني كور مولود الموالي الموالي الموالي المو الما المراق بي الما كالم موفية أنه أما كوم كالمراكي الميني المراق الميني المراق الميني المراق الموالي الموالي م ار بیزن کی متر دوم کر مزاح معنان دکورکا طراح تعارف نیای دور دان ما اور دونیا ار بیزن کی متر دوم کر مزاح معنان دکورکا طراح تعارف ا مار دروس الماروز الماران الماريز المرايز والمرادز الماروز الم ن ورخ ل رحر ما دغه و را كونة رآميد اورفيوسلط درود ي المصلح موربا برسال ا والطاعوات والميكاس وكورات كمنا وعادعت والمراكا عالی در جهان خران فران فرای ادر اگر کورته نیمی و کارتر دوار افرای در این میمان خران فرای ادر اگر کورته نیمی و کارتر دوار افرای عان الزون في يويين ما يون كوم يح لابان وي ادر هو في كم المراز في المراد في المراد في المراد في المراد في المرا عان الزود في في يويين ما يون كوم يم لابان وي ادر هو في كما المراد في المراد في المراد في المراد في المراد في ا منية كي ادركيفي م بسي كما ما بس خود مبرساليا واسط دفع . منية كي ادركيف م بسي كما ما بس خود مبرساليا واسط دفع . The Contraction of the Contracti المرين أرين المريدة Single State of the State of th كمادركي كالختارة July Control

من المراق المرا الم نابران اليفا فلا عراب من وكيد من وكرون المراد وكرون الدون الدون المراد والمنابر اليفا فلا عراب المراد والمنابر وكرون الدون المراد والمنابر المراد وكرون الدون المراد والمرد ر الله المين المين المين المين المين وريون الب و فين عن بيجاء بيه بسط المين المين المين المين المين المين المي الموالي وركسين المين المين المين ويود لار وكورز بيب به زوم كورغه بسبا ويشر المين المي المعنی جو مرجمان ایس مید ب این کر و مب این کر و لیس جمعیت اکرزی جورت و بست و این این این این این این این این ا مونی تقی مرکزی میں جول جیب عمور نی سر صرمومی انبر میں درآی اورت کی لفو یکن در میل این این این این این این این ا The state of the s

مران وزي اراوا المي المرك المرابي المرابي المرابي ا على آرك كلما بي مستال الدورزما بداكا في من واردو التي الما الما واردو التي الما الما الموادية الما الموادية ا وركاد فيكرك كور مدادا لاد كورت الاد مكورة إل ضيون مدلار دكورزول في صا ار او می اسل می و کراس اس اور استان است. مین زند الا و کراسطار عدمی و کراس استان ا بوزجود ساميك بي كالتيمعرفر ويركا بترا وادرارا ويتمازكمه اورياما حانا بحض كالمضايقراب من كلنه سيا والطلاع ربيع خرور فمهاري اورمهما ريحينيك بموكي اور شعاف ر آی سے مدم شوط آرمی فارد کورز قع لطال ای دولورز مهادرته اورا كخطون الميم جنو

مرصف و بعن اعداد الركار در ان المحال أن فيط بين المحام وين مواع وكرا على المحار المحا مور العاد والعب من الموري الموري الموري والموري الموري ال اتبانوعبوی راع کثری وی بریکا فاظ در اول کا کار کار اور تا بر از این از اور تا برگرا اور تا برگر وكام محلي بيان كبادوركك جائي ورسياه يى دروك ي دكات د كوريخ اور دو رسي مرار الركام اوردور مسمئ وبوركوراليرمن عزامتكم ليه آيما وركاب عد حدري من حوزي اوالمدانيين بالمرابع المرابع المرا المرابع المراب مرتبه رومينكم يك كدا بوايك يونيونورنا مرسالا ر فوه و السيس أناكا لاسدوا ين بررس نديس ز ديك بطائ آيا اورس بطال مؤثور بند سكوجاب وي افرال الكرزون كوا زنيام فالبيون عميم بسبضوت فبابين ننك بدام الموجوكم ال دورون مسركارين معطيين سركارنوالف ماللكها درا درمسركار كميني مها دريين عهود ومواقيق ب دا بطرفدة وصفاكا خواست كم موسيكا بنا صلاح ميت بر اللك وربرما لم بها دربر د و المريدان مركار مروسك الريان المراكات الماكية المراكات الماكية المراكات المر

رمايد فهوالورايك بع مايد فهوالورايك بع ن الإرن ما مصرفيك خراف العرب المساقة والمجارية المرادية - الإرن ما مصرفيك خراف المرادية ردلادرا وكركه كالموادوكرارتها جفدركم سوط واروي يتراك بالعل وويتناتقال ر از نیسونریان م^{ن ب}یکن خارخه و که جدف که «دول کیک و بن میاز کوفوانی» معرار نیسونریان م^{ن ب}یکن خارخه و که میشوند فيفر ملط برمو كي دي ورده لا على موكر افزال تنه يسنا معلم كا ي رفيان نوالسين مطال فلع الن سيري في مير البيانا بمصوريا لاروال يي رفيان بنوالسين مطال فلع الن سيري في مير البيانا بمصوريا لاروال مادر بری برای وصف یی مدم دوان در در کراین داسیط علمور در العظم مادر بری برای وصف یی مدم والمركادوكادواكسوها الذمر الطائم كان وكفول ادرعمد المودرة ردنده کی دارید فلاصفصول وازمامه مبثو سأطان وسركا زنكستمل تترا عرفه دما جائز كا فرال ندروان م الله بها در-The city of the state of the st in your de

مع سرور هر روز با در الروز الروز الروز الروز الروز المرز المح سرور هر روز المرز الم المن المواد الما الما الما الما المواد ا الما و في من المواد الم بر در ما روساند را والمرافع المرافع ا المو معرف مرجند كرواليها وفع كرية ول تيميان المواجه المواجع ا منور مرخد کروان الدور المان المرافع المرفع المرافع المرافع المرافع المرفع المر الماركي المراجع المراج

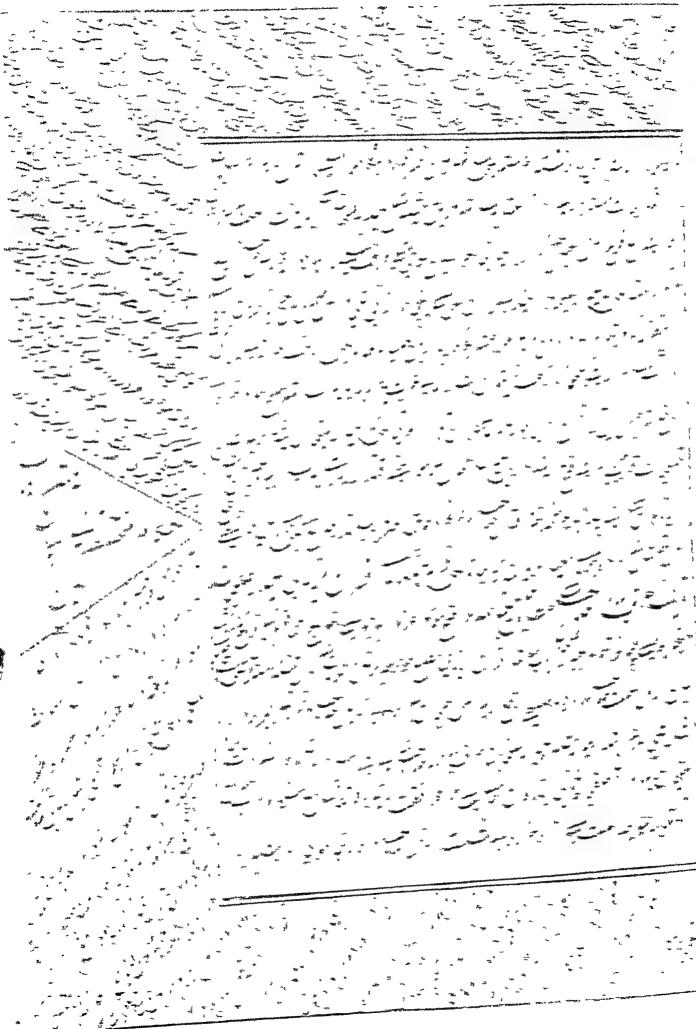
لحص مفاطر متوسلطان دي بإيه اكزم بع دولت بنبوهيك برط دق ورّاً صفطان اورع بي خماها ' ارزًا با جي را" ولكما فراست ويك وتا رقام كرا ب بار واسيط سوال و بوات رواز كروا درايك في تلعظ مي زار كرردار كاجرل متيب Capital Land

الطاع أن ورنها يحافر ال الأرى بي ناطران كو ام كابر على في فاطر مولهذا ما تا بين ذيبه المحافر الموافر والمعالمة الما تا بين ذيبه المحافر الموافر المعالمة الموافر الموا مها به اوران غربدال المراكب الموصل من المراكب ب سرسی می می سیمی میری بندر می سیمی میراک طور نیم از ارسی ای سیمی از این این از است این میراک این از این این ا اسکیلیاس بیرت به کمد بوداد در منکور اور خانو کورگرایش میراک دارسی این سیمیا و جود اغراق است سیمی میراند این سیمیا و جود اغراق این Partie of the parties of اینیار مبیر حزبا ی کیا در موضع مر نورمز کور بعضا مرکز کرای کرتیانی این دی کرتهام جسیت اگرزی شان باه مومي مدخر لا بورس ما كوفارسان نرنواسرع وين اميار الرجابين دا. رس نتي المارين ما رس المراد المرا رجاري قوم يو المرائع أو قارين الروفرل الوزال على وركورز المرسي ومن المركب المرك Collins of the second of the s

يحما *جاس من بن جدر على بد*م بازم المرابع بالأنهاد الم وَكُمُ لِنَهُ لِللَّهِ عِنْ جِهِ مِنْ رِكَارِكِ بِنُواكُا تِهَارِدِانَ وسربكسي عبوبهر برتزوطهر لمكن كاوالول ركون هيك مقابا والسر وفع ساه الكوزي تبها وركوت مطابئ مبند وبركم نهام كم خارم مح مقل كمياه ارج بن مبدوما أربحي والنيول جدرهالی کی آیرا دردار کدنور و غیره ا فران اکزری میں لیتے ہویے جورِیکھق حدرهای وب بسرسا و ذا مِسْ کِوْ جا عت مونف پر حدکرنا پر ادا ده محدوملی کانه ومی الیه کا انبین اوا نین بن مرکز ۱ عذال سے روکر دا ل مواا و مِن أَنْهَا لِ كِيالاش كومور رعليمان كي شهر كلار مهن ا يرز مود بالاجي داه ندا خياروا قع ميدرفيلي كاسكر ا ق م فلع موا جو نکه أمه كار كم

نْمُ اسْمَراسی انبتر عوربرگان دو ری حب الخار از ما الحار الم ا و آین اور کورزجزل زده می حال در کورد با می میروی کی مارش این نام مینی بالیر کورز جرمه اليفيعا معالى المرابيرة وعلى أن وسي منه والاعبدما مواض المالاورها من وعيد المعالية ورفاح المرابية وعيد المرابية والمعالية ورفاح المرابية والمعالية المن محموظي المحالية المروميد على أرام و ورجد وعلى الرود وسال والما المحرام عيد على بابك ول ترمترد كرفي تعارفية ابنع متول مو السرسون مري دن تبردوي الدون المارور والمارور المارور المارور والمورور المارور المارور والمورور والمورور المارور والمورور وال راها فو الفاف بين دويد به الري المورم كوس فهم و وكري طي الورب البيد الله المراد و رومها الري الري المورب ا

وال جاكر بخار آدا بؤكر نا حضر ارىيا قران كۆرۈسى جۇراليا درمقى كىچەند البجن لركم في والم وردا يبط ككي آياد رجدولاني الرغ محامر ، فلو كاحد والريطا وعلى بها درمدكان نياتين ومطله موكرجه كا ماميا والات الكرروك ورم اعترج صفاكا أتحكام إلا وربندر منئي بسرا

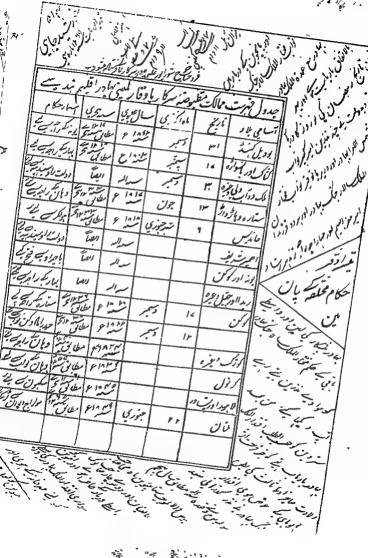


في اورين وي التي بدوك دوي ويرادوم ا خان وصریح بن کرکان اور میلی کی مولی دو ادی اور مشهر کورلیان موراس ارکو عوضه رراته كوبروناس زن دكورور م كالبركاروك فنا ركا الرساط فن كا دميتروي موسي آمو كاربًا رجد اورزوم كاروكي اريكي ادر كير والدكو قيد مواا ورقام بركانت لوا منوفي ؟ الله الله الله الله الموفر عديان كم الرابي و كم الرفاهين ودلمان برون كي دوالزون في. الا الله الله الموفر عديان كم الرابي و كم الرفاهين ودلمان برون كي دوالزون في. برستورجد ديمة اور قريدا وافتداكا فنطمت على فيهار برفض مؤاليكا مركا الباقية فلطما م أخ مكويك در م كالبرفول كم منا منا دوالا م كين صحيد علي كالم صروعه ما إناك اور عنن منا ررز وحواس انا كاحقد بدقور كررم كذه وغره محلات كرسانقاك بنه وْجِدَارِي كُولِيمِ كُمِنْ مِنْ اورْ يُزِيّاً درعبوض فِرنه مِرتِنْ مِنْ مِسِيمًا وَنَاهُ وَمِلْ مِسَ يع بك بقيرا بيغ فاول كريك اور فها خال برية كا وأبي بدف او بقا

الصح كار آدنو در توكر د كر كورو كالمعلم الموى واسط زرم معلى واين بكاده واللها بحمواني عزم الجزم وريحت حذروز من من الم وممران وسمقران موكن رونيدا فقدار يرميدر علنجال كمر شاكر كيروا سيطكم في في موالة ك نيداروني اندكان و د وواسط ارق بالركية آبهوي صدرعات كواف وكي طلاء متي ا يه بويين خراً مدَّوه مركوري سي من صليع روز مواا ورلط بق لي المنع ما طلبة عرب الزار ومطنبول مراع وفي ورد كالم مركم الما والمكر وفي طرف ملكورٌ ؛ كي أمرِها ، كوانبي مرحها وطرف والمرك خرد رسي سيرا بتر رسفا مركبا اور فتح تصرف على بها درم وي شاك وبلاك المستعوات الركسية لاركم بار ما صور ندرام كوك مراد نسان وي اور فرك إورض احوال نيامو خربين بلايا رانيه كلام حدر غلي منكونوالير مج مرمت علىل القدر ديواني مراي ماي زايا بد مخلع موني كم مرحد رعلى سنر والكري كنارونيم فبصه تقرقيص رجم موموسيك فأركم تينا جند روزين مستر دكئے انہيں وان بين ورب يذرا در بذكان عاليا عيروالف الملك صنعا أناني صب عدل واد والي حدرا بالسك مرحدر دفيل بمي واسط تنجر ظور تبرواكي كملا ماكم بهم ينه سكو تمبين ويا المبير إس وكمواور ال وابع. ما را وا كما صبط كر لوحس الا يا ابط عان مركورند مصارم كورك

The state of the s رم حوف على على الرك بي منها والطبه كاران المعاددة بقائلة والمعالمة يورعلي كابدوفط ويسي مغزاليدكي بربينط بسناخم مركوروخارقام طل بق جا رجامه وافع موكوند حديثاني الساسرة باللايم والم شعبة من مواليني برجيب بم يركي أبل أروم وبكار سبكيرا وركات راجون كي عاكري مين سركرم مواا درايع ت برائنی ر مرببت سے فاون ظريح مبوران روز والمندره فا دبيت بنه ظريح مبوران روز والمندره فا دبيت بنه محاركاره بادكيكراطيف ويأتديك متول موظف أماارضم ويكن فأ ومين ماخوم وفي كركيان عائم تنوك موالنا رما ومرفية المرموليك كوايك فراديا وه آنيو مواكي ووسط وفع كروه فركوركم دوات ور الم ورعابي المواول و في المراس المراسي ما في المراس المراسي المراس المراسي المراس المراسي المراس المراسي ال بربي اسم على مصوفال مرائن وادر معدر مليا فأفون فن الزرك ذين وي بن تضاي حدر علنيان نه تا سياً Lead of the state تروسي عبين عبر Topico de la companya A State of the Sta The state of the s

Signal Bridge Grand States The Contract of the Contract o المخدين باديكم مربونخا الوال حرفرع بما مرادع كوبهما يواديده فالم كوريوال درم ويني أن المرابي المعلمة الملاع بحالي بملك المحمد عليما ل وي يخ نرونر بتيوسلط كيميانين اور د اغل مو ما مل مقبو ضرع الورسر المعنى بها و بركن قل باب بيخ الان الحيان حدد على من الحيان حدد على من المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى الما مقام الودواش المعال والمامين من المحر الموريد على أودان المحري المراب المر بعوار و وموار او بنرازیا ده بی کی چرکتر در ایر و اسم ام فراح محمد از ما بازی می امواسط ا العبينيان المراد المراد والعاص ما والاراكي في الما من المراكي في المرا من المراكي والما المراكية والما المراكية والما المراكية والما المراكية والما المراكية والمراكية والمركية والمراكية والمراكية والمراكية والمراكية والمركية والمركية والمركية وال المعرف المراق ا ستين با بدريا من المراقع مواج المراقع والجرب المراقع والجرب المراقع والمراقع والمرا روا جو بي والري المن المراب من المراب على المراب ا



Colie de Colon Colon The state of the s The state of the s Crack to the state of the state - William Will The Contract of the Contract o The state of the s The same of the sa Les Constitution of the second Jel, older مرول فبرسه عالمت وعبير كارا وقار Colin de 300 هم! 1 1 y. Wi مهيوالم + # ا و حي p\$ Sok 11 Vis امحان اري رخ 16 سرالير يمتبر 10 1 000 m 1697 ارچ ایس 16 E 1299 جولا ي 19 بالير مي دروغره الصا P.0 اوريارى الصا £(1) 13 مسيدال جولاي 71 ر بور ادرارا ۱۹ ا ۱۹ مطل بوسم برنو منگ بوسم برنو ţ. all in the second 11/2/

ورنحفظ المركم لأاكه مارسوفيه لی کار کر اور محفاید می وولاک منی بهادرکر آیے مبسر نایہ سے نعل _{کی ہ} بطبی رجد د ل*کے*

بجاع الدولية برمندوا ميط مقا وجونفا وركك المي كملايا ليكوبتا مني بيك فن ركرا و رئيس لون كري المال على والمالي ر الماري من موروكوفيه كوآيدا ورس الديوليس من وكيا وقع في تنواع وله كاري رافرا سماع دار مها كي طول كرينة كياد مقام وآلا وركسة كي خوالا مؤورك الدولم الداراً كي دام بريك ما (وروز كاد سفكون كرزوك البرايا وريخ مكررة خاك بهي فيد الوهاك بهروبال جذم رايك نيز يبنده والنفي وارزي أوش موكنا ميصالح إفرال الزراس سي بهر عن مواد دراد و الز فرننبر بنارين سركا درنادير الزرون بغريها ورسيحته غال اومتروا فالرام كومود والكينه تواه افرال كزوكا اور طرف أفعامتها ل يناه بن روسلوكي علاك راج مني فرمتي الدار و المكار أسماع T. D. J. C. S. C. المقدر على كوروارة كوكرة أيطرف حراه Selicity of the selicity of th المواراً كوائن عا ومول المراجع المراج ما *منگ کیا کرو*نو کرنا کھیا۔ Work of the Control o الزندان الردنيا

To have the state of the state Party Sound of the Party of ا منبع فالمعلم في المناطقة المؤلفة المناطقة الم Care in the said سرائن ريز کيون و رويايي

المردان کی نیاد دی ایران المراک الایس که داور ایران که که داور که داور ایران که داور که داور ایران که داور که دادر که مر بربر سرن درج در الأوليق المرائيل وجرينا المرائيل ومرائيل المرائيل ومرائيل المرائيل وجرينا المرائيل وحرينا المرائيل المرائي ر درواز در درای از می ا باوخاه مراه بارتغي من طريع اور تخت برسمالا المن مهم جوان مريد بينه بان المريع عن طريع مع معمله ميمون موافق وستوريك فري انبي المريق من بلط موسيه بهت وسط المريع بينه بان المروض المريد والمريد المريد المراجع

المارة المارية المارية المارية المارية وركر فن ميل دونونا الدين دات كو مرب اور مران خوا بكا ي *ار برا* و لاي م اورستم يسيدكان كاتهاجه وبال حابن سكام ئين لِي كِلِي كُونْسِيورِينِي لِيركُمْ نِلْ حِلْبِ مَرُكُونَةٌ كُلَّمْهِ كِي طُوفْ لِير Cost Subs The Company كاجنوفان برموا مررمحدة آسدخان وأما وهيفرغان نيه أ Political Control برزيني درنخ الميكرس فواسراورة دينوكا أوارتها كسين بهي فرق أكياس عره ياريخ اورسياه الأزى كوكار Con Consider أترته دوشهم الدوله كوفردار كلمة بوالسية مرمة وفال كوموو ل ورمير محدة تكفي بالدين حوية وارتبرايا محدفامسطان فمكيمت The Marine

المعان فالمعالمة في المعالمة ا المواد في المعالم المع المناس والمرابع المرابع المراب

Jakob wicholopo kise دِمَّاه *یکِ لکہ کِمَّا مِصِی* داری بیجا دوبها راد دیکے، غلام کو فعہ ه خونزی که اور فلویت مع و ۱ ما دست نامزاد م کردار ت زودية مح قلبحال كو ما مركها ويطلى تنا اداد كراني بصرت كوشنها (و كي او ليها ذا ا ين مّنه كوآبيني مرمي موطوط كوجوعوم موسياه الجاري . Till Out BOOK

Give the property of the prope ران بون بور من به نور به خود المعلم المور من المور المعلم المور المعلم المورد مر می مورد از از می از در از می از در از Jan Commission Color مرلدلتنا فرور بوسر مجتنون فيدور الساسي سيسم معارموا وركزا كليف علي الاكتا الماكية تم ما طرحة رموم أريك ما م ما بحاتهات المدين ري موي لور وقت واسطياعا يكرم عووتهين كالعرت بحي الهين الوانين مران يسرم مؤورت مي ويديع م الاورمواج الموجركوب يرتها جاكزا حق رفرالا والفيع كورندكان فداكوبرج مرج بعن حرت روادا بناريك الله وي وقل زياد و المراجع مير تعد هجو ما ن قديمان برت الميام المعلمة الميام كان وافعات بميت الحوالي والمت والمان المرتب والم أتوكه رجيب طرا في اور علم مرحوي الوريران إك السطرافي في تابع والعقابي سور داراترا الدين اوراجون ي دس الدون مي اوراترا الدين الدين الدون مي الدون معور واداله اليدا ودراج ن يك الفاق كريم عن تشريخاله كالمادر م أرج المرادر

تصريح الموكونانس رواك كوتي مبترك كوكيا اليد كالب آيد . الما نوا بن موارياكم محيك معلو أكر مرحدت مجاولتي مونيه والبتدين غال والماد مير كارحوا والمواجه بيضان سرداروا فالمايس وااور يركعفي سترد ياليراع ناداين فميشجك الدوله وأريد وزرحاكم حربة اودة كوكلهاكم مراج الدواركوم جوفان اركرتب فام مفام واسئ بذعبت وأنسركي واسط اعات يركيرووان

الدول من الدول المراس المورات الدول المراس الدول المراس ا من درور الأرف الما يرور الما يور المور الما يور المور اور اور است در است در این از در این ن ب ب ب ب الدوله كولا المديدة المان زندا كي زخ كار ب الدوله كولا الدوله كولا المديدة المان زندا كي زخ كار ب ير به الميل وكرو بي تاريبي من الم J. W. W. J. S. Lind. الل المراد الراد المراد المارين المراد المارين المواد المراد المراد

Part Sprand المونون بواند بالمعمول المعمول الدين والمالية مربع الدني بيسنا ولا ربيك خوا والروس ما في الربي وم نيزون كلايا كرميز الفت المراي مربع الدني بيسنا ولا ربيك خوا والروس ما في الربي وم نيزون كلايا كرميز الفت المراي ر مي مدار ماني كن جراكم وتدينا و مرفعار مي موال عرفه عدوا را موالم ن ران يه قبر كريا و را يمعيداً سرمجيجيفوفاك وروفع يكه وليا وريفر مفرالم البيج رادا الروزية قبر كريا و را يمعيداً سرمجيجيفوفاك وروفع يكه وليا ويفرمغ الرابع والن مراح الدي المراوك لي في الراطف النيالي سورك الطيف معا بر سورك المراد و في في الراطف النيالي سورك المراطف المراح مراح الدي المارض المراد و في في المراطف النيالي سورك المراطف المراد و في المراد و في المراطف المراطف المراطف ا الزران كون وكروندا وكم فرف واسط خاصر الدود كل دور اكم الد كانترند جوزكر استاداي كلكركا وياكانا سودو آج كسرجا ريني كاع صروانين ادردوسر - كوليس جراري ينمن بين الموافع ظروي مود الفالديا كا نا مين ب الى نين دوي سے رائي و در اسط موال دور کے مرعم دوال راور ب الى نين دوي سے رائي و در اسط موال دور کے مرعم دوال ے ری در الباد در الباد کا الباد الباد کا الباد دربار بنهفت زدمك كونل كليف حيث بنج دور كرنل عاب مركور من يخ ف رود كم اي جامع كو كم موضع باني دا بيا اور كوه كا لول

من المرازي ال مراه المرام الم من الروس الموادية والموادية الموادية ا المنظم من الدند الديم المرادة كر كليف بمكامورة الوين و متراسي الدي العريام الإرجي فرض كر العرب المرادة المراد ماري رنايها رجو الدين المراجع ري ربايها رج. الم يخترين و دار في المنظم الموس و الم في المنظم الموس و المنظم المن مسهولان الأوال يكرمنا فراريا فرحيض واند وأوفو بدوك ريز كليفري الله و فر ما من الرون المرون المرود الله والم والع والم الله والله المرود الله والله المرود الله الم

اور ولذنر دائع مارلاك بايخ فرارروك اور فرانسبو ل نيه تبن لاك على يج فرار رويي بایخ دوز مید نافی بذ سر رج الدوله ی عفا رمش ال تین فراک کی کرمیک البه وروا ديع ويدرواي كمادل ولذرز والسرط ازيد اورو الريسيم رورز برسرابه بعوليه لندل سيسارى وظركا وحطب ما وايك وروزاري ورميماورا بكرار مذبرتناني بتع وتسبط تبذيكم رورنه مواا وربغول تض مبتر ر کاردا ورود بان کرنل کلیف صد سے المقا کو کی سرک فت ا الواح وكورين عواكه بان کی واضع بوکر بوکوٹ موزم ہے قابم کرند کو بٹی کا دیکھ کونیل کلیف میں اوراد ط والسريمة عرصب وركس وادجهانه وكروريا كي راه بي فلواين جوابك فريزونك الكنايك وس كوس بريوال زميداورو بالنامي المياس مسمي سري لادل المجذباس ببيولوبالورايك للكراولو دينج فبول سبين جالبدياكه نامرتها راو منحض خدم ا الدوله كي كذوا ميناكم جوابي جال لي ؟ تبد د مويا جوا جوا كوكا كر في كليف من يسم

ال در بالسري كاربار بركا اورو ال مربط وله وله طرف كله مركه رد امر موامعتر دريم نفه حرميد كروان تهي كنا كركيم من برك لكن كويه فاير هنهواآ خرير مركو دفلوين مسلا وانني تحصوا وريد رائمونام عورة البيرنيون رسوار كركي دوار كرديا صبح كي وسيا مربطار ولم كا قلور الاكت وميند مرداد قلوم بي اكنيتون موار بوكرا بكر ميمير بين يل ففط قلو عمر برستارا خِدا دمي باي رك تبريج روزمراج الدوني ببرط اي اورفلو كلية كاني لا الكيام كرمي ب برارد د فق جواباي دېرانه ايما بنه آيا او دايک سريميالي آ د ي مع سر مولي کويا موكبين راح الدوله واخل معاربوك مبتر مذكوركور درر و بوايا اورنا ردر إستخابن المن المن الما يونكروه فوامة وكتبابنا بير فركور بيكي مور إسرار العوله واستخبي المن من بين الله ويونكروه فوامة وكتبابنا بير فركور بيكي مور إسرار العوله واستخبي البنابين المالية المالية المرابعة Ministration of the state of th

The state of the s الْكُورُ الْمُعَالِينَ الْمُعَالِمُ الْمُعِلِمُ المُعِلِمُ الْمُعِلِمُ الْمِعِلَمُ الْمُعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمُعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمُعِلِمُ المُعِلِمُ الْمُعِلِمُ الْمُعِمِ الْمُعِمِ الْمُعِلِمُ الْمِعِلِمُ الْمِعِلَمُ الْمِعِمِ الْمُعِلِمُ الْم المراج المراج والمراج والمراج المراج ماكه املاح ملز كلية كي موديي يطنأ ن مُرْكِا وْ الم كُنْدِ بِهِ بِينْ كُلَا بِسِي مِنْ وزاك بنین بین تم خاط صع رموین نیه در زوار برا با پی خدق بو دوای نقط آ چے دلات بین جرآی ہو کوفیا بین جائے اور فراند Walter Control Est Comment مارا نا و بو حاد کابتر به بر که ایکرزون کومیال م مَوْكِيسُ بني نياوين اورسيا ه راج مما كو عكر دياكه ما مقصوريا إكو آديك اور بعث مَامَّة براديمُ وإنْ جاكراكِرْ دون كوكال يَهِيِّ دافع بهوكم الكرز كو^ح أيك كوشي بأكريكم ماليس مهبين والرقيه بتيره وربيالميه جوان سبابي بيربس Son Williams لنكز فراسم مواه وموراج الدوله شمروع الموجوان كوخودم جميست فاسه داريرآ بالدومنيزكر ر خفیری کها که کله کو کلیوکم برج مصار د غیره دیا کے کیب کراوین میتروا To the state of th San Contraction of the Contracti E CHILD THE

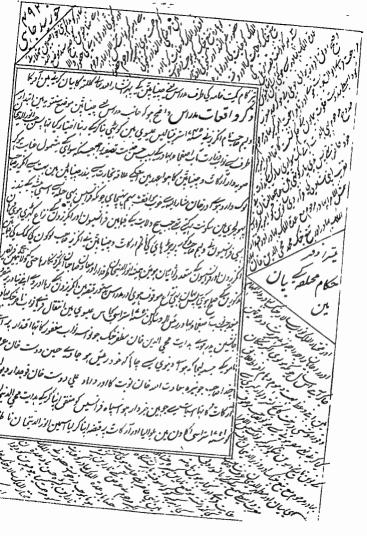
ارکر فرایم ادراکی فرنسن مناطع اورکان و اردادان و کورت عدد مان از ایم از از دادان و کورت عدد مان از ایم از مادر ارداد اورکان می دو از وی می می دو گر کار ندافت رکان در این از این این از این این از این این این از ا به سه با مادر المرافر المرافر مي المرافر المرافي المر مر برروان تر من المربوني و المربوني و المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربون المربوني المربون المربوني المربوني المربون المربوني المربوني المربون المربوني والمورد المربون ا ملكان بديد. الزون بين الكريون بين الكريون بين الكرون و المراقة بين المراقة بي المواجه كما المولا والد بها سراج الدوله والمسكم عالتين عدفا مدا بني كاموا راحيس مل المولاد المولاد الدوله والمسكم عالتين عدفا مدا بني كاموا راحيس مل المولاد المركز والمركز والمركز

رطوف معهد عان تحرجه كالورب كاكويم يسمايه كو دينه بن كومريم وتهاوي كمني هاري كمني هويها ن بح الحج ال وكرات برئا و كرميد اورايين يخهره نيويدوه مستمي برطفي كرا ادر بكاه نه اداد الأسوم م

بر رس والا محيف من الحافظ بيد بندون كرات من المرافظ بي من الماليات المرافظ بي من المثلث المرافظ بي من المثلث المرافظ بي من المر ر بدن برس در در المرام وال كاراء في بن آازه من الرفيدية من دوداد المن المن المراب الم زراک بان برنال بی ورسی بی از در در کافعه بیرسی های رور بیا سرر روسی می از در این می از در این بیرسی های روسی سرر در در در این از در این شكر رسيسين عياقه من جيري أول من من فار وار والنح اركبالورست سري المركبالا المركبالي المركبالورست سري المركبالورست ويواد والنح المركبالورست ويواد ستراس آنها وال معروي بن في كولا بسر وستر البينة ورسية وبين با ورج هذا بري المراق المراق المراق المراق المراق ا من مراد ابني برتر بسايداس برأ بارده ، عرف عور به كواس هد من كول الدنس المراق ال

أهمه كوكولا ياكر مين ترسينا كم جود بابون اوريا بما بون ريده ديد اين كال جريفان بي وارد المريز اليقيميا ، د و لغبغنا في تزريما ي د اميا فرير كا با دريه ايرنه مكي . المارية بونيكر الفرقد أدباع وكردابيط كمك محديثي كرزام وي 74. Stan 1.45. 1. 15. 11. 1. 1 العبدال بليدر عدينا اور الدفي توري ورك دوراده ودريد ورقر فه اور يجي وارا ديل بيد الإلكية الترميقية ليعاس كن فرامن كي مستر لا رنس شاكه المرزون مكر بدار و وكفتر ار می اور صورت ف د کی مدی مهمین یک عی برا ترکر کسی کلا سخ سے کات ڈالااور ولا مند والبطيخاعي عابير بعجا وبشريس لأش كوس كي اوت كي كر دنين باند ، كو كليون في ليربهوانيا اورسركوب حيزون كإكوكوية تبغا اودميرته لايئه فرانسركي فارمبه للجاليده ده ملانف ادامين لاج رجب برطفه احرب كو تجاليور سيط فاء م كما بهزوانيد بصادر محدعنیان کی مصبها ه اگرزِی اُدای بو یکی یار فرانیسس غامبه تشیعه أرمنوب بي اوراك لرائون بن موركارا مرادد مرادد ادم تبريم شركا أخاسى كم تحديد استراس جمان كمر بخامه كرم و بايس اكر ز وكرمضام دار دِريك تجايز بطأ ارخ مفای*ریا و میرین کر جر* آبی دلایت بین فیامین ذاکسیون ادر کرزدن کیا و کې پس خلاتب اد د د مال بې ل^الې مووّ نه ې د د بلک آسو د . مو کراپ ماکه Shan leil signing ري دندج دغير 420,

معن ن براند الله المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر المران الموادر الم المران المران الموادر المعنى الرفادية في المعنى ا المعنى ردار والأرق البيط مارت البنايات والمرق البار من البنايات والمرق البنايات والمرق المرق الم رون به او به در او به او به در او به د در او به الردون ويولون وي الرود ال وحريا علي المان ا ليان المان المان المان عند المان المين المرافظة المرافظة المرافظة المواجعة المرافظة المين المان المان المان المان المين المواجعة المرافظة المرا المرابعة الم المرابعة الم



المال والماك مريندرا أرجه ما والمحالمون و بريار الاراب كي مالمان المائية المعالم المحال المحال المحال المحال ا الموالي وجهاد أورو المحال المح مارن ون و معلى بهرد الرك الماري المراب المر ور مادر المراسلة عاري موعم ورا الم محصول اليسكم كاروبيه ليوين حبارم سالارار كوت ن ون بر بیما ارتفاع ممهای شن زدک دونا در که بخره به کوره به که بیما از برای این به در این از برای این به بیما این به بیما و این بیما و این به بیما و این به بیما و این به بیما و این به بیما و این بی رون في كار آمران بيت ال ماراتا . كابي و على مواي جين مارازون التي الميان المران و و و المران المران الميان واطلقا بورسكوما رسي كمنة كوبيع ديفين المركبيعم وندا وبين مكرنا وال ون أن سكرداد كواذن بعج كم مفته بين نين ول كم يكم عكود يو جرم نتوسم بركمن كما الم معولدارو با من کوروسی این بین عابق می سازی این بین عابق می سازی این از دیک جویس این از داران این بین عابق می سازی این بین مابق می سازی این بین مابق می سازی این بین می سازی این می سازی می سازی می سازی این می سازی این می سازی این می سازی این می سازی م William Colonia Single على كن النار تحقى عواه وكلا بركورا كمثراً كمنز بالبين تتاسب بعا رزيه با وتياه كا درك فونى والزيالم إبيك الفافي نداليكالمداوي أواك ويكاي سین نانجان پر در نو *ل چی بسیب* اس ایرکر حید سیه به امر معطل و با بیداداکین دوا بخاركي و، ونغية دكاب مراركم

المرادي مالي المرادي المرادية والمحادات والمحادات المرادية والمحادات وا به دوموي عبائدهم ورومود کومنداد در اسط را مدکار این نفینه ما ما اورها خرمت این از کار این نفینه ما اورها خرمت اور کور اسط را مدکار این نفینه ما اور کاله اور است می مده مده محق و لاین مذراد و بنواه کراول از زیدار و کوو است کار در بر مه اور کار از این می در در در در کوو است را در باد در این در در این در ر من رویوم المراد من من من من المواد من من المواد المواد من الموا برسال والم من المراع على المال من المراع على المراك المرا جوانبطى وان اكر جمع موسب المبان سي استاق ف مغرباً و ما براده سيسين الماراده سيسين المراده سيسين المراده سيسين المراده سيسين المراده سيسين المراده سيسين المراده المراد المراده المراده المراده المراده المراده المراده المراد Service of the servic

ورقعد موزئ ورفي كاسريت عاليكرعابت والإسكن يرج يتاجع ميني محصول تجارال المزرى الزري مردن جردال محصا ده زنیا جائم حصر داختی اور دان رساافت اراب کاردارگارگار بية اجرمائه حب من يداروركا أي عن ولك حمة المثكار بدوابط اد مهواري فعر كل بيكر احارت عاج إدبهت رويد بنا قبول كي زاير كرميندا اللهام ر د دا مان کشر اختیار کم فرح کرنره رکی اوزاط بخاله خالف سی سکر عرمان عامل ما ميسونا أن من شيرا درجا ندا كرمن جور اسبول كي وثي بني اورجو يجد برخوى دندار وكريك أفر وكرك كالصياع والباكرة بصحد برموسك كروة يميسي خاط حواده سنعات سو كيكي بيت عنون كتبي در له نا رمفالحت ايرا بيدادا م م من المراد و معلم المراد المراد المراد المراد و معلم المراد المراد المراد المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المراد المراد و معلم المرد و معلم المراد و معلم المر وزندمي مفطف ويقكو البغ واسط نبدولت صورنبك وبدار ادول سكر صعب سكين ودنه كِنْ تَابْرُاده هِ فِي أَرِّعْ غِيمْ مِي حَلْ كِي كُلِي سِيعِيمُ مِنْ مِنْ مِنْ وَتَ بِيدَ النِّي الْمَرْ الْأَوْمُ وَلَيْكُمْ ية وكوقول ديكرها بالورز فيداري ريد تورمال ركما بركيف أكم فنه وف Merchanist and was

من برلكرة ه برائرة و برائر بالعراق من المرائر من المرائر بي المرائر بي المرائر المرائ ما سبنه فنول نبادر جانا که بالفنوا عاکم بخال نیم خونی و دوریا برا از دیم بارد کر تقیق نه بنی نظراً ما سبنه فنول نبادر جانا که بالفنوا عاکم بخال نیم خونی و دن مکیب کها به آنبند ه و در اکریسی است. دوشن کیا کوم به نامط به که که بسیایی مولی کو غانا نمین بوسک آنو البار کواز آبادر دیان مین مین دناکر جاکی کا نوم بر تمام بوری کو غانا نمین بوسک آنو البار کواز آبادر دیان دار مرفع به به به به به به به به باید با تا بی جوکلی و قریب برزمان بهار کال به بین در از ا ير حوال كيا بهره ما رئيس كو أبيدار مدركي عائم حل كواينها سي اليا او دمب حسانا والخرز كوالا المورك طرف ردرم كياتما منصوات الميك صلاح موجات كير مبيت على صوم دارسكالم كورا الله على دعيوي على تراك الي الي عرف كلى اور عدل كه بين مرارد دي ان كورا أو راكي الي معرف كلى اور عدي تراك كه بي موادر نا بر ضاط تا كيف قلوم كي يادر الي المراك و المراك المراك و المراك المراك و المرك و المرك و المرك و المرك و المرك و المرك و الم

المنازية بالمارية بالمرازية i. Vernovije بنان يسافار بص بدادانه كرنه ماك ص بدرب Experience (1912) دِل کھ روانہ کی مورخ مرکز الصدر کانیاسی جانگ میں ما کا رآی موی متی لوال اورا) المنابع المنابعة له ملا the Elita ، بن اس د فر بهي *تنگ نيخايون يذكها ي مبعد* ربيج يجيع جلاكِ ابل كإله في أن فركيك بهت ما إبار كاركا ملا وإ سبابي لوك برابي جاك مرسط نام وركيا كل موآ دي أغلاث بوابكم يُكَارِهِ مِنْ عِلَى حَبِّ اللَّهِ وَمِنَا كُولِ وَتَ وَ وَمِنْ بِأَهْ مِورِهِ وَارْسُكَالُهِ رِبِسِتَ Bishing and Const Biddings of the state of the st المرام المراجع January 100 Qui de of Change in Alaka Col

ردر معاده الموادر الم وانیمات برمراداس معترظ مراوروب یه و ما کم کیاله نیه صعب روایه یه اور اس که فرا و صول این جو ما کم کیاله نیه صعب روایه یه اور اس معترظ اور ال جهازلان کوجو اسط ف آیت تیم اور نیم که ایک جهازا المالیال المالیالیال المالیالیال المالی وی جاک فورا ہو کلی کو کمبرلیے اور ان جاز الی و بو سے اس جو حتی کہ ایک جو رہا ہو کا ی کو ان اور اس جاز الی و بو اس عرصہ بن طوفات رہا اور بہب ایک بہت اس جا زناہ ہو صفی کہ ایک جو رہا ہے اس کو س بھی ان کو کو کا سرائی ہا تھی اس کو س بھی بین جو و ہان کے انجمال میں جو کئی ہے جس کو س بیت اور کی ایک بیان اور انجمال میں انجمال الماكم ما الماكم الماكم عنام عيابين بن جهو عي يسي بس كوس المالية المال

المنتور المنتر ا المولية المراق والمراق المراق ١٠٠٠ رئيم بيهوثر دوجنا بخده الارث وجنو كروكا ق مویا درمینه بسنه کاکر دنین ماینگر دُلا بند بسرها ی طاعس موی ادرجرکه طوبس بن يبرن ول كفارينسي كوله صور صيب دركية ادركها عصب عارج مار ایج دلایت مکی خاه برکزین و فرانی لک مرجارس دوم مک کا حین دی ادرجز بنا وربندي بندرسبن كاعطا زايا ككررجارك وم منه وير بندكيني بها در كوخا المبي اور نجاله ابن اكرز مرسل كيك بارام تام مور فريكارته وكوش بدمش لا سولام ں سی یا وہوی سے زائدادر کی بیٹ عالم کیوا رفع کی معموما

و تعالی فرور بی ارایان دو در در این این در این این در این این در المرائن والمرائن وال من ما در و و او سور و الكر من و النان مولو النان من النان ر رود در المراسور ب وان ليكر الفاق بروه و ان منج زوم عالم بنيالي بارني ورجي المراسية المراسي سنتر المحكي سني تركي ها كم نياه شوخ من و كوروا مرب و كوري من الم ميداه به بسبسه به المحكم المحليم الم يترس المراب الم ى طلع كي و بال المولا سواليس قرد المرضة المين فلات كوداي دعاد ين وعاد ين المراب المرا المصاري والميطاء بركم في وفي ما كالمتريد ولي ما كالمتريد ولي مدرين المالية الم

Principle of the state of the s يحال الكبركر فأيت كيالم حوحاكي ولتخابوا كزول وصر كاظررواء مركزة فواغت ماجهما بالأكاني كالرز البصيحه Special Control of the State of غفالموا ورضع جواا در مدرسورين الرانبي وألي اندور Constitution of the state of th مفهان کوملاکی کِراسوقه کی کنبتان موداکه ان اکزر دی ایپ ارس المجمع في إن يواا وربيال محت ملطنت برويان مج فايم بوامتعاف سيكي دور مربد جا كيرا ديناه الم فهران بذ کابی نتقال جودا و کوشا براه کا ایجهان فیزا زوای اقلیم ند کی ذرا ما کابیتیک وحرت بين مادغاه كي بيار بوي على يفرمور به نال بكر و اوا بين -مِيَّ ﴾ فابرَن بنوافراج تبيمال إدناه كالبير يُحَمَّ الغت مِدري كم (دباركويندو فركي كرجال با وبندمورت بالكراكزي على والخر المرا الم جما کی طار بو آال داند ت^{ین طا}ع بر ایسا صحن عاصل برگی فرایس شرا دی کارو**را آ**ا عرض بيزاً بوي يوفض دف منه على والحرر وكورايا ادرعل كاخروع كاادرمول مي التناجمان مداورهم رماريخ عالمكيري اور موحبك الخريج سيالا سولاس جبنه يتنبع بي عالم

ر خیارت سین اگزر دن کی مواکر کی تو نئی اور مده اور حیار دغیر و کی سو دیکر بین نفضان المنظرة ويوت وكوسمجها اوروز بطاب المهدا كأشهر مرونج بن الزروي تجارت الماراة اوان في وبني نباكرن سر رسية بن رويمسكرا محدود اكرين مفايعه نبير سرح موين است المستوحب بولد بادت وطل الدركا مقرم والسولان بارعام من وكيار بي بيني بدن وسي وكيم المجال المنظرات بندر مورد برات اور برعبون بن المراد فاه الخديدة المجال المنظرات بندر من المنظرات المن در خوا به مراح به مراح مراح و المراح و در برو المراح و در برو المراح المراح المراح المراح و Like the state of ياروندواري بهان طاح ارين اوغاه بنان وان او ان او ا المراكب بهان طاح ارين اوغاه بنان او ان او او ان او او او او او المراكب المراكب

وكوزي وتضروه بادر والهاب وخركي مستراتس غداروت تنهزاه وكباه وأياد ويستوط وسيركناه الخذيك ماءكاه كرورما لابالوبيد كوكان مفريفان كالأفركية وتأك فرماية وغبارا وعلواح الإعاد كالهدوماتجان وزرجوعا فرصفت تعراشون رخ كالرمطاب على ميد عمو كذاكر عاصط بين أوين وبيت تنصيعي وتا بينة زال اجعا سرسي دخامند بوارس في المرح كاميمون كونسا الواسيك يمين ديك البريع والمتحسير إفعادا عرقية فلم بذكرتك وبالكن وه خاصط مي والم يستدكادور بروسخط ورمنوي ما ومرام يرمو معل والس ضمن ب جرونبونسر پرنگیمو کا دکول و بنا مع تمف و درایا ہے درکا، والا یک دوانہ کیا اوپوسیے تحفي خدات مِن اركان دولت اورها تبحان درْرِ اورشندر واستبحال وليعدك ار ایک اور حمد عامر ال مار کما ، کو مهموری سیکے مداور معاول اندار واما مالا Him with the second

المسرم مبشر دلفث إن تراسيني مبئر مركز ركي او نارف كي تباري كي اول دو العقار خا لنبدزي واليهي ازيدوا بسر مركوريدويا بسينامريس كأركو وصفورين جائم فراونها و الكرامية من يور غرو كام الله يما يم يحت ألا يعتر بالركل مع الميد والكر والمكل والما والم فال كال بهم المهم المراك المراساه بالأسكر ذوالفقار خال كواب والدارك كوم برا وكوام لا النورانفل في وار وعوره ريس مياكي ما ميجود و دو الفقارة المليك لطان مِسْرُ كُوا فَلِا عَ كِي مِسْرُ لِهُ وَ وَلِي وَ إِلَى كُلُوا وَ لَكُوا وَ وَكُورِ أَوْ الْوَرْمُونِ مِنْ الْبِورِ رِمِسْمِرْادِهُ مِرورِبِ الاقات كي جو كمروي شويم فرنس ميم دكوش لها فركص ل واستنزاد ، وعو بي انبور في إوتياه النوت إحميران تتم مِيرَ مركور نه برا بنور س الوکی دو الفقار خان کی کدادمش کی بسس کر دجو بیوس خون کو ن كانا بسيطا كي واور محصول در بدار كي انبين ما رياد و افرونور كي انبين ما رياد و افرونور كي انبين ما در المحاد و الفرونور كي انبين ما در المحاد و الفرونور كي المحاد و ا William British of the filter of S. W. S. W.

The siring ring of the state of المرونونون المرون الزبر رنته برد ده كوال كوال ميره بن سواكري شروع كؤاور دن ديكوميم كه اكرز حب وكوان كو عاج كرديا آمو كاخر يي في حكامة ربن سها كمرادنيا بيكوع في كيات ومطلع وكربيت هنا مواد ورفوا ياكم إ ه مّاه کرد دا درا کمونماند وترانایه دنوتمان البين سوال داعت ه هر ادت و کی کرمکه به و معاد مان ایک ایرکا به در به ادر ای کان بندگوات می کوده کوماکه رفر دن می واده در به می کان برای می از می می کان در ایس می کار زمو صور بن می کوند می می می می می می کان در ایرکا ما در ای سعان کا کار بر حذر ایرکا می می کار در می می کار در می می کار در می می می در در ایرکا می می کان در ایرکا می در ایرکا می در ایرکا می می کار در می ک طونسه ابنه كان دوزول نهجهان وليحدثني ويعدو الفقارخان ام ايك ام Chi. Constitution of Car. Acid History distribution To the state of th The County of th To the state of th

ستايج اوس الرص قبت الي كم مع محصول ا جوال بها زیم کرون کو سود اگر او کشتیونین بهرکر مشهر کولیجادین مزدوری اور نرخ النين برياية اوركبي ببرسه بن كي ومني المونغ جواجر كم منه برين وت بوال وابي. التومنة بحببها دات كوبناه موجاوين باغام آ د مي ميركم بالرسول لار مورسور العربي الراه بنجا خاطنة ببن كمه كردوباره جوكنيتان آوين المحكمتان تلمبر دكرديومي منهجر جهاز الودريا برنتير في المرتب كون ركا دين لارندرية وكوريا كروا دوم اورج المحودلوا د المرائم و المراز كم فرقع كميني سكيا برمع اكروه داه رني اختيار كرميكتيا بون کی دوت بوسیم بی بی باز مراس برد کرسی و می کار کار در در می میان بازد این بازد این بازد این بازد این بازد کی و می کار کار در بازد این بازد کار میان بازد این بازد این بازد کار میان بازد این بغربون کی لوت بویم بی و بلو که حکی بیت بیتمور پریکی بین باشندسی و یا رسی ساری The state of the s

Bell Market The state of the s ان دورون مح تونيان مرحفو خان صرمدادسورت بوالله استي خرو تو يركو اوركها كومضا سفان آبار رُبِّ رُبِّ كُلُوا مِن مِدِ كِي الله تهاراال بالأربندرسور مرزا كراي المرنبوكا اور تمير افراته منها و ૡ૽ૺૼૢ૽ૺઌ૽ૺઌૺઌ૽૱ૢ૽ૼઌઌ૽૾ૺઌૺ له م مودد ار مرزون محمود وفاع المحادر محموت جو ارد שעופניית נייביארנים يرين يرينون والبن تهاري اسوفت بارخوت بن بين عقارتير. سنة ب لاركوات كالتامين صفي الماكم و فالتك الملاع كي اور الماكم الكرو من اور مريح سُونع بين في ما يد بيني الصلي فريقة كر مدا إن قال مريمة الورايك رية كوكها وركيان يسترجيه والقالي أورقام والفوكي كتان وسته ما المتروسي وريات عبداً عليه والمرك ورومورة مراسة ما المتروسي ښېراد رښراخرطون بر آدي بارد كوشل الركيم كي بك ادر سكي نبوادرها فردرار ساهان رئاسوم وف ردار بذومود في خطاع م كا دي كو ديني كم ال تبارت كا باره براگر منج المعنى أرين المنطقة وعدر معداداء الماوالمدونهي أوا به الراب درارد

The state of the s من كريورت على أنها سورت ادان وكريد للن عالياس الإلوازي الهذبي الأكان المنافي المنافية المناف من دوسون مرسول با ما می خود فان اس ای ملا موادر در ای ماله موادر در او می از در ای ماله موادر در او می از در ای ماله موادر در ای ماله موادر در ای ماله موادر در ای می مورد می از در ای می مورد می از مورد و در ای می مورد می مورد می از مورد و در می مورد می به بری در در بایات به لا میزاز کو اینواس با در بایا د ني برعارفا ديم جرير اور مي اور برمور مي اي بيان ي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي اي بيد لتن من جور اي اي بيد لتن من جور اي اي بيد بيد اي بي المون كويم الموريان وربين وين بيري المراب المراب المراب المراب الموادر المواد بنده مرادریال دیگر راه بای بسر مرت که طرف دانه موال اور کمتان بست می ازداده از دانه از کارازه بان کرداده این ک اگرز انگاری سی در صار کی نیز رسورت که طرف دانه مواا در دار در آگرازاه بان کرداده این ک



. بخشع کی اور مبیم بهایا مکن ان مرّد بیر نواز و بیم استار مرسمهم منه بي رور تركيب ن ركيم عاجر موكر نها سورت علاور از و بين الرمنية الزيمن بديجة التكي يؤراي البواورند اوزاران ورمذا داورمد فيرمي مركا كفندكو فالمطاع فعطم اوركتهان نري نديهتا نير جنويها كزين سي بني واحال مبيترا كزيم بهت مبزان متاره ب من را برب الديد المريدة ويم أولا مين المراكة والدور فرا وور الموادي بوارا موري سيني المرام كوداميط رَايم التي بهت عنست أا در صنب قبل الورغد منهن جهان عمارات كنام بيفت نبي تبايي اور تشرتب بمروتي نفرتي لي كوارش كي اوت بنه نقرك كوا و كا يو كله عالور جهاندید دنها را مضمت موکیا یی براتین عرضی کرا دنیا در صامند مواد أبضاك كووابستن مبسلة أزيج كجدمه عاعا معل نهواتب ميتريا كزنيدا كالديويكيمة الراد بالأنتيان رئيس مست عليه جوجو باريد إرجا كميريتي ال كوايا الركها نهااور مرابك ي واسبط نه م حصول تما ميتر الزيك رشوت وغر بصلاك مدارا عادت يشمعيذ الزيج الخازا كومطلق يوصح اس أمركوبهي واسط المنعلى نجانا اور درك ما نغت كيم مواسط البيس كوالي بي بي كي ووبها ي بنواند ب باكرمرة المخروب كوي ماية نروانهين وات رك معلو موي وروي المرايل المراي الكرمير تباكزولايت كويم والاجرالية بهن كوبهي تمهاري ليجا وكاليه ووتميس عدا

المجران المجوور () Jack Bridge لنبول كاموكا متر اكز فانفرت فالأ زدد نوز ندر زکورین منا که مجها کینریا د شاه بغ وليم فشية معسكومورتين اني طوفه الرائح بن برداد كرده فركوا لمطوف دراكي داه يسيح جلا أثما رداه جها ذم كاطرفانين 17 وتري بسر - وكا ابقي وكرجره ميك بنع تا بي كما بين كاري رندرمورمة لطح تفرقمان حاكم وبالخاج كمر وكميون سيءونفت دكتها مناانير لسبخ أميغ

الروناكو أرن وليران ولي الميلون وين المراك وران في المراك وران في المراك وران في المراك والمراك والمرك والم المن عنام الورليفي ما والمعين المراكبين المراكبين المراكبين والموضي المراكبين المراكب المت من وراه راية ما وراية ما وي الما وي الله وي الله وي اللها كم الم يوسوم من اللها من المورك روند كيا أو كوي الدين الورس نفالس بنديكه طابث وأور كور خدي ابنا وال المواد ا المرسال كالمار الغير ولم برب ول المراث مقاسولات تعرب مقان غانها وس مي من الله المارسون أو المن من الرزي المنامي المرزي

لومينيا اكروبوا بان حورستو دي طرفين كو والمال المالك عمر كك كروة وكمل دومرك فدا واخر موكه عيفرة ت الجراه ن و كانها داخل موالور رقوم المأدرة واورو على كي كومن ونركت وسيطان فركك مول ادروم بس مؤا وراین منیا مون ادر میشند کا انگریهان کا پیمی منت جوانگزری دال ا الحكم مطاني أمركو لياا ورمضمون مرقوم الصدر سبئاعه فركزا وخشاء بنا

ر نگیارین طرح مود اگری کی دالے مرجند کم برگستادر قیام بن اپنے اپنے ستی انگیارین طرح مود اگری کی دالے مرجند کم برگستادر قیام بن اپنے اپنے ستی لا الرياسة الركارعط ورايك رور منوال فامر كاررجي كرا وطف ماريكم لاورودا فران كزري سرخ بلاكه جي طرف ربي الكيان كالأبي بسين انبي مرمقام ركب الكمابي لارترتها كي عارت يوبي المراسولاسي المرسلالي ب الراد و خد كوه مي و خدوس و دو هي بين روس و دمفدي زياده و فيلي غاه و بندار ه مرازه مرسب ي ومدن بسر المراد والانه مرق ردنا رم رن عدارات المراق ري المي مطوط بي واروايا زركية المستحريك كلما ي كان الوراو عبر رايا و النابية الموقا كونتي بالموطى آجه المعالية أواسحافا ع نياا ورام بمرس تراث والمعالي وي النظام وسي على جرى مراجت كرمكم طوف لامت كي رواز بريا ور بهت بيا The state of the s College Colleg

,0F. تولموين أربع ثرثدها. لعبوي مطابق فثقوض والوجوي كرمايا فيمركار كودنست تبادر The state of the s تونی تداینه رکود لار برسیط اور هاکت بین از مکرد دن طابار الوفون المرازي والمرازي المرازي أو روِّكُ فَي غَرِه مِن الرَّبِارِيُّا فِي كِيهِال كِيْ جِهِارِلِيَّا طِوفا فِي مِيكِيَّةٌ تَقْعَالَ رُلِيلِيِّ الويكانان بي جذبهارا اريخ خوار لطورجوم ترمر ماوعه فالامحت جركا بخرق وكمنا بيركمفي مفسلاران فلم ترزق مال مح جاري كركيجا ون رئىدا مدامة ماسطى بقستون كروم م فوم فرانبرد د بارک و ول چرباره اراث ایند بریمان ر قرر دن جار مور به در من این داری مورجهای بنن ان مایا ی اور استامون در در در مایا ی اور استامون م ارت مجى ين كن موادر كيول اوركر يي اوركر الكور ركز والصن إذ كريد ين اورزول ولخاطر الولاس الك بين والبخ بيط الدولوك فوال يُعادد و أن بس لاز رکانی فیتار کریکا اطراخ جوانب کوروانهٔ بوید بهرشتان سولاسی بین نیا پر كونتى كِي قَوْالِي لِي أَرِكَا فَ عِنْ الرَّبِيتِيمِي زَبِينِ بِيَعْ فِيضِ مِن كِي اور دام

الروكا جا كور و نور اور و ي من و المروال الدونا والمروال الدونا المولال الدونا المال المولال الدونا والمولال المولال ا من من من من من من من من المرابي المرابي المرابي و المرابي و المرابي و الدالم المرابي المرابي و الدالم المرابي المرابي و الدالم المرابي المرابي المرابي و الدالم المرابي المرابي المرابي المرابي المرابي و الدالم المرابي المراب مرد و مرد و مرد المرد المراد الفرال الزرون و موامها که الما ما المرد ال الدوكيم الما المراه المراع المراه الم غِيره زنابية كي وكول المحال مثل وسي المعالية والمحالة والمحالة المعالية والمحالة المعالية المعالية المحالة ال hogin de la companya أدآية اورد بال جذي عين كى تخارت كى بروكر في ورويدة مكاب لا كالكرد ب Selland Selland الكروزة مورس ن از بدادر كر مي ماده بكروزه من عاكر لأ دالا اورو بال

ست مری اس و نعیخیاب بوالا و تطویا لار تی این ترمیسی کے نیال مکمین کی جو دو عاولت جو ما فواريم ولبرموكر بيصيرها زجلال الدين الحريث وما دناه يما يم ب فول ال والمنط كومول كوراد العد منه وقا أنه جائة بنه وفت والموريم والم يريب والبيسل كويب مبلك كرداناير منتي موامن مي ترج الكرزي ادري مي تاريخاد ادايج المنبوروسية الادامني الموندين كجر اورسويس كبريم سوداكري محار اوربا John Street

أربي يبالمون بالمرمونس برك فؤاء في المدود عن عوى طابق الدود اره جري عاكم بين و الم ميم بن كردار الحكومت به معور ب ورب المربي على بيني أفاق المراد المربي المربي المربي الم الدر مقوله يحديث فرند المح يسبر كم الفران بن حرب غرط على وي معمورت بيمني أفاق المراد المراد المربي المربي المول الدر مقول على أن أن الما المعلى الما أن بن حرب و عاسم من المراد المراق ا ادر مورت و کونی شدرکر دون کو انج انج مع مهمتدار کا رفارسید دور میرت کارد از الحوال از الحوال از الحوال از الحوال المقال لور ميرون ، كوني بيسرتر دون و بيستان مي آخر كار بركينه خال آخري الارتبان المرتبي المر ار منظرون فاروار المراف في عاصم و كونة و الارمام بسير و و روست المرافي المراف ورودا في وك بها كالولي بن تي ادروي كرندادون كراد وكوس بتعبير

Maria Service لِنَاكِرُ وَالْمَحْ بِوَلَمْ يَهِ لِللَّا قَلِمُ إِلَى خِيرًا لَا بِهِ على وكماب بالأكن كالاددة المفايق شنا وسوخ بحرق داعل بسالحومة واسلط رقمز ولخا مزارِر بن أكفا المنوع بالوضاء والمناف المراج المراج المراج المراج المالي المالية ا بى ابن جىك وافعى المال مركانهوا باس كرد ميدات جواسي جدار بدائي بدرت ارد الدر ار من المنظم المواد المنظم الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية الموادية المراجية ال أبن جهار أور آئينا اورك بلونل مرام ببرائي الورجاية وقسة كومت كو و وسيط هنا طد كويتي يان جابون کې چود کونه بدواجمت اینځ ها کې بذ کا بد کوت بما کو مېښې د ه لبالله مي اليفياد مود قريسيا مي خوب مقابد كيادورب الأدكم برمط في وربر سباه برمنور متال کو اُن اور کهناه م سبار برای کار نسو اور بی کا ورجی کوارد کار از این کوارد می کا ورجی کوارد کار الله المركة والمان والتي وكالهماني ابك ظويتار كرسك وواحزتا مهار نين نلفل وزنجيل بكامتو كريمية سامري أباده رقضه بين أكّر كو عين رائ كرنس بوا ا جا بخربا بل بن إدناه و ما ل بعد المدوسيط مِمَّا قالَ وُلِيلِه وما تقوله وُأُورِيكُم ت ألم كي اورجه أب إلى توكد مكونياه و ارْ وايتُ اوركم بوركيميا و بي وابم

المراف ا المواني كو دار و و و المان المواني المواني المواني المواني الموانية الموان مر رساد موسود از ون المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ عود مولوگر فی المراز المستاخ المراز المستاخ المراز المستاخ المراز ا من رسيدر المرابع المر الي من سيادان جوري به المحالية المحالي المراع بين بيركنيان المازك كون اليت والدين المراكان كوع بها بيستم المقدة و المراع بمهاري نبي المازك أسان الركان كوع بها بيستم القدة و المراك بدونها سبر ري مسكرخا موالور دراب شيخ كا قبل الله واليها روان و بوست المراب الم Livering to the second of the

Wind Jan Bridge Miles Tiple of the state Derrick Streets ر داکری بنے اپنے فرق میک لوگو کا اس بیشر کیا اپنی دا د وسمند کی جائی بی آنا کو از ارب اخراج کیم می^{سا در این دان من در کاف در با کها که وکسائیامها و نشایازی} سى فيا فرهبوي ها بق مشارة وسياع بحريكا بانماار بطية بربيدكم ا وَلَ كُو اَيِنْ بِي يُولُو كُرِكُ مِنْ الْبِيْرِ لِيَادِلابِ بافق كاجز عظم كاادر كال فوش بوالسر كابر

المان و فارين خوالا مع بوكر منها مه وارا المرفط في من الإكسلا بمكر رساورسة المفدس علاقه بن اداب و برنسكه اور در نون و بمكه لوك ارساس عنومتر كم يي كاكرن المراسطة والمختلط المراسطة والمختلط المناسطة والمختلط المراسطة والمختلط المحتلط المراسطة والمختلط المراسطة والمختلط المحتلط المراسطة والمختلط المراسطة والمختلط المراسطة والمختلط المحتلط المراسطة والمختلط المحتلط الم م بنيا بدي ادد دبال براكوري تب رهم كي مي نبي الكام الحال العالى الم الما وت وركز الما المورد الما المورد الما المورد الما المورد الما المورد طوفاني مو كرنبردن بعد بن بن بن المراح بنائيس عراي کي اتبر استان موسوح المراح بن المراح المراح بن المراح ب وبافت است عام المراس ورسود الانتهر حبر الا بمنور كرات كل وار رسمت بدر بدن به المراس المارس المارس المراس ا اَمَّا بِهِ الْهِ هِ وَكُفْرِينَ مِ رَصِومَ وَهُو الْهُ سَرْئِينَ هُ كُورا مِ لَهِ بِينَ وَيدِ.
جند روزين حبيه و وإن عاكر بيني وَمعو مَهُو الْهُ سَرْئِينَ هُ كُورا مِ لَهِ بِينَ اللّهِ اللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهِ اللّهُ الللّهُ اللّهُ اللّ ورده فدا الرجي المراق ا

ېي طربة بناحاري بس ادرې تما يرکورتو فوت يو جاوه روست صنيكم أخاب دين محدي حالي لعدعمه والدرسلم كالور بدارية يسي بدا در نور شن دين كونجنيه كله به كونجب تح ا دراك بذكان خداي وسائك الكدون عبوي يكم في الانت كي اورطرم انبين مراسلات بهنجائية اوراليف قوب كريم بدويتة ولايت كولوث يمخ لاولا سياه جاليهن والموار وغيره تقيه بذكيك نهدليكي ادر مصور مركز شالفرد وأفيا ويم لارداني يمركن كي ليداكم ورجيه يوزاسلام كاخوب جيكا اوردين موي برتبار طونسيط الم م بن رواح ما بالدورد م و غرو تعرف بن ماريد أبت ارباب زكر كبي رمون

وزين الكورافذين الام اورالك بن دباراوراين لضراور ال عبرتن الك في موضع مركور مين كم مكورين آييندا درماسيد كي في بي ازائخ و ميني وطريك تِ مِن رَبِي الرَّولِم بِن مِن مِنَا أورب بِن فِيرِه الطَّا كُورِكُم عِيالَ الْمُ مركم درك بعدازان بن بن بنام كى لوي لاكتر مواضع الرقع اورور فقرا و رصد رمه اورالات الكوفراور أسكاوراور كالبركوت وغيره بوسبور بتعميل بئن ومسلمان وكسركرم صلية موت درارون اس ماک برزما ده دی ورمیت موک عبارتر قال ده ن والم در از بندر که ه اور دانل در صول دیخر مرکم بهای مذوسکام میما سر محسلال سز الميان كارمير دربامكه انبن الحاما دينع بتيا دراننين بونت لغي عدادند كرفط كرفيا بمكتر منقفي موالب من نوري بين بسبت كي فلك خلار فعض دن مريب المارا عن ور نكال كالل أكد واردي و المجاوراداء ٥ بالمدمنع فلاح والكربح سواحل محرندك بهرجوج واقعات دعا بلات كم فيابيس لاميون لع رسيل والى ظاهر موكا واحد كاشف السروا مقاله ووم بع باب مداخلت عيما يتون كي ديار بندو دكن بين م ذكرت مطال برجانوهوف إدرمردادان فرشه ادرمان جاك



من به در المراق من المراق عن المراق ال المراز ا والورد السيم وين لور النفي بن رفت مي واكن تباكه كرف وين جد المروك الدولي المرود المرو The state of the s

ي ما احده ي مور بيجده نغزا ولادي منفرناه اعظرا وازاك م و بای را اورا رود عورت عدب کیدنیف بین می ن واقع را کرزدانگ على والأيكر كردير الدان قرم وليرف نها دو كيد اصف ريين وسير مطرا ميكرة كار والأيكر كردير الدان قرم وليرف نها دو كيد اصف ريين وسير مطرا ميكرة ع م كامو ال رفين در مديكر تيمن فان ميان در عن وكرم ن عرف على أسود وروز كا راور فوش ان بنا اور فك راب عاز مود نبيطن شرمات موباسبين طونسته ادفاه كيكور کی ماصر کی ہتی ہے۔ تیمیرفان تجوز ہے سلطان آصفان کوائی کی آ خطاب في كا دا نهاشند آنه سي تنهدان هوكم ال روزول را ت ہے ابرمز کرسلطنت دبی خالب اورعطرابیا ام کاک ن على المعالم ورفوف البدار اور معند بن كودا تبطوسة تلونسوفر الكوادة رونی بحف مور؛ مرکور کا مولار شدنه آفید سی بره بس سے موس برقالویے ر مِرْمَا وَكُمِيمُا مِ مِهَا مِ إِن بِورًا م كِي حفرت رِا ل الدين اوليادَة وَ

روري في درنف من والمراف من والمراف في من والمراف والموس من المراف المرا من المراد المرد المراد المرد من العالم المعالم الم ن المرادة الم مروس المرادة من المراق المرا المان عرب مدين أو العال المراد المراد

(jaro) Cod فهابغراسك م ما ونني بهال ي ي كا و دورت النار كرديد: ب كومن ال كاله ي الدين جدر في الما عِنوان رئيسة الله ول ورئيسة وأروبل من المار من الما ايي روز نفر الدين مروز دن ما ومروض و الدر مرفع الدين موريد كا در الفي الدوكة الإباران وسيراع الإراري من مار وي من بين ويهاد والمناصل المناج أن مؤاليد هر من من من ما وي ما المناصل المناسكة دام الره جديد اورمهان سراور سرواحدة كراميا بيركام حيكنو را نام فاكروا واليخ ماكو مرسخ المركز المالي المريخ المري المرتب الخراجية م المريض المريط في المالي المريخ مرسخ المركز المالي المريخ المري المراس الخراجية م المريض المريض المريض المريض المريض المريض المريض المريض المر ريخ شده ۱۷ مرد انها وربه جلوسرفرا اوريت ه موجو بينا ه واحد على المريع بغورتا ايخ شده ۱۷ مرد انها وربه جلوسرفرا اوريت ه موجو بينا ه واحد على الم الا الاردي بنين بال موس كوز فرنين ادرا في دكمه اوروه فوز زنده! للا الاردي بنيان بالمرس كوز فرنين ادرا في دكمه اوروه فوز زنده! من الحاصل صوراوده كالمكتركي فيه رس تعرف برسندندان رمان الملك اور صفة من الحاصل صوراوده كالمكتركي فيه رس تعرف برسندندان برمان الملك الورصفة مرکهنو بم ک^{ور} فی ا^{کا}ل سِینِٹ داک^{ی کی}م بها وزاد رسیب امنیا راه دیجه طویدا باره سی نبیت کلتها می وقت ایر فأرب الدين معدرك دافل خارز ايك كرور ستر فاك ردي بداكر فديتم اور الت لم ومّدي عال کيم پنيٽ لاکر روبي. پيٽواري ومول موقيد بين کجا

الام كام و كم إن موم وانامه كار كو المن معلى ما أن طالمين وزنده مواجره والفي وي أداب بالنظم اورنهاب محنية اوركمال والماتيم ومع فرسي منصوبي كزيزه بخرا تقدير موافئ تذرك منهی میاب بن می تنگ دورست سیات کی ماه رفت ارامه سی منتیان حوا فضا و فدر کیشی موعد کم رسه و ارسوس و و مازه کرمت کیا و اضع که عبد مات مهد و ارسوس و ما ده کررات او ده مازد و ارسوس و ماده و ارسوس و المموم سوع والداعل خا محد عداده الربي وف كالمنظ في والكام من الموس الفي واربود الم جيا كامنروقاً دو اولمين كذرا مح كم م الله وركوم هدا دماج سه الهاروروب المرافع المرافع المواد المرافع المواد الموا ملطاني برعلى الرعبهمان بيره و بي بير من الكرد اور اخذ فران من الأعراب المالية بنان در المدين حدر انيام منظر فرايا من منظر فرايا در المن و و المنان المراي ال The state of the s

ؙ ؙؙؙؙؙؙڔؙۻڋڵڔؙڋ ڛؙٳ؞ڔۻٳ ڛؙٳ؞ڔۻ يطائب ووموع وكمرازيق موتك كالدواج بالمام فرون فواداي وكملامذ كما مَنْ مِنْ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْمَارِينِ الْم المارين الماري يرنان كاردان موروبان يسمال كوينه الكرجود ارارم بخوي وايك ذار دوا · عارتی وزرعانیات کومنتی در اکرز میب و کمید بوشهر من میزاد برى كي مطلع موكر لبند ليف كردن مي إمرا تيقا درم آدموز المحص نوك جيم كي افرال عالميان الأزيم متعاني اورمنسون كوسكي مووكر مهيدان البرادين دياا درفوج مواردا ميط فارتبيكم دوا نركية وزر على ان المين و نترم بواآ خوالار و وجاد آ د عول بین طرف مختر بها کا اورنا ، حا يكورز جزل لاردمي بهادر فيستكرنا مدنند يدة أكيدكا واستطام والخ اسرأ وارت لكمابس ميج يفود إن ترفره ما في ون لورعد م قصاص محاهر ، بن ارام سيم رُجِلُ لاردَّي بادريث مو مي البركو شهر كليمة بي مخت قيد كي مصب محقدال بيثوت الني لكها بيكم بنوزمكا فأته بين عال تنيع ميكه وه كرفل را نوام عقوب ورخي و

الم طرق موالدان نظر محمدة وبدا والدار المهام ينه م فاصل بعثر في مات ي بستاني المحمدة والمادر ورزول صربها المحمد المحمدة والمحادر ورزول صربها المحمدة والمحادر والمعلمة والمحادر والمعلمة والمحمدة والمحادرة والمحادرة والمحادرة والمحادرة والمحادرة والمحادرة والمحادرة والمحمدة والمحادرة والمحمدة والمحادرة والمحمدة والمحادرة والمحمدة والمحم بر ابت و در مرل ه روی از در کلکه بس دار د لکه بند موکر دا مسط مصلی سیکاه ل در در این از می از ارتفاعی از از می از می از می از در کلکه به موکر دا مسط مصلی سیکاه و در در این از می که در استور می مولی در استور می مولی از موجوعی که و در مرجوعی که و من الدوروان در دوان د يتع كني ور غوري ي يكي مي ورو علي كوا سركر مي نادم كو بهي اديا بمسر جوافزان الري اور مادر الهام كوت برقعبان للحفظ مالية الروسي الي ه بي بين مندون الدور المادر الهام كوت برقعبان للحفظ مالية الروسي الي ه بي الورر عب وتربي مندون المورد الهام كوت المورد ال منکن اور مدار المهامی بی کوبال فلقت بری سوده وی رو خوانمحکف نه ارزی بین علوسی ایک را بی وان کلی بی سآی سرتریته ملک بیم ای سجید: و زصیمها و سید و عی فلید: حق تاج علی از سر ما طل رقیت: ارزوزهای از در این این این این این این ایک موع به که بیم شیم نبا و و شیمت قال این این ایک موع به که بیم شیمت قال این این ایک موع به که بیم شیمت قال این این این ایک موع به که بیمت که بیمت می این می را در در پی می نبازد در می می نبازد در پی می نبازد در نبازد در پی می نبازد ا المردام الم المردام المردام

ر الما مون الغرار العالمي الموارا و الماروي المعالى المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات الم المعارض المعارات العالمي المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات المعارات الم دوارخ والماني مع دواحد كارم فورن والمسوى فف الترمن في المردوك بان العالى سوديك والعلمية وركوران بتي وركام مجده فالجدية فالمالة المرابع عالم أي المرابع المربع المرابع عالم إلى المربع ا يرصد نغتن كي طرح المست يني كربيزوان كي نفع كي طرونة رفة مم يسؤليك مِيْرِهِ اللَّهِ اللَّهِ الْمِيْرِينِ بِعِنْدِارِ سِي مِي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَ مِيْرِهِ السَّسِرِيِّةِ: إِلَيْهِ ن بِعِنْدِارِ سِي هِمِكَا : السِيرَةِ مِي كافت و و النِّسِيرِيِّ : أَسِيمُ و الرستانية صف و يوني كمرك وكون بعان بسيكية ، س آصف مجود وست خادت كوزنبيار: لا إجب كجيه زسانهر: ما ديجا كيكه تو دّ آربيا نلك المع مجهة ميني له اس كرين ركي الكر الكر مورت عادس م در اردان وكا جي ويكي بري الله المراجع المراجع ورا وال المراجع ورا وال المراجع ورا من المراكين ودلت بندوزر عليام كيك شفن شندكوس وزفاي مقام كودة فا ر تی رات دراذ ایک سوج بوا کار برداز رایت دورجاعت افران کنلیتیم ا ر دودا الاختيار كودات بسي الكوسنوب الاختيار كردايي بات امرده كوبر كودي آجي بكر بعضي امودات بسي الكوسنوب الاختيار كردايي

معنون مغرواه ورئي موالبت مرحوف لفرند را زماه دبل الارسطف على الله المستحدة سود بالموروب سار الموالة الماره سافيل على المراب الموالة المورية المو من من المراجع ا المحل والمركة مروا والمواجع المراجع ا امل ت من الترق فر جرموا ملف ن فروز أن المحاول فر فداد حربور كا جوار مسدب - المن الترق فر جرموا ملف ن فروز أن المحاول فر فداد حربور كا جوار مسدب - المن المرافز المحتوال في المرافز المحتوال المحت من الرائي المعنى در بها را و بنت و نير در في الرك الترسي و من عدر - - المرائي المرتبري عوس كالرباع المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المستخدم المرتب المرتب

it of the North March ૢૢૢૢૼૢૢૢૺઌ૽૽ૢઌૻ૽ઌ૽૽ૢઌ૽ૺઌ૽૽ૹ૾૽ ઌ૽ૹઌઌ૽૽ૢૹ૽૽ૢઌ૽૽ઌ૽૽ઌ૽૽ૹ૽૽ૹ૽૽ والبيافا كمضناه وللأكماك موادمين يعيى مين مكومت كي بمي كه مزراحيد ومعلنه لهدارا 10 1/10 No. 19 يخ كركي خطيدة المريس ما يوليكم يؤسوا بالورم وجدر وزيكم نور وفعية خيرخا لأفنا نوس ويس وم منسار كالرادر وس رس عكومت كريك والله وسي مِن قَلْ بِوَا بِهِزَادِكِتْ الْ وَكُرْ ادْنَا وَبِوالْورْ وَدَ لِمِنْ كُوسَتْ كِي بَتِي كُرُفُو ت نفوجونا وربدائج من كرعملة وسيات برموول السب ىي دوربىركسەرىيىن ، بوا نوزسىلىن بىركى تىن رىس ن يه بن فازي حالية بهكومغيدكيا وآمنع بوكرسا لد کی زار ہوی اور عازی حکا - غازي من ملطان بوادوره رمرس رويا بُ بِبِي دارِ الطنت بِي لَمُ الْمُ تُوسِي كُمِّرِ إِنِ إِدِرِ إِلَّكَ عِدْمُ كَا مُوجِ مِنْهِا ورسي سباسين ارسيان غرسيص دسروما بركي فاعدار موالب طلب و موااور فخ در مسینے نورس کھومت ک_یسنید شرای اونسی کی افر بین ع وزوانه عادت من الرادي ويك الدو

ت وبرام ين الركزم وروان بدوت والانكوركيم والدت برسموي ين بيدي ورورد بورتسند مات سي يسايل المالي من ورمه ورفسه الماليم والم الله النور دو غينه كوفي رهسته الدكوراج وبالمرت عن المحري ويكم أو مسلم زباد ومسال المساول المساول الم الوداء يستلفان حين جنسير باندادسال بس محروث ودربك ا مواا در وس رس بيس بين عنوت كي جو كمه عهد بين أسياب دات امصار و دا و بهت بهم موسم بن كنير بون دومسيدون مع جنك بوي آخر كارسادات فرري سي لمفان المسيسي لوفذاري أتني شاشنه أفمر سحجارا وبن كرفنا ربنجه فيتخ فتستاج بأروع بن سلطال نون تعايدين فال مج بوليداس والقديمي فان مُركار ني مدت نورس ميكو ار د کر مورث ه نربور مواا ور نو میتی ا د شای کی کسوی ر در کر فیخ شاه مدّ دریّ كي ابندا فيتارين كي اورايب المرك عكران را بيرمحت و تبريب إركم باد نیاه د می کی فران فرا مختبر جوانس دفع کیاره بس کاره منے کیاره دان

المان فبالمجل وأبغل والمرور حال ^{آت}ھے موکرس نے سیجے نبت تقرفہ را جو ب^{ہتے} آمالکہا ہم ہے۔ ابع آفر وأب بي عاكم متقل رہے ليڪن ما ت سيحيس براكم ن د مان سور فرول کونج ام ابن اسوام دیجه د کها اور لواف و که وكوخودج كياكمته بن جهتر فرارا دمي سييسه كي درك اون كابدان وب بن درراج ماكمنت كوف كريك لگین این مسندهکو کود و نونم ابس طی دای موا دید سیکه احد رسم موابس فیخ علی رامید در این موا بد جيئة رستم على مريكم موالبس وال الخاصلوم نسواا ورعد بن فارمنا المعمر موقى ابل سلام سيصعب كومت اددا للنة و إلخا إلى مته مين ركن منا كه اراسم حال عى مردان فان الم وحاكم يذكر تبركم بهكوكم لالدرده وتدبين سيكوال مجن موا

مرا لیس لطان احرمدت ملطنت کی گهار ه در کرنی علام آن مین لیزا دادلاد بهکره میکرمنگن ملطنت موااد ربید بنین رسیم ۱۴ ۴ ۴ آرای ماری باری می بر را مدر میان اسان ماری باريك ويذ عكومت افياري اورششه أنهر سي تابين بالأهن والبرسيف وجين يرموالور يس مين مين مركزم ور او دا در بالبسر كذر تناه مواا وراكها مي كروه لبريدم و قوض و د ميني برخوال برد الدر بعال ارد مسنا رسط در در رها بنه برگر بس انتخاباً عظم مسكن رفتاه بنه كما افضل وكرم يسط ا الله منيك نفاره تا ي كابجا كر لاق ٢ رئيس ميما زين قدل داليسر لطال ته أو كرا ورا فتح فناه كانهام ندهكومته به عبوس كا إوربور آبله ميزيم بانهرسي ايذبون و صنبي كندسوا فروز تاه بن بذباخ ن صنتی نین رس کم بهت منقلال سے مکومت کی کیس طان محمو ما ه بعضي كتيم بين كه ده بسر فتح شاء كالتهاميل ن واو دخير بوكم زيك ك يدر صني الم من المرا وارب الطورادة ملطت مواجر كمر صنبي مرور مفاكرة بما كتل بجبا كاستقل والكهابي كاسترنين الانتج المنابي كالمدت المان الم المراد آ دمی اردا کے کر ترمیف کمر نیے تازا وسی بین بان اکوفتل کی کسیر کی عقید ا علادالدین نیس نبه کمال سفادت اور عدل کے سما مین رس مک دادو د مسنس كرمك روانهٔ معمورهٔ عقع كالمواليس نفيت ه وارث تخي فريع مدام بي من و نوسي رّنا ليس بين جام فت كا نوش السيمان تحرونيكا لي ستبلاما بالبس نوسى بنينا ليس مين ده علك تعرف بين نشيره افغان سح

لاها رخت واسرم زو فوم كا الإلسلام ب أن موض بر رعاستا سرمحود ها لم ي موالا جي مود واين ِي بواور بد ميزي رمره *بكر عورش*ال جي قرم ميرم كي ملط موسرعي وربس طنت کی رجع م الدین غرف خاج برا اورعهد ایس کیجه سنجار تعرف برا دفاره و میکی فزل کون طرفسے با وتندہ و بایکے حاکم و ہار کا مقرر موا بنا دستا خشار کی تھوکہ خطیار کم عاكم بخاله كاموا وافع بوكر بدؤت تنوش كمير كالمرفزالدون كالمنت يردكه برام فالا الوسيد والجانسين ولي مغمت كوفت كم مكرسكم سلطت كالبغرة المرا ودوس سطرا ليك بمطان علادالدير ينير ايك ل جندا ، حجبه ع جي الاسرائين بهور سطا بينسر الدين د لارس مبندا ه رسيس شريع المرسيدة والمال بسيسه طان غرافية الم برس كبرس لمطال لهاللي بنيه وش مرس كبس بطان شمسه الدين فيدتين مرس ل كالسونام نبدد كمروه وكرمشسر الدين ا في كابها عاكم جوااكر جركا فرتها ليكري عج ج دِين اوربا ني س مِدومعا مِرُه ، تكبير مطبيع السلام نها مرتب لعشب عيات يحتم المحاظب علال الدين لويدرسسان بوكرالك أج وسروموا كنف موج محبت أبل بيت دعمول كرم عليه لسلام كي سكوميت تبي دوات أثبه مويين مين واعل فلدمين

انان في الوه كااورتسا و مفان و عوره والمرد وال ي مبرد وكي فعان وغير بذو سكراو بقطم المان كالم منوال وتباور بالمان كالم منوال وتباول كالم والموالية والموالية والموالية بالموالية الموالية والموالية الموالية والموالية بالموالية الموالية والموالية بالموالية الموالية والموالية بالموالية الموالية مد منه المراد الما المراد المرد المراد المرد ال رسيد، دواية ي معلى مواكته بركم مها در مدكور عاش أدور مني كالمناب والموالي ما زواي المناب المالية المراد فا من المراد في مناو م والمان المح الدين الدين الدين الدين الدين الدين الدين المحالية المان الدين المحالية المرام المحالية المرام المحالية المرام المان المحالية المرام المحالية المح ب روب من المان فلي فلاس رافعة من كالركمة وتمام كالموال والمع والموال الموالي رببی دراد در کرنایمی این در در ارزی کی نها که دوستاریمی و در کرمیمی و ترکیفی و ترکی بر تردين دندان برسيط لكا با درادوره ميد. بهنجي بني المينية بني من بنير ديا يوكون بله توريف كي دانت عاسدول ميك بوي بوي ورده مي المرد Control of the second of the s

The state of the s وكل بطفت كركم أبسدواميط مشرحت يك دركد حى بواا ورمذر وبزارعورا يربهه يمي الجريم كغرن بزوك الهيج لبلادا انوصنيس مدد فجى بهره ادرم كي يشاغرا : كرقية ت يدزاني باتن كي ابتدايمي براوي كوك سبني كم دور تبري وكذبهي مكوت مجرك كمالكمة والمغري ادراس من من كوي ف دبا بنواد دركر دفيه كي كمنتري فيمنه وكملايا شنه نوسهٔ بنی بن جهان فانی کو در اع کها میدسی مسطان با فراندین خلی مردد م سائل مهمات برداد درمین کررم را کرمید ما دندیدا دی کیم اثما ی کی لیس کان م يى نِعرابيّا فِياتْ الدِين مُدُكُورُ كا جوالفِّ سِهِ كَالْمُوا ابّا اسواسط كُرْكُوا كُوا لِيَارَان بِن و کو مجتمع بین اور میلان موجعیون کو اینے تا دو وکو ختا سینک_ان کی فایسته و کمنا انها حیدای ایستا ہے متعلقہ نومسٹنیوسکے ہما درمث المجوائی آبادر الاسے کو اینے الفرنسہ ان نو د کوطون د نونچر کوسیم جا با نیر کوبهجوا د با بست طف اس کند کچ يهلا لهبن كحرامته كجيسنعقد كبير فتها فيسح المياس بن سنبسر خالا

المراد ا من من من في فالله من من المرافع م من التي كي برزني وزرود من من ما ورفع ما رفع كي من كي من كي بن المراور قام المرافع والما المرافع المرافع والم وزر درک کورون کی برخوان کرزی میسرون داور دوافع بیسین عالم درم برخوان کارون کارون کارون کارون کارون کارون کارون ال داورت ادرسي عاعام مورد دوت محدفان اربوان ما سرواز خال والاه وميذ غذتين ونج وادرك ال محرفي خال غراكم الماحة راكم الماحة راكم الماحة الوكية الاوال وافع بركروبار ، نو المرجوبان ولول والله ؛ إن الله المياسية ؛ إنسان الله الله المالة ال ته دلاور فان غوري نه كروه اول فاظم عربُ مركور كا شاجر دون النا الم المور الله المور المان المواقعة مادلادرعان دري عرف دره دره وي مرجه دره مي المراب المراب وي الرفي المراب المراب وي الرفي المراب المر

ولسنيخ وسف فبكر دو فعر تسبي معطنت بيسا آي بي وول كوت كي بعدا يبرالخانه وميرة أفهرن برسكرادد خطير ابنونام كاكل 1. 4.6. 1.6. 14. برس ببرسلطان صيران بالطاقط ليطير ليخاليام مسلطن سيكم المكرس بي آدايه رسر ادر ع رس خان اين اد ورش الدين دار ديمونه اي آدايه رسر ادر ع رسر كان اين اد ورش الدين دار ديمون مرزانا وحبين ارغون سيريس لهاهي لاطين وبإيكروا بهرجذ روز موي كو مهاداجه وتخبت سكيفه ملفرخان الفي دعوين مطاب سريم ماماره زاليس بيري يم براك مذه كاكِ تَهَا بِ ماحِيانِ عالمِيَّالَ الحَرْدُونِ ثِيْرِ سِيْحِ سِيعِ صورِ والمَّا وَمِكِ كِسِيمِ فَعَ يدخ كسكول حالك محردسيه للرعطف هداد كمنى بهاوركا كيا جنائخ شرح سكيفا كدوه الإ . آ کیان راندماً کا کا کا احدال دا خرکه امیدنام این عبدا مدینه وفت مین

عبى ن يات و و تحتر بريم برمرك ورباتي والورسي بويد و كرداليسيدا والي مكر يدكوالور بسرزاجاني مي ميشكم ها كرواكار مره ين ازير ين «ميروري شرك عوالسطيع في يرتبان فكو عبن مبن اور آخر برگریمه زیاده مجیا بو به سرکه عرصین صبا ذکر موایا لیاب نفر ذی اللم الحباستدا داني ملك سده بن عالم مسفل سع مند زايد كنزك وه ملك زرول سلاطيس كيرى كرا دوراب ظروير بمسركارعطت وادكيني بها دركيه بالمما كري كالهج ال ورضي موم من نب تديم شهر جادر سوائي ته النج به طول وظر ما ورا محنف بمرهم عجاج طالم بن يوسف تبه و بالت جزيراً و بن كار باكما بحريث خروسفا مادر اسفلال بهج بنجايا ورميدوب اسك ربطسهرا وكوطها أسطخال وكرانجت بربطها ورلقب نباسلطان فظه للدين للنام فرك^يا مدت دوله ين القيال سكى سو لارس سكيتر بين كم د بإل تعالمي رمنون كي فرم سے اوام را جي بن لف انا کناكي كرنيے بتے بر توسطال بهي عل بن الإورسلطان حبر الكابسراك ل قط الدين مند مدرت الوناسي كادر حين لنكا عاكم موالنمسية نوسى مع من بن ميردات ه حين ارغ الني اس ولاب كوميرك

ليرابي علبقاكا والمجام سنده اورتقبط كالمحوال برمياة ال John State of the عددين دليدين جد اللاكم عبي طالم بن وسفيط تشريب مبين افول بيض محمد الدار. مورن محدوث المربيطي والخاكيات الادرائي متدور إلى مورن محدوث المربيطي والخاكيات الادرائي متدور إلى الإلى التوم في مدّوركو المع توفيع التي القرائع على كالم برع عن منذ النهين مقام وأدركو الغرريف بمرط هذار تنج روانه كرسكه فرماز والبغبر والمحري والعران والمعرورة ليصلطان مؤالون مام كمنا لشرة بيصريم فوبن سلم منطرا بنالماا درم رس كر كا وال ويسيرين لهادر جربی مسلم چھسی بنبین وابلن ژور کے مرکبا بندر ، نفر طبقہ بیسمہ کا نیون میک سے وري البغة تكن اولا درس مبنيديكم جانبية بين ادرجار نفر سواابيط فران فالتا البینی ال بختر بین کم عفر مین اکن غو مکام کالجزنت را ایک بید د*یریتیا* ما بهٔ ادراقبًا بهٔ ادر بقد ادمیر بذره فویکرای معوم بو تا بو کمن په وی دَا بَخِوْ مِنْدَ مِنْ وَي ثَبَات بِي وَبِينَ لِبِي مُنْجِيعٍ بِلِمَ بِنَ امِر دَو الوَن ار مَوْن

المقاس فالكارمات كولاري ترانى المتاريس ويراف كالمتاريخ في أور في المراجعة والمراجعة ، بيركون الموادي المستوالي الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية ال مواجه في من المعرف و تعرف في المراد و ا الصينون وبالرون وتون كررون وكران وكرستابور

in the second دان ژيواراي ويل ريجا And he pays the لوه یک کینین اس کارزر مین برنب برن این مرب کنرر اتبر که وفر نفی من کم راه جعت^ا لوخالدا ل مجمع بنداً واره کرما وروبان *ایکرداد*ا کی متبی سر کمیفوا یا بی کها دیسررا_{یج} بقود بهنجا تعاكم العي غراها كيم مبرد كملا إنبطت مجاري سلندفه عان ونمب كرجاب كى عاد دانى كى منطقة كى مرسط شكى كار دوسان با بزندى متيس ل ابعان س بدايور ا ِ زَبّاتِ وَالِبِعِ فَدِرتِ هَذَاكِ مِنا مِنا الرَّبِيلِ الرَّبِيلِ الْمُورِيلِةِ رُحِما اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الرَّبِيلِ الرَّبِيلِ الرَّبِيلِ الرَّبِيلِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ال اسکانا و براور سسکاس قبر مین به اسکرده و فرد ارد امراد در و ۱۵ و می رسته زیمانا سیکرا مبرك رمية مكر بمبو فحط اور وبا كاهام حلق إحد بر بهواا ور و حضابی بر جمع صامت اور اكم علی کیم وقوخه نه مرکما به _{او د}فار خیافیس آشنا بکر ایس مجیمترین کر در ^{این} مازردن کی بي مجا آبا اور امين دارالا مارت اسكا بها د كن اور او دار ساور نيك بهار كوات سور عالك البيط زر كل بني ادرو وبت اندبت يضع ديلي ب كابل كرتبنون لایا په مینت بخیراور مبسته عایی رکهتا تها حاجت دود نتین خل اور کی سی ب*نته ایجا* ت ا دیخ علی کی الک کون کوئی عاداتی بی طبیقے نے اکر اسین

100 المارية في المرابي من وريض المرابي والمواقع وروز وين المرابية والمرابية والمرابية والمرابية والمرابية والمرابي المارية والمرابية والم الان وي من المرابعة عن المرابعة عن المرابعة عن المرابعة عن المرابعة عن المرابعة عن المرابعة المرابعة المرابعة ا محتران النادية المحرول أوزير وأليه المدرق تيت في المستحد من معرود الما ورد النفل ال بالصريمة والمراكا والمراكا والمراكا والمراكان والمراكان والمراكان والمراكان والمراكان والمراكان والمراكان في والأنظم منتور فالزار في حوف كي يا افران مُرُومِ تزرَّ وسنتو يربُّ والمراق والمركبة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادر المراجعة المعادرة المعادرة والتصويم في وافق رمين ويركز المنظم في التناس في المراكز المن المنظم في المنظم في المنظم المنظم المنظم المنظم ا

. ويفروسان ويكيا بنام اورعل جاري كيابير واليطا والديك بعدائي ورونسي فبناري جذب اسطح ومهمة آخوالا مرا والب بعجاكم ادره كالورك والمكالمة وكالمحرية ددونار خالخانز *آین دین دا*جایان

فالمود وفرة الماري وريوس المساور المراز المراز المستال المستار المستال المان و وجدون موادر معين و و مقالم من منها له اه في المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد The state of the s Million of the state of the sta Million of the state of the sta Million of the state of the sta



المراد ا المعادية المرادية الم red howing the rivers of The state of the s in the state of th

المرابع المراب دوفرزر تداك يعرض ماني كيرم بالاين والنما لمرك جدر اركج وه رورجها رمنسنه ي برك ارفت عرا كيا دور بركي بني شنه اصل يكر بيد ويسك وديك كدوا كي ا بيا فرد وانت فان كم اد *د والبا*ون مي مركت است.

رًا ده ہوکیا تنحوا مہا ہ اور کر دمیتیہ الم ٹن وغرہ مے اور ارتضورا علای جرہ کئیا سفرین كبتكاكيا مهاراحها دبلها غيربيم صور توري فت كي بفتر عز كر يكاعن وعزت را روز رئ صور على فرمها رج بها دركورورو يا د فرايا و كذاب كويم بروآم بن اين مي ي عايت كي وركبير تبييم كا ديا مهارة صيبها در مجري أس كبرى كا بجالا با وركس بوقع كوموافق إ مع المراج وخود كم حركال دكيما إنها فده كري اللك رود واسط وفع خراك وليك وت التي من عند عند من من روانسي روانسي كالأه بي ماداكر ديك تي ياسة خواس الله والمادة الم ولا عوكم بال قبال غرقوقرمها رام اج منه وتعلى وركم نظر دنين نقر وقط اس ديار كم كرمتن وي كمال بوسكاتها صيباكم تقرراً لا طأر بيخواي كما لمرازول مدرز في مرازج دام كاحوا وم المان

المنياري فيتررسا دنفوفسك وثريرم وآبديد وبي موقعة بنع بعزواً بيام دني كومنخوس كالوق ينتو بهنا درتك رويروا بالورمين كمح يطول مستعاره وبرجها جرمها رجم مها درفرا ون زدنعي كالدرم والمرقب موتفيكرني دارد والمكاكزاتيك والهاكه شعركم Wight Brief ابى بوابركم فيفوس بريرسى داريميس جو كورا فرمي كمتون مفرش لاال ليتلاباره بدافرة ليرتك تركيس طاغها رابخط بحد اكدن منحاس مِنْ جَنِيكُ كَامِنْ مِنْ إِنْ مِنْ جَاءِ يُومِلُون مَا مِد تَلْمُرَكُونَ مِرْضِيرُ مُعْدِم بِي مِجَاعِ الْمَ ليبن يزبيجا اسوفت عاعمد بأقرخها في منسدي في المركز أب بال كريث كميمها واجها ورنؤكا إسركا فيلم كركيرب فراياكه وضع إ ودم كي يُداكِّم كي موان يحافيكن يىكمياً كندي دريتور بمرج بميكر زيب أكمينه فياني ولين وقول المين وزي مرجلي كمرين عالم روكل ورورد وسط ذكر كي نناتها ورم كي تفرموها في م پنے میں کی کوچرن روا ہی بربول ک*ر سے* انفعال سے دوردہ ہوجائے میں واقعی میں سیسے مرد بادر الموالي المركانيات به الميل الموالي الموالي الموالي الموالي الموالي الموالي الموالي الموالي الموالية بيجا بيزادد حهارضها دركوفيا لأمركيا فهابت نهاسيئة الإكمال شاب عرقه الرمغرم من من المرافل من المرافل من المرافل و المرافل و واجرافل و واجرافل من المرافل The state of the s A Principle of the Tier Collinson Tale Constitution of the C

کیمیں بقیری سے پیسے طفیہ لیک جدہ بھیدہ لدیمین نظراً تقریمی ادستہ ارتفاد دانکا منجا کورہ رائی سرکا ہے ودسوجوال نظرین اور دور دور کیسے کیرسید ہوئے تفک اندازی تفریم زا در ہواور كرن كواداكروه بريق مهارو كوزرة كواناكرك بنه ابنه زفي دفي بريط خطارت المدرية مسلمون و ارالروه بهر من مهارج مربر ر عائد تعلقد ارقلعد ارسی می بین نفر ک نیجه میرسمبر دار اکران حیدرالیا حیدرالیا میدادار به در و کار افغانیا Constanting langer بعدة الده كانت بطرونين مركب وكئي مير يونيت مراروك مهيمي كاره فرارين نصف في البني مرسط ادر مولد مقلد آله نهراد تو مازم طربین سر کوچ د بازار پرت مهم کیزنه د کهلائی د ترم اور میسترفصات ملاكك حج وسنطيعال كابتح ملكير بهرعنوا مبهي غيالحا صل مزاح مهارا صبها دركا طرفه فدا أيكيب أنها بساسيح زفي مدارج كي مروو ك رويه كيريني حي ينصيف للقدور عبقد ركه كومنسن كركير دوي وافل فط صائبير منصوبا با بالدر ومدل بربه المتصار تقراد ربب ادنى على موسي فعيله الاران فالجار الروقائد والرمورون مركروناك كا مهاراص بها درمنه ابني دات برركها تها فاضحي نو ال عاول م كو درما مركم المركز من اورمها ا المارنية البيانين وفيان بن المارين العرانان العرانان العراب الما درخي ركل مهي المع موكر مهار احربها وريخ مراج بهت بيركوريا را كادكترها والمراده على اور الموركية المادر المورية المادر المورية المورد الم ققب بلاسياحا والبمب وكورت كالتروار وإحدار لاكه لاكه واحضورها توارير كالوب ورسكنون رتقيهم كيئاور موماين دبو ماير آخر ونت خوربسوان م كاوراخ الم أخراط خياط تر تخاص البات دال ركها تها و الصيم مركه هها را جربها ورامور ملكي اور الي سي نوارع مور ويعلق The state of the s المراهبية المراه المراع

ishedines nest. المجال المرابعة المر المتعرف المتعرفية المتعرفة الم المناسبة والمنابعة المناسبة الميكانية المراجعة ا منؤته نزل مخودوم مندملت كي فرايك أجلك على ام الدكوب ورب القريب الماري ورا معانك وتطاووهم لابار مينياليسير يلوالي واجرعها وأكرهم يندونوا باورخطا عطافر دین دامیط آلیف فلیک کرمهاراح بها در *یک آیپ* وفی افزا بویساد ژ^ا بباديغه بي تقاكى إودواني مطل ادرمهاراجها وملحوطه عاكم ميساحكم محكوم كالمافذ ترتبا واحنح بوكه السامين وجبين كوي سفت كالباجلا لمحكره وارحاري تبريض وستدوم عاولفاره بنا وياار المربت بيے مفتر اور ما بي بن خصوصاً عوبان کي رقبي لا مرا برار محدًّا ابن خال م ايك تفس كي تويل بن ين ييايد

اورخط برا عكي اوربها دريكا د له اكر چار نرار سوارا ورجا ر نرار با ريدوا سيطيند وست على سدة اورم وطريه وركني كوية وغير مركم بيسي عليوس روا فركي الركو و كميري بردام لكبيت دا م ابن في كرا م فايم مولا وردا غير وساني و بان طاكر مرفول كوا فدلاغ بور ميمة ما رضيعية واكم د شرار سوارا ورمد الكار وار تمانعلو اورمكورك ورجاد مو يسي لكركم بم تعلى مرتمواه بن لالم اكرزي كيوماي راج دولواما در مدده میان در موند میمی کر کر در ای ای در این المواله در این در این المواله در این در ا العان المنافقة المراج ا مولهي مارك بوي كم عهد بن غلدارا مكاه مغفرت مزل محدر جاه وبها در محب مرعاد بها المين المرابع وبوان موسيد الإلا ما و مراكبين إن نغير ليسار كوتم دا دراج ا در ميكم مرها موانيهم لي الله المراد المراد المواد المراد المر الفعت مِلِحَارِي كل صعبت كالميتى وسي حضوراً علاميكه ١١٠ مِتْدِست اناكل الراج حنيد ومل افنان در المؤرن المنون في در وراني المادر كاربردازي برواب بالعرابها دركي راج بالكش بررائي بهواني داس جري المخالد للمراد والمراد المراد الهايكوري ناباً واسط تدون مرروز كيم مفراكم كوالسط في مرم موااور مد مرم المجارة والمجان المجان المراديا كي جردوني مبرالملك بها دركو موي مواليم نيدي م امودا مالي اور ملكي را مراج من ي موقوف رکها اورّاب مطبین موکر نقط محرر پراکتها کرادر آسو ده ما دام انحبات خانه کتابت. الموالية المرابع المرا William Colors of the Colors o

وكالمغ بشاد كادكار داني بيد رام كاكاه وكرى وت الي موازة ناکی مرتبدادر که در کی وزرگست ادکار ایم ایم استریک مدید امریک طورید موراهما بالی باری بصرت دکور مید بداند برجیه با در ارتفران کردها کی باشوند را فرصوت مادبور تورخان المراد والمدورة الم لريدار بيرهار ماريكوشيا ادرجات تركاري بداجي عرف المَّ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ وَالْمُورِينِ ر المراجعة وارا الحقيمة بالوسونت بهي المرجب هيدان مقد ورتبها منها الموافوان ما ما يما موارا مركا وارا الحقيمة من الوسونت بهي المرجب هيدان مقد ورتبها منها المراجعة ا افران برنونی میل رس . میل ادر افزان ادر میروندی رُفات كُركِ مُنا وَكُومًا مِن فقط الكِ عَدِيمُنا رُكا وَلَا رَسُوا المِنْ صَالِكَامِنَا مِن وَالْصِيمَ باتبا بكروات ي ايدانادراه كوران فقرو كو دينة بريد فطع سافت كرا يستور المرحك ، بَا بَائِنَى كِمُ مِنْ رَبِي رَجِهِ عَوْلَا كِلَ السَّلِي اللهِ مِلْكُ مِنْ الْمُعْلِمِينَ مِنْ اللهِ مِنْ ال م خردت راج صیکی را ده جوی ادر ا مدحل نه نیز مرتبکر لبندا مجلی مرات راج صیکی را ده جوی ادر ا لمطال محيفلقترنا عليه كاداج مقاب كوبوا سبعد مؤثه أن رورون ميت ر و در کړي بده کي سخل شرخک سے بني مغواله پذھنور سے عرفر ار داري تعلقه مرولي كي را مرف كو د لوائيا تفاقاً ده يكام محط ساليك تها راجه مقا مي كريدادوني غدي مهم بينياي يوني فريد واي مرقول بديرا والندي الم والبراوكودل كاسندام بصيند ولعل مكركم Sy. Residence رين عادن انوركيد

المعدادر طبرا مع من من من اون ارسم و دان مور من مورا من من من المعداد المراب المراب المعداد المراب المعداد المراب نعيفوايط مدور المركام كار المركام كار المركام كار المركام كار المركام المركام كار المركام كاركام كارك راد به زر نام دار از برای من ار دار جدو می دور این تا برای نام دارد این تا در این تا د

وإنزائيدادرا كمارك اوسك تيجيه كالعواجي متهاوا سكامه با و استراكا م كرا بال ضع بركم وقت كل الك عمل ة والعبابي ومرازي المرازي والربسه وكور والمعارف وبابي ورومدرح اللب شاد امرمز السمير والن خابك كوكومولوم نبين جادر جاب مدوح لي تبري مرتبير ادور المجانه الارتفال المرتبر المرتبي الم يطيريحا سيج فتريغ فراج كانفيين ادركبهم كبهو M. K صاجزاده اقتداراللك بها ورودم اقباله تكيهفة عسنة واقاستهي فراغيري بالتدويا برفتة درواز وكميعهوا ساعة اكرام كالمالا تبدولعل بمادركم مرایک حارث ما بی ناکی بھی وس زيمتي نود الوافروانب ين بيكره والريريات به يسيمنو مستبري الدوي عدد زم كا جلاك خانجها وه اربح سيكا فا عاً وا واده دم واغ بركر جرب من الأواليار و من البيار من خرج ميتر بر اوروا في ما عال حضور د فوالله اورو کلاک راز اور لیک احراف راج نید 16.6.4. Partie Con Stall Million

أقاني حضوماً أكري امريه ما ن وسطى اراد و أميه علاور براه و بهولم سبد اوري واواني كي وَن مُكِرُ دُورُوكِ كُورُ كِي اوراكني سيركر ليكانب لأنك مبني كا اور امين الحرور مون سطيع ركم اكر النبين ندكر ربن بتمول بهليان وجاميح اوركهولدين ويهربهرما يرسبجال بعداس راوه ركيفيت البيكة و كين بياعة ركه ي اورا كيكان بيواباغ فوتراً بن بيوادك بن بيين كان الرااة د دمنوسط اور با برائع بهی را ایل «است برین بهترعز اوراکنیم بسیے داسط ترث مازاع م رغ _دور دغیر م^{حک}ینا رموی خانجها ده کار نخ ناکشخرها ه مرکور کارافر سی به به بسبت ایر جاره فورب متعمرالا مرانه او داسرز ؛ مركب منه و دلاكرف إلصف بير دات الإدا ما يستم او را كالك مو إلى بنه الركر زین شا درخت کا بیخ دلنزو د بوار کمری کوینج دکرستی میزد کمرنال فرشون غیر انکاور د دلاکرونی است. ازین شا درخت کا بیخ دلنزو د بوار کمری کموینج دکرستی میزد کمرنال فرشون غیرانکا ور د دلاکرونی است. ازار طربانج روبي تغربا خوامة عامرته سركار مدويجه حرزي بين المحق مديقه مركورا اكرب اس ملك بسكيت ني درممنا زيم وم ا قالبم سجيكي حضوصاً صحفيك اور بي بي وكولايت وال با مربها والري مال بهرولي الخدوركم مع رسيدت بها درجو صا دراور وارد اس طيد پر سويد بين واسيط تغرير و ا المن المنافعة المعادية المنافعة المنافع ين أورسركار فيفرانا رنوارك مبدقواكهات عطابان طق دوغره بموجب جوه وبالمسير كيمحقه الميمني بري تريط في المعين موج منيحا يراور دركمني وللم ضاع مكان اورشيا رخار جدمنل كارستون اورشيته ألاستادر market in N. W. J. J. R.

واداخي مادن اخ ي لولاً حير مول ادروعاً بتر سوكر وبديجرا بصدح في فاحد رباغ يرك ننداه عام كم اكمانيارور ل اور من طوف البيط وكايم تحبير ولاقد او او ترجيم براكا يك قين في كاني درواز والي انوجيم الواور رون بيوين ودروازه توسطا والكفرف بأركيمتكوي محكر يعفي جادري وربارازكم وواته بمردد شال حزب تين كان بجاد أي كلي سوادان رساله و وبنياء بهبي هنسي دوازه بادار کم ایک شینید الام به اینسراس مهاسکان فردینا رمواد امنهام <u>نظر</u> الدخجا دوازه بادار کم ایک شینید الام به اینسراس مهاسکان فردینا رمواد امنهام <u>نظر</u> الدخجا بعِندِين كان عارد بائر ن عَلَم دوسكان لورجانتُ مَن كِيا كِين دمرا باغ مَع فيركنج ودوازة أحوفذا سكافرقر ويرطوف ودوازه عاليا ومنهركم بحالا وللم قدرجهان ناميكم اورجاته جنوب بإسر قعرعا لبهكيبرون ويوار صعارمبدال ح وهر فوارة بيدو وكاريكواس ومنع بركريح كامكان من صيح كج فا مد براد رما دي غرثيت العجزب سيكي جادكات تطيوان النيب تتوفيب فاصدر مماذي دوج ببليكي وربي بت وسنان فران بعال بك م كودكر ما البي دو تركيم مكان بن جاينه والدكوبهت وكان سي كلانها ببرامين بكرده وامرشس ببي كرجاتا جى

The Control of the Co A Company of the second of the instally and the state of the s مع مرجد لط کرند سرکادر نیستری از به بی مراز امن از برخ اما این کی برزی اما اور اکترام اور این از بی مرزی اما این مرزی اما اور اکترام امن از برخ اما این مرزی اما این اما این مرزی اما این اما این مرزی اما این اما این مرزی اما این اما این اما این اما این اما این اما اما این ا وراعدادي بن ما مع مها الحاكم المال والفير موكه برون فهرمت جنوب البانغرب يفي الرز دروارة وعلى الوفيح دروازه دامنيان وسي ترزي بي يى مجاليك ميدان دلك اور حوا مِن فطه برائي بين اورجو كه مزاج وار مودج كاط وف غوالكر سي المرائيل من المرائيل المر ظری کی بین اور جو کدم اج و اس می اول ایک تارید به اول ایک تارید اور ایک تارید اور ایک تارید اور ایک تارید اول ایک تارید اول ایک تارید اول ایک تارید اول ایک تارید اور ایک تارید ایک تارید اور ایک تارید الموس من الموري المعنى الموس من المعنى الموري المو مردرت ما زیمان ناه ده ما رین می این این میراطراندین کیمار برازاسکان این از در این از

ن ما ما معروبين بوه بسراه بروسام ما اسماه بن به مدن براست كله المراد من المراد والما الراسي من المراد والمراد الراسي المراد المراد الراسي المراد الم المان المراق ا الباده به الرائدة الموالية الموالية المرائدة الموالية ال رسال و له فقطه الدولة فقطه من الدولة فقطه الدولة فقط الدولة فقط الدولة فقط المرابع المنظمة ال ورم ما در النج مرامول المن المنظل المن المنظل المن المنظل الما في المنظل المن المنظل ا مر ما در در الم الم المراح ال Marie Constitution of the Sulland Sulland Be Carley Control of the Control of

النوية والرسان والرواز لي المواز لي روبا و مع ه وق عابا و رسما المحد عرب بوا به اورت في رسار کيمون و ان کر اس نام کيارکري ايمي ايد واسط فا کوبکر عابا کر انها رمات مذول کې ايد او کي درو کيکنده او دمز د د ته که اني عازا کاون آبا اوريم و رانه و في به کوبال و المي فيات مهني و فيام بالاحدا که کوبکر و ايم منظ او ملاحدا که ايم کوبلود ايم منظ او منظ او منظ ايم کوبلود که ايم منظ او من - روسه بادر در المحالين المري المحالي في الموساكية المري الموساكية المري الموساكية المري المري الموساكية المري ال من روس و روس المعلى فرايال مي فوايد ت بي الدي كراي دول المربيط الموايد المربيط المربي الدار مكيا در مكي و باكر و بالدار مراه و بالدار مي المراه و بالدار مي و در المي الدار مي و در المي الدار مي و در المي المراه و بالدار في الدار و بالدار و ب اَن خاب و مرا محدولاد تربی علیه وسایک در موسی آب سر وی مواه الیمن و مراح ما المراز ال غورد كا ناعر اس جارولا بنا رفي العدم عنه كامفروا بالورد فية رفية رفية مع الفارد المالية المورد المالية المورد المعرف المورد ال

E 1318 ومت المرايع المرية المرايع المرايع المرايع المرايع المرايع دری این اور سراده می سامد کرد ایس این میدند و درده ای از میران کرد ایس این میداد در درده این کرد ایس اورقي . ر از این از في ما ويك اورد ال المي و ركونا و وارعد مدره می مرب مده می موس می اولا اورد بان که کوت رکیفواکو بوادیده او از را که کنی مام عام عذیهای محم انواکم موریس که مهر میزان از این ا در این موریس می مام عام عذیهای محم انواکم موریس کی موریس کا این از ا دوريدي عالم م كور كورت والنسور بي من فراند بي الدوم مي بادرون دو تو فون فوندر و و بار مون الآن الم أنها يَّا مَا مُرْكِينِهُ الرَّفِينِ وَكُو عَلَم فِي فِي حِرْدِي فِي عَلَيْهِ مِرْفُونَ مِينَا ميانيوند وخوار الاولياد الدورية ادر علون كي معقد بلك علم الدرمحدي ال المن بركرير طواك استام بسعور عدمتكار بوركار شرك مارات رئاده كالورفع كالمتي ورمى وركا كالمريد مقربا الس بر مددم کو بی کاملرکت بر اور بیفی صدر کا عدیدی و ایس و کرعوش المان الم كون لا فرس وفي كروك والديمار والع والاعدان مولا بعاد مخترين وجه كي وي المعان ما المعان وجه كي وي المعان المع ندك كوا كماركى ما داكي كيد ني انس ونونه وْر و كِيالورك الدوب كالدنبين صرف على والمدين وجيد الوزايم الم مراد المراد الم مرده حال المراج الم المرده حالي المراج ا رد رواد اور موجود ما الله من مور مور الرارا كال اوسال المال المراسات The Carlot of the Control of the Con The state of the s

كانتحلفه بأغاكونلي المِيم لا خود كخو د في لي حِيم المركما عِركَه فا عده برجاليك الميلاق كيريآ ما براور ويوا المويل الوفرد كالم جانبي بياكم الركوي مي مع مرنه كو انوسنى والااس دينه موره ساعالا كم مدنيه مربد كورت بن أس لفركر ندي كورا مرا ا جا سنيد النباعليه التوري له م يريد النبط عند أو با جو با يا اور مكاتب باكر الطبحال عاص وعا مراجع المغل تلمير دبلا جا كزمر سخنسبر كوجا يا كرتيه بين و رمنتن الخية او رنيار بن كرتم مير برور تواسك خايم الرقع الطرفانون منسكر مرنبة بن وكرا مركداي ما نقل برمبيا وقطت زوز في كور من ورستام ای برسوار بها که دفعاً دویا تی ست مولیاً دوجنا کی راه بی مردم میوکرنیان اعت تام مرامیم میں کی نے مام بی بیا مصر الفت درکی میقوار موی اور کی و الحاصی يام حب رين في المد تماع في الوي ريس الميان و باي اوروياس الميان و باي اوروياس الميان في الميان و باي اوروياس الميان و باي اوروياس الميان و باي بوعوف جماز مها لا و باي بوعوف بالميان الميان و باي بوعوف بالميان الميان ال

التندود فيأران في المدول بقرار يراوان كالمنفض بارمورا المجعف المالك وعالما يريز بيرم واددكرين معنام لأواني م أخاصت بين في عيرا كمكسني الم فواليا اورم كركم ومطعن عم فواعدون نفي اوربد جذبها كوالي سيادا ده وكوك كي موثران عود د کل اور کنر او فات می در یک و مرکفا فه آغا علىفه مكان وكوركومنسرة ويكالورتفارخانه اورحانفاه ودعرو ادلاداً غاي وكورني بين ا در برعشره بن بندي سلم بيد كرا دني آ دي كمه وا ي تبريح كربنود ابنه الفي معدورو التي تمل كم لكر Walter Control

الألى يوادن كرفضي ورحوم نيادتا م كوبيرنيا والحامين أدوا عارمناركي عاربرا يكرادو الدرسم بي بندي مبكي جبات أن والا أريخ مرسم كي كويذب العبق كهي الفنت ربيح بوارشخ أبني بمرافع لأرو ويسكي تياريين عرف يويين وروازه ا Sit Spallering . بالمكتبر بيح طابر سرنام اورانعاج كاراقي لمرجوجت بطجاء كرخا قوادرا وري بي بي بي بي المراق المالية المالي ن ديكرا ورمير مندل لكاكر لفظ العد كى صورت برعام بواكر مينبه عبنه وم بن السناده كرسك آداب ورسوم تونيت اس مبابيك اداكا جندسي به دستور عارب رياحب دور List of the state W. B.

الجارية إلى المالية

والبدأ عامت إلا بهام كاس في احين مينبعد بهلا طاكمت على بريين وكرا المراي كوي ورعهد سيكاليالان فيفيه برس لامبوائي جميها كاكدراا ورحبام ديومواا وربيها اكاران و و مقدم مراسم الهرب ماك ربيك قبيرزين فعال سيقل والبرسيال ملا المبقات كم تقرفهن دو داك نان ملام مبتركة يا ورقص بسيجا كيوسي بالعير النام مها بتحال كي عمق مالك محروسيمورويكا موااور أربي تعرف محكام آصفيه بحل المساد المرزاوردة تهاسها مر بغابه سن نصبته بنا مواکروت را نا مرکها به ورکت دِاری بن سنگروتوم به که وال سنكراش دنها مسيراه منورالعدركي واسطاري في مطوراوركه الوريم لازم وامورتي مسايا كران مهما دال مراكل رجا كريسة في وفور ما في بها دينرا دية ادوات ركيك كي مرور فرقس ما اسجا ليرز التي بين مواسط نظاري وأسر المسكم سوام كوروا سدي رفانه ويركوي براورد ادا مهجا لیے راہی ماسط مطاری ن ماہ جو اور کے دیکہ بیر جرفر کر کرتیم میں نونے کیے ہیں۔ فرکی دی ہو کتی سائل کا موم کا ہا ہے جو اور کے دیکہ بیر جرفر کر کرتیم میں نہر نتو نے کیے ہیں۔ اور کا میں مالی کا کرائے اور کا میں مورک کے دیکہ بیر جرفر کر کرتیم میں اور اور کی میں اور اور کو کرنے اور اور اورآفر رئيس بالورايك جوك واربيخ مترعمه زبان كزري بن السائله بحرا بنوريك ميت عصى على نبياد عليه اللم بت برنول را مزين ليور سيمة نعا كالديم رنين بين كريم حب يوري يي موي ورفوب مكراشي ورفارا سكافي كالمال كومنهي اكترهوريين جرت نزاا درصن تبريا أقا مان و كرنيا ي فله مرسير قلوتهرآمانا مايك ابرنيزيا برخانج اصل لفظ قلو آب ابیریمنرت متعال در مردر دمورست مین حرفت کے بعنی د والف ادرایک سے مثلے ا

بيضط لادوا كاكر وفلعها بيعمكت ذكرا ودكئ رسوه عام اسوفوا بيكرا ود غرميغ مغا م فاه معدر كما داور و باك نام إدان دائي با بين مصر ميروا دارم مندلوا بين منا م فاه مورد كما داور و باك نام إدان دائي با بين من ميروا دارم مندلوا اور کونواده صوبوت بونسیده و کوارانی محدود الرینداد کا کدار کا کرواند دواید جذرغا اوديوية اس دياركم جوفوا صووا م ين في بين اوطوف علوا اسكم تنغ وقطيري الروكم عنداللاليف ونوداور ف كدنته بمكتب لقبس سرع فيدفلم بن لاما بواوي حصيف الزيامة ت بن بي منز اور نفار كي جوج كم في زائا احداث إي بين او فبركيفيات يستبع عادي وكمرمعا مدرور وكابواق معلوم فرورجاكم فان ردان آینده کامو دکر شای قلعهٔ دولت کا دراهی کرم تيا داول خاكيا سوارام الإكا بسابسرين كأرنش دور د فيع والى دبل كا در بعول م

مردان العراد المراع والمراع والمراع المركزة بن ريس كالدان المراع والمراع والمراع والمراع والمراع والمراع والمر والمراع والمراء المراع والمراع عبر سرائن المعرف المراد المعرف المراد المعرف المراد المعرف المراد المرد المراد المرد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد ا رورد كارسخن بإه فورنسد كاه عبش مين خرد كرنين وفاكرنس دوراندلس فدرانداز فروزروز وتب نواز دسنن سوزمته اركردون و مّار و تب بازوميسنها عت وني الماريم المراد المرد المراد المرد المراد المرد المرد المرد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المرد المرد المرد د جات فروغ در دمان زیر ایجن فا ندان در تا التاج جهانبا نی زمنت اور کنفورستان رائيس ميدان جوات براس و المفاخ افضا الدوله مرسب و من الماران المرادة الفرق و افغا و افغا و افغا الدوله مرسب و من الماران الما ماق رسّداده العسر من فرت و أيدرا با وعان اسر من المارة و تراق المراع و المارة و المراع و الم ووس الدوله مرجها ني على ن بدر رسم صف و 6 في جارنا ركا وزير الدوله مرجها ني الدوله الدوله

يرين شمين عدت والمياره في ميسب مروز دفسار موصور اور راز الاز دان البحدون الي وم ريكي وبن منه ميكاري ويا أينا بالتن صرالعدورصدر ومدارت كالكس وعلى عربين مكل ادركا وإفلوك فرز خاف ب ابرا هر بخر براد کان دور کس اور نوجوان بر کرینیا در کا برین است. ب ابرا هر بخر براد کان دور ترکس اور نوجوان بر کرینیا در کا برین است. غداله رب معداري ولمعنون نبه لكرب نهب لارحبه مهدر كوجوان بن مرس بريوان إدرا تهذيبهم برطني فدالقياس الزنحبوي وحكم ضيط مواضح جهان بردوبكم ما حركام يودينه وزيم كم سؤيد يكروادكوبي كم جليك كوس وهي بعاديثه البيرانة تمي ادرصورين بتوكله حفر مفريف يحاكح ذاا وب حاكمانين بجالم آسفا وريط روزجهار تستينه علم اللك عمد بدرالدنيان الإرخوان دوخه رضوال ميم برسيعا وه في سخ اللك اوراه موال بن اخارسي الباسعو واكه مشيراد بين كا وليك بعروز زعفل بوالسهين تقبل بعيف بنده نزاد اد بعجر ليضي يمكن آدي ادر ميفدرو واب لف بويت لوراه و يحد كركزا بال الكدرا مرسى لي مني حب بها ورسك روانه الارادويك مايزادةان فك عليفان بعايز اورورس الدوله ميمانكم عليمان مهاو

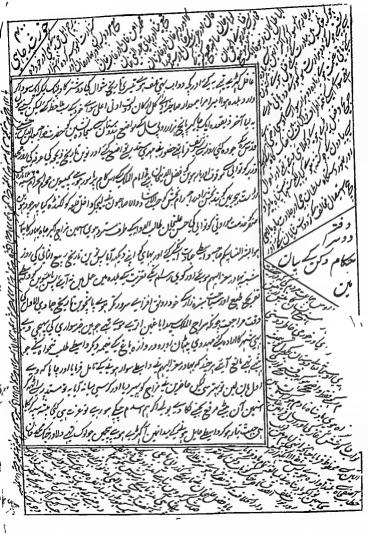
لفد اور سي و اسرفيان و اخار الفركي دوراه رسي الا ول ي عد علام أرسيط علمال كانها محاره ريا اور محبور باريخ المنه كي غرل فررز صلا ريه ور ويورور زندن فريك سابهون المطيخ حايك الاولى بيرحمورادان ورافافان ركابكا درده الها در محد در العامواا ورحدور تاريخ اه البركي روز دوب كريل و حلام ربيج عزل فرزر هيا دريرد اه لونهي ميئي اورىبدور و در مي مرضو كمركني دربار مروسيه اورمردفت كفكونني ارميا وكنبت كي رسي اتخ الام خود مروست في قام اكا ول لاكر وبيكا طاك ارائي معينه الأل استواه الور تنواه الدرالقي الحراع وبهات اور قرص بن ويغره بن العاطرُ فاروس اليوم والم فاكتفاها كوروفت ميروفي بعا بجرسه بي وربيكم ما حبر فا مرزور بي منار بي المرتبي بي المرتبي بي المرتبي بي المرتبي بي المرتبي بي مناسبه مرائي بي مناسبه مرائي بي مناسبه مرائي بي مناسبه في المرتبي بي مناسبه بي م والرتقاضا كوبرونت سيمر فيح بإنجائج مفعما ببال المسكا آخر من د فر سوم سيرا و كيا بن رتعا البين في المروز والموز والمراز بهررة كررسه مباري كي مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر الماله الدي مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر الماله الدين من موقع الدين مير فيفر الدين كلا ن برمغل عليمان بهرر أوري الماله الدين المورد الماله بها در فيربي المورد في مورد الماله بها در فيربي المورد في مورد المورد ال Control of the Contro

والمعتبرة والمعتبرة والمعتبرة النارماه كولا يدوانغ كري ي جها الم يفياق بيجاك كدركها دوب بنسبنار وبالبونك بهاريتجاه فيدينونوم الفريخ ولرسكا ورسم الترفيان تتحافيك أيص لنيك خود فيستركم تبال ورحداد وتوكيتي تفالفاب واساكهما ومكهوك مهاجون كوحرلية أوسى نهاري توا وموا . مجرد كوك م معدد ومنه بنهان وغره وبان جا زب ويد بي زردوي تركيف وكوك أيبط كك مكروان بوي اورلير بخر الامرابها درابركم بركاح وين فوسنيكي مركن لور مدوقين حيطا مة وركي يطي تسياسا قر نكي اورفيمام توكي لور اه حقر اين كليا في *يس فراً* ي كم حب الصيفية عا

بخالف كالم المنام على بيتم الارابا درابركوكين دفع دفع ولك بي روايت ويدكم عاماك المركبهم أبيت اوراه وجادى ولأنب من كرور سي بيده كي عراب رج بالمرفحة من دا جرا للكذكو بال وري مفط منه كي محقد واسبط ورك سيول المعدات وسيد من وركا كدرا والمعدور الرائي مرد و بين رسم كر ما رنب جمعية عمر الامراماد كي موره كرام أو المراماد المحالة المرام ا الرعايث بما يرعلوسكه وكالواسيط طلبخواج بواا وروجار بيرررومي رون على لها درق المرا Signature Signat ا در ایک یک در بر بر برای کرد کا کرمیشے اور در فرت کئی مطاب کی سرعائے در بستر کے حرار ورسواج ا در عبداران دور معبدارون دي ع رب کو فکر نبذنجي کې مخاصے کې نوی ایسے ایسے اور اکر سمیدا رنى المائي درك طوف المي فيهاف كي أنه وسروز تربه كاج جار يا ويد ما فيم كرنا في راج الديم اين بناه بين اسرها بدواري كي دلير موكر جب كره جي بن الهاسوريات.
اورسفا كي سيان الراكين و دولت كين ما بان كرتمه بني اوروا سيط على مقدته اورجا الحين بني المراكين و دولت كين ما بان كرتمه بني اوروا سيط على مقدته اورجا الحين بني المراكين ال Marin Williams

Lakhande in 1,14.51.3 ين درار خورال للاع ديادروم كرا الما من المنظم المنظم المنظم الما من المنظم مهربان بوكف كبلايت كربم فقط كتي بسراج الماكك تم سيصقار مبلنج وفدوا عدم ميل نبين بوسكتي مضايقه نهير - *بدر يج*ادا كرنا جا را حكم مهي فذ مرما . مريح جانا مؤرك ت منوراللاردا در كوساري سنقي كي موي أبيت رتبى اوروي كبي نهايت مطيع ومنقا ركئي بارعبا دت مكرك

رسلاار دغره السيحبت ركيي آخر كارسار مياأن بيارون كورو و زنراول ي مركز دار داره ايت البراستكايت وويحكين أفرين كهاجا بئيرا انهير فأوجو د زخبي موجاته اوركر فريد كمئي بنما وسيم جويل روردس لوكون كونيا دياه المان ويالكاوروين كأرياكهارور سفيا كالمركز براندران ^ي بديرانسب مو ي واري كركواي مرساكورد كري ور ن بن در فره بنه کا تمانس توک بین نیس میان ار رسائهٔ اور جارز خی و دا نین مشرا كوليون عايق المركز اورتسوز غي تؤيدا يوه زينا في رز البيجا كوريتم دكن أبن و تراوار يوب طبيكام آيئه جو اكنها در دراس بيريمكي د والك درجوا راوي كاسر إلا برامها ورام كورك الكرطار الهام كروي وكم وركال فالم المراع الم المراع والمال المراء وما اادائع هايم فرالط مدما در وغيره الكور حبيباكم والتيكيم مدين المعالي المارية بما الارداي الما المرادر عدوي عول كه الارفي دفع خماره بري فراير أور ما الاردار عرف ادر البي بن فوزور الله الله الله ماش من مي بواني به رنه مرما ما بول در ولا وفي كوري بي بوي بوي يوس مراج اللك بهادراسي كهر بن سبت است



Control of the state of the sta مراد من المراد من المراد المرد المراد المرا مر من مراه المروار المراد الم رون بن بيولالا (دروز بالاز في حمار المراب بن الولايا بنايان من بولايان بنايان بروزي بروزي بنايان بروزي بروزي بنايان بروزي من بذى موى أمر داره المرار ال Contraction of the second فالعربي رغراسي براجيه فإان أواله والمان موضورين فرا وموا فودنه المضرة ووائية اوزب فراأتها ففواس دفن كردوا بكركجه ونب موريكي سوقت ومينيا الإبنور يتكرفطي Sie Brend Lichard Burker تفاعظه بعرار بالخركار حبالة كونبيوكا أمسية كرويمكم وخرعيا بعدين عبدان ين باردااورز لرنس مبنعاني مورماشان ترخوا و بن كرنسيفه لا وحطورها م A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH سخسود كما المهيل خمت تقان ادرون مركوركين كاختار اج المابيا ورصع غذاك دا أنشكر رديون بوست اورنيدرنيون أريخ رمضان كارينيدالكرشنه عام عالم عاد واذمجالا أور وزند في المنظ البينة كم من فيزون في مناز بي مناز بوسم المؤن وزنجت بالمراك وتت د في الرود كوي كو في في جوي اكبير خانه بل كيد إلى بسي بركي ميز آرمي جواب عل

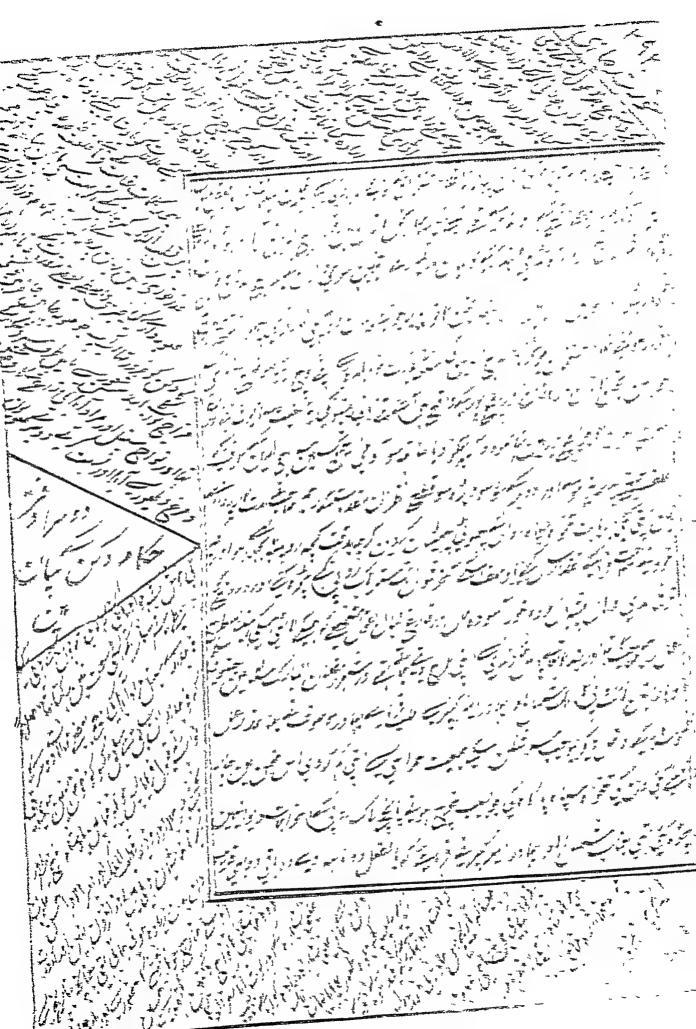
٠٠٠ المردد ورز أن المردد أن المردد المعاملية والمعاربة ي منى رئيد وللكك كاعداد في دواني وابط هائة رئينية والله دكركه أو كي لهاي الله فورنج، ونام المراجع لنزاليذتي وكجاعطيا ستفاؤه ي جوحكم أمروه كانهاا وجعقد وكموض يرسج أباسوايا باقي بواا درداد المهامي يستورمعطار بهي برطنح الدولد الدرائي لورق كوارسط طانخواه كي كي رو أذركه ويمكر ومصرتع جود وي الله في دوز ديمنسة غمر الإوابياد إمركم

لريكاركا فرابوكا وروص بده كانبرا حدولم مار ادری مکرند کان تألیم تمرانا مراها در امرکسر بربهنی میافخست البهم انکی توت کی اورات مح ر و اللي سطي اور و العلى المده مو وكمراسة دولني الربي من المراجا HUTEL STOP مهكروال بهانا كوآسة لاحظالهازيا ورقع وغيره يكسه ورو بتديم مرحل سي سنوري تمره ورادون لمثكار كالدكر نهاعنان غزممت كواسطرف منعظف كمااور المرافسة وأكنا فسيضهم برات ليرق اعدكولوسك ويكهركسا ينوس ارتخاه مركوري دورا أخوى جهارسبدردانه بندر مراجی جلین دفت سے بها در کی بند کال سے بعرو بردر بوار ابنی بمراہی نبراہی نبرار کرد کر با برت بعراه کردیتے جو کو آن دورا برکرا اور الله فرد الله بردا الله بردا ا بردر ابنی بمراہی نبرا میں نبر مرکز کر بنا برت اول خود نیدرو نت عبنی الله اور الله بردا ال وم المراجعة المن المراجعة المراجع فزالدونه اورسيف فكالدرم زاع رصير تيان ورعلى ورالبروله كوجد اركا دولي المراه كوان بها دامران مي كسي كم المركم وبوال أنامنعد كنبت والي شره براي الميز فغوا فاسك : في في درواني كي متى ارتائدا مرموى الدكوميني ما ينصور فراك

صدم بست وکنا در که کیا کی گوکو که نمود در در در ان کم بروند در این فرندان برونسیدین . معدم بست وکنا در که کیا کی گود در در این ان کم بروند در این فرندان برونسیدین . ره جدجها را وم كاروام مريك كرفيار يو احده اور: بمره الكاضيط مركار وتعدار بوا أتوع وشروي تشتاباه وسينب بجرين كرك ويزعده اللك محروف النمائيا وإواف الك محدرتيه والنزيا بهادر وورواره سركا فإ أبراس الكما اج اسط انفيا كمنظ الجيعانيا و والمرابع المرابع المالية عِنا بُنِي مِونا بِرَيْنَ وارد بده مِوَ مِنْ مِن مِنْ رِنِينَ مَن كُرِيمُ مُنْ لِمَا مِرْدُولِ مِلا أَنْ مُعْلِم ورخ بكت يهادره إلى يُرادرمرد دصاحراد كالموصوف بسيسانه كما لعظيم اودكوم يمكريط اورخيام بن بينج جاا ترمير من مد دوكتري ول دست واسيط خياضت يذيك خبركا ومين عاجرا دلخا زكوركمه آسيئه ادربا بي كمرسي دات بجي شركي فارخ مهرّ عطظ جانروروكاه انبير مراحعت كي ادرعلى العباح كمنزر أنجيف مي آباد داد مراورووا دوي الا فقداره بان المادوكو في كاكركيه الفاق مواريخ الماراه يراني عيد كاه يكس المت ورجذي وقفه كريكيهم وبالربيع وسادوسي وأربسه إميلا وكرمة مريخ واثي نيدانجيف ميد بهادراور لريم بها دركي ما قات موي ده تو داخل كو بلي موج عية وَأَكْرِسِوفَ وَالْبِطِينَ إِلَى وَكِيمُ فَا صِرِعًا مِن يَكُ بِمِرْدُو بِمِرْكُومَمِواج ي دِدا كِي يُس صور لا موالوركي كوفي كو جاكر صاحب المادر مومو فسي

المجاورة المراجعة ال المجاورة المراجعة الم مرد برای در این در ا این در در در این در برخور در در این در ای ال ومين لجي ندر بيض المرابي قرالية والدنول المرابي وفن مرابط المحالية والمرابط المرابط المرابط والمرابط المرابط المراب ئىن ئىرىلىر چىقىدە خەركىيىن ئىرىيە بىر ئۇلۇرلىق دەر ئەررىدىكى خايت كرىكە رىنى ئىرىدىدى ئالىرىلىلىلىدىن ئىرىلىر ئىكىرىيىشى كەرزىلار فرادا ئىسىپ چىلىندا بەر ئىنىدىن ئالىرىم كونة رىن نىچىردا كاكارلىق ئىرىدىن ئىرىسىلىلىلىلىدى المارية المراجع المراج

Mary Contract Beigh Olyan



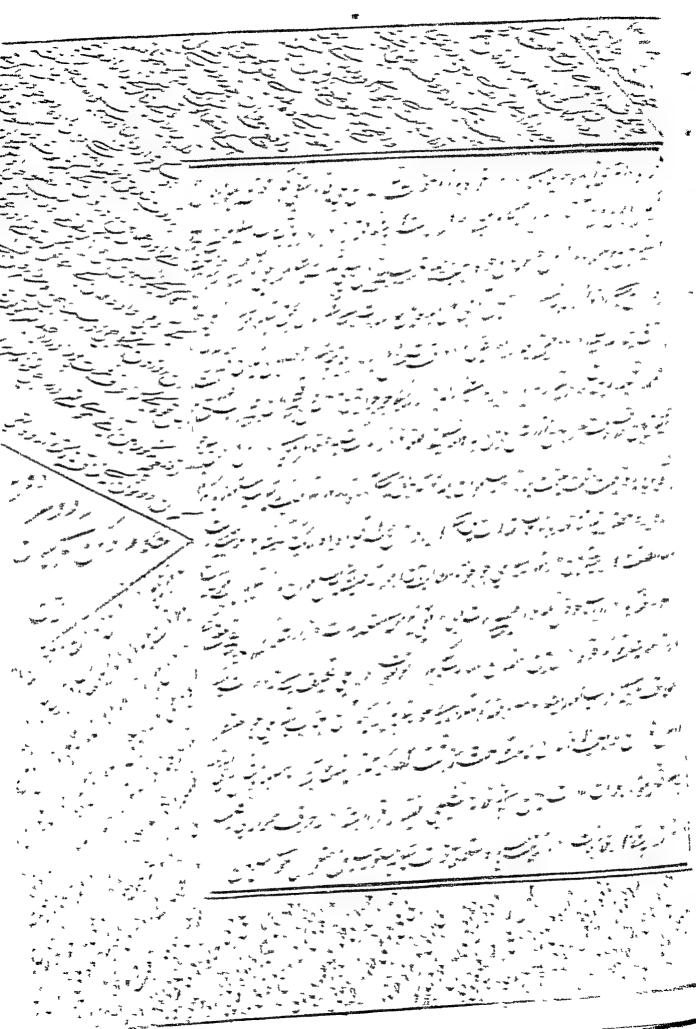
ون ولا ما والتي مرة كرند المومع ما المادران وته مكره أمريك الم أمنوا كالانتظار وما بنا ودري Pringle Crisis of وتبكوه كالجواف فيعرض كمدان تشريق فراي كمريه ليكادرته وأباجهاد ددموروا وأكر ولط انبى وكريدا وربيدون وبين اركا ون ملاويه بياه نظى كارون كى جادول كى جودوك كى الألكي سونين سوأدمي بماكم يوروه بطياه وغره عے بور کی ام انک موض مي الريسة

الخزام والواري وعوت معالدي مغوالبرد كمي تحيد وكر و بيك من موسيط ل فاركر إلى المرابية أبيريا به ما بن در من أو الميالي المياسية وكوموار الميد بهتريب كوانين فاص كوداجها بندقوه اكوررواسط المعاص ع الباحق بساكم فيم يكوا ودر و إجاب المعين دد ار موي و سيطر ليك الراسية ليتنصن يمر ودركوة الاردر وكعيا مدين على ودرا والبيط كالبرك اركا ورما م الما بنون رو و الدارم وي مركم لمريده بن أكريم و النسبة ويربرد و المركم و الما المراد و المراد و المراد المراد و المراد المراد و ا جداادمي طرنين كم مقول مو وع موسام كاراكي في الحروج بداما مان بي المعرب اورايك على على ادمي كونوكو في العربي أورايك اورصوبه راريس على هندا في الحروادر مرکار کیم نارنا حرس کرونی بذر موی ارستوله آد و بادای مینانجد مهم اخرار کی به ایم این این میم سرگار کیم نارنا حرس کرونی بذر موی در آمین د و بادای مینانجد مهم اخرار خراری کا به میسود متعالی مراور بن ترکی در ارا و تی می درا علام منی آها با در اور ادر ایت از بنی ترکی در اور ایست از بنی در اور ایست از در اور اور ایست از بنی ترکی در اور ایست از بنی ترکی در اور ایست از بنی ترکی در اور ایست می در ایست می در اور ایست می در اور ایست می در اور ایست می در ایست می در اور ایست می در ایست می در ایست می در اور ایست می در اور ایست می در ایست در ایست می در ایست می در ایست در ایست می در ایست در ایست می در ایست می در ایست در ایست می در ایست در ایس

ا ال على عول الركيف والي مو مقديا مردو دفرتر كارما مواله عبوغي غرومك المحدمة مراده وادام ويخاري ومكا وزاعي والميا John John Jord بفلفجا سيطح فيضابن كيريميك ورحال تبزيسي عوض واله اكى بطريتين خِدَةُ أَهَاصِ شِيرَ مَنْكَانَ إِنَّا رَصَوْمًا المادَارِينَ الْإِمْدِيكِ

ر جو کئی مسدن ار در کلی سیدر ابز زندنی لا ازش ما مکر اول کنین میسازد و <u>کارای</u> را جو کئی مسدن از در کلی از شرکان از شرکان از کار کار از میسازد و کارای از میسازد و کارای از میسازد و کارای کار مان انبيم منيدرا اوران فعل مرسند انتي عورت فرق كي نهي مديث بذرح كيا ديوز تري ورارد الموات بركم بيجياس كران رسي اور تروي مختلا المره جرب وسوا جرعلم العابية انني ذرب عارا باطا و کو کون اور وفير منام کاما نوبر جام الاوا کو جریم دن عیوفر ورکم و ریا ریانگانگا المصور بور مور موالدين ان بها در مرفت من من من من المعالى المعالى من الدان من المراد الملك مي الدان من المراد المعالى المراد الملك مي مناسق من مناسق المراد الملك مي مناسق مناسق المواد الملك مي مناسق الماد والم المالي كريك المرف أماعين في المصابح المعلى المرفي بالمروق وراعلى المراح عابت را اورا جد برک ما د کومر تی سے ابتد تو نیل مذیکاری ایکا و سر فراز کر کیے اطاعت تعمر الا برامها در اميركم ركي الموركيم أورجعه فالدوله علام حيدر عان بها در كو نوب ورورند ارس اواط مفرن جرمخ على مرحمت فراع منها - سبكها منه بري الترجود تعلقها - كي علام الم موتير من الراج روم مح بها درياس مهي اورساله عن الله عن الما ويما وأمودي وعلي كم فن إياف بن بدطولي رئيق بن اورك كم في المركم براج عني را في بوالي كما برائك Kingle State معباج الأفلاكرين بأث فيساغور أن البف كركي تحد مجلس الولت الأرابر كا كيا غير بعر ممودا وراق رج يح كرماً بيخ ف يضمون بالاسكودا في عبوكم را جرر م فح في بها دريمه بمح در مرتفيركيا وصف قريب كم تنت را في زياد تي عمارج اور كمي مدا فل ماك محروس كي وروار ، جودوعطا کا کھولد باا در دنم کو جاری ٹرمیے ٹرمیے در ہا ہے کوکر دکھے کی مواجوں کیا ۔ اور درعطا کا کھولد باا در دنم کو جاری ٹرمیے ٹرمیے در ہا ہے کوکر دکھے کی مواجوں کیا ۔ اور درا المرابع المراب

في لم الو الوكون المامية والمرجرة المادور وكرديك عادياه الم تقريض كم الوسادلا إلى المكام أماريكم الواسي المناسع دن منامرد البيط رفع الالاستوراس (لبادرام كركوادفاح كودا دربهي س كلمدوكه بورس والمواقع في المرايد ונולונושורנים واه و تصدين جابي رينت ما موالا لارديا. عا خودبار بوسيده وطامط و من موسك المراج المر ويالبربرية برست كم نقل كسي لليفين نبين ي حرص مصطفار بالليكس علا بالمريح الي دوان والمرورية للداورام أت الاركودون ووف و في قيام ل المفار المرابع والم ما والكرار لذار كدرانيده كرتيبين اسرتهما ريام دفوا يحاورور ع رضي كا موني كوروا ذكر ألار منا فيك بيدي كبيدين باريخ منه برخو مفرسيتلاي كامحددام مسترى الافاركوم وي اربح دى قد كى كينيه



مراکب مراکب و محار وأبي ويسترم وازرا المدين راديل فالماض مِات دراً بِيُ قَدِّ اللَّهُ مُحرَشِّ مِن اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ المع ما درجواكه بم ينداباً مَا فَلَ فَهِلِ وَكِلْ بِيهِ مِهْ كُوسِيطِ كَا صَبّا دوا بوركِ انقصال بالفيل لتقدده وبيد و اخل بركاد كودكرنده براكم جا بوكي وترمت كج وصوا فجريناً وركام لينامنيس ورية بازد كنا بنين جريث جو اتبال

الوال برحمة من اورد ومبنول كي تنواه منحا لأفراغ ورتم وسنكر كم الام العادرام كرما وة و الرمولات وسيراه و أو ي جرب و الموض من المرب و و المراب و المرب و الم ك برئتي كوبرم كارد بنه تطبيع ورسمال مراج اللك في منابه مان الدنيمان داروي ماه اور اعلیان غره براد مارد بی ایک درجا سے بنے که دبوانی کبیطر م سرد بوا وربسوارالها ور اعتبار و نور مراد مارد بر المراس أو من الوروسي بدل موس بر من المراس بر مراد مارد بر المراس بر مراد مارد بر المراس أو من الوروسي بدل موس بر من المراس بر من ال المجارين اوفت بوفت صورين طفي البرخي باه و في فريك موس كري سري الهندان الموس الموس كري سري الهندان الموس الم ويقرب المراق الم

ورجام رميني مله آيي تانوي وروالا أرمي زرا المراجع المرا ميك ما فرزيج ني مليسا بي مجراره رس كلم و برزاتها ماج أري بني ليون الوازر B. F. Land IV. B. C. L. March الاز کے لاباری اور زکرزونی کے میں رہائے میں اکیلوٹ وہ کے برمقری مولی۔ ر واللايكس دي كير تصوّر فيه ايك الإسكام والديك المواد الكيلاد أوي يحييه ألجليس مرتبعنا والمك ڟڔڒ؞ؙڮڒڔؽڒ؞ؚڹ ڰٷ؆ؙ^ڒڰڒڋڰڒڋ بازه ويرسخ بيمواله مخار تدكر فرا درجاك فالوعمالا درجسي مركه الميروكما موال الما ادراكم في الفقارا ودينا دركه مرسيج اوريزت كي اورّ الدين ديدا في بلوك في الكري ن کرد. وخور برغنرکی کارس و کرهایت این و عال تبی علد ال و شالفا ادرانها کرد. روا میلود و فرو برغنرکی خاک و کرهایت این و عال تبی علد ال كالمحور فيضف للبنا والمناشاء ومخاوفين اوملون أوزير بوالكاكم المنطاع بسير والورهك يمك ن كيرور موكرت بارجدا ورمان كالمف عطر را بواكرة الده من بوري والمساوس فراجها ن واورو بالدكائية نين أن ادرخو كني غيار كي كس ركره وادارس أولماره يمسحانسين فغرون كي لكذكوب بين فأنه مؤر كيم بتي مبعه صلي وركيا مقطاء ورسية معفول كارمن وكوروميون كاحراج كروابا اركريك بسائت محما ورائم مغارك وراشكا بخبرون بده زر دوارا با محاسكا اس قد كار فرام بوي ني كرفرين كرارفاج مكرارز موكي تي : And Constitution of the Co Constitution of the second Brown of the Control of the Control

فنطا والقاب بمتوري رغو د كربيوغ عرض بركال فعراعلى رساينه البذمورة الأرات باقتصا وطانفت حرواني منونه فوص رباني تب بالفار في الم و فور و جرمه لطالح الفاظمي حند زايد ران در وبسته يكويند كي نفر ندفا من في اختصام ورنوديم بايد كهواسم مت تكرومباس ابن واح بقياس ومكارما فرذن اذفياس بسردسة بر رس منه ملخ كبعد و يك مرز بروار مرفوم كر و دعى و برقوم أمده مح و برط كرمت مطرا فدار مخروا بى ينسرف قبول موصول كت لازئه رسوج فدوست و صدق فا زا دي المندا) و على الدودم عواليفر رموضيت وارات النيام خو د محصور الما الورار المعمورة. و توجها خاص البت واقبال افرین طال فدوست به کال خود روز افرزن ایم مقرون دانید انتهی نه اور بهی جانا چا کیشال لاراكيرك اطنت ففره مها بأه بلو اسيطے بند كانى كيروان ندا ہي خاص اليا ہے ہے ه المار هم بالمباسي*ن ع* وله محرر فيع الدنبجال برنف لفن خود متو حرموكرا بك علم فيح البعر باليف ارباب ولا إلى كالمك زبال كزري زبا فارسي بالليخ اور فوايدندى في ج البعر اليف ارباك و مَل الرف رب يه به اور ين ما مراد و المعنى المربال وطيت المربال المربال وطيت المربال وطيت المربال ولي من المربال والمعنى المربال والمعنى المربال والمعنى المربال والمعنى المربال والمربال المربال المرائع من المرائع الم A STANTED AND A Uriver it Single State

بددامركوندكي ورفربن كؤور بيرنوكا درابيكي مواق خوالط سنوا أودمرعا لم كمي فدمت ليك والأنفاد وربتر صاسط وندكى ما بتركما آخ شيئ فورجي فذو بهادر ترقب کوعط کرکیم مناز قرار طبیعیا کرمزج وار موفر باین من اما جویعنی بنراه کتابی فروط الطاف وبوكس عابريس جولتي أريخ ربيع الأني كي دورسف وكتيابار ويتجب عفوينمش رجركوان بعامصي فضرم غافسان ورفرز خدامراله ولداور مر ع وْجَيْمَرُ الْا مِ الْبِورِ الْرَكْوِيةِ مِبِاسٍ بِقِياسٍ جِنْابِ عَدِيثَ كَالِمَا كُو لی خمت اورد فامت مذکوان اور اُسو دکی فلاتی اور درستی امرر

مراجع المراجع وي كمرا عطار وتم صرم أورب سي والورجود وموت أريخ ريارعام يرمينون المرابع أورز فرال مرسي مرابع كندان كرانها تهام مكروة والمساس مرنبت مين رسيل المورد والمساسي المان المستقل مرانيا ومن إديوالياني ويو كيسترين من من من مرينة بركتني خدات كي مرين الماك من وعرفتك الميك والمصافيكومون والمالي نغين مرني البينية والخي مفات بير فوالين البن مزالة يوسفونون والتي كوف يوسي كوف أن فروز في إن بن التي كم فيزسره مواليت المراكة ودلت يعبي أي كولوال والمعالية سينه عرفوكي سنر كرمسياني وكررز وسلط ورنابوت موسكي حو ديكويتن كره ولا فويتن الما عَوْلَ لَى الْمُعْرِينِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الل المربع الناكع دركونون ورما درما برخصت بواكونتي وجيد كيزاد دمسراج الماكن ورشة حيام وسك إن ألا تركيه على بالرموز أه وتورك بسايع اللك بها ورؤ عكم مواكم تم المروم والوقية غالمناً بریسا الله یکی برمید الشخام رای للاک بما در تنی اینی لوکون سیاد الل کوان سید رية فود مي الميره بن أف ايف لين اورايام عنه و ميك أطبي ن ميك أربي بسائة وريب إلار فالوغر بركم و والربار أوم و فيال إن مجد المنك عي موزك كود و ان كر فاية

ي ورز كالحالاك كي مويا وزا وتنت كل مهم كي منيا رمين كم دوالالدرفلام الفينيون كوالويلا والكواكا وفرسوه بركو كادابيط وأواكي واحوال وبمائكا نمالادكورا

م من در مربع بی معاواسط دفی فی در کار اور امراح المراد المراد المراد و المرد بر رس ورباه مراج الدار العلام المورية الماري الماري الماري الماري المارية الم م من سب بن العديم مي المان المي من العرب الورمنور مي الموادر الفيلا المي الموادر الفيلا المي الموادر الفيلا المي الموادر المو مر ورسروداز عمل المراح The state of the s موكي خون اسي برر مو كانتهي الجيمنون بي عليراً البيم للأمراب المرام مروعها خود أنبي وارت دكرابهر بها درخت الهيم فيروا عمى وواك عابي كير مكمة بالبحريم مح درزاسوت اورعدة الملك محدون الدين المادراورا وروا وراورا وروا وراورا وراورا وروا وروا وراورا وروا و

البوة فووكم فالمنان وأدرو ي ينظر تواولي وب بندكات نيه فافي لبده الخديم المرادي وأريا المرادية المرادة ا بدراوروا زخار زانبارًا ني مِنا الدكريم فرا كالمقادركم رنيط والونهواني ، دمو کا آبذه اکر مرفتے مبادک

م من الرياد الريم الما المالون من الارتزارا محد دران شعراک بنا وراوت فافرمولود کوند و کی کرد این جوار عام تونها جحرت براه كرمنوف محكم موى كوني تواري الواكم و و حرد ما منورا و يوكن أبن ركزاً ا مرتبه خوان کا نام عی نظر پر یو کونیا به منت دخته کی برن کیکی برین ایم بری کا نام می کانی ا مرتبه خوان کا نام عی نظر پر یو کونیا به منت دخته کی برین کانی ا م این اندر موکی و بال چدنفر و بیشی موسی انون نسر نوار و کشی شاکر دو آدمی اندیس رخمی البن وونون مجروع اليسي فون بكنامواء كم مركوراسي موجر بمرك بنابوه غام ومام كا موا برجها رط فسلط كمركو مرزيج مؤوركيم كرواد كهربها ورا دراك ك دي بعيض در ولمزه لورا اور بیضے دیوارس کیا ندیماند کر در آئے برہ جورہ آ دمی مرد آپ کے مکانین جرام موجو ہے الرطة اليه الركت غام وارث عاني م نهزير تل بروان مج بور صبح وسالم على إورابرت ورزن ا E. W. Hilling St. الإيران المالية مرتها چونکم کسی تفیانتی دموکه یس ایم بهی توکون کا بنه ارائی بسرزای نیم ماین برتورکی الله المالية ا مرزایذ بهی سروعی کولا کر در بار کو جرد کا ورجس دی وز کئی میرسم اولمار ۱۱ آولایک كِيُ وَرَاهِ مِاسِكُ فَعَلَ مِوالْحَرِينِ بِمِن لِهِ كُنِينَ مِنْ لِمَا لِيَكُامِهُمَا وَجِوالْ رَفَى وَرُكِيرٍ إِ منعمل مي ريمبررغاعلي داروغه نومني نومر كارعام كوك علو آدر مي آدمي و المي الوك AND CONTRACTOR OF THE PROPERTY OF THE PROPERTY

المعلق في مرفظ المرفي المرفي المرفي المرفي المرفي المرفي المرفظ المرفي المرفظ المرفي المرفظ المولي المرفظ المولي المرفظ المولي ا بدين مِنْ السلام كالأكراء وكي ورندا مولا احفرت وإساف م لول حدارة وها حدد رحة الرئمين للول بفائه اورمو لوي عرص الورموري عبدالإ يسيح يتحادر فدس مره مع تربيت نياه فافي لمد مستسيد ولاورعلي جله ملا وأم جمع بوعيدين وبنداره ف جون ملي كرم مرموا ورم مربوره بسطم

الله من المستوارة و الميان المستواري الميان المستوارة المن الميان الميا البي آلي كري الما ويواد المنظمة المنظم شخوا د دانتها مرز د راقعه اقراد د استخدار تانيم کونه پهرنجا خوه غیرا که به فیره قد ها کونو د فرایا تو د از این از در سرا برز در کان بسر برزینشد و بسیستر می باشد به در در با میسترد این این این باد در این در میسیر می بيرا بيئيون ينظي مفعال كالباري ونتاقة معضع مردر توبيته وبيغه فيكرت بتالبينا ممتم لمدوين بوا فروه دان كي تنموا و رُئي آنه بدان في مدينته م تهيت مينيت المجيد عيالنعم بني أن اور حیاب مراکبه را دو اسبط ندر سکه یا د لفرایا تیمین خود کو و بان رخیه میرست و میکه زاد و رضه نیمینی از اور ا ای سمه یج کنوی بنایا کنین للمهر خداری برسه: ۲ شد: ي مهم عي منه وي بنيا لبني المهم فيه الهي مرمين كرميني و اقراد و ل ي مرميني بني فتي ينها يا يا المياليات الم مهم عي منه وي بنيا لبني المهم فيه الهي مرمين كرميني و اقراد و ل ي مرميني بني فتي يدين المياليات ع النوع الوقي التي البيطة المم يعد المهمي الرحيد المرتفوا و افراد وان كي وترميني في غيرية عبرين في ليط المرافق مركز شيسة النوع النوع الربيط الرميد خود بليوسيسهي: ان قبل كير آميذ ليريد بيضة يانيا براير فيا برنير المرافظ ال موشی اور و بان کی بنت فیتی رکی جنا بسیم بسبت نان جمراه رکاب تیتند بهرسد رنجریزشط از از از انجابی ا

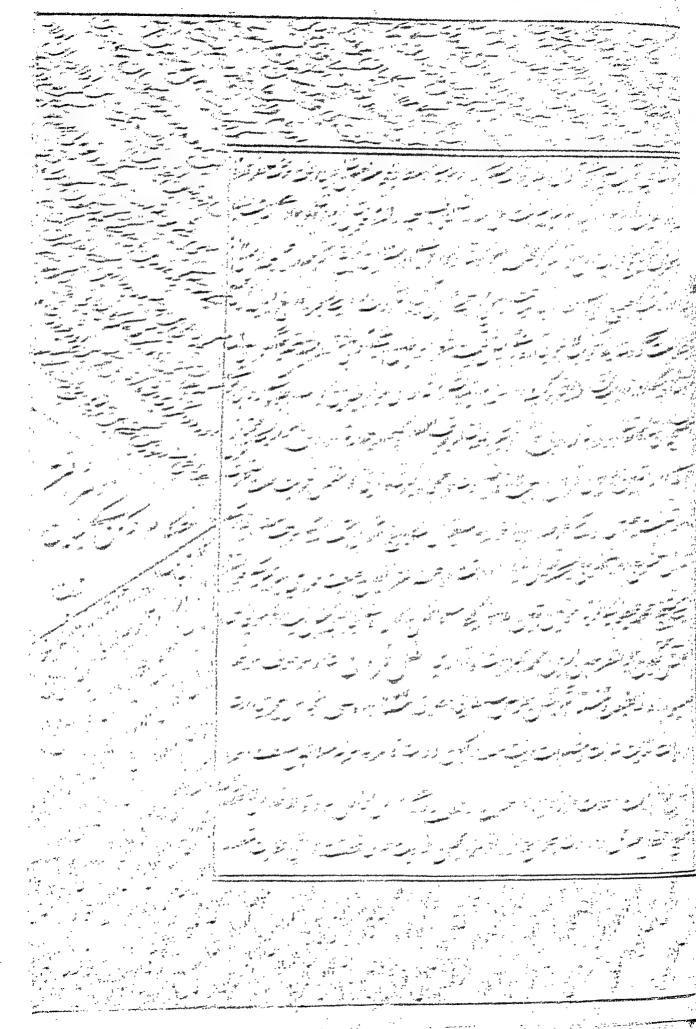
للك محدر فيد الذلي بها و رودا قيرار اللا محدر شيد الذبي اما و راصف فين يون كورون من في الما فرزرسا دِنسدُور عِنْ الفيكِ بنے را رعار بین شیملاکرے دان وقع روید انتیا ہود افار قد سر ہو يالاً والفح يومج ددوال بفراني كيك يده برش نها داخوا جركنا عوام وخصين بعراج كم اذِه ودم ي بني از السلامطن طهورين آبا مكه ون رُق وَباد م موي كوصرالك ووزارت ويؤاورتها ضع وايخيا كان بدربتي فوراً او أبريجهٔ اورازار دادي منداك فوكواكما ويفركها تبنان جعدار كوسوارا واسكي ملوغانه يوم وكمركم اووجو برواني نيابراكيث وكملاياجنا يدفوا وحكردكم ادفهم كأصعيت الواكي يهي اداوري سي رخت موكة Alboro. رها لوما يون بذكان على كالبوافقط بسر مح يُم راج خدا ولي منارج كو

حنوركمال بدي بعدعدم الا) كار روازي بن م ولهوبن وتقعد سرالسربه لي بني اوروك ل البط تغطيم يسرو قدا ونهر كمري سوي اورسي تيه النهرك إلى اورك برکا کردور La Constitution of the Con مدارق ال ويوره كوجوكو براه آيد بني فراغ ريرا كيك الفام د بكر دار يخ ادره نے اور یک تور ہونا مونا الحا فرورنیا رانسطار داوان عام میں تو وصلے ایمان ما موجود مح ه بوش كي آيتر مصور ترا موكرا ول رفي بي بال كي بعدات الله الماكم الركويا دو آجام لارعظة عنوي من كي ريدر والا زاري النتريف فرا ابنے دولتی کو پیچے اورجاری وزار برجوسی جو کمرار بالیارت ا تصسبهون ندزین نهیت ندای کدرزیان چردام خشاها در رهیم ررته برایک املاق بنرآ براورم برام من واسط البف فلوس ممال موکونو ارتی راج الل بيت وزير آصفياه : صبح التي داجه ما . راج اللك عبد الراسفياه : صبح التي داجه ما . وفط بكوررا رورارت اسكيارموك والمي عاسي خودنيه فرايا الفعل خرور يجب م كهلائيك نبه جا المعترس جماقي خانه S. S.

الگرفونه في المراز ا

روف في بور وسكارت اسكابك يو ويمضي نرعوى وزكره كسيم راركان ميسكمايا طوف ك مريب موريب موضو كيم النه بيعدة الملاحيد رفع الذيل بها داري والراردي. ي الخير مراكب اورات وم حياكيرام رسي في سيام المراه والماري والماري في يرودا و ما المريخ في يرودا ورا و هاي الاول علية الاوره والماسة مين نديت مبضة وباي كي سائن م تسركوتا شاميح في مت و كماليك معيم ارباب في فرربا بيكي التي ردانها كين اللهم احفانا من كالى بلاالل بأوالا الأع اس عرصه بن سراج الملكل درني وسيدنت جزل فررز تصب بها در سے السبي و انقت مير وه اسط تحصیل امرد بو اتی منز البهم کی سی پراملی اکرے اور الارک ريت جي با دركما مرصور كولكها كمرا يصطبيها بي الم لين إن دِران الله موما راسي كموكو ورسيد مروره يت مرورز و ما تصور فالدير على والمنظم in a serious file.

مان در بالروكاني فرزندونه يهمني مروزخنر عنيان با درفته خاسس لاداردفا ر انفر زيرها در که دو اقد سرسيده کرم درجه دا ميان روايات ميميون رسوميت مو رانفر زيرها در که دو اقد سرسيده کرم درجه دا ميان روايات سيميون رسوميت مو دِيكِ الصوّع ادرمِين فورسوخ فدورِب نسّررهًا على يك مِرْسِيّا الوركردِ وارائي الفَّسَلّ ست يَّةِ واقبال مِنْ فِي بَدَيَجَ انْتِحَا^{لِي} مَتَّ مِلْنِ والور بِمَثِلُ رِوَّا مِدَارُ وعور رِدارُ ا عد النصوص نصلة بالزال و رواني زا دي ريث الارار ولبدة ولعقدت ببخا ل مِنْ بوڤرِب نِده المُهُ درسوانج عالم مَكَنْ تُسْرِّجِي الْمِيارِ المِنْ بوڤرِب نِده الْمُهُ درسوانج عالم مَكَنْ تَسْرِّجِي لذرحن إخارزا دمدا



اندكه كوابنين وراركا فرزندكو خرصنا فبوكر فأرم أوراك وبذكا تعاكم اراكم يركنكا دياا وراه ذبح مراكس ين بعدنا رميتين إيك وارغه ي كررعاد نبر رئيس كرعلاقه نباك معدانية ونبي عالب حك ه اندار الهاكم محربنه الدننان بها درفرز

ف زور مورد و المراسي ال والون و مراوز نفار مكر والمطاور تواميد الدورة رون روز المراق من المراق المرا الرام المرام ال الراس و اور دور المراس فورت المناف الراس في المراس في ا المرين المريخ نبول في المستبيرة المريم إلى موفر ف المريم المريخ المريخ المريخ المريخ المريخ المريخ المريخ المريخ

ر بوین رسید الاول برخت میاه می اقتدار الملاسم میرسنسیدالدینی بها و ر كندرجاه بهادركم عرمح لدبرخان بها درع فت بالي تعاريد بولي ف مفيار اني ركه ركه يريني وزاده كوابية منابده مركية اورايكل بنرافية رمراه ربناني كولايداه وب واليدكرجريك الاهادر الرار المرادر المرمنولية ين جوكو آف موالده كي سية دون عليظ موكني بحسل كاز توكون كوماري سف وعاتي بيت وينهر جا دي الاول البيرين بيتفونغ وسبها ليسي بني وم الأول البيرين وعاتي بيت وينهر جا دي الاول البيرين ي فرقه بن ديد برجي و مستره دوب كريان موسة بركوي وان ريد كذر كرجان ب جهان که دول سیمنانی اور بو جا ما کای کرنی اختیا رکتے اکیدن سلال کو توفیق جو دوجار براه وال كيك تاان رسن كالوف ليترجستي وسرق وم كالأورقام روانها المرك مل منه اطراق جوابكه اعات ميدووي شرعي كي كونا مد كارهم والدوكميا بحصر كوكود والأولادة الااوراسي كالمرسيه موكادال ما دري ك بير خوار دول الركيم حراكي تبي بدير كونده كاري م غرة صفر المصرياره المحلِّ بين أكيد وارّا راكلان مغرطف بين حو تريط ته از اورانب ترنصف النهار مبده کیه مرنی بوتی بنبی اور دانمی اسکی طرف

الورجناب مركبرتها ورقحت المهيم مح حاجرا وكال قوى اللقدار كهورون رم معظم الدليم محديد الديجا بهما ورجس الدولم حديث البياري الديجا بها ورجس الدولم حجر دو الدينجال ېراو^ه نونا ه مبور زېږېند سرطاق ځمارېن تونين دې کې برې و رمسبراج اللكرات ومهارات بيند ولعل صري بين ولمعانين ونسام فين بيري وريرور ى اور جورتب كالرمبيا ه برنفريم يا آدررنكم ملي اور وخيرا در طراك جيميا كدا ول ارورسو اكسيطور اور فراني المحادث ورادي معور الربي معور تمرل عم الركاه م المراعاه بيني علو الرواد مرفع على مود المورامة المورام السيط طلر خوام مم المرح توريح الله منا درون افراع مها مراء لومناه موي البركمريما درك لطرير الأركال كمال مع وقراض في المعادة المعالم وقراض في المعام الأراف والمور من الدور من والمال المال بي وغراد المراد والمراد والمرد وا بافريخ الوادا و جهاراً و يورن البعد من و يورن البعد المواد و يوم على المالا و يورن البعد البعد البعد المواد و يوم المالا لورن و يوم المال ركوافف الدوله ورجوس مرتبيس و فرا الملك فو الملك اور فوزندول ويحتر اللوال وربيرير ومن الملك في الملك في الملك فو الملك اور فوزندول و الملك اور وفاله و مير و فال و مربيرير الملك المرداء ا

باديكمواً قرميه اردةً عَوْ اوف مجا دورُدْ ، وْم فَر كورْوْدًا وْمُأْةُ المارين المريد المارين المارين المارين المريد المارين المريد المارين المارين المارين المارين المارين المارين ا المارين المريد المارين دِلان افريندي *نظير كيا* ورندر يوين رسي أنا ميلا المراج كماور بلكرور والمرتبي فالماوين ويراو القاسم ميرالل مكتهم ورقية ومضدار فرابتي برعالمها دركوكمال زمير ي ريف دي ديا درين سي*ي و كوها*ر

ادر باین دادر حمارای جهان با کم محداد می داد یا در اون کون کم نیزم می تران است.

انه می نیزون در داد کم داسط دف ایم کم در اخوا می در ایم کار در الدی تد از می ادر داخو می در الدی تد از می ادر داخو می در داخو می داخو می داخو می داخو می داخو می در داخو می در داخو می در داخو می در داخو می داخو می داخو می داخو می داخو می داخو می در داخو می در داخو می در داخو می داخو می داخو می داخو می در داخو می در داخو می من من در دالدی تیمیان بند کرد. من کرد و با کی روی ار با آدمی میر رفی در در دالدی تیمیان بند کار بیمیان با در این من کرد و با کرد از من من کرد و با کرد و بای کرد و با کرد و بای کرد و با کرد و بای من من من من من المرتباع وقل من و مل من أو المن المواقع المواقع المرتباع والموسط المرتباع والموسط المرتباع والم المرتباع والمرة المرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع المرتباع والمرتباع والمرتباء والمرتباء والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباع والمرتباء اور عدد الطار دورسم رصه بس بر المتن في في المتن بي فق بالبني يورس تر مراا بعد العالم الدين الديم المتن في المتن في المتن في المتن في المتن الدين الدين المتن المتنا المتن الم منور چه میدارد کاد و فاق سے بنج کا بھر در اسے بها در و تقور اس بھے در اور در اس اور ا النوزي مد الركاه اد جالات و نوراد رمر قد و كما في منظم الدوله مر الدر فالمعار الله

اور ندر کدرانی منے مین که بورا مورا Trivitation of ا طور بری زیر زیر از این ا ه دیر منابی مواله نیم ارتبه کردها در موالانی ما تو مجالاً اور ایسی میری کا ة رفصة النها يوصيلا ، ويه وفين دوملون درعو دوم أي ما يسيحان جسر ما دروك يما يزار بوكرشا رهااه رمان كث عطيريا بواكرمام لده من مجرحه بنالاس خري يلايكط يتع ننغ زني اور خبخ كنفئ فعياري كبس مركوجد بارا غول مركارمين وكرروميون كالحزاج كروايا اوركبث

فظا دالقاب برمتوريد رخو دكم بمو فرع فرمذ كال فدال على رساينده بو دنظر مقد م منكر و فدوالفوريد البذمور فالارات باقتضا وط تفط حرواني كم نوية فيوكا رباني ت بالفار في على مرد في مرد اد فور وجرسه المي الفاظي خيد الدر ال در معبدة كوندكي له زمذ فا حروا في احضا محرد و سرفرار د ورنود م باید کروران من تنگروسیاس این مراح بنیاس در کارم افردن از قباس مردست بری فدون برای فدون این مقدمی این م مرزند اساند ملخ كبعده يك صراف واريد تنفيسا كرو وعلى و فرقوع أمده مح و منظ كرم منطوا فدس المه بفرط تفضل خرفزاني بنبرف فبول موحول كت لازئه رسني فدويت و صدق كانداري المهما و على لدوده عواليفرر وخيت وارات النيام خود محصورا طالة نورار الميمودة، وتوجه ما ما ليت واقبال اقرين طل فدورت بنال خود روزا فرون ليرمقود ن داندانتهي اوربربي عانا جا يتحال الاراكيل اطنت ففره صاباه بدواسط بزكانية كيروان زايين غافرا ابهوافي يستريأب م الماره سر المياس عدة الدوله هجرر في الدنيان الهاجر منو الفي م ومتوجه و المال عام العربين مي نهج البعر اليف الراب و في المواجدة راب بين من المواجدة المواجدة والمعلم المواجدة والمعلم المواجدة المواجدة المواجدة المواجدة والمعلم المواجدة المو رفيج البعرة ليفت ارباب ولا إلا في كم ولا الكرزي وبالن رسي الله يما ورفوان بذكا ف مديج ندرب د این را جر بالاین دی ی حضور اور بهمان پروریم مین . چرصیع فد می رود افزا بو پیرسی می می می جارد کریمی خورت نزل که دعوت کریمی الاید از اور ایم کرد. این از اور ایم ک

هرفه عظالا فلاق مرصح اللعراء بالدات والاستحمال برأ اميان دود التوركا في فرزند ورّبت بنه مركومت كان بونه مطفوا لها كيف سلفت آمنجاه مرور صفرع لمخال بها ورفيخ خاكس لا بارو فا داديستم داد ارسلوزا رسمهٔ انفرا مذمه و مراد م و اقدیم سیاه که مرجع دار سیمان و بهایات میمین رسیمین مرکز انسان و بهایات میمین رسیمین محنوبي كالصرق وادر في فورسوج فدور في مرساً والمرسال الورد واربي تفعل ا إلى المانيت البية واقبال ما في بنيها وتخطيف فتها حلّ مران والازبرط أبروا ما وجور روزة الط الخصوص فَصِلًا بِللهَابِ حرواتي أرادي ورقة الامارة وفيدة واعقدت بالبخاب على فِيْرِ الْرِمْةِ مِينَا لِلْهِ مِوْرِسَانِده الله ورسوائح عالم مكن برمِيِّةِ الدَّالِ والدَّيِّةِ ا فضوارد كذرصن غايزوادم

رسرنه بنت على تعدها الملى معيدر الذي تطر فريد و ماه بها ور ر ولهوين أربخ وارق في أفرأ مور محت البهم كوت دكام فريج اورستريت أربخ و كمومها را ميد ولعان [ي روزن كر جميعي الرياعظام كي ضب الصريح حيطاني باكتراد كونعام ين عرفارنج البالي المعلم كيئ بهت دوت له كموركل تبوتي دوم من فقمت تعواموض بطي وخياكر دبنيض ما ماري اوْتْ هِ مِنْ مَنْ الرَّالِينِ وْوَعْرُهُ كُو طِلْوْرُولْ مِرْا كُلْسِرُ كَانَا وَالنَّ مُونَّا عُبُولِ كُورسوه عَلَوْهُ وَوَيْحَا اسي لندكاها دو دومرار دود افعي كير بدون موسو الصدر كوجهار جها رمرار رود اسوار معمار ا و الميار و الفير و بونين فران و الرالا ذي المدن المين البرت ، ما بن كامتضم بغريب على معظم اورنعنبت عبوس نورك عرصدورا باخر دينه منقبال سكاما ع كنم علي آكريكه، ربات نرت توکن و سهامت و شد در در در قام الحاص مو در الا فلام الافلام الافلام المالان ا جوكه خان تبنيا وردواني كالفيدعا زوم موسرور أن المراج ال ئارىغى ئى دادى درزون

- 60 00 الدروكم الساسر بلاتن واوره مح سازو سال الكرري موجودا ورمته وآين نارو اسط اقلیز ال کیم تنوا ما ده اتبین بهی عذر از برشی مواتب مجور نظری که ایر ن برنی برق تو بهون کارمی نقر بهی بحال بن گرفسر بهای طرفیک برناط الم در ن ليام يو وفن مرسر سراد اليا المن تم البخسر موكر البيع اور ديم جوان على مخرال المنظرة الورديم جوان على مخرال المنظرة الورديم ع ين كرامن ها موليال مريس المام برنامور مبور الكولي مي الرميس الم يوسي المام برنامور مبورة المام برنام ورسي الم مر المان ميك مود هر المدارع بها در تيمان و تولو والمروراع مي مريخ في الماري الداري مينواد و الماري مينواد و الم نور عبی کی بلاتن مرکور ه راه از کریکر تو یک برای بری بین می در داد را برای از در این باده از این باده از این باده ا الاور تنوا الردروازه برسي ليجاني موقوف كرديم وربير يح يي ربهي نوكري لينده من ره تعيف بي ارب بي در مهارات جند و لي كرب يعيم التي بين المراد الم المراد الم المراد الم المراد المرد المراد المراد المرد المرد المرد المرد المرد المرد المرد الم صليلاً وسيخ مكرت رو بالبحل كرا بنقت كريف ليك اور محاصل ملك بهي كم يوار محدما موارضا المعده م راه من به الحوري متر والمحرار المنية بتم الحرار به المار و را الا يور دس م را المار ال المجيم على أورها درب من ما مراكد ولت عام الورك عرب المراكد ولت عام الورك عرب المراكد المراكد ولت عام الورك عرب المراكد ولت عام الورك ولت المراكد المركد المراكد المراكد المراكد المراكد المراكد المراكد الم Wisher and the state of the sta

يا ورنه مدا كوكسته أكراً لفي دن *برينه بهائا دوبرس طاخه بيرا جو نم*رفايت البني لطال نج مورز ارنج ادمذي عراخري جارخبرتي دن كليم كوجاب ر در الا فل اورد سه اورب الکاوم ب از خریش ویشر ویکر شکاه می میرد. ایج ا ى هيئة درندورت كالمدرس في كان معداً حرقية الادل إلى يجاروه وكواكوت Land Comment

أنهى در سبو بخی می سراستر فلیدر اراد کری فروی و لمعات بین فرون زما الورايام وليالي ين منجدكي جود رباركه مشبا ندرور جاركا تيا افراط راك رناك وكزت البيع بلائق عب مزراجا مزيكه اكهاريكا بهااور سنب ألات وق البيطية في بكوه محفوا ال الي تهي وريوا بخس إربار في وابعان كي مصبين تعاوره از كجارت بالجي واورج موصوف كا دليذر مرحوال في ميزي كليم الميان واراله صبار كردرات ديدا فية رمنسیدالاینان بها در کی شاید ه کرچکه بنج قند کر رجا کرواسیط دیکنته زکرنی تخليجا غان اور ترنين تحت روا كنول فانوس ورطمطان تناري ومنا منهم فردا فردا ل زام شیمارزگس فراسم و کرمنتا بده بینے نمایتے بیکه دوستا دوستان مرحت تازه اور مدازه میکم بیرے انہیں وال بین فیل بیجدیموجر بیسے معقار فد ابره سکه نورا فروز یکی مربرط Livide of the standing of يكاحبن دلاورباوشا وبنسة غفرانك ويتصال جوميرون دبيج كوناس معدة الدومير المراب المعرف والمراب المعرف المراب ال ظاهبان در در ان مراج کم واسیط موانوری در بازی مجرات و قرور روز و کوروز این مواند و کروس این مواند و کروس این م مرسویی دافتی موکد بعد در در در مین ما برخت و افغر میرروز و مرکز کوروز و کروس این مواند و کروس این lidas in the state of the Joseph Joseph 13 C. 3.3.

ورزون ایز دام این داراه مراج ادر در ایک و ر درجار مرارد داردعا او دهار ه ادرخوار سطیم مرجع 35 (5) وغلام خدر وارت قدم وفزكرا بنا فدارتكا المناون المناو مي ابررادي اورمفدارادرا الفرخط اليم مطابي الده ماد ودولكي كدفداني أة جي فدوكام الزيفرة مال ه الله المرافي المرافي المرافي المرافي المرفي

المن المرابعة المراب من المن المراق من المرافع الدال المرافع عن المرافع ا مرية مرية المواقع الم ب ب ب ب ب من عنوا من في در آرا و رورت الربي فرزان في ريا و رورت الربي و يراق المراد و من المرد ب ب ب الارد مرتب من المسلم المراد المراد على المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المرك و بقيروان بيك فضيف الدمايكي مورات والدار المسلط والبيطي البياسي وفوا فالفير المراسية المركان و المسلط والمسلط والبيطي البياسية والمواجعة والمسلط والمراسية والمواجعة والمواجعة والمواجعة والمواجعة والمراسية والم الموسخفات فرالي عمر في الدول والان والمراف والفي والدول فطر الدول فالموالة والموالة المراف ال مطفرالدوله الأقر اللرابعا وركوام كرخل لنع ترادي تعب للمسترار والأوطاق المستحال المستحال المستحالة المن ورنس الان يق كوالرا وو ورند وال سيط عور في النيال ما وراوا موقات الورمير المان الديما برار سفيط تست الدولان ومحر مرر الديمان بها درتو

المالية الملاع יצישניינו فرداں نے ح رمكان براسط باآحزالا مرمها داج خيدوس نح آ تهزاداد ولجين حبرندبهجوا باتركبي *ا* ن رس جوا ديست اور ك المام المام

The state of the s من روج ن بي مسون الواروك و با في رحب كما م فيرك و كار العربي الما و المراد المواد المعربية الما المواد الم رسر اورسم الرائع المرائع المر ادر المسلحة والولنون المسلم المال ا ر الكريس به در المار در المار المار الدر الدر المركان رد الرح مي اوري مورد اد ي ما درك مورك المي وما درك مي المي المرك الما وميد به درج المي الما المرك الما المرك المورك المرك المورك المور ان الرسور الم المرسان مي دوجان المي المرسية مها المرسية المرابي المرسان المرس

نه التي الفهار والما جدائي فين اور التي لوك ورا ودي بوي ويزار وأ الألال المرمن ف لعدة بحرور سنوس في او رفع والمان ا الركان الركان ((العمالَ ليده ، أو براه دوقر بن ثلا مين ادر نياد مرئ دير ناي تهم كام والدور و رو ، ن کا اونز ک به مواد کورسردی بردیم با کیفه در در بخردار زردار رسی ترکورز انجایی بن نوری در تاکوارد در داداری ترکیرارز انجایی بن نوری در تاکوارد الاسنام سواري زلانع مفرزقها



الربر أن لا أسور עהאי ייליום וליביון

ه جنا کوامنا کے جمعے درزا ورنجلات ہی طالبن ہیں اگر امری نتہ آ ور سروی 13 رما تفاطرد ما ما كركر هاجت نهايس بهاريرا دي يوي مني رسطوها محود. موا تفاطرد ما ما كركيرها جي المعربي بهاريرا م برسته هی بروخ اوی مخت رجوس کی زاور برد و افر مرکز ام میکاه ایرسته هی برد خرا وی مخت رجوس ایران برد برد و افراد کام میکاه اری کا موت به به دار کو گذار به با بر با میست صبور بر برای عیب بین مهارات جیدو س بردان بوط دیران و برنگا رکی ایرک در برالملک بها در نیر بنی عیب بین مهارات جیدو س بیست بها در برحوف میرک رعض به در کرد بینی بها در بین می با در مراب با می حرکا میر بردند نقالی با در مراب با در

No. يُحَاكِمُ كُلِّي مَام مِعْتِ الْحَادِ طَلِي رِا مَبِيارِ الْمِيَّانِ وَلَوْكُمْ مِنْ فتكراني ويكبني الودرنيك وتستاداركو سلى برق تفاكي برادر إرطوم

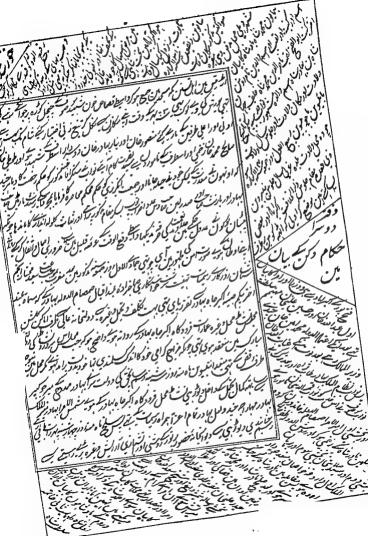
عنی بها *در آنه حارادیا* ن جارا اورما وربيمين معرف وتكبر ناع الدوله مرور منتدع على بهاد رور عرص بلب كيم عظم مرحوم بين ورعفو الن بكراورا ملی البها در رح افد سرے بها برورم می میسی مراور بخت افروز بام اور میرم وعلیمان بها ف كم ي رفعت الن بيكم ي اورا في احراك منه بيلوريه بهي أجله كم تا دما أ عل النيابكم من مورا و وزيكم حمّه الني بكم منه كين بعد إل الْحُدُّةِ فِي رُورِيةِ الْمِرْدِينِ الْمُرْدِينِةِ الْمُرْدِينِ الْمِينِ الْمُرْدِينِ الْمُرْدِينِ الْمِنْرِيلِينِ الْمُرْدِينِ الْمُر والدوله بها در فلد العد طله ميم موي اين جنائج مد كور موكا اورغه ولما مكم اور نو distribution of the state of th المراح المراجع in distribution Edin

م ن يُعَامِّهِ وَمِي مُعَلِّمَةٍ المِينِّةِ الْمِينِّةِ الْمِينِّةِ الْمِينِّةِ الْمِينِّةِ الْمِينِّةِ الْمِي الله المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِمةِ المُعالِم وي بغر تقبيف بيخ مباه مركار بالدوالان ويتكرا وفعل درخيت إرابيل فخر يكواره موركا وفي الركري وي نزيار على بدى فرائ و ما صور بكاوراه وص

الماني للمارية المواقع المرابع المرايدة والمراج المراج المان المرابع المراب John Billing.

فأولم أرابي A Liebenhow Control بنية المنازم منطقات وبارا المنازم منطقات وبارا ا خصف مران من المازا فوجر على المواد الم ا فرد آن مو المعادل و المعادل المعادل الماراد المادر الما بردوا فاعنهٔ و توروسی متعلقال البیرمنا طوافیان مخره (باق عبال م بن مار بن وكذا تحاسط اس دور كج ونفسفوالهما وطوع اورجدتك وبهلائي وبأر

بلحضور بر نور کس ما نه نه اور استم مهتر را مرکز کشیار ی ور دونی فره ماصله و که بود. بلان المان المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد ، سنيد فرود کاه پراکبرهاه بها در کې زمن ليک انفي رست نن د کې کوا ور پرينقد د جاوه تر تيم ا و دسان مونیان بر دوه قد برخسر اللیمرابیا دارور برالمالیمان درلور مهار الیم برا در این از رحدار کا سال ما از رحدار کا دولت براه رکارت با بخوک میم روز در نیم وقت عفرونا ه خوشدکناه نیاراد آورجو نیمی رسوار مرابع ور خواصیات الملکان دولتی ایر روان و رسی را تو اور دار ای و دو کاه مین البر قار در کی میادر کی میا مواه برفی به خواه برط سرد رسی برط سرد رسی این مواد در در آنها جا لا جو کنم فرزند نیم اکبرها و بها در رسی این مواد در در آنها جا لا جو کنم فرزند نیم اکبرها و بها در این مواد در نوشها جا لا جو کنم فرزند نیم اکبرها و بها در این مواد در در بات بهابع ارد.
در ایک میزون کرد و محت و کادر به و بیم عید یور ایک میزد و میزد و میزد و میزد و میزد و میزد و می اعزار میزون کرد و میزون کرد کرد و می میزد و مردایک فی جو ارس کارگرای مفتد فریم در کارگرای مفتفی فریم اور کونجی ایلی فردرد.
در در اور خواری مفتد فریم در کارگرای مفتفی فریم اور کونجی ایلی فردرد.
بیمار در الله مرد در می مورجه و ایک جل بیمار ایران ایران در در ایران ایران در در می مورد می ایران ایران در در می مورد می ایران در در می مورد می ایران در در می مورد می مورد می ایران در در می مورد می ایران در در در می مورد می المراور أنه المام المراور أنه The state of the s The state of the s



E. C. Suchial High Minds فرروبي في في في المراسِّة لم المراسِّة المراسِق المر ر الوندمان العلام الم زعل د با اور د له را المورد له را ا والدة والمراب والمراب والمراب والمراب والمراب والمراب المام والمراب وا اد الرقاه الرواه المراد و على الرقال المراق المراه المراه المراد والمراه المراه را مراه الرواه المراد و الرواي المرواه المرواي المروا المراني على دارات كومه و فروز بي اورتاج من والده تراه كاكرها بعد والمراق المراد المراق المرا

ويم واغت دميم وبيع الاول ربيج الماكوم في ومنوب على مرا ، وأن مور إورُفا وترقرك أورلكم تشريخ أض مِعاماً منهي مع يقيرُ وال ما والميروم لي بني ما ريس الأكوليات جارت موضيط كما الورنسكالذيرا ور ر وری سوی سینه بر برا در انجاری ای ل می دادر زبایت را می اثرون و و موم الرام كي تين وان بك الميم من جناب عبد والحديث المداليك.

بك بغادت فابست مركي هوزا مدارها و مجدم على طلاح را محرندولوك نبير به بالمرور كوملوين دربان موكري ي كالمقيم مي يوال مماك بنوي ا الما بي كني صنى كم قادر عليما كو المسيح مهارا ميندون كو عامل كرابين الديد كو يفر محر صلا تها بالدورة المع المر دار المع ورسولو و قد اكور في عالى دوالورا بقى عقبى برسما بول شيرا الموالدارسي. در برياد و المراب و يوم الم ور معنور المحار عالم موسم المعنور الماكور معنت اور ها مر والديان المراح معنور الماكور معني اور ها مراح مر والديان ن رو واصله العديد في مدونكا السوسيط مره في المحمد و الدين عرف الدين المعامل ا درجو کیم مرف نظ نها مرفار و کیمها رفاا ورد در کار را اور کی در کارک کریم ما ترف سوک المجانب الدينه ودر دور July John John 379/19

به وی ای صفط کروا در انهین فد کریک داهدات می تنبیر بهری ای صفط کروا در انهین فد کریک داهدات می تنبیر دراس محرفته وكمنفان موم كرواً صورارالح

وض کم عاصل مو د اغل سرکار کرویه عربر الدنال حرير كم قدم مرتبي المريد لملاع كيرم بندول إبا تر ملا و ايار الطارا<u>ء</u> ر استرام جود مان تر راند. خود استرام جود مان تر محاما دغره جمو اگر مطرات ادراه اين داغو جررا ھے ، وخط وا فال حو طازمر المجرب در کی ماصل پر احرصا یہ میداول ہور وہا اور فال حو طازمر المجرب اور کی ماصل پر احرصا یہ میداول ہور وہا الموار دات كي دربذر وسوار كلازم كيا توري ماريخ المتعبال كي روا نبري والد ا مفال فروائر کوسله ادواً ماریخ کالیامل بی الا قرام که ایران می بوسیاد المادر فرولاك رويكا ملك فعلاج واربي ورجي لا ولود وط ور از كانور كورة ديم و جرفال أم المازم كو ابنع باركز بكروانية

Distriction in the control of the co لاعلاج مرون ماز درعاصي مراه ركامجه في حافان م *ز د افلام سط و ان کیم ا در بع*ا نقر *کی* ا در *ا* اد اوروارک بهاندا

لي عنوري كريم اه في بارندكو سيوليد فرين وي كري بي مير اين المنظم اورايك ر دونرار رويف اورايك لها يروما ل المي المي اورايك المياروما ل المي المي المي الم فلوينا كركوسادوت فركا عكر سرك كلهاب كم منظ مدينا الميا وشرك اول علدها موالك الأرلان كي ورمد من في في منكي كوا دلا ورتبها بمار صلابتمان نيه تكورانجام كاررداري ابني موقوم في البيسالي بيه بمرا المان صوروالا من المان المان صوروالا من المان بندمنیا دمین را می از را می نداخت این در محمداری عوز کو افغار مندمنیا دمین را می از را می کارد کاری از کار این از کار افغار مرى دين حال حدادي فلك د لين بنه عرا موراس

ب نیجای در مرسیم مرجم صلاتی بها در مارونه ه لَيْنِ وَكُونُو الدِكُورُ وَأَكُمُ فِيرَى فَالْ يَحْرِزُ كُو عر محرد کي دس به زموكس قدوندا وارزنب طارت كالهاكد وكمط ول زوك

ن فنركاه دراهم كوكود سيالي براود ني لادر من بين سفرنداكي شريكيوره ان دبها و قص و عرب مراه الا و سركرم اور بر «مور دعایت و دافر دل م عمد معاتب ابدار درسم عرفتی Aller of British to a feel of the state of t بنگرفتان بها در کم مندم در دامیران بازیر شاه ار و سرسواا در در سور در منام دارمه اصرار فدر فر مناسبان با در منام در دامیران بازیر شاه از مناسبان در در منام دارمه اصرار مناسبان مناسبان مناسبان مناسبان مناسبا and subspection of the sign of والنبي فوصالح بشركي دامااورا كرت الحالي وبطر فبهامخ أركي الوسيمة اباره يحريقيم يكتبقوا يجرفياه المارين المراج الماريخ در کی میرفررالدین عذب بهادر البرر ویکی بنسهٔ عقرانا سے جلو ه طبور کا با ی افر یا عرومیا إلى المرابع ال باطمغفرت مأبطح مح مما حراد كالعفرا ماسب ممراه وسمبات ونيه المراجع المراج Pi المراركة .

م^{ل ن}ا نیااکسوار اخرار اور مینی سرموموسط حیرا و مور^ر فرمد إلن ومس مركوا دري فيالي ميزكر أبطاه أبرا ا بيل دور وفان و المراس في المراد و ال ما بارمه وا من بيركزي بوريدا كزرت ينن الي مقام وكورير وال المح بيجة الأني كاكمت فاخرى وكركوم والإنكاف الدياما الرالك اكم

ادری سط داملیکه کلری بوی فرل کندا نحف می وی سات مالیم تما بهاری کا عرفر صلاتی ان به در کاویکت می در اوا خیا و دوگاه می اور قب سالی ی سروم بند کندا ما حیا در اور مالیم می سے فرح زوزی زعبور دریا زیداکیکه منوح تک مجوکم می اور می اور می مااتی نیادر کومسیاه می بیزی مالیک اور می کرسیم کار می کرا ر مدا تمان به رکاد کمت می د اغرام او فوگاه می او روی کلی می به به رکی کلی می سود می در افزی است کالی می سود می در اغرامی در افزی می سرود می در اغرامی در اغرامی در افزی می سرود می در از می در در از می در از در از در از در از در از در از می در از در از در از در از در از می در از در من دورواسط افره فا مل من دور من المراس المر مرون من مروز در اول به مرور در اول با مراه اوله ادار افران المروفان المروف ر ما ره رو اله اله المراح اله ي و من مي يا وروا اله ي المراح اله ي المراح اله والما اله والما اله والموال الم المراح اله ي المراح اله ي المراح اله ي المراح ما توبان ارنجات بركوري سيد ورو لموبن رنج اواله كي منهون اعلى بهوان اعلى بهوان المادي المراح الفنظير على الاراور بمت مي وري بخويه ما ماني لاما كي تصل كرالكم على في مواركا

S. John Mario J. The way of the state of the sta The state of the s Straight Straight رم وآما و و لكم محدصلاتي بدريا 5 Strain Construction of the The Control of the State of the S. S.

فتؤان سيانان للميساه المن سندرين أواد نستاره فيسك شجاعة فمال في لزمري كوننا ببهوي جراد دالي أيا برناد ركوكيرا باحق لأكبوري وربينر مواا ورسامارها للم ماريم منه ما ل فور مركوري أو المركوري فيه رعب التي كويته او و السيم افر وكن عليه ا المبولين لأواد دهد والأسالون ليكن يطبير والتباكي وجذوبونت والأجري المواريسوك وكرغد بست وله كما دائق لمرئة علية غير كرئيم مور طانبا لرامجه نه منا كرمني اورو في على في ديوم بهي دار دستوو إلى سردارخان م كزيياري شمان مهدار تين سوسوار كالمني مذكر المثمر ولتوارسي وعراجه البيج لتكرنيا فعنا كرنه نظيفه خردانا إن بركامي اوراً من خود دارك. . آهيب نوادن کرن سيده و سرڪن تا منالي کي ورک رئينع کا جا کارووا کا اوروا کتا اوروا کتار اوروا کتار اوروا کتار - آهيب نوادن کرن سيده و سرڪن تا سي کي اورک رئينع کا جا کارووا کا اوروا کتار اوروا کتار اوروا کتار اوروا مکام دکن سیک بالاركها فالررابير جذولوا منه ما منوب كي بفال وكوراس فركس عليه سوكرنه الحوجلاك اورويا المنابخ في الماد مم إوراده ا النه البراس الورائكم عن بي في اكرابيا وروي التي أبوركون في كرا وروي وريا ورعم برين. رسيت كيوزك وعريشرعان ورك الما المكيم ونسكالي رسي فعيرمره واورند وكي وقرا المجار المال المرادل عمر زيكم عَنَا مُحِيًّا اللَّهِ عَلَى الدويوسَ بِالرَّيْدِ الرَّيْدِ الْمُنْتِي الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الرَّيْدِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِدِ الْمُنْتِيلِ اللَّيْنِ الْمُنْتِيلِ اللْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِ الْمُنْتِيلِيلِيلِيلِيلِيلِ الْمُنْتِيلِ الْ الموالدين في المبية المهامان ودوا كريم البيزا برآيتر اس عدين خراب المنظر الجيف ما السيح والمالي والمسايع بموسط المراخل المام الما إي سيح بني كدرائخا ورواه برميه بنا ساليه بن وار د طبه ميري راجه مالا بي او استقال المجنع العمر فما المرفع الم رَجُ وَكِلَ عَنِهُ اور التَّحِيدُ و لول كل بها ولي جوكي تمك و دميز اللك بها و رمير عالم سيك المجر الموتي المبيري المرابع المروور المان المنابعة المناب Livin Verilia Dur. · july85

فها كريم مادة وآا يوسمه المرة تحييب الكيوم مفالح الروار ن کران بی تیار ۱۱ ورقری مرنج صوری این ار در پیشانیدی ا میداندگان می این از در این می از در این از در این از در می کرد کران بی تیار ۱۱ ورقری مرخ مرنج صوری این از در میشانیدی از می این از در این این از در این از در این از د وانها بنسطيرين ارنخ ذنجه كرم ر المريخ ريفان كوموران النيس براي ومورو ومقور محد عرب لطف اللزيل الوراد. ويتاريخ ريفان كومورو النيس براي ومورو ومقور محمد عرب لطف اللزيل الوراد . ن بن سوره باره منسین در آن ال ملت از خیال کاستینیده و مبلال محدر شالونجی مها در مرود ما بن شوره باره منسین در آن ال ملت از خیال کاستینیده و مبلال محدر شالونجی مها در مرود لمرالا وابها درمكم بدابهي لدره ومصل مكسان بمرابو بشم ماخراده مباردالد دلهك م كم خلط روعن كوارًا كروز لياز بن عدر آدمي لون *بنڪست* د م**م**ر دج موج خوده Letter Starting

راه جند لعاسم وسر مجار بارا ور دس مرارسوار کی صعب البن الموري رخصولي جهار منسكي ومرعالي با در معاري بي مريد وكر المرين شاعاليه في المرين الميان يما الراكرتا بما في المرين وان المنسكونار جبوك رزو وسراني بمراق في في الما وعلام والمعتمر بغرب ومند الاستخدار مورالا المستركة الورسي المترس المراس المراج الدرام المري كدري صورا سبط وسحك روز افرام ومواده ما المريم المريم الرام المريم الرام المريم الرام المرام نجنسه مي المريخ وقت الدين مواليها وفريها سال المريض من كويني والي يعديك لاردكو بنده بازی از در و از محافظ از این از این از این در از این به موسید، می به می به موسید، می به مو Jan Stories Jakes ود موسیم به وش کلان مواکه ق ن خود مرو مروم المت نبي و قد و نحد فرا ميز كنيم بين كه دفت كان برانها دي و ارمع وج مناكاه حيكاري اكركي اردستير جابزي اوري سرار المارية الماري The state of the s The sale of the sa المراق ال المراق ال

ربن كركم بون وروك وكران فالمراز تون ون وراد والمرازع و مح حنف لي إنه و كون بن بنيروبي لا آ وخالفت كم كنيت ورج فنل كربهونخ وليم بالرحاس سيص مبته يضوفر ديا اور بازر كانى اختيار كى اوركو كني احداث كريك بنا وادوسند باركير ذابي من مدجه موجعت اكزري متبن موي ده باغياف يلاكم اوركسي فى النار مواا ودكام وصلى الريك را حكويد تخسيرا ورجو في بهاي راج The Children with the state of the state of

مدين مها مهاس كالم اكبالوردوس ارد سالو كا واسط Mary Service S

ي د کافدار اور محمد عامی اور نیاز ر و مسال رام جدون اورام کوندک اور امرکم ادة المخالكا ر چراه کی این مجامع شار در قبار نتقال غا ومشكارما دروعره ورن بنهان ا 7. 1.1. Je ₹.

اه وبكا بون الميات رع الله كي الدين براوالعاسم بمالي در موضي كوفلع إلى ديا عطا و الدر الموس على مرائي من المرس عمرها وصو و عجل وركوي كوي اورو الني الآن صلاد رسري عايين مستريط ها مزدلور الآن هما جرسري عايين المتريط ها مزدلور ار می از متعن اله بار مرورز می جوامال ار می سیم بسرها فامل در در دار ایمام اد کا برای او بی بعد د و مسکست سی دفت نبک موکره ركاكي بموجي وادكرا ولال كادفرسوه وبعده وكالروم را واور ده اندر جويت رسة علا به در تا مها ما رسی سرگار کمینی ما ورسی توکیور زصار بها دکار نیکار نیکار مول و والی میکر می می او مرابها در کوسوا مردم با کام کیکر رسی جا مینجا در مال و ۱۰ به می میطاند را د کارک الزار حدار مرابع در مالی در کوسوا مردم با کام کیکر رسینے جا مینجا در مال و ۱۰ به مام صبطاند را د کارک الزار حداد مرابع ارة فه جوکر ما دام الحیات فارز نیاب ال در بیان دی منز صدر با رخار این در کی ستر میآ عالمها درميتره مقيق وحاول ميوي بحور القرين ومعاجرات يتميم في لفاوية بها دراورميزولنعقارعلن بها دريداسي يعشره اول دريدالا والمطالياره بميل الماس صال مو هرود کرا او کوموس ماریخ اه منه ی البیای محرورالدسی بها در دو ورندسواد روسي فيرانهر مرطابها درنيسان حنب لكره نوار كالبيغ الم كريم عض كوراني خود يرت ينه يدر أكياا در فع نفيس ردن فرا مهاك سرا يمرموانسي وكل المكر ملز البالبة المادروبان المعادية اركان داهيال دا إلى تسمير أمام ساته جوابر كران بها ورلا لي رصير طون مدكان \$:3'S;

W.S. ر مربه ندین کذرابین يرمي لا يراورمدوخ مامراده مداركت هوما والانبائن سي دوازك مرعالما درميدوا بالرروع أرس بهدر کواماک دیے باسط ط عفر لورلې لې منايي کرمه مرودوالده باديخا عددكيا

والمراساد معنه المصبان في تفريغ ابن موسات و فالم يفر ن اشدیداد از به ناک این ناریجه درسوالی کرد ای مرونا از کالمی ع المراس ويد فاصر و كار على باول كم فيرس بروساد و والم بالطنديم بنريب تؤر درنتي أكرمها دربوصي المزارق حدهوا غربا بالن تأواني الفياسك عيه والموارسة رزعل كم ترجم في وأي وكورنجا وبها درك لتنفال غورت موزة ف سنا بدها تر ربيل كال تجل در كفد بحريث انوام كا و ما كتية م كانتوس أو سن ومن الدود ك مهدي بدي كذا وي من من مند نوروا منط لل خطر الواسطة قوا عاد الله ع عبدات كرزي زفير و الوال الم الدوارية د بداندار دین میرلان و خبر اگر جو مرسکری دفین عانمازی کویت و برت نیر مرکسانی تومی سااور را ر انون بره *کالسوار*ی متوح تا بهواسله رسي اموي اور حفرت إن كرعار مي زيد زوا و مولي اوراب من مرا المستمر الله سياحة ميكردوال بوي ميدانيك فخذا ميدها بهادري فاغريش وكمرفوث ما و في الم مين موم كرجين الي كوك الما جار المرابي الما المرابي المرا

Media to the training The state of the s إِدِ دَكِيانَ جِيمَا فَيَ بِالْمِينِ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ مِنْ الْمِيمِةِ المُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْلِمِينَ الْمُع مرا مرا مرا وادوع بانبين غرزي ربيح الكشاريا الربي ئے مدومت از میں بنے نے ارز دابالہ ای ا برادري تني النصف كما ورفر دول جا مهادر كوكروه لهاستار نخت اورج كمراكه بن مجا فاهرار الوال بے برکتے افدیم عار برارود کی

عنی از طرحیان برورمگرمها به صافراده سوده صلایم ایر برانمی از ایران برورمگرمها برای ماند. من من المرك المادرك المحافية المناور ما فراد و المنادرك المحافية المنادرك ا م المرافع الم ال مي مو بعدومني كي فرز دارمند محد فريدالدي بهادرة المحدوم والمرافط و مكني كرا الماسي من بعدومني كي فرز دارمند محد فريدالدي بهادرة المحدومين كي فرز دارمند محدوم المدين الماسية الماس ووس المراعلى مرا المارة المرادة ال ن المعلى المراد و الما المراد مع الكري المردوسووا المع الما والمردوسووا المع المين الورنبريك فور دور دور مربرها خرادة واسطح من الوارنب في المين المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المربع الم ا من سرا لا محدیث میردندی اورجایی سنگ مرمی بهت خونه اطراف فرکسیاری اومی سراکلا کومی بین میردندی اورجایی سنگ معاور المراب كردوازه كون في رونظ معالى و ونظر كرده المعالى و ونظر كرده المعالى و ونظر كرده المعالى و المعالى ا ومي سراكي يورد المركاني من من يورد فطور و السير سامي المراكان المر وف بقال دار می مام آدی بنے کا رحاه مراکبر علنجال اور دیا مدرسی المرابع المراب المعالم المراث المرز

ر افغار المرابع r 665

به إطلام ي ي كم قراح والانا مارتها ، وواسطاعان كريم را مرتبي مراوالها ا الدداد در المرام الور صدر او الوراد و الوراد و المرام المراد المراد الرام المراد المرا السي دوانه زها واصح موكه صيب الزري ليدكري الواج فامره كي موجوع ما كخزا سوسط رمزادله امرعاليها درهراجين كرك وقي فروزي از أيئ اورسفيف فرمت فيصدر موجو كرنيد فيرزم سي الفواعي كالي على من من في منوداد الحيات دون افرالمده رسع اور مع صرف برم وابنها طوا ورتوب وكدهداي ورطوي عرص موصيا كمدي بوابون عني مروعظون مراارسطوعاه وناكساتة موايك في لي كونكاح كرليه آيتيني انهين سريونية والي سائم لورته يريطي اسرني لي يم الكركم بدا سوالعظم لامرال

لم باره سياره مين خو کوسياري الي د لؤه کي عديد طال بري مکام بايد اوراطه عافه توکردا دا ایمن می وفر ره نجالاً بر تنز که ایر اوراد ن ولی نه برو<u>ن کردایی م</u> ل والصن من من فران المردي مقد مستقال على ملوسطال مي ارتبع

بدر رفع زناراز برا راس نامان از در از در ارس فراس فراس و المان ادر ما مان ادر الدر مهارسوم و الح فامره ميم مراي فراده ميم وراون بالنيم نوم مراد بي بهي ي المحال المراي المراي المراي المراي و المراي ما مذر المكوعاز م متمار مجني مو اتنار دارد فعا كيال على آوار دي ورصاخر و تياليا النفوي المار المرابي المعتمل وممن سيط بر ماري كيامت من ما خراده موضو قراخ و مي المحضر لكهوا ما تها كه مسجر آستر الامراد النفوي الماري الموالي من الم ما موان موفر المرارة مي موقول المرارة مي موقول المرادة المراد د ما مي بها در اورا مولا كه اور سركر د كان يا كو مور اور اور به تران بي جداي المواد به الموري بي جداي المورد و المورد كان يا كو مورد اور به تران بي جداي المواد به المورد و ال البرها رباس شخواي بدريت بين رباكي نفاقاً كر اختلاف واردي فنانيه رسته با ما وزستار اللي في وول الماوجي المواقعين مواحق الفتر رفية رئية مركور ميلاندار بالمفاق المواقع الم

بموكك بالبروطا كالموالور بالكريما يكاورما بزاده كوك سدمحرالمز عان نيج البيون الراسي الويل إلى الورموع فلم قال اور غال وج كاه محمان دورون بي ليفر بركون إن بنف ورسر مرم بالإرابي به طار کران برای مهام از کرمین کرند یی زمت پر براغار بیان کی توار آمند یرختار و ما قر علی *کرخ* رعاد کی از فرج کرا_{ان}

مرضي والمجي اعزالا وكالموا ون حضين طازان ميم مينيا إحزر بار کورواسط ای مای میلی صرف کرین او بلات کے جاکر سراللعرعا کی تنا پرصالحت کوکرسی کیا رص صلی فعاری اون رمضائ کو کلها کیا حضرت بدر الجامعظ الامراکو که بانی بالی رجائے تھے وا ابل بوما سكه كركيم ما رموين ما ة منه كوجه لله است كا افتهة كيم له حود موين ربخ مرعالم مراوات عان بها دروا سيط در تي نيف امور بوا كوكيم تي زا حويت كريم بيره اندوز ما زمست سيم اوروا تا زاج دا دېمي مېښدن ټال کوي کاميار کوي کوچ س ونير ښولام النه روانين سحن پيک د فوا بلدهٔ فرخنده منیا د موکر رون افرام نیاه و حربی می سراری ای و حق روز در بلدهٔ فرخنده منیا د موکر رون افرام نیاه و حربی می سراری و وقعی روز در مصلخام والركام احداله كوسي كرنسي ولازم وق دسافام الاسكام ووديده ورابا مراند كالصلك رسرتي فالمتعده بالخساني وراطه وبرايا فلا اسكايه به كدر جانا فرام وغبت ل عظوالا مرائ مُسّبت امر بهي ورا يك نيا به كرنيه ريشه كركيم والمح كمصفور كوف تخصف ويركم المالي وكمران رورد المرز فهامبن كاربر الزر عبت ودا مي لفين صلاح سيم عالمها در كي عل ماري لكولى ادرك وكنف وارم لطنت كوج كوج دارا الاكراز منسط بحرث مردم هو رقع نبی زلرل ان عظم الامرا ایر نیز کراندا و دردری ا اس طرح از ایران از در از در از در از در از در از از مانیا اعنی در کان المراز الموال ي له ماري موسط اين بدروازه كري كون

ילואים KZ

ربيندا ما من منا من المرابي ما رسيم ما رسيم ما رسيم الجوادي تي تي ترم ومنه ميني المريم ادرمری بینته می کورند اور ها ن کزر می عبد این را با ساوی بر نرکی در برا میوسلال را بُرغال عماه حال الزيز من حينا بين بمريخ اورلار ديورز حال بنه والبيجا كراغ از داكام لمبرر كما قرموما ه جو كمرنجت نوابها مراق النام و الربيا مرحب مستحور از ما وسهمار كم ما سوا للمبرر كما قرموما ه جو كمرنجت نوابها مرد و الربيا مرحب كم ما من المراكب الم صورت ربار المريك في منياً اوتهايان كا درمارا وقرط د دراو قياً الرغيره مضوعًا مُعَادًّ منافع منافع المريك المريك المريك المراك والمراك وقرط و دراو قياً الرغيره مضوعًا مُعَادًّ النفحوان موالعربرامال مخبر وابوعره المربين فبرازم فان فان المربين الربي رتهی درسی فبال ورات بسی از رامنیم الماريخ الماري ومي تورنام فكرين درزد دير أطن س المنافعة المرابعة الم الورافلار فالحال المعالى الرفار البخار لاحرد فرواني المرخ ورار فرار فرار فرار فرار فرار المراض مهداین ایم سخت کم کورند جوافر در کمال رکتی او حتی کم ا 1.37. 1.10 V Vision Silver Solving. ادر الود ادر المراد و Will Bird Divi

طفع موي بند كان فد لاه د کورزه چه می در دامیط یا مُد دیمیکی خیا مین افغال مدکورین سیکیمیم افغال

يد روا في فطر شيارًاب وي كالايا واخير موكرلار در ميك را ورجرل بيد مومي اور مير خربي موم يد روا في فعام المراب وي كالايا واخير موكرلار در ميك را ورجرل بيد مومي اور مير خربي مو بعداللاخطرول بين بس المري ك المريط ملاحظ بينا م في الكرزي في فا ربع موكر عبر كا ميريكا أبها در مكرت رهيط كرير وقت رخصة لا دمور زميس بها درغه مصتوع فريك . هم تحفیر که اور هاران رو رو و لای اور عبو خانه کامیت بوی کیا ت در کوری فارز مک رمین موکه در در کوری فاصله می رسی رماله کرا ا مجراری در مری بندسته ما رست رست خریم اواضح مومقا مد کور رست بار بورین ری ایسکوازی در مری بندسته به ما ب شریب رست خریم کا دا صفح مومقا مد کور رست بار بورین ارى فرى مطولان كاسيا الزري في كراد با بران ورد مري الل بالج كر حين لي المارية الماري رسك المناكر سلطان يرى كوكه و كور بنام بروان كي بني جهوط كرد اخل سرياك رغزه رنبک انجسال وقال کی شعاران رمای عصه بن حراً ی که جرال کرم ہی جب سوایس رنبک انجسال وقال کی شعاران رمای عصه بین حراً ی که جرال کرم ہی جا رأس مراربار عار مرارز رسوار كاه بيش فيمره كرندر مني مي داسيط كالأردون البروي بمينا والمرابع المرابع بر محدارا سبم غال خلفر نمرية غان اوراعتقا داللكيانوارسوار دويل المناز ال Windy Straight Jish Silve Transition of the state of the

وردومرئ رنيرعاد كالأوا ئر مبرکز السبت فی حادی ایل سابراک ا می بین کردن شیخ حادی ایل سابراک ا ز سورد کامیت به لید بوید فرو د کامیسانی ای کوسکی را ، طرکتی م ئتدراني ل عطردا بدات الناكه تعاكرهاي كي مع حواده افاق ماهارتيه فربت البريأنيث اورآبا موزلي ووبسكر كروه وتأتب وواكع أقريطاوا كا ع عادى الأخركي لارد كورزه على الراد بحرل فيلنس ورمبطر حري عاسب بواكا مزمن مرندراد افاق ع كتف اور مرتدرات يستوريخ أداب محرى اي اورصاحرا ده في الم Eligi ? يردان كوراه فعن مسيحور ومشراللك عفرالامرائيك كرم بن كمينا وعطر دايا Cinical City

لهروبان بصمع دارالمرور باینورتاسم سی کاکول ایج مندسی اور محمل رراور بر نااور ناکهورا و ارکاری صور فرخده مبادا ورصور محابورا وركام بركات بوقيط واروسارتها مترالملك عط الامراني ا مراسي محدة وبكرينه في كمن ون كوديد كالمعالم لوماع الحربادلا فرالا الماسي خرالل اعفرالا مراعوا وعما جراوه مكذرا فبالصابون فالسكذرط ومركر علني بهادر ما تويث ردان كل يوسك اور مورشير وكري اورع على ورماي كم اطراف فلي ورم كذه كمرزول علاك اوري The Contract of the Contract o بئ تعيد مرور رأزي كرة بن كورك فاصلي براور ال مرية الدوله كورمان خلاستا كريلنع الميونع يورس فحاركه بالعافية الكرزي فسرونها نهاخه برائ يو بهردة كنا بيطور له و بان خرای که لارد کورزها به مع تیمونه اور سرنی به می کرید طوری کی کریم متصافعه کاکی خوران ایمان مرای که لارد کورزها به مع تیمونه اور سرنی به میگراید طوری کی کریم متصافعه کاکی خوران اورت ميره المنظم برخ دائع بن بزار كي عيد اورها ومزار باري حال أسطرف فاركر جديم أور J) 9. 2 روه سوار مقار من المراد و با بن وشط عافظ فی از مری بد اورد پر رسی المراد با المرد با المراد با المراد با المراد با المراد با المراد با المراد بالمراد با المراد با المرد با المر عَنْ مُراكِي كُرْبِي الدور جو واسط افذ ور و رئي المور تي تنه الريل اورود رسيره الدور مو واسط افذ ور و رئي المورة المعنى الماري المورد و المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المعنى المورد و المعنى نین عرآی کربر براد درجو دامیط افذ فلو «ذکو زئی مورجو بر این از بازی از الدوله بر در الموری ا

र्स्ट्रेड 160 ما تا ، كو لمنغ كرماؤكم Mic ماطلال بر برگے دِن نبتا ه و قد بالم حدود كا بالريخ! موقت بالم حدود كا بالريخ! 13/5 نور ₹. <u>ئ</u>

اور مدر کاری موارهما زمور فلعیمی مدرونا می از میکرس على اور في المرابع الله الى تعاقب كم ما ما الله الله الما والما والما الله الما الموالة الا ما فوصحه بعد كون لعنى اور وكد كار مكور بسرك الرف فعر الطارا مي السطارات السطارات المرفق وه عوم في سينا مقاومت كي رين و باكر كماره جو تهاكد لارد كور زهم موصله علدي رودر والنعير بكاركه فالما علوكانها لحالا ورمح لطرات كالمصور وكالعامر س این ندونته فله کراک داراها و بها در از در فتی فلوسدون کی میدالدوله کرراین وولاحظرة بطه بالاسكر أجرسوف بها ولأورا يميني بها ورمفي الما فهاولا مفام مرويضا كالناس دوانه موكه الليالغار عي حبودلار د كورز صالم مكريو وروشري كرس يورونون ارني شروي اسوف لار ورزم المطيخ البون بالمتع القالي المعلى ا المي مقابي من كولدامدادي كالمترى وغره الرادي الوساد ومركي شروك ورهمي المراكده مراجعية فرار اختياركيا اور ما دريكا ويري اور لا الم ظارت مواس غيرات رسوارات والمراكسة ما وسينه كومازوسي جواما ن ابرمسها سراللهي كهم مين كياس فراره يا تعمير كركسه يار ماسية The state of the s The season of th

فالتفائل

ملط بقرابالورادام الماج فررم مرورما والدين بها درم افعا كور مراهدين بها درم افعا كور 56 62 ے طرفراہا اور کی برف فالے فرور ی ر فأغرضا بنصي حفرت القيناررة أدرابك دنين عطاجوا منمالا مراا وركل عاكبر وروالا وررسي المخ كرجه محالة برلاك روي مكر تتم فواز مني نابت رِياني مفرري اور داراله أدرا ما ما لمال ورائ إلى ويور المورش جها مدار الولدا ارد الم واقع 3/4/6/1/89

्रेडिक स्वामानी स्वामानी · Elentricity is I لاموايشن رانې چها و نی که اورور <u>د گل</u>ې میمال مالعظم مرمیران نی و موراه لازيكم عافري يتي بارتسو فلوبل مث للكر منف زورآ ورخ اور ا منسلاما عمدالو الفيح خال نامها درلورلیس کو کمیزات اکرزی انسرک بیج افزایه فاکوکتا اور مرسمان للوعظة خطار لِلِياجا بَيِكَ كُومِ لَلْ أَوْرِيَةُ لِمِنْ أُولَاكِ لِمِنْ مُولاً مُولِكِ لِمِنْ همود بهو السرع المعرب والمعلى الدوله بها درج والسط احدّ ملسر عن مرروتي البيرج رخفم كا رى الماكر مدوران مال كير

اور اركم الح الح سواد رمرار مرار رو و مع دراسي تلميني اور بها درمحت البهرساند ال والزار كم Strand Control of the المينة مرز والمقية ادرقط تنبيه مالفنوق ماندريج وفن أحافر طوت ماريك واه فده اوفاجر كا الملالي المراب الراب المراب المراب المراب الورندين المحاص ويالوالم المري فلو محرا في تعظي مزاج يكردنى فرامو اورمي في اعدا كوارزم فراكراربا منا بازار كو مكرز وكاكبرا رَ مَن مَن مَن مِن الرَّام عَظِيبُ ن مود وخير الرَّهُمُ مُنور ترفيدُور المُحريم ورفير يرور دؤيكات محاكا كرنه يدام اوالوف بني اوي التي تها ز ديك الميكم وآبيها خود مرر رونو ركي و حود و و المرابع و و الما كالطيما بالاست سار م و الموالي و و و الموالية ر مر الندماليا يا يتي النيك و الني المريد و موضي القرابا جوند مالكره بهي قرمت و مهنوي تهميا ر مر الندماليا يا يتي النيك و يتي المريد و موضي الني المريد المريد و مهنوي تهمي افعال دى غرص اور در سالاه مكه موکر سيد تناه ميس دونو نقريبر رانجام کرميني علني تميا ما ري مه كي يون كهي بهذا كي رست المدويد الغابس مين في الدين اورعار في الدورة الما المورة في الدورة ا وبدالدين كررمه عوالف تهديك جوالوساط ودار كيانها مقوون أربابي سو رايوان ما ريم مهي ي اين الم المريد و الخوا مستفيط الركورزم مرايوان ما الله مهي ي الدا مطان مرارح بي و ويخط الروكورزم كامي بن لا جو كدمزاج ملوملطان كالحوت دوت دور كمبر نيد تهام بسيكي شرار ومليكا مركوركو لطا يعذ الحنين في خضرة إرزاني ركبي سفيرات مذبورتيه و بان عاكر رئم ليا كا آمايت البنيريا المعلوز المراجع المعلود المراجع المعلود المعلو الاوربار فوسي حقوق كي سانه بار بحرز تي بهاديك اطلاع دي وكر بطرساط و وسحت بهادر ون رابغه خرور ریمی مصالحت شدیمه مع ایل نیا براز ختیر خیال برخت ناکریستور A SOLISIAN .

الداري الدام المراق المراق المراق الدة ووبدر. و فقير الدام المراق المرا ؟ لا بن وطالمرا بدش ذار او ورموالا تكوان الما كمرا و دعة ويم بين وغان عرورا فركت ان کردار برا براز در ام کمرونیگر سوار دنه اند کام کوزیزندگرم در بایت بلندونه این محرفیهٔ احداد در این کردار در از مرکزیگر سوار دنه اند کام کوزیزندگرم در بایت بلندونه این میشود. محرفهٔ احداد کار در این مرکزیگر سوار در انداز کام کار در باید با با میشود. ي. تغاموالد كامّار مير والم وي عطام الم الارم بتر تقريات من وفياف بن امرا كي اوريط بافت ملاكوت بين وونيادت الديك زنف فو المان كرياب ربغه في ميغه إدراغلاق فويرك في صور اورعزت اذاى مذكا البح فايد كووضح كاوابيط

The state of the s روم محرم سالار الما المراس ال الفيرة المرادكي كرر متقرف فريس فرايم ورساليو بن على اللكوعظ خطا المرالا والوري Service of the servic روالم ورطافرون زدد مولی من که موانها سرفراز کا بهترین اس سرام نیدن ورطیوسلطاک الارتها وزنده برخورد و فرد موی فیوسلطانی قافیر بنیت براخ المی الموالام مکنس کی الموالام مکنس کی الم مواا درمررام نبدت بمحوارا الماكري ورائ فروري ترحفرت مينيندنين وديان ودرس عام ا المراد الماركان المراد لفرانت البواقي المسجر النيرين رسع الله المن المارة المويين خوا بها والدين اورافطة اول البخير فيل طاحطه عن لا بست مسترسي اورائزاني كه حالارت دوالامر مسر المال المراد ال المرابع المارية المرابع المارية المرابع المراب المران المراز المراز العراز المراز العراز المراز ال

Jatin . 1. 69: ره نعرد کا اوراً و بر هروار به علی فرایسے اور درخمن ایک ماکرا و مها حو Extra directions

ترنف وأيوادر لودي المادر جدافران مي وعنر نزار سوار جواري واسطاعات يعمور كربط والمرار والموين رموكا لمرجوره وسيحور والمائن الرما يا كالمراي سوي اندوين دافاحویلی و خذه نیما کمی نورجا آسو دي گرم نهوي چي منسهوي لاب اخراط ر تررز الرباڭ طفیفرل نیاط کا کیا کہ بعد مراج سیواری مارکتے فیص کا ہر نے می وہ قالم اوا عمی کو ترکدار میں بیا آئی طفیفرل نیا طرکا کیا کہ بعد مراج سیواری مارکتے فیص کا ہر نے می وہ قالم اوا عمی لون مرزية حويه من المقاراني لاورني و كرين ارسى الرائس أرحب رخ عظم كن المريط التعمد والعلاكو جومها أما مع الماليكي المريض المريط الماليكي المريض الم وبان مقيم من مهي و معرف مما مركو به ورروز روز المعدال فال شعدز ن ورجو مكرمات تركيطال برانبال بمصور مح وما فطين فلوركي رانب كرمينه بالملك مد المحر اسياحال تفاريت ارز الماور اور آاج من داله في عالا نها كوسكم لكاكر بيج وباره كوفا مكي الوراح جوال اندر سكياه وطريس النسطيم وفعتا نظار نقرن ن كوطهمت مين حاكاتوا ورمام توسي برابراور مال وسي و بال مرني والوائكا مالكاست بردعار كاولزامول

الناربيني. المام المرابع المرابع المرابع المرابع د مالاجي مذت اورمود يا جيمو**ر** رو المرافع المراف يوارسي سواالح اكتر همعدار اور ماكير داجا بمحرداد خالها درقوم فيلم 1600

ونالم منوفي اور كخور عده انهام محالبت كيم يخال ورواً فيوار في تكلف روار المروا الما وروا الما ور نواور شاري درات وعره سي کره اورا او عوت را بعض اور تانتاي طافن عام شايده و ا نواور شهاري درات وعره سي کره اورا او عوت را بعض اور تانتاي طافن عام شايد و ت بغنی ارفائن فلع^ل علی معرفوایر فنمین میآنیا و رفانه انتیا کوت ده و رخود مرد را می ماری فلعربی معرفوایر فیمین میآنیا و رفانه انتیا کوت ده و رفود مرد را می را The state of the s الكردوكة طوي مراكك واخرية عدا البياعطواء بأب والورم مراكك واخرية الملك الهادري بزرار كرخوابكاه مرجع رزمو محاور توسيط والبيكو مستب المريد والي والمري على والمري المراد والمراد والمر افزا دران دیکی بهادر محن البهم وسر مصبح عارت انهوراج میدکودچ کبادور تکروخی رویس دران دیکی بهادر محن م مريد ورفي المرفع والمرابع المربع الم مركور والمام المركان في المراوري المرا ارواریکے غایت کی نفار ورو کامیزدوازه موالورخیز فرلین کی اسل برن بن بن از اور از موالورخیز فرلین کی اسل برن بن ب ا العدداريك فت الربيع بهر منو زميم الوروع ان المويد الخالم كاركيا حراب النرغيك خود عنا العدداريك في المربيع المربي المربي المربي المربيع المربيع المربيع المربيع المربيع المربيع المربيع المربيع الم المسال رازيز اي الموادر المارية الموادر الموا عرب كونطرين طف فلوم كوركينعطف المحاور الله المترافي وركيا وروا الله المترافي وركيا وروا الله المالية المرافي والميان و الله المعلق المالية المالية المالية ما المالية عالى وراور المعلق المالية المعلق المالية المعلق المالية المعلق ا القام كية الاردوز نوار مهيد كرمنو حرفياً مسلك معدد المحدد المعلق المالية المالية المالية المالية المالية المالية بل المرابرة والمرابع المادراوررفعة اللودارورش الكيام الني مداري بي بنياور ناشارو ني وراي على فيره الماليم والمالية المالية المال ر الراد ال الله المالية ا N. Color with a ship

الده مستكار ورعدكاه الأروائيج مرمي بها دالذي بما درعت الليرا يا تائم بازور الكواحال الفالكيم وروكا بيكا رِ جِ ابِن کئی لاک و وف اوسے دہڑہ میں گا ريابرفاه وعام كو و اوركياره و النام كالورة المعدكالورقام ونفاكورا الذي كي كالمعلمة على المعلمة

اورسرکار منبوای نازعت و مفالف اضاری نبی اور سرکار منبوای نازعت و مفالف اضاری نبی مِوَا الْمِينَانَ فِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ فِي الْمِرْمِلِينَ فِي مِرْمِانَ فِي مِنْمِوماً عِ مِوَا الْمِصْلِينَ فِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ كِي مِرْمَانَ فِي مِرْمِانَ فِي مِ مرابعة من المرابعة ا في ادا وي اروروغره في المان المراهي ال ب ل بده براسته الای بند نیاط نیاساود وومرار واراو ورومرار با و ه در الما مولا المولي المراد المالي مره المواجع المواجع برمالية مره المواجع برام المواجع برمالية ارزيادوران جي على يان جي Land Hard Control of the Control of الميني المان كارتام كالميني والمياس والمياس والمياس الميني الميني والميني والميني والميني والميني والميني والميني معرار وصيح المرار الورا صد المح المواكم الوعي ورجو مول وروصيح المرار والورا تصد المجاري الوراكم الموعي ورجو مون دروص و الدراور العدر الرابط المرابط المرا مول دروه ها الدران المان ا مورض براوزد كا عالى بحول المان المار وسفت وري ضف را رسورا بي استراسي وسنداله المان الم مرخون مار . وظاهران المراجد المراد ا رندواده أفاق الدولية المين عبادر كرميم إلى عبي الرواد الي المالية المالية المالية المالية المالية المالية المي خطا الحد صا خراده مرووالفا رعلنها في بيادر كرميم إلى عند حراري نصر حراري المين المالية المالية المالية المالية خلا الذر صاخرا ده مرووالفقا رعلنها في المالية المين المين المين المين المين المالية الم المرابع المرا يراء المرابع ا dia faith dist inie il Who it pros The sale of the and it should be Jij!



والابال جنبت كاسطف كوادر الم ورول متوصف وكام م در الم في المان المعين المان المعين المان المعين المعين المان المعين المعين المعين المعين المعين المعين الم الم در المرفيات المعادين المعين المعادين المعين والمرادل دول عقوا عام عقوا على الموصلة عنورا المراد يدلا ط فطعة كم منوم فصوري محد و الماكي المراد الماكي المراد الماكي المراد الماكي المراد الماكية المراد الم براه منه ي عاص و العالى مالدوم مراجع العادر كوكدوم ي ميار راه منه ي عاص و العالى مالدوم مراجع العالى العادر كوكدوم ي ميار راد العامل العادم مراجع العادم العادم العادم كوكدوم ي ميار ن رکید ناد کی دائی و مورا فرکی در ایک روانه کا اور آیا در کونند کی در است و موجد ناد کی دائی و مورا فرکی در ایک روانه کا اور آیا در کونند کی در است و موجد عالی ماری کی ماری کا ای میری ویدند و داندی صدی سرانین ماریک معالمی کا ای میری ویدند و داندی صدی ردملان بوم بروجه دوم روم ارس ان ا وج بنيرصي كرنا م مولي كنتر موه طرفين سده بي وروه و تنهجت سول وراي الرائي الله و المرائي المرائي الله و المرائي الله و المرائي الم مانعانی کی جبرات کرری و راحت می در و در می رود و کام می رود و کام می رود و کام می رود و کام می در در کام کام ال در المان الما المقراكية والما المنافعة المنا والمادر في المادر ما دراك مان و مرادر المرادر والمرادر وا المال المرابع المرابع المال ال رامي. Tiles 29 12 1,1

نفرزین جوز وق افرمدان دم_شرکوذیبه وَقُ يُمُ الْكُورُهُ وَأَوْالْبِينَا وِقِي وَمِكُا وَفِرْمِيكُ الْمُصْرِيعِ مِنْ وَكِمِ عَالَاتُهِ اورق دارد. بذجرتی والا کی من کوی سبفت مد در ایس کیار رسان کر کیم حیدالما بر آ ماغورتني جوافي اور مهازي والمارير كوكيم والمحاولة و درورد ا لدربد ترول مبال داميط فاتج ناه فيفاق إدرنا الراسطة تناه رفنا فيكر اداده وكأكورف سامالدنی و کلانیمان کو اینے کون بن سے رواز کر نیر ت ماجاده مسكروافيال مراكر علمان ما دركوب دالدوله فعل وكوم خرام ابن دونرینهٔ اکر صفاه من کری کی می این فیخ هاه الدنجان که توی ادروه و ایر ایس میرود يناس لمرام وما بهادر كورلية حاضا فيأير ا مرالا مراکت بخک محد نزیف فی مبا در یی چرحفود بیگرچه بوید تبری برجیت آسد وي عِيمِكْ حِيرِاللهِ حِيرِهُمَا وَبِي كُلُواَبِ مَقِسَ فَقِيسَ مَوْمِ فَلُوزُ لَى تُونِ اوْرَجِبِكُم

ادر ننجاه القدي مفيدار ولي في دوليك آيذ مفرم وياددان تايذين الحافاد كالأنه قل المرتفي الما والمائية والمائية والمرتفي المادوصف مجاه على كونه بينها تما مع في كانتها والمعالم المرتفي المادوصف مجاه على كونه بينها تما الموقع المرتفق Sold State of the ر الاب كرام دركوس فاصد ربت في مانت مهم واقع شكار كا مصرت المام ميس اللك مرد (والفيرط الله من نوبارموي تني درسط ردد بينوراس ارتبررورد النياسي المرتبر ورد النياسي المرتبرية المرتبرية الم كامرض المات آي ورطوب تقال الم المحقام خاصف مبار اللكك روزه مواأنها مكر مقل المالون في المرافي المرافية ال ١٩٥٥ كاره مركا فرين ميرون مرائم اللكت الدوله نبغ حك محدوالغيرها والعراد وال عادا ني اخترج كامراني عني فرزنه سعا دت مع نتم الاسم كناتي بوالفخ محر فح الدنبي الهاروك المرابع المراب بالنجوان سفر ولهوين محرم لاقالي روسجيا نو ہجرمین تبریب بینوروروریی فدو محدرت ייי ליייי שליייים ליייים לייים ליייים לייים ליייים לייים ליים לייים לייים ליים לייים ליים לייים לייים לייים ליים ליים לייים לייים לייים ליים ליים

البيران المرابع يد ولفائح مفديو او فيرار ووادوت زاري خودت والكادولودي ويكر ا مرصوع اللي مروان ي وراي ما مرصوع اللي ميديد ي وراي عظا كرو اورمعي البروله غلام سيد الدورجيع من كوليك عا مراد رفع مسرالكي كيفرار وكاور سي والفي موكورها موط طرائی تها فایم اب عرفه پخودین مول والسم كوفوف كاورورا كضبت وكات A CONTRACTOR OF STATE رانوزني سيرز رفتك سكال عال منه اوم مصول في رضوداً English Charles رادوال معرب مصديس كرلوا فعرنها فدا فدين بالكو الوجيل بالمثقة رفة رفة جيع متحدة الياور كلي من وخل كارموكه عبده في داوالهامي يياني تفرير يارعب من شيرالا غلام شكان بهاديمه شرفا اورخ ت مخديد فري بڑي او تاب او ثبائين عني كالتر علاو لمن موكن اور ميف كوست in the state of th المن ميدالين آيئے اوران تا غرار دراما لدوسة To House the Constitution of the Constitution The Charles of the State of the The Distriction of the Control of th

من دري درختن عيد للفط عن فرالد دار منصر يجاميا در كوهي أو تر الدواه هر الوالفي ها المنظم الموالفي ها المنظم على الدوانون فاري شوال و قارالد ولد علت ضط و لمان يري المار المنظم المركز و رئي على كياد و الوان في المركز و من المركز و رئيس المرك على الله والمنظم عن والدوار منصر في الدوار منصر في الدوار من والدوار منصر في الدوار من الدواء في الوالم في الوالم في الدوار منصر في الدوار من في و عالم المرز في دريج ما الدوله محرا و الفي خال بها در كو و السطر نفات المرت ا الله علام ميد بها در كي اك رورو موين علام كيد بها دروس الم كي انورزان اوراركان ٔ جهات خصور مرض مرکز فلداد سائل کم الموسور منعانها کوشه کری احتیار کی ته یا ور معدوری فارالدوکیم ایم حضورتا ي تيم فغرالدوريان كركم موروس إيركيا نهاحتي ففرالده مبا زاللك في عرضي دريا المراد فيلتم الريح اللم المراد المرام المراد المرام المراد المعربية المرابي المرابية المر ادراك بارك ولين في اور رومارى اور تخول و ام عفرات ان كا در مافت و المنديد ادراک بارک می سے محاور روباری مورس س س رہے کہ معول مراد و اوالوم اوالوم اوالوم اوالوم اوالوم اوالوم اوالوم اوالوم اور کا می ماد میں مادور میں معلوم رہے کہ معول مراد مورسی میں اور میں میں مورسی مورسی میں مورسی میں مورسی میں مورسی میں مورسی میں مورسی میں مورسی مورسی میں مورسی میں مورسی میں مورسی مورسی مورسی میں مورسی میں مورسی مورسی مورسی مورسی مورسی میں مورسی م

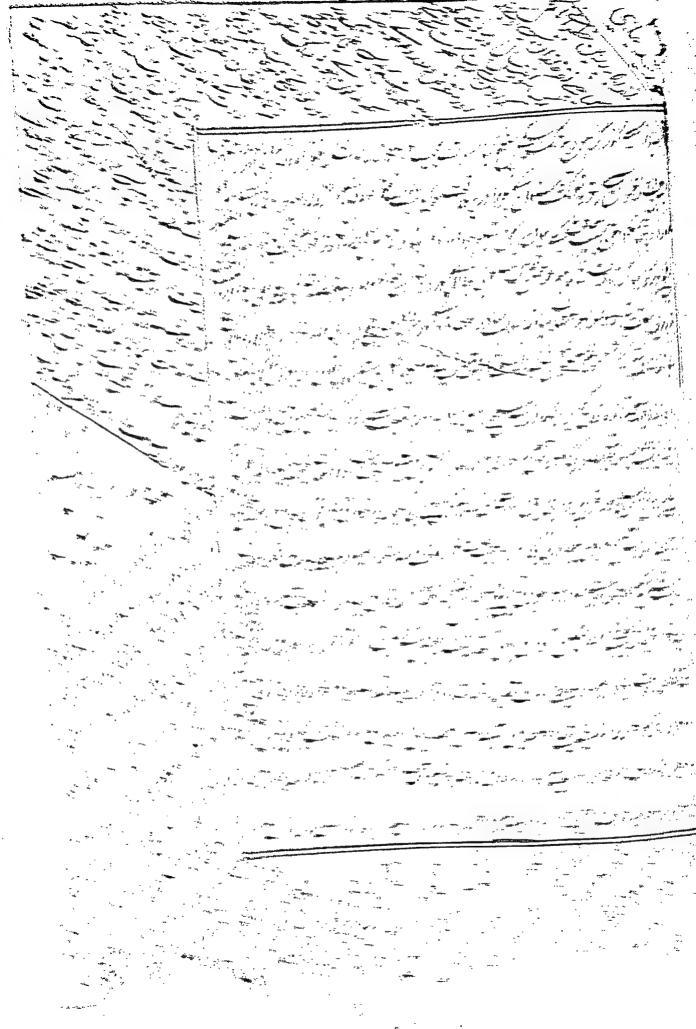
عواوالفتح فال بادركو تخينة زمكاداما بالمدارك امعارد الأكس تدورا بدتوج الع مفريب فصت وكففاذ اورجو كأمعبر الاوله غلاز خالن فلو أوسي حافر سوك ا ایما کردت برح فارالدد اسکه حضو پارع فی که ما فرسوا ندد کیا ایما کردت برح فارالدد اسکه حضو پارع فی که ما فرسوا ندد کیا فيارج كركمة والجارد وانه فراوين فبالمجرحف عان كوردانه اوسا والادما زالكك ارمارها فرمايك لكماتع داسطے دارک رونوں کے اور میں ہے کو ایک انجا نے میں اوالواری داسطے دارک میں کا اور موجہ کے اور انجا نے میں اور الواری بازی بازی وزفه تجرارتي فيخرار ارعني ونفار بوجها والأكيآ رينے كيره فيلى في ميري كم المحاص كار مدابان ج فغده فرانبح تكومجيوا 190-Mr. Jaki: Ci. Screen 12 Miles Es Cilia ابننهر

مان دوراد كرواس ما الفريط المان والمراق كرا و حدر المراق الله المراق ال والمان عنوم والم عاد روام وي المحال ا The Country of the second of t Superior State of the برکاروسی رنوم بوکرمبرس عافو من دراو م مرفای کل بواور الاجی تیت بدانعها در معالی از ال کردی اور ا بندرا وعوف کیم سوای ده مرد او کوکه امنی عراجی بری نهی مدولی این با بندرا وعوف کیم سوای ده مرد او کوکه امنی عراجی بری بری نهی مدولی . رُمَنْ إِلا ستفلال مُرَاحِيال مُرارِعت مِبُوسات كم دل واغير في المجارِية مي خيامي - رُمَنْ إِلا الستفلال مُرارِعت مِبُوسات كم دل واغير في الم من الموران على عاد كا دورند كا على واسط ورجديما درنعير المحاسم المحاسم الدوله يمم وروكر لله أورخطا عظيم الدولة يني والود المروس ويكم من طرح والم كما نف في كلمو اوسات المسام الم وريد على فالمرافع في منول فرايد ورام الموفع وروم مرفط فالمر من من عارى الله و الكريم و عن داعل مدة مركور كم وه وار الطريم معادر المارة من الما المالاي الما المالاي المالية المالاي المالية الما The wife !

الرزاري الم رفت وستون نے میرون کا کو اورع البي والالداده كالركث روى واصال را Cingle Control متی کم ارتب ارتب مرمون کرانو کرات Sies Contraction 100 E. E.

A STANDER OF THE STAND OF THE S Signification of the state of t Je de la Crop de la Cr م دوران المراه المراع المراه المراع المراه ا ور المعالم المعالم المعاد المواد المعاد المع مة اور ورد المراسية رن بی ایم در الفرد فاد ا فلاص بنظر زول هی فارسی الفرد المراد ا و بیله دو الاین می رود و ب مرافق من وروز و مها نراد ای مای ایرود و مها ایروز و مها می ایرود و می ایرود نني في ديو كرك اور ميو سول مول مول كرك المراب المولاد افروزی و بر ان اور کری این اور کری این اور کری این اور این این اور اور کری این اور اور کری این اور ای والمراق اور الحالى شروى الموان المراق المانيني ركما تهدا والمزي المعتاور الدوسوانوليك المان المجاورة المحادث المحا ويت مولان كركم المراوكوال يديداور تو اس كدركها ووجروان فرك مان اردا امراولوان عيد ما اور يه الحريد المراولوان على المان على المان المراكبي المان المراكبي المان المراكبي المان المراكبي المان المراكبي المان المراكبي المراكبي

250.1





The state of the s Season of the Se اور ظفر البرولمركو على محاصره بركو كام وا حارسوان فلي عرشا من موكر به دنبين دائرية اولای رت کرکر با بدفتے قلع ندکور کی طفرالدولی کو دارسط در بنی سوالوسط ای ترکم طوری ريكة بريار مغالب متي أن المريد الم المريد مارات المالية كَارِكِيْ وَقِينَا لَى بِيمُونِينَ مِوْالْمِرِيُّ كَلَيْدَانَا بِيكِيْ الْجَامِ مِنْ فِيلِانِ مِيرَادُوهِ فِي مُنْ الْمُنْ الْمُنْ الْمُنْ فِي مِنْ الْمُنْ فِي الْمُنْ فِي الْمُنْ فِي الْمِنْ فِي الْمُنْ فِي مِنْ فِي الْ ل قل كريد كريد و التي و جماكم و يون كرون كادر ل بتواند كان على من خابج فرخ وفي في أبي سومو بي دوسير در أجمية بمن روالي والرالدولي. ارت بی ارت در اور تام رفقا اور در این از البر و این مین تنهاعز نیر داداه میم رمیداد برماد در واکویی للبعله كي مجال فراكور في تي ريخ رسيح الا و الي رائد بي تياره نو يسي بحريس و إم ورسله المردو ورفع المرابات في وزال in the service of the اللي بالمرابعة ب in the state of th West of the second Ship to be his file The second in th Control of the Contro

نذكان عاداسط فبدمود إمي دادما در غالمرسركو علاكي تمام فتأكي وكمر للدوله كي وحرميكاس ومرمين فمرطالت تزانعال مده كم حقيمة ورسيرالدها جد جسور كي مسمح لياده ارتج المزيمة ر بر زول جسلال زایا.

سوانه کم اسران جا مذکر تبارک بندرا و صحرا من وزگرایک بهوات م جرجودی زمال کر کردهٔ از کرمینه دول کرمیررائی جارینجا کتے دیں م رکبا تہ ارمف بریاکل زه چانره آده کی شده می بریم زمایک زخ کاری ادبها کرکرف رمواا و پیشر در می میدهدیم العراعة وكياء ومرى بدّر بلركيا وركن وقع كالميااس ين بن ودالفقا والدولة المراق ا Stranger of the stranger of th الماروة الرائع و الرائع و الرائع و المرائع و To 19 miles of the control of the co مر نبرسی در الماری در الم The state of the s The state of the s The state of the s The state of the s AND STATE OF THE PARTY OF THE P

طلقطار حورته كاسوا نهاا درادا در مي طاركم يكم بوأ. ين الله يكردا في بني ملة بي بذكان كالي لنارر اوب الابوا ما موفي زاكم إنى الرك من من دوما لحث بيرع ويفريم دربا تسادد کمباند واد میم حقودیمی المدیکارا عاریکم چی ندکان عالی نی مود فرکز ایکی غیر اکی اما فؤايات والبط كك مكم اه فري قوم الدين ابى جاب مؤكر بوم اوراد دبريس S. W. C. K.

الحكم حقور قبقساليا اور غوبمرو سالترفي وطفر ستروین مارکتاین داخل بلده مو اور برکیانی جان نی نیم کر فلعه مورفیا جاکت در است. و میرا جاکت بویسی ط الفرالدوله خطاعاً بيت كريكر مفرقه برايه اور دوبرارسوراد دبايي مراجي مراد كيئ اورا ينبوس المجري الاولى معبغان بني كونطل اور تصديكري الع يوراور راركي موي اوراكيوين جادالا ول شراك الراجي الراجي المسري الميحال بي و بعل اور سدين المياري المي الماس الرسم مرساله المرسم ما و بن رسط الله عبوط ون رو د موسي كراسي لعباني مري فيلما كم فيلما كم المراكم المركم المراكم المراكم المركم المراكم المركم المركم المراكم ا سن خوبی منسلم ورکواندر کیے اور سنامیر من این ایک ایک اور کی جار می اور کی اور کار این ایک کیا منابع کی منابع کی اور کار اندر کی اور کار این این کار دی این کار ک محل دنتا بي تونرونا و دېرا د رېږي او يې اگرالسرات بد توپال فاره الله او السرات بد توپال فاره الله او او استار منابا بندت کورا جرام المان خلا اور خد بیرنجاری کرم الدوله ی مجارا جرار کرد. الدوله ی مجارا جرای کرد بیرنجاری کرمن الدوله ی مجارا جرای کرد. The second of th in the same 14000 the state

River division in the state of the A STATE OF THE PARTY OF THE PAR الإماد كمرا دون 15, يآ درغرة موم سيداكي ده يج را يمان مامره تغويمرر كاع

. مرقدم میدهم کرمبودار به قدس شهرا در ما قات مناسب بیاوه کی حاصل کرتیه بهو^ی حیدال الرمعادة كي كبدورو دموكي الاكرمردان الزرنير كمه ورقيل هيال حيد علي فالمريم بيم مهرا وجاي أبدكا فأكمية فبول رعم بمرتبضت فراتهم تربح حررعينان كاجوز أبس كشدتها براجيب يرس يرجع بوادورا عات البي بي يسركن الدولم فيرمواج كو حضورادد مرك بديركرا ومرلا المردار المنع كالكردورا كوح عيت جهراه تهي رض المهيكي يمن أن ومنوج اور في الما مور مفاط البريس : وَرَامُنَا إِن موين السّ مِن بِدَكَانِيَا مِن مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّه يدعلى كااو تمام سال تو يحكى وقي عاندكورك اظهاركته نواب مدوم موفيه كويذركركر وا لْرِيْكُ دِي اورضُ لَ مُركورِنْمِ عا فريوسُكا اداره كياركن الدوله واسطى اتعبال كردِانه و إيا وعملا خودالماس اور كفكي مسدرون كي اور كي موسع مع ساكر واريداورد بنه اورايك مري ا اوركيت منه اوراك غوطوا وفيفه كاركران رضت فاعاب بعدد دوك بهرا يزره و ليمقدم النبه فراوح يدعنن ن فرزه ون ادرا قرماؤن كولكر داسيط متفيا ليم عبويا كم الرا دام مي يم كالكه ادراكاون مزورو لنق اوردومزارتها سوفياني ندركدراني ادر عبوره برارم بها باج امركم حوا مِن مِمِت لودار مِن اور دورد ولا و فيل نظر افر من لا اور دو ان فرقو من حوفيه الرام boriet interest Ting. dr. vin

Simple Service يع مطرباور غالدا دكيكم فام الكابر ثان مناقعه محد كروز كالنافه مريز بذبرت ما يا بي من وقوف كركيمة عن اللكِّنْ جَاكُ بيشْرَ البالِينَ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ نبار نیزولانیاده و منوم موکر قاغت کیا یا ه لیا تبها در قلهٔ کو قل من تصریح تبیم ماکرها هر داد. منابع النوار وليكن فواكر الع برزالا برك دواده واعف ولحقة الأواركيد شام وزكات بالكرات بناك برفاق لاياشى نېانې كې چې_{و دو}وانى رىيان لارمەسۈرەنان چى كىفلو **دۇرىن** دارنىيكى موق علود البندكا مالم حوز المومة دائح ملقا ناركري يروب ن مرستكي ادرا فيك أن وكون ت رُبّاً محد على المرواكما برخرا كريده أركا بيريخا دربند رجيا بين بين ماركم إبروارا كزركا وبذكاء فيتعم يدوارف برا ويستكرك بعيدارمها الكير بالخر وأورف عقدانها والمرزيج التي دا كل مليخ تغيير دا فاخوار عام كي انهر دون والمحتال بي مود والدراري والتي والبداوة مینفان کرنفات جسته با دیک مزل میلارنگ ایک و این نیم وعمت میکاد در انعماری أرغاوت كي يم من في أوصل كي اوركها قهر راو ا و موراوس حدد بالم كرون زيسان بوااوروبان يم معدج فدكير كالي وايرات وبان وبررادينه مفوري رك العدا مدوع فيان أي كريت البي المريح ما إلى الأعدالاق فلعية فالزاورموا مِنْ افارُ الحم وَاكر مُولا ور ريضكن لِيّه بيكر على را مِنْ ادروائ (G) it disorti

S. W. W. C. ننواه کې راجيے جاله کرمتبوکو سکی فاصدر جا از اعنينم جو در له تی بوسکي تها لولو تو بنيار کا که کېر التني اورنها رئيستنروآ وزكاكرم كي قص كردكا رعاج الرح كيريين مهارا برتا وفي فتوري يكاراك كنية من وامان قراول كونية حرايا مراد خال كوده عهارات خاد د لي وك امام لا سي كام ممارة كاكام كا والفي موكر باركانه البيكر البنيد وخم في لام سنجا والم مرازده فاطاور الكرون أوكر ورتعيه فاطرحواه كاراده كالمركروليس مراعك كيد بدرااورما دوي أن مروسفام كرما مذكركم عدام كي س بن مرتوس مانيك داراكم ميا Chi. و اور امن م حرك الدو حل مو ااور غلام طاب كو خلاس الدوكة بزخ كود الله ارا دره ای اور ارت کرمها و در اور میکه و اصلا کیمه نیزاری مفاوت المراد في المراد الى اوران وراير اورنط مزاله في الكي نفول عام بها درمت رتبي اوراه الريرات مراري المرات مولات دكر المي مرفراذ وخياكا روكم الدولة وكرتنب عبيه وتها كي أنج احتيار وبي النيان حركي الم المراج ال المالك البي كون در كالسجها سينفال موامين دن موقو في وسي مراسم عملي المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المالية المرابع المراب مولا إدري ميكن الودس ونبذاروي بيني يحي عدراما كوآبيه اورموكر عازم بدوارا ومورا ونواب عدوح فاطرع موكر صدرناك كم وه محاركا روام مي رتمارا رم المرابد بأباد وأفاق تواثر على المركز المر رادر مالای دا و بن کستر این سنتے کا ہور نا کی رحد آدر مو آئے بھی فویس كريتك في ريال وكراكم وطب اور المراكا مواقع المراكل والآل مدولي والمراس في در المراس المراس المراس المراس المراس

William Brillian Control

John State Strike The state of the s والمالي والمالية والماليم والمالية والم والله والعبدي بساور اوركره ما يون فيزام افتياريا في المجمعة بين في ورضا والم الله الله بن درفيل رسيايا ورائيسي عادد الله الماسيايا ورائيسي عادد الله الماسيايا ورائيسي عادد الله الماسية الماسية وحادوراية من مربي ورفعا منه بن درفيل وبالإيار والمجينية والماسية الماسية الماسية الماسية الماسية الماسية الماسية مراه من المراه و الم من المراه و المرا مراد المراد الم 163 على بدر وزيم كي مبدار بدر المبيال ورواسط المفار بابر مف ومرسون بدور جمن جيدي من عمر كو نها في كران وروان وريان اومورا واور كما تدرا والمراث المراث الرك تدراد جا الم على موكل مغياني كالون برمني رك تدراد وال الدراس اللي الفرايان برانوار والاراد الوريان المريان المر الموى اور فيها فتبن علم أين الدركة مبدون المن فايت ي الريكا كالأر بادر في النبي الركارة الله المراح وعده وكروك بيطورك المراح المرا مِعَمَّة الْمُرْدِينِ الْمُرْدِ

Live Diene indentification of Light stight اعداقي ورزيات UL

المن فطه أو أمارا و أو درات الاوصن على ف بخورسالا الجراج من بن بن المراز المن المراز المن المراز ال ر مرت عدد درناه مه ما فرافت: بين نما قران تغررفت و درال المرائد المرا مر مردان غنم كوند من المحدوراله اس مر فيها نايئ عالم مادركاتفراه المراس المحالية المراس المحدوراله اس مرداله اس مرداله اس مرداله المحدوراله اس مرداله المرداله ا م وبدمير المون واسعف وعن غينمي طوف كردارا لمفركم الوراد المعالم المرادال المعالم المالك المالك المالك المواد المعالم المواد المواد المعالم المواد المعالم المواد المواد المعالم المواد ب المالعين ألى توجه حداله المرحم في ناين عالم بادر كاتفراج في الرالمالك وترف الرالمالك وترف الرالمالك وترف الرالمالك وترف الرالمالك وترف الرالمالك وترف في المراد والمالك وترف في المراد والمال المراد والمراد والمال المراد والمال المراد والمال المراد والمال المراد والمراد والمرد والمراد وا من المراز وزوان وران المرااب المراز المن المراز والمنطقة المراز المناكث المراز والمناكث المراز وزوان وران المراز وزوان وران المراز وزوان وران المراز وزوان وراني المراز المراز وراني المراز وزوان وراني ور الله المراز المارية وارالا المراز و دارالا ال سراک رن پردورد والای در در فروسواران امر کور ما تربی در بول کی تلف مورکن تررونی از در از از اسم المروان از اسم المروان اور از اسم المروان المروان المروان المراون المراون المروان الم عارافي المرافي المرابعا ولي كركه الواج كوافي عوام كورض كاراليالطة المرابي الم

The state of the s Tering the Hinds بوقبل عجوانل بوبط يتي بذو*ل كفل أو* موى بدجزد وزكي ولربيشي الماكرك أوي ادروار يسمع البعداء مع بخكب ادروز بلك م الماكل منها والحالم منها والحاسق ولنصل فاربطام للكرصفي أا شرعل ول ي كي ركت ميدان جاري إيه ما روير خالي كيزو مومكون كها أخوالا وتثنيا الكاره ميتنز بجرمين ساريكارون محالات غم تيزيك بتا مرسيك شهركور كريشويل ويتمير مو^{يار} اوربيا بردا ورطورة والما اورها EES مريا بيوراور فلحد يجار فورسه واكرب والور فالعداد رمضداراً بسيسي مواصع اور فلا عفر بلري ا الكرمنع كي ا وركار بن فقط ميدرايا اور بعيفي م ومبرارا ورجيفي ربجا إرسوا كيداوربسي مروا المك 201 المانية المانية ويمانون r.

Marine at the state of the stat British Sandard Strains يكربنجا وخانجدوا وفي كمجدا يسلطنان كالعشهما ودنفام الملكآمين واليسوج فت ما مجذود فيذادكم بهي وكرب حقف حال الأدليات البغير بي وادا وأسفوات والمتعاددة يس ذرب مدوح كال مادرك ادر دووي كي ركم كوروات مي اسين اراسم عال كالري The state of the s يُّ كرده حبيد كنير إدرَّوْكِا زَفْدِ لِهُوْلِ السَّوْلَةُ ارْدُولِ السَّوْلَةُ ارْدُورُ الْمِالْفَاقُ الْمِنْ Ship Mark Jan Jak مربيري الما فالرجع يجرمواه والماجاد وكالموا وبالراج والكا المراد ا ندال كمنب كركام وابالور وكوني فارت ذور مدوعي مي كرني حوق والت والمعرف الدر المدواقة والانطامة ركي وركادر كي وني يم وجواله ومن الك آي العال والفاريك روي بيك السريخ الن فيري الموالي الفات بعيضا أن واسط فرص الدود اور بالله طهاد رهداني المحرس في محدر ارد اميا راي ام بيده وركي دور المرض عارف أولي مراكية وقتلي والما المثلثوم أورث إلى المثلثوم أورث المسابقة موطام أنا ادة الميلم أله كرروم وتناسم في أوكواي أولم في راعي صفار وأن الروالة وأن المن مند المراج والمعوام الدوم في الي الا منود الروم ميد الله الماحدة القصرة والمع وعير ويون ويفاتم والرجورة أو كومتني زما إما الفطاع أمايس فرا المحيد فأباد والمفتر الموجد والماجري تمرنا وتقورته وعلى أراع الفريق ويكارته بالاج مادوادرما فرى بونساكا فكرا وكرتم ريف مع كم

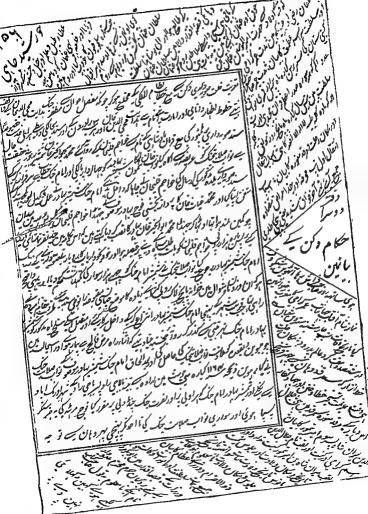
ولنرجن بجنا فيمريه وجن زانش الركس عن أوليكي ويا A TOUR SURVEY City Control of the C كاقة بطلط يدورون أتربيط وكزلية وزرب كان يخابت كالأوال من الكيركم دومه برنسك وين بيط يرا وتلا وتين بررة اللاي وربوع لي م ر جرزان يلز غرنه وماي خوار وث بهوش مركز اكوند انبوسي وي كروان و ومعدسي بأبرج باغنيه رئت را بمكنين ونوارزون ما الكاصفي فيلم متدع ثنام محدوكا به در کرم اعراق الرکار کورت و آران کرم العظام الوال ارجه مراه مورد کرکے نے اور کی میں الم لغركم ازورا كراكت بمسكر كالموجا فاختصف في المركمة من في كوكالما اوركون ورسي وي المنظمة المركزية المنظم ومني المنظم وقع الم ئە دبان ان بولىن روس روس بولىي مائى غاربىي بىلىن كى جۇرد نونى ئالىنىچا، ئەربان ان بىلى روس روس بولىي مائى غاربىي كى جۇرد دانى ئالىنىچا، عظم را مولال ون سهيكرمنا م جرين ني اور كات فريان مكرزان را له ريون زنف مالار معنی نیانی بنه و میوات کی کوئار مامرستم اور افریسی کا منوخ بوکیا تو باجت ما مرد خاصطه را رای سیکی واس باز دیم ایندین وامن فیک كووخ روي نهب معلوم وسے كاستھے ليكن كو واسمنا سكر جب شخبيتن زويك

Topo Paris Inc. The state of the s الدرارو 13% ب بغراب نفام الماكل صفى فاني ميد في يوسي اوراموريب كاقصة الما الدواد فركول لمطنة اورمبره فيحت بن بهاد اد مند بيخ قدر كر دبا بيكس به فيا طرح مر مكي توجا با كرمتني سيستي والماني CHE COL Tuo Singio

والمرابع المرابع المرا The state of the s ر المراق در المراق المراجي المراجي المراجي دور المي الديب عام المراجي المراجي وركي المراجي ا برادو کمو درا بنے مزاردو الله رکندرا مکویال توریخی مرکرد فولاک براد درم برونین مسائل کرد. برادو کمو درا بنے مزاردو الله رکندرا مکویال توریخی مرکزد فولاک براد درم برونین مسائل کرد. من المورس المون بولم المرائي و في المعالى وسر المورس المو عدرا في يد أنتقال ميرون فدرك عزامنا إليابي المستحديد والمراس عزامنا إليابي المستحديد المراس والمراس المراس العنف بكورمال والفال فروري كركي ف يا برسي كل ريت الدكوراي مو المرادا النفاع العوار برافقام عليي برادرك ممال مركم ملد إنهان راد اللب في العوار مرفقام عليما الم ر مزارمنا مز کی مذکر کی میاج نیا اسوقت مرجبه کرواه حربی اوام را در می اور نید انتان می میاج نیابی می در اور ا المرتب المان م ما والمنظم الليما بها زار بليا المرتبي المربع والما يو مجت ما كما الازدا بورم أمها الابي ما مردوسط فيها من فرارها الطي المردوسية المردوسط فيها من المردوسط في المردوسط المالية المالي Medicine.

The control of the co Minter Strain The Jake The State of the State وندفان باديورة وادرس باره سريت برخم ورنفام عذات 60 حيدرايا ويرآيت ورجا باكرتلوبير كالحالي ين صبيون الإيزارها كي ونيكا أي لا الم إن ويهيجا اورد منجا يداعد اللاق كاكما تأم كيا آجيه Misting Tol الخيانية ا روستان مارستان عمد ا Ed State Control of the Control of t مون زمونوی اورداسيط رعرف داميكم جارمحل تركورادر جارمنار رقوبين نصرك وين فواراك Single The State of the State o عد دورد بهان آیت و آ وك الحديث علاكم يم

ي من رارسواري مقامدياله م كسير بها در اوجود بمنفارج بي فن ميد بين كروسا كيهروه وردو نان به منها که اخر کار منه دایس دوسیر در داسیطی طلب کری ام حبات میسرد ناان به منها که اخر کار منه دایس دوسیر در داسیطی طلب کری ام حبات میسرد يد مي اميده الموه كور وروز النطا خوابرات كرمي رفي كا اركر حت كالامي اسطوني بريك مركوه فوج كويا من المعلى ولهان كي سويا درين مادورين فوج San Colon Co وروز ما ملا كي الأنت عظم دي محد المخال كورخ كو الحالى ري الدو الترافي بيد المحالة المداري الميكي وت المحادث الرس كي ين مين المان المراداع المين المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع الم المداري الميكي وت المحادث المرادات المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع المراداع الم والهموركونوة ميئ اور فراسل في في حداله اسرانا من برالا وافرور في العالمات مِينًا وَسِلْ عِلَى اللَّهِ فَي إِنَّا رَضِيكًا لِيكِارُم اللَّهِ الْمُلِيكِ بِوَلَمُ مَعْلِمِ اللَّهِ لِيكَارُم اللَّهِ اللَّهِ لِيكَارُمُ اللَّهِ اللَّ ﴾ الريخ ذرار المن المنظم المراجي ما تهوين فيجتم الخور ورثبت في المعنى المريمة المورور ورثبت المعنى المريمة الم والروسي في وراي المنظم المراجي الما تهوين فيجتم الخور ورثبت المعنى المريمة مروميو العلم عداده عمد في عبي المعهد ومنال ماره سي تي بن نوبن ماريخ محره الحرام كي تبي ومت اله ان درام رائم که در اراد دی می رست در اور بر موبی ور می مامد دانی درام رائم که در ارار ددی می رست در اور به موبی ور حدرا أسي مزرد ومهار موا وراسيه مرجران وتاسي ورصا اصطلاد ارج ودري دكري أنقال فروزتك حصر دالا على مولامقال مغربها درام جنسه لهوس رسطالانس بن مرض الواولورس البورس الم A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O



مكن السكانجيمولاتح إورغافعا عاميم ل الطالمون غيب وِرقط مورّ الأفضي الفاق المرتفاريّ العالم الفاق المرتفاريّة يه التي التي التراكيم المراكي من و در الدخوان الفاط الفاط الموالديني المي المراكة و الموركم المراكة و الموركم المراكة و المرا مرا المرابع المرادان فرائية مهاي بي قوم الأكماره سونفر نفي بوش لا يي سوافر مونيا مبطي المرادان فرائية من الي بي قوم الأكماره سونفر نفي بوش لا يي سوافر ا در ی کرزنه و پسکر بیوسی عاصل کلام معدفتل فوات بهیمی کدوه نا عی تهاب عدر مواکداسط مية طوه المريك ويسود ورز الوريه بي واضح موكه مدايت على المروشيم الموركال كي الموركال كي الموركال كي الموركال كي الموركال كي الموركال كي المراجي المراجي الموركال كي المراجي الموركال كي المراجي ا ببصدت دمرس بينته راغب ط ف عوم معنوله مكه تهديب منطق از برتهے مدت عكوم ون نواصلا خیک کاسان نوار مرالها لک عفه الدوله صلائیک م پس ية من من مع النبي مع النبي المع المرائد المرسي مع برناه مع النبي المع الموارد المرسي مع برناه مع النبي المع المرادد المرسي المع المرادد المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي المع المرسي المرسي المع المرسي الم محد شریفظان ورمیخل عنیمات مندایات بریمن بیم اور بعدت مطرز نین کرندی عدرالاگا رئيرُو بيدرآين اورندونب و نا بخ فارغ مورننوه كرفول مجوور كومفتوي و تا نسطير رئيرُو بيدرآين اورندونب و نا بخ فارغ مورننوه كرفول مجوور كومفتوي و تا نسطير راور لعاب المراق المرابع المراب الرفز المرود.

ترنيزي روه ماوره كومزا وكرصف الاسيء مهت بها درخان اورد وسيم رأيماد دجر عطم وقنيا ي بريس الر آدمي د دو او كف ارتعم و در این از انگرین مدارت محرالدین سکه ایس ای که کا انکا تا م موکما ایک د اور کشار د ﴾ لِنْهُ مُواصِي بين وابت حي الدين كي تها مؤرة أبير علين لا يُن سينة جدر كر دا بت م الماسطيع برفائع كاكوبر ڭۇنىي مۇسكاكاڭ كۇنىرۇ كۆكۈنىڭىداد راداز ئەربا دۆسكىرى ئەربىرىي رائل مىج و مجالدین استان کار کام تام براادر بهی دامنی برکراس افوای ای ایک خر نی مرفظ م عینی ان بها در *کیم که ده بهی خوسفیر بر ا دمیدان جار ب*تر

ARE O'- 1 SARA LINE SAR SO (1) ر ما براه و این بر آخر دور این این می این این برای دان می بداد ار را معون بر آخر دور این که کوکوری سازی می این می بداد می می بداد فا بنهادهٔ تا دیج روات ما ما است الم در ما تا مند در اور بر ما ورد می ا Charles David Style با بيكروارية بدين بيرور فوانستادكه الم يرايين المراي بي اورا و مراي يراي اورواييها با بيكروارية بديني بيرور فوانستادكه الم يرايين الميانية بيكروارا و مراوار و مرايين المرايين المراواري ال رحم راج لل على المام من من المام من من المام موریکام روت میدی اعداور نفانجید به اور دورت میدین احری دند. محرریکام روت میدی اعداور نفانجید به اور دورت میدین احری دند. محرریکالام روت میدید وزنه فاص صرب دم نیخود: فر دار دریا دل به کومرای ن ربید: ای مید دامن از در در دریا دل به می کومرای ن ربید: ای مید مريد: ولد اكراديان كل صابرت: زخ د ال دوايرت: والزمر ايد كالل سارد: زعاجي مرخ ان فرور المراق الم المراق م الدنيمان كابيال مطفر عداند والدنيمان فقط م الدنيمان كابيال مطفر في عداند و الدنيمان كابيال مطفر في المان مطفر في المان مطفو في المان المان المان المان محل الدنيمان كابيال مطفر في المان الم وريميد من المالي المالية المال المرام ا اصفیاه ای را در این بها در اور تربیای این این در اور این این در اور تربیای این این در اور تربیای این در اور تربیای المركام كالموال ورجه المركاب فل علني بهاد طارون فرز معفوت في نظر ميد برسي وعام كارداني كي طليروا الله المرام والمرابع المرابع المراب رده وادی برخان ملات کی دهاند میرکردیا در میمانون علیوری ارون فرز نه مفرت برط رئي برخ اور تها اول مدور المراق المر ميرها روي المراده المراد ا istorial signature.

ي مان دي أور صور من أو الأوراك في في النائد مور والمرسخة وي م مي او بخر خال كاو كريق كر رضن مخذ او الخرط بالدخرة منا وكوسير فان كم رخ تكراملام كومني اورقلد نفرتك جبخر كاجوابه تخذ ليدلكم بِيرُهُ مِنْهُ مِنْهُ لِلْمُ اللَّهُ اللَّهُ مِنْهُ اللَّهُ اللَّا اللَّا اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ن ذاب مع ينه كال يؤن فعاتي ادوارت في مجور الطاقة بروين محرالحوام كالتلاالي ومنطات ولنكرزور ے کم بالانعاق ابرکے و فیوانگا کرین روان ہو ونت موحو دہمنی نہا جوائی فوایسندہ کا فروش بروكها باوجود اليسكاد وبركي اداب علين أياويهي والممع وجيدا الرح ريم كو سوخ عجلي رميها باموكا واسطيع وكهلاي وسينسكير المتستين عاريات قد وأي راوروة يخشش اور كومنسنش كالجميت عان اور ووخف غواصي الماق بالمدر والمراع المروض كيا المقاق والمرام وعرار ووفي روسية يؤكنه كوكف مدف تفكن إعلى فولاسيكه ومجازلين فرارو فدوخوال May De Joy City streets المايدية

المال العالم المالية The Constitution of the Co مدوج مستني نها عازم نهدوستان ميج اوروقت نهفت فوعد الحبيلانه ي محرا او احرا WO.S. WO. The Said State of the Said Sta ي مير كونهي ايكوا هي وايم كوغايب كي او وهو دار كر با نيوري خواج هايي كوادر هي الوانج عا كها دار خطا كونهي ايكوا هي وايم كوغايب كي او وهو دار كر با نيوري خواج هايي كوادر هي الوانج عا كها دار خطا الزيرانا راه تقرق تخطفان في المرابط في المرا ار می الدینی کی به میمواز بینوی برای عرضی مورث سر میماوت اورکم دایت می الدینی کی به میمواز بینوی برای می مواند می اورکم مررتيكا أكاتها خوسنا دكوينجاس وميرك دادوها بهادر طفرات بدريطي ر از المركة الم الوافظ البرالذي براً اورائو، ريا زرمده كومت غربيج آخرره المبار " بميادم" مرجدا منظر بهادر ومريد المريد الميان مورادر تواني مينها رادرا كالكر بيا ده لك توجم مي المريد الميان المريدية المريدية منظر بهادر ومريد المريد الميان مورادر تواني مينها رادرا كالكر بيا ده لك توجم مي المريد الميان الميان الميان ا ر سالاالکاره سرت برق مافترین از امام توب بیتی این می مافتار رسع الافروس و المره و المراسلة المرابل الم ن کور مرون رسی رائمومردم دونوطرنست دم میئے دوئی دن نا پوزرفا اور محر نوزرہا حاکر مرون رسی رائمومردم دونوطرنست دم میئے دوئی من المراب مالدين كوك من زور من المطلق الميارة المعرفية الموالية ا عدما ونها وما در بدایت محالدی کورنده نظر نیفرا یا مرجید کم دورتی ایون عرض کر تعامدر ارز المراس من من المرادي المر المراع و والمراب المراب رِسْفَدَر عَالَمَ مِنْ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِينِ الْمُعِلَّيِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِي الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُلْمِي الْمُعِلَّيِلِي الْمُعِلَّيِلِي الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمِعِلَيْلِي الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِ الْمُعِلَّيِي الْمُعِلِي الْمُعِلَّيِ الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمُعِلَّيْلِي الْمُعِلِي الْمُعِل مح الوزي كي موفق اورف وكام عارج كراسقدرنا بنه نه أبيك فنل كوان انها اسوقت بهتك Engly propriet Still by the grand of the state of the sta والمران المران المران المران والمران و שליו ליינילים in Single

لارقة اور دونتما راور برج الحااورانام صارت مزمررا) اورتبر برمولت يكرشك وكوي بتجاد المبيعة فيرسنك كي مودون بي وجوعدم فرمر الميتا الأيريز وبأديا فارسي المرام واركاتا وفرا البدام مخلعت كبينا كربها بدآصف يؤمينها والبرار ترجع الميول جم^{ان کا}ریج بارکرمان در بزن به آیے زسوز رئیا بر زفیت ؛ زنهار دان فنه کارمها مز ر کی کرده و بین از برانستهٔ شاکر برکرم ن در بن حرکه میان داسن زوکر می نیدو و درست منت مبركا بال ورنك والله أمريك ليرا ميني بها دربد ورركاد يكه دو دن تك مفود غواد ب ادر جب غير ان سوار إن الله يمام كلام اهداد الأربي مراوار البرين جايدًالأخري بيم وكارباط أوالي ويتكرون كما تي م كي كرسد وفان إد The Control of the Co God State of the s

مرحار المراز ال ر مرا موری از این این این این مردم را موری این از ایرار کریسی را مراسی علی مردم را موری این مردم را موری این از ایرار کیسی را مراسی مردم را موری این مردم را موری این مردم را فاربها در دو ترفيا مالدوا وحاب على بها در دو . المرابع المرا المنافعة الم المامنين المامنية المجان المحالية المحا المنافق المنطقة المنافعة المنا و المرابع المربع المربع

فركور وارخلياً إلى مدحدو Photography of the state of the ادريه بالفح وكروقة انقال ووكفري أكب يروك كولازم بحرصني المقدور مرستوك كحربة يوان كرم كوج الوقا فافيكاريه اوابطم فنالأوبو والرمية والنتي كوجود زماد سيخيضا ركبا وَكُونِمُ أَوْلُ فَدُونِ فِي مِن اللهِ أَوْلِي وَمِ إِد

The Market وافر الافلاقالالاقة With the Manual 1. Sychlop frien TANUS TO زرزی کی دلوا دی اب جوع کونا سونین طفط سکے داخری و الماره مين بن عوم كوالك المراد الماره مين المارة وادواسط مفالد ا فياكم كرده بنيالد سرارسوار كاروار قوم مشي تهاروانرك آياه برار اور فی عظم نوار می این این این این اور می اولوی ها بها در تعاف بعد فل این ادا در فی عظم نوارد و تقوی کمی این این اور می اولوی ها بها در تعاف بعد فل مع الله المرابع المراد والواور مال قرام بنيار رقاب والفي منظم المرابال عامًا ما والمرابط المرابط المر روز الحدة منا و تبعد من الموالور الموا مرود در با بنور کی سے و مدار کیلانہ نہ تغری خواج کی کیا گیا ہے کا دار کی اس کا در اس کا در کا بادر اس کا در کا میادر اس کا در کی سے و مدار کیلانہ نہ تغری خواج کی کی اس کا در کی سے و مدار کیلانہ نہ تغری خواج کی کی اس کا در کی سے و مدار کیلانہ نہ تغری خواج کی کی در کی سے و مدار کی کی در کی سے و مدار کی کی در کی در کی در کی در کی در کی کی در کی کی در کی در کی کی در ک الزرابي مي ويه ويه المرابي الم كره سيف مين جفير رسم خورد كي ندوستان وراً مدامداني كي بنجي المعين كالمراكم كره سيف مين جفير رسم خورد كي ندوستان وراً مدامداني كي بنجي الرسيات من مرسين الردادة الم الرام تا والرسور اور فعالما به وعرف حرب المراجي الماسي المربي الماسي المربي الماسي المربي الماسي المربي الماسي ادر مندرسوت اقرامدابا وكرات اوراكر مالك صوبي بين في فيط عله كالمراتها كم في مليه التي الد المنع المنابع المعالمة المنابع مغرباي تني ورجب بالم المسالم فعام كا دار الرور بالبور موا خراتها الحرب والورا وراعما د المحلا بمرز البرهين برن البرادي المرادين فرعتوں والدین ن ای واقع اور الم اسکا بہت جو این دور مک نوبت موقو رہے پیروب میں والدین ان بها در کی ای والم اسکا بہت جو این دور مک نوبت موقو رہے پیروب میں البرمين وأيد كرا المالية ومردان الهين كي ي عنه على الما وروني عمر وام الح و الما الحرابي المراح و و الما الحرابي المراح و و المراح و المراح الم بور روز بهاري زما د ني شروع کي براد ده مي حدر د الم کي سنام وال الرول سياري زما د ني شروع کي براد ده مي حدر د الم کي سنام وال الرول ا عاد خر الرخر الدري (وطفاز كان فاؤر الدري المواقية الدري المواقية الدري المواقية المان فاؤر المان المان فاؤر المان المواقية الم على زيالة مين مقام كمانية مي اورفي ألاسقا فوريم فالمان مو دوركترت بين تزا عكار برايا المرورة المحارض المراجعة المرا Jane Victoria الماري المارية بالماديل الماوري المرابع المرابع المرابع المرابع

Margaret St. Spirit of the party of the second المجار لمفرق وأراب المعادرة ارخ ما دون ما مواند المعادم ا المِنْ الْمُنْ ركؤبغه عوكما إكوريان فمل وارتي مراده كبالب اجوا درمش مؤا وسم بهي إي كيا ونفيع ادركرت الن وكول و عايد ز كب وك بي والله ما مزاده كو قد وراي وكركوالية بيئة ادراكي لينبيغة خارش بكات فاكم فافرار كردائي فادت كار جاد فليوكر فرا ماجراده توم عافر بو کال لیار اورالی سب فدیو نیر کرمیداد مفوطی مرفراز بیم فوایش The state of the s التونسين كالادكل ت بنيه ونفيا في كيارتنا ديك مريز ميكرون شابلني في نيسي دايل موي وُدكيتهم م تغنين على المالي ورفكي كوالفوام فرا يقبق كتركيب بعيضة مكا أخاط عا كورة الجعارات واسيط فدمت وأشيما مرام كباري المرسقدال مذين كولاا والكرا المركز بن بني تمور كركي أولج بيروزي الرذاكيرا لهلاع دي محدالوالجرهان بها دركه متبرط بالمنطق وكور في رتبط برا in the single straight of the مخاكوا مشركي كمرميها كمي ون تونيل ميت ركوركا با دردو سرارها فرميرا ورعف ولي انبط The Man Market بوكرميه طفر موم فردف كارجواكد أرمز كي كرميز الارائي المناسبين في اليس الأبيم أجما Constitution of the state of th المامين فواند كومسكونية لسرار كاموكه صفحاه لبركب يمياراه طبيع يوكن فاورك فيرجع The state of the s واسبطاجه الأبود والم تقرئ ولون باست بوانية زؤا كدبن توطر كرجافان موالهم وطلي كوامفا بقدور باركم وفت تكي وض كم يكرار ثاداعل كاليميم كوسر فليو كريك على كالزلجا والمرية كواعلاكا فالورف كوموا كالموالسط فالكالكوا فارك والأفت والمح والمروا بزروا كانت سخ بعا يارف كيزيج كنين كاماعه وويل موري وديف صالا يا بها ومزاليم المائح أي المائح · Higher being sterry ויוישיניט San Maria

The state of the s Edition of the state of the sta ي والمريدة المريد والمرابع وراسكم رورك Contraction of the Contraction o عادي الا واكر ملاز عاصا كى استرت براه نوام ملى قوي نتي ورم لوكر ينيروه بي م Eligible States of the state of كارته بنيالحاق كم عار مغركيواني فاطماط كواني تطبيري بيايه بيعيوس جادالا والخواط تغرر سوار فرام كركم واسط مقابله كي سوار مي نواب متوسط فال و رخوام فالنا Co. T. Clark W. Goods, براور مسل سكيان اوربصم المدخان كويرانغار يعيي وسائت اور محد الوانخيرخان دركو جونغار يعي ان ان من خارج واسط كماك ما مورفه الحفيا في صلحه سوار ميدا نين أين براي الحالي اور منه وظاور سي خارج واسط كماك ما مورفه الحفيان علي ما مورفه المفيان المالية المالية المالية المالية المالية غروعوى بدغ ولي فناب نقانا مرحك ورافيتاري علا ده برين فيها ن بهي المرحل أخري ا بن رسے بیجے آیا لیکن او خاک و مور کیرو و رخم بر کیرویت ال بر کم آیئے تیے آیا کو مولیے سوئے زرك بالىك بني كي اسونت وك نواج مراب باني والح كمرات ومتوسو فال عامران من أرجا إنها كوفريتر سيناه حاكر الميت والدين بي نه أكل منع كالعظم يْدْ جِي اللَّهِ إِنَّ إِنَّ إِنَّ إِنَّ الْمُحَاكِ الْمُ لَيْدِيدُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّالِي اللَّهُ اللَّهُ اللَّلّالِيلَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ المرابع إوراب فوام المرابع الم مع يى تبي ن الهيم في أي دوندر كذرانين فيال بوهما مدور رويسي وفي كوسلام مع يى تبي ن على على دوندر بالإرانين فيال بوهما مدور رويسي وفي كوسلام ي يورين في ده دو نورين وين الارواك كال مرواس والبيكم في من من من من المعرفي ال ودين تنظاراكيس وتونوالي كواكثراسيس انت عافرور ارجهان ساع في مقمون فاكت عامزاد كي ظمدال بن ورك الأرك الأرك الأرك المن ورف مرون الاحطر مسك

Jonny J. ا تحديد رينوندن (5)%;03 والمربع والمنظمة المرابع المرابع ۫؞ۼۘٳڵڔڣ؆ڽڵ؆ۛۼٵڮڵ ؙؙ؞ۼڵڔڮڒ؆ڛؙڵٷٵۺٷ ؙ ورك مواجباكه دفراو كذراا وإنبي أدان يركم أتخوالام لصغيركا اخاذ درسكي العدي مفتل خطة إنهاد أفياني في يرم الم كلها بر نىرخا ئۇرۇرچىغى يارنى مېكىم خان دۇرادۇلاردادۇلاردادۇلاردادۇلىران كاردىلىيى كىرىكى ئاردىلىيى كەردىلىيى كەردىلىي ئىرچىغا ئۇرۇردىيى صدره بهاي ويجاد بناه كم والكراس كالم الموثيان عما وكاف الازر البيركية فيفين كركم حملاف دكاراكيا بمارز وكالض بيكنا فتدير في باربوري محرم متع الكوره وربي المربي واربيت مركما (ورفية سود بالموري في مربيا الحالم ابيتنامط فالإماكية سينفي الماسي كالمركز فوقنا ريافياري ي الإيكار أن الديم وسيط زكرت والي أن الديم طالبارين وره فوا فالعزيم والمريد الديم طالبارين وره فوا فالعزيم وال ي مهر ينه فيكن اول مراكفا شريع جو واسط هر واقط ما في المينيا كي مقر يست ميرو كي مكا وي مهر بنه نسب المواد معند مديد بسنيك ليرحذ الخرج بوآخ غنير اسكامهي وبرب اداده فراوين بطافرادكم بنين مي مطلعادو ميراك ننين بالم سوت روي فراسطان كيارة كه إورة فان مواليه دواريسفام كوسكار صاحرات كوجيع المجرا نور كوت سيمان الما دين وملوم والموضاء كركستري وزوري الملاج كريروالط اصلاح نور كوت سيمان الما دين وملوم والموضاء كالمستري وزوري الملاج كريروالط اصلاح عاده در سروبد والبريد و بقيادير موالواليرفان يان دود كرسوبود والبريد و بقيادير موالواليرفان ي المراكب المراقبي ا المراقبي ال ٠٠٠ درية و ترتية بن No die de l'action ر المحادة 1.

مع ما بن موردارنا در عياز اسكستريك من الكراور عمر الكراميري مع ما بدعا بها وموردارنا در عياز اسكستريك مندف كيرا ورسم الكراسي ت مرباینور کونفر خیا بازی اور دونین کی مومین واطعیت موسین کیکی مقام اور دونین کی مومین دارای می نامقاور کی ماکردروزه ملی اورواستی مفاویس مواورد ایراده می ایراده ایراده می ایراده می ایراده می ایراده می ایراد رون میراد ور ن رسی که و استفالم است کرا موکرت را بروری مین ایک سی ای کاف مراندر دما مل ركمة تريم اللي كما كم دليك وكمة كم داران غيري وعندار التعلقه مراريط ریا در است میں اس کا میک در ار سول میں در موس نیا اصفا کر میک است سوسوار بمراسی ای در اور اور ایسی زیا به دوریت میں اس کا میک در ار سول میں در موسور نیا اصفا کر میک انسی سوسوار بمراسی ایسی در اور اور ایسی پیواداورا د ه درق انداز میتار مرکز مرکز کری خیاطیا ور**فورا** سولاکوسی فسیطیم ر بازار و کاکم کا جرت نفوی لف کم مالی ارکی وعرراك مانجاد موسورات نمو بهنون كوزخركي اوردوك ميزنان سي كاليريسين كهوما وراكيت بق مطلاجين بقيب بغيط وزرى اه لي وربها ومفعور المجت كركم جها ركم ي والحي داخل سرم اوريا المرابان المرابات المرابان منتا بدنواب را د بوکه و او خارش دارد دارسر درج او ربیرمندن اراده هم المريد الموقى المراق ال والم والمورك اليدار المرتب وصوودا فيكر وزاين تهات أبئن كأ ف و مطوع مطر منظر فالمنته ما ومود المحاوا خود المحارة والجاسين عفار مندنظ الوربيبية المجمع والأراق المرقد المراد مراحه فان مهاورا وحامج صور داري دكن كي سرداور محد الوالحرفان ما در كوشفير طاخ اد ووقع كاكردوانت عبان أبادكو بوع أورخ الدين محد حدركو جود اروغ فنى نت مفت مردند اورفد عرض مي بي مما زوي اوراح ما رسواه وازه المياره سيس ما المراح المراح المرسط الماري المراح المراء الم Tipo or state of the Walter Bridge Control of the Control

لَ يَعْ بِينَ فِيلِ لِي مِنْ وَرُولُولُو متكام وكن سير بلإه وسي الجينس بن مبردا وكيكي ووت بكير كركي فل مافت

مي زاغورن عا د الاول سر سواال رقي موسويان عامة وزارته مع نخوا ورهمدا مرصا ران بهای متازفرا بازنی مرحدها و کرنیت قراروا هی کرسیلی رسم کاری سی مندا مازدن خصها از ان بهای متازفرا بازنی مرحدها و کرنیدو اركي ما دف و كي كداكان رور مني فق اليدي إي الم عليه مع إمار ويه هذه منه الم ال يسترني صلاح ماره ي من الكربها يرب للامن الحيكم والطين والكه غازياله is GO CO مهر بوركوكروه منام اور بخطا بين مدا يمكير نه امناب نيا كركيردار الحلافت على كار. دريا كلمنعو في ركب ميد بدورك جفي والغرزي مرسم كي مورداه دالاوراكي المناه المراد المالوراكي المناه المراد المالوراكي المراد المالوراكي المورد المراد المالوراكي المراد ال ا من المنت من كيف من كوك عاري الدين بهادر كونياب ا عنا دالدوله فرالدني كومتر ركباد ورسند صوبه داري كل دكن كي نام يسيم از رضائ المرسيم الم طرفير بي قوق الراسي من خطب غره رطفيل بي وارسي يا يا نها واموس كرسيم اليكا طليع بهي قوق والبي كم الي مركب خطاب غره مرطفيل بي وارسي يا يا نها واموس كرسيم اليكا م مع منادان مع بندي مزاربواربكر حدر الم بسيعارم مجت منا دكا ب مع منادان منا بط ي مناويو فيرداني ركهي ورأي في غرر صور مراكم كم حِن منا وسي عاليري سي مقابع عكرين مواكيتي ابن كم وقت منز وآوير فال ولا من كم ووتو فرز در ما درغائ مي من راول من بيليات بنير فضايكم مويد Jensey Landing

رجند ہمراہی ہیکے فن جانباری ہیں کمی۔ بدان كارندراين دونق ديا اور كوي بال بوي وكارفار دورعا لمعلى الي مح وي كوفقاء كروكاراتار داوده أ دوه فان بهي با دفنا وسي خاكم محتفل الم باكزه رغبا واسط وزمت ملك مسيروكن سيحادا وروارا كلافه ياكا الدوله محدا مين خال بمار

باسي جو كذواني وقت مواري حك فرود مير من ورايا كاتهاء خركي كمرحوز من المريخ المريخ المريخ ورك منه وط التي رف المركزوان فارسي فراياك كذارش كالورفاء المرسي عكموا موعود بنبي وقت فررها بعضائل ليفيله الراشارة ماورت الكي كولك طور واللي والي قديم جولوانت ۽ تي كيه تبري ملمآ ورشيخ أورڪ نه واربر کا ليے تبضر ني فتيار کي دلا ورتي الله بهي تي ل بره با با حتى كه مقل مل وزيكم با تي كيه بهوا دوكون إن با دائك لاي روا ورايك تهي ه مال مال ور اورها رر وح كوم يك طرشا مرا الحاكال اور في تفاولا ي زيت واركي مري فواب التي رسيا عازيون فيراداده مذركاكي وكمه ورية وبالمحوابد الجزعان بها دركما بسيساس وكمطيم مل فيفل بحرادات والدين وتركب اورته كوغواصي ورموي فوديه فرايا كرنا ماكر ومجرة ابوالجيرمان بهاد ربواور بيله دواول بهم مذرفط ا فادر بی حصور بذاه ن رسیمیت کی بهادري ليلس بيرسكي لينيكا سلته كم فتر بهاري مع يسي انزير موي وشائخيراب بي عل ارتابا ر محلونبر اول جمیرمین غزارا برجب مراة الصفاا ورص كرك صفيرك كهنا بحك بنكام بنرور لاورعلي فال مردم إل في زبري الرب الرب الرب نوار مكر مرتب سے حرابا مفار كيے چون نبات لنعش ريات ن مركئے رائم كئي آ دمي با وان تبات كا المروازة بل اور دراد ومرسي قايهي الحياره بالتي كم نتي اور تواب مترد دكم والاور عليى ان كهو طري برسوار مع بيج رفقا يم حوكم اللَّهُ وَارْبِطُ أَمِينَ اوراس داروكير مان فواعي تن في وَارتِك بنوق مر يرادرام اهورت و مقل تالار تن سين في المولد نقاكا كالركسيم في ولف بريد مرجب المن (روازة أندبر الروابل كان المرابع المرابع المرابع ور وروازه الم

ابن بان في الماين المن المحاولة الزنون والمن والرو امران المران المرا

الدسي اورال كاره سيره جرين الدياه ويرناه عالمي لواكنهو في زمر دي اسرمن فلنوا بواعایت و کم سرتس نوانکا رما ده مواا ور اعلیت عالمکراو را کی ما عظمتاه میمودکری وار د داردها د ہی روکر جرما وت ملازت بها در رتباہ کی حاصل کی خل مدسوکت ان سے بیٹر آھے اور ساتہ اور ساتہ اور ساتھ مرارى منصف اور جريزار موارا ورحط ف ن ورائية المرازكم عور داري اوده كي اور فوعداري Trust Constitution كى غاية قراع الحدام الكرام في ماريخ السي لفط خاندوا ابها وبن العلاحظين لك. حكه واستبطا عالم كالمالط في مالع رشاه كي نباما كارة مدمات فراص الوارا مي رشاعه الور توكري م غره كركم خاجي مبريح منان نندا فتداري ليكر كهركه واسط زيارات نحين راورهات برزار وكارتك جايا كيفي تبريخ جهاندات وقد وقد بريغ دارات التهاب محوكرة غيران بدانداره كي دي العاليف غيال ديسي وامركوقبوا نفرايا كرميد حيري جمدة الماكفات فان بادردمك أكرطا ذرت كوائ وراحك مين فرج سرك نواحب عني ن الطبيب الله الكونوام جوم يت إلى الفراعية المراعية المراعية المراعية المراعية المراعية مهم بتن بهاي مين زيراك مدير نظام الماكمين مداوج مي على دونوخرد واضح مو كه وَرَصِيعُ مرادم فينجاد رزان يرموا فت موسوا كم مركوموا في وهدا كم ارتب سلطت ورصوبه داري طافة اكتاب سرفراز كي جائجه داو دف بي كور المعار مان تها ياريك التي تصصور وركير البوري كه فان موعرف کی ذات رئی تغیر کتے صوبہ دارا صدایا کورٹھائی رورما زرخان کو کہ دو ہفتہ قبار سیر میں النين: روليان الماني نوانگای نها موق نی کریکه صور دان مدراه ای اور وراب ما سررر. در که صور در دری را نبور کی سے فرصاری کرانگی مین کریک مفرای نبراری دور نبرارسوار این در این در این در این در ای و نازر نو به نام July 1. S.

كاسترل يؤرمنبم ذونجع آكهم والت مذكره وزئصفى ودراني دوركام بانبري و كابيلان وومنفرة آصفي وغذه الماكهاج دطاقية الماصي تتابير فرانسي أبالح لم الثا لابت وزان بن مصح كافدانا م^م ن در در در در در این بی میدالک رئیم و در میار در در در استان الکامیرود بید ایک دو ایک نیما با در در در در در این بی میدالک رئیم و در میار در این میدان الکامیرود بید ایک دو ایک تر ۱۹۱۷ کاروسها بنه محرمه را والحصی الدوره فرنگی بهرکمه با مرض او میکاورد از آنج پیرستان از مهاری المان می از اور مانگی به از انتقال این از از مولد زوط بيان الاعرابا برك تزور ي بركس رري نواك نوط مفال عليه ال دافعي. آخ جبير خابجهان كرودار د منديك مين دوالدتما عده وزع يدفال كرصلت ان رسالت با صلى مدعد واله المسلم المرادكات المردفار فالمارسال بالمصلى مدعد واله ·NL منتهي بإرانقال ورهد في فراك و والميانيس فله كالنده بواجرفذ بالركني بهركوس حدراله لبس وأنشال فريتك مغي دبها دركا سداهدهان بها در بهر دوخ برله غفر ن جها با رسّان بين البيخ وللتواليسفي T. d. C. D. لها دري م دموس رسودلاحرف. پير خلا سيمين فليوغان باديكيسوار موسيا دوالي ره سول بير مدر عمداري ميريال كي المترقيريوسم دانمان كي اوراضا فدسواراك اوران م الجي لاكام ميران الكريك المترقيريوسم دانمان كي اوراضا فدسواراك اوران م الجي لاكام Nord Kind State Constitution The Control of the Co اله ديل ديده أن بي آيا! ولمن المنافقة

مما ررحان كاسيال مازرفان فتين فرح مركم فليست مورداري ت تدارنست بعیده بیوگی نه د کانوشیرنام وراد بیراغ موکهی نبی س ن که خطر ت تدارنست بعیده بیوگی نه د کانوشیرنام وراد بیراغ موکهی نبی س ت را د مالو كي ير على كريوى تب به خان وهو للوزاب لبي ما رطون المركال إلى يخروق البرالامرا نفاريسي دكن بروار وكردافل محسنه من ويوكفان كورنداكه الكات كي مرالا مرافيا فديس كي جوالي ي موم كريم ما كريم بيديده كيا إور مقيضا اراه طر است موم رخوان اليوال المعطام ي موم كريم ما كريم بيديده كيا إور مقيضا اراه طر است موم رخصت إن كهي ورب مسلط المُنْ أَوْرِي الْمُنْ با درند کرد ولتواهی شران محلتا ه اوتناه کی ساعقیدت را بده کواکوسی دس رنت رون فراسو مان وفت نه سیررا ما بسیر منوک سوکر اور کمک با برملات کی اور حصار کوافعاص مسیم سیم کم جي روز الين جي النه وي عيد المرادي ا موقت نوابر موف يميي تحوية منصبغت نراري ورث ترارسوارا درخطا عا واللكي سيراركا الروي أرقم المرمان المال ديا بالوركي زانه جب عرد تركيب ماوت كرفالي سوكيا ورخت وزارت كي سرد نوالعبف عالم بهوا وموسكم باوحو دانخا ومدنورسك كهجرب كونواقمه فيصلك سأتهدتها والرشركر وج کی حاری کی اور خفید سند کو حکم عمور داری کی مرس مهرا دن سی سے حا

إنّا دوا ومفر عك حاد داني كام الكنّاء بدّ ادريما جو دوارد ے فان کاسان بسف لوزسجه فال مديها دي^ن ه باد^ن ه^ي ور وارجد رآ الكابواا وربدنا صل يخنتن وركوستنس وار فاداس فزاح كالياب لوحسودين بدايميما ورناقي اعتساكوا طراف وجانستين كهك The State of the S · NOICH ربي بي

مرواز موین ارتساف عوجوایم کے طوف مراسکم می لاوین داب قدر دا کے بی لاکر جور راکد نبوزاست می کو توقیر جات کی نبدی الفتل ایجابی و ي رسي مرسلي و مرسنو کاکم پاري کو سي و مرسوم کاکم ا من مبوی کیر از وزی اور فرایا که بعد حدیث بوالنیکه و رمال در سیل ک صحت بهي ^{وه ا} طاعت برعالمكير كي رضا مزينهوا جديع عكم ميّد كرمنيًا بوااسوقت خال فرورج تقبيع بواورا كونيماس بواكركها اور جدروزين بموار كركيس الأكباره *بورسے شریک ما* ژا ن با د شامی کا کیال_{یہ} خطا جا ک کی رضت کی اور آئے قطن کوجو لارتها جا کرمے

بواتها كاكرمذي ملطان كيترتينا أطال يحوارات كيفاهد ياكي للطارة ععزاتي توالاتها فيأبي كوثلهم كولية نِدِ وِينَ إِن مِينِ مُنهِ مِنْ المِيلِ مطالِحُومُ جِودِهُ إِنَّ مِلْقَافِينِ مِن وَرَّ نِدِ وِينَ إِن مِينِ مُنهِمَ مُنهِمِ لِمُطالِحُومُ جِودِهُ إِنَّ مِلْقَافِينِ مِن وَرَّ عقاقة بم خديك الأفانا ولوقباقه س لوجوده المطبعة الوجوز إندام يجيم حل براى مراج اومي لطان قلي فطب ويسلطان او استاني ما من أيم رسيراى مراج اومي لطان قلي فطب ويسلطان او استاني ما من أي من فرار دائي كيّا وربيه اليكوي عاكم اقليم آدر سنان سيري اور ميري ها با مياكه كرمداراً وقيام ايك على ولو الرابو المراور والماري الماريون ن اوالح مكم تا حوف كم آیت مشادروازه فعر کامل اور فی حالیگری افردی کی مان اوالح مكم تا حوف كم آیت مشادروازه فعر کامل اور فیچ حالیگری افردی کی انتفار كراوزير بالنبهة كالبي كما فقطافها سيجه وزاني كاستركوار لي اورمور يكي عار جار میصوار موکود ساره آدمیون سیسمفایل فی شابیکا موا با وجود کیداس مفایل فویش مِرِيحَ وه بروانه صفت الله اول ارتا تهااوركها تهاكه منت عال بونارا له ليرفوا تاتها ادرنوادكرنا تها ورجه كوزخ بنيما تها كوجلا ديا تهاصى

کي وزيراوريا و شاه رو نوگرفتار سوي معيني حيد روز اين رايا عاليکري فرروا طول كينجا دنيا موركية اقتصا*سيرا*ي وا ية الواكم كل جوام سيريج. حاسب كروة كرمين عا ي كدر مفيول اسكايه تها كرم ماس رزى كارية بين اركم انهوان سكندر ي من المرسم الي كاك فوج رواً كرين الراب بهي كليوف سندميكارة المنت المرسم الي كاك فوج رواً كرين الراب بهي كليوف سندميكارة ر معت مقالبدرته برام و عضب طامیجا بونه برا اور باد مراده . برگرمت مقالبدرته براس مان مانیجا بونه برا اور باد مراده . رير ولاه بت واسط ونها لي موروايا اكر مروارد به ابواي كيم تفعال الردة كيا ادر مر المراد المراج المرا . مندعضم موالیون کی بن آی ابوامی فیرمتری بستصریبوانب بی استان بای بو معدرعضم موالیون کی بن آی ابوامی فیرمترین بستصریبوانب بی استان بای بو وتنزيف واس دراك جدال وقال كاشتنا موى مرخد كم ابل قل عند ربول کو بارتیا می ارتداد ما عرب عبالی خوالاریم فیجا مراحولال الميني وفراول مانهران وسيامعا لكر والا دروز برنوم كاكرد ومعول خبران في كالماكال من عال لميد عوا وتخاصك نظركر كم فدسم عالك كالداني به خطع بواح كر دبر دن ازال كان نقد به بجن رون فت او بجانت تست

ورالمرخاب والميال في الميانية المينية ال يرتفى ادرا واا وراكما كي كه وكر دونها ئي ميمارسرو فوسطيرني ذکی وزراناکی بدیندروز کے وزریفه ما اکر اوٹ ای کوشلے 13966 وغاه كوماء يرين تبوار كالباول كالدروك اورشرة الساسل كالمت لكوا مديرتين مي اسط ندان كا توكا دوخ است

عني اوربعيه الحيربين كراما م ارتعبن عن الانصالي عمية بالورمودة بوهي كدبا في بي بيت بها الها اورائيرت ركم أكيا تهامواس الميسيدي كتي تهي كم بني نه ومواتها خريج في محلى فعا لله لله دس به معاليسهم بمتر بمرمه وانسي تط ال جنرك كفيرا كي الخيال مون نهي واسطفدار دواي لطال عاد المستحد الماسي رورين والضيرسوم سنطاعا والورماذل ورسيطا ورتبه واوقد رسن رنبا كمعهد يمرك علما افوز لاورش برحدرانا مين فراسم أيمني اورب كالمين اور المرعام وفيتر بلي مصفاورا ليف مو ارانحدماب خانی نان نو کردن در زرست یافتکون سے ہی عالیما و کی سوک فری فندار اور ماحیت اس سركارتها خدا وند نعمه يسيمين منح ف موكرها زست حفرف جهان با دشاه كي اختيار كي ورببانح افي اليبلطان محا وزنبيري عالكيرك وحرالا تناد بدروالافدرك حدراما إيا 心就说 بهاا كي خياب عطيم وي اورجد رايا تعرف اليدوري دوري كالي ببرنب كرس والما الموادر ایک لاکی اینی سلطان عداد مند دسال رولی جهزیمت سائه خاصین شهرا در سید وکر صارمي دورهك مح بيني كالب مرز كورند ترفيه وسيست ومدوين اس فتوج سيك مرس برس المراه خلاب کو ملارس برین اکتالا کے خلفت کو برحلہ کا الاب کتنی بحانے July Philips

ن زم آزویس و در آبغا زن دم نبط این واد ريسات داني او تع بيريدل والدر الغيرا كيسكي و الرس كي ين دوني نهر موسنا كا بينه تناه جهان اونيناه كوداريد وفيه غارجها كيروارا برور با بنور كوف و ومير - زوم مي اين زو كميا بداكا) اورا ظام زيلها ي مديريا وزع وكرمان فراان ورمحامراني كبروسي اور دم ترمخبرف الرورانك المارت كي نناه ادان عيهمتمكام لإي بتي سلطان منزني بعد مبوسيم خرات أنامكح إدرافت اولا مؤفتر فيكر رواء إدان كوكي كنته بين كم مزود ربارين وجاسوال وريك ه حوال مخيث ه صفي بارتيا اسكي ما يرهاوس باطاوسيم كومت عيوا زاز وسيف مرفراز فرايا لكبابس كم فرمز كور لورجهول حاكمت فر رے دارا مفان حبررآ ایمیں بیشندا دس عالیس جرکے بر

ين حرالا بناء أسيك نبا بان ورسكا رفد كام اسكا فرويع كياكل رسی خراس دین سینگر اور ده اتا م کونه بهتی گرفتان سالها جداد اور اطال از رسی خراس دین سینگر اور ده اتا م کونه بهتی گرفتان سالها جداد اور اطال از لأناخ ويدانجام ايئ بهي ويني مما قي وي تها حووه عهدين خا وماري عالم يمين الكيار و موار بالصورت انتهام کی با الحق که و مشجر بنسر بین که که که که که که که دا وروح افزائی سیم مطبوع فلول اک ایم کافذاگا لي بهراوزني السرا كم مسجد برطان الدربان يرضو يمكم ماري وسادي براور بسواا سيك قط فيفل زُكولانه مكيا ورعارت بني غي مكاور مكاتا ميلا در بايدا ور وكاكبر جار بازر جانباركير بخرعا ووقامة وس لبرة به فراف رق طرح المراسل كراسكا مراسا ورام بن باليريك كها كها وراكبيك ملطان عامع علوم عقالي ورنعني كاتها اورنهايت في فليواورت عبد الخلف تهاخياني وملائيك بالمب صرري توزوصف ن بنهان تده رشرم زبان وروع ن ا خرا ورشهاع با تدبيرا ورقران خوان تهجد کذر حملنا دس بنيل ان تر دبن نارنج ها دي ^{الاول} خرا ورشهاع با تدبيرا ورقران خوان تهجد کذر حملنا ادس بنيل ان تر دبن نارنج ها دي الاول كوانتفال فرايبي عرسكي دفت أشغال كميج فيسن سوليك مهينه اليدن كي تنبي اور رسيك فنت كي مِورِ اللهِ يَصْنِي مِنْ صِيدِ مِن اللهِ الريخ رمات: حَسْرَ مِن اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ الله عبدا مدقطت كابيال سطان عدامد قطف كوال روزداف شریفه اسکاکیاره رس با بخر مینیے کیاره در کا تهامج دانتقال مطان محد فاقع علی ایم منزیفه اسکاکیاره رس با بخر مینیے کیاره . हें शांधार J. W. W.

ن و باران ريني الروز دان أ برويف ل يال وفاهم يوفي و وكل بهناف المود تنا أيكوفيم فورا اركاه فَى قان مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ فَى قان مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّه مرابع المرابع لا بوسيدار در بنيسًا بن عربًا بعث المدور كبيساطين فروي في وخوار إسم عا دان واور في فعا بنا ه لا بوسيدار در بنيسًا بن عربًا بعث المدور كبيساطين فروي في وخوار إسم عا دان واور فعن فعا بنا وبوالفرتاء عامراتي ادباط إطرد اسط برسفر ادباتية بمكردان كمية وامني موكر ومنتبول 15 ارت عادنا وفران وكه اران ي جودا سطے اداي روستا الات عادنا وفران وكه اران ي جودا سطے اداي روستا ول بال فتحريم أي ول بيان فتحي أي روبيت اني رواته ملا يكن كامرانها مشررهاك موسي ماميط الموال المسايكي واسطر بتغالث ٣ اوس يَعْنِي غُورُ كُرُ مِن شَرْف إِلَاسِيَّ شَرِي مِنْ مِرْكُ مِنْ مِرْمُونِي لِلْسِيِّ الْمُاجِعِ ٢ اوس يَعْنِي غُورُ كُرُ مِن شَرْف إِلَاسِيَّ شَرْفِ مِنْ مِنْ الْمُعْلِمِينَ مِنْ مِنْ الْمُعْلِمِينَ الْمُعْ ب إورانفان كا مك زباده كريك كمور عجم ت مو الجيمراه ي

کینے مین نبج سا بخومی میں قر جوخو كم ياعت الوفر إ وحكم فتركا ديا اوبعبنوني كها أكوا بالى مكواول بين المافاجمعما Cly. المالية بكاموالتهاا ورجمكه اوصا يركونت قامي ننهي يؤل المرابع والمرابع والم باشمع مكوكرمي كالتر تبدار چومتمان *چون مرکنی زگرستانه و درا*نه لنعال محبت مروعا بي ورستن بياة خودان إيا د توعاز والبشع وللعدورة فانه مردال رقبتو بهة العبالمون الروارة المراق المرا مین مفرل و فی بواکه م راجين ايك ضعف كلي لر بيس مرجوامان عالم بقا كامداليه 100% Sie Contraction المنابع المراد فلن الما 4 dig

10 M مدويها ورفائقا داوروار تيفائين إرحام خاستدر زا مزين _ حوث عذ جركز مسكية مين مون خوج عارات مِنْوالِسدُّر بِهِ كَلَيْهِ كَان قديمِ مِنْ كَالْعِرْهِ عَارِنْدِيا لِ وَكُلُو واور كَدْ فِي نا مرود اس التم تسنير كي مروي ي ذبوخ بيسلطائ باورسواكم ليبون موالياليالياليون ومعرفي المياليون المياليونياليون ومعرفي المياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونياليونيالي المحالية المنافقة بنلائج ثلاثاريو انونانان يًا وجرا في بركار من وكال سوكي كون اكر والو وروي ديمنرمان مارتين بجابآن كالقياكرينررواني وقت بإنه في ميكوا م يشيخ اليك شنه بين مديطوا يف الأكرا المينين 17.75° رِرِجْ بِدا نِفُول روارْه كا وْدِكْر دو مَل عَدْ جِلْكَ بِي وَا وَمِي سُلِيدٍ كَيَّا رَكِهُ مِرْضِكُمْ مِنْ الْمُعَلِّ بنركة فاأبكه درياني وريح بياك بفت وكورة مويي المطال بن منجى الطال خفا بركو عنَّاق كووال صوَّاباكه نام سافره ل ورسول كوست بريركر دير البيس موتيان دريا ريس سنوج جدورا وكرموكس واكدول وربسوا كحبجا ركروخ طاكرونو ويسابكم كوكر فبدكما بيجع ليؤسمه وتبنأ مام وثهاد ورشبت ويكفنل غوائطا عرضد درباليه بيني بالان وكرنسا أمل نال سود *اکووننکالوت نیااور غارسیجی بخ*اوز کر کیرفتل افتیار کها

وما اورئام اسكالهاك ترنام برقاسم مكور مرا ي بن تيجيج وسطير طاقليون عيم اورتفا بالرطا وسي سرته بي افله *يولكنا أ*ه شرقيع فأيسه لك كروحيار دارالتفا مدانات بي اليكي بين خرج مراكي سركاري مقررا با وربيدا نفراغ عارات الا له ا کمه د کاه و د لا کر طولا عرف او ازی سرار در عد قرار در کروسط می *جيكوڙڪ رکمان کيتي بن طاق سرقي دروازه دولتي نه کامقر سوااور طاو غر*لي در ي معام اورخدال ورککن محل ورد ادمی کرد ومتعام کيکے مداور داد کا تها برسے. پيچه معال ورخيدال ورککن محل ورد ادمی کرد ومتعام کيکے مداور داد کا تها برسے. أيار بتوادره وراسيكي وكرسلطال كوشوق عارئتا تهابدي محاكن ررو دموس

الم المالولو المنافع الطريقة ien de jui الموالي المراجد ا بله و تراه من الما المراط كيت ه مرراا صفها في *كي كم* ما المي نو الاالورك ورسيجيل ومن لطي الوالم غيراد أسيم عادلت وبكريجا بوركوروا نزيما واضح موكم فاحشه بهاكتي أبرعاش مورب كردياندا الميك طازم ركابيني اورده بلون الميكم كباريكه وربار من آيا جلويا

داران مرداران رکی افعال ورجی مغاور سکوستواپ ملاسطا به رایط ورفعها مرسیم الطائبان مين ورشش ورست سي بن مي رمين مركي والدي نديكا مفتوح الوالم مريد المريد الم مورک با در اخر فرا نیک سرای ون کی دکت جدا کرکر دور دخو فیم الرا مجروک با در اخر فرا نیک سرای ون کی دکت جدا کرکر دور دخو فیم الرا مراوركت من ولات الكي دفي وزوا ورقطاع الطابي عبدين اليجارة مواوركت من ولات الكي دفع سفافله ورفن كروزو بي تيه عائم ووم الرسلطان عرفه مي ت

. جينظ عاد نتائي الإنقام بكا مؤاد ريط سيكاتي كاسانة بأوريط متناي وليانيا و واستهار ولفته للديك شربار فرمض الهاوس تتبت ويالمرفن المناسولار ميرتمون فرازدا بادق احركه ودأ برهيا يهتانية وأثمرته الأوكم وأواقعة والكرفي وأربه الطنة الباجه والحريدة والرون كوع مىرىيىتى كى دادلىمام علاخاه ركم تعد كى عابي ادرتنان كالشكر مكورسيا و داريه سورم وأشكر وسي سرجن موا واكرننه رسوم وراو ترسه ويكساوته اورعا روسسورد. معید مین به جال شصید رفطام ناه کوعقد کندد بهروس دارمیر فلیف میکدلا بین اردیکی الفام ناه داور قدایت ه مرد د فراز دو فقد کلیان برگزا در سخت محا هروم که کاریک قدم مرفور مسخیرا ا وبطبنل مقدوا بينا فينوار بلطنت كوبهر آيية وافيه موكدا من فليركو كذفه الابتدايين أحدا برگذاره کا برنداراس مولی و الناس مسلط خان کرکر اور تیرب لیدار دا اور کای المدون العدكير ووكافين إ ودكافية الاركيت اوربالار بتورير وفينس وترسيجا وراما أور على يُخِلِنِهَا بِنْوالْمِيطِ مُواكُولُوكُ وبِيعِيا ورهد فتوها تسبِي ملطان مكية بم كح دايت ووكانة واج ندري كود نفر نفرفين ليفال تجاويان يكو ولو وابيطا ورسوري بمرفزائين يونفام تا كا انتقال مودا ور مرتضى نفامت ه :

مراد الدين ميرار المريم المراد المريم المراد المرا يرورس تسيق طلب و كامال التي المراق الله على كا تما عدمات المراق م ركارام مكوت في افدار الرائي المراد و الم بادرون واردافه كالمونوي ارد مرد مرد مرد مرد مرد مرد مرد المرد المردون مال كروه مرورون ول ما مارين رايدان ما كالمارين المارين معد فلم مرا فيم المفيد عدول مودال العوفي المالما بما المودد المرون در المراجع ورن كُواتها ورلا ي ن عرف المراد ورن المراد ا نة عند بنيا ولها ما اوروب المعالم المنظم الم مر الله المرادة النقال اليراكية بالهاجئ فالورية بي عاماً على مؤلوفي المراكية بالمراكية المراكية المرا الم تيم او لمراضر فرف الورالين و الريكا وعنظ مكامرية فيطفروموالهالكين وقيام نهوا متعلط بمنيد فطف وي تاريخ مراب ورف المراب المراب المراب والماليون والموارث المراب والماليون والمراب والمراب والمراب والمراب والمراب والم موصف في مراب المراب والمراب وا والمسترود و العلمال والمراه والم والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والمراه والم وافعال بيركرون ارجون ارتي رجب رسور المن في بيوان أوم مرم الكاره برعبوس كيا والورخوانير الوقوالون عراكون صرافيا نفاء تتحفظ في المستحداد الورخوانير الدوقوالون عراكون صرافيا المالية الم ال سر کردن ارجون ارجی اور افران این این از المان این از المان این از المان از المان از المان از المان 10000 627438 25 : - - 109

عابين ومروز المؤون المروز المؤون المروز المؤون المروز المؤون المروز المؤون المروز المؤون المروز الم رائي برادادة مرير طايد يريكي موكر بنط رني امتيا رئرة مون اور فلاني علام من علتے تیم اوروہ النا پر

رائل رابين قطي إنيانا مركه راج اليمويين قوا عدا وفي ال ولاست رائل رابين قطي إنيانا مركه راج التيمويين قوا عدا وفي ال ولاست نوب يحانيكارتنا ووالكين عوق رسيط النا محرت بكرغافل بوكر سمنته تحق اور مرامالا وافواه ٢٥ أعدا إوبدركوداسط مرت مكرسبي كالهاد درخط بين يهي ايك ام كوايني م رِمقدم ركبانها وكر المعرض من الله من عرفي مرا درانه عاري، رعا دف هاور ۱۲ عیل عوان ه اور فاسم ریسی ایک ایک و قد سخبک مهری جون ای دادر ۱۲ عیل عوان ه اور فاسم ریسی ایک ایک و قد سخبک مهری جون رمهٔ الا كفروضلات جها دكه يوبيت الكربيني ايت فضين لا بيئ اور نبى يُدائِج تورُكُرُ ب شار کا شیعه نها اور قروبی بنی بتدر کی خدمید مین سب نا مراهمی کتیم اج كنده اور و بوركنده اور ما كالوركس توره اور و ما نده اوركما ب اور كوند بهراورسود المسيكي قام على فل اور نلكنده منجسر كيئے تہے ال ج

سحيتهم لفت مي دِركي موي درمررا علي فيرما لوكوي ي كارد كالماده در المان المراث وسيح قارطفآما ومدكو فيكما الوفي يصفغ فازال يتموينا فلى قطار

الراكس المفاقي واسط الما مرتجه وردااكرتب م بغیرت تماکیز او در سین بریز موردانه عدم کوم او در سیطنت کیاره رسرا محمد در تماکیز او در سین بریز مورد دانه عدم کوم او در سیطنت کیاره رسرا مر برید کا بیدائے قایم تنام ایکا ہو یہ پی الیا ہے ہے اور اس و الماری الیا ہوتا ہے۔ ہدف ہیں کا بیدائے قایم تنام الیکا ہو یہ پی الیا ہے۔ ر به رکوری سے اسکا بسری مربی ایجیایی مالی اسکار اسکار رسی کورست میں اسکا بسری مربی ایک ایک اسکار اسکار بر در بوا ورار در کر خوارد سروس من سر فانی ورک بود ایج امیر رونا م بيبول بساورين الله دال المرازية د دونهي اولاري مي اواده و تهاساطت بدر فارنمواا ورآمد رسوكام روار إدافي بوردا مرريناني فاتمه طبقه ريديكا بيك كانين كوينهوالني كارميزرا عنيا مايك المراهد المراج ا محص قدامير ريد مركور ريون حرك اوروه ماسك تحص هاوت كي ناكوطونها كركيبها المراج بما فراد والما والمرام والم والمرام والمرام والمرام والمرام والمرام والمرام والمرام والمرام وال كميا اورمبزراعلى واض عدة ميدر كرم تكومت ونان كي بينه قبضا خبن بيا اور ايك تد ئى بەرخواپىن دلىجەايام ئ*ىرگەكدرايغە دورىق بارچۇندىن بايسى لگېئاسى كەن* عي ريناني ان الله الماني

المراض المراورادكيرا ل نام بيدا *زيكة قاية اودراور* فيد

Signal Constitution of the برا کرار واسطے قبیر سنها جو شرکه اس ملکت بن نوال علاقرا باا و هجت عدم فیکست میں باکورکہ آفیاسطے قبیر سنها جو شرکه اس ملکت بن نوال علاقرا باا و هجت عدم فیکست میں درمیرکی نیامزا در هموا عظر میابور رسیس کا که ایم مینالهام و دنبولغ نیا براد (در ایس کا کیاری کورد مرحها رط ف سير رغم عره بدركي من على وقط كما تاكراناً مديول ورحال ماروكي وريط مِلْ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّاللّ مېرانيانږد د اول پر کررانفه او د نفتوه مح۱۰ د سينيانو پر فاديمايو کا ايسي سنده مېرانيانږد د اول پر کررانفه او د نفتوه محاسد د سينيانو پر فاديمايو کا ايسي مکندر كيماً ما داورد ة عدد درسي وبدر الورايجافيد بني السيالية عادل الفياع كيماً ما ريا اورد ة عدد درسي المين الورايجافيد بني سيطي السيالية عادل الميوط الميا بالاوروم مطنت على منعده موي عبد اولاي عادل المي وسومي منوسال زارواي اور حو بالاوروم مطنت على منعده م ي عبد اولاي عادل المي وسومي منوسال زارواي اور حو ير و عادًا بيان في الموري و الماري و الماري الله الماري الماري الماري الماري الماري المريم المريم المريم المريم مذكره عادًا بيراك بيانين في المريم و الماري الماري الماري المريم المريم المريم المريم المريم المريم المريم الم مرور ضرموكه وه ايام طفلي ايوال سيرا نونكا مرد درعاط نقر بي علا مات المجام يركووه بالرولانيان مهرون موكه وه ايام طفلي ايوال سيرا نونكا مو درعاط نقر بي علا مات المجام يركووه بالرولانيان مر المدونة المار أبار شداور فالميك الشي فالمرض الورث مدول مبدر والموقوم والمالودة المامولين المار شداور فالميك الشي فالمرض قالول ويسمدون مبدر وقوم الموقوم والمالودة المامولين المولي مر ترك ماراك المين من كام البر مطان من المروق من عا والملكي بالرف رارام الو والماريم المهري الوين سير عبد لطال من من مرك قلاوه من كار دبير والكرك اوط، النيفام كالي علا والدس عادت وكابيان علاوالعبن للكسيد وفيراو عاواللك يركي فارفام مردا ورففات مي اندراطلاق كركر فلعد كاوم كو مقوكوت بناكر لورستان وتعيب من فلعام در كا غدانيده خان أغدا و نه خان عنشري طرود آر سلاطير بهنيه يم تها ار له ي واضح موكم من خوامركو معماع دان مي خواسماري كي حابي المحاصلة الماور. روی از برون ا

وكرائ تباادرخاع ووكم ببيت عزيته كافها اور كمزكا يهتبانه جافيته مجوامهت على اورهد بعين بجبال نا مرج ادروران کی نباک داراری این کا دم بين ياليواك حكم موكه وكالحو كركا د وسرا د دسرا

ليدمهم عمل بن لامحاسرا كوا ينه عذه منيسة كبقوم سيرايية يونز ايزارين فرزندز نيه يؤلد مزاجو كمه حدوكا بقاركت تما معد دومينه كدروانه علمك م كامواا بين غاطها را درب في كه وله يكوانهو كيت بهائ م غ الكي منه و كالك مواننا البراتين من طرفت الجذا ب ترزم ال محاسوانها مارسا كالسيمة اورت هرا ده كوم ا کی تنی تحیا یا گئے ہو کہ اس خور دیرسٹ سراد ، نہی ن فریمواا ورکن کھر ایدی تنی تحیا یا گئے ہو کہ اس خور دیرسٹ سراد ، نہی ن فریمواا ورکن کھر يسرا ديلتونور فرخينيا وال بن ن مدود من بيط في الكسيرارية سرا اديلتونور فرخينيا وال بن ن مدود من بيط في الكسيرارية س ون لاک بواتفال ملط لانساندادس صیبرین بولبوت سلطان محرعا دل ه كابيان سطان محدعادان برسياتوان ويرجها نماوتناه فيراسكو فرزمه بولاتها خانجه بببت ننا وبحث بتده ازالكسل ومورم عالم: مرضا رنج سی بوری یا هجرم از ها دستختیس مین سینجانشخان تو بدرو دکیا که دور کی تیر رنش *سلطال هجر* و عا داش ورا (عرام واغیرموکرچندرمدن ور مهایا ری^{رد رای} ماخ عاسق دمون و مملك ديم تيم بيرسي نا مكر بسي دنيا ، مكر عصر بن ورايج المراكب الركسية المركا لندق مر كريواور ابدري Will State of the ٔ لینی وربیا*س که جولری بوسلطا ان علی*ا وان ه کا **بیا**ل Chi. Miles

134. C. لا زرجها مز الرجيواري مرتجه بلكرجهان معربانه تخف يق لالا عفدار دواج كا درسال آيا تهاؤب الي على مراجع وطي كدور الط مها دري

سوآ كمب عال وركتو رغاام كركه الماواد سي مسكسوكونه طالها سرفراز فرايا اود كما المعتدا بناجا له مزاج اس عدانیا ه کابغین مور زنبا اوراً دام المعرانی هیا سی کرکیب می رکام کر دیاک امركم بوصنے كى بى على اللے بينے بركم ورا طب عين فاع زيا مروضوا اور عدا تيا مروز اور ما و شوال شرکه و سیسین سی مرکز *درا درخینه ایراسیم بن طهار محینه بیرا* نیان ا*کرکر به محینیه بیرا* کا خطنه کی ننا دی طفح رکامیے کی گئے اور کر سرکانے کے دھری کر دیکوں کی ہوجوں فارسے اس مطالب عِولَتْ ازِي ما درهها زا دربوربين و غړه جوطونت وربيد يرها فريني كليك ايس الك كديا لَكُ سِينِ لَكِ دِہْرا سِينِ بِيَّكِ نَهِ أَرْسِولِكُ نَاتِ بِنِيرَاتِ جَلَامِكِ كُرِتْ بْرَادِ كُوكُوا بِي أَرَاكِمُ برب بنجا دا خرم على من على إن على بنما نه بسب وليا أمر بريت من الم برب بنجا دا خرم عهدن على إن على بنما نه بنما نه بهت وليا أور جدين سي 100 m. 10 مغابخ فأمع سيترسبوركي طأن سي اسكر برفي البس صع كاورآبك رميزو باخارية ري مُرِّدُ الْمُرَالُ وَبَعْرِ الْمُرْدِينِ مِنْ يَرِيْ مِنْ يَرِيْنِ مِنْ يَرِيْنِ مِنْ يَرِيْنِ مِنْ يَرِيْنِ ماور بقيد حيات اللج إكبرتناه كانتدوتماك دواراً باتها ايرقت على على بلاني اورا مكوفت عبرالميلك ت في ووينام معنا إكريم اغراز والرام يست مراه ا وحليم على و محق وررايا روانه كياكا فِيرِ الْمِالِمَّةِ الْمُعْلِينَ فَيْنَ إِلَيْ الْمِالِمَةِ الْمِيلِينَ فَيْنَ إِلَيْ الْمِيلِينَ فَيْنَ الْمُ اورمعين الملك سنوزسي بورمين بهاكم بادت هاداكها ورسين ليه محفظ بدايا معادقة كيكسبك ينبين أيمو الركمة المرتوز أبراي قال كاب ما ن رفيه بركم ف وموس وحود كير جسم عن حيده وكنها تهاليكر تيرالمياس بالجرارة المالية المال تهاا وران صبح الوجاور لميرالعدار كبطرف بإنها جباجل ستى بنجي ووخوا جرار طالعال برية ت نفریفر کارور کران اور کران (هنر الایکران) باس آیئے تیے ایک انبین سے مذارین زیا ہے ہی دی سوی اکرانیک جبری تبزیمیت نیف مین مروال کمهیموی رکهماته از وایات راننخشهٔ تبرس م والی کمهر کوشه و نوسی المع والمراجعة

ما فقون ي مطال با كر تفاما بس دلاوري دوروار بي دوري وا درخعه كرنيدكي تمال مبوا بامد حيد روز كيو ميف فالسكافه مروكي ومشك وسيمت والعاق اراس قلف اوع ويك وامراي واكرم كورة عك مراكا باحريك مام ان راجاد درا او کرنا کی مطابر در مقاد کیے تھے جروت کرم ما رہادت استان ار میں اور دور بی بیزیک و کو کرنے کمیا جا کوسٹان مصر بسواد ہو کرمیا ہیں! بخوا جهان بزايخوالي كولم آخي بوارموجها عان ضخوص في مار الموكوك والكافادة ويوه كمين بي في نواتا د امل كي فالصيف لف كا موا بلام رامراج مكه ما زم اس عدالت باه كامركر طاروب بین اوه سری میانگ با دن میه نماره می^{ان} ڔڎڿ

انير بني لي لي لي م كوملي ريد كو ديا بها دوسري نظام نه هر بحري كو ادر نبيك انتقال وورس كالرفارا واض متضاده كابوا علام اطيار ندمك وعومت عليه نسيحميظ تهوا عكم كلم ارتكاكما لكها ببركم اسبيرتكم محكيم علاوطن موتيم ترم وراوديه فروشو للياسي وركانين ندكرلين تهين آخر ها ٩ نوسينت من سطى موايدت مي كي ويوبيرس كيس الوالمقطعة على عادلتاه كايبال الوالمفوعليا دن اغير محدكتورهاك أيمسكوس بيجا بورتيم بمنب رصت راسيم ما دلت سيم ا داخروراً علوس فرا إيهركرراس ونجوسيون رعتيا ركي نهي سنسهرين أكرابا و زهدا دسيحت ريسكن مودا ورا برنستهر مجران عبوس كيا تهاا يرقص نباكزنام اسكانا هبوركها واخير موكه على إن منا لم جوزا يه كوارت كالانبه كياماتها كيتران توري وراه وكرورمون في سكر بتوريب دنون بالوكوري ومي هم ليرر وررعيت ريست رسي محمدها العرائي ربا د هېوالورت مان د کرميت آوي ربرتين صفا عام صوافتياري معهداحس بمسيح فادا بجورا وورتحان ركف الاورشوراب اوراد دني درد بارورا ورخد كولي ورسوا في مسي وينظ متعت اليا تعرفي السياور وابره ملك ومبدح بالكهاب كمسلطار فل عارما اورطائس وللت ادرواع خور للهاتها ودهي اجعية وع فاليم تجرببك كي فاديك أربياور بن مع يو بها در فالمركة وه درويرنا دا ورصوفي مشرا در وسس طبيح اور عاشق فراج تهاميته محبسي سالي سا

هلادادی^{عی} و فتا ه وای رار کو نصاور جان شاری دیگودگا) من بررس ورونه ئىسىتىن ماوغا داتا ۋ عادات وبن المحيل واشاه جومد موعادات وك اورودانتها دام اي شرك كشراع دمقايا المجيروس مشرنفام الابئو كاتعاق رمهوارا العاماا كمبارني موي تي وره

The state of the s ادر ونت برونت و و و و کومار کرخوالم شوانا ن ایج نش مین علا آمار ورای زمانه ایک میا اسط حاع ونتو منروكا ومير فراقع مواكد سي شقد مين بنتال كالطرنه بي الدين وكور Contract of the second of the The state of the s ادرخطه نها موصيفه عالم مطابئ تاریخ فرنسها توسیکی واسط بنها و اسام آیا و د ابنه زمن نوي بيدانه مورشغول طرفعية وعنرت مواادراده ي الكرام كه تعنوا بالمسك منوصه طرف الميكم أو او دسم الدان لاري كالمقلم بداو ريك الوروروغاية الاسطادات كاتها ورتنا هرحهم بسكوفرزند بولاتها ارائي بنحوت تفلا اور فرار ودي قا ريمينيا فراي كو آدمي ن رايطي منها راندي افران و ناكم الموكية الوكين كوم ورويا أورسي مجدان و آدمي ت رئيسي منها راندي المران و ناكم المرام وكران كوم ورويا أورسي مجدان كالم ہراہ کا آکے ملاحرار دہ ہن قام ریڈ کیاص سنا تبار با ہی کمہاا سوجنے عار ما می ریڈو الماد المال كى لەئىخلادردارلى امرائى اصرافق نېوااب لكى كەراكىت بىھى دارىمتى رسواتها فوراغرت نىرىمى كى بمغان غيرهم كاموادنا رراه ميت برتيبا موالية تنبن دراءال بن كرخال كرم كالريا أورا کرند لکا روغان لارینی ایکن دی و یل در کها که بین کرجنار کا زمین بنده سدها لاری در اور استانگا سرغان لارینی ایکن دی در کها که بین کرجنار کا زمین بنده سدها لاری در اور بان کیا در در می روز کی خرید رست از مودا ورسته سر میکی جاره کا را با ندیل بیده کو بو المبادر بالم موز المرابع المعامل المرابع المرا قلوا صدابا سدر كامير وارماى صاصركي وسيتي بين كم اسميرا ولتاه ولعري فارزوا الراب الموالية المرابع ولات باره ماک مون نفته رور ولارکین سیکی مشت و بلوا دیشا درار فایا که به داشن اولا كرار بااورفله رامجوراور مركاكر سترس تفرفين الا كفريح تهاسب مفتوح كالور المعرب المرابع مورد المرابع ال منقول بي كمنظ الور في ميسين من اور طوي موافق أبئر بنت مهرمار و المسيم كريسي في مينيني Service of the servic

ما تا بالكف المل المالك

مرج فرا روائمي بين بهيسه كي فلا برموا نهاارا در لطنت كاكيا ورعبه رسيم مع ور فرستوني ميسه داور نعفر کي پر مينه مناغة ومنصوره واخير موندميك بوان^{داور تبدر} برين قلو تفرنسيام ىتى ئىچەن كىلاكۇنىپ خىرىكتى بىن كەكىپتېرىكىيى بىي بورىڭ داڭپتىرا بىيرا بىيوگە لفط فا في كوشاني كارًا م إيا عا د إنباه كبامسم غربيا رجوبها ده ميت مهم كاكرا وافاكت تيار مهوا لتانوكر كرا درسمائيج بنواما بوسط دلنيا وسط وادرهم ببن مهرا ورشجا اوركية اورا ثواع اقب مين موفق فناخلانيس خوكية انهاعاء وفوافرها فيديق اعادات مربوسطادات م^{حاد} ما إه اسمد المربهم كاتهام جراك يوسف دنساه آ بهادورم فوالوت المروكات كوسى فالمنص في كافرايا THE DESTRUCTION OF THE PARTY OF

ع والت وركمار كمه و وفائمة البال فأيه مركة إسكام Musical Copy S. Julie Si عادلنا يخا دلوا بالورمرس ر د. د برزرى وابهر دقي رشاد THE CLASS A September 1 Y CHIE

عا ياكه قليت براده كورتي ونيا اور عان اور يارس كي امرليا عرفيا ومان كو كمال كالراد وي الدود وي المال المال كالمرا المال عرفة 0 50 عارميني ار وروز فرتقتي الظامرتاه كامال مرتفي فا نامرو قليم مروري بولآء كاراوليا دوي الم رى كرسے بنى كدرام ورالتدارت كان J. N. S. M

q 14/8 بمونغ

st .

برادي بيد بي ي^{يا} رسامان که بغدموه مونه که وقت من رتضي نفاخ اسکه اکرماکن برادي بيد بي يا نور که بهی ساجه الهانکات مده کی رکزی مسلم کی میتر جا کر کرمنگی مسطره اورر في خير الراكل المام الميكميا طال رحمة عايدة كامت الورقادير بنطه اور كما المي بهادر ير إراسم ما محكم وه طفات خواره ويره رسوكا تها كريم وكون كوط في منها كما ورفوج الت كرنيه لكلي ورعادات هاو رفعانيت ومغرضي لهي كاهجات لكهدكرم تهنأت حواه مهوى سي مسيل خارجواح وتحمير مزارسواسي عادات وسفروانه كما اورحمدي فايساني ركان كوبالخي فرار حير برارسوا بنتاره كرقطت منبهي عضمان منوا ورافلا حرفق فرغره كوكمو تنوسي حركم وعففرزمال يدابني رقع بني موري في در ان الاررارين ننگ يمسار ده سي كال مي وركم ورسي رسوارم متنه ويصفون قاوحه الي بهوي وخذة كالنا استرص بردياا وزييو بحريبا كالوارك يذبهي لوكون كوفان فالمانح المطرض فاليكت توسي فله بين درايا اورادو ومردالوات أوجوة بحاسركم ويوارقن كياس كمراكا كرنوط والميتهي ورميس مفض مباكم اسرعم استعمل شريع ان رور وكور مراض وتين كر دور طرد الهواى كوعال فرموترك والمسلم والما والما يتي تير أوبن زانبرراكي حاري نهااس ورسينام كالبوعاندلي لياعا بيلطاب موروا والفيرموكر جارے ف برارہ اور روالدرو کر ایک وفت ایک سکن بری الور مدجندرور کی فی دوف مریکانی آكرملاح فحكه بن باي اوربام صلح كاكبادل اسرنن عاقد الكاركيا بعده كحير وليسركا وا مندر تصيد مرتصى كي كروه زبيت بافية سركارنظام شامير كانها مستفا كواني عبوه طهور كل اننزورو

William Control المناجة الناان حرتاه كار

له من وارت ویک ازار رمی اس عصد مین نیرار با غربیت مها ورقصه و ایک ا ر به نورشه ما د نتایس شده اکونیا مد مخود در منیا به : حرب نیورش ما د نتایس شده اکونیا مد مخود در منیا به : میران شاه کی وجدین قیر و از موکات يال اسمون مين رئان وجب ن ببواء يكافرة وتبرم تفاقام تاء يمخروج مدى محاركل واران فام تا وال ر برا مرسا می اتمانی برای میران می نی کوشا از در ایم شام کی اتمانی میران می می کوشا عام روتی سیرا و 19 در نروانی میرط ای کی اور ای گرای موی قررتیک فیره حال کی مو عام روتی سیرا یا صفی در نیوانی میرط ای کی اور این کاری موی قررتیک فیره حال کی مو فغاتى درينيانى رحاف يركن برد مرسياي امرار ان تا يجي سعيل موسي لانت اسمعيل نفام شاه كي دوسال دسواج سريان ته اه كاميان ريان المخيرين رين ما ورود في كاموا ورمد طويس ت له بنرار مین قامدر مکدنده می فرکلی ص او کویتے اخراج کا موکند جیوائی طرف کی ای کا اریک وکن کے دریا واقع نیم کی طبعہ زیااعذا کرکٹے نام اسکا کہ لاکہ ماا ورصیعے میرکو آئی میں توعباس مونا رفايكن آخركا ويك عيادن كي أي سب تدبير اليين توت كا او مال واموال تواق في فرعات مواا و آدمي شاحمرة تطريخ كم الرب بني الله في الرغه كانبوكر مركز اعدال سے بهر كما اور رق عوفدكم موك عطان صرفراتن مايل الرف سوالفي أورب بهال حولي وسي

ە *رىيىك* ئۇپ داڭىڭ كەختى كەفردا خاك ئې كرفتا ربوالغاپ كىدىنىيە رىتما كۇنىسە كەنسە في ي الفان بكرا عفدا عضا عدا كريم كوج و إلد مين عابم الله اديئ كيتي مي

مرصة الاسطيجوعاسي لتي برونت اكم ليتي بتي اكر در برشور دويجد من قلمبت غما يميص امرا تظام تناسيم من من الله في مارشا و والتي بين من المي وعطا كوراسية وضع كى سكواوين ترى مرثوره اسلى رسيقور بيراد شاميع عفركى خابراتا موارنا بوارانا منكواكر ملا رؤ فلقت في الركت كوحنون برحل كريك الم أكا درواكي اوصلابني كرم بواكرب كيا كواق المرام برياهل كي كماكه مرينه كمها الفاعون تنظام شافي كمها كه وبخير أز ده مون ورقدت Side in the state of the state بختے فید کر تھ کے نمیر کتیا ہوائی ماں وفاد او فرک کر فلے واسے بیر کی مورد کر وال عاكر فمار خاط كوروزيك محركنا برنظام تاقي والدراج وركا عكر المرك وهذفي الفركه وساكراتي باونان فحالي وياكلي من منته كرروانه والورد اغل قلويه نحورسول ين يرم سعيد كيانها والتحال كيسك شنهاده مراب سي عن ي بوليوكي بركمان موكرارا وم يحيفنه كاكي اورجواردا الكرور كمال بناخر دياته بموايا اواول تنففت بيرأ بين كميل اوركم بنج ماين كاديا وحرم وسنج والم عربے منفیرس کولی اور بالا تیوین لی*پت کر آگر لگا* دی اور آرور واره جر کیا شرکر کے عیار ا سكى زندى براور الكركي ويل علان عنه مين كي نهيا بري مركوراهوال براي سكي طلع in the second se حمياكوا فالهول ويجيش مراده وبالت بجركتلاا ورطوف أباكيم عاكروم ليااورم كيسلطات مسينيرواري المي يمزل عا كربورصلا تني أنكم وكمال لطنت بوانا نها أكر على مع اورمران ورسموني سے مرزاجان ي ايم عفرت و اول جي ركم احداكر رامان مصيقه طبيسلطان كوسركات فالعفولاب ووأ بقين بكي نبيرا ويمي كماروس

ا پرد کما اور درواره کو فارسکشار قانمام فلام کو کرم أربيان فأيكاركا دني اوراعلي ومطوركما فابروكه أم فاليكريها لإنفاق كبومع نفاق لروات الي اور كلي كومسارتهم وتيرتب يده تفى اور مددب فال تجار بوكر سيدر تفى نهرم بوا وربيدا نرام

لموقع وثراله عرفيه كياتنا كل يحيحوا زمان ملكت مبت إكم فعومه أتوار ماير ب بي إوا طبعي كذري اورام وت النجاما في زورنطام شام تام بم اربغ الرسطي فاتح فالرارباي كن الكراداني يتوعي كم وازم حبة والمريخي زاد اكرنسي ادريه بالكمايه كواز وبورم تضافط كبيطاره النام برقبر لعبة اوره برسوا نهاجر محدم تضاطام تناه بورخواو تنسيق مك في أعدا إلى بدر كاسوا بها كومران بحرات فاروقي المرسانيورا ورفايس كداول في افال مؤسي يناه دي تني فرصت كرديه زاده كوران عاد المائط فرزري وراع داللك فور كريم موار واز ما كبار كاي جن والى داروس من عاسا نه آنند مرار آدمي ماك بي سريك المنظم مي اور الأركب ليلفام تناه كياونها وسيركفام ثناه رأته بين جرستر مليا ور المنش حبابي والمبايا اورم ية و و و المركم المات مي المراج المين المراج المن المن الما الماك فلا ترسون ما جدا و رفط من برا نبود تر ملاسی اور نام الک فراکر د ما اورعا ندگی بی اف جار د ما او جنگ خان منی بدوود وكالمياركود الكطوى ام كالمكا م طور بر دیکرنی ت^{یا} ی اور سطان تلافه نوسی با نوایس حوا ص^ا يضيفه يكي وكان مورسموم كبااور مبدكة رينا سيكر بجرمي دره بينين

Proposition of the second A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH Signification of the sail of t ميره وملح بكام ت كامواما ما انعطاقة فطيت موارنفا مناب وتأكرو اي دربيهر فرا ت فاش در کرمرجند که اود مرسے بنی ولاور یکان کنات سر جایزمان کی جوفرر

مِي تَرْورُونَ مِنْ لِيَدِي مِي آمادُروهُ كا مَدْ مِنْ لِيهِ مِنْ فَا مِنْ مُكَارِدًا وَعِمَالَ لِلْأَدِيَّةِ مِي تَرُورُونَ مِنْ لِيمَ مِنْ آمادُروهُ كا مَدْ مِنْ لِيهِ مِنْ فَا مِنْ مُنْ الْمُعَالِمُ لِللَّهِ مِنْ الْ كنفا النت سواريوك والاكركيس ماروكاتك قله كوفير كرد كامقر ولل مر الكومل كمه ولي فعل سكالين عوامل الوالي كريمة وكاره أيانا وكرفتم وكمهو وفوس في ورعول كي زرك ولد في جاكنيغ وشريب توركر دا فاسوال ريد وزاور سلاح مون بمكر لا بها داور المحرك كالركي كني من مكر درك بما و واره سے قلیے بنیازی شروع موی آی کم مروفدود س رارونی اورتفال را بس آنی تی الزرا ويدمة بسيرار ورقيات كابدا بوابا وجود المنفام ناه برزها كن منوا بالمراس المالي ر در در دنده کی و بات تخسیباً بی سن رره کئی سوفت رک که بی میرانداری دورکوره از بی نیموند بخ را دور بحدال ما م مك الحرب يوركي يركي يركي وكوارا تها كمروب ور این ایما شورا و عوفا قلوکی الم بدر او توجه علی بی بدوی و کور ح و ت وی استار ولنال المرابع بجب الري و واندها كرفيدة كان المرام وانداه الور والما وروا الما و الما وروا الما وروا الما وروا الم المرابع المراب برايكا فأكمكن ينتاد بالويفام تباه توفق أبرا دو اكتانا دووا كراتهي كالابابعد عبن الملك ورفات كرو وون مراكررك عادت كم تصفيف وي في خراص اللك ترماراكباده رنور فال زند و محمله موال اتناس فرني وكم فله وركنده كاجو فرسطار بندر King Continue صرائع بلخ فيفين مان اور آي مراكي غرور موكوار مايك ما كونط هارت القيرار الربي الربيا والماتية ويمتي تبييا در مقام أبدا ورا بان بن أي ي تبرية بني نفام تناه و بان جاكر عمام و كميا. مرفیل از در این از ا الماري ال

فأسم ادرة للطنسك كالرورس الواله م ثاه ز ان بن بنت بلا ادتابي رسي أعماطال أدركوته

كرافتياري بتي قفات اورعلارمانا فت مصر دوت ه نت عا د اللاكف الاحت في المروية مانه عن ركي عفد بانه لا ورآخر سي نوسي بن المويكان كنموز تعرفير برنفام ناه كبيل مانه عيل كي عفد بانه لا ورآخر سي نوسي بن المويكان كنموز تعرفير برنفام ناه كبيل مع اورخيد قليون في اور مدون النهر بي الني راي علي كوكذا م الما بي بي فدي ما اوروه مي وزومان وجود مين ي نبي مال لديم بن بن و محن دي ردي اور لمروي مي وزومان وجود مين ي مال لديم بن بن سترمن دوسر عبى مى يې جا كو عوب ار دسې فطن كى سبر در بود كي جامديي اي ب الني وبني من ار وواصر على عادات م اور بدي الطاب الرسيم عادات الوحالة تكامير مرضى نها الله مهان بورام الكرعدادت كومراك ما تصفيل كيديدل كا ورفاد بنور يو ركه ارزاع كا حنيوبن عاند يي ليكي مقرك ميدانفراع رسوعت دسروكي ينيو بادنه ه اور عايي ريسو الرا بلے ہتصالام رہے۔ راز دسا ان کے کیدا دیکھتہ پور کا ریا کی دیکے تقام بلے ہتصالام رہے۔ راز دسا ان کی کیدا دیکھتہ پور کا کریا ہی کا میں ان کی ساتھ راه مرکور بری شرمزر سوارهٔ لاکیا و می همیت کیا نجا تر ایما تر استان کا سوافضاً ایک مرکز بری شرمزر سوارهٔ لاکیان و می همیت کیارانجا تر ایمانی می مودد ا ف جاسب غرد ركم سنا وروب حنست مي كالحواري طفلانه فاكر دا فراهم مناسر بنا قفارالي ايك في ورك عابني را دركماراني ان الميلي المارين بها كريس اور اتى فيرام روي ف روي فيدات مولم من دونها كرادورد يا اورفيليال م سكولكرزد كروسني سكركه داروغها توكاتها كياروسى لني خاص تعجال الكرنظام تام نظام تاه جت سامكا كات نيره رجو اكرائي في برازك واوربعداس فتي عظم احد

المارا المجال ملا توجود في الأوت عم بابرة، وبي يما يوار يُغَيِّرِهِنَ لِمَا مُ مَا مُعِمَّمَ مَنِي مُصْوِيهِ الْخُادِرِينَ أَزْالَحُ اللهِ To programme to the state of th ما مل اه إس ما يوركه يط يكن ارث جدر يد كم الا والتكافوارجها كدوفه كل جالد يكويرة وحدكم وتي المراج الرام يكوكم شارد المارية مبرطني مناه كي مقط القبياري بني الموثير مغوج مواا ورمني المركز عن المركز من المركز منوج مواا ورمني يتركو روشن كي ورمفا ريكم مواط الوراد بالرين اورنفاج أه وفو زكوركم في الركز إلى الان الزااه وكركور للانتهار وكالله والمراد ادر سفار فا لوم و و المراس الراسي المراسة في الما المروض من من من من

عمر مقد از دواج بن قا اور موضع مازی که دطن آما و را مدا وسال کاتما حا دالما تعرفهن ولدهدا بده ما صبيح تمامسي كركم عذم تستوالمحيور كاسوعا والأكل مفاو كوكرسان ويت وماروق وماكم وبإلكاته كالعاشري عاشك الدوو الأستوه فاكسر موضك بموسطان انعاق برركيم مغابل موسيخ معاد اللكالا محذن ومنهرم موكز داد اختباري اس کین میں سریجرفن درخیراد رخراد ورتام الارغامی ای رائی فیصر کارما رمودار دره و فرسر مین من قلعه فند ای کار سرای و رساطا مبادر کرده ماطا بت مندور نعرف البامون التي برموري را نبور رمان الت كركية ت بي ماصلى كوري موريد إجانبا وكان از بين دخور وكرا بنا خا كاستناف كي وارى د مكني ما يدها تا كي حوكان بازي كي ما سواريون بمت ور سوا ور توری ادر بزدورا ف کے ری سفد کم بار ف ا مذری می اور ا فرالاد بغام ت مرفيك ناه في كل ويقد الم كنوركا امتارك بي المعاد مرب وان ده اران العضف المعلم وي في أفاسلمان طراني المسهوم مراك وال

ناه بريء ار بہت میں جال بران فاریا مون الواراده الحيد وما في كالم يحضو شاكم فاد شرار نده اوران تبديان والمراد والمراد المراد المراد المراد والمراد والمراد والمراد المراد المر الفام فأراع مكم ما مذار موركم أيكم والمراز وتوتر من الوت كم فاراه ووال مجديا بادر مداركا كالراسع جه بن درعي

رای ای بی ای اور این ا این ای بی این این اور اور این اور این اور این اور این مور بن المرائم المرائ ادراس با بهرب و مدرب مهرب با به این این از این بیران می در بر دنا دم مور الانفاق می این از این از این از این ا به بهردو مینی کوه و در مرف و داسط خطبه کیا ان آمین مهاری خوشی به انعیت ایکواسیکردانی این از این از این از این ا کیا که خطبه بیر در زیر در بیرانام کا برا مهوانااسین مهاری خوشی به انعیت ایکواسیکردانی این از این از این از این

نخاري وزون لارم كبيغ لفط بحريكم والدكما وأسمت تهشه خطا اورالعة الترفيط محري بالما ورصر الفاست فواه جهال أوال كي طوندار ملك ياسوااور فواهرت كام فأبهنقا وكرخط فكنابي اوزنعرك وكبكرواز وااوره فيحيرتنا وويته ولطا ایک بیرط ساطهٔ هم در در ده بی جری ارفره بدر خورس ارکیا مکراه رفر خط رراحد نظام الملكحري Sie Constitution of the Co

ر من المراد الم س من رو دو امراعط المطلب المراء و المراء و المراء و المراعظ المراء و المراعظ المطلب المراء و المراعظ المطلب المراء و ال فق ان بي بين ادا در الد فتح مركور كر ملط نه بين كوكما الضيف الورا الرئي المجارة المركة المراب المحتاج المراب المركة المراب المركة المرك خطه توسوة و کرد با اور صنین خرکواب کیا که به تو وابست به به این مام موکر سهی جرائید با این از اور این که اکراب بواف ن عام موکر سهی جرائید با این از اور وال که اکراب بواف ن عام موکر سهی جرائید با این از اور واسیط امتیار چرعا که اور سیاران سر که از اجرائی با این از از این این از این این از

بال آمريفان كوي ابا م طفان نفط بر *ویک توفید کریکه انگرس نجری کشا زا است* رم أن و مر مداني سالت بر مصرات اورتقاره ا لخاري ورون بالمركبة لفظ بحريتكم حوادكما وأسمسة تهشه خطآ ورالقآ اشرف رانعات فرامرهمال وال كي طودار مملك لي سوارز خواجه ما كاما ما م وكرفظة فكتابي اورثفك كرككروز بواا ورجحه شارنوت T. Control of the State of the

الميكي بنيزان فارج أمراك فانهاا مرسط المجال المنظمة المناسقة المناس ON SILE SELVE JOSEPH)

्रहें दें प्रहें अपने के लें رباد در شااسها در رمیهٔ به منام ایجاموده اسی بنی ادر ته کار نیس که در رای در اگر معرا در وجود که را در توکی برایک شند زندون برخ ادکیا جایا متا ندر در نیس منوشته بُقد بنف المهركي دندي كالحرك من

ارز ما دل بواق مراج محد و مدجهان كاتبا حتى كمرو عفيفه كان م بكرالبابها مي الأي المائي المائي المائي المائي الم اورعات مدل مي بمي مدت بني دراكزاس فها شارطه برمن البي بعر جدو برائط بها المائي المائي المائي المائي المائي الم مدان من مركز بادرائي ارتم المركز بالما اوراكما أمنا بعض في المرد المحرك كونمن فالمائي المائي ا مان و كا عاصل ولته المرسفريات بري ملط أو دربا الرا الأولاس المراز و وفيرا و وفيرا المراز والمار الأولاس المراز و وسرا المراز و ا رمر ب واحرره مورد روسه المراد و مورد المورد و المورد و المورد و المراد و المراد و المردد و المرد و المردد و ال المن المعلى المرابر في الما عنه أبير المعادر و بي ما الما بدر بي الما المور المرابر المرابي المورد المرابية ال مناسي مين قدم اقليم عدم مين ركها وقت زعين جوف موسّراه ما سامه - سي الله والمرار المرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار الله والمرار المرار المرار المرار الله والمرار الله والمرار المرار المرار الله والمرار المرار الله والمرار المرار ا

م*ین دا فام ملک* فأعده اورآدرك ايان یا عن*ن بشر*فاف مین کرز الاستاء كاراور وترجواكدنفام غا Ko تغربأ دول لطار محمرتانهم مطولا دمقرا اعفركه دوال موافع وفت كي أارزوال لي برجوي كو فك التجا رمحود كاول للخاط ادرغ في فوازكر مالغ رالا مراكداً دمي فدا دربر بخنر الم المحالية المحالية الوين المالية All Sylue out? المريدة in State of the st Cross William Side 1000

ر عنه سیکے برنین نها کو کرفید کی اور دسیطیج سف ایا میطوش کھی ہے۔ کر زمان مطال کا کئی اولا تی حفرت علالاند*ی نجار که قدیش رکی نهاطیبیا رز* که کا بهاهایدانی محرع<mark>فه ک</mark>اور درمیان ^و نوکیزیک مرى وفت كارزاست في ندسكمذر فان وسوند وليت فانه زمن اوهها كرزين يرحمارا بهرا. آمور و الله الراور الون الشيك كهدار التي الله المالي السي زنده تها كرفياً رموزاً دم تيا معيور يا اس فيح كيرماران مترجر سيحوفله وبوركنده كاموانها كواسانين بوسنوام كركيل فلام ملل علا فرالا كامضنها وهضني ربحو فربست غلاص كرسكه آما وه تورد شركا ببواليس لمولي فياو وسرت فسنرع اوراو دسرمنوح موامعه كني جراسي صنحان كوفيا رموكآ باس كوالم نبر كرفولوا وباكر سبيجه بعافر والاا و رفيوكوطي طريح فيرك الدادر واسرم وادكمه فام سنرايه كوراني بالكوم والداوا والمح عطاركال مروم أزارتها قهام كي للهائير وندكان غداوتها تها كهابه كوست اسكاالور عي في الم التبت وشروا عاه رتبابعين كبترين كم وسار مورا ثما مروب تعين م بعيدكا برمتوري كويراكي فسنسر البريس سؤانها كالأثري فلنسط الكري فرت وه الناسط بي بينوروسرا كي نن برجيم منيون اطار الطام ما مي كا بيال نظام تا مهابي مايين و كوشر في البن نظر رسانا الله رسالي عرايس مان آئی من ورد جها کسط قدینی سرا مرین مورث مواجه عبان کر وكول ونياج وركاني رورته على ل قيا وراجي طرح بيه كوانفوام ديتي تبيكام لعلآ

(9. المراد (عام) 1/2 616 40 نيز Ţ Con Carlo Ca The Contract of the Contract o سركروسي كوارز دى مهرستو كربيد عي كرب كتيبي كم مكول موك قلوين مجموس الورايي مين مواعيدن كرو الرماكان هواما دماه وسط ما يخوالدر ويات بهري مواليان THE GOLD STATE OF THE PARTY OF مسيه العرب الطائح التقده و في فراديا يا أور البراؤ وعلاوالدين كي ننا دي **نعيرُ فا**ل عاكم يسيم ومرسطة Constitution of the state of th مي اورونها وي فرزند و ركوم يكرش في الها ق اورانعا ف ياي اورانا والديريم ومررتها estimate of the second الكووليت كالورطالك مجرور كونتر والالتعابين وكوريسون المهدى يتمان تدارسلطنة الحاره ربوع مني لمطال علاوالدين يمي كامال بن المال صور مهمني حلو الرا يستنزادُ وهجروان كرست متومانداور الله ويتم ما لاستح اسكوم سنفير مكرمسرونعال عجراما استركيه بسمفران كرسم بغي موال كتبي معان وأيوب منوجه موااور شاراه وبديسه محازد وكوكت كتباكة داري والبد اليك بفوان عاكم البركر بطالحال وي كا المراد والموادون الموسو سلطال عم الدف فررام مركيك و وفي وبالراجر بعوة اوربو يقى داني بن فيطر لتي كي موارم الوالوطال الحاراق المراب كى زور كا والمراز المناطب جما كركه وهم كى قربتى بها النيز ولى راركا كركر وهد مواا ورو إ المراد ال عاكنه ما موطمة والرابط في العلمة المي كريم أما وي مين رمواار اكبر وولت في عاريم Wildhist in بدا ورورا عام ایما کرا موس نسی مالک از بیمیر کشیم دارد ستالین از بیشی رايان منه مرسكارا دنسقام كاك القديمة على الخاص وروا والماسكان والما والمني سركاس معان موموف وال بني ترارات المارات الموار وير فرسيم وف سك مي المرابع المراب

والمج مركب والمع أن في وري وصلى الما الدورة وسي مركب يرورون إلى كؤاد الدور الدور كالمراب المرابي بياني وي من المرابية رونمي كالميشيرنايا والزابني بين تربي ويكييدين أباءك فراوروس وك الماستى وتوق يركب بدركوا بون بي ايك عدر باكرام اسكام يتْي بْي اور سلفان بعد عبوس كم عبر خان ولد وَرُورْتُ ، كوكم وارتُ كا بنيكو مقررفزا باادر عاربوس كمدرسطي

دراوسياره كام الدكاكها راتمو ويرس برعلات يختوا فصروال فانجوت الخوالي في الما المورا الما المورا الما المورا الما المورا الما المورا مبت مرزون مافط مرزون تا آبار الغرب تا آبام لاکے آدمی سام یا انداز العربی تا آباد الکے الم رئى تبااتعارىنىدىن ئى خوب جى نادونودى ئى ئاتبا بىلغ دىنى كىلىر ئاتبارد دى كىلىرى ئاتبارد كىلىرى ئاتبارد كىلىرى رئى تبااتعارىنىدىن ئىلىرى ئىلىرى ئاتبارد ئىلىرى ئاتبارد كىلىرى ئاتبارد كىلىرى ئاتبارد كىلىرى ئاتبارد كىلىرى ئ فروزيكيا النرعوم ضوماً تعياورا صواحكمت طبعي ونظري بين مهاربه تهي صلاما مونيه THE CONTRACTOR OF THE PARTY OF ا يغردارنها مرفعة مين بن ورف مرار المنت المراد وربي مرار بدا ورف مراد المرف مير المراد المرف مير المراد المرف م المي ميردارنها مرفعة مين بن وال ميرو المراد المرف المعامداو تورا قلية الموسطول أي مي توسطور المعارض الما الموكما تومل تورا والمعارض الما الموكما تومل تومل الموسطول المعارض الم المان والمراب مين المنفر آيد البنمور ما قران الله بهد المعال بمال المرابع المر 60 ا ما بول بار ما من دالر مفاطر فرار اعتقار الرياد الم . منفعال درا ورودا اللغال معنى بينواري تحفل وربدا كي فواوال وركما منع العام الحاعث كي دكم مينفعال درا ورودا اللغال معنى بينواري تحفل وربدا كي فواوال وركما منع العام الحاعث كي دكم كيا مة غران فيصر في الميساء ووريدت كيونها المورد الماريد الماريد الماريد المريد المري وم اورا در بجران دوا یی فیرزش مودی در میدادرتام نواری این بهت والی می دوای دوای م فرز من والمحال ما مناور والمعلى المعلى الم امي رواز واضي والمحالة المروق من يالم عام وشراع المعرود المعالية المعالى المحالة المعالى المحالة المعالى المحالة المحا وتتمورين ولي تستفي كالبربورة وصال بين فرواج مردد ماركه بي مريد الميام كالمي المقاني بصيفين والمعي كذرا بعفي فابل ين كداه رستهای از سلمای اروره همار محد کار بینورش کرد می از محد کار بینورش کرد می ای رد و المرادي المري المر

د مجرد البرسم المولومون المولية وورود المولومون المولية والمود المولية والمود المولومون المولية والمود المودور المودو فأدباع فركى فعقبرا فرأ المحدة بالمرازان والمرازان اوركوئ ونيتها بخابرا درده فرمل عمل کاک

الدين غوري بهي كوركس عظم خانوا و ترميميه كا تها وخيا كرد كاراسكا به في عال موكيت ايركم ب نت بن مغور کرانیس ایز اکدور سیاس علی مغور کرانیس ای کا ۵ پر عَماتُ الدين من كل مال إسلان فالدين ومن كالبدار عربين منداد اجها بالي مورش على فافعام بالمدرية وكوف فاري كها بقرق فالمال ر برین میں اور عام و بی مربط النبساطان اسکام کرعا باتا اب کی این ایس اور عام کو بی مربط النبساطان اسکام کو عاباتاً ئے کوڑا نبانغار جیرینہ سے انتیا کا ہم ہینجا کرا دنیاہ کی دعوتی بدائے ابدیکر نیادہ يركر المياد الوازم مها مداريج نجاة كومن محار مونيظ خابين حضور كي رانيه عرفيين مريضة ناه برعبهما تفلي ورطرس المام المراجع م ويدرا دراس الرمار ما معانك دي ورفاه ريام ومون وما فركت فرور اورمرك كوانفيا واعوال يمام معموره الاسلان فاللاين و المارين الاين، على تم الدين كي : المراد المراد المراد المراد المراد

Think to play the state of the The state of the s المرافز الفرايق في يسود د نبوي اوراً كمنظ الكبر خد تير رداني إنسانيه سكوم والم عَلَى بِهِ اللَّهِ اللَّهُ الل **ٺ ب**ي جار قيمتي ٻوڻ اٽرا رڪارخ ۽ والجاس ڪنواند اخينار کريا ہي*ڪ عصار ن*اکج برنابا وكهني وسن المراع ذها مدكوات والوركوبمج أكروال إسطا غدمكوابار بنجاكيا اورابعي محيلينون بفالوأني ادريخبروارين فرقية فرنس نير مجرة بي سمطال أوت بوالودود وليط اور كورك بدرقد الرور قصبونيل معلم تقرر كيني أاط مدِّم فِي بِاللهِ اللهِ الله انطاعوال وبسارهم فوانا تهاكر إكف 688 ما مكونا ل يكري فروس פימו לעל ופים بادلاین للورهان او ابا دیسا که های

الدين غوري المامي برنام كاكروه منصو كالت كاركمها زيا دورمد عاقل ورجها فدمة اعته زوال دورت میر انجی بواسوموانداری کارب امل داود و کارین ا انوسيج يراس خاف كالمساكسة خادارت مكزام كالرموكران وسيحان بث استقى كوم ورود شامهم في محمل ورتحت فرود رسمها كرمو ر وجرر ورا غام خام المعامل مشاه كي كرغم بيرا دركيد من الكالم بني والمرام في مام زنوي ور منوساركا وكاكمه بالرحذكر واوده ولوفسيك اكترايت كالمالكويسية كبهووان اينامك اكذام المصوال كرم وسلطا مجارتاه كانها تخري ورغيب استكركي معظم والكوين وموم شميل تنبغ اموا عليت سيكاكم فاردن سلطال محمه ونسامهم نوكاما استطان عمت ي سي جينوا مناسلطا وعلواديركاب ورده ومنعول منفرا مناسك روم رورانا كويسم سوايا ر فرار کیا اور داناعوری کو بواکر کر طوی کاریجا ر ماآورها را نیا کی که میرشوش ناموهم کی کوینی امراکا مركم بربات بب كومبار آم كي بوسلطت مرس كي فقرية أياا ورسندعالي محدوكما مداي ومتعفل ف د كوتها مفيدًا اورمو د مان ورمار مان تنبولدار مفكم و دار ركموا با و اخير موكم وألن ويرساتهاا وخطربت جهالكتها فأاور طبيح الجيموز دن بني طوم تداد ايسي غردا زماريان عربي فصيرون نهاجب نشوع موني متي خش متوا نها دورجب كروه بتما نهام كما ما تناكف و تهرآ لى لى المار ورى عوت كبوز دكم بنواا درمند على ماريكا درونمايت الى

كأز كالسياف ادفهان فام 6

الدين غوري فأحى برفارة كروه م و كالت كاركمن تها اور ممد عا عل ورجاند و المكاكرة بعت ذوال دولت مين المحيد بواسوموانمات كاب الى دادوه وي من من الم يروافي سيرير اسرخ ب كارساً بنر خاورو و ميزام كار موكرانعاق بعالي دور بيطاور كيران مي موير اسرخ ب كارساً بنر خاورو و متعالى موافي فالمن كالما ورتحت فيذرشها كالعدموس أبضط ت ميستنه الموالم ر در درا غام واسلاما منا منا می رخم سرا در کیمت منظم این و دار امریخ ماندیوی در منوساركا دكاكمها ما موند كرواد و وطوف كالترطاب كالمالكي الكالما الم جوال كم مفري الماضي بناه كانما كو الورز في السريكم كي مجمعة والكور و في المسيلة ب من الماري المراد المرد المراد المر تهدامو مست بركايه ماردن سلطان محمورتها مملي مال علان موقع بنهي سي جيوا في اسلطال علوالدين بعدواور في تعول من في الحكد روح روزا عالى المجاملية بنهي سي جيوا في اسلطال علوالدين بعدواور في تعول من مناسطة روح روزا عالى المجاملية لورواركا اور ماناغيت يكوملواكر كرواعت كالمستري والأورثي وأياك كديم منتوت البريح كي كويني الم لورواركا اور مانانيت يكوملواكر كرواعت كالمستري والأورثيا وأياك كديم منتوت البريح كي كويني ا مرك مدبات بن الومبارات كيدوسلطست برسكي فقورة أباد ورسندعالي محدوكا بدات و معطر ف د كا تما مفيدكم اورمو د فان ورد بارغان تنولدار فا كودار ركوا با در في موكر سطال في وران فرس سانداد وطربت جها کتابا اورطبی ای موردن تبی عرم شداد این فرار نیاراد و ان فرس سانداد و طربت جها کتابا اورطبی این موردان تبی عرم شداد این می این این این این این می مورد این این می عرى فصير ولايا تهاجب فتوح موني لهي غش موا نها درجب كردة بنجيا نها م كمياما تها نيام كمياما تها نيام كياما تها كنيام كياما كيا ي ليكر عورى عور كم موز دركم منوالور منسه على مع الدركم الوراور ما الم

الخرمجا مذرز فاوكم

كالمنسل إنها اورك فروى جميع ولاياسية مح صوف لل على عان كركي و المالي وبب م موكوه الكرايط كوالما والمالية بره رین اور در دا کیے یہ ما اتنا کرنے منار ٹانی فیانی بہر مہنے تنے اور فرار رہی جمہ یا محامرتا وممنى ال ساعات ميكري الروز خرتشا تهاا درا لای ارفیسروکا بیم ارکتها نها درجاد میا ادرجاد بدی کی کافط نتها برین المناز (الاقترار الحاتنا اور اليقير كم عمد تطب وعب س والي بجا كربيدو اسطيفالم بن في الكير الميكيط فسيناك و ونبر كاركه مواكد شيسر جا الها وبين كاموارت الموجنة كي أي ال المراك والط فرية كونداس المعين اسكاماك الم ولوفوجوج اورفيل فالمركم الرسطاك مي أندون كابع لي بر منا و كي الم الما اور جين جو اصمام ني طلاور جو المفنيب ما برط المانها

Might state of محا (ح كبلا ف معردف كارا بهاا خيتا*دي ت*با

للركم وترتحت فرنا برسي يه صورك ورحم فرالي كدسكما و بدارتك ماديل وجميع مرد فت بمرعام رے ہے۔ رے کتے ہی کہ وعمد تی جانبانی سے مبساجا ، با ٠ دا تي ورسي سيراه نياري واصر موكر بينقضي مود وريال شا الهميم كا رو خطسه موکیکرب کرونیه ناراا در نیحونت کو لازمه با تنام کا به نیجایا کروالیات کا مونني سكيا را برنوب أنبون برنيين بحواسي ورفي را زايه نوب بهنجي بحرابلة در کاه دبول سبکی دروازه رمحتی متحمول طار محسیقی کا نماکولهر دن طرف تعطم كمير باليطي تخذي كدو نغره كابنا بواتها سبت كرنا بعد مهيد بينهير كركمال شوكت وروكة ي بارعام ديناا وفياظير كي ازان كير خارت زما أبعدا كيسا ايكم لكه جها منه كروالد كى تنى حالط د و كم معطمه كم مسفر كاكيا صدرتريف اورد ويركو مردم معتركو نغرا ورفعها في كم وكل ما فرفونه تها سي كرب والم اليك كريم اه اس عفيفه ما لي يكرواني عبرالوم الربر الدون أمر المالية الإلاد المرابع المراب ناراه فدابير جرفسك وفره آخرت كاجمع كرسيجيث عينفرج وزيارت منداد سوالج ت روز کار سے بی آسی لين عوجوكه بمراه أسيكے سوار سني موت رہنے وفٹ مراجو بم*كير بيك* ر ا تنین ورزونه ا دربهج پرسیک نبیم کا بهرا ور خلعت خاصهٔ ور فرمان مای شابهی *دکری بهرفراد ی*کااور المعالمة المراجع المرا البارت خطيه اورسكم كي طوي فينف عليف عاسكي كما آيند ما طال عرارسية كو

خانخاه نعال م 4) Sind مات النات ولي مقاركو ما زين من اليقاء للأ بمخرخ حطب قبال مار من مرحد ما معدد الماركي المعادد وغيام كاكوانا وكت بعيتريدنام كي برانام ب كياا در موردا على ربنه كوبنين منيجا بها كداه ني تر أ الوربيق كيماين كرسلطان زا دي ببرام كوركي الن المين بل سفذ يار كياسين وغونه معرم رشاه بهمني كابيان ر سلطان علادالدين شمن كالخوى تيمني البيكي بهولول يكدون ميچ بيكه وقت بما فق د اسلطان بزوستال مكر فانحه يصرفارت كم فاره بوكم كويدنوس وكر كانتير البكر دارالحوارا Clip

چىدىن رمواتا ئى كوشى ئىسات الغالىس يوسى كى مبوزدا مائىلى كورىغىي كالمجيد چىدىن رمواتا ئى كوشى ئىسات الغالىس يوسى كى مبوزدا مائىلى كورىغىي ت برنون تا م انها اج ، ي المرركها درسيم ان العقايدها و براكم الله ق مېزكيادورخطه كوركه على تركيم بينام سيريان معلواليس من خطاب تواادد و مېزكيادورخطه كوركه على تركيم بينام سيريانور معلواليس م المركم كا ما أي اسكاراً كليدين المركب الور المواقع التي الما أوراً كود النطح التي كما أو المعارب كوافعيا ركا ا رول آرکھ برکہ مین قیام کیا تھا اور و کہیے جاوح کرنے ہمی سن محرکینی اور مبدعلوس سرامندا م الم المراج وتعلى في المراد المراد المراد والما المراد والما المراد والما المراد والما المراد والما المراد والم عيرانا مفان في وظفر عبد بن كليكر كوشور بإس والدين من بعياكه جاست عبدي المسارة اوردرارا ملك كاب عض وكديوا عنداد دول كالدور منصول ور وامل عيدالم ب ن ن المامند المرامند المرامية الول وراجيوت عمر عرف المناطقة عمد المناطقة المناسكة عرافة المناسكة الم ادرندارین مطف اورماب بے کے مطبع ورمنقا دموکتے اور کولاس کی بیا تبار مار مسرارا و کیا و رفاسی مندر شوای نها نیئے سرسے نهور بے زاند مین ورف اور فرب مار میں بیار دکیا و رفاعی کا موندر شوای نها نیئے سرسے نهور بے زاند مین ورف ب نبر ار ریفی کا کموی میں کدوہ نر دیائے مہراد کا میونلی آئے۔ ور ایست ب نبر ار ریفیے کا کموی میں کدوہ نر دیائے مہراد کا میونلی آئے۔ ور رئیا نیارال رسیسی کرکیدوارددکن بونها علاوالدین یا کموبار مالک محروسته محل و رئیمانهارال رسیسی کرکیدوارددکن بونها علاوالدین بر کریا مند مهر در می ایستر دسمان کوری از ایران ای پیرکریا مند مهر دری ایران صوص ما نوئي برسير کتے تيے دران اعلى ان وانعام براہل دو اسكه موتی نهي واقع براتهدي دورين سلاطين الام يرج فبول روزي ركا كالمو ما بس اينكي وي

فطحي وادورا وهكا علاداليرضلي لكو وتبااورا وفيركا وا بجابرر بدرجه رابالمام جيعورون بن كيك عل ميداري مانين ل يوين والشدن على طان والمح ويركه الراق

بمريبن ورس فريف بكاشكا براورآ غاز بعانية بموشا وبادشاه كايبانا لك ساز يغري الم منه زره دن ورعبه علا الدين محد كرات مجمع تغربا تبريج برياله صالته الملط علايين مر ارت کی اینجانام کمال کا سکے کر حیدانوطفر اے الدین محمد میا در وکا برخد کی اطراف کا کمو مرمه جا عابت وكزرون اور العنب بسانام معبد الرمغ قبال مرا يك فر مازوا بم The State of the s اولادرام سے استمر کورکان کی ستراآ ومی بین سی منیس رکست سو آبدرا Chief Control كراني نتياه اوربيرون سيركه وهايك ميمو فرنه تهديلانت جدر كأف كي نا فرد يجتن ن المنتير السي بدر وكومنها كئه و النهن الم بن في رسيد ورميا دي را ندا نا مرالدین غزنوی سے مفت کو امال سلام کی قلیم ذاہن نقر ساالہ ساکتیا کی برس قری به عزال مرزاله المرابي المرابي المرابي موسية اوربيهي عانا عائية كدرار آنهه والبيك نوسال قريك آنه واكتب التمسي المرابع فعورتم لبالم المرابع المرابع أبرار ورسترعت بين متير و قيفي مدر ه المسئر موسله بين نفط الن عرفي المراثية وتوجير بمرى عربين دوسرا دفتريا وتبايال وتركز في ورويا مكيط وراوروسية كما كان ورزوج كر تحفظ ي محرف من كال إله موت ورسي كردي م مدر و المرابع المرا بيّا ندبن عام بن صررتنج عليه الم ملكت مي كوالم كريكيني نام يضافر دكيا بولغ مخريهموادر منهوك مانهاا ستام جيدالات والبيات اور ۔ اُن نینون قرم کے آ دمی نس سے سراکر کی موجو دین بيل طفات جدا كا مرسف للا مرفر تقويس راجون واوريج

وكاكور زينادي وإكا صالحية فيا راه وين بيرواك ادانه آوانير لع راسيين أهذه دي شاه رندوستان كل حكر مكي فدوي شاه آنتاز لوكم مي ركا والمداد كريكي بادل من غلامي الفوادر عالفتي ورافر وذا وريس الكريم بالأغورالا ضواهيه يملح تبوا كركيرتية نالفرا يا ورمز مطرف وي ار و خرب ابجر مین ملاین شده التا ترین ع بدجهان سيحبر دوقيع وكألبين ولدمون تومن وبهادرادنتا كيروقت وتتكون

The Mark the Control of the Control Gilles Silves of the The Cold Contract of the Contr Chillips de la constitución de l وب غود القاسطي كارهانه دُوهِ وسي به يوات كا زيد أن كريكم جال جاتن ما يسيخ عرصه ي The Contraction of the Contracti عهد ما دسم مد مين شاه مالم باوش مكر رشن شرا يخيا كنيارة الريج ميال فطرت كين سيخيا كي طاهم ب و فتین محداکبرتیا ه یکه منطرات و لیومدی عمیار سیمیا و رتبدارتحال مربروالا قدر سیمالمها کوین Cincia Contraction of the Contra اربخه ما دى الله كى دورهم وترصيل باره سخرين برئيت سلطت رعبو فرا ليحاء دما ياد م علوس منت از ما معالا و الموارم المنه ما درا ما ما ما ما الله موال ميكو دمية ركزت بن اير المحالي * LOS SESTEMBLES عارة بارار وغربي قريده لاكميكم مي صول وربسي كليتي بين مهدين في عنج حريرول والتكا يدُكا بن رحيه كاي كي نهيا ورفعنه مرا دائما و بال رتة منه تيها انبي محفواين سالج كرومهم ي مستسكر تحديثة اكدوىد زاي چركوغازيد اكتركت بهنيائي خرجب كورز جوالارداس رجيك ورقهم مركور سيفاريج وارد ديلي سوي اراده داي كاكيااوركرسي عامي أي اسلم كو ما بذي اوركماليه دار د مل بديا مركو ما اومانو زمن من تهارك متعدد كورندي ماركا كذر الدرنطوية عي غيره عيثما و ملافت عنارس بي الراج المرابع المرا كيموقوني لاحكم وكودد دومفيه كيرش بيحات آما سيراكرا الم كوسكية اورشحت برويا فيم كرمر كملكر عيشير اوررا بالوجو بوكرم وحبيت والعيام كاباكم أيت بيي سيكارين ليكود لايت كوكي بعدر وان بويد ماردما بها درو وفي عرائلهار وسينيك بجريين فهادة فردا وبدار مخف ولي عبد وال ؙ ڔؙڬڔڣٷ؋ڔؠٚڹڔڂڔڹ ڣٷڔڮٷڔٷٳ ٳٷ اف بغاً بيد خور نعارق سي الكيميت رورزدن آزر ، فعاط سي مبغيث عا با كرمت مهرد م^{روم} نوب بان بالمراد، وأبري بربدان بأبا بخت مهين يو رسطت كوا وطبيا القدر مأوري ممتأر فراوين لا دكورزجوا في لهوسي كما بها درم بان المربة والمنان المربة والنابي ين فالمندر المنابع ال بالفعاسكه دية وكورزي كاقبضه اختيار وبرسغ ركتي بين المحي آيئے الوائند لياد كم التحادام وسط الما بخرال الما بخوران

عاد وندري المنازنار موسي فيصرم لاياوت وطاحط

آكى دار بيمبشه فيها كرفيهن بينين كمرمطلقاكوي بيشاي تبين وسي حرابيب كمقوال جو ير في ورت الح بها رئي زر الفرنسي و وعلى ما يوري و بالفره الدلار وها إلى دري بهي و ويترف معلى والكاكرسندما برق على كالآلة ما فا وليكروه معدورتها ا منته الاه وراسيم كوكه والحسيل ورغزر بدردالا فدرتها وراكز زوكري انهيت وركين أفرون المراق مسك طرف عمر وعرا إلب كها كواكون يقيما ري إرتباه كسي وقعل بها منوا دينالورا كرديك كرمقد يتا وتاتي ينتي عكروا حكام تمهارا سوعات وكمروه والتكا عميهج والشمك معجهان سأبط بريئه حتى الكوستين ولأت عليها يزبادتها واسطفها شي يحقريج إجهاكي مضايقهم بالمفلط يتهار لينيركم مشتكي اورطاق بهي كرنيك تسهراوي في وبالن يكون رخصا بها دركو درما رسمي رورطلب واضح يوكر حرقت لاردها بها درا بمجر أكياادر ندربادت وكودي فرراسيم نداني كالتهري كرملاكي رميل وحيانها درمو مطرف كسي سيك نوي اورته منه ما خلان مهاد اركوت روكي عمر وسيكيك رون موادار لاكرنسي توسيك لاردع بها در رئيس كر دو نوماز د كر كورية كالرياض وشاه يخية بي تحت بران ريو اورر ما وكا مروق وسفرري نتي ديكما كه درما ركات وعالى كركم مير ازدا على موف دروازه وعمل كدوروران مركة استوش كي كرجها ن ياه في وعوست صحرت في ارة ده فرا ما الكوت الميا مي المران را را در وم المرفت الرتب كواكها معاص والاروري في بمنارا وري

ولينعث كالبحرف ومطلخ سائر عزلمين فواسعدا ومدخان ي داقل م طرح بسة وَصَكِي كُمانِين مُنا مُاثِ كَيْ سُوفْ إنْ مُنْ مِسْكُوحِيثِ اوِشْبُومِي ابن يروم وليرر ولافركين بينه وكرامه كرانا برنب ريج بحذكري الهين مديني تهمين ألز الولاكر ولي البوارح لمتي بموقع فسيرجا تيكي بعدائي كاونا ولان كانهار يح كمرقوال دورت بيج عملا

يه آما حد المني كالمطالي يا جار الخواطي من إن سيار لي كرري وندي على بهادر توسيم كي تولي C. C. الجي والركي ميرص بها دارمدم توقولي ابني وتهما لبكر حيكي بياركيني كوانما كها إنتوان حضرت بشمية بوتفاركم ورنه بيجار دل برهم تو مقير نود اوركم جاكو التي فالناكرن كي عرضي كروائكم معرا الك م يركب و كشير كم عرف النام الما الما الما الما المراه الله المراه الما المراه المراع المراه المراع المراه ا نام فرا باحتی دون کے کورکیے لیوک میٹو کا باسیانوائے در دارہ فاریوا کا نیکرایا سیابول يار كراد و و و دول اور حواما ليرق بر كرية بير وسي بي بن والع من المط الم مير منها مه و مكم كالرشاه فو دراه من اور و اور المراح الم دیتے من فررا رسنے دہا درور و کے اور تھا۔ الی و تنی سے عرصکی اللہ ہر ہماراکو فضور نهير مزاج شنهر وم عالم وعالمياك مرزاعة السير وكردان بالفع الهين بهرغا فيركيا اندنون أفسواله الأكي التبحث بيدو بال مّاسة فرا كمرنت المدينة بويست بجيره عا عا فرسو الم السين وربيا دبيكافيا لفوامات مفرايا جمارت زيوكي ورائره ف بدالمفايات مرده و بربت في در الأله ركهي على مرز التبتوسانين سوار موكاد له ركي والقي سوكه مريدن بهاد ميك المدسوك كال كريج الهربل آينا ورويال ي عالم سواركر واكر جاز مقصر وهوسي رواند كي اورور ام بمنو وارو ابيط سي مقرركا كيم با معذبيكاندر جنس بجهان الكيطائيل طي تي كن مهرويم خود يحود أيف ابني عني ربين و من كر من الركاره من والا من الدر الده الم

افران اكرري يذرانام المبن تبهلادا تداور ليمت تبيريك إدارا كاشرارات ان قديم سيك لي صفوري سيد سيد سرماكو الي معدم ركي توفر كنست دركت دغرو ابن بديل أماشل بدكان وتسابيكي وامكاه يرسيه مجاكوا Ji-Je زى بن مو كميكوندي النهل دروا

No Ell را کروز کا دکر پیرورال ما فط عبدالصرفیان کی طب اولزها دیود کی طرب دیکه کرک ورای وایا که ها وطربی مراکز وز کا دکر پیرورال ما فط عبدالصرفیان کی طب اولزها دیود کی طرب دیکر کرک و را یا که ها وطربی موقع عربه المبيب المريها في ياسره و شاله بالمنين هو مهم الولام كررا ه موان هم ريت اكنه وكوحتمة والدا اي م. فوت بره فاجتروا بالدلولابعه أكراً به : نا بريخير عبرت: درج مي نام الزري افرق دارنا جما اللكا وكمكركم اسواته سناا ورودرت كيتي تيري ورايا كالتي يرك كهيك دريش وراد دعرفروا The South بذكانية أصفيا ولا في لمن عررت جهال و كي طلع وكرت مراد بسرقي بناس يروانه ورسي الوزيد معونغ ببراب وي وادول الرسيد مراه رزاه ه اسكا ازما يا به وزارت رقام مواسيف السايا ب بندره میر برس و بای میرسیسی بر دام فراند کو عنایه کی عربین است برای این مرات و کواسود کی حالی كاشابيانا والمتماعه وين أفسيران كزري ويكورشوا بسط لأي وشاه كورك أم فا بمركه كراه إلى وزات كو معرانياكي اورمنتي موروم ب كما كمام جالور اخراج كارغابها سطاري جبياكه ورشادم ر لي آدينا ني فنني ملاها فرميوك اورهو موت كداسوقت كارها بي الي التي البيرسني زيا حده ر كيب نېرېزارولې يې اېوارېږمبلېم له آيئه كان تريز كان يې د فركيون سے ما دولتي ايا ريمار كي الملاجح ركيتي بيني جاناكه با دنياه بهت كليف بن بحباره لاكر روبي ال نيه طرف ي تعرر كريج بعدهمان أه وفي جا يا كركيه اها قد مولار دها. فيها ورجاليس تزاررو والماليك مواضح الماف ولي كم جيمور وسي ادرانبي افت ايك فيمل الاكروه عافردربار موكركواغدا د منحط كروا ما كريم اور و و كمية ان لبيش كي مع اكر افسر و اسكير و ليسط عيوسواري عار ماهوي TO THE PARTY OF TH سرعيدين اور نوروز كو وكيل كو ربز بها دركا آن اورايك سوايك تسر في 3.07 Pachinipage

مهمتا باره وسحطار بين داخل فله مللم بهادر *و وقت وسي*را قا כוגו צו فرج روانه کي غام تا ت عالم المروث و رؤره تخت رام ځوې مين يوارد طرفهر مديوده كالرو טצעב بنلار کھے اور ناہ اس کے اور ایسے ذج ہویا

بيني لداء ان الصارك نها كه المي تعصفي مواران مرت بقير الميكر واليكيم والوكان بتير ولمت سيضامراً عهدوينا رفا فدكا درب لاكا دنيا الومطابيخ اورد ابغ قبو المؤلات بيا الدركيا بر ادنیا دیمیا سے کراطی مطاب کردیا نیز کید دار انے سنجیا رفیاحتیر سیجیا ہیں بھیدائی برالہ الماکی To design ر رضي نواا فران كرزي أما مارسو رُوست كي أنها وريك منطار كوح موح وارائحان فيه كواكر فليدان ويتي مناليكم برزل فرايا ورمد افل منه صوم سركم شعول مود مكل مؤير مرضوك كييزما و هلها شروع أن ت كامور من مرائخ فالت جايل مها ديد اوجر دفلت فو ي والسيط ايك كوشالي كي بالركل اور برطرح سيستيروآ و زمين غالبًا بزدي بادتيا ميكه كي ما موي اورمطم نة وقي يرووالكاره مي ين بن عداددفا البشهيري اورادربهي ومي اركان صوري افدار برنخف فان كي حداركم ضابط فالناكوكه صاحب يوسطاعت روبيول كانها اورا كرجم غفر إس سي حمع تما رنها سرالي كريوك مزاج اسكابي كني سي آكي ايرالامرا منبده البران عمر وان عدد ميماران مد رور الفقار الدوايخف ف كارسي السي الي كونشالي كي كم آخرماً عارم كوامن مانخا كيتية بين كوا علال بارگی بین برخر ارن و بادر کرار اور این از می اور از اور از این از می این برخر از این از می این از می از ا مومو ف في اس يريب كي كورينك باليكر كرينك نهوي تهي مزارون آدميد مان بن الطان للوزير ولا من المديرة الم مروتر بمدان بن مُركِم بنے بهرد فعیلهان مرنور کویتیان یا یا امر دلامرا عذر فواہی کی قبولی اورعفه تقصيراك بهت ونون تمع ه خدشكذ و رريا اوربين ايمالام اكواور على خف وليعال كوكه وه بسرسيد اميرالا مرام نها ديني مقرركر كيرمنهم السرسيد كي فوهداري سي المجمع المجار المعام موسيم المحام موسيم المحام

وبالضميت آلئهمي سيكم بحاج الدوكة فاجاريه STAN STANK ولأكم أركت تورد وبها كالزركهات وتحتم عبر ربام ر دو کو دام جنم سی در فروز خاصار بسی موکر دلان کوزندی ما کی نیاه لیا يور حيان أورن مصار كيرة اوركة م اللاكنا تعرفين مُصِين كار شاء وي حيان ورد مصار كيرة اوركة م اللاكنا تعرفين مُصِين كار شاء مالية ودارد وفرالا من مواسية بواكه فقط مداده كادتيط إبنائه وخف والمار أبقي كما حساركا قبضتما امنين ونونين سيخ ومورهماه وفلوت وجهال الكاكا مخساللدولة عاديا وفنا وكومية الموادي والمركب يتسيية وكالوكم ميل معان كور المريد بين الدكاما مين ميت الدوروطاطان الخلب كيك أكرارا وة تماه جهال الماكاك اورجا باكرب ن اور سرالو قريط بركونون اسى ياارس مكي سدون كو وكما ويدن

مارین اربیک هوکن خراکرر دمیمین و ها برنای و تر دولاکه به وارا درما ده م يذجوبها يميني بطري لينارك نو ركوس ن دون من طوكم كيك بريساً آيا اور قرفيك بل وي شنه كاي اورا ل مبالوفي ليابدو فانوني كود يا كار رسيمكم فراته ما ويسال كوترين يخ و فير فرزيج د رفعالا مورمها التي قامريك كله زمال بين بداي و كرسيكين العالمين ما الاو دليجا التي و Sur Sur ے اسے مرتب میں پرسیس اقبال و مومولا ورتها نوالد نبیان ما ہی ایر خون اور عال اس بيدايد الي كوجه فيرطفر كي بنج عال بي كوركز اليوبي تفاركو مستالي روست تعربين عزم ساديد لا بورسي كالكل في إنه مرجمت اخرت ورد الي كن يحرب كي برأ السكااس و وحرب عادم ؟ حداب الم يهواا وربيان ابني عاريا في رسيول بيام طرير رج الدور بنره على ردنجان مك قار مريكا أو بكا معاجان كغيرًا اطراف جوات من مك بخاله مكم ميتلاماكر بيرهبوغان ترييم محد صوبرداد اورنا المم شدابا دكاك تهاجي أن روزون عدد دمركورين الرواع الم النجوبان ورن المراج ماعرون قال كرم تها دور الشرب مين ميز عفر خال بهي مير تخدق عاد الماكوية وتركي مي ميسمون بالأرسيال والمرازية مر فافن يهي نسياع الدوله الدوله الدوله المرائع في كرير البياني ويتن اليها وير مولاً ا فلردة ركبال ارطنا الراج يركور كدون يطرت عطوا ما بتنه وسكاد كمه بادنياه كوهم اه ليكرت ترزار سوادا ور مقدر مدل فوج دور مات سر المرابع ال عظم سے و رسطے نفامد برداران اللیت کے روانہ ہو یا ای ناریخ عادی ولاول فی سالی ا اللهرين حاصية موي دريي بزراً دمي كما تكرا مام سيسروها م شهادة مو تكست ت اسام ينياي تفاب كرد كارك رئي خيون وف مشياع الدوله سي الكروك فرون فرولان المراجع ال Weight Williams بالمرام المراب الراوين دني

لاستبشار كالمعايذ وبمون ومالي فالمجيمة ماميق أكروكي عمالاه وع بترجويه بعطيم البست مكلً فأ مد ولك بنا الدوكرة موا ورسن والدوارم فلويكركام يروزا ريتكي سركرم نباناه عالم يتدايك لإنسبي والدوله كروه مرواجنا ووفان كاربادتنا بي كل وبرورند بهوسي بطيسورج إحاث باوورشا مده كرندا حوال له مالم يكرد مني نبوال وراك الإيكي المع والتي كيرا الم بازشركيا نام مامان وينامي برقابض والورنجي البيده وومزرا جوارنجت ولياحكم تا درت دار الی کود در مها کرمیا دستاخین رکی بک یا برکسیشا همد دیج یکیه م

Contraction of the second د کن کارکها تها خصص تنابیمهان کارکوارشک بی درینه فیلانی نکمه جهت ایواان حام یا د شاہری کا The Sound of the service of the serv ماندي كي ني بيوي بني كالكور واينوا في كواً ورسونيه مقد القامن قفض مرشوال وفراسلطان To and the second Medicine de la constante de la الف بخوانعا مالدير! دريااه رمر فدفر دكوس كام مؤنيا ويمناع وستعرف و والم فيريكوكرانيخ الف بخوانعا مالدير! دريااه رمر فدفر دكوس كام مؤنيا ويكونوك الم Olan Moral Control of the Control of تعزير لاست فراب ورارائي اركن كوندند الارائي المرائي والمراد وبالاه ما واور التيبولا وال باورادر عراد مالاعي واوتركوا ربيها عدم سوتياراسيم فالاركي هيك ارومرار بندو فحي سيم آن Service de la constante de la بحرار برعم طرقار الميماد رواد والا في الأمرا وله يمار و المستنه فا ذكر و ليك بهائيل والنا دواد والرام عرض روار دست عنه که کوی نه محامه کار مهما را و خیامها دجی سند مربنرار خرا ایا توسیسه مورید بران کاری می اوران إسلام فيه توج عام المركع و فه السط كريا وربعد فسا ركر جرجم الماجم غيراور يَرْكِيرُوه منه مال كالله الله وله المالية والمالية المالية والموالية والموالية المالية والموالية الموكرة المراد ال ساطنت بدي و اسطے عالم سكرا ورورار اسمائيام سنسماع الدوله سكرا واملالا لائي نام يدخيب العواد سكر منوركيا ورخ الده الريكاكة بم فردا عوال نجت موجوفيان وعالم كالمحالية المرام والمرابية رادي كارنار كذف مذين عجي به كومؤول ومعبدكر يكم مرتز نيف بالأيت الماكرة ممان المامين مواوت وعالم كوعيا واورعينم الماس وارائن فعدكو ولا تواور بحام العماري ارف ولا كرتم عاكرت عالم كودي ت بيال آواورا فاعتربيوا ورادلهول وقلعت فاخره و کو طوف و و واد آلیا که در صریحیا و رابه جهی میان کو با نیختا ادار دیاست اد کورین کویا دیکه طوف و و واد آلیا که در صریحیا و رابه جهی میان کو با نیختا ادار دیاست اد کورین کوی ال المرابعة اور الما وفواعظ الما بي في سرالدوار كاكم أكد آعدت الدالي بطران فارت والما

アングラング بي بوي اورجوا برنقود كرانايه ا بؤاراونسط

اواديث مرودلا تهاانفاقاه رايركم ماميسيكم مور رصور عظاما كيدعوركم الكيملاتها كرمزك تربي أولي فالطفاندا باريك سوالكراره وتتركن وتنا Call State of the بر جاوس كي تناه عالم الم تناه لقانيا كما ورا للي ولافت ابدالي عجو دسيام متعاربيكروا فرايااور سعى والدواو بخيالدو ارتوبي فلاع اؤرفله النادرو وعفاياه بط البفطوك بيكا Supplies in the same of the sa تفرت ازدي باله مهارس نبعض الراحمة ارتياني جعيا ورمواديا ومكم ما فريرك والطبي المرك مر بطن كيز موهوافع يوكريه في دنهايت المرولاد ريابغا خلام وركن أي كمايك وتبار وي كمه عالم بن مير جيا يكره ليه على والحالي وما كراتها كمروف أوس مره مرازك 2110 عادالماك كواسط فالرنكريك أوجوعي علوركولدليا وحدوقا يرفا كابراكواركرام والسطح C. S. S. I SISTEMAN TO THE PROPERTY OF THE PARTY OF T بر کیل *کا که اگرم*ام و نزمان ہی ہوچہ وہ اکنت حرت کی دانت بن کرمیاز و ربوط پو کئے ہی کا خارا متروث كالفاق رط ارفع الدركم ما وح ومكم أيكوف صنوا فليت بين كروكم التي ترابط كوراب بادين كي ازرادته الجرسي تبراور الكوف به صور بروغ هكرزيدار وكي ندوف وسلي ا Strike the strike of the strik المرابع المراب انفادا وتنامكي آخر كاربيرين كوارس كألوا كالورق اورتا وزيك يحاك كي كم فوطح الهنار الكالم والقي مواكم ده بها كونترا دراه فارابن رهني موكرسا وجر عمود ويحلي تحتى كيدنيا و في اوي كواي Contraction of the state of the . اطع کیا کرمید استی کی اور آبی منظور و منصور می فی مرفوم نی تا الله اللی کو المنتفق المراجع المناس يرغربها يكه عاداللك في سط على الراجي عاليك والي بسيك والدائر فأع الدود فائن أل المجاول المجا فالوكوبي بي ايت تواريك ماراتها وه بي بيان كالور كميب الدولها وركال فعامان اور

افتي كالمتجما قبول كالإواق مت كركة وغرار كورك كاحبوا البركار المُنْ فَيْنِ الْمُنْ فِي بالعال الأسال المِهُ أَلِي الْمِينَ الْمِينَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنَ ومادم البرحريه و وشطع لاق الرعبل روسيك اراد فرواياح

وك بنب ف بن معلمات رميض الأين والمين بالما كالقرائل عالى تاني باواج برك البيطام بكريتيا درتام اقليم الرين الترفي الدووي عادمة كاتمام ديم (ن بن معيدالم) فلف قرالد بن استال والمن الدالي موداري الموري الم عِالِي هِنْ دِهِ مِنْ الْمَا مِنْ الْرَاحِينِ الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا الْمَا ا إعداللا فرنيرد ما في لا مورير ورائد كركرة وري مي الكرك وقرارات الدالي الزكار بتوارم وكاوج كما ورعدر طرانندرة والكريك بن المام عورتي مفارض ني إي درب متفعال كارتر ارتبط ناه وبنا و في النوارا الما والم المانية المصرف وراريدا بي الربايش الدالي وي ويالولكوم وي مركب ركباري المن قد ما رسيد و الرائية و الموارية المائية و المرائية المن بان ما اسع مري الما العالم الما المريم المهم المه بزرف مي جواسكا فرزنه تها اع الدين كي بي بيدي را ورضي عالمي المانيان The Mande Market منجا ي بود المراف المرا المرب المالية المراب المراب المرابي المراب المرابي الم الما يندنيك ونه كمال كالوزيدة والله المرك في المين الدروا الما ي بدوسال كالكام عالمر في ورعا والمكار والكار المناز الكار المناز المناز المناز الكارات

وعاد معاكمات سورج على ونتنام الدر بفرالدنيان كوخيت زرآريي موفوك البيها تبراياكه واداك ول شرس من الطاقة في كالمنسلة وزارتكا عا دالملك عطاكيا اور دوبهك كميت وكوت اكواد دائج ماه ما كوتها حسالا مراجة تفاكرة عند اموما نهاملا*یئان کینیر دا ضی*سو فلتحول والاستعادالي كمع دربه فلأربه

الا و كوسمياتها عايت فرالا و ر فدست كمشيكر كل و رخطا الميران مراسكا سادة خا مر المرابع الموراء وراه و مردين محدثا م مرت بواني كي جونم الدوله بسر معددة) يتى النوى دوكيرسال ورس سال الرياره سيامت بين حرشا وليد كَيْ عَنْ الْأَلْكِ وَقُوالدِينَ لَ عَنْ رَجَال مِحْرِتًا مِنْ صُورُ وازًا كِنَافِهَا و بِسِطِ مِكْ مِنْهِ الْ المستعدا وموكانوفت وووار تبتاهير اللكثة رمانه والمراسك مبان والموالة الماجة عنيمه عافر عاصر عارما لسخواه كالركاكم عبارت الكوزا ورا والمنالة المروانية المات معريلك كيم حتى والكراه يجنب بريم المنا والمالي هدينه والكالك لا موريًّا يا معمر الكالم مع والديني وصورار و إنخابها رو موكا رفيس كلونار إردال كوم الغلط مظا آخور نعاق مرا الدازا ويبرمكا المراكورا وراب العاقلة على تا مقدما تومية كاررازير المرابع المراب كاراسير الدلك نافيار منفور بوكيت مركوبها كادر معى عبداه طالع وبيام صد كا ذير كهيني لندا كياني وَ الْحِ بَعْدِيلِ اللَّهِ الْحِيْدِ اللَّهِ الْحَرْدِينَ الْحِيْدِ اللَّهِ الْحَرْدِينَ الْحِيْدِ اللَّهِ الْحَرْدِينَ الْحَرْدِينَ الْحَرْدِينَ الْحَرْدِينَ الْحَرْدِينَ الْحَرْدِينَ الْحَرْدُ اللَّهِ اللَّهِ الْحَرْدُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّ بهماك ن ووسط متعب الريمه ي معين الماكك كال وارسة طاك معتمين اللاطافر واست الموا المنابع المناب بمت كركم الني طرف من باب اليهوري المحروك خطرة تحال الموقع ال قند ما ركم كه و مركز الوت المادم المارين المرابع قراريا باكن بالموجات مورادر مان عمر قررت ملاف الريك الكر مالكا الملالي المراس ال عَيْبُ عِنْ اللَّهِ وَقَدْتُ إِمِدُ وَرِمانِ وَزِراورا وَقَا وَكُمِّ نَقَاعُوا الرَّرِفَةِ رَفْعَ رَفْعَ مِيرِكِينَ حَاكِمًا وروم الكري من المات ادماى في بيانشام الدو والتيم الدّين فال إوار بجال ينج صوبراو داور الداباكر صوبريوي وعدوه هح م الحام علالا كياره كتيسيت

1.00 احرتاه كابيا داييت ، غ

مان در المان در الماركزيم الزارموا تها اورنا مدسياري Circle Constitution of the Tal Cind Control of the Control of t Se Se Contra مَعَ بِيكِ كِهِ وَلُولِهِ مِن مِينِيدِ لِيلانَ كَا مِرْرِيجُ مَارُرَهِمِ الْمَدَارِمُولَ تِهَا اورًا بِدُسِيطارِ دَيِ كابل فيغيره يرتظفه ومضور وكرالالاكرارة يمكت مين معينق فالآخة كمركه ومالارفوج وْلِيَسُونِ كَالَّهَا مَهِ صِنَّا جِهَا لَا وْقُونِيَّا وَلِيسَارًا حَدُهُ وَزِيدُ كُونِهِ حِمْمًا مُعْنَمُ كاتِّها مَا وَقُوجٍ تأسي مازم سركارا ورنوني أرسكير أوركالم والدخشي وغراكومي اعما والدوله وزرالهالك Store Con Store St يك تداركم واسط فيه كررونه ك ج نزوه دريا منبل رسنى ديدا كي كريم والحصيرا سودرس زياره نتي لدبها ندسيه الابالااكردا غل بريد الور تبهر كركوفو باراح كالمسمراده يد مركز موافة فاعده بتدسكرا ورمورعا إكرية فاسفر كالبيكر وسينج ف كدار منه كراور خذ و كهو د وأعسار كليس بدر موین رسیحالا و اسیداتها میوین بک صدال قال با آخرا میکوین و مرفوم کوچا کی وقت الدو المان الي خيمين مازيده رهي بير كم ايك ولد نوبكا وفي ابدالي كم أثر لكا وركام الكاما ما ما ما الما بالبخ كوبورش عطيم علوه كرموي ودبها ورطفير كم مركم كارزار مواسف بان والكارات المون فرادر بن الارن المراد الموادر ا مير مند من الماليك و تهد الله الماليك و المدالي و المالي المالية المال المُعْ الْمِنْ الْمُوالِيْنِ الْمُعْلِمُ الْمُعِلمُ الْمُعْلِمُ الْمُعِلمُ الْمُعْلِمُ الْمُعِلمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعْلِمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمِعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلِمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمُعِلْمُ الْمِعْلِمُ الْمُعِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمُ لِمُعِلِمُ لِمِلْمِ الْمُعِلِمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلِمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمُ لْمِلْمُ لِمِلْمِ لِمُعِلْمُ لِمِلْمِ الْمُعِلْمِ لِمِلْمِ لِمُعِلّمُ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمُعِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمُعِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِلْمِ لِمِلْمِ لِمِلْمِلْمِ لِمِلْمِلْمِ لِمِلْمِلْمِ لِمِلْمِلْمِلْمُ لِمِلْمِ لِمِلْمِل ر بی برن ماری از بر بی میدود این ا ارت مورد برن ماری از برخ میدود این ا ارت مورد برن ماری از برای دوکر در این ا ي دكها في دي منه ما عاد أو كالي فيمدان كارزار كوبية دي اورغي في نصاب الم وت نيكه موى دومسي دانتاه دراني لنه توج طرفتال و داكار محدث فرفيح طفري سكرمت والمهوي والفي موكريد غدمة رويه ماريه با و شام كم طهويا بالاردة مرخ مرخ مرم المرا المائك أأردو فارتب فنقى لاك والط صفارك اور شنه دیج بالی روانه مین اورده بی سام ساملی و کر کوچ کموچ کر ٩٠٥ (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (١٥٥) (

دي لفياخته درتناه نيرانكر ورهامول يرمحدهي 300

بركان طينه وغضابي علطا ومجارا والموصي امرالا مرائيكا صفي وبها در كولا مأن م الطور شا حرشوا الصفى وبالمولاكر عن الموارد كروا ملاك فرك اصفها وراً عدر دربان لا ركي المره كالمالية والمار عن كالماني كي موافع الكر صورب بني الم TO SERVICE مأ جاربار و فرتحت وان رسوار سوكرعازم نا رتباه كمان كامراا ورصواري و بال سمج ما رتباه بغ محدثنا كموعلى ضيد فين وزوازك كهلابا كركها تجال محسنوا حرم التوقف اور فيعكذا ر ديكے اردم سے اجارین ورا من منے اللہ اللہ علیات جوجا ہے۔ مرحا الما کوها حادث اللہ : رفان للكر طرف وديك إورطها تُرتِيج طرقت تعرفي كالم مي لطفائع المارك جوا و تا ين الماكانها ويكر و اسطى لين في في اوروار بي مدرك اورس المري من ارسا باد تاه مريم او ال المارية المريم المريمة المر . اراده شهر کورکوک مورد افل نیو که کند آندون از که دیجه کی تهی سر دک انفاقا توبال آن کی می رج صل السيدية كوما روحدين كي مؤير بنس خطيعيدا ضوكا مام بينا وتيا وكيد خام ما مي اوروي ه وغروك الراس رمون اريخ ضار كرد كا وقت عمر حوا فررت وا كياستهار في فوج فوج احقال م زعنب بين موارين كوازد يام كم اورم كلي كوچ اور است معضر المعالم المرادة اورمازار مين قرارا وكرما قراب شونخااه تياري بمام شب يهيال است سخرك سنر ادب كيه اوجو د مكرال فرنيان بن ادمي سي زياده كنته بيويت اور تسريره السابق الم محوض في المرابع الم المحادر في المراد المرا على الصباح إرت بله خرا كطت أنا اور فران قتاعام كا دمال عزرني برگزیران الدن کری ارتیابی مرتب بازی الدن کری الدونی بی المراد ا 18

بسرلى ن الله علائه كرنما دِمِن حِفِر فِن سِنْجُ صحصا الدُّوكِ بِ فِي لِلا مراسِينَ مِنْ كالردار بوكركم مديسك تورونداس بركانها وكالجرائي فالمريض بسيطيدين والأفيف يكودوما دوكزورو إياديناه كوافي كركبيزا أيافقد لبناه وصطي كيكساك وفراا اورائع المحالجرات بدوركر و وزكرا برعمه فنا كرونونكها المناب كالبابت فالرتيري ومناه وكرفيا أيره اصفياه بهادر كومخرال رئحارفرا إاسفياه بهادينه ولمان جازها ذمت يطيط كالكا على اورو عن يعال زموم و كاكركية توشى إيبره ادروبر دعويناه كراكر كارد الل بيلي كيادناه دقع بسلس مغرر تركيمه وإرمعين سوعب بفعا مهادركوع ثيبال مفسوط بِ آیئے تبیار خیال رہنصا مراقع واسکا جا ہا د شاہ نے مہتر فواانحا عازم حاکم اسپو مرتبہ ج ن ما سے موان فرایا صلی نو موجی نهی بعد اکدور دوکھ موید ية أصفى وبها دركم عيرًا واللين ورثناء بك واسط على سكري فيت است لكم ناديناه مردانص ورند كوينج مستقال كودواندك شابراده جرينك آيا حدثنا مجت روال جدا وركه مانع زوكات كاف فراد وبي لوك فرز د اندجاري وكمكر مراه مي بالكِ لِكِينَا ورْق مِنْد بهَنِي مرقرِشُ منعبًا لِهُماكِ اورمعالغه فروا يا ورسندروا ب البيابهيدي ببركال مزام بي وش كيدرضت كيابران اللكيف بوساكين

كيركها بيوسك ببخاونه كواكي معلوم مؤما بنفائب كوكا منواكرا بنيسين جضور برسنجا أواحج سو که نارت ه دان ران کو به نسفورتها که این متار ناجهان در سیام کارنسان او خان و ار الامرا كەرەلىنى كوئى بىچ ھولىكى كەرىنىن موجىتان كوئى دىسى ما ھايەسىنى خىراد تا «كومونى بنى البرامرا رئيست في طنوير العفيل كي يراجنك افا غند في درنا وكورنط بوس في فندار وفي في مركي المرضين بن سب خطوط موق أمو و وفي أو كالما ورجواته المي مات واست بسيم الرساليمي English Strains اد فاست لکنید. اورامل مکیه رص کرند من و رسترنا ده کذری که علاوه می باین را از کوک جربا مي ربا ني لا يرتبيا دروه يورموا عوال الورفند با ركانت بدخيم بسيم بسير على مرد ا حال مي ميروا عربا مي ربا ني لا يرتبيا دروه يورموا عوال الورفند با ركانت بدخيم بسيم بسير با حال عوراً بسنه إبرناتها اخباركواني والجنط والدر اوراصفياه بهادر كاسمحت تسيها ماكم ثنا وموضف فدا وخداكم مكاكا براياد دويان بالمتعلى بلاق نفات وسودر وكردورنه كر حقيه مركور جدا تربا برایا و باسکه دوم رفت بین کوکیم کومارای کان می اسکاری دفت بیم کاریم بیکی آفی می اسکاری دفت بیم کاریم بی المايخ المحق المبياد المبيرين المبارين نناه موصوفك منبيايا درصوب ورقعه كي بان كي سنية مي ناورنياه بفيص بن ايادور بركوب بالمارة ومادر المردال والمارد وقار براي والمراج جه وبال من ما غنون كي ف رغي موكر مبلال آبا برآباد در حكم فعن عام كا دباب هج أصا

تفرنبر بها يتسلك وداتعي سو رانیاریم اکارلام اصمام او نیج نریب بکارا و رام آنده برلیا الكاسلونحال ميدوكاصح والادراك كرمر فهرتماا درمد وزكرنساو لي ه مور فرج غنیم در بر زورگرا ترجی به سال او ماه کافرانس این ارتجا ه مور فرج غنیم در برورگرا ترجی به سال او ماه کافرانس ونزجاء بتأكا ويندكه والنظام اللكافي يتارونا والمركز النفاز اصلاح بمفده كأركية نبطر في كلا أكمراكم لأخلا ومفي كي درزري مطار وما فأسق مي و معادر الفام الدور فورا عرص فراندكو اليضايص كي وكن كا بجهاله كدرونه برب اوربدين وشاكرارة كاستهاب رى مَلْمَيْدِهِ مِن كِرَلَهُ الرواوي كِي شِيرَ بِيرَكُودَ كِيرَا الراحِيْنِ مِنْ الْمِنْ ولا من أادرو باق عبروت من كاريكم مطال باجيرا وكاكيك جوال كويسياح بداوي فويسكيوب المربط بوكرتفا بدكرا والمصال وفعال يان صن بين فرآ مارت ، ي دبلي رفطام الد*كا*صفها *در يجار أند*يميا المراح من بين فرآ مارت ، ي دبلي رفطام الد*كاصفها در يجار أرفي*ا ت مطار مراجات ما أن جدا بالم مدم جود كرجي رميا با اماكم کا ن دولت کی سوکت^ی کاطبه Danie Coline

بالباية يكروه والمرة وكأروف ويارك لرموة ذكيكر سدى كوزار سطي بهدا الماله أرردي بدنطة والكبازري طب مورغا بم فعرار تابيكال خليصارت فاظر بالمورجوك كواكوتر سركي تدوي نام الكربيا ورك كاستون الكيميا و فقد الكروي Color Color ميدائلي واقف موكربها فه ميني أفرقت أوس كان بالكرادالاكي وهد الى اور كارتجاب والمان المان سی در در در الاول در داد اسوان می اور نبوری در واکار و ترکی داه ای در علد آرینی والنهميا ماروق صورا حدرالا مناية معني وطوع كماان خاكا كركم انكرم مة ترول سوانفاع اللاك وربي المرج وكرك نفاج كرا كم من مرك من مراد فالمن والدو bill ادر فيقول تراسي ونظ موافق والمارمان وعرفي اور اليك ندرما ركما وياورانه المساق بالمان في المان أبير في يطري من ورودنه كريموا في وغوالبالغ م صوبول رويم بكيمكر بيني ورياجي المجتبرا مي المريدات يطري من من المريد والمريد و المريد و بؤنتِ روك انبول موالانتيار نظام الأكرا وركم فراكست عامران محري كالمشكون عا المرابان أرابان المرابان المرا بدنا هم و من نفار امر اللاكسوع بن المامنيار كا حرباً وما ن ردار معادان مر المري على وكري بنا وكوي عالي كرود اللك محوفيدي را كرك تنه براس قوم كي المادة ادر قط اللك في بهي لركو فبول كا فها لكن عجالفير في قط اللك فوماك كوميموم كما ببدانتنال فطاللك را درعبد اصدمان موقید ہے گالے اس عہم برا مورفرایا دیے در نواور ا طار کالیا الزاري المارزي

خا دكم وعفارتفان الاركوشك بمادرتك الإمايين ترتسق الناشاء بكربدا مويا وونبطنيه الإنزاز أوا وزرن اديفا ماللكبا دروكن تيئا ورماته بارنا كج يحم مه ديالاوكور الكوريوي بي الدية باره بنيش بجرمين مبرست كامرزاني كم داري كورت كي نفام الماكم بعا دركو عي وإد

" Sin i supprison de la constitución de la constitu 1 - SANDANATION CONFES Ç ارت تهاسف دونو کوسی الورللی اقی رئیمها کرصور نی دناه کیدلا بادا فیم موکدیات میرست آنا است دونو کوسی الورللی اقی رئیمها کرصور نی دناه کیدلا بادا فیم موکدیات يرجمه يتياعال كاجوما فطريا و شفق اللهمان الي بدلا الوراك الميمر يرجمه يتياعال كاجوما فطريا و شفق اللهمان الميمان المادراك الميمر رطامار ان به به می درار میداران و میاندا ایر کیدن درانون مجامیا کام ما اور مطاربهم می درار میداران سورتون و میاندا فيار مدهد الطنياك همينا فاغبار كالعاج وجلاك مرايقيقان نتاسي مرفوف فرار فرا كيسه المعربي م ما كوام المراح المراح والمراح ازه المعنى الروط مراجل كريما بترون و ركوراك مثر نبايت و الموارا مي وراوي وروالم يرت ما ميد اعطا إلى مسيح قوالور اللي تا وكام رقيم و داه الله ودانها مرا مراك سواا مجا المعيب شفدمه كه و درا بر زغائل المام المعلى اور زاب بري سيني مين الكهاجا المحتفية المعلى المع عبت برور برالا مرالا ورقط للك كوجاعت تورانيان سيمنا وعدر ميانين يد المواخوامول ما ونفد كل ما يمان الموتي الموتي الموتي الموالي الموتي الموالي ال الماران فيدب ووف الماركيم المراجي وفي الماركية المحالية المرائل الماركية المحالية المحالية الماركية المحالية الماركية المحالية الماركية ال المغتمن بن كيت بن كم الرم بورك الكوايدادين المراس المرادية المراس ال ت وسی اور الموجن علی مواد وجب و به المنفی و عدک السید المینود ا و وسی اور الوجن علی علی مواد وجب و به المنفی و عدک السید المینود ا عالی خارسے نہیں اور عدد رہی آئے مطابق القیاص منبی اللہ میں واقع الفي كاروسي نير سيح بسير بيد رقارموند عبدالعد فائ اقدار مجد نا الالط مهداا وروسور سرت غركا ولوائ الكل امل موري رورا فعت رام الهداما الوروان ع لنين في أول الأولال فت

Pers والعراكي مطنع مواتباس

رکی درنصب تهم فراری و رقیعا ب میرالا مرائی کا صلی اعلی البرایت تفرموا و ارسی موروسی با دنیاسی اس عدا دریا جالیسری برنیاسی الایسیمها کرم خریسی اور استان الایسیمها کرم خریسی اور استان اور می موروسی با دنیاسی استان الله کالیسی می از ایسی الایسیم کالیسیم کالیسیم کرم خریسی اور استان مير كوسكيتيره او زارا وزندي واكوار كيالكرسوا مير حباره نديكه استراح با ول رغاد ديدًا مير كوسكيتيره او زارا وزندي واكوار كيالكرسوا مير حباره نديكه الميراح با ول رغاد رديدًا رنم مصلوقيف بن مجاكراكي الموصوص البيت ي مصرف المراك المرسكي دون ري الركاره المحاين ملطان مرابيم علق في القدرنبيرة بها دره كوغي ايوالفي طهير ويجير السكاره المحاين ملطان مرابيم علق في القدرنبيرة بها دره كوغي ايوالفي الوالفي ئے ہے کر کے بیت بدائے رہوں دیااور ہے در درا پر سکے رسالہ کی کمیدہ کا مکا دیاا و توریم سوارگر را سری کار و دره بهکه رکه کی ترین در در اضا خدیج ساز دره با جو بی کلیدا . را سری کار و دره بهکه رکه یکی ترین در در اضا مغالبدرا د ه تها تحقیق می سه افررزات کی علیمن بن تری و کرورا آیا آنها تو کرموط افزاد بهت بن و در رسوار طازم مرا ر ده الحاكسية و اورويه بي تمنياً قريب يمنياً قريب المايية الدين المرفعة المرافعة المحروب والموافعة بخف او المخ الدين فالمح بني وم صلابتي المجنبي وم برعائج في مارم وَ آراً على والولاوا اورش بالكي مدافق الكيم وملهك فيرس تروين وتجير سنه أور كوفيا اللك لمطال راسيم تجل لموكانه سيع التعجلت بين مبسرايهم اه كيكر در سيطيمة البراور مقائد محتريا بمكنا بيها تجل لموكانه سيع والتعجبات الله عنه المعرب المعالم المعالم المعرب المعرب المعرف المعرب المعرف المعرب المعرف المعرب المعر أباب كل طوف يديم وكي زول ومان بي كجير لوك كريد بير بر مرمزل برع ق عرف قويج ا 16,010,07 Joseph سيدون کي اور ذي الوس شيان در معتبر نسير ار معن مشاركيد متوقع تبييا و و محدثنا هکه الرامايج سيدون کي اور ذي الوس شيان در معتبر نسيد ار معن مترج وارالخلافة كاتباقط اللك يزوروا برسيداد وكالاتناء كام مقاية كرار الور مستي ميفلان عليمان اور سهاميان اور ميد توريد السير مستي ميفلان عليمان اور سهاميان

وع بوم كالمعرال والدو فرواسفال كالمت كردول دا ما ذامد کیمیا بیمرمقاا درخاکر وصیاری کن داسیم يهريه بعض وخذاريي رق مذاك أكيد منفرت ويك فيلان فلإرج يظ بدما ديناه ميكر دورا توسي عليديمير فرفيين مرار وار نفلسط وإدنياه وكن براوالدنهاي يكالتواز وادل دوخ كاري تركيه آيئ بين ايك يي بددى كي انه يست مرنوامي من صدر عليان كي تما كي ليكل م اسكا مُام بيوااس بيكا مدين تا مي رويست مراحم ا فيركوا مرالع والكراكم فكا ويؤانها وه المكاكرا بكركو وعيوسي فيلوه نطابة لوت ليكي مبيت عوره كانها بعدر فير عذر سكر ضط با مناسي مين إلى عراس خال م اها ذکر آندنزاری نعران دائد فرارسوارد و کسیدا و تا ه فی عدا و لمینے او بردايكي سوي ورصمعام اللاقبة لاكروس نعدان مولاد وفيت وزارت

Laure Contraction of the Contrac Shop of the state The Constant of the Constant o Credit Control of the مات الهيم ارسوات ملى لغلام اللكربيا وركيه سرميخ دافيج موكدان رورا دشاه اورار الامرامين No Croping Control ا ورفط الما كجيدا ومذلك اكبركبا دميرت حبضراريكا عا لمعالي كيمينج بهت كنا تأكر كم حميري والمرة اورجال نيا ومي مرارسوار قديم وجديدا ورست والحيل آنسوروركي رنفيكي فبراما Charles Services ليكر واسطيره افعة نبطا م إلى كيها وركية ولع من ولي منية من التي الرياس من التي يكر من المراد الم لمه و و رئي سيم او دولاليك أب يا و تناير كوروا و تنايري التي كيزا الريور و المكني كرا Section of the second of the s بني تناراه جهابيشنه يكون حبتي الغيري كالمتاليكي ويحين بريواني للسطيس مينا يم من تركوس نير توب مواشاس ان ريروزيل تا برخومين نيارزعيز م تابيرا مواكه بطاتي اول كيكم وزما د و كرك إرتها ويك وروازه كال رائم ما الارتجى مرحدة كاستري نوم كاجنعتا ميرسم فبرش عيري الع رجال بها ورانيا يره ويزار في استكم مستعقرا المركا ومتولی اول پر ۱۹۰۸ مرشات را داد. ارا دیمه او مرکورا کاری و ورسے نمایان مواا در کا غذ الیس کا جاسیم بضمون محموان مان کی تنكابت كالتما غزيكا برجركه جوبدارما نع آسط لكن قفا وقدرني ولمير إمرالا والكرون فرقدوكو المرور والمراب المرور والمالم بهنیا چائیے حکم آرکی آنیکا دیا میرحدیر ہے دایا مجہ ددخرااور زدیک بالکی کیے سورعض کذرانی در رُبا يُ حوال عرض كرًا مواها، جوبين ميرالا مرامنوه الاحطرع ضي عبوا كما أي نقال سي عيش فرس المالي المراسة المذارية مرسے اپنی کہنما اور و فرصر کی عنیت عائزب حکر اس مرحکہ ، را کہ طرف مقایل کہ ار الإنسان ويروم وروا ورفيرون الم Single Political States - امرائكي فرسيع كأم امركا غام موك عدالحبيل الزاح في مرتبه تغزت من أسية كمارهم وافرا كانتواره ألايل كمري فترص فترص كروزواد بالم ال والدرز أو المرابي المراد الراب وورسي ولي مراد المراد ا

بوالقه إلى بن شواكم عالم عليان مور فقات معنى متوارا و من الورا من او المرابع دا و د فال وترمیرها ن از محر خطیر تجشی و رفد د بنان بران درمینیها او لافاراق عارصيهم والأان دكراه ورأبكادا وبسيصوال فالك خيا خالين كالروضي ن وبفيا باكرانفام الكاكميا ديفيهي افي رمنري بريم Military Control عازي الدنيال دريط فرزه كوية مانه د كرم اول كاا و در الرحيط ا درية فاد در معد الدرج وارانجان وركات ارغيان ورغيان ورقادرداه فالوتهاموخ الوردارق اوروج اورداج فال دروكم بادر كوميز إدوبر برخر كركم آب مومون كرة لكرم في بِنْها فون وَرِر شَول كِيم مانته معنى مديز او دائ كم بناه ورشيين قرما بإعام عالي الز بوجود کوا حوال دله دینایش گرانه کامعلوم تبا نزیختیاری در فبر در پیانه ک*ر کیمانگ*ر: مرضوعه بالادادين وجود كمرقاع إسكا زخرف يجود بقالك وبمدم فدم كليبي كم خفامخان كي النباسكان عامًا والورب درك يذنفام الماكم وركم ماتهد كالاه ودي ومشجاعة كم مرخود وانه ميدان عدم كامواسا ان اسكامية فس ناداجيرك بوكويردا داخل ركارنى وللكال وسارتين بياسخ وشناؤكي اورامرالاراكو بوايان مج فاوج بير صدوماً لدرالا واكوا ذرنسية ما موبون كاكر دكن بن بغير ين قرادر منى كدمبا زرخان صوبه وأجدارا كا اور د ناور خال بغرار فيا

بير الم الم مع مع كو عكر ميك متوجه ومت إلى دكوب الموالية في المالية في الموالية والوسني ورقا النكرا وتناسى من منت مهورموي ميرالا مراني دها ورعاني مختبي اوراه بهم الادم كالمسام الإ د ه صلحداد منظر فسي تيمين البيط قباب كلها نظام الملك بها در كدا قبا لا كابا ورتها زيد الريازية بي فله الميور قاصر المينور و و في ديد قت ما تهم اين اوراور فا صور دار باينورا و عرضي في داردا ادر ر نباسرداره از ارد بها فی غیره نبر کال کی سریم در در در از کا کرج موج شده این این این می موج شده این این این ا مرباسرداره از از در از در آن بر کال این میرود جرب در در در در از کا کرج موج شدها ب تها جوفت که ده و ده کوس می ریانی ترکیبنی نظام الماکه بیا در نه و به غرمت یک بایس دارد کورسط روكية المصد ولا مبط كالما في ليط ومن بيامة كي د الاور عنها كر بردرار المترادر المترادر تحد فال دوليم مسترا در كاك مكر كرم المراكي كاره براً دموا رسيم منتراكي ان ميدال كايرار بين آيا اورغيات فال مسردار فوج لفا م الكربيا درسيمقا بينوا. سادار الم المركبية موا فلك دلا درغلني از در دونورم الت مَّ يَتَرَتَّقَدُّ مِر كَا سَوْكِ اورا يكِ كَ بای دون دون ارد این ایل المعامرة الم سردار حرات نظام الماكبل روسكه آفت جانی نه بهرکس آواز نت دما ون کی نیار میان مرا بها در منظمه مي مين ميسين سين اس جركي ما ديناه اور محمد المبين فإلى اورا مرا بالحن مين ور سر می اور دبیر مبدون به نهایت ریخ کذر ا بعد اسکه ما بگرین رمفان کو جریکران مرکز می اور دبیر مبدون به نهایت ریخ کذر ا بعد اسکه ما بگرین رمفان کو جریکران المرون العاراتي المرابع المراب لمعنبجان بهتجا امرالامرا كالحبر نزارسوارسيروا سطيمة مقابليكمتل فردايور براكرجري الطام اللاقر التي أن ده ورامون كوتية قلعه كيزين المجرط فست مرما بنوركم منوح والمكارة ما میرون فرای برای برای مارد ایران مارد ایران از ایران ا ردرباً يون است كرسب الم مارش كي يوربنا الك خرد ارسويل عالم عليان يك

سون برجذ ربيم مسكره إدام خد گونها عربي بسيخ بے على مرك ما وركني وق ين كريهني فا ومن معوم بي سين كران نوا موي بتي وروجار كفريسيا ، كي منسه رين كريي الراعقا دلويها . وتري ما بيان بن كولية بير اسع صديع من مليما كيد للا الملاماد ركم است. البيديكي وكركم مروك بذرت وبيط الرصو ياده مرم مدارد جا رصوول أبان وانبود وبسنداكي تماس يشمقركون واجفاه البكري وركابسك يأموا ررتها جرامين كي عجر حود للرسل لكها حق كدوب بهي المدون شرك كياس بوفايتوم مس جون شائيم شائي فرخسه امرالاوا ود تعبيداللك يذجو ابكو الدرك وكم وكوكونفام اللكريجا وربك نعوشين الإياا وركلمات انتاب زبا بنبراتي جربنفام اللك ر مربینی ادر کراید و شیده و دنیا می که بی و ما تصبیر می این مان کی جمال است. مور مربینی ادر کراید و شیده و از ما می که بی و ما تصبیر می این مان کی جمال است. مذبكه كوكاركن أكجه بنير وانتك موكرمواني صلاح ومفاتك ماداتيا وررتن خيدا ورجيت ت على در كور كراف الله الميكانية ك اور دوكور بوافي عزم برالامراكيروا أيركما اوركب مع مرحمة فعال ورعبدارهم فال اروايتحان لووايو اغوالان فليما ورجده ميكم امه فرار موارسيه وسطها ديأ فأستشاك وهج تين

The Control of the Co 186.6.34.36.3 كارنطام الماكيل درنك نتي كم مفاور نصور اورامرالا درا ورفط للك مفوا ورمجبور مي تفقيل اس اعماري به بركرنفي م الملكها مرفع و بحب وله خالها در و وقته بر فيد الدرجا سكر صوراك بالوي كي عنابت مري تهي وحود كداسوف نف مالك بها در كونظر كرتبرا و ضباع اورا طوار را مه The Contraction of the Contracti يرب سنوته يكرن كاربني ناتيا بالناء والأفت دا دخام اسرنواج كوكوفروخا خاكت The Contract of the Contract o فته وفي تحريهري تهي *الركيم طرح اتت كي* ذالي نهي درقبال يليح وقهر فرخ سيرم الجعدي Sicher Side علنجاري جوفتكم وكرستيم بهوي نهي مرحمة خاك فعودار ما مدوركا ورميط ملاقا كيير نهرا تراميا ولمير سيحي تهادسوني على كدانتها المسكاكرول تطعيم وارتنوكو تغيرا و رقواجم فليما تورا في كوا كام ربتر ركر كيه رواكما وحمه فيان نقلاب طنت ا دركونته نهانه كي ديكر سينيم ان فلوسكم ولني الميه واسيط اللاع كيم عضين كالأمان كم الكرار وأكميا الالراسط العرفي وكمت في مي مهاري دانون جماز دي دري المآينه ويرقور والمرابية والمرابية والمرابية مرحت حيث مايئ اورنفام الماكها وركوب الكها كوسركات فلوما مدوركا خواح فلني كبوب سيم الومر فالح فالي رنيير المجيرة ما يول أكرارا و كرس اور تيفته انغمال في توبير ينف بنفا ماليكميّا ب ۶۰۰ بی برار آباده ایم این می از برد. ۱۳۰۶ بی می این می از این می از این می از این می از این می ای عان ي فهانيري اورفار بمروقعة بن خواجم فابي كما ما لكم مرحت عال كورنا خوشيل ميلام اكر منبه حفود المارين المرابع المارين المرابع المراب مونيكانتا اورنفا ماللك وركوني بت فارد الح وردلا وري ورتوسياري خارمه في قف كماللي القيف فالمسالم والمرعد والمرا ار الماري ال الماري فاكر اغوار واكوام تزند الناركيافس سيراورا يول ن ام سي نفام اللاكسار ويكم مقدر بن طه را مُردُ من فار مور الواسكة حوقه عين جزال ويته رمزرار مكه تها معاد رموانظام الاكاميا در نيوحمة غال كوكروه فرجه كاكركدودة كي وحمت فايذ جاك نهرودا المرابعة الم نَانِهُ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرادِينَ الْمُرْانِينَ الْمُرادِينَ الْمُرادِينَا الْمُرادِينَ الْمُرْدِينَ الْمُرادِينَ الْمُرادِينَ الْمُرادِينَ الْمُرادِينَان

واورالا تتوكي مرزآرا وتركه وكارا الإنتفتي أمراله ومجمدتناه كاع إلى وخ سركيد عات بدين كراس عِنْ الركز إلى المراز ولي المدور السيني والده اجداد وي بهنج كرميد على من وسيصل على إلى وعد معده المرين في منطقة مهو ورعبوه كرموا تعاصيا أمرًا ېرت نى برىك ئىن دارا دونيا الارفىل كى درآ دې فاح طواد رحاري اورا دومان ركابدا زواش وغر فوكرون سيدعيدا لعدخالك يبركام بربا دشاه كيسسند وسيدا ورانالعني با دفتا ، كيا در تنام نعبة حضوريا و دفقبار ديوان عام فام كاسيدون بمرفعات كيا واخ يركر عوزيا بهض والزوي برشياري كويكام بغروضا سريمي أالبي بدائيكه اتبست ينيش اويزه وانباكها نهاا ورسند وكصيد دن سكم یز درمینے کو انہین کوس رو کوس بدليها قداد بهراكية بهرالاكر دافراد دانني يركم فداورمل وعقد سيطلنا اورامورا اليادر كلي كدا ورغبية بيستران كي ادغرل ونصب عالكه ارشاه ملان بيرا ورفطه للك ابرالارا نحارج جابية كرياب كجركم دورس كم عرصابر مرب تاره مادمت ميراتبال اوج بيد طوف حفيض دوبار ميم بي دربان نظام بادرادرابرالا مراادر فله الملك كم رضيب الموافق آئي انجام : Succition with

ر في الدوله كابيات رفيع الدولة بن في القدرا در في الدول المعالية باليكويد ورفال وركب على التي كريري دونون دار الهام الفريك بيرا وقا وكرا المراس ما ليا ور مكي بن عرف مي انسين و نوند كدر فيه الدولا كواسي غِر قبدها صل موي سنرها م يقي صورًا مِنْ الله على كر قل الرالم عرب قبااسي مانحت للطنب مارك رويع إلى الدولير حيد لا مِنْ الله الله الله على كر قل الرالم عرب في قبااسي مانحت للطنب ماري الدولير ب رفه الدوله كويم اوليكرو بال البيار روين مفا ساله بن الم فيازم فوركي براس ومترفليل ومن بههال عابدعال فيع الدوله كالباس ومترفليل ومن بههال عابد عال فيع الدوله كالباس ومترفليل ومن بههال نه بیج مداد ۱۱ یک و سنت بنج کی سکو این مینی بنی فایده بواط مرفادی بیا ماک سدا وای آما رور في مرسم الدم قطليك دار الامراج يسيم الدين والفراس محاليها با كوليغير واسيط لل روش ل خراف والمعرف المراض ي اور المرادة وعودار الله الموادين اخار الموادين مرفول ما مأما كم وقت النقال يده والدين محداد وزاك عالككم على

در درس عمار خدید جرا کیا در می میکرنشار مینه فرج سیکرافز بخار ترويسك والتا فيليق فاكريوه ما وتدول ال وترسير زمان وأبرياكلي والأفرس البؤرج الأني كي وانصار فاسلاك وه والتي يحريه والبرواقي ست نياسي رولانتها ، اور نتر آوارخا د ما نوان ونفارغا بالدين بين مريد وكيا ارزيزا وراي كيا ستان نياسي رولانتها ، اور نتر آوارخا د ما نوان ونفارغا بالدين بين مريد وكيا ارزيزا ورايك الله يدار بركون قالبلاك مع رفعاً لمينها والمقدّة والكاكم عامجا عد مين والماقة وردازون به دیوان فاحن عام مکرمقررم اوراد واراکس اطاعی موافی مرفع بمتعددة يمل إدرا منعادة كوكهم علرضي ميركا فهاكال دلت ادرفواري فيدكرك ال درسة اسكا ضيفك بيت يدون كي فاطر جي موي ادراندن المري عاصل والم بي ايت المي الموام المراجع المراجع المراني موكوفراج عام ميد ودو ببائران لأبسين أش بالكرقط لألكسار كمفراجها سكا داخر بستاذان حوسيك بادنتاس كوبري كرديعه متعال بن بنا لنبن بم مضاعة بالعز فدور وكيت بزاده مرمر وقت ت طريم مول فانس مفيركني ول سيمة يدون اكبون رحرف متعال كيا ه

China Ca Just To The Control of the Contro دلا در ابرسونیک غلام مازد خارج نسر و سرادر غازی لدینجان ما انجا این استفال Constitution of the bight به و رمتا زیر دی کئے اول علم من خراف فیسے لیاری الدنتی کی رور دا ہو" و دیمرائی کیا Grina de la como de la كيئرا ورساركان محد تسريم رخي موكر فرار انسارك ما زاركؤد اركاكه م تماكة حسليجا بي عدامه غان سے کہلانا کہ ازداع م کترسوای قرب ہے کہ قت عطر میرو کرمے رفع ناکا رہا ہم علد مقدم En Contraction of the Contractio ایک وی چا و برسیسرا مدسود مین در کاهنماری تبی ایا رمور نخر الدیا خان ارا و قط المکیا C. C. T. Estivition فذا يمركون وليفيات اورعون كوليكره والمشرادرا كنيران بنيا وركيها وركيمه وركوره برتسرج ذر *کرکه حسوسکه* معدد نهر سرکوکهال پیرست*ی سی کن ایشان نب*ره زمان سے باسرالا و برزایو كمكه انر ربعيه كم و قارب في قبركها ورفورار فيوالد مقابن رفيدالقدر كوهبوس سلالمين نيد 'آوارت دیان کی درصوالس دامان کوش منتظرین حرکه رسیده پن بهنبی می کشیند. مرخه مندرسیا عامر بورام او کرینی ایم او ایرط مرمرا مَّا بِحُولِيكِ كَارِبِ رَبِّ لِيكُولِ كَنْهِي فَاعْدُواا دِلْمَالَا بِهِمَا وَاصْرِبُومِ بِهِ أَمِهِ كُورِي ا مَا يَعْلِيكِ كَارِبِ رَبِّ لِيكُولِ كَنْ فِي عَدْواا دِلْمَالَا بِهِمَا وَاصْرِبُومِ بِهِ أَمِهِ كُورِي الْم وظرنبين المراها والمارين المارين المار حرف الدكوربيان النع وجيع ارتب برندر بركوم كوما و ما *ريج كا*نتها ركيا برومكر عدور ارتعامي بهرور فراك بن فرط بير اخلاق معد مقد متر بن حدر وريك بعداي دان اليمين المرافق المرابع المراب ہے گراکر راہی عالم اس سے سال موار ر تعقیریون روای*ت کر غ*رین کرنین ایک کورم دیا کیا جوما وَنَى إِزْ الْمُولِيْنِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّلَّ اللَّهِ اللَّلَّ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ولازنم وبتيريح ونعي ازامكا مواه ريمانكيف كم عالت زع مين كل تارينت تين مراد المراد والمراد المراد ال نواع ارفاکرداری بریدی از می از این از ای و در در ایک ملامت نبین می بادی کی بهی سندان ایل رمان بر الایت امرولاه را اور ا منعم المراب الرفع المراب ورو فطالمكاني برغرسناعكم دما كوتسه كيني كرجار كو فاريغ كردوميان كونديين وقت

لياكم طلع يصحرها اسكوند كرين فتئه رزحه ورسوحب و بولية فط الكك كي زان عوام يرجاري كافهام مواليوان إتبرغارتنا وكاكين يردرازك امرامال والت رر تورین ورخوحول سے ایک یا

مروم مدهم محكرمواكها ال حالجاني ركرو مِي دوكوين اورايي The Contract of the Contract o نفاستام دكركي صربوركي تكوغايت وكي قبال دات كانبوز والتدينهواتها اكرح طاندكوي بخرکینی و میرکمیاد رسیما کارزارنین کمال ^{وا} کلی پیشتر را را می میانداندی عبار کینیم و میرکمیاد رسیما کارزارنین کمال ^{وا} کلی پیشتر بیان کمی میانداندی مر علنی اس سولتی ورداو دخان فغال اکرام جب جرفت، بولی در و دافی در ماریس سی میر علنی ان میرود و داو دخان فغال را کما جب جرفت، بولی در و دافی در ماریس سی مل كروسي، زناه كرنايان و اور فرف الله ال وكلير فوا الرك روازا مي ورضاجيا واقتذاراراكها بإموعيد نعدعا يرجواب عظائي كربهاي ندمها التهبيط استبها بسكارا والمالز نابط ور کدی الا نفته فت قت در میا در را در باد ه کمی به طول سوکیا بها که مال فرخ را در کدی موالیه فتار فت نفر تطبلك كيكرارا عن صفائيًا مري اكرخود ما زنا وبهي الطيق كي قد مري وركم يان عد عوال اور نعزوتدل مورا ملف كالموق نهوا مام كرما وناه كرية بني اسطورور كم متواتها المائد ال عِبات كروز رِعانها ما بسنه فاطره دناه مكه موتي تني رائي كنزاعنه راني عاكر مدووسيم اراتها ورميهي شهوري ياغ في دو لاف يونا مير واسطيح ضافف کيکهو که واستان اين از اتها ورميهي شهوري ياغ نبي النراوق آما جا ما اورما ركامو فوف انها بارياليه مازار يكافواه متوت نملايس بن التراوق آما جا ما اورما ركامو فوف انها بارياليه مازار يكيافواه متوت نملايس بن ر تد نیر جذب صورت بعالم کی سطور بر رہی اور بعد مراج جب عنی ایک سفود کن عید عال بندات بنا اندرا ورفام تلا مكر كراكم وران شها اورندراى آند ندات على يك المان وروا والمالين وي كباور فران جود او د فال افغان كو دماب وقل زينے حسب علیجان كيد سوانهار ورولاکها

18 ين دي دي بار بين *يرات* رم يبحرمقنول مبوم أكتوبر 1927 20 3 12 140 जन्म प्रदेश हर्षम्यत्वा يني لا وم ومورموي حكام حبان مطاع مدو أنطاح المكايسا ور

٠ يا به

روانفقارها كوط قبل اور اسيدن كرسولهوين هوم ي تهي موالدين بري كه وه مليون هوا مي كرمه من زماله كرام كا مزه يوم الماد لا شكرات كي مناب و مراك الما المواد كا مناب و المعالم المراك كا مناب و المراك الم Contract of the contract of th ب ب ب به موالدین بی که وه فلدین بی ک دوالفقارفال کی ای کی دم سیایمد به و اوری یا کی بین می مان بی مرافعه بی دوال اوری می کلیون بر برافعه بی دوری در دار و میرسید برنا و کی در کار ای کی بیان می مالایم کسیدارمد بید و بای بیان ای بالایم کسیدارمد بید و بای بیان کو بالایم کسیدارمد بید و بای بیان کو بالایم کسیدارمد بید و بایی بیان کو بالایم کسیدارمد بید و بایی بیان کو بالایم کسیدارمد بید و بایی بیان که بالایم کسیدارمد بید و بایی بیان که William Constitution of the Constitution of th سے حربی شارات بها در کی مذکر اور ترام مال سب ای صبط محارین براا ورداری بنها جدکدداد Office State of the State of th وولفقارخاك تهاسكي بلاتي كأي في محرف الفقارخال ميراللوا بوك مغ الدين والمرابي في كارتها الدارده العادي والدين الديسة فالردي الدير الماك ركت الهامني بي الجي العاد اختياري كيفيوس وه مدتها رئيس مرحل وزاني ورجابي والكاجكية المرت الماليا الماليا الماليات الماليات الماليات اراسها ما مار قود دانعها فان كيام اسكام آيا به مرزون: إنت م عربا و في الم المرتبي المرابي المرابي المرابي المرابي المرابع المراب الاستهوال والمروز الوالي المال والمالي والمالي والمالي عرب كم المعدفعا كى بى المرابطية فرا كما المرابطية ا كاداف و كرات الجاد و فاين و قاين و في المان المان المرم وقت آيا درا ركان والمفال يوضت سينتي تبييا ورامد منتح كم غروعافيت سيدمكال من مذورا ورصرفات فقراا ور ولمات المالية ساكين رنعدن كريذ تيم بطيسال بعد عبوس كم حسين عليا ن وسيط والمراد المراد ا بميدام اميت كرالهورك كرمهة آخوفت سيد عالكيرك كردازام واربل توثيب واوا Haring Charles Glad تويني نه ي ع ده يورين كي تبي روا مواداجد تورسطت سه امرالامراك انديت كوسك إلا كي AND TO THE PROPERTY OF THE PARTY OF THE PART ابني فرخ مسيركو ديني قبول كا اوزا مان پاي پاخ دېج مسه ميروسيساند وي William March יוליוני וני ליוני Til Live No. 2)

حول انبالا دركرمي خل الام الله لله هجوا مین خال محتشی دوم فرار پائ دور منصر نزاری و د مزارمو الارص تاج ط بمادر كروه بخداري تيم سفت زرري مرادرت نفا برواري وكن كي ما تيزي وا

بها در موصرف فالتحو تف كريك مترفر فران موالدين بريا ورموالدين خ منفيريه ووالفقارفان البيوين ولقِعر عمالالا كياره سي علي من تهدارا دو فيهت فرخ للمسيطا ورسيطرسي ترارسوا ا درما ده مينارسيم متو جرارا كامواا وروه حصيسموكذ د بی اعلام اور شیام ما دار و فروز میکه نه واستی رشون سیار و زمانیکان و جما رح د موسی ومقابلت رئامواحيه علنجان عنوعا ناربين ولارا طرفاري عرفه وكارتيا اسئريها درا الخديثية ما تي ترمينيه كو مرز د وستانه لا ورخ ا درخها كار درخها ينجر موكرين كراا ورعبدان رازدا ما وركترت فوج خالف يترو وتهاكياكما عايا كوانجام اسكائل مولاكه وفي أنطاعت وإرار فرقبالطار تباري وسيطرته وسيكر ومهجر مكان مرتفيج وبهيني المسير مبغرالدين تشكر غنير كومغار حكيم مجايينا ديايكا زمت ای نیت مجموع مصطیفی با بنون رزنانی سوار بوت در در ترمز با^{ن ک}ران کار این کران این این این این از این از ا فالمروسوالدين فاكريم تبن وسط فوسيكم فسركوبيني فيمكن في المسيم كمنتني كي ادافيا ميه فليال كالحيار فقاعدا في قدم جوات كا قام كركيست مرز في اين مي مينيكي وكلتأشفان جال ككركم إلى كمركب بمفرالدين ببنج خازمان ورصيله رام كه منتظ تعدد مازي فلكسكي تبيير قابو يأكر دخور ادركام كموكل سننحان كاتنام كياا ورجوجي دونوام إبسي بيكرزما 7619! وه تومني يموسي المصير قوم مذكر دافع ركي اورخود موالدين آخر وز نهاني عارين لعالموري ميله كرركت اكبرآ باكان دوالفقارفان وح دمرتها رطرفي بحرم اعا وكي بهررت كم المان المرابين

المنكن ويمتنين فرقر أعام المنتقرق وبادور فاليكسراج الدين عذلم يتنبيخ تيئن خباريدا واري كاي عسكريا ك فيخ الربستا فهاندون كافاطرخواه ابني مارامير بيريايا كينتها ذخيره امد وزمواا ورصبن فليح فان بها ركزوا اس فضيئي سيع إالبس

5 ت عالی*ست مم*یار تو دوانیم موکد مرالدین بعد عکم بر و کرد ای فروز کی در و نامی ایک در کران کا بنیات ایک و در ایک کرد کران کا بنیات ایک و در ایک بازی م كي حدستي نياده وي فب كل رعبدا مدخان لي بها نيكو تب كوه ما الله الماتها را وي بينه الماتي تَصْلِيمُ رَبِي بِيدِبِهِ مِنْ مَاهِ رَبِينَا مِنْ رَبِّ مِرْبِكِهِ مِنْ لِيَا كِلِمَا إِلَى الْمِلْكِمْ الْجِ الْحَصْلِيمُ رَبِي بِيدِبِهِ مِنْ مِاهِ رَبِينَا مِنْ رِبِّ مِرْبِكِهِ مِنْ لِيالِكِ اللَّهِ الْمِلْمُ الْجِيْ ا ورد ا ورد ا ورد ا ورد ا ورد ا در ا من وعد الرام ا من الما المن الما المن الما المن الما المن الما المن الما المناجلات باكر مبوسكا فرام كرا ور عبيد مل الن وف سير الداما يكر روابوا ورا عدر عارف المعيد" بجربالي بالمغيل الأركز الأرام ووارا ، كاجوط و دار الرف الماسية الله الماسية الماسية الماسية الماسية الماسية الماسية المرابية الم ر نوت خرج الساادر کرد اسطان ه ا در رسونه را در که نمورکها و رتوبیوفیعه الدا به می خود Harris Strait انات كارغة برئت كبن مزالدين والربيع أناه وكردام محدما كومارة فغري عادمد بان Silve ررالداره کاکی ار عبدالنفاغان وری طرفت راجی جرینان کرآید موکر در منزار The city of the state of the st Sie Strain Control of the Control of بدل قرائب خار منع مبائني ل دفر المرائم كويم الداله كويم عبدا وفال المريم كم المالية المورويين المورويين المورويين المرابع el priviles. The state of the s المرابع المراب

الجين المجازية ابعالكا إدرتعو كنرة ٨فيرا^{(د}لالم في الحين ألم الين بروق من ملام جوم كزه البرايل بارتيابي مسابقا هرمكي رفيه الفرنسية بريكه فان روجاك ببايوا وراب كرور من قاعد والانتفاع أنجمان بالامواول استعجام بفنويه والورسيكم شابراده ادلاد وعفرتنا موفروز زكر فارفعال فيرسك مديناه أبدين إثيراب محدموالاین ماندات هاون م

ښاکوكسې دي ټوري سوالدين مينيون كوابك نه لري نوي اکوي مين كا اورده ما ني رز مناي ي مهنان بيرااور ما مذر ن اد ميكر الوفائية اويكورون _{ال}ميم يريح تبن إلى بن قرال لبنول يوكرة أرب والبرائر والماردم بوسن بيع دبلا فريلا اورآر اسماع كم عن لا المراد المعنى كم المراد المراد المراد المرد ا بالمراز وفر" منااردور برناوي ابقار وونقع كالانتهار واستوكاره 在身份的外型有限的原则的的**设设**的 第一种自己的自己的是一种自己的 والزارا المرابط المراج المرابط المنفول فكر وأأولاه مركم بني كبيمهات أميذ ابني فومكم ليكرعلد مروانه كيااس صدمة بن يا ون نبايت تقاً والمراد المراد ا مو الدين الغريبي العالم أوراكزه اوررك المريض الدين بي زنالي عاربين ميته كرَّا لين ودانفقارى ل يم كهروسنجا بالدرنقاري في كيان كوين بينان ف د كيه يُنظِ ليك ووالفي رفال برمال المراكب من الدادون كوبا كراكم الم الماكمة على الماكة الماكنة الم المران المران المراد ال يناك بالأل كرويد أي عربيد وري موريكا المؤن 'V!-

المرازية المارية المرازية المارية · Eligi برعوابه مهم كله كمااورها والوكاره ولكما تخرين التركت وكما بوير محرم كركيك فالمنقاكا والمام عراه معرالدير بكلهمان مؤلاين تحديها ذات وبنغال رفنؤاس اوكانها كومكة يرؤه فيص كانصطبور المركه وه كارفائل تأبير تطاوران دارامام ت جلوس اور فكم في فيه نا دا توسكاه 616 ركبة تهاقابن وتنفوتكم أب عبر المراد المراد المراد المراد المراد المراد وفي المراجل المراد وفي المراجل المراد وفي المراجل المراد وفي الم يودد ومرادي دفير لقدرا وتوسيط فيرسان وكوكريري دو ووزيدما ت يب بيه تقلوك عطول بوبيك متا آركيوان إنا زابر ما مديد مع عن من كريم سؤاليون إس كوفيت فيراف الأكروب كياندي ووونه المانية المراكز المراكز المراكز المركز الم م تقدر دوك وهنت على ويرواهي كيا بادرا فركوبهى وساطت مریک اور کواور و حفان را درو^ی رمیک اور کواور و حفان را درو الماريان المالم

يريكيني لأدمام دم بذل زميا در ه مله جو دمكها كه در اوبيت أسيحه اربيك اورلببر عطنم سينا عظم شاه مبهوت موكيا ورزباده ز دلره و كرها أور بهوي المحررو زكدايكت ون التي تها مّا م رفقا استيكرا رخودا عظم فاه بهي خم كاري كو لبكاكم كرميهوت موا اسمبن وتر دلحال ا نِي يِجِرُه كُرْمِ عَلَيْ عَلَى عَلَى اور عَالِي تِيار كُورْند هُرُقَار كُرِيمَ مَعْ مِرْمُكُور كُمْ بِهَا درِقًا جِكَا المين كربها درتا وسربهاي كادبكر رويا اوربهت فاسفك اور ما بي تبار برجم كركبا كمال تفقة كي حتى كدّا دم ربيت موسية فرزمدوني عرنة درعزام سية مطلق العنال كما دوسر ون فرت اعظم ناه كي نتاكي نوكرون جوج كما عبان ملك إفرارك ورت بيم باتفاق عبية الماكي رفع سكرماً ررمز ا و الفران المارية المرابية المربية السكاد والفقارقان و فران المرابية المربية يَجُالُكُ بِهَا دُرْ هُ ارْ وِي مُهْرِبًا كِهِ الْهِينَ عَلِياا ورْحُودا بِنِي مَلِكَ سِيرِحِكُ كُمُ عِنْ لِا تُولَ عِنْ إِلَيْمَا لُهُ عَلَيْكِ مِنْ اللَّهِ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهِ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهُ عَلَيْكُ عَلَيْحُوا اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُ مِنْ مُوالِي مِنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلْمُ اللَّهُ عَلَيْكُمُ عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمُ عَلَيْكُمُ عَلَيْكُمُ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمُ عَلَيْكُمُ عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَّا عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَّاكُمُ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَيْكُمْ عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلِيكُ عَلَّا عَلَيْكُمْ عَلَيْ ترازگیا و رمغالبین بیم میله کو خرایا که ده پایته د و اینقارهٔ ایبادر يككېولې بېرچندوزىكو ومەپىن محركام خىرى اوزندعالىكام كېرواد ن كابرابهاور وكها ؟ مىلكېرىكى بېرچندوزىكو دراي كام كېرواد ن كابرابهاور وكها ؟ بالنفر كرارتها به خرستر تبري عظرا ورنصار سيون الكرفايده نهواآخر قرار و المراقية والمراقية والمر Take Market اور دولتوام المركم كيوس وسط معليك قامد كركاموا در دورست ميري د بعنده الاناك سيال والت يقيم ورك الأخركور بي رضو المع يميوسن وكرا وردفعا جوا فعل المركم المحاليكام المِنْ وَدِيْكُ لِيَبْنِينَ وَوَفِينِ ني اور بقي المعيار الما المياري بين رشاه يكوار سجوم كالم بنس كيا

يع وهورس رتها بعدت يمه وزا ي وروني ريور كركيا مراا درار كيري عبهائ كسياتين راراع تحاروبرع بعونيدة ريكات وترباه رمد بكروك كوي كاه دراق بناريك كارمون والبر فامريل كربينوا وربيكاه وبالن جوركرا كروا سويخفر انها رمون عاجوان كاقى شكى يوى وركاد المائى د قوعد آبى كه اي*ك في كسنانيون التب*عط *سيا* ررأتها درو برفوج اعتر فيكتبرواوركا نيية موكزتنابل دركترت ردوخارت می*ن تباماراکیاا درمتما*قت والاعاء بهى واء كيك ميام مواا عظم يخام سيكيبية ارشاد كرياد ورعاري

ردام بوليا ورنامات موقله رو الدورة مركيا كسوية ما يخ في بالورور فاجدراما كام اي در نفيمن ماه و نفيري و فرو و و در و نفير بالسير كوف فيرواللك ره موكوره و م ا الرامي في منار عمر النيق وه منته باديناه كي فرني كم فرفيغ رابياً مفعد فرز الاربيكي مورد الميكار أن الفاقاً با درتاه الموت عفدانا والم لمنه ر ده مجانی اور کوت ایا معدی ای در کوری ای ای ده مجر ایمام زر مفر آمرد بورد که بیم العظم ورسلاه : قال كفرتد مفتوع في الحال زيم الوعدة ما ره والم فان زر آمدابها فرار د دور کال جري: بي اريزات ر مذل اور نورنداور كبر الر على تعلق الموركة معدد المراور المراور المراور المراور المراور المراور المراور المراور TEUI-بيم الكركري أن فا ريخاب (يوكر عطفه ان طريف ان المريم المريم المرة احرا الما اور المرابع المرابع و من عبر المعلم و المعلم و المرابع و الم J. U المارية الماري الماري الموادية المرادة عالم بفائد مويد الحسن في قبل و فل كبنة ابضال كريه معظ وركان و منية ز Spring & معبون طدمه في در عر الخوابي و بس المبامن ن دراهم سائيكي المن المراجع المراجع المال المراجع المراجع المال المراجع الم ور و كا بها الم المعام الما المعادة و و و و الما المرام يُ مَنْ الله الله الله الله الله الله الله والله والمراباة مواانًا بع المرابع المنظمة المرابع المراب CONTRACTOR OF THE PARTY OF THE The state of the s

William Control of the Control of th ا بابر كذه كم سوية و ورفية أني مفر في وراه فلان كور كل في أينياد وه بي من الميكي بويئ فيأديك عامز يذكى وخرم يك صائم برغالوس إر وغام ألو و يك أفو سوكرا اوجذائ يذا كوترظ بتستا صوكي عكم تقركته وأله الاو ومدر إغبنا بوامروا وجوارها ويكومي غروا وموكواته إلى بلابخداد كهي والكوك وتبل ما زهي فرامعه ع يحفواكا اوره بعدو ملك ويجواحت واي وكأم كرسية بربي وافع موكم اس معهم بدغازي المحفارثاء كيديب وتربيص زازا المحامل ورب زوراني سيوزنه واسكم كوفار فيبرضه مدسكي سيوبها بمسكم اعلاج نوافي ورنان كرم كها فالدراس ١ (بِمِسْنَ بِنَ مِنْ إِنِي فِي فِي مِنْ بِهِ فِكِن مِيسَدَ لِمُعْوَلِمِ مِنْ عَلَيْهِ إِلَى بِدِيمَ مِيمِ مِلا لِج بينغ من جائجية لأه آبنه ومن وكور مركام معد آنه مبينه كمناهره مااس عرصة مرمستهم آئين ادكئي دوكفوركما برأكوفاسيخ أووة زمو كرنفك ادركوسلي وفيرسے وسي افي منگي وفت وبنه ويالا كوادور بين بردوين نفسكو ديله اورمور وبال فديله مركبين اور فيروز وكالم ببي دونورخ كم كها بين نسار قام زج بوكيا وربادت وكولي تغيف موسي لكن مزاج عالياه و عليفياز ذكواك والمراس ولينيا فوعيين بب كخرام يداران الواسك فالمنفذج موا لمفت فال الخالس ليراس حماري فتح قدر كالمدور ارك وكر بدون اوروت دونواز کم ال ب اوالمسک تخبا بعیداد دسب اکس وس فردرولي Color وافوخ اما عالم كيرموينكا ورجامرا ورومية ألات اور طووف فادا ورنقوة فكريج بييا وروكم كوسوا يتي تهاده ميي ضرط مكررسواا ورحب فلدكو ككندكا فير موحيكا عادكم وفرضي مرتب

و يجن وبدق و براد وبريد ا Charles Constitution of the Constitution of th بكه خان حبان كو بلانيا اور قبل فسر العلم خوارا ده نهضت كم واسط تبخر حدرا الا يكسعا دن السرادل Children Child ر الميات كو الهاكد الوالمادية المي المحركيم ميراوي حدد بال بنيد كركيسرا ميكي كا زام كرين شرايد الرايد الراجسي بقا فيات يكي ملفات الفعل طافر نبي رنقد يم في اللها المالية المعالى المالية المرابية المراب Charles Continued in Continued جواسر مع اواد توراد طالقين قرية اورتخر جيريك راين امان اريك جيري كراب Che Silving Charles of the Charles o مراني كريم بردادي كهاكم تم دوبر بن كونكه كهوب العدامة السرع صرب ورنفه بحو مراني كريم برداد وريا كهاكم تم دوبر بن كونكه كهوب العدامة السرع صربان رنفه بحو سنردكيا جا ديجاردر آب درسين خيرينه كميان كي دامط عالم كرسير بيا وكا يسراه سنردكيا جا ديجاردر آب درسين خيرينه كميان وكايتراه اسر کی کیوات جواسری، اوسے روز حضور کا بعدد دنیر در کئی جیسے مطال و اس خانی جوالیا طرکهای ما دخان ما حرفهاسوکه یا کرمین نیزا و رها را دی نیجی انت میکوره دارسا کها دیور ر طرکهای ما دخان ما حرفهاسوکه یا کرمین نیزا و رها را دی نیجی انت میکوره دارسا کها دیور بنه بنقابغان كياسعاد تاكن كها وارز النبن كما عضير عدرها مري فري البين طول در این کدد روز در این سر این اختصار تحال به کهایم خی با تمهار سین برجر الحکمرا آن كريه كام كما به كوس التصيير مين كيا فوعالم كرو وسطيستيما انهار وليان ويوي اوران المرايي تاريب كاري من تهاري تصركر ديمان وكي مصلى عار كوركي بركما وحزب وركذا باكرته نفركا وزالم البرم رشوعة وناماغ فرعا المرقم زاري خواص والبرورا ودس والم موكر عالم المرفية من المعرب الموضورا الميكة وابا الواسي بخروش بياميان موكر عالم المارة المنظير المارية المارية والمارية الميرية المراجع المارية الميرية المارية المارية المارية الم عوجارم كالكهي كي العكر العكر المحروط در موار الوكيس الوس محفر موكر فكر محاربة اور جرو منرل رِ على كوكرة مريني وال ورب الحالها درو موتسيح سيا بوريكه المورسير فلعم مِراكم لاورا برورطفوا ١١١) المالم مارسم أبر وهن المرابع المراب Tilis No.

ر کرده از در ازده المبرن البرارية نزگر برا در بازی "نِن موانز و برای کاری برای برای "نِن موانز و برای برای برای برای المنافز البلية المنافز التأره الجراد رويزر أو أبرية ومريل ا لنه حبدرا بالسكة بن ورسبهروكزا فلندستبرم اوركبركا الرثم فبول وا Lack Colination نىن ئى يىڭى دا بىرى دا دا ئەجىكى با دىلىي لايكىسى ئىقىدىرىنىدىن دونون ئىرىنى ئىلىرى دا ئىرىنى دا ئاجىكى بىلى دارىكىسى ئىرىمىيىلىن دونون ن بعِفِي مردار دربنه ِ تام خرابیا ن بنی د د زیکه باعث سے موجل کج طان الريج فلطام ري زاده فبارج ع كادر سيع بعداً لما أوسيط كواموم بن زويك عالم كرك روانه أوشاه بداكر جرافا مرمر

را رويه ومريخ شهري كلا ورابك يهوي حداسية عرمعط و عالمها درخاه كودا فِي إِنَّا مِنْ مِرْ رَبِي مِنْ الْمُنْ الْمُنْ مِن مِن مِن مِن وَلَيْمِ الْمُنْ مِنْ مِن وَلَيْمِ الْمُنْ عِي مِنْ فِي مَا تَا مِرْ الرَّهِ مِنْ مِنْ مِن مِن مِن مِن وَلَيْمِ الْمُنْ مِن مِن وَلَيْمِ الْمُنْ عِلَيْمُ ال بهی خونها درون میش کالکریج عمری ا ورفوج و کنیون کی بسیا موی شبحا و را مشر مشرک می داند. بهی خونها درون میش کالکریج عمری ا ورفوج و کنیون کی بسیا موی شبحا و را مشرک می داند. وفيره كيه عالاتها كرا بيكاه تماف برنكن فان حرابية نب كالزمرا سعة فرف بناه ورايا زمان دالا خان غفو لمنشر آخر خازا و اورفاجها ريكي آياب مجر دونو عواظ لومور مقدمين ترفق هنبار کيم او را بولمسن فوچ کو کوشوش ان کريم کېرکوسو نبدوق مينا پذا ورپان منبات يقي منباي ناه زاره فاصد بها المستبل عبيسية خلوتين وراده يوالها كباكر فل وضيا وشا وكيزيا و إس مئاب بنين جرية وسطح جكيك سواد مونا اورخا بنهان اكر هراو إفعول كرمين نوبهتر بنبرفج بنه هراولي مين غنت جانف ني كي اواكريجا علاوه مهسيرا يكر وزايك بل و د مرسي في فا ويك الدرج مراكي الماآياكه خوان فاحد كاميرسي خوام يكر ردايس عق مبت ت بزاده کی متوکس مینی اور و اسیطے ادامہ کرنے معنو نسکے عکمیا قام دل ای بی ورشام کے وفت دكريج سردار والتي شامزاه هسته اب بنام كباكه كبي اطلي من غلى تنه بهريي ويكيا وار الفيريك ابنياني فرج سريك كرمقا لمدكرين جومرتسما عت بورفرسباكري وكهلاوين صكي هنبت إ در موفع نفيب ايكم موكيف بزاوه منه قبول كميا اور حضب رق رون دكن فري فري بن جدراما كي داه لي جيف برا ده سا داي في المرابع المراب بجاتية ويرير والمائم نن قب الخامي بعداس فتستع كيه عرطن كرنيسه ا وفا هرارالمهام

hinder him kirl المومن مع من المعرفة المرابع ا الوه بالمراج براتي مالكون والماتي AN CONTROL OF THE PARTY OF THE

ت والله مساخر و سائل بن المواج و ده و که الفال علی کے وسط افی رنا أم كي النيستين ولاد المسكر والمتي ودا أجورا جا اوره بوركا تهاأنا راى الرمتمرويلي اونا في To the line of the land مرات از دار الروات المعادة ألى شازاره مان حول دا اورد أا و والدور معلمالها معالم المراهي مرارسواري التكريك الترايات الموجعلوم بوالمرايان معلمالها معالم المراهي مرارسواري الترايي براي كوبلال مداسة بيان لوكول زال والمبن المرايم بي وراجار بوكمت از به واري راه لي ورصارنا و پنيجياه و و الم كوفاري اليكمنعد و ووسي الله سوار بملادم موكر عازم ارائنا الرربوني طالصيكيهما راسكا لحوفاني والكن سرته بمرتم مقط الم مقط ا للطرن كوكريان ركها كه اكرا يح لاكر و انق جاروس كم عين ورسواا كراوزود ووي مرسطا ورسوا ادمین در کران البار الب بادين أوالسية المالاه كوروار معد عا وكما عالمكيني فبول منوريه مقديم عطانها كدخار هي المراكني معادة عمران فوارد الم مقط كوما مدرغف كليا ورموسي في ورايا مجود إلى المروق موس سقط مك مراسية ورهي أكركوكمال عزد نيان مروانه باركاه اس مان النال كالياواضي وكروسية سقط مي مراسية ورهي أكركوكمال عزد نيان مي روانه باركاه اس مان في الواضي وكروسية ن غن روس اصفها سکمینیا باد شاه واکیس سفیا ایکه آما اور جراد بی بیماری بهتر مراه و در ایادهٔ وصرفان والمنصار المع مقرري اورده اود مركم مواا ورصوف مني في الركام اما مربره و المربية ى بىغ بىدىلە ئېسىنىنى موانىدىن الىلان ئىلىدىن دەرىكىيىن دويولىن ئىلىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىلىن ئىلىلىلىلىن ئىلىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىن ئىلىلىن ئىلىلىن ئىلىن ئىل ين و مريد الله بالموالية المالي الموالية فلوكا وركون من أره فان أكم عدم والدن يسكدر ما ولى مكياد إلى

بنهازتگوه د وسرا شادار کشکوه کابری وج در اراد بخ نکرتا دا نواز کم کاکار اور فراماکهٔ المنافق المنافق المنافق المنافقة مقرفان ومجالمركو وبسطة تحوه فلمادره أكث جذبوكي خصت ذايك المرواقي المراقية المراقية المرواق أرا وروفية الوتيسياوت وراك كرزا كالاقبسة نام تنيداكي هارلاك الير خرار ربيجي بتي لورمهسين كديانه ووريد علطال كاتها كمروزل ويرسنين فبراط كامها بذور سكيالس بزدرو إكبي ج بتيمال مع يت قان فانفان بعظم كي كوي بارمعن عدادر لممان مولا ورقلعه فألو م بهي مفتوح مولا وسيلمام وتفصرته كى موئي بنى كابل مرموا دكركما الإسكامة د كا مروط كله معام كابي أناكيني من أناب كرزنه صفي إسك جراً

عاقب شي كالكيانياو بالبيالهان مواكد شيط فينامه ورتبام يس طله ورانظ ما د کرنامه ورنعام سے وعد به عداز دواج میسی و الفيار و فو تو نا ما اور ما منهم مرور کسي الرا بارت کرا دِسّاست جدائمي عامير قادار و فو تو ناما اور ما منهم ميرورکسي الرا بارت کرا دِسّاست جدائمي ت غِرْمِهِ مِا كُرِية فِعَرْمِوالا ورُواوْن بِسْرُطُ مُرُولِهُ مِنْرُ ي ورفيق وليك بياع كاموا منجاج إسلام وفركوانيي بي جاديكا حسك وااوردير تربيح عزم ميكات مفا بانوج مي موسودون ميكون شار منجائيكم معظ غان كه ازار فمرا ورجدوه وترانها خوف بان سروم ندما بسندره و ^{عا} و رکمنی (زندان اط^افیهو می مود دبياوكي دولوس بويدين ابدا بارسي ماري زوهر كراصحت

المنبع المانية الزوس المار والمبادرة المبادرة انوناره زیاره بازیده بازیده بازیده بازیده بازیده بازیده بازیده بازید با بمسكوز دورجهان مج موموز فناه اوركانيب عالمكوز ادرط فنا في رسال جوس كا دَّارِيا ادرمِيَالِي مَا يَرِي كَلُوْامِينَا الدَالْفُومِي عَ الدِينَ وَرُأَنِكُ الْمِرَادِمَا عَارِيكِ ء ورفعاً ورنتبال كا عيد فوتبرالا وربوبها نيل أجوابي الله الدفيمتيان التاسيم المركزي ع بها المراسه على مغيبيكا بي بكن منه إلى العرب نها بسط ر المال المراج المراج والمراج المراج بالصِّن الأرغاد مِن مِن مردن وجود ورائكي ومع لِيُرس ما دونيل بروج يركنا وه يرك شهرا دربارا وييداني ديي كله علاينه و رفط أبابين بهنيا اور كافخود بن عادّ بيرواه يوره مركم كابر برجندوز كربا د ثنا ه يفرمتها ماس اطنه كا وتركيا مین ایک ماز وافق فوای علیا فرمیکی البت اتحاد کی رسب ملان سیکی وقت موجک عميك فارسي فأكبال والمائخ ورار اندو وللتأوس بول ترجيين بوين ونجي كم مقول مراا ور لاش مرترب من اول که دفن مای

ياه يم تا نراده هم ما طار كوار كف مروا رو كران ام كر دفين تهي ورايد منه مركان على دار المان کوہ سے اوسکر بارو کی دروان موجی بن اور کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی بھی دارون کوہ سے اوسکر بارو کی دروان کو جی بارون کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی دروان کی بھی جی ب راج و بنطردار كومها جهو بويك ي والمنتري ويوري وياه وازها م المرط فيوارا الم ي اسريك من متر تقديم والاوردان موه التي المراق ا كي اسريك من متر تقديم والاوردان موه المراق الم ريم مانشان كوكمال مي المان بيريسيم. افا تا ميها أيا د كاملو و وقت بارتساس المريسية. و كم مانشان كوكمال مي المان بيريسيم. افا تا مي المان و كاملو و وقت بارتساس المريسية. ان كي علوم مواكر أن المركزية كم يح كم عبوركمة الأكاجة بيرية الإسكراورف لم اورف لم اور والقب وقوف المراطينيا كة بالذون ين فيخ وفروزي اور عبد اور بيودي سيالر چيت عيتر عي الكمر ما عمد المراعية المراعية المراعية المراعية ا ميكة بالذون ين من فيخ وفروزي اور عبد اور بيودي سيالر چيت عيتر عي الكمارية المراعية المراعية المراعية المراعية يساكا مهكم منجال فسيارافعي كربن فبالجدوي بيرين وساوكي مقرابي موافئ عرض منجبين كيد روز كمت المجاد و المراد على المرا البهراه نیره دور اورفری بیمای لیسی ایسی وس رو نه کریسی شی مدانیدی ت كي عند الله الله الله الله الله المرادم المح خطب منروع والطبية اور دبس مزر كو اپنے تقدیم میں ویسے سول دو مینے سنراوں کی ان ان ا بالمروز بالجديا كالمنت في ازوعت زيرات ومعان محرار The Hill was the

FLILLAN SIFE dyll de Opla ولالضيام متعاع وكم مونفاه رعا أكم يكم مركبا أيرتن أن وقرفيا كم ياوض بنی طایعهٔ الافراولیون وجرمایترن M. S. الم ره کا کارایک ئىرىبىيۇ ئىرىنىيە ئىچىرىخى نايان دلىيىلە مالە بالكم الالفيت التباع ومساج ع أماره T. Car

سر مصر سکے تا دکام ہواا ور دارا کو ہ تنهم ضطرت برلاموركم ممتار موالورار وتريج تطاق لمغارلتان مج على استح حديث علوم وا و طفوالات طبال ببلا ورالا بمورج بولمبيد جونهي ربيح الاواكود افل فارتيجها مين أور مون سخ النا في كوسلطان ع كرخري كرالدالا ريح بعد ي المرموني راكه باركوس فاصله برك سي تا مزاده وي ملا ميكه اسكولوان مقدروة رعالم مربى كوج متوارة كركي على أبخ وزيدكا موايسرا منيوين ارخ الواركا وان عرم زره مصم كمك افراح طرفير بكه ارآم بهوعا لم يراتي رسوا خوامين براد، هي على فران الم ددرار واراد درس المادة برروسكا سوي اورا ودرس خرو ونغارير بمنداخر بيرخ دمرا وليميل ريان اورعالمكيروافي المستكي رئوركي خركاه مساوقه ركيم دان بي فاصر مرازائي كوسر ارا موابس فاشام توليوسه نفركسس ارط اسي كي رومنس بي را كوم (كيف ايني

وفيك أثبك وبكيمير كياكوا مريطفت ورفوا ذوابي والكيرس وجرع بتوع عق حدثه عظ جهذه كيبيديكي ا فواسيته فوتنا كمركو واستنطح ومنظ وبنيام ليد وتوفي وبنفاستيك وميار البيده كما لي *بِبُرِيجِي* فِيْدِينِهِ كِي مِبرِي جَالِمِهِ جِنِي مَثلُ مِن مَهْرِارِ الرارِهِ وَوَصِطِ الْمَةَ رادر *رُوسِيَّ* تغريب دلوكل وبعدغافل ونيكم أماني رونوان نبخ در کار در در کار از این آن کو بهجوال ادر لاوسط اس مرتك مغركها آنية ارتج فنار كيراخ اعزا إدور بمقام كامير موزمه وفرو زيقين سنابنية مخوميمكم محمدا وراكتب عالم كبيرفه أيد اعلال فراك رفت افرارا وزكك وكرب فراري بيرار أكليل ومبيم كابد آاركريه اطهوا ورواطيع الاسول وا د لي الامر شكر مسيط د الرسنسية تو يأ. ا وهُ كَارِنِي مِن مهم بسبيا سَي ليكولوز حمينه منظ وأعطفت عماا فالتفائب مطسئه يميوس في به وقوف رميك اورس أورفعين لقب والاسبكاكما ووسيلم دن جمر أكاوان يميرخ بجيوين فنقين كودا بات المكرطل وروانيا كمارستارك والداور وسينت وقبل رنداي شكت كما كاتبااور درسال بين مندالاس إل مزل بيعا فرمو كرفت كوارنش إا درتش ومنطف فامراورايك

تايمف والميارا ، وتا بي كي كريم منفق إناك واضح موكد مناو عالم كورتما كورتما كورتما نفري ما رستا بي كريم ربان طهر خلاب كي بدسيم اور فع كدور فاطر سيم ليكر كريم كام علنه التي المسلم علنه التي الم عهده مين ليوين البياكه الحالور اغلب كزت الفي كم طرف والتأكوه كمه تها اور اي يخ ال ابني بهت لكم تمار زوه فالوما و شاه كي خلاف تقصو و ما المكرم مروس مري الرحه على اور البيلااسكا دبكهك ظاهر مين مرارا واقيه بي رائي تنكر بليرافتيار حائل منراري مركي اور طاق والاب خود بنجو د هجر بين اور باوتسابت معيل رسي استونت عالم كيرني طان با مكي هخوا أمتصه ومرام كا جاني اور تنان والتأكوه كا د بلي يتوفيل مركر اداده شابي ال و كا ذا أرفد المحال بلية فروري عويرة في كريت لرده توريطان وتسايير ويرك أكرالا من وأله والمعرف والم المري المريك لين رمينة. أما ليفي أيزده كي مقرما بني وردا غيوفان ميريا الحج وتنظيم المخام وطري ادر ركي يرجموك موفرا ما وزوانه ما والمراه المراكية المراكية والما المراكية مرة ربائي وزنفي فان ووره علاج باب كافر الاوزين نرار السرني اوفاعت فا مراور عريم مع ساہ و ورارید افعان و کر دوسیر رضائ کو کوے کیا جوہوں کو میل شامی زل مهوي غرفرار دارات كوه كي تابيجهان إلى يدع فوق وسط بهيني سرايين فين واؤخش كم تورشدور سے مریب تها امدی وزری بیما کی اور الدو بی سید عالم کبر کی فام کمی ہے ، خال برین رکنا نہا کو سرر الرائی ندوستان کی جھیے ، دی کہا تہ حافت سے خرافیہ اورتام لوازم لطف كم اينياس كن نها ورعالم كرمصا وقيت ما كرد ارا كردار تا تب

د بل کابرا دوتین ^{دن} این بدفوار دارا كمحرم كوميارها فتصالي جيوارار رافيت Jeff Jan 19 Jefol Mile عُرُ الرَّيِّ بِي اللَّهِ الرَّوْلَ رَيِّ فِي مِارًا ا المالية المرابعة ا ومنستها والميكيم يحيينها وروره والمباركون اوردان يلاكم كا المعاملين المستنبان ون مِنْ كَا كُومُ كُورُ ويسِنيا عِرْقُوا سرا بِيرِ كَا در مِرا جُرُكُ كِي إِن كا واران كُو وارّ ه عدر فواسل عرضدا ! كي مدستن وا وباغ ورزل ومجم رورو المراأ وكيا بخزنط وبالإصافا بمرسا الوشيت اعدادتنا ملاطين نا أشيخ اوربارها إليان تغابا جوابين عشيكي وبلهآ يترتي كندا ونما والجابينا مهريج بادة لتقرف التأكيك تشرع وكيكما عالمي لمراكز وأخوامه ينا معاب كادربت إجراحت بابتد الكفيستشركنام اسكاعالك ترانتا بجهابية بطرق تحفهمراه صحيفه محودسكر مبهجا تها جوقت فاضافان اورسيديب الدموهوف فيراكسي كذرانا اورنام اسكافل ا وَلِلَّهُ وَولت جِو عَافَر بِينِ إِسكُونَهَا ولَ فِأَكْرُ جِمِينَ خُرَسْنَ سِيمِ الوراكِ وَسِ ألميسين مرده ملطن كا د بااد رخو داد ركن ربيني سيسيكر المسيسة بنيل سبي وال بالبرمون كاداده مسوطاف أكرابا كامع فرمزل كالمكرم وادكم المال في آيكر رجا ديني برامركا ادرّابي ل كركين بي في كرمتنال ابرخوام بروا وكرحوفي ان واركت كروكي فرفه ل حيال فرمايا اورو فإن بيشه كراضا في اور فا مراجع ا

دن ماسخ موس^کی را ه عرصه کم^ایی هرجی بسوئری می حکت کرنامی بنجا کر توقف اینی عکم ر با جرار د مرسیم شرفی اسدن حاص قرف می دوسیم داش توبن رمضان کی بنی دونوط Contraction of the Contraction o يرخ اربهة سيحبراك موافق عكم رنفارج نفار التمذ وغيره بداكي كطريس القصافران بركي Casi Caller ردائي شروع موسي بها لكها بمكوا على ن طرب دارا كوه مم علابعد كرس عالم كركانس أووة خوشرشر کی مهیم او خوجگ سوی بها در وان نیم دا در دری اورمرد اکمی کی دی خودشرشر کی مهیم اورخوجگ ير رفي موسي حتى كه حود مرا دخت في رغم كاري الهايين جورت وارا ويما كما يعار في موسي حتى كه حود مرا دخت في رغم كاري الهايين جورت وارا ويما كما تهوس مبن كي شخص يق وراور النبي الراسي كياه ررام روسي أنام كرا بتوريد اور زرائی ناتی کی آیا اور دیان باده هو کراسیان مذهبو دج سیک قطع سے اور اور اور یا دوری کوسکی دیکهد کربست نبندی اور جا کا که به زنده 13/455,400 ات آوپ ما داخل کروه مخلصان مو دید نیکن ایسے بها در کہین کرفنا رموتے ہیں خوکا مار اكياك في وفي بي المري عارف في كي كوفي ضراور كريب ميكة بي آخ قرارفرار برتبرا وارائكوه مع فرز دا ور تعفي فارسو كافتان غيز ان كراميه ورجرال عام ك فرنبع فريا المورس المتعالية وفت أكبراما ومين نبيكر البيميكان مين ترااورافراط

باح أعاله وإن يمح غرواه و كذركا ومرجب كرمية مضور كركم الما تب پینین فیج بکرنتول وتناجی با دنیاه نیدرا ورا مواتبورال الكريك

طرف عالم كمرا دربها متوير ومتصل دمرانبوركي الراكب كوس كخير فاصلت حمدان م CH. S. C. C. C. عالم كرك بسرط قارنا تها وسطيا تام عجب والمعام كي كدارا وه مراح كل نبين بمن و واسط عادت ایک جانامون کر توفیق رفیق توفیکی کو جائے کہ کارسری الی ماصور Su Vanie Live . دونهين قريدانغمال كيم عاصانهو كارام مركور كوفقت ردارا كوه كي مغرور تها اور ربودان دونهين قريدانغمال كيم عاصانه و كارام مركور كوفقت ردارا كوه كي مغرور تها اور ربودان بي ببره كير و عالمي سكن الركيد آما و يركي ركابهوا عالم كيرار و ورب يم معلى عرو كلم يني في دا و فرا رون بران مرافع ته او فت صير الحاسي وي بها در و فيد فوس كدا ومروي اور ي دي الرف الم يبيع كرنيه تيه يركه الفت كوشفراً و وكرني تيه اوجب مندكر نيان وه بي روكية تجاطش بدبت ارائكم بنيت طفن يجيه أرشون كي بنجي المن جرصترن المحمارة والمحاربة بختاراردو ئے ہیں جو برین تو کو شاخت میں کا دروہ مہا کا لیا الکیرنیوسیا کو اپنی اقت سے منع کی ادرموضو ہے۔ کے ہیں واڑ چیون کو کا شاخت کا اللہ کا المفتعلوم المين المابيري عنبير كم فحق و براه تها رباكر يما زطري جاعت ا داكي برشكر والن والما يالا عكرت والدي الم بهرمن صفام و بالتسبيري ومراومخ وكوندر ومراد كشرفي عارا ني ورا وربهت ومربي فيرب فليرب فك بمين بموان ديره وكنابي محركوا فلم ينحاري بالخيفرار والمت سواورا وراهم وأمواق في حوصله مروازي عاصل توبين راص الم چ کرا کنتروز بر انها مر رشعان و صدود کوالمبار کو بینچ و بان داراست کو ه المرابع المراب نيه دا سيامنع عبوروك ورنخ يب سيب كند إي تسبر يضط الربابع المرادة والربية والمابعة المرادة والمرادة والمراد الرياد المرياد المريا المبين المالية المالية المرابعة This fire has

اليفارهم كالداولة بشورق فروسطا في المسلطات إليكسوادسيم ميزيه حارمينيا ميرمن ومني يتيارم شاجهان إدراه ملك بندم بكلااه والبرمان بيابنو وبكواريد مورعالميكمه وتتأه كاسان والطغر فمي البن عذار داوكبا علاأ عفرت وكوجراه ببير ليؤمونيكر ي كالكاك مواا ورمركز ووت كان روانه مواا ورمرا لی*ر کیک* دفیل اوزشید ابنا که ایس وقت جزنا میکانورسنا نی سیک بهائ كواروبغام يسيم ئ اور تا م حبر د دارنا بي امين دن داؤ م دان او م 0,16

ع من برجها فسله ها قامه والهج موكروسول كرفسية بايريس الصحيح مو مرآ در اوركم متيون رنى وراورنىك موسى بوراورخورى كالمراع كالمور معلى بطوري اسكر ياموسى بے بنی مریکی عوض صوبی بیدند کے بیار اور جا اعلی زیم کلجوز دا کا براور جو فرند کر كاوروسامى برايح فري وكركاباره كالمربب اوتير كمركا ما فيدي يكام مرام ورسط CHANNING STANK سر براکتین افعاد را در قلعه کا نی اور نیانی نوش کی بورا کی اصطلع معطوعات ادر فيفرا الكياكم الخ الأرف لك كزار بح تيمها وتا مي تهاكم وبين توتي اليخ ويح كي حذا كو بياري وا كى عايدال موئى مرجد كه مدا دا بن عي كى لكمن كجه فايده نهوااورنيا ده تليف جيد لكى خود مدو تحب دارات کوه کیا که کودلیورانیا کیا تها مراحت کرکے داخل قلی اکرالا کا میوالورسزل میریث مراده مروري الهات فرائي اوت براده مداراتها مكل سلطت كامواجب المرضتها بالمشهراده سنبيء بخابل يان كران كيمازم اكبرايا كامولب وارانكوم بنا ن شكوه بيني كوليط يُدِينِي بِي أَوْلِيرُ الرَّهِ شَكَارِ لَهُ مَ كِلَّمَ مِرالِيونَ مُن الرَّهِ مُن الرَّهِ مُن الرَّهِ مُن الرَّهِ مُن الرَّهِ مُن الرَّوْلُ مِن الرَّوْلُ مِنْ الرَّوْلُ مِنْ الر مدافعت کیے امور کیا اور شنبرا دہ مرا دنجت تب کے اورخطے کو ات میں اپنے نام کا کیا اور عالم کیے يربيب وبدارا أبار والمروبي وكرسية متوجه دارم مطت كالبهوكسين بهايكون كمي خاف جال مويذ لكي منطنت مطالم كاتهاده دمين الكرآخ كوبارتناه موجاني تذكره آيده مين مان كرنيين آويكا اوريا وك و قد وسرم تهر رس فتبار بين عالم كرسمه ربيه كوكسفيت كي بهي كي عا وكي او رجب ايا م زند كي كيكم سبري ببوك ازبرس البرس في عالم كيرك قالوكرابا مين جبال فيدني كبيوين جب

و تبانیا نامزده داریشکوه کومین طغه نیمی نامه رد مرالک کے بنے ہی تھے اور دورہ اور کریان بر مختر بیش ار د لوگ نه ما در مند که بر محرفه بیش کا و دابش از د لوگ نهما در منشرا الماردالان ويزارادي ارا و كري ارتاد و والدز ديك متا بزاريك واكرم براي كيفيوس النه بزره الجريب عاقم نه در مورواله کمه و چبدرا با سیته انه کوس بمحرج کی جب کوسی اسی مان بنام المانية من المحرين المراجع المانية المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع الم ے و کونیار کی قلب ورای بنی بیرای میک شیر من اور طلامجيد وريديان بإالته لسكاقبول والوكس بأكّة رواج دوموكاموا اوركة طلام يسيديان بإلاي لسكاقبول والوكس بأكّة رواج دوموكاموا اوركة وازلنجعه كالليس تعاوز آن مين زماك كالمسيح دوسوسولا سنط سره بین قبت مین و ولاکت لا نزار د ویکاچنے ریخے فیل زعا ر ۱ د ۱ بساز لارا ورون با رازم كذرايدا ورشب بن وزن شريج اس داران ويذيكن أكلي س بزاره و میکام ساکنده نی آراکه دایک بات تباازت نرا رر و بیکا که یکی اورک اسكامنك فجبع كالمرصح المكسسل وريا قوت ، زور سے تها اور بردا می اسی اسیمان ورفام الدادم

وإن يااوردوكا يت كاد الي خرج اسكادولا مجاس رو ونبالة ورين ووتارموي وركسوس الأرع الدبري منوطلا ام رویل رویز استار نفد کیکوفری دان نفی برآن بی به نفود ایج برویل رویز استار نفد کیکوفری دان نفی برآن بی به نفود غرا دروم بدرسو اصالحه عربه والتستيم وزربوا يحي بنوين الر نية عارب ورفد ارر فوج عن اربغ ي را بدال ما الموا ورا و داور نية عادب ورفد ارر فوج عن الربع ي را بدال ما الما ورف الرود اور ف ه نوا خان فرزند توليموانا م المولودي مخد عظم الا اوراس لاکت له ما المراث رسوس الرسور المرز الوزاد السب كي و النقا الأنفروم كالبااتي المراسي كي و النقا الأنفروم كالبااتي ا الروز الدين رسوس وي ورسول المراسي كي و النقا الأنفروم كالبااتي مال عي كوروم بيرار رو ركا سيال كوري بي المناور و المراسية المائيكوه الناز بتر رروالي أن كر المراد والمالية المالية المال ناد وص جونعد وست رولا بمنزم رويانس المسول سوسبوا الم فالد مرك بالكثر و في رسو تو له كي كدر وتيه العدر وزر كالكرف عاصر اركيه عوالاجها كمركي وروم ررنفا وبي اور سيرايك روايف

ن مها *القهد لامن بيسكي باري من خرج م*وا فراه مجيسون رسع الا و إساله تورك^{ي ا} الميمل المتورم اهو مزركع موري أدمونتن الدولاسني الوالفضائ سوائح دوالمانح كوميمي بردرو والفام كي البريك نفر مرفع مام كالواستغريضا ويكسستي درلدالي وفرز كامطا ديسيكذا ع من تن ل ميلام كو كلم واكد كالوول بندوي كود دوا در او بني كي متر تار و بداخة دكرارا: اوركي ل فدوّند لمراوا نهيداوية وركي باه رافيرين ل شهزاره اورأن بالموق غنه *ار بهار الأ*يان كبر إوبت تكليفير إنّها مِن خيب س أربية مِن ميزي^ر عاهره را تؤادتنا وبذعبد دمين منصرت كاشارا دوكونيده بزار بينع فصر اره فرارسوار وتوسيه ست به مرفراً زایا در عورت حوان کوت بزار در موه و تیک مونون مرتبه یکی با زیا ده لبادرينم فال كواهل الفافه سيه سفيه بري إنج مزارسوا رووسي بسياو برهك فرزمي فروز عبك فيطيرفان بها در تومع اص دان ويكنصب مرارى كالراجية مواد و مريسكتية ميريم ارنفات من مواكل ماته موي جرميوات الريب يا وتناه كي سبيت تيا دركي تبي افاسير مغتون تك افلارسام ا درمفان كركيسياخ ما فهرنها

is the start of th أج برويل رويكا كهاسوا ز نفذ كرك قمت في المعقمة غرا ودومه رسول فيدي والتوسيم وزبراميس عنوس المور عية عارب ورفد ار رفوج عيف الريم ي البدال قبال الوث الراده او ف ه زر خاک فرزند تولد موانا م امولود کا مخد عظر کما کی اور آس لاکت سے رولا بھی از رویکاسی آفسیوک سوسیوا آ اكريك عوا كاجراكم كأي وروم ارتفال في المانكية المانية

مال المالية المعام فازري 1 وَرِثِ لِهِ لَطْرِي مِنْ مَا مِلَا لِمُ تَعْمِرِ عِنْهِ مِنْكِيْرَتُمْ فِي وَلِوالِي عيى منائنان ميلاه وكومكم بهواكم كارديكي بلدي كود دواد عوراكم مي المي مترين ويدخذ دكرون التركي لاوقد أرما اختياد يكورك بنارا فبرين النسها دراد وكنب باغو فنهار ببعاكراؤيان كبن وببت بخليفه ل تبايئن جوبيب سازيت بين مينيسك عاهره بإ

روياك مهرو توليك ورايب سوتوار كاعنا وبذرون لهرالع فلترامني فأنا أسيد لاري مِنْ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّ ن دي بزاد ، مراو خشري و فري و مراد فعا صفوي مقرب ي دراي لات او المحالات م الله المالي المستنفي المستم الموارات المالي ا قليم قاربها وروي وراوك كتابدين ونابدا ماع ومعط ركهاأتها وي الأنياب الشي في دميالا داعلى ودائن في قاليم ومفتوح مو ورعازي رمان و المان والمان والم ر زنیا د صفی کیر در و ترمنت بارس عیابی کیری نفایسر که فیمیت ای مارست بارس روز نیا د صفی کیر در و ترمنت بارس عیابی کیری کیری نفایسر که فیمیت ای مارست بارس تهي روايرا اوروا المخافي والمال ومروند كروة الملك المرتمور وكالما يا علاوالدين في درا داري انواج ملك ما طرف كم يليبون الفيما بيا ورتبه المساوليان مك الرافائي بي مان بادر طفر حيا فيرالا مرعيم دا نخابي خوردا كابل خوري تحيين خاعر وعام كم مهوا ورجه أنكرين بياسامان وكبيو كا قبضه افواج تسهرا وه وكتابا الم المراز المرا ور فض والارتبا ديداوراللها اللاص الما والفاء يحد المرهر خال كوكوه عاكم وبالنا تهاسر المون ال وعوف كركي

فواري بائ وركفوت بن نيت يمني آير اوتا وا ور آی آب بی ی - طفوط حن دخل مالکا لان آقا كِدِآيا

ے انور ور کو کرو ہ وال را اس کے حربت کا پہر تخت مرصہ ریونیا تیا رہوتہا علوم (ارسجاسوتير كن كاتراا ورعفر إطراسي ومحاولت بالميحركا مع سنكرا ورجيكم د اخل على محرف سنك ميوسم اورسيلان جهال في قله سولا يوركا تفترح کرد اور آی ل ملک کوکنده بین کرد و خطه نتا بنی کرد م کا مود و رقاد دارد. فاندورا كي سي سي فنع موا دسورال طالير نبراررو دلك كراجمه بين بيجير روضه كاليسجه يمارسوي كرا ريم الحق يمضع فيدوس مان تدسورت وجوان : اور اسي ل كغذاي تنابزا ده اوزكم في جب سيست الناد فا ان صفى ياسك كم سعلة وآت ت ه المعل فهران اران مكه تها جديون اربح ديجه ي لنظا وترفيل ليون ويادة الي اسكاية بيم عدو كومرمك عقد دورالكنيده: دورسي علفه غان كي جند سفيع نت بكت يترض بيما ورثيني بك بطرن سفارت بكاران كوروانه مواا يكت فيرمض ادرایک متا رسم کاس مزارد و می بوان تحدیکه لیک اور سی استراده مراوش يين الدوز صف فان اور جميع آمرًا عطام كويم ره فيكر ضيافت كها بي فوز رفائ كركيك with white

به لا كان أنهاي الواضح م ولان خورى كرام والما دي عم ب ورسال وزاان جمائر وزاا بن ها.

All Maria Maria عام المراج ا مع المراج ا مرى تغريف فرانها مدين الفريخ را مجورت عازم نفر انعاف الرداء كا المرى تغريف فرانها مدين الفريخ المراس الم وميدنين المرابك واسط المقارس في رجلوس المكان بي وفت المرابي الم مَعْ اللَّهُ مِنْ الكِيلُ وَمَا لَكِيلُ وَمَا لَكِيلُ وَمَا لِيكُرُونِي فِي عِنْ الْمِنْ وَيُورِيكِ السَّةِ سَنِيلِ عَلَيْ لِمَا الكِيلُ وَمِاللَّهِ مِنْ الكِيلُ وَمِاللَّهِ مِنْ الكِيلُ وَمِاللَّهُ ع رجان و تاجال شنه وراول على داكد كوي الوجيد المارات عدد المنظر الواراس في الماراس في الماراس في الماراس ال عن كالمراب المراب المرا الدركارت ومع ولوس بعرده والى حداورك مدي الله على حدامونون. العار تساس تراس في الدراورعلى الدر ورويون وت التي المرادر على الدر ورويون التي المرادر المرادر على المرادر المرادر على المرادر المرادر على المرادر المرادر المرادر على المرادر اوردف رصة فالخدم كلا ورايك دول عظم أشهاد ورمد تنا و فرمارت اوا المارة نعروف اورنوافل أمامه ل كانها اوركته با وضورته تها اورمو تعلى فن الماركالي بلك الطريخ فال حيونا بهاس الم علنمان والغرائ والم إن كالمال المال المال عمانها كومكم وافع الموطال المعانة ت فرج كي لمرين وفي الطبير كي يا كي الماء ا

جدالا بالمام وي تورو اسانه ملاك اورجايا ا وجهار الحدثاه يه موئي ہم ي J. J. W.

من رہزا وراکٹر اوصابین برک وانبازمردوں یہ بیٹورندیا دورکٹریٹی طبیعت کی درو بني بيف بيضي انتعار اسبك اناز المان در در كالهراج وروا ضي موكم ورميان جاكم اوتاه عاسرفر از وآارات فوانتي خلاط تحصر وبدائنان وانكاديات أما عامارتها نها وسوب ما إعوبك شابرده فالبجهال عرم مرابر لطوسة من رمحانية آصفي كيسلط دارا كوه اوركما رموين السلطان تباع اور ترموين ما المطابق عند ورسي على بجى نكيسه بدرموس في فعدى كو محداوركب تولديا افاعلى مادة ماريخ وركب كالدادراز ويست المائية البين المراه ويتي مي الفيوك حما كمرا المرا دي المراكب برائ من و ورس الله في بوالا من جمائم ونت خبرا و كي كين ورزي اسويك ہے ام سے ایک وہ ایا در کھیا جائے ایج ورد کھا تباہد عبوس کے اسکور کس عاص کر کے سیا سهاكداما دسكروسوم كا در وتوجه منحبوري مهري الخاسي البار المنسانيا المستحمي كريس المي عاريد المونها ملطا منوي على ودفلو كالركا كالرياساس معلوم آوري وريم الابام سيصنالي طف لا بتورو افع بيري بني ارف اوابال دمل سيم زائم العص وتسهاى موازم مفتوح كمانها موده دفنين حماكم كمعرة كوم على مطابق النب النبريج يكر وزور ورسنه فتي موابعد ما حطر كم بالمال زماري : الإسلام وألى ادار كي ماكرياكر بهان الكسيد عالى نما وي اور وأي موا منها دره حرم لقت البحها سميته مور وغاية باوتناه كانها اور نورجهان عميي سال

: WY! 10 تے اور ام اوتاهاور Mais Jan. بكرزرن ورضي يوكه ورجهان عجم ST.K. Silver Silver S.S.

مرسل رور است فردنی رخ سخت عارعال و ستان کیمرار نیر و برداری است کار سرسل رور موندار فردنی رخ سخت عارعال و است سند با ارتبر و برداری است کار است کار است کار است کار برداری می می سا استار ما نوز داسته اربا دسکر علی دا و کارا بر انسوانها کوامناد نه این د نیر د کمیلا، دانها کارانی استار کارز دار سیاکرتا دسکر علی دارد و کارا بر انسوانها کوامناد نه واینا دانها کارانی Gas Jack برعنففي وفسة تها فراي كامركزا عندل بيراف بالإمراش عا وفراسم متو أخر لاسهاري ماد E STORY OF THE STO Sale Constitution of the C ي نيم رسند ارمور عارالاخرسالا دري يود جريبر مطاق موع و العرب المعرف الموت المو ؛ مين ون مينية يجه عي تم يالم نفا كوارتمال كيا درة ارتي اسكاريب أغير بن مه فوت كريز أنفياً بحفت ارئي فوت اكبرنند: ١ وربق بعبه وقاع ش شياني مسطنت الاون بن صفير هيم جماكمه بالعال الالفروالدين مخذ والدانماه وزر مبالك محد من عرومون ما رئے ۱۰ بیان کی کی تنسید دان جرا منبوع و مورن ما رئے ۱۰ بیان کی کی تنسید دان جرا عد دارانحلاف السراما بين اوركت المن براوس فرايا ما قبل ع رنور همان مينو المنظمة المنظم واضى موكرسلطان خروام زرك بورها كأكا خيال سلطن كاسر مر ركم باتهااسوالي كبرنه وقت رصيم فرواية كالمشنبرا دُوسِليمُ عِينَ وت بي طالبت سلطت كي نبين ركسا عجب كبرنه وقت رصيم فرواية كالمشنبرا دُوسِليمُ عِينَ وت بي طالبت سلطت كي نبين ركسا عجب سلطا بخرو منبااسكا عميح خوبي سي اركه مه كفكوسيه خوش كربوكي حيني عبني صلح المجل جورتبراندي الأويان والح مَعَنْ أَنْهُونِ وَمِحْمُ وَمِدَان فَانْهُ رِالْدَارُ كُو مِالْجِرَالِهِ الْمُورِدُهُ وَالْمَ كَلِي بالمرس وبدن المرس المرس المراس يى فوصف بى بى فى كى كريت مرود فى دراي بىي كى كىك كانت تقدر بىر ناتى كى موكنده ربيح فيدراآ وكوشنه دة سلطان خورم مخاطب وجهان ينه و المالي المالي المالية Carried State of the state of t COLLING TOWN A!

المارا الاها المراق التوزي البر خوارت المستهراده كي سؤار بريده بودور بريد المراق دريات المراق المراق و كما ي دوى المراق المراق المراق و كما ي دوى المراق المراق المراق و كما ي دوى المراق الم البار المعلوم المحالي المحالية المحالي (از المراه الاله) الدراي البرنه عاحظ كرم عي بات صدت بررية. (و) المراه المراه و ويته رجينه نديم آدمي بارس رئيم من مرئ وريافت كما جامير ليسب الميل (و) المراه المراع المراه الم الله كدراني اكريفه ماحظ كرمكم عي ئيات مذمت ايز دي براقراركيا اوركها كرف يداسس نهواالقعه إكرمعة فطهراه إكم واخل رائبورمو أسناكه ابوالفضا غيربست امكن وكم ل^{ية -} ويزراور حشر . نوروز 16 داكيا اوروان با درما ون بنه عرض كاركرها باه رامانج الصي اكبراه وتك دوست بشرك سرع رسي موسيدا ورامتني في محرورية طرفي برحورود المين الوالعضل بهي جو خرفده منيت لزوم شكرا حد كرسيع جلابها و له آيا اور ما زست كي لمركه طاكم والخانر د رضتيار كإنها رخصت كيمي فينتي الخاصل سيرا واحد نواورتام ولابنة نفء الملكي شندنهمة يبيد الوالففوكي مفتوط تة المانيان كومنيني عبدالرهم والاشتيار والفض طرنسي كمريا ووما ورطام الماكم والتفام الماكئ فروتني اختياركر كمرحنوريس أوادرعا داب جاكهما وإ الكنظرة كامبي والفرنا زكيرا ورتحيفولا بقدارسا لرمي اكبرسطيح سيرضاط حريجوسنا وأم أربان جوز كامطورت دارانحاف يحيطوفوا بعدحب دروز كددان ل بي

منار فاط مورسه مي في الماخط بنط فعال المائن الالبيم الورج المائن ب س بوس الب ما بي بين موسانعتر كا بير مهر البنج يا دفناه موافي آبر آبالبند البند المراح و من بير بين البند البند المراح و من بين بين موسانعتر كا بند مراح و من بين بين موسانعتر كا بند من بين المراح و ا رورس سلام المراف كالمواا وربوبرند و وركون كالي داسط سام المراف المراف كالي الموالي المراف كالموالي كالموالية المرافي كالموالية المرافي كالموالية المرافي كالموالية المرافي كالموالية المرافي كالموالية المرافية المرافية الموالية المرافية من مرد و في دايخ ل المراب و من المراب المرا بهال عاد در في دراجي على المراسط فها منا ما طاعت جهيرر و الماليات في المراسط اراكبا آخوالا مراوك دولت اكبري مظفر اور منصور سوست بهراده سر به رواقع إس بهراده سر به رواقع إس بهراده المرابي المفضل كوبات ه في و مان سي روانه كيا بوجه بي الرابي المرابية و المرابية المرابية و مان سي روانه كيا بوجه بي المرابية و المرابية المرابية و المرابية المرابية المرابية و المرابية المرابية و المرابية المرابية و الفصل توصد من من المراب بهني اور تسهزاه محرب تبدروا عالم المراب ا

وجاما وردوسيك إلى بيد جومبراسكاموالآا أور كنر إثيران كي لأى من اكم بيت وبسبها خباماتها كوموجي حيرت ففاره كيدان كابترا ادشاه بكر وزشا دفعا مالديس بتراكرسيم إنته بن لها در فريسه بالشكا يەنغەنف فرا دولتما نەكا تهاچوكمىن الك الكرجها عكر تواكدر فها كان المُن اوْد وَيْنِ فِي فِي الْمِيهِ وَلَهُ بِمِهُ وَلَهُ بِمِهُ وَلَهُ بِمِهُ وَلَيْهِ مِنْ وَلَهُ بِمِهُ وَلَ عافرون إرامي كومبد كوفاركركيه حافر كمااورك جرت بي تبي موي يا حي كرفار والأكا علد كرفتال وا وه ليف سركو يسط براورابك بطرح كمون برمواردار بلطت بي الردون مواجران بياسكا علاجي ما روز كي عرص بن دوخ ما خدا والم عبد العدخان والي توران في عبد الموس خال مي المواد الم باي بني كير عن شايية جلوه ظهور كا نبايا اورسب بف نت علا الراث من باي بني كير عن شايية جلوه ظهور كا نبايا اورسب بف نت علا الراث من له اكرّ الدين حكزا برناخهاس سكونسبين فره كيابكه عقيده السكاميانك د مرایک نئی اِت کا اِن عَلَم صالح کی درسیان بندوسی ان بهو دف پرکوایک نئی اِت کا اِن عَلَم صالح کی درسیان بندوسی ان بهو دف م مریح دین کامنعرفر نبروی مراکبیرانی فاریشیرا مریح دین کامنعرفر نبروی مراکبیرانی فاریشیرا وعره يكدبانها اسطور كداكدو شادا فروكا ركاريدا ورنام اسكانهب البي ركها ورجديه ببي نظر كرته سيسكه ماخ وداتها درب تهزايتها كدهر صعر كي سنتكوفضلا دين سنى وسنسيعيد وونصاري کے محل جارادان می^{ررو} رمني لمدوري والهمدسبور واوراقام خابب اورشارت واسطة قعربا بإنهاأكرجهم مودين اورالبسين ساحة اور شاطره كرين أوجا دشاه رامة سفيفانه بانعصبا ببين كي سيرا ورعبا ركفار مراكم محك 60/36والاردوز جار مراز که ما د جا کولت معار نجا را ما کرنیا الغ بر دور د غره نشول س را مرب الما برا مرب الما برا مرب الما برا در الما برا در الما برا الفاع في الميانا الما بي المرب الما برا المرب الما برا المرب الما برا المرب ا به جرالارشعارت مغز دوک قصبه و کوریکه عارت نایا نه زیت یکو دار بسطت ایما و دولا می این از بستان از دولا اور دان بستان از بستان از دولا از دولا بستان و دولا دولا بستان و در مون سال با در مو احرّ المرحيكا، وه ماريخ بي كيم المركهاك اورجب بعد باسب وه بارت و مروز و بارد المراكم المراكم المركم مجربات سيخارج در مرتبهٔ تهور بين داخل بين ايك فت متهراسيد البراه و به بين ايك المراد المرد المراد المراد المراد المرد المراد ال

لفظاكا م تجت ويت يكبيل دربرم خاخاني كو دارالا بن نے دو ہے کرفتاری ف کے فر معلید ہے دو ہے کرفتاری سنا ہے فر ن بن سید کام نام می میرا کریخور موجیکات کشدها طرح 1,898 مِناُ کُورِ قِبِ لِیْن نِیمَاوٰل کیے فرق یا لِی بخ^و يوجولان كيام اقبل اكبركا بإ درتها دروازه قلغه مركور كالمجر ديبيجير جع لمطان كذريم مفامد موكر مذمت ورسطه بكوخ دمسندك بس ندرسيوم ومن سيتي كويج فدتون وشاه ي حبوز كراجي الارثنا لطت قليم بدكي صابت ه جم ماه ي اولا دكاته بهجرع كميا فيخ موسي رشط عرهم والبيح إبوز ميذار فبهال و مقا وسيح البزارة فيح بنصنيف شيخ الإالفض بن مبادك دا ورسيح تصي كي الرواورون كلرا اوركوند والداور فلع حبورا ورولا

والم علف إصرارك مدر وراط سوركه و و منه كالورما أ سن كالها ورس كى بى معد كامين ا عام كرك ارائم فأراما اسوف زور اراسي فا الميانون كي عام آوار إو فيرب بركم من عابول م والا أسر عمل الأراث بين وكل يكرنها خرجا ولا بلط سرة كروز Go El Tic Red July & Soling Will اطومت ندلي كي قومي ا عان کے رہی وردور Col الماري المارية

تفايي/در si;

كالهنك تصفاكم رايك وروكي كواكوا في هومين بهال وسي ت ركنية و ما يورسك ، وما دين درينان عركم اكورس المطاحة عافي تها وعد المرفاد في الماكيك من ورفاد في مواكر روج فيرفاه كي حص رفر به باروسی سال دین اسکالفظ اخرسے اسلام فل برقط محمد شرنای ارفت او فضرون رُامِ غور دو جون رازجاً بدارالغا: بافت ارتجا درانس مرفه منظمت کی برن مرد. مرابع غور دو جون رازجاً بدارالغا: بافت ارتجا درانس يتن بن ارن و رماز بارناموت اورماني ريك ريك ريدونات ما ما يا. ي من آيينه الحرور والارشفوليني اين ديكرا فوس ااور كما كودو المام ما و كال الام عام و تنام الما في الطبيك والا الام ورفع اكررشاه كالى بتواار كالصفر تو كرته كرته ما الحال مواكولو الم المن رسيل كراور طبيب أم الماري أله المال من كاليبي لل والمتع وديدر بها اور ديمان ن مرابور مع وخرنا و نائي ودا كا ويرتورما ووالح طعام توركياتها فاعده يرته أورز رجاناني بالمينون فامرة بين فين فين المين شرفاس فالسالم المراك قت المام ف و ماكن كواليار كا تماكدا كرفولا و وار داس بده کاموکه اعزاز ای سکرات منها دور آن تما بات عناط اس بوک مريبي ترن يرناني عاسوسون كي طانت كي فقيما ا ورمد توراته عال ريار بإيتا The Children of the Control of the C المرابع والمعالم المعالم المعا الكرابر فأورا بمارال

واركر واور ويتاكم عاد فخان كي دو رو آ ران عدل كارا ربوي وزااموا فيسرخد الروق لنه ويبنانه في ينظران يا تقام كي نهر براسي ف ده ج كيمنيك بي تتن كو أكرمه

ر ملماانهی د نور بهریار مهانه مقال اورسا بوا ک كراور فلوخ اختيار سريح اورزفة رفته سكواب تنكك كم آخرا اختار کی اوشرفان فلیشکران ساجه و بکرخوط کان علام کو اینے واسطے نما ہ مواذك اورآب كوكرواس فلهد يحيما كرسكم بهرالوروفت مراحب يحاز برايك طورباكي اوزام اسكافلو سأسر كما بعده أكره من أكر عسم و وندى ده ورود و کای مدیت کرد طالع ندماوری کی بهریم ارسر نواع کاری سلطنت نذكا ببواجائيه كدر ااورنا ومّت مراجت الجيمال عل فغانون كارياسي كمروض بالنهطقا حمده كمكفا اوروه فكريدا

Devio وروالهمان بادر المنال كانبوها براى ودر مي عرود ره عامر السوكر وان مرحمة الكرين ورمى المرافية المحالكة مم ا واقر مدوقا بعد ياكران المباكولك وقع ووكا في الوصي الم عدارة الولام المعظم المحروف المعاورات ادربان اربها وربطامنه کی که ده ال ما ایما و تربیان beging but a be to be with the series in the عرائي طلا ورنقره أورعام المبية شاي تورضي بازرى كالما معرفات كلايك باون بن و

وُرغلبالمطان مراا زملطان عررا واستلا ن بر الحزم راا ورجها رد حراساً ما معلوم ا وطلال مناسب الرقوركو وكالح كواحدال وفرسوه رَفَايُهُ حِهِ الْحِيدِ مِنْ رَبِّ مِنْ الْحِيدِ الْمِي عِلَاحِيمُ لِهِ الْمُعْلِمُ وَالْمِي عِلَاحِيمُ لِمُنْ عَلَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ عَلَمُ عَلَيْهِ فِي وَرَسِعُ لِمُعْلِمُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ ال وروالي ل المصمعان المرس برقاء كم تاروراوورا اروام ارواكم برويجا ورثوكم مرزامة الم و و المرابي المراب ورطوم ورارالنبري تفدحات المالم ن مهار ام رکهانها انعاق سیماعلی م ركمه جانت الترق إسرور تحديد مواكر أمج وررفاني من تصف كي اور اول الدكور وكداو ما

م و ما ما ي كوندا البرن وميّا مِرَا ﴾ كَامُ الم مِنْ كُلِيَّةٍ فَيْسَنْ طَلِي مِلْ اللهِ مِرْدَامِينِ الْمِي كَلِيمُ وَمُوارَ ادرآخووفدا عرطبي أتفاكع ومنانتقال وروز المورزا بنابرطال لاس روزداجدا وأورمنوجه عائم والعاور اوراى الدورة كركانها وموس وي نع والدف فال وكال كروالى ترزير تاك كرك ساندا

وي رامان كرام عليه التي بديات را را المرون المرازي المرازي و المرازي الم مَا ورواع مِنْ مِنْ مِنْ الْمِرْدِيرِ كُرِيرَاجِرُ الْمُنْ يَرِيلُ مِنْ الْمُنْ يَكُلُولُوكِيدِ مِنْ مَا ورواع مِنْ الْمِيرِينِ مُنْ الْمِرْدِيدِ كُرِيراجِرُ الْمِنْ يُلِيرِينَ مِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْم ير مالاً و وقر م د افراكره بير مواوجند رقام ريما أن اير المار الرور افرار المار المار المار المار المار المار ا يوم الاً او وقر م د افراكره بير من المرين المار ال ملك فاطرعي وتابراده مايو مرزائه وآلي ورتارته والدان سنبل مهما ان و اکو فار معرا ورفتان عاکم کرکر دالما شهار هٔ موتور و دراز کرنا کرکر کرد. کا مرام را کو فارس مواورفتان عاکم کرکرکر دالما شهر و موتور و دراز کرنا کرکر کرد. عيم المان مي من المان حرف المورد ورشي المعرف المان آويجان راسية والفريس الرسانا موسواً كمرفس كيا والرفسا عوالا يرسورا كالم مراكم مراكم المراكم مراكم مراكم مراكم ا المنياوراكي وقت عنيا ونيا بحاسليد بين رواج إلى الأل المدين : غيراسكورو المنياوراكي وقت عنيا ونيا بحاسليد بين رواج المالي المدين عنيا المراد افرون عظاكي تما فعال ن مدن زماره متما عالماتها حتى مرت عمرا كي جبالنياس مرئ تجروت وفعان مي مت رقبل مي اورجي والرسي ميتوايد الرونين النابان كاول في و و ما بول مارسولاس وركال ما من الماس في القد عرى الما المام الماس الماس في القد عرى الماس الماس الماس في الماس الماس الماس في الماس الم اي و مصرب والوراكي مصلي مها كرد و ركنت نهازني كور خاب رياب و في كا

بغينائي وراد بجرسي عابيا نوك لى ابىرتى كى ابىرتى ئاك نو*ت عابل* بعرفین ایزرا رنا وكاكبابيار مردابهيكا برسير فوعكم ر لخيا ورنجا دار بايذ م کرفيز کيا ليکن بهروه ملک

الدين مجدا يا وي كالوين الما اور ف طون يُركي ريار با ونا ه ندوشا ريّ بااه ومقام با ني ير خاكر يم ينين رور بهاما في كئيها سدوه بونك تقطيع واالبعد في الموالي ره صنائي عدوي مديني الميني الماليس الماليس تَيْنِ قَيْمِينِ اللَّهِ وَمِنْهَا يَ وَمَا زُوامَانَ فُو فَ الْجِوا وَالْتِي سِيكُ صِرْزَبِنِ مِمَكِ رُرْاً هين وربيض فعلة فيل بين جربيناً معد بطناً صاحبة النام بيمور كور كان كي وراج اليانا عرشين مرزايه كم و ه و زنا ه تها ا مز جان كا جونخت كا ه و غانه كا ماكندن زونه نباني واسط نفرج يودك اسك والأم آننه سيني أيجين ويردون مطاني سيرفني تني عرستي مرزار آورنها كمرفعنا وه بل فون اورعارت كري و عربي هرزا كي منين رس لي نهي عربي رهمت موابيد است كي ظرار الرس عو المراد المرد المراد ال

لوجه وبارا زمر بهما تهااور ديا الرادية مؤوكانيدان كالعارين فحلبنا أمااورس * Ge | Ce |

بعرورني وي كبن الطيف والفرها قيفية بياي وافتيء ممايا بيروشرع نريك به الما والمرون المراجي المراجي المنظم المناسلة المراجية الم سرقي وروه كر اعرف العامر الى الحري المراكي المالية فدودات ملي كالمراكر بي قبل ملي المراي شودن بر عالب الماليكرو برانهاا وروم ملك شرفيكيل ما يك قبية فرارواني بند اوردكروبان محكم بالآ رمرین ماینت منسطیر و فرور آر رسوانت را در میانیم بین مالمان ک سازم اجه می ورا در ماینت منسطیر و فرور آر رسوانت را در میانیم بین مالمان ک سازم اجماعی و از می المنه ما زاه كن غيرة اور الحامث ومارس المعنى على العن على الم وعلى متات متازا الم اليجانة عذارزان وجها ورمنورون توبهت دمو كما تبامنووا في على اوروا مندابة بقياول مندستان بنموان المنوائع الكارفعول وعوت اللم فألم اور كا عام ما كرام ما و رور ما والله موند كرين ا عالى كو فاسر داد المنع ويدافل كالركاد الموتاب ووكالي عددي اورع والراه الالميت

نلأطه . فانه کوالاکن دو علاولارمن اعلر فلعن يسيح ورونيس وا



الدار عجود والمفرق الرج فعيسا أكاه وكم ردبي رِدَايا ورق كن عارضين كرينا عرة أبد ارزعزع المتضاحتان الإ Buch

ما كار كولا و الكون و يو مراكوه و ي را ادر للان التي الكون و ي را ادر للان التي الكون و ي را ادر اللان التي ال علمون لين المال ال الما المالية ا بارزم وبن في المال できたいがらばいいいできつはしいもには اصرف الما من الماره والدين عن فال المارة والديما الما على المارة والني فرزدي من كر روق لما المحمد المرسي المرسي ما والوراون الم وان واي مرس اور کراو رسطه آنام کا ما کا کارور طاری این ا وان روا ما مرح المائل من ا المني المرون فتركي بري المنظم المنافق المنظم المنظم المنافق ا مرور مراوع كالمروزات كوفلود كالريحص وريا والما

1:03/102 ل الما ناوالدين تورز יטונא % ١, وي ادراكي ودو خار ردبلي رأيااور عامرك ين دول بن ووين موكما ورخ برب جمانانكو فاض 13 STATION

Service Color خرفان كوكه و كسيداره ورم وزكت لا برولت الريابوري كيابله كباكوات من من من المارا على أي المراب على أي المراب على أي المراب على أي المراب على المراب المرب المر رب از یان دنداه اور افتی با مولانا افالی با فرداد المان به به این با مولانا از این با با مولانا از این با م الترفظارة والمان المساكر والكر على المراجعة في المائية ما عرائد و ما درور فل المراف الما ميم و من من المراف الما الما و طرف الما المراف المر عِرابِن الْهِ الْمُعْلِمَةِ الْمِنْ الْمِنْ وَمُورُوبِينَ وَلِيْمِورِسِنَ مَنْ الْمِنْ الْمُؤْرِدِينَ الْمُؤْرِدِ وَمُورُوبِينَ وَلِيْمِورِسِنَ مَنْ اللّهِ الْمُؤْرِدِينَ الْمُؤْرِدِينَ الْمُؤْرِدِينَ وَالْمِيرُ اللّهِ الْمُؤْرِدِينَ اللّهِ اللّهُ اللّهِ اللّهُ اللّ كاكرم مراك إخار كالياق لينية دي ايزود وخور دبيب وكربر وقتر مواا ورتيجه والمكاليا الم برطان المراسي وسرور الفران الفران و المراسي ورور النه المراسي ورور النه المراسي و الم

de. الاطين بليا

The state of the s CHECIE ر دائم المر الدرس سال ما على المروع الما المال من والف والعلى على الدرس الدرس من المال من المرائل المال المال المال ا والمر الدرس الدرس المرائل الم من كالمرادة المرادة ا مراونت بين بي كونكي نهارود كيار تخريع في و ارتا ه كوده سو بين بي كونكي نهارود كيار تخريم في و نه ایم کارکیدین ارسوار در طوف ای تیمی ماهای اور از ام کارکیدین ارسوار در طوف ایمی ماهای اور ای باطاری موی جرمی فلایت و بینی از گرخوار بیوا آخرند بالی این موی این موی می از گرخوار بیوا آخرند بالی این موی ای باطاری موی جرمی فلایت و بینی از گرخوار بیوا آخرند بالی مای موی می موی می موی این موی می موی می موی می موی م المالي الرواق المعلى المولى المعلى المواد والأوالي المحافظة المعلى المطالح المعلى المع الصينيا المحاري والمحاري المامجين والفراد والمحاري الماميري والماميري والماميري والماميري والماميرين والماميري من المالمان المراب الم مع من المعلى المرابط المرابط المعلى المرابط المعلى المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط الموالي المرابط ال من ما محمدت موفائي وروته عني ارده ما دور مراد مراد و راس مراد و را برای ما داری ما ارد المراكم في في في في الماري و بنن اوس مار کی زارین المراه بالمول ممتاور

ب او وطوم ور مِنْ بَرْادٍهُ مُوخِالُ سلأفين ته بالن ہن 25403111

30104 ر کرد مداکا نمور کا ورا دریا می کرد و روان کی ما مین ا رکد رکد مداکا نمور کا ورا می می دریا می کرد و روان کی ما مین ا Tele State of the را وام را معن كا ورواع انسال عواصل المراكب المعن كا ورواع المراكب المر ونبروريا ماي سوي كالراس فالعداب المعالي المرام المر Maria Manda Maria W. Cool of Columbia من بدراني رسنا المراجد كارتم بنه كارتي يا ماري الماري الارتيان المراد ما من بنه كارتي المراجد المالية is the الموزي المرائد المعمول وفي والمان وفي دراي وفري المرائد Eichell. اورفصالیاورکونو آروغره موف غرااورعامه رعایا کانتیارکان موات الماس على دين المواجعة على الماس على دين المواجعة الماس من روي مطان وظن وظام كي رقيد يقيد كوطاف تحيي الريسال وظام كي رقيد يقيد كوطاف تحيي الريسال وظام كي وقيد المريسال والمريسال والم الم المسلك من المراهد من المراد المرا مر الم قلورتير أبر العروان المراد المقرس المان ال رعاد رجار معدل المعرف المراب الموادية المراب الموادية المراب الموادية المراب الموادية المراب الموادية المراب ا أي تفيم ولكث الغراولي رباط من المساول الما وسومين عام سوفير سن المركب عام المركب الما المركب الما المركب الما المركب المرك مرزاد فطيب عالم وال شهرونها من المالي المحدث والغيال والعيال والعيال المحدث والمناسقين المالي المعدد المعد مجتواب عالم كام وَالْمُرْكِ الْمِيلِمِ وَلَيْ الْمِينِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرِينِ الْمُرْتِينِ الْمُرْتِيلِ الْمُرْتِيلِ الْمُرْتِي الْمُرْتِي الْمُرْتِ الم بند فعالم المالي الرود الم أور

الم المرابع 1,010 فول كبن فته وآسة مج ببجوم الرافرسية اكبروين عرم كود دبت جائ كا خال كيا طن الميم المراس بن الم طن الميم المراس ال بطالت فروزتاه كا عوادر بر كوما، يع جاكوكوكواددوكو.

عرف الموسي مرفر قل المربرة عاربول والمدروة الماربوليات المربوليات المربوليات المربولية المربولي ربهان على المال التي المراجع الفيال التي المراجع المعالم المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المرا وبهان على المراجع الم ا بدر المارد الم الما الجراك برابري الجميعذا و ومرفارت الطان والوربعدا عمر ولابت بان دوات فدي فلي فالمحرارة / ایابرل درم بین بی مار دیور و الما مي الفرط المون على أسط المون على الما المون على المون على المون على المون على المون على المون على المون الم ال دورائ جابول وجهان با علف نبی ی بی اور سرا کمتواکروا المامل يكنفل كي أورنمز و المالي المالية المال نادم مورس ما مولال و والناسي كاليا نفاوي و كرآ ادكان اكدوا مي كرا ادم مورس ما مولال و والناسي كاليا نفاوي و كرآ ادكان اكدوا مي كرا بكاكبراما دبيراور ين ين يا مام كرين و المام كرين رويو وارالاما الأورشاني شائيمان ١٩ الماني في المانية الما وروان المراور ما ومن اور المان ورط الماره وس اور معوبدا فلح (agd) 61,55 المروارة القبلة ملا

ت موق دارا قا نین اور که برا که مولتا که ماند برا کام ج ورنظرونتا مين موماره كإلئ تبانبا ادكسنج إيسا أمكرها تمايانها

المن كوروب ها فران كرا در اركان مراع في كرون و المي كان اركان المراد المي المان المراد المي المان المراد الم مع الما المنام فول المناس الم في موريب أورم المراب المراب المراب المراب المراب المراب المرب المر وطور كروان مد كور من الفسلطان مداسي المعالى وعلوان وطور كروان مداسي المعالى وعلوان وطور كالمان والمعالى وعلوان والمعالى وال ورر رادار دخلسه ام کار مواید تعام کا على ما وبلدوانها والمسار المروان لا الارجان إلى ون الروامي و عارف الم بالوقد من الله والمراج والما موالي المارية المفراوق المح عبا ومين ونسولة في المن من المالية المالي وَيَرُونُ وَرَيْنَ الْمُرْتِينِ العرض ما والمعلى المالي الأدروج ليخ جريم جراماه م على المان الله المان ا الم اد عبن بوان الرالم المام وم والمع البير وموسط المرام المرام المرام والمرام المرام ال المراكب المراكبة الم رفعا قعال كارور وسرائي وسول المراس المساور وسرائي المراس ا الوير وتين موزعه Cholisto Ilbe Chies Well Commender المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافي المرافية Missily 4, 1/N! اور جونی فای زوراه المحالة المحالة

مكاء pilen! رای 14 الماك فتكدارك ي محول في بنه مولا

واضي سوكورلهان نوجوان نها مقيصا سوارستي سن ولي فعد مقيار والبقدروراري رفرادلاس كوام ينجف رانا م بوالم نورس العالم يراك واضي كمماء وكوروازولت اوالخ عونا كمرور ركا إرطام ردا الكاسي اكسار الربر فاف به اوزنال علاوتاه عاروم كا مَا اللَّهُ مِنْ اللَّهُ الْحَالِيَّ فَالْمِرِيَّةِ فَالْمِرْمِيْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّ مانور كوفتا كياجت كالاقي موكارا وريا إدارام! دركني إندوم سركم عارفه وعا اوركم عال برا عدد والدين عندي عندين في وفوقة وية المحاريم أو في أرين الورين أمراكم جواست محالفه أيحا أ المحاريم أو في أوراد المراء والأرمول أو المراكم المواسي المراء المراكم المواسي المراء المراء المراء المراء الم لمان والدين كي واربال واه ومربلطان الدين على كابيان معارين بورس العارة عماليان بي موردا المرا معروبه اور عمال عمر في ملطان الوالدين الخاط في بيفر قيد الدير الكام

انارين bil طاكن تعصلايال

This was يمتيه رمير تها ملطان تنوج اسطرف مواافنا رراه ملطان فغو لف كارقر غد كانها كم اناغ را درا ده مطان کا ترسی عمود یا جروجی ماطال میسی ایکنون توسی المراسية ومكما سلطار مروه طاكو تناكم من أما اور محت رسيم كالسريطان كو جروسية ا فاقد مواا وروه ميونيون من كرام الواري ميوناكه جا كرام المراكية والسطاعي الماقة من المرادي ال ع وصر الموسني اور متي مطالح متوان العرام المرام المواد والمحاص المام المرام ال رامه من المركز المركز المركز المحارة المحارة المركز والموري والموري المركز المحارة المحارة المحارة المحارة الم فاركر دملي و واحت كما بداس فلي براوني مي زاح مي تنه بهوريا نه وه مرجا می ترسین مرزبان صنوریکه باس نبی طال تعرف ا من ارا ده قلعم في و كاكراه زبان مروم كار فرفيته اسر كارير ما وسوا كانها الأده منبرسين المد اورایک ایمی سری مکھان فی فتور ایکو پریازی ور کروان و رایک ایران اورایک ایمی سری مکھان فی فتور ایکو پریازی ورایک 1/1/1 روي موران مراك الله ي موي مطال مرمدي اورين من وعا م مراد المام المام وم عورت المهمة التي يقيم أن معران منوم المي اوس علاوروس المرامعة ومفتوح المام وم عورت المهمة التي يقيم أن معران منوم المي اوت مع اوروس عربة كم فرط غرب مرافق ضالط نبودول. البيمة تبن علا كاك والح اله قار حربی ۱ ورافعه مکاری اور کاغذ نیواری اور عال میمات رسیر لیفرای سط دار حربی ۱ ورافعه مکاری اور کاغذ نیواری اور عال میمات رسیر لیفرای سط برب نبخ نفام الدبن كوليا أو بيكيز ما نابين تقيم كالشعراس عصركه الميسوي تصلم To be the state of the state of

برقي المرون ليسط المام الأيار ا بالبر و ملایق بود دو ترکیسال کونواکا و دا دالنهر پسیستورا و بای بن اگر نهر کرمی جُكْرِيجِ بِيرِ أَمَا مُنْ نَهِم مِوالورِ لِتَفْ فَتَمَرَّيُّ مِنْطَعِيْهِ لِإِنْ سِهِ عَلِيمِ عِلْمَ مِي مِيرِيكِ اور تُركِلْ بِالمُلْطِينَا وَمُولِمِا الإنسام عَالِكُ مِنْ مِيرِيمِ الرَّزِيلِ بِالمُلْطِينَا وَمُؤْلِمِ ىنىڭ خىلىدىن يۇ پاكبادىرىكىيىر

مبريح غرز زنهاب في كاموا كم كرف ريد زنيون كامواا ورا تهريخ وصين محرولم كما فبلافرات ما مير تهااناره يو لاكياليا كون طريت كيم كالافتارالدين كم حيام كمرور ده نفس لطاني. آيادة ولطان وزنبرز كاكرمرى يصحيداكردالا علاوالدين فيأكوننره برجوا كالك العين بريروا ما اورا كوجروه ملطان يمن في التي فتن اور في المان كالمناس المدكار يطن كرمان بواكر وبنجر بنا وريهي عانا علي كرامق العدلقة برستق فقص فاتلان الطال بموسط عرصه من وقارظ عظم المعرفة لى بيارى كون المراح والورا في الديس وبدانه موكرف موعلاد الدير مرابكر اولار ملي يم ين المام ون على الماسكات بي على والدين كالماسكار الماسكار الدين الماسكار اوردا المطان الريس في الي مدول مر عوكم ما فيمرا 1/3 910 CM 3911) 1.00.1



باره أوع إي علاقه كدابك الكيواكير وسية عصمان يتراندكره فبليون كيبان من مطال والالدر فلي تفاق سي ميع امريك بلط مؤالدين كيفيا كوا وتماكر سوا ن فهوسلطت کرمینچا جاسیان شهراورعارعایا کورغب پایا الوس كرته تصنيبها اوردارم الني كوصور كركها وطوير ت في وال يك بهراور فلونيا اعدات فوايا بعد جندروز ر فد الشام الراف واكن فعالم مين مهور مواآ دمي شهرك (7.7.), b,

لتأمين بذكوشان مين رواج المرام المرابع كنداجا باتها كومزالدكركج يبن فيكن والطلبي كالأموا تماود بواادرا ام زنوم في كم لاأت نعنا في البرشهمة سبيلين ج الفاهين لرزئ فالمأكوالهواكم عرور ورنخا بواا ورشرب دام أورساع ورفعام وتبره انبأكيا آحوالا مرساري أنها

ومينه كيك بسلطان لم حراليدس كابيان بلطان لاسكى كدكار عايا اورداماً آسودور باكرا داورخوانه بروزها لاتطان كنامي ادغاه دروز ركااط اف كناف Cir. انتئاريا بالورتغريفه المي زبال برعاليميك جاري موي وربطان وحرفطان موحر فافت محمر وسعم سًا كريا چوفراي كال جود او اخوان يريء اسوا و فرياه اورند وروياك تام ع But Ble Wille ملطاق الدرك الدرك الماطاق والدر المراق اوردا فوهرار مركاني نال بن كابعدة بيني ما عرائد ين كه آولا وي المياسي المي كوي وارت المحيث كانتهاان عوفلم بخسنكون مسلف الي رس فوي الورورضي كرف الراده مارم من مراد افعاق ندره مواوروليتهد لطنه كالهاروروا كالمهيئ مغيول ماراكا ورابرخس وبان بالأبان بيئة بن أور والمرس المرس الرارم كي على الدين حدى وراحد مفيد رازي Child sie et المان بالمان بالمان المان الما Series Maria Maria

₹. (i) the state of t

سولا ہجریمر الحی خلفا ع سركا بغداده فلوروانط وقن كيا ما لكر كوفيلاتي رئيسي اوراكتراورت عبارت اوانات عانا تهادورهم محرسا تهرعد النسكه زندكاني كي دورعا با در رايي The state of the s بعيورت سعارمي سازا ماطه مي كدراا ورعا محروف عرفانه نقا اتهائين مي سلطان رُكُر الديكي باك بينتے كي د كليم آئيسرائيا م ملكي اور البيكا كرتي تبي ليكر كويته الدنيري يفتضا المونان وكالان بالماتيكي نهول ت طهورس أسواطيط الم في رفيد بن الدين جود مركن الديث ه زكان كو مع ركس الدين يكوير 1/3/8/8 والن كبا بعد جندروز سيوكو و و يؤويهن فوت بوكوا يام ملطنيه مطانيدني في رضيه كابيا ك ملطان بي بي رفيد بيني مطار / کار الانقالي البسيفاليافت اللي وكبهم كرحين جاسات الخبورا فالارتبا

history مأدم موكوطرف الكت النبل التمضي كدوم بي فززز بتنا ورعكومت معاون كي قبعه لقرفه بن البيكريسي روعية أو الرين الريمو فراد بالريج القابفراه رشفون يي كام الهاوروبل ديلي بن محاربر كبالكن فتي يفيب زيرا للأت شرالين كاميان مسلين الوبريءة اورد وترسم إراكين غرويك 43

سلطان مجمه وسيح كر محرث موسي في نيت نا يوسية اورجي م زند كي سيح احريب عن أرد وتبري ارتح مقوال كي طريق وي موت محري الماري الساح والم باست بصفيح تسول كريشي كرثها نواسك كربلطا ومرسكي بهلاه أوركاتها وكويزكك مي اور سازون فلي كراندين طون ملطال وليون وروادرون كولي من ابذاريج أتي وغليه مرتاع منها وموكر مرا ولارو أوام كام الام الماسي عربي اذانجو فرأزو وتزرك بدره رساطان قط الدين كامال ملقان الدراي علا رزخرمه وملطائ سنها الدسر كالها ورفات بستان كالهرام عالمترا عيفركه ي مقتل مو ملطان الدرك والمقد الرلاموس محتات كلمة كالمادرك رسون المحاور والأورك رسوالا Linde و د مو بر المراب عين جويرب كالمرطبية أم يوكم تت خفالسوط ديما و كي التي استطير الكيمية ال أدرنها سنج الكهول في على عور رفق بركانها النه الكون كالمرابع والأنها المرابع المرابع والمرابع والمرابع بهتما فمهاارين كافوا نفركي فروز كرض ترجلا فانهي واستط فط الدين كيهيجا اوفيا خطاع طان سي في في الدين يز بسروت من في ل كريم ادات كريكاته الكيانين مويتار منزية بالمان بوان مان كيف كيف كيف رساد المناف كا ولا الله في بل أحد كة و عدم اين ميري بامدت عكوت سيسي ميس رس سيسيم ملطف كي جاريس الوريشي عاما جا المسورة والدين الملي اوريسي عاراً ومي غلاموت ملطا مؤرلديو بالم المن المرابع ا المبرز من في عوبه الم ينج بن اول ملكان ماج الدين أنقال فط الدين حرون عجر ومورا ومؤاليك بر الرام المراب 5,000 المراجعة الم

للاطين ٧٠. الورمندراورجة إل وبعنانيدام G

مرون الني ماكوليكي خصوعاكر إوالاصنام بسيسومنا كيوبت ووسي في وافيري بعد قدّا عار دنان ورلا مواور فينوع غرال لام جب للا يدم اصفياً ما يك ما يال كالرام وين لارما بموصل وكراات ولاست كروني وفي كيام في المار اور لطام محرد إر فرنفة حرو جال ظاهري اياز كانها اور مستمار فردوي لوسي محبث مربط مرربيت لهركذرا ما انفال عافيت محمود كاروربيت ليدون رسيم الاحراسية مستع ريز المراج أو رسام رام ع رسال المراج المريد الما أعاميم كوريد الما أماميم كوريد المالية الموجد المالية الم مسرون عمل مد طب المحارث المراج ورسال المام عروب المراج المريد المراج المراج الموجد المالية المرجد المالية الم عه و فرزندار جمنداسکار تلطت بین عازم اسطرف کا نهوالی و بوریک زّاینا اسكا امرارسوروش بم مقام الي موا دوباروار و نه موكروا و جوا غروی کی دی اورزقی بخررين كاموا كرحيدان فعدت بائ فقال معدمتهم كرنية في نصيرتنا كالمعادة كا بي اوضط بين مالك إن الن و يوران اور محارباً الاطبين سر وارت امام زراع بين سي بيد ما ما ما المرام المان من إم فاه را در المراد المي المانية من زوم اس رون دروای نیا اور این با دوا مصار که بدروالا عدس زرك الميام فيرك في وترمير سي أ قيف بين لاسته لكرباط في من بعاناتي عن ماسي جيرين رورنه عالم ها ديكا موا هيزان مراد صف نظام الدين كنحوي كي اور كليله ومنه كالنف لانصري الميمين عبدات سافين في عبر المي خرون بريرة في الميان الومازواسي بوا المراجع المراج The state of the s

ملا لی جو كمرسلطا مين

وزران رتاب مرس البسرك فنوع كالمي سوف واكتيان فريس في الياآيا براتها كدائ مي دوكافير تعنولي كي عنس مرارتهين اوس التريز اركهربارية The state of the s اورخوا ندكت عي زايت بالعرب كوت كي بورا كي والاومني ال را مِنْ على على وق ري كي بهاك طوع لف ورجحدي كي دوالدوامي وي را جعطیرات ربسرطک نربین که این نیم شوشت سلطال مجمر درغزنوی صعیر جها و کا کریج ایمخ آیا سے اسوف قنو بھی میں کو سیائے رہم تھا اور مرت میں درم رت ور حماو نیس کلی اور الامور بني سرب الناسمال وكالمؤس والبطي الواعرون والبارس والم عاكم تير مدان مخوراور صيال على مؤر موري اور سطان على اورصيال كي تعتب Alone W مرئ يرعل كالمام فالمراور بها فالمحار الموت الافرار الأرسي ووالم المريخ في في المراجع في المراجع المراجع المراجع في المر معاور ضراعتني الى التا يما كم لله التي من شرور الربع وزا باب تفارخاك و المراق والمراق ووالما ار ولوسا فعلى المراسو من المرابي منه ولدن الوارزي با والراري في والرابي الميفرت المرابين الروا تر مند المركم والت محل والم والمواد والمركم والماسي الماركان من ومنسك على المراعم على على الموركم موانها الرفت من يكول أمني المروم المرازية المرا اور ملا حد ممان محمعد با وركن مود اور غور بوات وفت مير موبالل انبسال كالل ور ملا در المان محسوب المراب ا شكا بركروا روائي اللم كي داروا رموى خايد د كرمراك كرنين آب الني في المراجع المراج المنازن الم المان

تام الوه اور بشرعاله اور مرسدا وردك إورد ارب متعرف مندوللة بالمرين وجمعا مرتباف وروز كالطن كيامولارس بدر وال تغبه الدكوكم بإنين الديونام المناق أبي أبن الماسية خوج إيكا المالع كم

كيرة إدر ومعاصري شراكان كاور كوا مر فرزه تهيد كلمال جند كاسال كليال جندكلان ببرجونالبطل اوسفاكة in the second of وراص أرخ مواكي يونهود دفار مرس بالدار نام : *دار وسیے* بالدور ن ارب و کریا مقاطع م الرياد المرابع ل کی در تاریخی ایا کرانها قدروز کرایگی سے امار سیج الماريان المرادي المر الوش وزند طبقه موسي وريال دراالي وسريس ك ذاع رسي آولا المرازين أرزار المرازية رام دوناكه وسيه لاراكالهامقرف إي تحت قنوح كاموا مدت عكوت كي تتر i leibil diente ال اور سرمي جا ما جاسي كربرام ميكووت من ماس جري من واسط وريا V. Contraction of the contractio



المدان علية لتكريني وكوزرو زرك كشراع مفسط ويحريني إوراه مع الزياا فراريغ الريغيره كوسيكر راعی بیان کی سیکے بیتے کودی اور اسکوسانیسر دلایت بوران مع مدولارون اراكها والفي وكالمت كارز مكوت كي جرف الدا جرائب كاليال راجرير (الربط بن سي كربيا الرب كراندا درابه صروا سيط با ابك في فرور إلا الا س ورات بهنیا انها درای نیط جی ا در در آرکمانها ه والمعطيم المالية المرادقة بتفواط عير بباتها لمدة تموج يميني وار Chal ا الال والما تداراج كا والوصيف على والمثرن والررسي المراج الماني فالما المحار المرابع المرابع المرابع المرابع و موالمكر بندكان عدد بدار المار المعامل موروار المام مرا المرا إنالها اوروجب فركبا ميذاسكا غوسالها أكرجها كالمواقع كالمواقع والما المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع

Sold State of the الميكنيما ورمد عجرا كي عارسور ركي تبي عبماراج كابيان مهار Jag Jag Lang ئى تەسىمىيىت اورىبى ئا جايىچ بالدنام ئى تارىق ئارىق اورىبى ئا جايىچ بالدنام UV En يا حمله و المبيل الم منهاري والموالي راوررا فرور الما ال فرورا ور بمركة ورا على مراد الم را جول المره صمنابي البيك الادفان الارفان المرتبي بدأه بيرا يكرزانا بين عدرتا بالمات فوقوت م كي كو و متراه كن و زير كا زيا كا اور كويستان جيار كندا و اكوندوارة في روبوش مواا ورابنین نون بن ویژی کیا مت کلوت کیا بندی پنترال لیک ا داج كابهان كام بواالت اودرك كابوق سرات مرسور جاور الحيا و رج کا بیال سور چیام ایک داروس بیکی فدتین رسم و تا ایک تا بیسیم وي فروروك كي سني اولا وكوس كي وي الورث كريم را برطو والم بريدانيك يااور آبيون طرف لران كي والجين بالتي التي كيابيك المهمتان جها رابيك

, . /3 pristration of the contraction o

الوال العالمة وي عرص بن المسلطة في المنه يما المالي المنها المالية المنها المن الاوالي الرائية المرائية المساولي المرائية المساولي المرائية المر المنيما بلاكت عواا ورزيم يبتورا فتركيك نعاري بجانا مواسم راز ادبلي كامواعيد ورا فتركيك نعالاً المنيما بلاكت عواا ورزيم المناطلة ئىسىلايىن غورى غىنىن سىجاڭرىكى قىدىمجار بەلپالىخ كارموضى راين دىنلەر يې با فران روابند کا مواند طفت رکی بینهورای بدره رس کئی جنبی بین ما ناچا بیم کرفت برا بینهورانی حکومت بنود ون کی ماکنند و مسان سی منقطع بو کرط و مسال اطبی کرمند مرکز ا ا وال کااوسکان العداقا له ظاهر مو که راج عبر شعبر الزر سرار می است. انوال کااوسکان العداقا له ظاهر مو که راج عبر شعبر ما ندست کررای به مورانگ منځوراج نرکي کيکه کاب منترجان بنو د ونين منه وراجه رالمانو رنه که ايمال استوراجه رالمانورن که ايمال بس تن وا مخلفه الم منو دسیم چار مرار جارسی آند. بسی تاریخ در این از در مینا کرکر رویا بروی اور بروجل متی از افر کرست مسلطنت را جدیمی بن ورد جرکرا بر یکی در ا ابدار مِرْتُ ترسِيح عم كالطبقات وقوم الصدركي جار بزارا كيجيا في ما يُرمِينًا فأرب راج گورول او را بزطوان کرچار مرارتین میستار المانج میا درب

wision (Fill ودومالام لمجاركا إلى إسلام المرابع المرا بارد بس دومینه کلیمت بن بریس کمباره مبنی زابز سب دو برسس نین ^م مس بن انی جبس بس کیر مبنی و مورس بسيهان كمكرمده ومي المسيم بالبيريس كإره مبني الذي شارع عكراني وكا برجراه وكخرا كرسي بجاس براس المستسيخ است واكد وكل سازيري بان بن براجا بخيران كاجاناس كميار موال شعيداجه وبب كلاوس كيافزرون بباطي راج وسيتكوم بدودي وجورسين كيسكو لمرانيا ويالا يادرا ندشا باز كم كومسان سولك بما كالم المع المع مع طويلط شيكو الدار والمراس وراج ابحاكم وسينجل كا كي فلم البالبالب صل سيدا بينه و كي بُنسي بيط يب كي منا عز بر دوم ني ياجر أيل ولمني راجه بجيس بس بن بن بريج تكريته

اورفواز وامان ندرب كوفراج وماكرتاتها جرافيال منماريك نواز دمي الكسيسة أنهار مرسكار و حيني لوال شيمه مررع دروش اور ریم در درشه خداندر شرکی بعدانها از این سم در یکی در کونے والے دائی ای کسی می فلیل این مرک طبیعی می کردیم کم الکی این می بات می بات کی مینے مرکو پندر کی بن راهم رویم در دستان پرکورا جربواا و رسیر برس ثبن بها خداری رسیما کی اطراعی مترجرت ار عاوه رمرر می نیم فیقری انجاری ملطنب کی جیمی سر آند. میره جهاران ا 1 1 Con Marine المندكون مع ما نهل راح ديمي من الى نبالد صقت طل سي مهاريم The sales والمولاد المولاد المول in Spring June 1

in Egre مقدم

راج دندمريابه وزارس مرته سلانت كونبيكراكاليس رس ميسي مني جهانبا في بيانغذام سور مین و موجی بنیالس سی بن مینے راجه میک اکنا لیون دوم مینے راح میا بیدیں عور میں واقع میں میں مینے راجہ میک اکنا لیون دوم مینے راح میا جود ہ رس جه ما بهر اتبها ميشر رس حرجون المعربة باليشن رست ميني راجا وي بس ميتر رس بالخصيراج انذماكا دن رسرا جررا جيال حمين ريقل به راجر سب مت يم النزلاد اب قبعه مراتا با اور در آیرزوار کرم محکوم ایاکیانها کماغ د در در نیتا نخوت محکوم نماها رنبراتیا د أتحر كارسكونيا مي كيت عن تهوا ما لك لاسيء كماريت اليكوز ، كتال غل يصفي الرودي راج برك كن موا موامل اليسيم ومن الااور المبدانين راكيابات ووسنه بدانها راجرد نه برسیم نا ما در امن اغرین با اس وان ام میکی فرار دای از روج بیجیج بسنوكي تتعريبان ورنهاب كمطرني وزكرح صلكت جوكام رنيابان وارواوي نهمك المناوب المعادية مرا باستوال نشب افیون میسرون نهاره ووسه از بین سی نورور امرای کورمام مساو*ر کینے کر را* جرمون متر حراندریت نینے دیا جرد ارسا بلنت تها ہوا را کوئے۔ م الادالي وغلم أن المرابي و المرابي الم مهي والسيط رفون كيرف في أرامني كي حب تقالم فستين ^{كال}موار (جرمكونت (رمكاه مراز) المتعلن الى مودامال حميا غيدراج كرماجيكم بانين راج كراجب بينك Telle !! ا بركندر بين بن راجه اندر كاكه ذكر اسكا و فيز سوم بن آويج بعد قتل كونت بركوبي الدر المعارب ا قبضه اسكار با اورمهر و فيكمه امام زندكي سيكرانفرام بأنسفرا باد بي اورام أي الموزية المارية المالية المالي A Selection of the sele و المرابع المر Chick the State of the state of

(ť) William Control اخ فَ بَخِيل اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ اللَّهِ مِن اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ يح تهراجر وكأكب مروادا فاكت فرالادف الأنكداداني فأقوجا كمر فابوسكروقت كام اسكاناهم إورا بنواده العبناهطو of life ! راجن يبانين والبرس ومردن Sing Sein ارسره ومنيرج سرسين جيس با راجادبت انبر رسركماره جيني فقط فامل كام راجربا وسيقادب كسيرات مین راج کینے جربام ا دہت ریئر م ااور جربے در وز بنائی اور خور فرا زوا . رنان^{یک} بديروائي براكيك مرمين كيفائها ورزية فرويره وندهر فيموافق عارت قديمزي ونكريكاه ابني كماريها بستصنه ىمال تهدمني چۆتھاشع*ر اج*ردند سراور ايج

کیارہ مبینے ہیں بعد آوسوں براجربرہار حوالدمال نومینے کے بعدراً اوتی بنے سوال اسلام مبینے کی بعدراً اوتی براجربرہار حوالدمال نومینے کی بعدراً اوتی بنے سوال اسال و منین کرد او منی از او بیراد بی ای در اسال می در در منا این را امنی ای رسی کا Election . ت كارني يرق براياسي جوت موستهم عرضتري اصل كي أينه ار آنهي جيت رس في عيد آغا زياط راج وينتر العمار كور السائلة ارتشاعة مرام و الشيخ ا دارند أمرود الباغون المرار التيسيم كيا نورس وها متراس والورس والورس في اولا وسيك بياني ترابي وزررت الراس في مين المرس والمرس و و وسرا شعبه راج رسر و الورس كي اولا وسيك بيا ين را روا به وزارت م مين البراه ما ون رس و مين سبح بعدراً ان ك دسنرالين رس و مين سب بعد معادراً ببرراه ما ون رس مين سبح بعدراً ان ك دسنرالين رس و مين سب بعد مررص بنغين سي المعلام مي المجين المبيان الموديان في سن مين سيكي بدرج ورت البين و دمين اسك بدراس في يغر الأرامي المرام الربر وعمسا بغرب فالبين المجامع الأنار وميني الميك بدرة مراوي بأباليس لتأمين الكيدرة بدرة بدرا وت يجيس 13.513 والمرابع المرابع المرا المُورِ اللهِ المجرية والمراق المراق المراق

The Control of the State City Charles بوسة اورجيشر موافئ عنقال مفر بيروج حيضري مت روانه بكنه لا موالميط كاروا ا وإندوا كي لا نفاق حهتررس وروره دس ومرتب ومرتب كي تنها تراسال روم حدثة تركه وحزير The decision of the contract o مهابي اوروار جاور حرور كندموا ليرزيروا وروا بيس بي المويديال يوريد C.C. C. C. C.C. بان ربحب بن بهمن البون بن الأربي بعدر ونيا كرين مد شتر محاصكر اني فت ركيا وريد كت فوال ورمان في كارفاه رده المسائمة تروك على ما ورد الماه الدور وسر رسالور وتولي يهما أذكا بدويا كالماري أي الركانا وروه مرارت هذا كالمارس ہے بہ ہم جانا جائے کر رہے گا سہ جا حکام دین منودی الیف کی سے سے لاکہ ب اور افرا مراس ندا سوا ورسول می الک و کار اورا فرا الله کار اورا فرا الله کار اورا The second من كورور ورفار وي أرائي كامر كوركيك وسيانا مع مدايا دركها را مسيمي في سازي ي CHL الفيئام الكي مبارتين أدبي والدرارا ين را بريك واواا در ورزانفاق كريم فاين كي كما بهمراجها وجو وخوسالي به ا وربونس م فا عبر دایا د ضط ملطت وربندوب ملك على بن لا يا كهو كوبا را ضاف كانتها رعا يا در را بالتيكية الابعاركم الراس المباركون الموادرات اورم فأبي عي جذر وتم معيط فولاب تسال علف كرشي كري فرا روا بول كوويا ن سيم با فية اوبيدا بوتا بواج اور سفول بي وا مطب<u>ع کیا اور ایخ می تا</u> م قبصر تعرف بی آب لا دار اطفیر بیت بور کویتا بعداس مهم سیم المبيم ومين البين البين المراس عا با كذائقام السيم نون كا بارسي كسير محدوث سعة عصفه و في كورا كالما او المرابع المراب انهول الكراورت مدك مرب وانبرت انظهر رقائه مار سي الله مار الم العنائي المالية المالي

الإيراق المالين Sign Rich إبنا بى يتعاند دفسك (كوكوا به

نا مي نسبيدي و روس کي وروان کتي در اور جوتي و اطريور احراد ي تدريخ الروس زخت و مدايا يكه منسرام بر منبي شيخ يا مدكور الگلس مير مرى الني الموالي ا اور الما الح بينية الميد متر ومرتبين دوراله يم بن الروكن تم ويوات وزما الكالى وال The Control of the Co يو اوريءَ عورت اورو ومرزب أورا ميام المالية المستكم المسال يستي المواكسيني تشكيله ارتي المواك ر تنه الله المالية المراه الموجود المرائد و المراك الماق مقام و اورو المراكم الماق الماق المراد الم عبر المركلان الله اوروره وين مهين يوروم روا مي المين وار داند بينا في المورد عبر المركلان الله اوروره وين مهين يوروم روا آئیں کر در مورین نے ما وری طالع ہے باتا اپ کی خید کیافاق اوروزا کے اکٹیرادی مجموني بالأرام الوال الم الم يرين والم تنها عكراني كي آخر كاروف عهو دلينجا جد تشريب المثلث علنه مري كه آج بك ي بي وطربي عبر في من بين الماوي عالات اسراقليم بنهن موي اور دجر دن اس مو كرمين اراي اور صمنتر طائم مقل موا مفصالين جركيات مها بهارت بن وباس الله مكرية ناسي سي نفع القوام وافيت و مال علم البرا الرام المرابع ال فنضى في زهدا سكاربان فاري يرك بيه اوروجه ميمه ابهات كالبيد كدمها زيان في دِي كَرِيتِ مِن اوربهارت لِرُامِي وسنا بي كراس لِرَامِي بِنِ آوم السِيحِكِيم بي الم مررانجا لاك بنالبر شاراور بعني كتي من مجاز لاك سايس استامرة من رانجا لاك بنالبر شاراور بعني كتي من مجاز لاك سايس استامرة الإلا المالي الموالي المالية كرا بري كرك رمشخص ازانجله جاربهاي اوت فرق طرفداروسي عيد

and the state of t دوم اقاله ملفسم فاقزعام قطحة ۣ ڮڵڒؿؙڒٷڒڔڵڒٷ؇ ؽٳڵۯ؞ڹٷ؆ڂڗؽٷڰ تعل برايك ا ت مدائل كني كني وجروب مع وإلى الداخار ما الماني سرفقرآن بذمين والمكل وفنقرقار كماميع تلارما للات اوردهي مازيكم وفريقا أغير كما وكالمدم اورناهم اسكاكه خرااي بعيامه يح يرشدال يتحاسب اورماده *ى كالبن ايك تقديد او زين و خرجين ادر و وكير و فريك* آخو مين إيا يركن كراكي دوفعو ميمن ورو . .

0.6 رد والبلطنت كارفيت خورشبه نيزنت زيا جا ، كيوان اركا ه زمينه طله Tight Services Conference of the Sun Enter فمرض نورصفر دربت نوره بقرمان المسالم يركب ما المنصور على الاعدارسيليان كاني This they were the state of the رحمت زرة أفبه جركا عرائه بمينسدرت فرمدون ملك مرخم كمار في كيفيادا وركمة Poly to the series of the seri يسهمهان راسكندر فونبنروان عسرموركت ببيرا عاتم زمال يسمره درا حطابوش عطابا Chi Giran خلاق بردركم كم عراي وكن را فيها ربخ وهمن نبر كانتها متعلم حضر روز من سرور مروارية منا China de Compris ملطنة أمبهجان ياوآصغيا وزفاح المائنسة بتأميمه فوخذه عايان نظم أعرار لوبهاوإوروين Contraction of the second سنه باريكا والمنس خروكييني سنان عداستي بها نه غريبي ي بالمان بي بالمان بي بي بالمان بي بي بي بي بي بي بي بي بي بين بروجون بي غباريات مسية الأبيني في عله في بياسورا في ربع بريدة الرجهان بين فك كرفيه فلك بمعدق لسيخ والمنجب يكب قايم بي تخت ارخ جرسكان The state of the s منت مربا ذان صدربر كرتي ربين جنبك جلوس عاكم وفحاكم يا بي ربير جبان ا المرابع المراب وولت الميم موحب عقل و النسسة فرون المسكى مراولا وسيت معمور ا قليم بمان ف المرابع المحاربة المرابع المرا فلداميد الكيورليطا ندوا فاض على لبالمبرز وحسائير الحكام وربيخ وازئه بقراعلا طرازع المالية المالي بالدا قبال فارس فنار دلاوري تيين مسلول عرصه بها دري سحاكيه مع عالي مم نوار عرب مناطرات الفيال مي تين مسلول عرصه بها دري سحاكيه مع عالي مم نوار عربي المور فأوتفي كالجرائي أن لاكاني تريور وان لوقه ولان الني مفر صورت كوست بخوطال سرديها بعد اربا ترفيز عطار والمرور بتنزيبار كارتان تؤندي بمستون بارتباءا رعمنا فأوات فالتجون ببأ آب in a state of the ويوب واستطاله القالق المواللة الماك الفيركم الدائم بما وي عيد كوسيد العربي الريما ور بالزن المالية والمانية والموسل * Kou 1649. 6.3.

W. Salar The state of the s Sorielis S The state of the s B. B. B. 不完 1 101 ادر به المراد ا إدى اه عذائبا فه روز والعدميني محيمصطفي صلاحات اونتي مُلْأَعَلِيْهِ وَعَلَىٰ لِمِ وَصَيِّعِيهِ وَسَلَّمُولَ مَقْفُولِي مِصَاءِ الدَّهُومِ وَلَا أَرْيَ وَالسَّفَظُ النقهوية فلأغوا وسنطسم كالربهر بواحتم فيح نهان ربيب برفات مركي يسياضل رز كاو كاو موم إن برااي وراب خالى أكروه سب برابع أما لعب والمخ شيع جن سأمره بندين وشاخرين عادم الطلب إيب النعوا علامانا مفان تين للحلفي بواس ومهر رجان فك غفر احد د فوسها في تشار الروسي البحري نوي مين بيح هد قط شاره و إن الوال إيان كر الذا علم الهدى على حفرت كما لَيَّا الذَهِمِ أَمُّرَعَ لَكُنَ عُمْ لِإِنْسَانِ مَكَالَ فَعَ عَلَا إِنسَانِ أَنَّ مُسَعَلَى فَيَتَهِ Con The المُنْ صَلَّ اللهُ عَلَيْدِ وَسَرٌّ فَكُلُّ اللَّهُ مِنْ فَعَرَ عَلَيْنِياً صَالَّا لِللَّهُ عَلَيْد The state of the s

The best هوالحرُّ القبوم 55.1096 منسل كانعالى ولينكرون فلعط رسو الكربور رصمحاه نظأم الملك يسرمح ي متا فالبشيس الإمرا فتدار الملك فتدار الدوله بها ورخا البريس فالمجار المراجع Balin and Balling in the state of